گنجینه آثار قم

از سلسله
تألیفات فیض

جلد دوم

گنجینهٔ آثار قم

بنام

قم و مشاهد

از سلسله تصنیفات فیض

با ۲۲۰ کلیشه

چاپ اول

نشریه سال ۱۳۵۰ خورشیدی

قم - چاپ مهر استوار

گنجینهٔ آثار قم

(قم و مشاهد)

با ۲۴۰ کلیشه

دراین کتاب بیش از دویست امامزاده نامبرده شده است

واز یکصد گنبد وبقعه توصیف گردیده است

گنجینهٔ آثار قم

فهرست مندرجات و مطالب قم و مشاهد

به ترتیب بخش‌ها و فصول

شماره صفحه

شرح مطالب

بخش دوم — آغاز جلد دوم

فهرست مطالب کتاب

بخش سوم

بخش چهارم

بخش پنجم

بخش ششم

بخش هفتم

کتاب

گنجینه آثار قم

در توصیف بقاع و مشاهد متبرکه

قم . محلات . ساوه . تفرش . نراق . اردهال . اراک

با ۲۴۰ کلیشه

این کتاب

متضمن توصیف یکصد و بیست اثر تاریخی است

در این کتاب

که مدفن بیش از دویست امامزاده میباشد

از یکصد قبه و بارگاه توصیف میشود

این کتاب

مشتمل بر ۲۴۰ کلیشه است

گنجینهٔ آثار قم

جلد دوم

قم و مشاهد

از آثار قلمی فیض

چاپ اول

چاپ مهر استوار قم - چهارراه شاه

بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس تو ای پاك پروردگار — به جان اندرم تا بروز شمار
به‌یکتائیت هر که‌رارای نیست — خرد را به‌مغز اندرش جای نیست

در دنباله مطالب جلد نخست

که مشتمل برباب اول وباب دوم وبخش نخست ازباب سوم بود اینك ازبخش دوم باب سوم آغاز میگردد بدین تفصیل که :

بخش دوم

در بیان آثار تاریخی محدوده‌سابق شهرستان قم
ازقرون اولیه تا پایان قرن ششم شامل شهرستانهای محلات وساوه‌وتفرش.
وقسمتی از بخش های تابعه اراك که قدیما جزء شهرستان قم بوده‌اند.
متضمن مشاهداردهال وجاسب وآوه درنه‌فصل وهر فصلی مشتمل برچندمقصد وچه بسادارای چندفراز ومقدمه وپیش گفتار.

با توجه به‌اینکه‌مشاهد هر بخشی رابه تبع قدیمی ترین مشهدش جهت سهولت کار خوانندگان دریك فصل طی مقاصد چندی توصیف‌خواهد کرد تا در بخش‌های مختلفه پراکنده نباشند بدین گونه که :

فصل اول

در توصیف ازمشاهد محلات ونیمه‌ور بامقدمه‌ای درچهار مقصد

فصل دوم

در توصیف مشاهد جاسب با مقدمه‌ای درسه مقصد

فصل سوم

در توصیف مشاهد اردهال با پیش گفتاری درسه مقصد

فصل چهارم

در توصیف ازمشاهد آوه با پیش گفتاری درچهار مقصد

فصل پنجم

در توصیف معابد و مشاهد ساوه درپنج مقصد

فصل ششم

در توصیف ازمعابدومشاهد تفرش با مقدمه ای درشش مقصد

فصل هفتم

در توصیف از مشاهد بخش دورآخور اراك با مقدمه‌ای درچهار مقصد

فصل هشتم

در توصیف از مشاهد خلجستان قم درهفت مقصد

فصل نهم

در توصیف مسجدومناره‌های قم باپیش گفتاری دردو مقصد

بدین ترتیب که :

فصل اول

در توصیف از مشاهد محلات
بایک مقدمه و چهار مقصد

مقدّمه

درآستانه توصیف از مشاهد مورد نظر بتناسب مقام باید توضیح داد که نام محلات قدمت تاریخی قبل ازاسلامی ندارد بلکه ازنام گزاربهای قرون وسطی است چه که درتاریخ قم تألیفی اواخر قرن چهارم بنام محلات برخورد نمیشویم بلکه به جای آن ازورقان علیا وورقان سفلی نام برده است که این نام هم معرب ورکان است ورستاق وردارای چندطسوج به اسامی ورکان و ور و نیمه وربوده است که جزء قانون اخیر تقسیمات کشور رستاق مزبور بضمیمه نراق وخمین واردهال ودلیجان شهر مستقلی بنام شهر محلات شناخته شده است .

وسابقاً نراق که درسرراه سلطانی اصفهان بهری قرارداشت برای این رستاق مرکزیت تجاری داشت و اینك نراق از راه اسفالته مزبور دور افتاده دلیجان اهمیت زیادی کسب کرده است .

باری محلات را دو دهکده بنام دیه بالا و دیه پائین بود که بنام ورکان علیا وسفلی خوانده میشدند ودر میانه آنها آتشگده مهر جشسف قرار داشت که آتش آذر جشسف در آن نگاهداری میگشت وحسینیه آقاخان بجای خانقاهی قدیمی درمحل

همین آتشکده بنیان گردیده است که همین تبدیل و تبدل نموداری از تحولات
فکری اهالی و نشان دهنده تغییر عقیده و مسلک مردم آن سامان است .

شهر محلات از مناطق ییلاقی پرآب و مصفای این منطقه و دارای سرچشمهٔ
شاداب و خوش منظری است که از راههای دور برای دیدار آن میآیند و میانه این
چشمه با چشمهٔ فین کاشان که هر دو از منفذ کوه میجوشند از جهات چندی مشابهت است
و آثار و علائمی مشهود است که از وجود یک رابطه مبهم میانه آنها حکایت میکند .

و در دو فرسنگی این شهر در قله کوه منفرد وران آن چند چشمه جوشان است
که بنام آب گرم محلات خوانده میشوند و آب یکی از آنها داغ و غوص در آن مشکل
و بقیه آنها دارای آبی ولرم هستند و در سر کوه حمامهای دوشی ساخته شده است و استحمام
در این آب را مردم دور و نزدیک برای علاج امراض جلدی و پا دردهای مزمن مفید
می شمارند و در آنجا عماراتی برای سکونت مسافرین ساخته شده است که همه روزه
چند ماشین در این راه ایاب و ذهاب میکنند .

وبعضی از متشرعه معتقدند که امام علی الرضا از آن آب نوشیده در آن شستشو
فرموده است زیرا آبی که برای دردها مفید باشد در قم جز این آب نیست .

چه علامه مجلسی روایت کرده است از ابوموسی اشعری که سؤال کرد از
علی علیه السلام از سالمترین شهرها گاه بروزفتن و آن حضرت فرمود سالمترین مواضع
قصبه قم است که میجوشد از آن آبیکه هر کس از آن بنوشد از دردها ایمن میگردد .

وهم روایت میکند که امام علی بن موسی الرضا (ع) از آن آب آشامیده در
آن آب غسل کرده است و از آنجا بیرون آمده است گوسفند ابراهیم و عصای
موسی و انگشتری سلیمان و هم از آنجاست آن گلی که عیسی از آن شب پره ای
ساخت وبروی بدمید تا بقدرت خدایتعالی زنده شد و بپرید چنانکه در قرآن میفرماید

(ورسولا الی بنی اسرائیل انی قدجئتکم بآیة من ربکم انی اخلق لکم من-
الطین کهیئة الطیر فانفخ فیه فیکون طیراً باذن الله)

بهرصورت در داخل شهر محلات که امروزه هردو محله‌اش بیکدیگر پیوسته دارای خیابانهای زیبا وطولانی ومیادین مزین به گل کاری وچمن واشجار ومغازه‌های قشنگ میباشد سه مشهد ودر دهکده نیمه دردو فرسنگی آنشهر هم یك مشهد جمعاً چهار مشهد موجوداست که ذیلا توصیف میشوند.

مقصد نخست

در توصیف از گنبد شاهزادگان یحیی وفضل الرضا

گنبد مورد نظر در کوی بالای محلات و تقریبـاً کنـار خیابان سر چشمه واقع ومزار عمومی است .

در این گنبد اثر باستانی که بیش ازهرچیز توجه باستانشناسان ایرانرا بخود جلب میکند محرابی است ازگچ بری که‌درمتن آن‌تاریخ (ثلثین) یعنی‌سی هجری‌در خوانده میشود چه که درآن تاریخ ازخط ثلث وثلثی نشانی نبوده‌است.چنانکه‌در تاریخچه‌خط درفصل مربوط به تطورات خط عربی درجلد نخست نگاشته‌شد.

نسب نامه مدفونین — اما نسب شاهزاده یحیی را در الواح موجوده فرزند بلافصل امام کاظم خوانده‌است که‌هرگاه گنبدی بنام یحیی بن موسی بن جعفر دربازار سبزاروجود نداشت بلافصلی‌او برای قبول نزدیکتر مینمود امابا وجود مشاهد متعدده منتسب به یحیی در این امر بطور قطع نمیتوان نظرداد .

چنانکه فضل الرضارا هم فرزند همان امام ضبط کرده‌اند درحالیکه هرگاه مقصود از فضل همان فضل فرزند بلا فصل امام کاظم باشد بردفن وی درمحلات با تصریح صاحب مجالس المؤمنین بر دفن وی در آوه نمیتوان اظهار عقیده کرد ودرفصل مربوطه به مشاهد آوه نگاشته خواهدشد که فضل باسه برادر خود به اسامی عبدالله وسلیمان وموسی دریك گنبد مدفونند .

پس اگر مدفونین در این مشهد را دو تن از احفادامام کاظم به اسامی یحیی

وفضل بخوانیم با مشکلاتی مواجه نمیگردیم مخصوصاً که در میانه سادات رضویه عنوان آل الرضا تاچند قرن متداول بوده‌است که باید معتقد شد کـه فضل هم از سادات رضویه قرن چهارم است که بعنوان فضل آل الرضایا فضل‌الرضائیه خوانده میشده است و میتوان گفت فضل فرزند شاه رضا مدفون در قمشه‌یا شهر (شهرضا) میباشد که‌دارای بقعه‌و بارگاه مجللی‌مزار عمومی است . بنابراین باید گفت که فضل‌الرضااز جمله خاندان‌موسی‌مبرقع‌بوده‌است که‌مقام را گنجایش‌ادامه‌این‌بحث نمی بـاشد .

بهرصورت این‌مشهد دارای صحنی گشاده است که چهار جانب بقعه را فرا گرفته‌است‌ومتضمن‌بقعه‌وقبه‌ورواق وایوانهائی است که‌ذیلا توصیف‌میشوند.

این صحن بمساحت ٤٠ در ٤٠مترا‌ست ودرهریك از اضلاع آن نه باب بقعه وحجرات شرقی‌وجنوبی‌آن معموروضلع غربی آن نمابندی ودرمدخل‌آن ایوانی‌و در جبهه آن کتیبه‌ای از کاشی خشتی تعمیری حاکی‌از تجدیدبنا درسال ۱۳۲۰قمری از ناحیه استاد علی است و درب صحن به هشتی یا کریاسی گشوده میشود که دو طبقه ودارای دوحجره وچند غرفه باپوشش عرقچینی است .

بقعه از نقشه‌ساختمان‌بقعه‌امامزادگان که‌بشکل‌صلیبی مرکب‌ازدو سرپوشیده. رومی‌پوش‌هریك بطول ۱۲ مترو عرض چهارمتریاسه‌مترونیم میباشدکه عمودبریکدیگر ساخته‌شده‌اند.

که‌این گونه ساختمان‌های باستانی معمولا آتشکده‌بوده‌اند وازچهار که‌جانب آنهاکانالی‌جهت‌هواکش‌میساختند ودرمرکزتقاطع کانونی‌برای‌آتش‌و روی‌آن راباز میگذاشتند ومغان هم درشاه نشین‌های اطراف می‌نشستند و مدخل آنهم از جانب جنوبی گشوده‌می شدزیراعرض‌این قسمت۳/۵مترو‌عرض‌قسمت‌دیگربقعه‌٤ متر است. و تشخیص این امر برای‌کسانیکه با سبك ساختمان قبه و بارگاه در ایران

آشنایند خیلی ساده میباشد زیرا درساختن مقابر سبک‌هائی چون برجی و مضلع مسدس یا مثمن بی صفه و باصفه معمول بوده است و کمتر میشود که مقبره‌ای بصورت صلیبی در سراسر کشور دیده شود.

بنابر این باید معتقد گردید که بقعه موردنظر قبلا آتشکده ای از آثار قبل از اسلام بوده است که پس از اطفای نارمجوسیت و خاموش شدن کانون آتش آن از ناحیه مجوسیانی که بدین مقدس اسلام گرویده بودند محرابی در آنجا ساخته شده مدتی هم بعنوان مسجد مورد استفاده قرار گرفته است و بعداً چون مکان متناسبی برای دفن شاهزاده یحیی سراغ نداشته اندجسد ویرا درمرکز آن دفن کرده گنبدی هم بر فراز آن ساخته اند و تبدیل آتشکده ها به مساجدهم در ایران امری عادی تلقی میگردد.

ودراین صورت بایستی این بنا باخشت و گل ساخته شده باشد وبنیان آن باسنگ و گچ غیرعادی بنظر میرسد امااز خشتهائی متین وقطور که از آجر محکمتر و پردوام ترند ونظیر آن مسجدی است که درزاویه جنوب غربی مسجدجامع ساوه وجوددارد که در جای خودتوصیف خواهد گشت.

بهر صورت سبک ساختمان بقعه صلیبی ومرکب ازدو رومی پوش دوازده متری بعرض‌های ۳/۵۰ و ۴ متراست که بریکدیگر عمود میباشند ونقطهٔ مرکزی آن یامحل تقاطع که اکنون ضریح نصب شده است، بصورت مثمن مختلف الاضلاع نامنظم در آمده است زیرا نبش‌های چهارزاویه را تراشیده اند در نتیجه چهار جهت فرعی هم یافته است.

ودرزوایای اربعه درخلشهای گوشه‌های بقعه از خارج حجره یانمائی ساخته شده است. که جهات اصلی دو ضلع آن درمدخل دوشاه‌نشین شمالی وجنوبی سه متر و نیم ودوضلع دیگر درمدخل شاه‌نشین های شرقی وغربی چهارمتر ودارای عرض‌های سه وسه متر و نیم میباشد وچهارضلع فرعی حدودشصت سانتیمتر است.

و تمام جدار آن از جرز و بغله و اسپر و طاق سفید کاری ساده و قسمت وسط آن بدهانه ۴/۵۰ و ۵/۵ متر دارای پوششی عرقچینی به ارتفاع هفت متر بدون تزیین میباشد که در هر ضلعی شاه‌نشینی است و از هر شاه نشینی هم دری بخارج گشوده میگردد و جلو آنهم ایوانی نمودار است، تنها شاه‌نشین شرقی که محل محراب تاریخی است بدون در میباشد چه بعنوان مسجد مورد استفاده و اقامه جماعت است.

محراب تاریخی | و در شاه‌نشین شرقی یا مسجد پائین پا محرابی گچ بری است که تاریخ آن گیج کننده دارای کتیبه‌های عمودی و افقی بخط ثلثی برجسته با نقشه محراب شکسته مشتمل بر دو پایه در طرفین و دو قائمه نیم برجی در داخل و پوششی از مقرنس گچی و طاقبندی دو قوسی میباشد.

این محراب به‌دهانه دو متر و ارتفاع سه‌متر از بدایع هنری باستانی و مواریث فرهنگی قدیمی کشور است که حفاظت و صیانت آن حتی از لمس و دستمالی ضرورت دارد که اگر روی آنرا قاب آینه بگیرند بجا خواهد بود.



قبهٔ و بقعه شاهزادگان یحیی و فضل

روی دو پایه برجسته و مضلع طرفین بخط درشتی سوره مبارکهٔ فتح (انا فتحنا لک فتحاً مبیناً) تا جمله (یهدیک صراطاً) در وسط دو خط متوازی برجسته گچبری شده است و زمینه آن آراسته به گل و بوته‌های برجسته ایست که تمام خلئهای آنرا پر ساخته است و کتیبه مزبور جبهه محراب را فراگرفته از جانب دیگر بپائین آمده است.

و جلو طاقبند قوسی محراب سوره مبارکه اخلاص (قل هو الله احد) و روی تیزه

طاقبند جلو دو هلالی نمودار است و در میانه آنها این عبارات گچ بری شده است (عمل بامر علی بن احمد بابویه الدیلمی)

واز این کتیبه چنین استفاده میشود که این محراب به امر علی بن احمد بابویه دیلمی ساخته شده است بنابر این از آثار اواسط قرن چهارم بنظر میرسد .

ودر قسمت پائین محراب بین دوستون برجی با چهار خط برجسته قاب سازی شده است ودر میانه آن درسطحی مستوی عبارات ذیل که متمم جمله بالااست گچ‌بری شده‌است .

« فی ایام امیرالمؤمنین رضی الله عنه سنة ثلثین »

حال مقصود از امیرالمؤمنین کیست واین تاریخ چیست شایسته تأمل بیشتری است چه که درخلافت عثمان وسال‌سی هجری جز خط کوفی ومکی ومدنی وبصری هیچگونه خطی اختراع نشده بود و خط ثلث و ثلثی از اختراعات ابن سهل وزیر مأمون است که بدست ابن مقله در اواخر قرن سوم و آغاز قرن چهارم تحسین و تزیین گردید . بنابر این بایدگفت که جمله (ثلثمائة) ازدنباله کتیبه تراشیده‌شده است وجز این راهی بنظر نمیرسد یعنی ۳۳۰ منظوراست .

ودر زیر این کتیبه دردوجانب آن‌ترنجی فلکه‌ای بقطر ۱۲ سانتیمتر ترسیم شده ودرمیانه آنها چیزی گچبری بوده‌است که حک‌شده‌است‌ودر وسط آن سوراخی‌است که آنهم فلکه‌ای متضمن نام یکی از خلفاء بوده است وبعداً سطح گچ را بکلی تراشیده آنراسوراخ کرده‌اند وچنین بنظرمیرسد که روی آنها اسامی‌خلفای راشدین گچبری شده‌بوده‌است چنانکه شبحی از این نامها هنوزهم‌بچشم میخورد .

و درحاشیه طاقبندمحراب که آراسته بکنده کاریهای جالب است کتیبه زنجیری است که روی آن بخط کوفی بر جسته بطور مکرر فقط نام محمد گچ بری شده است که‌میرساند از آثار سلاجقه‌است.

بنابر این حک اسامی خلفاء براثر تعصبات مذهبی بوده‌است چنانکه نام حضرت

امیرالمؤمنین هم اگر بوده است حك گردیده است.

و چنین نقل شد که این محراب روی اسپر شاه نشین جنوبی بود و چون در آنجا میخواستند دری بگشایند آنرا از جای کنده قطعه قطعه کرده بدین مکان منتقل ساختند درنتیجه قسمتی از آن شکسته و از بین رفته است.

و بعید نیست قسمت اصلی را مانند محراب سلطان اولجایتو در مسجد جامع اصفهان که قبلا مثل آنرا ساخته بودند تا محراب اصلی را بربایند منتها در آنجا بر انجام نقشه خویش توفیق نیافتند ولی در اینجا کتیبه ایرا ربوده چیزی مشابه آن را با نواقصی تهیه کرده بجای آن نصب کرده باشند تا کسی بر این جنایت پی نبرد که تنوع خطوط حاشیه با متن هم این نظریه را تأیید میکند.

و بقرینه ثبت نام خلفای راشدین میتوان اظهار نظر کرد که این محراب درسال ۵۳۰ ودوره نفوذ اتابکانی چون ساتماز وقایماز حنفی مذهب ومتعصب ساخته شده باشد وچه بسا که از نام علی تهی بوده است.

و ناگفته نماند که یکی از دوستان، کتیبه دو هلالی روی محراب را بجای (عمل بامر علی بن احمد بابویه الدیلمی) چنین میخواند (عمل خز علی بن احمد بابویه الودیلی) که باید دقت شود وعبارت صحیح از سقیم ممتاز گردد.

لوحهٔ سنگی و بر فراز محراب لوحی از مرمر نصب و روی آن عبارات ذیل بخط برجسته ثلثی حجاری شده است.

«فی سنة ۱۳۳۹ حسب الامر سرکار بندگان شامخ الارکان جناب آقای آقامیرزا فخرالدین دامت برکاته این بناو گنبد اصلاح وبه استادی و معماری کربلائی علی بناء اتمام پذیرفت بتاریخ محرم الحرام عمله استاد محمد حجار کاتب...»

لوح کاشی و روی جرز شرقی در نبش صفه جنوبی لوحی از کاشی بدیوار نصب شده است که بخط نامرغوب بنفش رنگی عبارات ذیل در زمینه آسمانی روی آن نوشته شده است.

(هذه الروضة الشریفة المنورة و المشهد المقدسة للسیدین الشریفین الحسیبین النسیبین یحیی بن الامام الهمام موسی الکاظم و فضل الرضا علی آبائهما التحیة و الثناء عمل سیدحسن کاشی العبد احمد و محمود محلاتی فی سنة (لایقرء) .

و در حاشیه آنهم اسامی چهارده معصوم خوانده میشود.

گنبد

اما گنبد روی بقعه بقطر تقریبی ۷ و ارتفاع ۹ متر سراپا کاشیکاری تعمیری و بصورت شلجمی و از آثار عصر صفویه است و در منتها الیه قسمت استوانه‌ای عنق آن کتیبه‌ایست از کاشی خشتی بخط سفید ثلثی درزمینه لاجوردی که روی آن سوره مبارکه فتح و دردنباله آن آیة الکرسی نوشته شده است .

لوح صندوق منبت و ضریح

و در وسط بقعه مرقدی است به ارتفاع یک متر که بااضلاع بقعه مسامت نیست زیرا ساختمان مزبور شمالی و جنوبی است و بنای مرقد مسامت قبله و به اندازه سی و چند درجه ازخط شمالی جنوبی انحراف دارد و روی آن صندوقی است منبت از آثار عصر شاه تهماسب صفوی و جلو آن ضریحی است باپایه‌های فلزی وشیشه‌پوش که برحسن منظره بقعه پنج چندان افزوده است و در داخل آن پشت شیشه سیم کشی و لامپهای برقی الوانی نصب کرده‌اند که ازجلال و شکوهی خاص برخوردار میباشد .

اما صندوق باپلها وپایه های منبت کتیبه دارتنگه‌های خانچه پوش مزین به کنده کاری دارای کتیبه‌هائی افقی و عمودی است که اخیراً بدنه آنرا نقاشی و رنگ کاری کرده وروی کلمات آنرا هم مشکی ساخته بعضی کلمات ریخته آنرا هم به‌سلیقه خود به‌اشتباه رنگ آمیزی ساخته اند و صندوق عتیق را بصورت صندوق جدیدی تجلی داده اند .

روی پایه‌ها بطور عمودی سوره مبارکه انافتحنا منبت شده است .

و درپیش روی آن (طبعه استاد غیاث الدین علی بن استاد محمد بن استاد باباعلی نجار اصفهانی - کتبه العبد بهزاد بن احمد کمال کاتب .

ودر پشت آن (شمالی) عبارت (وقف کرد بنده شاه ولایت امیر ولی ابن سلطان محمود ابن پیر حسین المحلاتی سنة سبعین و تسعمأة سنه ۹۷۰
وبالای سر در روی ضریح بخط مشبك فلزی عبارات (یحیی بن موسی الکاظم. فضل الرضا ۱۳۴۷) بطور برجسته روی پایه‌ای فلزی نصب گردیده است:
ودر همین جهت روی پل صندوق (السلام علیکما یا یحیی بن موسی الکاظم و یافضل الرضا علی آبائهما التحیة و الثناء)
التماس دعا دارد سید تهرانی نقاش.
ودر پائین (ناد علیاً مظهر العجایب *تجده عوناً لك فی النوائب* کل هم و غم سینجلی بولایتك یا علی یا علی یا علی.
بعلاوه سوره مبارکه کوثر (انا انزلناه) و آیه شریفه وان یکاد الذین کفروا لیزلقونك بابصارهم لما سمعوا الذکر - تا - تواباً).
وروی خانچه ها آیات و عباراتی چون (افوض امری الی الله) «شاهزاده یحیی» (شاهزاده فضل) (یا من یحب الصابرین) (اسامی علی بطور متعاکس) جدیداً نوشته شده است ولی کنده کاریهای یادشده سابقه باستانی است. که حفاظت از آن محراب و این صندوق در این بقعه ضرور بنظر میرسد.

مقصد دوم

در توصیف از گنبدهای شاهزاده موسی وغیره

گنبد مورد سخن در دامنه کوهی در ارتفاع ده متری از سطح زمین و مشرف به حسینیهٔ آقاخانی و خانقاه سابق (عصر صفوی) در ده پائین واقع است.
مدفونین در این بقعه سه تن از سادات رضائیه از احفاد موسی مبرقع و از فرزندان امام جواد به اسامی شاهزاده موسی وستی امامه وفاطمه خاتون میباشند که

از این خاندان جلیل درقرن چهارم افرادبسیاری درمحلات متوطن بوده‌اند .
این مشهد مشتمل بر یك بقعه با دو قبه ویك غرفه وسه تالار و یك ایوان و یك صحن بایك مقبره قدیمی است .

بقعه

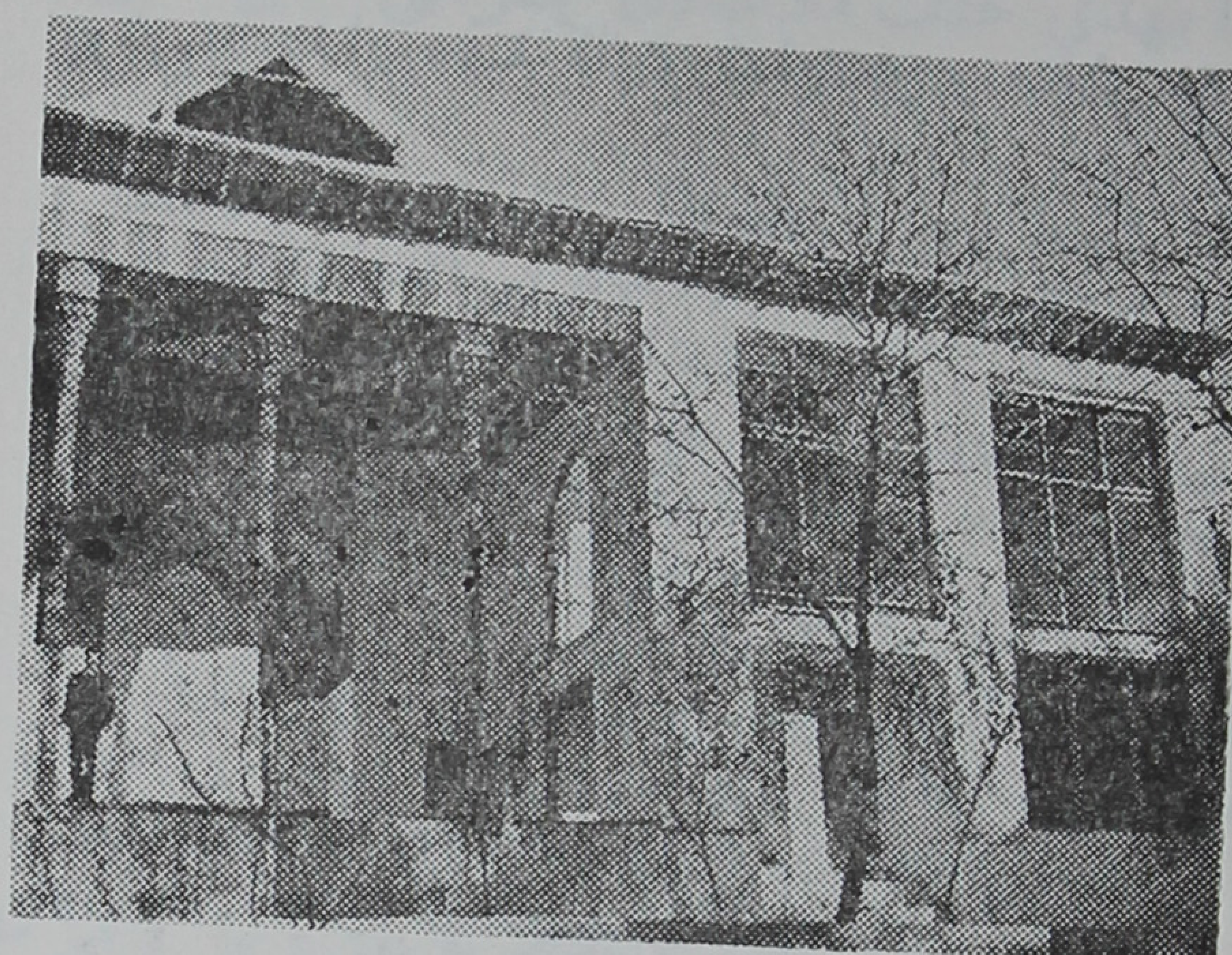
اما بقعه از آثار باستانی واز ابنیه قرون اولیه مشتمل بر دو چشمه بعرض ۴ و ارتفاع ۷ و طول ۱۰ متر است که در امتداد آن غرفه زیبائی مشرف بر حسینیه قرار دارد که‌این غرفه ازحسن منظرخاصی برخوردار است .

سبك ساختمان مربع و دو قسمتی باجداری از سنگ و گچ ودارای دو گنبد است که در زیر گنبد شرقی شاهزاده موسی و در زیر گنبد غربی بانوان نامبرده مدفوننـد .

اماضریح آنان‌درزیرقبه‌شرقی نصب‌شده‌است‌وچشمه غربی که ازجنوب‌وشمال دارای دودرب ورودی‌ودرضلع غربی آن‌غرفه‌واقع‌است فاقدضریح میباشد .
این‌بقعه ازچهار جانب محاط به‌تالاروچندایوان‌است وبدنه آن‌سفیدکاری فاقد تزیینات کاشی‌وگچبری‌است که‌جرز فاصل‌بین دوچشمه‌باطاقبندمیانه دوقبه‌قدری‌پیش آمدگی دارد و این دوقسمت راز یکدیگرمتمایز میسازد و بین دو جرز نرده‌ای از چوب نصب گردیده است که مدخل‌بقعه شرقی از گوشه آن گشاده میگردد .
مرقدآنان‌درون‌ضریح‌وساده‌وضریح آن‌مشبك‌وبدون کتیبه میباشد .

دوگنبد

وبر فراز هرچشمه‌ای قبه‌ایست ازهرجهت همانند یکدیگر که درسبك‌بنا میانه مشاهدنظیر آنها دیده‌نمیشود .
این قبه ها بشکل هرمی کوتاه با عنقی مضلع به ارتفاع ۱/۸۰ متر از آجر باستانی آراسته به‌کاشیهای دوالی فیروزه فام و قسمت هرمی آن به ارتفاع سه متر دوازده ترکی سراپا مزین بـه کاشیهای دوالـی است کـه در مـواضع معینه



آن با کاشیهای دوالی الوان اسامی جلاله تجلی دارد.

ولی شکستی در آن راه یافته که باید با بستن کمر بندی از خرابی آن جلوگیری گردد و تعمیر آن برای حفظ سبك ساختمان که مشابهی ندارد ضرور بنظر میرسد.

تصویری از حسینیهٔ آقاخانی مجاور بقعه

تالار جنوبی

وهم سطح بقعه در ضلع جنوبی بقعه‌ها تالاری است زیبا با نازك کاری‌های نجاری بطول ۱۲ و عرض ۴ متر بادو پوشش که پوشش زیرین آن تخت و از تخته قاب بندی و خانچه سازی منقش و جالب و در جلو آن هفت ستون چوبی مضلع باسر ستونهای مقرنس چوبی است ولبه آن آراسته به کنگره‌های زیبا و از آثار سال ۱۲۳۱ و از هر جهت مشابه تالار حسینیه آقاخانی و کار یك استاد و در یك زمان و از آثار آقاخان محلات پیشوای اسمعیلیه میباشد.



و جلو تالار راه پله ایست سنگی با تخته سنگ‌های طبیعی و در پای تالار نهری جاری است و کنار آن اشجار چنارهای کهنی است که برحسن منظر تالار افزوده‌اند.

تصویری از بقعه شاهزاده موسی

ایوان و تالار

و در جانب شمالی دو بقعه ایوانی است بدهانه ۴٫۵ و طول ۹ و وارتفاع ۷ متر تیر

پوش باجدار سفید کاری نمابندی و منقش به تصاویر سربازانی با تفنگ در حال مراقبت و کشیك که نیز از آثار آقاخان مزبور است که در دوران حکومت خود در قم در عصر سلطنت فتحعلی شاه ساخته است .

و مدخل بقعه در گوشه اسپر جنوبی ایوان است که برای ورود به بقعه باید از چند پله بالا رفت و برفراز درگاه آن کتیبه ایست گچ بری بخط نستعلیق سفید برجسته در زمینه زرشکی که دو بیت ذیل روی آن خوانده میشود .

سجده گاه ملك وقبله شاهنشاهیست — بی ادب پا منه اینجا که عجب درگاهی است
که بر افلاك کند فخر و مبارك جائیست — تربت پاك بود مدفن فرزند جواد

و جلو و لبه این ایوان آراسته به کنگره‌های چوبی است که در داخل حوضچه‌های بیست و هفتگانه آن عبارات و آیاتی بخط مشکی روی تخته نوشته شده است بدینگونه .

الهی از عمل من شرمسارم — بـرحمت های تـو امیدوارم

یادگار استاد حسین نجار خلف علی اصغر (۱۲۳۱) (هو الحی الذی لایموت) (اسمعیل بن علی)

و در جانب غربی تالاری است تیرپوش و تخته کوب منقش دارای دوستون از آجر مضلع و روی تخته‌های آن کتیبه‌هائیست که بواسطه سرایت رطوبت شسته شده چنانکه قابل خواندن نیستند و برفراز مدخل بقعه عبارات ذیل گچبری شده است .

(عمل میرزامهدی نراقی غره محرم ۱۳۰۶)

و در جانب شرقی هم تالاری است بدهانه ۷ و عرض ٤ متر و ارتفاع ۷ متر نیز از تخته پوش با کتیبه‌های بسیاری که غالباً پاك شده و آنچه خوانده میشود چنین است .

درزمان دولت جاوید مدت پادشاه اسلام پناه ناصر الدین شاه خلدالله ملکه بسعی واهتمام جناب آقای سید صادق و نادر العصری استاد علی اکبر بناء مجدداً هر دو گنبد شاهزادگان واجب التعظیم تعمیر آن به انجام رسید فی سنة ۱۳۰۳)

(هـوفـی سنة ۱۳۰۶ عمل میرزا مهدی خلف ملاصادق نـراقی اقل خلق

الله حسن).

صحن و مقبره و در سه جانب بقعه صحنی است که ضلع غربی آن بدون دیوار و مشرف بر حسینیه است و در جانب شمالی آن محاذی ایوان بقعه مقبره ایست کوچك و باستانی بصورت مربع متساوی بدهانه ۳/۵۰ و ارتفاع ۵ متر که بازدن نیم طاقی در زوایای اربعه صورت آنرا بشکل فلکه ای تبدیل و باطاق گنبد عرقچینی و سفید کاری را بالا برده اند و در وسط آن مرقدی است موزائیکی تعمیری و جلو بقعه ایوانی متناسب.

که مدفون در این مقبره متصدی خانقاه (یا حسینیه مجاور) بابا کمال الدین است که در عصر صفویه از شیوخ متصوفه بوده است .

مقصد سوم

در توصیف گنبد شاهزاده عبدالله بن امام صادق

گنبد مورد سخن در محله پائین محلات و مدفونین در این گنبد بعقیده نگارنده دو تن از سادات جذوعی عریضی از احفاد حسین رقی ابن احمد بن علی بـن جعفر عریضی یکی ابو عبدالله حسین جذوعی ابن احمد بن حسین مزبور و دیگری علی الاصم فرزند وی میباشند که جد شاهزاده اسمعیل مدفون در بیدقان قم و عموزاده سید علی بن حسن عریضی (علی بن جعفر) مدفون دردرب بهشت بوده انـد که مؤلف تاریخ قم برورود آنان بقم خبرداده است ولی تا حین تألیف آن تاریخ (۳۷۸) در قید حیات بوده اند .

بنابراین باید گفت از فرط استعمال نام ابوعبدالله به عبدالله و نام علی الاصم به علی اکبر تبدیل شده است .

ولی درالواح موجوده یکجا ازمدفون دراین بقعه بنام عبدالله و درجای دیگر بنام علی اکبر نامبردار شده اند و برای یکنفر دو علم قائل شده اند درحالیکه مدفونین

دراین بقعه دو تن هستند و پدر و پسر ند.

بقعه بهر صورت بقعه مورد نظر بشکل مربع متساوی الاضلاع بدهانه ۸ وارتفاع ۹ متر مشتمل برچهار شاه‌نشین هریك به دهانه ٤ و عرض ۱ متر است که از هر کدام بجزشاه‌نشین غربی دری به خارج گشوده میشود.

جدار بقعه سفیدکاری بدون تزیین وگچ بری است.

ودرچهار زاویه‌بقعه نیم طاقی بالاآمده صورت چهارضلعی را به هشت‌ضلعی تبدیل نموده وقدری بالاتر بشکل شانزده‌ضلعی و بالای آن فلکه‌ای شده‌پاطاق گنبد عرقچینی بالاآمده است.

جداربقعه دارای نقاشی‌رنگین غیرممتازی است که در سه ترنج آن‌عبارات‌ذیل حاکی ازتعمیرونقاشی جدار داخلی توسط استادان‌آن چنین نوشته شده‌است.

(عمل استاد عزیزالله ۱۳۴۳ -عمل استاد ابوالقاسم ۱۳۴۳)

سیف‌الله نصیری

دروسط بقعه ضریحی مشبك و درون‌آن مرقدی ساده‌و بدن کاشیکاری ساخته شده است.

درهای ورودی بقعه یکی چوبی وقدیمی مزین به‌گره‌سازی‌اما بدون کتیبه‌و دو درب دیگر آهنی وجدید میباشند.

گنبد وبرفرازبقعه گنبدی‌است کلاه‌خودی به‌قطر۱۲وارتفاع۱۲متراز آثار قرون‌وسطی که‌دراصل آجری بوده‌است‌واینك آراسته‌به‌کاشیهای خشتی‌تجدیدی‌است که‌درشکم‌برآمدگی آن‌چندترنج‌بیضی‌نمودارودرون آنها‌با‌کاشیهای‌الوان‌دوالی آیات «نصرمن‌الله وفتح قریب» و «انا فتحنالك فتحاً مبیناً» به اضافه اسامی پنج تن درهر ترنجی‌یك‌نام خوانده میشود.

ایوانهای سه‌گانه درسه جانب‌بقعه ایوانی است که ایوان شرقی‌به دهانه ٦ و عرض ۴ و ارتفاع ۷ متر سرا پا سفیدکاری ودر دوجانب

بالای درگاه ورودی آن کتیبه ایست گچبری بخط نستعلیق برجسته بازمینه گل و بوته‌دار که روی آن ابیات سست ذیل خوانده میشود .

این در بارگاه باشدو خلق — جبهه سایند درگه و پیشگاه

با کمال ادب قدم بگذار — سربسا در قدم زیارت شاه

چون هزار و سیصدو چهل و یك — رفت از هجرت رسول الله

امت آماده مرمت شد — بهر این قبه سپهر پناه

به استادی مشهدی ابو القاسم، کاتب محمدعلی

عرض حاجات خویش را بنمای — بسر بارگاه عزت و جاه

سبط احمد سلاله صادق — حضرت شاهزاده عبدالله

اما ایوان شمالی بدهانه ۶ وعرض ۴ و ارتفاع ۷ متر باپوشش ضربی رومی از آجر بابدنه سفید کاری که‌درسردرگاه عبارات ذیل گچبری شده است .

دلا اگر طلبی در زمانه قرب الاه — متاب روزدر شاهزاده عبدالله

اما ایوان جنوبی باهمان مساحت وارتفاع دارای سقف تیرپوش وجدارساده کاه گلی است .

بالجمله ازسبك بنای بقعه و قبه چنین استفاده میشود که از ابنیه قبل از دوره صفویه میباشد .

مقصد چهارم

در توصیف ازگنبد شاهزاده اسماعیل و غیره

واقع درقصبه نیمور

باپیش گفتاری درموقع نیمور

پیش گفتار

قصبه نیمور درعداد وورکان درجانب شرقی کناررودخانه قمسر راه‌شوسه محلات ودوفرسنگی آنشهر واقع است ویکی از سهمیه داران آب رود خانه است که مالکینش به‌تقسیم آب بین پنج وشش تسلیم نشده درشش‌روزیکه آب رودخانه

برای مزارع حومه شهر روان میگردد و کلیه سدهائیکه در وسط رود خانه برای بردن آب بسته اند شکافته میشود این قصبه سد و بند خود را نمیگشاید و آب شهر را رها نمیسازد و بدینجهت قرب چهل سال قبل گروهی از کشاورزان شهر تا سر بند مزبور رفته با وجود مامورین ژاندارمری کارشان به پیکار منتهی و یکنفر کشته و جمعی مجروح شدند که این تشاجر سابقه ممتدی دارد و قضیه (الحق لمن غلب) درباره این دو گروه صادق است زیرا هر زمان مردم قم قدرت میبابند بند نیمور را می گشایند و هر دوره ایکه مالکین نیمور کسب قدرت میکنند مانند ظل السطان و پس از آن چون مرحوم صدر الاشراف محلاتی (وزیر و نخست وزیر و سناتور) و تیمسار جوادی از رها ساختن آب امتناع میورزند.

و این قصبه در مسیر جاده محلات و خمین و خونسار (ثلاث پائین) در برابر ولایات ثلث بالا واقع است و پل باستانی آن با چهار چشمه از سنگ و آهك و آجر هنوز پابرجا است ولی پل سیمانی جدیدی هم در نزدیکی آن بنیان کرده اند که راه شوسه ازفراز آن میگذرد و از برق و آب لوله کشی برخوردار و میانه دلیجان با محلات واقع است.

در این قصبه مشهدی است که تا چند سال قبل بواسطه ضعف بنیه مالی اهالی واحیاناً سستی عقیده و ایمانشان مخروبه شده بود ولی اخیراً به همت نیکو کاری بنام ایلیای اصفهانی رونق و جلوه متناسبی یافته است.

مدفونین در این مشهد که بطور مسلم دو تن از سادات بزرك حسینی از احفاد حسین اصغر ابن امام زین العابدین و نیاکان ملوك ری هستند و با امامزاده داود و امامزادگان مدفونین در مشاهد ورامین و شمیران و فیروزکوه پیوند فامیلی دارند بعقیده نگارنده بظن قوی شاهزاده محمد و پدرش اسمعیل بن ابراهیم بن اسمعیل منقذی ابن جعفر صحصح ابن عبدالله بن حسین الاصغر که پسری هم بنام ابراهیم یعنی قاضی شرف الدین ابراهیم داشته که نامبرده در سلطنت عضدالدوله دیلمی از ناحیه وی در

سال ۳۶۰ هجری قمری در فارس به‌ریاست دیوان مظالم یاقاضی القضاتی کشور وسمت نقیب النقبائی سادات ایران انتخاب گردید و عظمت وحشمت ، مکنت و ثروتی کم‌نظیر داشت ولی این قاضی شرف الدین جدای از قاضی شرف الدین ابراهیم ثانی است که‌نیز درعهد اتابکان نقیب النقباء وقاضی القضات بود وازناحیه اتابك ابوبکر مورد مؤاخذه و مصادره قرار گرفته بخراسان هجرت کرد و در سال ۶۶۳ از آنجا علیه اتابکان خروج کرده بجانب فارس راندو بتفصیلی که‌نگارنده درخلاصة المقال نگاشته است بقتل رسید.

وبه احتمال میتوانگفت که مدفون دراین بقعه شاهزاده محمدبن علی هادی بن ابی زیدبن علی کیاکی بن قاضی شرف الدین ابراهیم اول یعنی برادراسمعیل وعقیل مدفونین درفیروزکوه باشد که بافرزندخوداسمعیل بن محمد دریك بقعه مدفونندو بنا براین باملوکری پسرعم میشوند و مشاهد ورامین وشمیران و امامزاده داود هم از بنی اعمام ایشانند .

وچنین بنظر میرسد که نامبردگان از نقبای رستاق وربوده دارای مقبولیت تامه و محبوبیت عامه درقرن هفتم بوده‌اند .

بهر صورت این مشهد متضمن یك بقعه بـا مرقد و ضریح و ایوان و قبه و صحن است.

اما صحن مزبور که به‌مساحت ۴۰ در ۲۸ متر با نمابندی خشت وگلی وچندحجره کاه‌گلی مسکن خادم بقعه است که امیداست مانند سردرب ورودی بخودیاری اهالی کریم قصبه‌نوسازی وعمران گردد.

بقعه وقبه

امابقعه به‌صورت مربع متساوی الاضلاع بدهانه ۷ وارتفاع ۹ متر ازابنیه قرن هشتم بنظر میرسد که درهرضلعی از آن صفه‌ای بدهانه ۲/۵۰ وارتفاع ۳ متر و عرض

۸۰٪ سانتیمتر ساخته شده است و از آنمیانه عرض صفه شمالی که جایگاه اقامه جماعت است دومتر میباشد درصورتیکه قبر را قبله قراردادن خوش‌نما نمیباشد.
و بر فراز هر صفه‌ای صفه ایست فوقانی فاقد راه پله که برای زیبائی ساخته شده است .

جدار بقعه سراپا از جرز واسپر وبغله‌ها وپوشش‌های صفه‌ها سفیدکاری تعمیری بدون تزیینات کاشی وگچبری ودر چهار زاویه بقعه نیم طاقی بالا آمده است که صورت مربع را به هشت ضلعی تبدیل کرده است و بر فراز آن به هیئت شانزده ترکی درآمده دراین قسمت شانزده نما ساخته شده‌است وبالای آن بشکل فلکه‌ای درآمده پاطاق گنبدعرقچینی بالاآمده است .

گنبد

و گنبدبالای بقعه مخروطی شکل واکنون آجری است ودارای عنقی هشت ضلعی و آجری است ولی کاشیهائی برای تزیین آن از ناحیه ایلیای اصفهانی که دارای کارخانه کاشی سازی است آماده‌شده‌است که تاچندماه دیگر سراپا کاشیکاری خواهدشد.

وروی کاشیهای موجوده کتیبه‌ایست بخط ثلثی سفیددر زمینه‌لاجوردی که‌روی آن سوره مبارکه جمعه (یسبح‌لله) نوشته شده‌است که البته در کمربند گنبد نصب خواهد گشت .

ایوان

و در جنـوب بقعه ایوانـی است تحت تعمیر از نـاحیه ایلیابدهانه ۶وعرض۴ وارتفاع ۷ متر که باتیر آهن‌پوشیده خواهدگشت‌و کتیبه آن‌از کاشی متضمن آیةالکرسی هم نموداراست که‌در کمربند آن نصب میگردد .

و در دو جنب ایوان چند حجره دو طبقهٔ مخروبه است که آنهم با همت اهالی در آینده بخواست خداوند متعال تجدید خواهد گشت تا مجموعه این ابنیه نوسازی‌وهمرنگ شوند .

فصل دوم

در توصیف از مشاهد سه گانه جاسب

در سه مقصد

با پیش گفتاری در موقع جغرافی آن

پیش گفتار

در موقع جغرافیائی جاسب

گویند بخش جاسب را بدانجهت بدین نام خوانده‌اند که در دورهٔ اشکانیان جایگاه اسب‌های سوارکاران و تعلیف دواب آنان بوده‌است از این‌روی به‌نام (جای اسب) خوانده‌شده‌ازکثرت استعمال باتخفیف (جاسب) گفته شده‌است.

این سرزمین در جلگه‌ای محدود ومحصور به کوههای چهارجانبه وبه‌شکل مخروطی دنباله دار یا قیفی است که‌لوله پائین آن به‌جانب جنوب قرارگرفته‌باشد وبیجگان درمدخل جلگه‌دریك‌رأس‌مثلث وزرو گروگان‌در منتهاالیه‌آن‌هریك‌زاویه‌ای از مثلث را تشکیل میدهند.

این حصار ودژطبیعی به‌جبالی‌نسبتاً بلند بابدنه‌ای شاقولی‌و کنگره‌دار که‌بمثابه باروی قلعه وبرآمدگیهائی بمنزله بروج آن باخال‌های رنگینی چون مزقل‌های قلعه

احاطه گردیده دارای هفت دهکده معمور و هفتهزار سکنه میباشد که بر این تعداد در فصل تابستان نیم‌چندان افزوده میگردد .

این دهکده‌ها به نامهای بیجگان ، هرازجان ، وشتکان ، وسفونقان ، واران ، زر ، کروگان است و معموره واران در قلب این قراء و مرکز این بخش میباشد .

کوه‌های اطراف این بلوك (بلکٹ) طوری صاف و شاقولی است که قابل صعود و نزول نیستند و راه ایاب و ذهاب به این بخش سابقاً از سه طریق باریك مالروی بود که از سه گوشه آن یعنی از دهکده‌های زر و کروگان و بیجگان به قراء کرمجگان و فردو و نراق منتهی میگردید که اکنون راه زر به کرمجگان از داخل یك دره تا حدی تسطیح و برای ایاب و ذهاب ماشین آماده شده است ولی با مختصر ریزش باران و جریان آبی غیر قابل عبور میگردد بنابراین راه ماشین رو همیشگی این بخش از کف دره ایست که بنام رود از نـا شهرت یافته است و به راه اصفهـان نزدیك دودهك منتهی می گردد و این راه هم باریزش برف بسته می‌شود و چه بسا چند ماه قابل عبور نباشد .

این رود خشك یادره تنگ که آب آن از فاضل آب برف و باران در بارندگیهای بهاری و زمستانی است در میانه دورشته جبال مرتفعی باپیچ و خمهای چندی امتداد دارد و کوه‌های طرفین آن بمشابه دیوارهای حصار بلکه کاخهائی مطبق دارای درهای بسیار و غرفه‌های بی‌شمار میباشد چنانکه گوئی غرفه‌های چندطبقهٔ‌ای در امتداد یکدیگر با برجها و مزقلهای بسیار و کنگره‌داری ساخته‌اند و برای تفنن در عبارت مینگارد که پیچ و خم دره در این مسیر و تنگی و گشادی آن بر آمدگیها و فرورفتگیهای بدنه دو کوه تصادفاً صورت جاسب را تجلی میدهد چنانکه گوئی این دره را با حساب معین و به قدر معلوم از سطح کوه کنده و بشکل حروف چهارگانه حفر کرده‌اند و مانند آنستکه با خامه بر روی نامه‌ای نام جاسب را نوشته باشند که باید از بالا بر این دره نگریست و عکس برداشت تا صحت و سقم ، صواب و خطای تشخیص نگارنده

در این باره کشف شود .

علاقه مردم بیجگان به شئون دینی

در اینجا متناسب دید که شمه‌ای پیرامون بیجگان و علاقه مردمش به شئون دینی بنگارد تا سایرین هم به ایشان تأسی کنند ولا اقل مشاهد حوزه خویش را تعمیر و تزیین کنند تا از اجر شرکت با سلیمان بن داود در بنای بیت المقدس برخوردار شوند .

از رودخانه ازنا (۱) که وارد این سرزمین میشوند نخست به دهکده بیجگان در کنار جاده میرسند که زیاده معمور و حداقل هزار تن سکنه دارد اما همگی علاقمند به شئون دینی و شعائر مذهبی چه در این قریه نه باب مسجد و یك مشهد آباد وجود دارد و از میانه مساجدش دو مسجد جامع و کرسی از بناهای مجلل و زیبا و باستانی هستند.

اما مسجد جامع سالن وسطش بطول ۱۸ وعرض ۸ و ارتفاع ۷ متر با سقفی تیرپوش بر فراز چهار ستون چوبی قطور زیاده زیباست و در اطراف آن صفه‌هائی دو طبقه با جدار کاه گل مالی قرمز رنگی مزین به گل های گچی ساخته شده از ضلع شرقی آن سه درسه متری ازسی به حیاط مسجد گشوده میشود .

اما مسجد کرسی از بناهای خشت و گلی عصر صفوی بدهانه ۱۰ در ۱۴ متر با سقفی تیرپوش و سه ستون چوبی قطور دارای دهلیزی است دو طبقه که غرفه‌های آن بجانب مسجد گشوده میشوند و ضلع شمالی آنرا سه درب ارسی پوشانده است.

و در جدار شرقی مسجد درون طاقچه‌ای لوحی سنگی بدیوار نصب شده است که بخط ثلثی برجسته مرغوبی روی آن عبارات ذیل حجاری شده است، در صدر نام جلاله (الله) و قدری پائین تر اسامی محمد و علی و در حاشیه اش اسامی ائمه معصومین و در متن آن :

قد بنی هذا المسجد الرفیع فی ایام السلطنة السلطان سید الاعظم الخاقان الافخم

---

(۱) ازنا بکسر الف و سکون زاء منقوط، به اصطلاح محلی بر دره تنگ پر پیچ و خم گویند ولی ازناو نام ناحیه ایست درهمدان و از ناوه اسم دهکده ایست از قراء اردهال.

السلطان بن السلطان ابو المظفر السلطان شاه طهماسب الصفوی الحسینی بهادرخان خلدالله تعالی ملکه و سلطـانه خادم الفقراء خـواجه امیر احمد بن خواجه محمد بن الشیخ البیجقانی فی منتصف شهرشعبان سنة اثنتین وستین وتسعمائة .

که از ناحیه ثقة الاسلام آقای میرزا قوام اسلامی پیشوای بلوك تحت تعمیر بود و برای حفظ این لوحه به ایشان توصیه گردید.

واز این بلوك علماء وعرفاء و رجالی برخاسته اند که مقام را گنجایش ذکر آنان نیست .

ودر این بلوك سه مشهد از قرون اولیه وعصر صفوی وجود دارد که در سه مقصد ذیل توصیف میشوند .

مقصد نخست

در توصیف گنبد عون بن علی

در کروگان

مدفون در گنبد مورد نظر ، امامزاده عون بن علی بن ابیطالب خوانده میشود اما نمیتوان گفت که فرزند بلافصل آن امام باشد وحتی اورا از احفاد وی هم نمیتوان خواند زیرا عون در عین آنکه پسری بنام حمزه داشته است اورا بلاعقب ذکر کرده اند.

گنبد مورد سخن در دامان کوه وخارج دهکده کروگان وبنائی است باستانی بدون ایوان که آنرا از خارج بشکل مضلع ولی بدون نبش بنا کرده اند در نتیجه مشابه برجی نمودار است وجدار آن از سنگ وگچ بنیان گردیده است وسبك بنا به آثار قرون اولیه میماند .

دهانه بقعه ۴/۷۰ و ارتفاعش ۶ متر واز داخل بصورت هشت ترکی است کـه استخوان بندی جدار بشکل مربع بوده است ودر زوایای چهارگانه اش باافزایش جرز

یا نیم‌طاقی شکل آنرا بصورت مثمن درآورده‌اند .

وچنین بنظر میرسد که سطح بقعه‌را چندمتری بالاآورده باشندزیرا نیم‌طاقهای چهارزاویه بسطح کنونی بقعه‌نزدیك وبصورت طاقچه‌های‌زمینی‌یا گنجه درآمده‌اند چه نمیتوان گفت که از ابتدای امر این‌نیم طاقها رادر سطح زمین بقعه زده باشند .

ودر کمرگاه بقعه دو تیر بشکل‌متقاطع بصورت بعلاوه ازداخل دیده میشوند که سروته‌آنها ازجدار بقعه درخارج نمودار است‌واین تیرها در اکثر ابنیه کهنی که با سنگ های تخته‌پوشانده‌شده باشندچون بقعه‌شاهزاده‌اسمعیل بیدقان‌نیزدیده‌میشوند.

در جدارداخلی بقعه‌چهار درگاه‌نموداراست که به‌جزیك‌در، بقیه‌مسدودشده اند وروی هردرگاه در اضلاع اصلی نمائی‌ساخته شده است وبالای‌آنها صورت‌مضلع به فلکه ای تبدیل وپاطاق گنبد عرقچینی بالا آمده است .

وپوشش آن ازسنگ‌های‌تخته‌ای‌وگچ‌است‌و جدار بقعه‌سفید کاری ·

وگنبد آن بشکل‌عرقچینی است که در مرکزآن گنبدچه‌ای جره‌ای (و کوزه مانند) آراسته به کاشی ساخته اند و چنین بنظر میرسد که این گنبد جره‌ای بعداً برآن افزوده شده باشد .

وبر تارك این گنبد چه، چراغی‌ماهتابی بصورت (الله) نصب‌گردیده است که شبها روشن‌ونورافشان است .

و در وسط بقعه مرقدی است، بابدنه سفید کاری که جلو آن ضریحی مشبك نصب گردیده است .

و در این بنای باستانی تزییناتی دیده نمیشود فقط از جنبه قدمت حائز اهمیت وشایسته‌حفاظت‌است .

مقصد دوم

در توصیف گنبد شاهزاده اسحق

در کنار بیجگان

گنبد مورد توصیف در دشت کبودوخارج بیجگان و از آثار باستانی عصر صفوی‌است که جدارش باسنگ‌وخشت و پوشش آن باسنگ‌تخته‌ای‌ساخته‌شده‌است.

در این بقعه دو امامزاده به اسامی اسحق و عیسی از احفاد امام صادق با خاتونی بنام مریم که مادرعیسی خوانده‌می‌شود مدفوننده‌چه که بقعه‌بنام‌عیسی‌بن‌مریم شهرت یافته‌است.

وچنین بنظر میرسدکه مدفونین در این گنبد ابوالحسین عیسی بن علی بن حسن بن عیسی الرومی بن‌علی بن حسن العلوی مدفون به‌دربهشت قم ازاحفادعلی بن جعفر العریضی بامادرش مریم‌وسیداسحق ازسادات موسوی‌باشند.

که‌این‌بقعه هم‌ازناحیه ثقةالاسلام آقای اسلامی تحت‌تعمیر ودر شمالی آنهم رواقی تیر آهن‌پوش‌دردست‌ساختمان‌است.

بقعه مزبور بصورت مربع‌متساوی الاضلاع‌باسه‌درب‌ورودی وجدار سفید کاری‌ومنقش‌رنگین بدهانه ۵ر۵۰ متر و ارتفاع ۷ متراست که درچهار گوشه آن در ارتفاع ۴ر۵۰ متری‌نیم‌طاقی بالا آمده‌صورت آن ازچهار ضلعی به‌هشت ضلعی تبدیل‌یافته و در این قسمت هشت نما ساخته شده است‌وروی آن‌فلکه‌ای‌شده‌پاطاق گنبدبالاآمده‌است.

ودر مدخل باب‌شمالی رواقی تیر آهن‌پوش وجدید ساز بدهانه ۴ در ۶ متر و در مدخل درب جنوبی ایوانی تیر پوش فاقد تزیین بدهانه ۶ و طول ۶ر۵۰ متر دارای الواح قبوری سنگی وقدیمی باتاریخ نهصدوهزار (الف) با ابیاتی حاکی

از توسل به معصومین است .

و در جانب شرقی بقعه هم ایوانی است چشمه پوش و نسبتاً قدیمی با تالاری در جلو آن که نیز تحت تعمیر است.

گنبد

و برفراز بقعه گنبدی است هرمی به ارتفاع ۷ متر با عنقی دو متری و مضلع آراسته به کاشیکاری معقل و رأسی مزین به کاشیهای دوالی فیروزه فام که بنایش از عصر صفوی و تزییناتش تعمیری است.

صندوق منبت

در این بقعه اثر نفیسی که دیده میشود صندوقی است منبت از آثار صفویه که حفاظت آن ضروراست و این صندوق مزین به کنده کاری بانقوش گل و بوته و کتیبه های افقی و عمودی به خط ثلثی بر جسته به اندازه ۲ در ۱ر۲۰ متر وارتفاع ۱ر۲۰ متر که در پس ضریحی مشبك وقطور از چوب سبز رنگ قرار گرفته چنانکه بعضی از کتائب آن دیده نمیشود و آنچه که خوانده میشود احتمالا با مختصر اشتباهی چنین است.

در پیش روی صندوق (عمل مفخر الصناعان استاد اسدالله بـن استاد میر علی واستاد قاسم بن سلطان علی زری و استاد محمود نجار کروگانی سعی بسیار نمود باشتاب) .

و در پشت سر باریخته گیهای چندی ازحروف و کلمات (نذر نمود این صندوق بجهة ائمه معصومین وعیسی بن مریم .نور الله بن هبت الله و آقاجان بن محمد بن عبدالله نیموری و فریدبن ابراهیم طیب الله رمسه بتاریخ شهر محرم سنة تسع وثمانین وتسعمائة من هجرة النبی) .

با احتمال اینکه عبدالله نیموری وفرید چون ازپشت ضریح بخوبی دیده نمیشوند کلمه مشابهی با آنها باشند .

و دربالای سر (درگه این عالی عمارت در آستانه متبرك که شاهزاده عالی تبار سلطان اسحق بن الامام موسی جهت آفتاب اقبال دولت و بقای سلطنت شاه عالم-

پناه فرخ بارگاه سعید دستگاه ظل‌الله السلطان بن السلطان ابـو المظفر شاه سلطان محمد خدابنده .. عالیجاه معلادرگاه برسرشیعیان‌مستدام بماناد ونرجوالله قل آمیناً در تاریخ شهرمحرم‌الحرام سنة تسعةوثمانین وتسعمائةمن هجرةالنبی) .

که میرساند این‌صندوق نیمی‌برای‌عیسی‌بن‌مریم ونیمی دیگر بجهت اسحق بن امام کاظم بعمل سه استاد هنرمند محلی از ناحیه چند نفر بنامهای نورالله بن هیبت‌الله وآقاجان نیموری‌وفرید ساخته‌شده‌است.

و درپائین پا(نادعلیاً مظهر العجایب ،تجده عوناًلك‌فی‌النوائب، کل‌هم و غم سینجلی بولایتك یاعلی یاعلی).

و روی پل‌های‌قسمت پائین آن از چهار سوی صلوات کبیره بر معصومین چهارده گانه منبت گردیده‌است که‌ابتداء (اللهم صل علی‌المصطفی محمـد) و در پایان (وعلی الزکی الحسن وحجةالقائم‌محمد صاحب العصرصلاتاً)خوانده‌میشود.

مقصدسوم

درتوصیف‌بقعه‌شاهزاده‌محمد

دروشتکان

بقعه مورد نظر در خارج دهکده و شتکان که اگر ریشه آنـرا بهشت مکان اخذ کنیم اسمی با مسمی خواهدبود قراردارد ومدفن شاهزاده محمد نامی ازاحفاد امام‌کاظم است .

بقعه مزبور کوچك و باجدار خشتی ازبناهای قبل ازعصرصفوی‌وبصورت مربع‌متساوی‌بدهانه ۳/۵۰ و ارتفاع ۵/۵۰ مترو درهرضلعی‌نمائی کم‌عرض‌است که از هر نمائی دری به خارج باز میشود و در چهـار گوشه آن بـاساختن نیم طاقی صورت‌چهار ضلعی را به‌هیئت فلکه ای در آورده پاطاق گنبد عرقچینی آنرا بالا

آورده اند .

تمام جدار بقعه وپوشش آن سفید کاری و منقش رنگ آمیزی شده غیر ماهرانه است و درهرزاویه‌ای طاقچه‌ای کوچك وقدیمی بنام (چراغدان) ساخته و گچبری شده که زیبااست .

و درمیانه بقعه ضریحی مشبك از چوب و درون آن مرقدی است سفیدکاری که دو پارچه کاشی باستانی بجای لوح مزار به اندازه ۶۰ در ۶۰% روی آن قرار داشته است وچنانکه نقل کردند روی آن نام شاهزاده محمد و تاریخ ۹۸۰ بخط برجسته خوانده میشده‌است وچون به‌تازگی از بقعه‌مزبور تعمیر شده است معما ر متصدی امر تعمیر آن سلیقه به‌خرج داده این کاشیهارا کنده برفراز درگاه مدخل شرقی بقعه نصب میکنند متأسفانه چون روز بعد برای ادامه کار میآید جای آنرا می بینند زیرا کاشیهای مزبور راسارقین اشیاء عتیقه شبانه کنده وبرده بوده‌اند وازاینگونه خرابکاریها در دهکده هابسیاررخ میدهد که احدی هم متعرض نمیشود .

باری از این بقعه چهاردرب بخارج گشوده میشود ودرمدخل هریك ایوانی ساده وکوچك افزوده شده است زیرا بنای اولیه فاقد ایوان بوده است .

وبر فراز بقعه گنبدی است عرقچینی از تخته سنگهای کشیده که روی آنرا گل اندود ساخته اند .

و درشرقی آن گورستانی است وسیع با الواحی سنگی و قدی و باستانی دارای تاریخ نهصدتا هزاروصد که‌روی آنها به‌خط برجسته مرغوب یا متوسطی نام متوفی واسامی معصومین وتاریخ فوت حجاری شده‌است .

واینگونه مظاهرفرهنگی و آثارهنری اعم نجاری خانچه سازی در بقعه نخست ومنبت کاری وحجاری بویژه قطعه سنگ قبری بشکل سنگاب که‌در کنار جادهٔ رسمی محاذی قریه بیجگان درمیانه گورستان قراردارد که‌ازنظر صنعت حجاری و کنده کاری وخط ثلثی زیاده ممتازاست از ذوق سرشار وقریحه بیدار مردم روستا نشین دراعصار

گذشته حکایت میکنند که اینك همگی در خواب فرو رفته اند ونیازمند تشویق برای بیداری است .

وتعجب درآن است که صندوقهای مشاهدمتبرکه و درها و منبرهای باقیه از عصر صفویه همگی از آثارهنرمندان روستانشین بوده اندو چنین میرسانند که هنرمنبت ـ کاری ونجاری استادان ده نشین از شهرنشینان بدرجات بهتر وزیباتر بوده است .

چنانکه طی توصیف گنبدهای شاهزاده اسمعیل بیدقان و معصومه کهك و مشهد باوره وخلجستاق نگاشته خواهد گشت .

فصل سوم

در توصیف از مشاهد اردهال در سه مقصد
با پیش گفتاری در بیان مزایای آن

پیش گفتار

سخنانی پیرامون اردهال و ستایش ائمهٔ دین از آن

بلوك اردهال (دارای هفده دهکده معمور) از آغاز پیدایش و استقلال شهر قم از اصفهان جدا و به این شهر پیوست و قرنها هم تابع قم شمرده میشد و ارتباط و اتصال اردهال باقم تاحدی بود که تولیت مشهد بارگرسب را هم به متولی آستانه فاطمیه واگذاشته در دولت آل تیمور برای این دو بقعه یکنفر متولی میگماشتند که بعضی از متولیان منصب امامت جمعه مسجد امام قم را هم عهده دار بودند و اهمیت بقعه خاکفرج چنان بود که در فرمانی که برای تولیت بقعه ستی فاطمه صادر میشد ، به تولیت خاکفرج هم تصریح میشد .

وپس از رسمیت مشروطیت وتقسیمات کشوری از نظر تعیین وکیل وانتخاب نماینده بخش اردهال را ضمیمه کاشان ساختند .

ودرقانون اخیر تقسیمات کشور چون محلات ازقم مجزی وبنام شهر مستقل شناخته شد بخش اردهال و نراق و دلیجان و پشت کوه را ضمیمه آن شناختند .

اما این تحولات و تطورات در امور معنوی تأثیری نمی‌بخشید و اردهال از دیدگاه ائمه دین جزءاراضی ممدوحه ایست که به اقامت در آنجا توصیه گردیده هنگام بروزبلایا وفتن بعنوان‌مهد امنیت معرفی ودرروایتی آنرا باقم همردیف‌ساخته (فعلیکم بقم وحوالیهاوالاردهار) فرموده اند .

چنانکه امام علی‌الرضا ضمن گفتگوئی بامیهماندار خواهرش فاطمه معصومه در قم بنام موسی‌بن خزرج از وی میپرسند که اردهال را میشناسی عرض میکند مرا درآنجا دومزرعه ملکی است دراین موقع تا سه نوبت میفرمایند (نعم‌الموضع الاردهار) خوب موضعی است اردهال (فالزم به وتمسك به) .

وازمشتركات‌این‌دوموضع كه‌بگذریم جالب آن‌استكه‌حضرت‌امیرعلیه‌السلام ازپناهندگی مردم قم‌گاه بروز ناامنی به‌کوه اردهال پیشگوئی میکند وآنجارا مأمن مردم قم‌معرفی‌میفرمایدچه‌درخطبه‌ملاحم که‌پس‌ازجنگ‌جمل‌انشاء‌کرده‌درباره‌خروج سید حسنی از طبرستان وگسترش دائره فتوحات وی تا نیشابور و مراجعت وی از آنجا به سوی‌اصفهان ومقابله ومقاتله وی بامردم‌قم‌وقتل‌رجال‌وغارت زنان‌پیشگوئی کرده از پناه بردن قمیان به جبال اردهال خبر می دهند .

که این گونه‌روایات ازموقع بلنداردهال حکایت میکنند .

مقصد نخست

در توصیف مشهد امامزاده سلطانعلی

دربارکوسب

در‌پنج فراز بامقدمه‌ای درحالات وی ومدفن واعقاب وی وسنت قالی شویان

مقدمه

درموقع ممتازسلطانعلی‌بن‌امام‌محمدباقرومدفن‌واعقاب‌وی‌بااشاره‌به‌سنت‌قالی‌شوئی

درجلالت قدر وعظمت منزلت علی‌الطاهرابن امام محمدالباقر تردیدی‌نبوده از اینکه علمای انساب ویرا از اصحاب امام صادق خوانده اند اعتراف وی به حق امام‌زمان‌خود نیز ثابت میگردد .

مدفن سلطانعلی

اما درمسئله مدفن علی‌الطاهربین‌جعفریه بغدادبابارکرسب اردهال اختلافی است که از قرن ششم تولید شده است یعنی درقرون اولیه علمای نسابه یااز مدفن وی‌سکوت کرده‌اند ویا درجعفریه بغداد ذکر کرده اند ونخستین مؤلفی که بردفن وی در مشهد بارکرز حوالی کاشان خبر داده است صاحب کتاب النقض میباشد .

امـا از قدمـای علمـای انسـاب و مؤرخین کسانیکه از دفن وی در بغداد خبر داده اند یکی علامه نسابه موثق و معتمد سید تاج‌الدین‌بن زهره حسینی است که در کتاب‌انساب خویش بنام غـایة الاختصار مطـالبی آورده است‌که ترجمه‌اش چنین میشود .

علی‌بن محمدالباقرراجزدختری فاطمه‌نام فرزندی نبودکه اورا هم امام‌کاظم به حباله نکاح کشید و مقبره اش در محله جعفریه بغداد درظاهر سور قرار داردکه در زمان ما مخروبه شده مسکن فقیران شده‌است و طـولی نخواهد کشید کـه آثار آنهم محو میگردد .

و دیگری مؤرخ شهیر ابن نجار (محب‌الدین) است که در تاریخ خود از کشف قبر وی درجعفریه نیز خبرداده است مفاداً چنین آورده‌است که:

در محله جعفریه قبری قدیمی کشف گردیدکه‌برفرازآن لوحی ازسنگ افتاده بود وروی آن عبارات ذیل حجاری شده بود .

بسم‌الله‌الرحمن الرحیم‌هذاضربح الطاهرعلی‌بن‌محمدالباقرابن‌علی‌بن‌الحسین - بن علی‌بن ابیطالب علیهم‌السلام .

وقسمتهای پائین آن محوی وغیرقابل قرائت مینمود پس شیعه کرخ بر روی آن ساختمانی از خشت و گل بنا کردند و این بقعه بمرور فرسوده و مخروبه شده بود تا آنگاه که علی بن نعیم شیخی از مستوفیان و کتاب دیوان که مردی شیعی ومتدین بود به جای آن قبه جدیدی بنا نهاد و آنرا با زینت هائی بیاراست و قندیلهائی از مس در آن بیاویخت اما اکنون اثری از آن مشهود نیست.

و سایر کتب انساب از جمله عمدة الطالب و انساب الطالبیه (مجدی) و جمهرة انساب العرب ولباب الانساب و نهایة الانساب در باره مدفن علی بن محمد الباقر بسکوت گذرانیده اند و برای او یك دختر بنام فاطمه ذکر کرده‌اند که زوجه امام کاظم گشت واورا از اصحاب امام صادق خوانده‌اند بنابر این بر دفن علی الطاهر فرزند بلافصل امام باقر در بار کرسب دلیل متقنی وجود ندارد.

مخصوصاً باتوجه به اینکه شیخ عبدالجلیل رازی قزوینی در کتاب النقض هم که برای ارائه مظاهر ایمان شیعه تالیف شده هدفش تعیین صحت وسقم اینگونه مطالب نیست پس از ستایش از مردم کاشان و مساجد ومدارس معموره آن چنین آورده است که.

وعمارت مشهد امامزاده علی بن محمد الباقر به بار کرز که مجدالدین فرموده است در آن حدود بازینت وعدت و آلت ورونق ونور وبرکات و اوقاف بسیار و آنرا همه سلاطین وملوك وامراء ووزراء، خریدار ومعترفند.

که مقصود مؤلف احداث عمارت این مشهد از ناحیه مجدالدین برای اثبات عقیده و ایمان مردم کاشان است بدون آنکه در صحت مدفن وی در این مشهد اظهار نظر کند.

وهیچکس هم نمیتواند که وجود یك چنین عمارتی را در بار کرسب منکر شود اما بر دفن آن امامزاده در این نقطه معین مستندی در دست نیست.

وپس از ذکر بنای این عمارت در کتاب النقض، صاحب ریاض العلماء وصاحب مجالس المؤمنین وصاحب روضات همگی به استناد گفته وی بر دفن علی بن محمد

الباقر دراین مشهد اظهارنظر کرده اند یعنی بجز بیانات صاحب النقض دلیل دیگری وجودندارد که آنهم بروقوع اصل مثله دلالت ندارد.

چنانکه از لحن محدث قمی در کتاب منتهی الامال جلد ۲ صفحه۷۹ این امر بخوبی مشهود است چه که چنین آورده است .

آنچه که درزمان مشهوراست قبر علی بن محمدالباقر در ناحیه کاشان درمشهد اردهال است ومعروف است به‌شاهزاده سلطان علی وتأیید میکند بودنش را در این مشهد آنچه که دربحر الانساب است تاپایان.

ویا درمنتخب التواریخ به‌استنادنقل کتاب روضات الجنات ازدفن وی درحوالی کاشان خبر داده است مقصود آنستکه متأخرین هریك ازدیگری نقل کرده‌اند بدون آنکه مستند قدیمی دردست داشته‌باشند .

ودرمقابل آنهم تصریح ابن زهره درغایة‌الاختصارومؤرخ ابن‌نجار بردفن وی درجعفریه بغداداست .

ونیزعدم تعرض مؤلف تاریخ قم‌ازورودوی به‌حوالی قم‌با اینکه فصل مستقلی برای ورود سادات منظور نموده است و از ورود سادات حتی کسانیکه نسبتشان با چندین‌واسطه به‌امام منتهی میگرددنامبردار شده است که سکوت وی بزرگترین دلیل برعدم ورودوی بقم میباشد .

وهمچنین سکوت امام صادق‌ازدفن برادرش‌دراردهال‌درروایاتیکه اردهال را میستایدونیز سکوت امام‌علی‌الرضا.

باتوجه به‌کشف این‌قبر درقرن ششم ونداشتن‌هیچ سابقه تاریخی وعدم‌تعرض مؤلفین ازطرز اکتشاف قبر ودلائل‌مثبته آن .

پس باید برای دفن وی در بـارکـرسب تنها بگفته صاحب کتاب النقض استنادجست.

که درمقابل چون‌روایات وارده درباره‌اردهال‌از ذکرنام‌علی الطاهر ابن‌امام

باقر ساکت هستند و مؤلف تاریخ قم هم که در سال ۳۸۷ تالیف گردیده است از ورود وی بسرزمین قم خبر نداده است درصورتیکه از ورود کلیه سادات حتی کسانیکه تا امام چندین واسطه دارند خبرداده است مضافاً براینکه عده ای هم بر کشف قبر وی در جعفریه بغداد تصریح کرده از خرابی و عمران آنهم خبر داده اند چون مؤلف غاية الاختصار ومحب الدين بن نجار گفته صاحب النقض هم مثبت مدعی نمیباشد .

چه که بسیار مستبعد بنظر میرسد که مثلا امام علی الرضا از اردهال بستاید وازعم پدر خود علی الطاهر که با یك چنین فاجعه خونینی بعزشهادت رسیده باشد نامی بمیان نیاورد.

ویا امام صادق باتصریح بنام اردهال از قتل ودفن برادر خویش که از صحابه خود اوهم بوده است دراین محل اسم نبرد.

مخصوصاً عنایت به کشف قبر منتسب به او در اوائل قرن ششم پس از قرنها استتار ونداشتن سابقه تاریخی که نگارنده ازجزئیات اخبار اکتشاف این مقبره بی‌اطلاع است وتنها کسانی میتوانند دراین باره نظر صحیح وصریح بدهند که از ماجری وقوف بیشتری داشته باشند همینقدر بنای مشهدی بنام وی از ناحیه مجدالدین وزیر که نیز مورد تصریح وتأیید سید ابوالرضا راوندی است چه قصیده مستقلی دراین باره سروده است و این قصیده درصفحات ۱۲۵ تا ۱۲۷ دیوان وی درج شده است وعنوان قصیده چنین است

(قصيدة فى بناء مجدالدين لمشهد بار كرسب)

قصیده ایست درباره بنای مشهد بارکرسب از ناحیه مجدالدین قابل انکار نیست.

اعقاب علی الطاهر ودراینکه علی الطاهر ابن امام باقر را اعقابی بوده است یا نه اختلاف بینی است اما دراین اختلاف از یکجانب عقاید کلیه علمای انساب بر آنستکه وی را بجز یك دختری بنام فاطمه فرزندی نبوده است که او هم در حباله نکاح امام کاظم (ابن عم خود) درآمد باتصریح به جمله (لم يعقب سوى بنت) ودرجانب دیگر خبر بدن ومستندی حاکی از اینکه احمد بن علی بن محمد الباقر

مدفون به اصفهان پسر او است و یا اینکه بعضی از متولیان مشهد در عصر صفویه خویشتن را از احفادوی ذکر کرده‌اندکه البته کفه‌نخست‌می‌چربد و کفه ثانوی‌زیاده سبک بنظر میرسدونگارنده منکر وجود چنین بقعه‌ای دراصفهان نیست ولی‌فرزندی ویرا نسبت به سلطانعلی با تردید تلقی میکنند .

چه‌که باگفته صاحب بحر الانساب بدین صراحت که (علی‌بن محمد الباقر لم‌یعقب‌سوی‌بنت)چگونه میتوان برای گفته صاحب ریاض‌العلما ، بدین عبارات که (اعلم‌ان‌السید‌الجلیل‌السعید‌احمد المعروف بامامزاده احمد المقبور فی محلة باغات‌باصبهان قدکان‌ولد هذاالسید الجلیل فلا تغفل) اعتباری قائل گردید بااینکه باتأکید دراین باره اظهارنظر کرده است‌که امامزاده احمد والداین سید جلیل‌است زیرا برطبق مدعای خود هیچگونه مستندی نداشته وذکر نکرده است .

حتی مینویسدکه برروی قبروی لوحی سنگی است‌که روی آن بخط‌کوفی عبارات ذیل حجاری شده‌است .

بسم الله الرحمن الرحیم کل نفس بما کسبت رهینة، هذا قبراحمدبن علی - بن محمدالباقر تجاوزعن سیئاته‌والحقه‌بالصالحین»ودرخارج‌بقعه‌قطعه‌سنگی بردیوار نصب‌گردیده است‌که ازذیل‌سنگ فوق شکسته شده‌و روی‌آن چنین کنده‌شده‌است.

(آمین رب‌العالمین بتاریخ سنة اثنتین وستین وخمسائة)

مخصوصاً باعنایت براینکه تاریخ ۵۶۲ درآخر لوح مطابق معمول ازتاریخ فوت صاحب لوح حکایت میکنند نه ازتاریخ حجاری یابنای بقعه ومعقول نیست‌که فرزندسلطانعلی که‌متولدقرن‌دوم یااوائل‌قرن‌سوم‌است‌تانیمه‌دوم‌قرن ششم‌درقید حیات مانده باشد .

واماسایرساداتیکه‌بعضی‌ازمؤلفین‌آنانرابدون‌مستند ازاعقاب‌سلطانعلی خوانده اند درصورتیکه لوح قبری هم ازآنان دیده نشده است که حاکی از این انتساب باشدتا بتوان گفت که‌خودشان‌درباره‌خویش‌چنین‌معتقد بوده‌اندچهارنفرند.

یکی سید رکن‌الدین مسعود است که میگویند دردولت شاه اسمعیل صفوی متولی‌این مشهدبوده است متوفی ۹۶۷ م اقضی‌القضات امیر کمال‌الدین عبدالرزاق کاشی که در سلطنت شاه خدابنده قاضی القضات‌خوانده‌شده‌است-۳-سید کمـال الدین‌حسین‌نقیب کاشان‌متوفی۹۶۷دردولت‌شاه‌تهماسب.۴-سیدعبدالله‌نورالهدی‌متولی مشهد پس‌ازرکن‌الدین مسعودمتوفی۹۷۰ که نگارنده لوح قبروسلسله نسب آنان‌را ندیده‌است تادریابد که‌واقعیت‌چیست،خود آنان‌چنین‌ادعائی‌داشته‌اند یادیگران‌چنانکه ازتولیت و نقابتشان نیزبی‌اطلاع‌میباشد.

سایر مدفونین در مشهد سلطانعلی

وچنین گویند که دراین بقعه در جوار سلطانعلی‌زوجه وی با جمعی از سادات مدفونند که چون دفن خود اودراین مشهد مقطوع‌نیست چگونه میتوان بردفن دیگران درجوار وی اظهار نظر کرد؟ازاین‌جمله :

ام‌حکیم بنت‌اسدبن مغیره زوجه‌سلطانعلی‌و اسمعیل‌بن اسحق‌بن‌امام کاظم و فرزندانش به اسامی عبدالله وعبدالوهاب وقاسم ومادرشان حلیمه خاتون.

اما دفن سید ضیاء الدین ابوالرضای راوندی متوفی ۵۷۸ و مجدالدین وزیر بنیان‌گزار مشهددراین بقعه چون‌دفن‌متولیان سابق‌الذکر(که ازاحفادوی‌خوانده‌شده بودند) تا حدی مقرون بحقیقت بنظر میرسد.

داستان افسانه‌ای شهادت سلطانعلی

و پس‌از تشکیکات گذشته با توجه بـه اینکه سرگذشت سلطانعلی‌راهم درهیچیک ازکتب تاریخی ومقاتل وانساب ذکرنکرده‌اند نگارنده جریان‌امامت تاشهادت ویرابعنوان یك داستان افسانه‌ای به استناد اخبار واصله از سینه به سینه ذیلا تلخیص میکند تـا برای اجرای سنت محلی‌قالی شویان ریشه‌ایراهر چند که سست باشد ارائه دهد.

وقبلا بگفته صاحب جنة النعیم استناد میجوید که مینویسد از پنج پسر و دو دختر امام باقر اعقابی باقیست و پسران آن امام همگی در خلافت منصور به جانب

ری متوجه گشته غالباً هم شهید شدند .

بنابراین داستان هجرت سلطانعلی را بسوی ری وشهادتش رادر این سرزمین نمیتوان بکلی برهنه از دلیل خواند .

و درسبب هجرت سلطانعلی از مدینه طیبه به جانب کاشان چنین شهرت دارد که گروهی از مردم حوالی کاشان از فین و اردهال که با کاروان حج به طواف خانه خدا مشرف شده بودند در بین راه مکه به مدینه به صحبت امام باقر مفتخر گردیده از آن امام استدعا میکنند که یکی از فرزندان خودرا برای ارشاد به همراه آنان اعزام فرماید و آنحضرت علی الطاهررا با ایشان گسیل میدارد .

وسلطانعلی درقراء اطراف کاشان به امامت و ارشاد می پردازدوطولی نمی کشد که جمع کثیری طوق ارادتش را به گردن می کشند درهمین جریان ابومسلم خراسانی علیه خلفای اموی قیام کرده با سفاح عباسی به خلافت بیعت نمود و چون منصور پس از سفاح عهده دار مهام خلافت گردید نخست ابومسلم را ازپای درآوردوسپس به حکام خود فرمانداد تا ریشه نفوذ سر جنبانان از سادات علوی را در منطقه نفوذ خلافت قطع کنند .

درنتیجه عامل اصفهان به عمال ولایات تابعه خویش دستورلازم درباره سلطانعلی را میدهد تا صدایش رادرگلو خفه سازند، بنابراین کمرزرین عامل دلیجان ومقصود بیك عامل ورکان (محلات) و زرین کفش عامل اردهال و زبیر عامل نراق با ارقم دهخدای کله جار متفق شوندوعلیه وی همداستان گشتند .

سلطانعلی پس از وقوف برماجری از مردم نشلج وفین کمك طلبید امانشلجیها برای یاری وی حرکت کرده چون بر قدرت مخالفین پی بردند با خود بمشورت پرداخته بالاخره چنین گفتند که (ما همه اهل مشته ایم و درفش نه که مردان رزم زرین کفش) وبه دهکده خویش بازگشتند .

ومردم فین نیز برای حمایت وی حرکت کردند ولی بواسطه دوری راه روز بعد

وموقعی به اردهال رسیدند که سلطانعلی بقتل رسیده بود .

سلطانعلی از شنیدن خبر بازگشت نشلجیها زیاده غمین گشته صلاح خویش را درهجرت تشخیص داده مهیای فرار به جانب قم که مرکز اصحاب وفاق و تهی از ارباب نفاق بود گردیده دراجرای این تصمیم به ازناوه شتافت تاخود را ازراه کوهستانی وگردنه وصف و وربید به فردو و محال قم برساند و برای رفع خستگی و تجدید وضو واقامه صلوة عصر درته دره و درپناه زاویه بی روحی کنار چشمه بیاسود و بهیچوجه فکر نمیکرد که دشمنان در کمینگاه باشند .

اما زرین کفش ویرا درمحاصره گرفته تنی چندازرنان روسبی را برهنه وعور درحال نماز جلواوروانه داشت چنانکه سلطانعلی ناچار گردید سرازسجده برندارد تا آنان را دیدار نکند و درهمین خلال تنی چند ازمخالفین براو بتاختند واورا باچند ضربه خنجر به قتل رسانیده همراهان ویرا نیز بکشتند و اجساد مقتولین را گذاشته خود به دنبال کارخود رفتند .

مردم خاوه و از ناوه از شنیدن این خبر سراسیمه بصحرا شتافتند و بربالین کشتگان نوحه سرائی آغاز کرده برای محل دفن آنان بگفتگو پرداختند دراین هنگام مردم فین هم برای حمایت سلطانعلی ازراه رسیدند وچون باآن منظرهٔ روانگداز مواجه شدند قبل از هر کار در جستجوی زرین کفش برآمده اورا دستگیر کرده بقصاص خون کشتگان بقتل رسانیدند وسپس بربالین اجساد گرد آمده برای نقل جسد سلطانعلی به جانب فین مهیا شدند .

دراین موقع بستگان یاران کشته شده سلطانعلی ازحمل جسد امامزاده مانع گشته اظهار داشتند که این گروه چون درصحبت وی کشته شده اند باید باجسد وی یکجا دفن شوند و چون نقل کلیه اجساد هم کاری دشوار بود چنین توافق کردند که همگی را در بار کرسب بخاك بسپارند .

درنتیجه جسد سلطانعلی که آغشته درخون بوددرون قالی پیچیده دراین موضع

بخاك سپردندو سایر مقتولین راهم درعقب سر ودر کنار وی دفن کردندسپس قالی را سرچشمه برده شستشو کردند و بر روی تربتش بگستردند وسایبانی ازبوریا برروی آن بپا داشتند و برای تجدید این خاطره همه‌ساله‌درروز جمعه دوم پائیز به‌مشهد آمده پس از انشاء خطبه لعن نامه‌یك پارچه قالی ازمتولی گرفته‌همان عمل را تکرار میکنند چنانکه این مشهد بنام مشهد قالی یاقالی شویان معروف شد و این امرهم سنت محلی گردیده.

نگارنده درموسم معین به مشهد سفر کرده شب را درخانه آقای محسنی اردهالی که درهراطاق آن تنی چند ازرؤسا ورجال فرودآمده مطروس ازجمعیت بود فرود آمدم واین مرد کریم درآن شب بیش ازپانصد نفر راپذیرائی کرد .

نگارنده‌در غرفه‌ای که‌درسردر ورودی خانه بود منزل نموده بتماشای مناظر خارجی پرداخته در دامنه وران کوههای طرفین در مساحتی حدود دو کیلومترهزارها چراغ روشن ودودهائی درهم و برهم متصاعدبود وهزاران دسته چند نفری برگرد یکدیگرنشسته مشغول طبخ غذادیده میشدند که این جمعیت ازدهکده‌های دورو نزدیك با مال به مشهد آمده بودند وبسیاری از کسبه هم درصحن های سردار و قمیهاجمعه بازاری تشکیل داده امتعه خودرا برای فروش عرضه کرده بودند .

ازبامداد ماشینهای اتوبوس وسواری پی‌درپی وارد این محوطه‌گردیده میانه مشهد تاسرچشمه سلطان حسین را فراگرفتند چندانکه سراسرآن منطقه ر اجمعیت واردین فراگرفت .

تمام صحن‌ها وبامها مملو از تماشاچیان بود وهیئت رؤسای محلی کاشان و محلات درحجرات صحن عتیق مجتمع ودرمحوطه‌صحن‌هم بیش ازهزار تن‌ازمردم فین گرد آمده بودند درحالیکه هریك چوب سفید بلندی را همراه داشتند .

مقارن ساعت ده به‌اشاره آقای حسن مدبر مهتر آنان‌خطیبی برفرازپله های صفه صفا قرار گرفته به‌انشاء اشعاری حاکی ازلعن برمخالفین باصدای رسائی که بابلندگو تقویت میگشت بپرداخت وحاضرین بشباد میگفتند .

مقارن ساعت یازده گروهی از سران مردم فین ازپله‌های صفه‌صفا بالارفته یك تخته قالی‌از متولی مشهدتحویل گرفته صدای دم بلند شد که‌عده‌ای‌میگفتند (بی یاور سلطانعلی) وگروهی دیگر جواب میدادند (دربدر سلطانعلی).

دراین وقت چند نفرزیربغل آقای مدبر پیرمرد نودساله‌ایرا که بیش ازپنجاه سال دراین مراسم شرکت و ریاست داشته است گرفتند واوراپیاده‌درجلو جمعیت آهسته آهسته میبردند و در طرفین‌وی‌دوبیرق‌ودر دنبال سروی دوبیرق بلندبحرکت درآمد وچوبها بالارفت وچوبداران به‌جست و خیز پرداخته چوبها را بالا و پائین می‌آوردند و جمعیتی زیاده فشرده گرد قالی لوله‌شده را فرا گرفته بودند چنانکه دیدن قالی برای‌دیگران‌امکان‌نداشت‌ودرعقب‌سر قالی‌داران‌طوقی‌باستانی‌بازبانه‌بلندو صندوقچه فولادی و کتیبه مشبك از آیات قرآنی درحرکت‌درآمد که‌صدهاتن‌درزیر آن‌بنوحه‌سرائی‌پرداخته‌برسرمی‌زدند ودم میدادند و در اطراف آنان چوبهائی سفید که‌باخطوط قرمز منقش بود دیده می‌شد وبارها جوانانی بایك پرش خودرابرفراز سرحمله قالی افکنده چون ماهی‌شناوری ازروی سرهای آنان تاسوی دیگر رسیده سقوط‌میکردندزیراجمعیت‌بحدی فشرده بود که‌تاجانب دیگرآنان مکانی برای‌فرود آمدن وجود نداشت.

وچوبداران درجزر ومد درآمده چون به آقای مدبرمیرسیدند بازپس‌میرفتند وهیچیك‌از او پیشی نمیگرفتند وباحرکت‌این دسته‌به‌جلووعقب، جمعیت‌تماشاچی چون خار وخس بر روی هم میریختند.

ومأمورین انتظامی ژاندارمری درچند صف‌درمسیر جمعیت قرار گرفته برای مردم فین کوچه‌ای بس وسیع باز گذاشته نمیگذاشتند احدی از تماشا چیان داخل صفوف آنان گردد زیرا دراین صورت چوبهای کشیده برفراز سروی فرودمی‌آمد واگر هم کسی کشته میشد خونش لوص میگردید واحدی جرئت نداشت که حتی برای تیمن‌وتبرك بسوی قالی دست درازکند.

وقالی را بااین کیفیت تاسرچشمه سلطان حسین برابر بقعه وی آورده‌برزمین نهادند وچوبها را برروی آب‌نواخته ترشحاتی ازآب برروی قالی پاشیدند و سپس آنرا مجدداً لوله کرده در بغل‌خویش گرفتندوبیش‌از یك کیلومتر تا درون مشهد آورده به‌متولی تسلیم کردند ووجوهی که‌برای‌وی جمع آوری کرده‌بودندیکجابدو تقدیم داشتند وخودبرای صرف‌نهار به عمارتی که‌در صحن سردار برای این‌جمعیت ساخته شده است برفتند .

ودر جمعه سوم پائیزمرد نشلج که‌پس‌از قتل‌سلطانعلی‌متوجه‌زشتکاری‌خویش گردیده نادم وپشیمان برای انجام مراسم هفته وی باپاهای برهنه سینه‌زنان ازنشلج تا مشهدآمده‌تاعصر در آنجاتعزیه داری کرده‌مقارن غروب بازگشتندهمه ساله روز هفت مراسمی را انجام‌می‌دهند .

وقدر مـتیقن این‌مراسم از اواسطقرن نهم وعصر ابوالعزیوسف بن شاهرخ‌ـ شاه بنابسیاست‌محلی آغازوتاحال ادامه‌دارد منتها نقاره‌خانه‌های‌سه‌گانه مشهد چندی است که تعطیل شده است درصورتیکه قرنها درموسم قالی‌شویان نواخته میشدند.

تبری‌نامه‌مردم‌فین

وخطبه یادشده ابیاتی است بصورت مسدس که‌بوی‌قدمت ازآنهااستشمام‌نمی‌شود بالعکس‌بادحداثت ازآنها می‌وزد زیرا چنار آران ومنار کاشان‌وبیعاران تهران واشجار توت شمیران یاجاروب‌فراشی وکله‌قاطرحکیم‌باشی وتبرنباشی ودرفش کاشی‌راکه‌حواله‌مخالفین میکنندقدیمی نیستند بااین‌حال‌چون‌متضمن‌شواهدتاریخی‌وجلوه‌گاه‌سنت‌محلی است که درهیچ کتابی‌هم نقل‌نشده است‌بااسقاط عبارات ناقضه عفت‌عمومی بدرج آنها می‌پردازدوچون‌نسخه اصیل‌خودرامردم‌فین‌دراختیاردیگران‌قرار نمی‌دهنداحیاناً از اشتباهاتی که‌درنقل‌آنها راه یافته است قبلا پوزش میطلبد وخطبه‌مزبور چنین است :

بکن‌ایدل به‌ظالمان لعنت	بر یزیدو متابعان لعنت	برهوادار کوفیان لعنت
بازبرشمرو برسنان‌لعنت	بر جمیع منافقان لعنت	تاقیامت‌برآن‌خسان‌لعنت

***

به زبیر نراقیان لعنت | بر کله کلجاریان لعنت | باز برجم جمکران لعنت
بر گروه نشلجیان لعنت | کامدند تانزار و برگشتند | دل آقابه کینه بشکستند

***

ظالمانی که‌ظلم و کین کردند | جرم بی حد به‌شاه دین کردند | جگر او لیاغمین کردند
دل پاك علی حزین کردند | مشهدش رادراین زمین کردند | تاقیامت بر آن سگان لعنت

* * *

ظالمانی که ازره بیداد | آمدند ازقراء و شهر و بلاد | بنمودند جملگی امداد
سرور مابه خنجر بیداد | کشتند آخر به‌صدهزار عناد | تاقیامت بجملگان لعنت

* * *

بر عباد و قباد از بذرك | لعن و نفرین به‌خیل آن مردك | قه‌قهرودی آن سگ مندك
. . . | . . . | تا قیامت بظالمان لعنت

* * *

لعن بردشمنان دین مبین | کفش زرین و آن سك بی‌دین | هم دلیجانی کمر زرین
سه‌دهی شمس کور بدآئین | لنگك لنگرودی پر کین | تا قیامت به‌جملگان لعنت

* * *

سیصدوشصت وشش نفرز بلاد | کردند از کینه جملگی امداد | پی قتل نبیره سجاد
کشتند او را بصدهزار عناد | به کمك برزکی عباد و قباد | تاقیامت به‌جملگان لعنت

* * *

فیل پای محال مخص آباد | قه قهرودی آن سك شیاد | داود بیدگلی شغال‌نژاد
باز محمود شاه طاهر باد | لعن کن بر عموم و شو دلشاد | بر جمیع منافقان لعنت

* * *

بعد از آنها علی موقاره باز تتماچی جفا کاره رهنمون زنان پتیاره
باز مامای حیز صد پاره آن زنا زاده زنا کاره بر تمامی این خسان لعنت

* * *

باد لعنت به طاهر سقا ابن راوندی مرد زشت لقا ملك جوشقانی و میرزا
رؤسای جهنم سفلا ورد ماهست صبح و ظهر و مسا تاقیامت بر آن سگان لعنت

* * *

لعن بی حد به فرقه دل کور هم به زرینه کفش و ملا نور باز بر خالد آن سه کلب عقور
گشته دوزخ بر ایشان معمور ورد ما گشته تا زمان ظهور تا ابد باد بر سگان لعنت

* * *

هر چه نسل کله است در کلجار که به نوش و قمارشان سروکار نعره ها میکشند همچو حمار
دارند ایشان نشانی بسیار من بگویم تو کن حساب و شمار تاقیامت بر آن خسان لعنت

* * *

بینی جمله هست همچو مبال زوزه ها میکشند مثل شغال دستهاشان بلرزه روی شال
دشمن خاندان ختم رسال زیر پل او فتاده مالامال تا قیامت به جملگان لعنت

* * *

از زن و مرد پیر و خورد و کبار پی کرنا و ساز و جاز و نقار بگرفتند دور فخر کبار
کفش زرین و کل کلجار کشتند او را چنان به زاری زار به کله با متابعان لعنت

* * *

ای عزیزان زمان امداد است زین تبری هر آنکه ناشاد است خصم بر مصطفی و اولاد است
بی شك از مادر زنازاد است ذکر این لعن به ز اورد است تا قیامت به جملگان لعنت

در پایان مینگارد که مشهد بارکرسب در قرون وسطی بیش از آستانه مقدس فاطمیه درقم مورد توجه پادشاهان و مرکز نذور و قربانی و دارای زینت و آلت و مرافق وخدام و اوقاف بود که علت آنرا از نذرهائیکه پادشاهان و شاهزادگان و پرده نشینان

حرم و وزیران و امیران گاه بروز جنگ های داخلی برای این امامزاده منعقد میساختند و غالباً هم بروفق مرامشان انجام میبافت میتوان جستجو کرد چنانکه حرم فاطمه را جز یك بقعه و قبه لیسیده، ساختمانی نبود درصورتیکه این مشهد ازهمه گونه مرافق و بیوتات و رواق و ایوان برخوردار بود ولی ازعصر شاه تهماسب صفوی پس از دفن شاه بیگم خواهروی درجوار ستی فاطمه تدریجاً آستانه قم اززیب و زینت خاصه ای برخوردار گردید که با مشهد اردهار دریك ردیف قرار گرفت واز عصر فتحعلی شاه از لحاظ تزیینات داخلی و درهای طلا و ضریح های نقره برمشهد مورد سخن پیشی گرفت چنانکه اینك درشمار مشاهد درجه اول کشور قرار گرفته است .

بالجمله این مشهد دارای بقعه ای منیع و قبه ای رفیع و درهائی بدیع و منبت و صفه ای موسع و مجلل و صحنی گشاده قدیمی و صحن هائی جدید ساز و گلدسته هائی متعدد ونقاره خانه های چندی است که در پنج فراز آینده توصیف میشوند .

فراز نخست

در تاریخچه بنیان مشهد و توصیف بقعهٔ آن

چنانکه نگاشته شد بنیان مشهد برای نخستین بار در قرن ششم پدیدار گشت و بانی آن یکی از وزرای درجه دوم دردولت سلاجقه ابوالقاسم مجدالدین عبیدالله کاشی وزیر عراق بود و هرچند کتیبه ای در این بقعه از آثار اولیه که البته آخری هم بوده است باقی نمانده و بر روی تزیینات آجری قدیمه آن جداری از کاشی یا پرده ای از گچکاری افزوده اند .

وچهره و جبهه اسناد زباندار باستانی را مطابق معمول در زیر حجاب های متنوع پوشانیده اند ولی تا این حد مکشوف است که بنیانگزار آن مجدالدین کاشی وزیر کریم و بزرگوار و تاریخ بنای آن در ثلث اول قرن ششم بوده است .

زیرا مجدالدین درسال ۵۳۵ وفات یافته است.

و نویسنده متتبع شیخ عبدالجلیل قزوینی هم در کتاب جامع خود بنام النقض که درسال ۵۵۶ تألیف گردیده است ضمن تمجید از حس دینداری مردم کاشان ومساجد ومدارس آن شهر ازبنای این مشهداز ناحیه مجدالدین یاد کرده آنرادارای زیب وزینت نوروبرکت اوقاف وخدام خوانده است .

و عالم معتمد سید ابوالرضا راوندی متوفی بسال ۵۸۸ هم در ستایش مجد ـ الدین قصیده مستقلی سروده است که در صفحه ۱۲۵ دیوان وی مندرج است و از بنای مشهد و کاروانسرا و حمام و احداث نهر و ایجاد باغ و بستان در جوار آن با مساعی وی خبر داده است که عنوانش چنین است (قصیدة فی بناء مجد الدین لمشهد بارکرسب) .

واز مجموع این آثار چنین بر میآید که بنای مزبور نخستین مشهدی است که در بار کرسب بنیان گردیده است وقبلا بقعه وقبه‌ای در آنجا وجود نداشته‌است که نگارنده از کیفیت کشف این قبر و چگونگی لوحه مکشوفه و تاریخ اکتشاف و شواهدی که وجود تربت امامزاده علی الطاهر را دراین نقطه تأیید کرده‌است اطلاعی ندارد ودرهیچ یك از کتب متداوله هم ثبت نشده است .

قاعده گنبد

بهرصورت قاعده گنبد ازبیرون ودرون بسبك آن عصر بشکل برجی بوده است که در تعمیرات عصر صفویه نمای خارجی آن ازبالا بصورت مضلع غیرمنتظم تغییر یافته است واز داخل هم صورت فلکه‌ای آن به هیئت مضلع دوازده ترکی تبدیل گردیده است که این تطور از دقت دروضع قسمت بالای جدار بقعه وتنوع مصالح ساختمانی ونامنظم بودن اضلاع و همچنین از مداقه درمالیدگی زوایای دوازده گانه کاشیکاریهای داخلی در نظر اهل فن روشن وازدیدگاه مردم باخبرت وبصیرت نمایان است .

این بقعه نخست بدون ایوان ولیسیده ازبیوتات وتابعه به سبك عصر بنیان گردید ودردولت آل تیمور بهرعلت صفه صفا ونقاره خانه‌ها ومناره‌ها وصحن عتیق وجلوخان

بر آن الحاق گردید و در عصر صفویه و قاجاریه هم تزیینات آجری و نفیس آن به زینت های کاشی و نقاشی تبدیل یافت.

دهانه بقعه از داخل ۱۰ متر و ارتفاعش ۱۴ متر و قطرش از خارج ۱۵ متر است که بدنه آن تا ارتفاع نه متری آراسته به کاشیهای خشتی زمینه طلائی منقش از اواخر صفویه یا اوائل قاجاریه است.

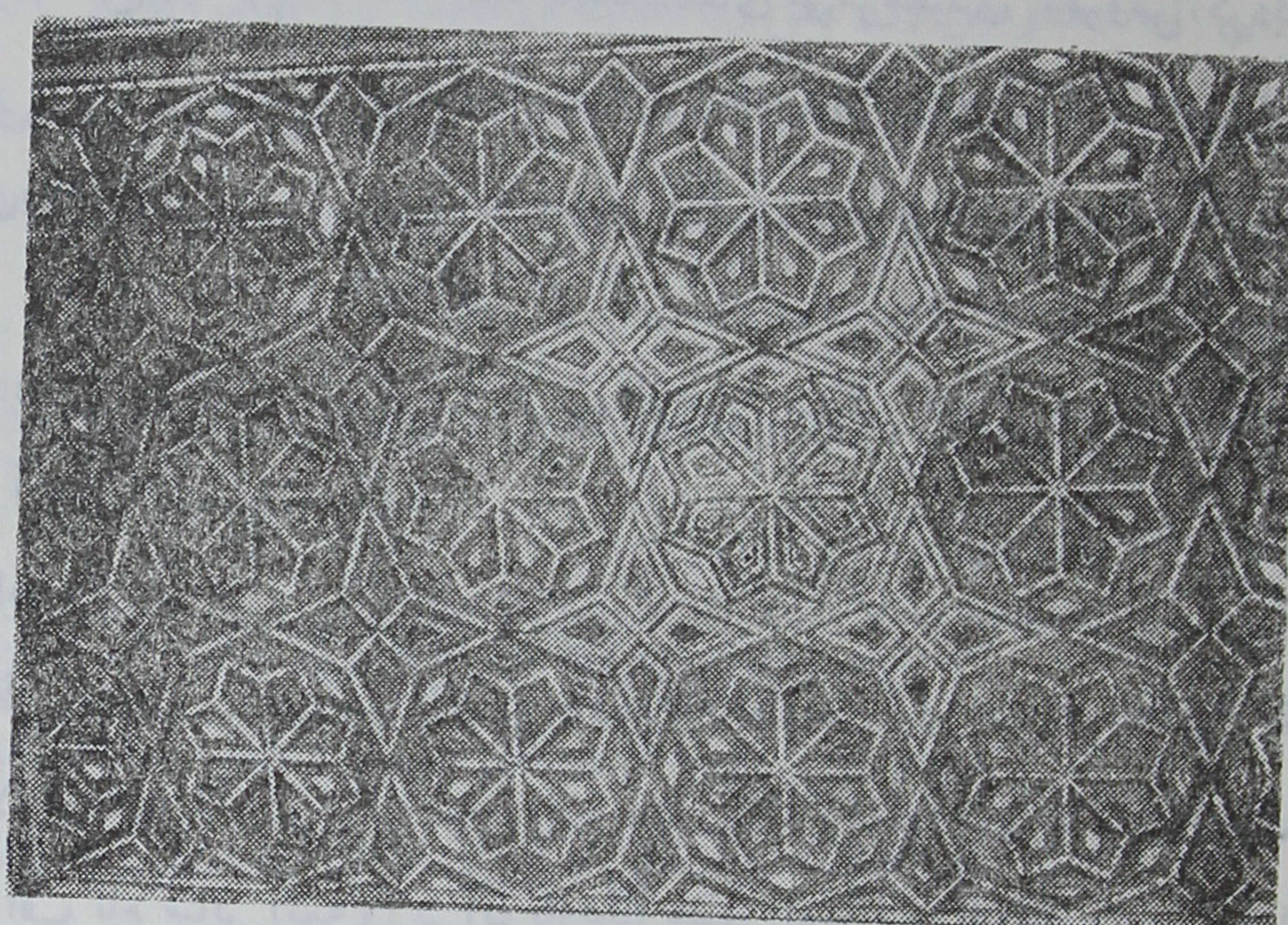
و بالای آن در منتهاالیه قسمت مضلع کتیبه ایست بخط ثلثی برجسته سفید گچی در زمینه لاجوردی که روی آن سوره مبارکه نبأ (عم) و در دنباله آن عبارت (کتبه محمدمقیم الموسوی ۱۱۱۸) گچبری شده است.

و روی کتیبه صورت ساختمان از مضلع به فلکه ای مبدل و پاطاق گنبد عرقچینی بالا آمده است که تمام بدنه قوسی شکل آن مزین به نقاشیهای رنگین بسبك اعراب از آثار مهد علیا عفت مدار مریم قاجار مادر فتحعلی شاه قاجار است که با تزیین صفه صفا همزمان انجام یافته است و با اینکه کتیبه ای که حاکی از این اثر باشد در این بقعه دیده نمیشود ولی از قصیده ایکه ملك الشعراء فتحعلی خـان صبا در ستایش از این بانو و تعمیر و تزیین وی از مشهد سلطانعلی سروده است این امر مستفاد میگردد که چند بیتی از قصیده مزبور صفحه ۴۶۱ دیوان وی گزیده و ذیلا درج گردید.

مهد علیا مـادر آن پادشاه دادگر	کاسمانش در صدف آن پاك گوهر یافته
مشهد سلطانعلی بن محمد را که عرش	از لب کروبیان خاکش مجدر یافته
از تصاریف زمان بنیان آن عالی بنا	بس خلل از گردش چرخ ستمگر یافته
کرد آبادش چنان آن مریم بلقیس قدر	کز بهشت جاودانش عقل خوشتر یافته
شد منقش آنچنان ایوان آن کش روزگار	رشك کاخ مانی و ایوان آذر یافته
الغرض زان مهد علیا یافت چون زیب این بنا	کاسمان باصحن او خود را محقر یافته
منشی کلك صبا از بهر تاریخش رقم	کین بنا از مهد علیا زیوری در یافته

که ماده تاریخ فوق باسال ۱۲۳۲ برابر میشود اما باید کاف حرف ربط بحساب

گرفته نشود و بالعکس الف (این) ظاهر و محسوب گردد .



نمونه‌ای از نقاشیهای پوشش داخلی بقعه

ضریحهای چوبی بامرقد کاشی

ودر وسط بقعه مرقدی است به ارتفاع ۱/۲۵ و عرض ۱/۵۰ و طول ۲/۵۰ متر و جلو آن دو ضریح چوبی یکی در پشت که قدیمی و به رنگ طبیعی و دیگری روئی و سبز رنگ و مشبك نصب شده است که قریباً جای خود را به ضریح نقره پوشی (که استادان هنرمند اصفهانی طبق اظهار اولیای مشهد بساخت و پرداخت آن اشتغال دارند) وامیگذارند .

ودر جبهه ضریح داخلی که از چوب فوفل است عبارت ذیل منبت گردیده است (رقم حقیر محمدزمان ولدحسن اصفهانی فی تاریخ سنة اثنتی والف).

و درون آن مرقدی است که مطابق نقل ثقات جدار آن آراسته به کاشیهای خشتی لاجوردی رنگی از آثار سلطان منصور آل مظفر و مؤرخ به سال ۷۹۴ است که چندپارچه آنها فرو افتاده شکسته شده بود و در سال ۱۲۸۶ ناصرالدین شاه به عمران آن فرمان داده چون تهیه کسری آن کاشیهای خشتی باهمان خط مشکل می نمود روی آنها را گچ اند ود ساخته باپوششی از کاشیهای منقش هفت رنگ بیاراستند بنابراین درپشت این کاشیها کاشیهای قدیمی مخزون میباشند.

وسطح بقعه مانند صفه صفا باسنگ‌های مرمرسفیدی مفروش گردیده است.

مسجد ورواق بالای‌سر (غربی)

ودر جانب غربی بقعه رواقی است از سه‌چشمه پوش بر فراز دو ستون آجری مضلع که‌چشمه و سطی‌آن دارای کلاهکی نورگیر دارای دریچه‌های چهارگانه میباشد.

این‌رواق مقبره بزرگان ودارای الواحی سنگی قدیمی است که برای نمونه یکی‌از آنها را توصیف‌میکنند.

این لوحه مرمر به اندازه تقریبی ۲ متر در ۰/۷۰ سانتیمتر دارای کتیبه‌های ثلثی خط برجسته ممتازی‌است که‌درحاشیه‌آیة‌الکرسی ودر متن‌هو الباقی، کل شیء هالك الاوجهه‌له الحکم والیه ترجعون‌وبعددربالانام (الله) ودر پائین آن‌محمدوعلی ودر اطراف نام سایر ائمه وزیرآن نادعلیاً مظهرالعجائب تاپایان وسپس ابیات ذیل حجاری شده است.

وه که بلقیس عصر سلطانم	آن فرشته خصال حورلقا
کرد پرواز طائر روحش	رفت یکسر به‌جنت المأوا
هست تاریخ آن خدیجه‌دهر	ای جلیس خدیجه کبرا

وناگفته نماند که‌سلطانم‌بضم‌نون‌ومیم‌تأنیث‌سلطان‌ونام متوفات بوده‌است‌مانند باغ‌سلطانم درقم که نظیر آن‌بیگ وبیگم وخان‌وخانم است.

وپای دیوار یك‌تخته سنگ قطور بطول۳ وعرض ۱/۵۰ مترتکیه‌داده‌شده‌است که روپوش راه‌پله سردابه زیر بقعه‌بوده است واحتمال میرود که این سردابه را پر کرده این سنگ را بکنار انداخته باشند و این سردابه جدای از سردابه زیر صفه صفا است.

و در ارتفاع نیم متری سطح زمین در ساق اسپر جنوبی چشمه آخری‌لوحی سنگی به اندازه ۰/۵۰ در ۰/۴۰ سانتیمتر نصب است که روی آن نقشه محراب شکسته حجاری‌شده در اطراف آن که به منزله پایه‌های محراب وجبهه آن میباشد

کتیبه‌ای بخط ثلثی برجسته دربالا (لااله‌الاالله محمدرسول‌الله‌علی‌ولی‌الله)و در چهار جانب اسامی ائمه‌معصومین ودر متن وبالاجمله (دهخدا نورالله‌قبوه)وزیر آن وسط عبارت (رئیس اذکوتکین) ودر حاشیه دوم اسامی (علی‌بن ابی‌القاسم بن ابراهیم‌بن ماکان رحمةالله علیه) خوانده می‌شود که زیاده باستانی و بنظر می‌رسد که از قرن ششم باشد.

ودرجانب غربی‌رواق مسجدی است ازهشت چشمه پوش بر فراز ستونهای آجری‌مضلع بامحرابی‌زیبا.

درهای منبت سه‌گانه

ازاین‌بقعه چهاردرب‌به خارج گشوده میشودکه به‌جز درب رواق غربی بقیه از درهای منبت باستانی هستند که جلو چراغخانه درشمالی و ایوان سردار درشرقی‌و صفه‌صفا در جنوبی قراردارند.

اما درب چراغخانه دارای دولنگه وسراپا منبت باکتیبه‌های افقی و عمودی بخط ثلثی ممتازوبرجسته باتنکه های قاب‌بندیَ وخانچه سازی دارای نازك‌کاریهای فنی و شاهکارهای هنری وازآثار سال ۷۹۴ (همزمان‌کاشیکاری مرقد ازناحیه سلطان منصور) وبانی‌آن سید محمود رضوی متولی مشهد است‌که متأسفانه دراثر سقوط شمع قسمتی از آن سوخته نیازمند تعمیر است و بهـر صورت حفـاظت آن ضرور است.

ودر چهارجانب یك مصراع آیةالکرسی وسوره اخلاص و درحاشیه مصراع دیگرصلوات‌کبیره بر معصومین‌ودرپایان‌آن «وعلی‌صاحب‌الزمان‌و قاطع البرهان و خلیفة الرحمن صلوات‌الله وسلامه علیهم اجمعین کتبه فی تا سع عشرین من جمادی الاول اربع وتسعین وسبعمائة» ورروی‌باباوش‌ها این عبارات منبت شده‌اند «ادخلوها بسلام آمنین» «وقف علی‌المشهدالمقدس‌المعطرالمنورعلی‌بن‌الامام المفترض‌الطاعة محمدالباقرعلیهماالسلام» «العبد الراجی برحمة ربناالغنی استادان عباد علی واستاد

فخرنجار کاشی» «کاتبها العبدعلی علوی حافظ» «قدامر بترتیب هذه الباب الشریفه محمودبن محمد امیرالرضوی».

اما درب ایوان سردار که سابقاً درمدخل مدرسه بوده است نیزدولنگه سرا پا منبت دارای کتیبه‌هائی بخط برجسته ثلثی از عمودی وافقی اهدائی سید علاءالدین حسینی قمی متولی مشهد بسال ۸۳۳ با تنکه‌های گره‌سازی است که در چهارجانب یك مصراع آیةالکرسی و بردیگری صلوات برمعصومین ودرپایان «والقائم المهدی صلوات‌الله وسلامه علیهم اجمعین بتاریخ سنة ثلث وثلثین وثمانمائة» وروی باباوشها عبارات ذیل منبت گردیده‌اند.

قدامر بترتیب هذه‌الابواب علاءالدین بن بادین الحسینی القمی تجاوزالله عن سیئاته‌فی ثلاث وثلثین وثمانمائه» «سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین» «نصر من الله وفتح قریب و بشرالمؤمنین انما ولیکم‌الله و رسوله والذین آمنوا الذین یقیمون‌الصلوة و یؤتون الزکوة و هم راکعون» و روی دماغه ۸۳۳ ه،هرچه خواهی بطلب از علی محمد باقر» «عمل استاد عبدالعزیزقمی وجهی ثلث و ثلثین وثمانمائة».

اما درب صفه صفا درجنوبی نیز سراپا منبت به‌گل وبوته بدون‌خانچه‌وقاب دارای دو دق‌الباب یا چکش کوبنده است که روی صفحه‌ای‌گرد ومدرج از برنج مزین به‌کنده کاری‌و کتیبه‌ای‌بخط نستعلیق‌قراردارند که‌عبارات ذیل روی‌هرصفحه آنها حکاکی شده است.

«وقف سلطانعلی‌بن محمدباقر نمود این دراکبر‌قدیم خان‌کاشی خلاف کننده بلعنت خدا گرفتارشود آقاعلی‌ریخته‌گر ابن آقاصدر.

و روی با اوش‌ها بیت وعبارات ذیل منبت شده‌اند.

شد تمام این دربدور عدل سلطان جهان

شاه طهماسب حسینی نایب صاحب زمان

و روی‌تنکه ـ تقرباً بهذه‌الباب الی باب‌الرحمة الرحیمیة غلام شاه دورمیش

بن نوربیك بن علی‌بیك تكلو فی سنة ۹۵۰ .

و روی دماغه :

ساخت این در را زمهرشاه درتاریخ ظن بنده سلطانعلی باقر مولانا حسن

فراز دوم

در توصیف از گنبد و گلدسته‌ها

و بر فراز بقعه قبه‌ایست کلاه‌خودی بسبك قرن ششم از آثار مجدالدین کاشی به قطر۱۴ و ارتفاع ۱۶متر باعنقی به بلندی شش‌متر مضلع شانزده ترکی که قسمت اول آن از سطح بام نماسازی‌مزین‌به کاشیهای خشتی زمینه‌طلائی‌و منقش‌هفت‌رنگ از نوع کاشیهای جدار داخلی‌بقعه ونیز کاشیکاری معقل و قسمت دوم آن استوانه‌ای آراسته به کاشیهای فیروزه‌فام تعمیری وبالای آن کتیبه‌ایست ازکاشیهای دوالی‌یعنی حروف آنرا با کاشیهای عـریض چند سانتیمتری به بلندی سی سانتیمتر به رنگ سورمه‌ای در زمینه دوالی سبز پریده رنگی‌چیده‌اند و روی آن «لااله الاالله - محمد رسول‌الله ـ علی ولی‌الله» بطورتکراری خوانده میشوندحتی زمینه آنهم خودبخود همین جملات را تجلی میدهد که دو کتیبه متداخل شمرده میشوندواین‌نوع تزیین‌از آثار قرن ششم است .

و بالای‌آن روی عنق‌کتیبه دیگری است بخط ثلثی سفید وطلائی‌ازکاشیهای خشتی زمینه لاجوردی از آثار شاه سلطان حسین‌صفوی‌وسال۱۱۳۳ که‌روی آن‌سوره مبارکه فتح «انا فتحنا» خوانده میشود .

و بالای آن در منتهاالیه عنق یکردیف کاشیهای مضرس زمینه‌طلائی‌ومنقش بکار رفته است .

و قسمت قوسی خودی شکل آن آراسته به کاشیهای معـرق زمینه طلائی خوشرنگ با نقشه‌بند اسلیمی‌و اژدری دارای گل‌های متنوع ورنگ به رنگ عصر

صفوی و بالای آن کاشیکاری دو الی باستانی که نشان دهنده سبك تزییناتی اعصار مختلفه میباشد .



منظره عمومی مشهد اردهار

و درجانب شرقی گنبد و روی جرزهای تالار سردار دروسط دو گلدسته بلند مجوف به ارتفاع ۱۲ مترتا سطح بام و ۲۴ متر تاسطح زمین که دارای راه پله داخلی ونعلبکی وتالارچه فوقانی ومنارچه میباشد وسراپا کاشیکاری گره‌سازی است ودر گلوگاه آن کتیبه‌ایست گلوبندی که بخط بنائی از کاشی روی آن آیه شریفه (والله لایهدی القوم الظالمین) خوانده می‌شود که‌خالی از طعن بربانی‌نیست .

زیرا این گلدسته‌ها با تالار شرقی از آثار ماشاءالله خان سردار کاشی پسر نایب حسین معروف کاشی است که ازضعف‌حکومت مرکزی استفاده کرده بیش‌ازربع قرن‌درکاشان دم از عصیان زده از مرکز تبعیت نمیکرد تا درسال ۱۲۹۸ خورشیدی

در دولت وثوق‌الدوله بااخذ تأمین به‌تهران رفت ویکچند زندانی بود وسرانجام‌در اثر شکایات متواتر اهالی کاشان به‌دار آویخته گشت وپدر اونایب حسین هم باطلا آلات‌ونقودوجواهرات‌به‌کوهستانهامتواری بودتاعاقبت درنزدیکی قریه‌وشنوه‌هدف تیریکی‌ازهمراهان خودگردیده‌اندوخته‌ایکه‌همراه داشت‌بین‌همراهان‌وی‌تقسیم گشت.

و در طرفین آنها هر طرف سه گلدسته تو پر که‌یکزوج‌شش متری‌و یکزوج پنج متری و یکزوج چهارمتری سراپاکاشیکاری گره‌سازی است که جمعاً هشت گلدسته می‌شوند.

علاوه درطرفین ایوان سردرب ورودی صحن‌عتیق دوگلدسته یامناره آجری مزین به‌کاشیکاری معقل از آثار باستانی‌باقیست که‌قسمت بالای آنها فروریخته‌است وحدود شش متر آنها باقی مانده است‌ودرمیانه آنهانقاره خانه‌ای ساخته شده‌است که نیز ازآثارقرن نهم‌است.

ودونقاره خانه دیگر هم بر فراز صفه صفا و ایوان داخلی صحن‌عتیق‌نمودار است که‌رأس آنهاهرمی‌وپوشش آنهاتخت‌وقاب‌بندی برفرازپایه‌هائی‌چوبی‌قراردارند.



تصویری ازگلدسته‌های هشتگانه مشهداردهار

فراز سوم

در توصیف از صفه صفا (ایوان جنوبی)

و تالار شرقی و ایوانهائی که در مدخل صحن عتیق قرار دارند.

صفه صفا

درجنوبی روضه ایوان مجللی است که بنام صفه خوانده می‌شود زیرا در این ایوان دوصفه تحتانی ودوغرفه‌فوقانی است که‌درعصر صفویه مرکز صوفیان صفا بوده است و اینک مدفن مشایخ سادات وعلماء میباشندو بغله‌ها واسپرغرفه‌ها چون غرفه بالای دار الحفاظ آراسته به نقوش رنگین است.

سطح ایوان از کف صحن عتیق حدود سه‌متر ارتفاع دارد که با بالارفتن از ده پله‌سنگی سراسری به‌صفه مزبور واردمی‌شوند.

این‌ایوان بدهانه ۷/۵۰ وطول۱۲ وارتفاع ۲۰ متر و کف آن‌باسنگ‌های‌مرمر فرش شده است وجلو آن جداری ازچوب مشبك‌نصب شده‌است.

بنای این ایوان‌بادوایوان‌مدخل‌صحن‌ازقرن‌نهم وجرزهای‌طرفین هریك بقطر دومتر دوجانب آنهااز آجرتراش‌وقسمت‌وسط چون جبهه ولچه کیهای‌جنبین طاقبند قوسی جلو آراسته‌به کاشیهای خشتی بوده است که همگی ریخته‌اند و جای آنها مشهود است.

ولب ایوان‌قسمتی پخ‌ومورب‌است‌وروی آن طره‌ای پیچ ازکاشی فیروزه‌فام باستانی بکار رفته است که دوطاقبند قوسی‌را هم زینت داده است وقسمت پائین آن‌بصورت گلدان است.

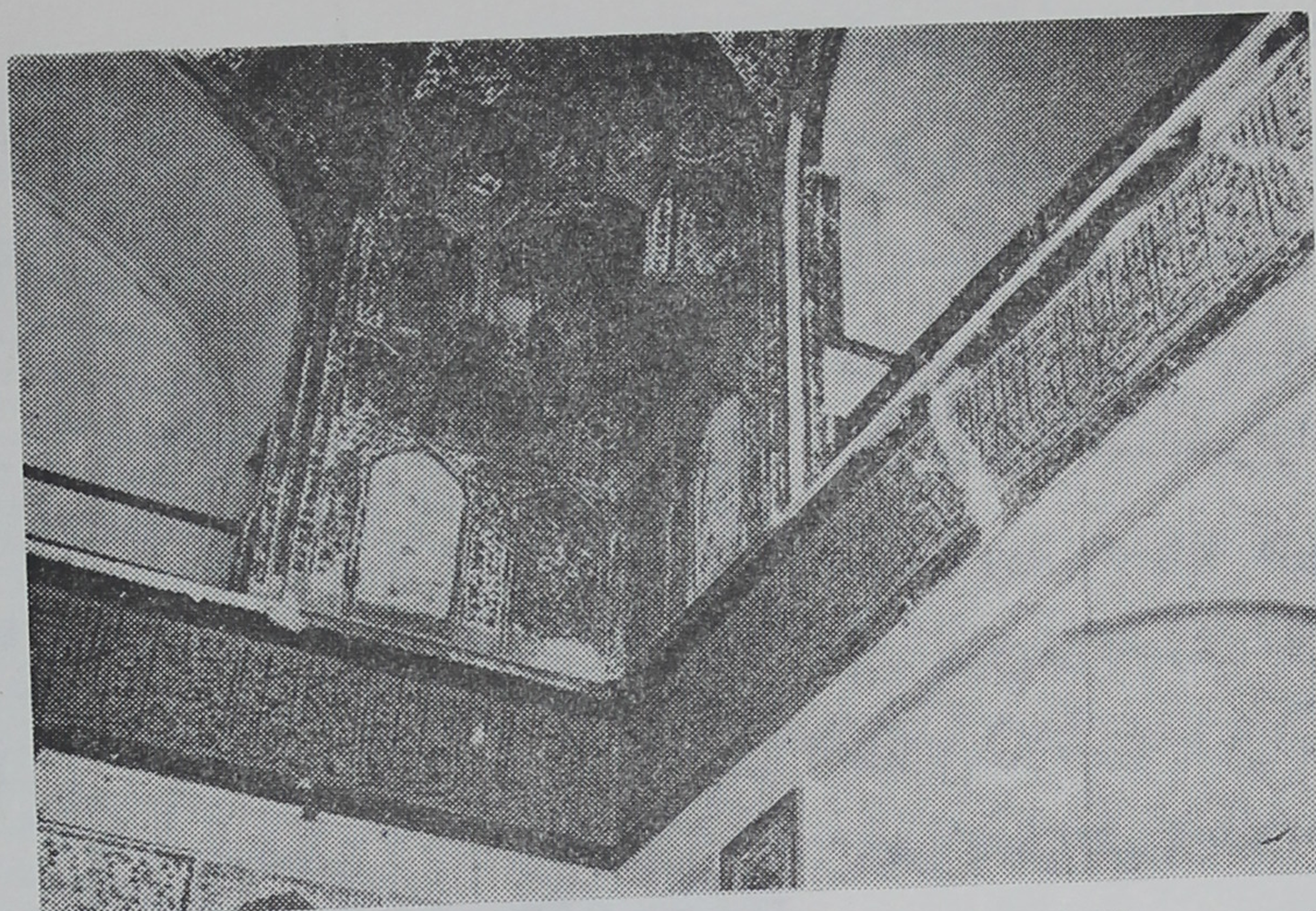
ازاره‌ایوان آراسته‌به کاشیهای‌خشتی کوچك مسدس فیروزه‌فام‌عصرصفوی‌است



که هر خشتی را در قالبی از کاشیهای
دوالی لاجوردی رنگی بکار برده‌اند
و بالای آن تمـام جـدار
لاجوردی و مزین به نقاشیهای رنگ
آمیزی شده است و برفراز پوشش
صفه‌ها و دار الحفاظ کتیبه ایست
کمربندی از گچبری که بخط ثلثی
طلائی در زمینه لاجوردی سوره
مبار که هل اتی نوشته شده است.
اما این کتیبه همسطح زمینه
و بسبك قرون وسطی است که قسمتی
از آن ریخته است و تعمیرش ضرور
بنظر می‌رسد .

تصویری از صفه صفا

وپوشش قسمت مقدم ایوان رسمی سازی مزین به نقوش رنگین و در دو جانب
آن دو صفه فوقانی زیبا نمودار است که از خواص سبك قرون وسطی است.
و در چشمه مؤخر مشرف به دار الحفاظ در دو زاویه نیم طاقی بالا آمده است
که تمام بدنه قوسی شکل آنها آراسته به مقرنس خوش قطار گچی و روی آن نقاشی
ورنگ آمیزی شده است که پوشش این قسمت نیز منقش رنگین است.
در منتها الیه سطح این صفه جلو دار الحفاظ قسمتی بعرض سه متر بدهانه
ایوان به اندازه سی و چند سانتیمتر از قسمت مقدم مرتفع است که با کف حرم همسطح
شده است .



تصویری از کتیبه کمربندی و مقرنس زاویه پوشش صفه

سردابه اعجاب انگیز باتابوتهای درونی

ودر زیر صفه صفا سردابه‌ایست به‌وسعت صفه و عمق ۳/۵۰ متر باراه‌پله‌ای که‌درقسمت جلو صفه‌ساخته‌شده‌و روی آن‌تخته سنگی‌بطول سه‌متر افتاده‌است که‌قابل‌تشخیص میباشد .

درباره این سردابه و تابوتهای داخلی آن سخنانی افسانه آمیز شهرت یافته از جمله نقل کردند کـه در سال ۱۳۱۳ اعتضاد الدوله حکمران قم به مشهد آمده فرمان میدهد تا روی سردابه را میشکافندو شخصاً داخل سردابه شده حدود یکصد تابوت در آنجا دیدار می کند که در هر یك جسدی ترو تازه در لباس زندگی در حالیکه خون تازه روی گونه های بعضی نمودار بود مشاهده میکنند وایشان را از یاران سلطان علی می‌شمارد .

این شهرت حس کنجکاوی‌اهل تحقیق‌را بر انگیخته از جمله بسمع آیت‌الله آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی رسیده‌بود ومعظم‌له که بیش از هر کس پی جور کشف حقایقند در سال ۱۳۴۱ شمسی دعوت اهل محل را برای مسافرت به مشهد پذیرفته به نیت تأمین موتور برق بدان صوب حرکت کرده ضمن اقامت

چند روزه خود در بار کرسب برای مشاهده سردابه از نزدیك اظهار کمال علاقه میکنند در نتیجه در نیمه شبی گوشه‌ای از سطح ایوان صفه‌صفارا شکافته دریچه‌ای به سردابه باز میکنند و پس از تهویه مصنوعی بوسیله چادر بادزن بدواً یکی از جوانان محلی داوطلبانه پیشقدم گشته چراغ‌زنبوری حاضر را گرفته با کمك‌دیگران داخل سردابه می‌شود وپس از کسب اطمینان‌ازعدم وجود خطر معظم‌له به کمك‌وی از خاکریز کنار سردابه به زیر رفته وارد محوطه آن‌میگردند.

وبطوریکه معظم‌له نقل فرمود درجانب‌شرقی سردابه متجاوزازیکصد تابوت به اندازه‌های مختلف بلندو کوتاه و رنگ‌ های متفاوت زرد وسیاه درسه‌ردیف روی یکدیگر گذاشته شده است که قسمتی از تخته‌های سرچند تابوت شکسته است و درون هر یك‌جسدی درلباس زندگی باسروصورت‌باز وموهای ژولیده نمودار است که بامختصر چیزی که به‌آنها اصابت کند حتی‌به‌مجرد تحریك امواج هوابه‌وسیله فوبی از دهان‌مانند پودر برروی هم انباشته میگردد ودرعقب سردابه درسینه اسپر زیردار الحفاظ لوحه‌ای ازسنگ نصب وروی آن‌نام سیدرکن‌الدین مسعودوتاریخ ۹۵۴ هجاری شده‌است.

که میرساند اشباحی از اجساد بشری‌در قالب های قبلی ونیز چیزی مشابه مو به رنگ آسمانی باقیست که چون هوا به آنها میرسد در هم فرو میریزند و متلاشی میشوند.

اما معظم‌له چنین تصور میفرمود که‌اجساد مزبور ازیاران سلطانعلی بوده‌اند واز اینکه پس از دوازده قرن چوبهانپوسیده است استعجاب میکردند ولی‌نگارنده چنین اظهار نظر کرد که این اجساد از کشتگان سال ۱۲۱۳ در جنگ میانه سربازان فتحعلی‌شاه با چریك محلی نیروی حسینقلی‌خان قاجارند.

چه که نامبرده حاکم کاشان بود وچون خبر تاجگزاری برادر خود فتحعلی شاه را استماع کرد دم ازنافرمانی زده لوای استقلال برافراشت وسرانجام‌فتحعلی

شاه لشگری برای سرکوبی وی اعزام داشت که بانیروی چریك حسینقلی خان در نزدیکی راوند تماس یافته سه روز پی درپی بجنگ و ستیز پرداختند وعاقبت بیش از صدتن از طرفین ولی بیشتر از یاران حسینقلی خان بقتل رسیده نامبرده ناچار بجانب کوهستان فرار کرده خودرا به مشهد شاهزاده اسمعیل دربیدقان رسانیده در آنجا متحصن گشت که بقیه ماجری راضمن توصیف گنبدمزبور خواهد نگاشت .

پس از خاتمه جنگ بفرمان پادشاه نجاران راوند تابوتهائی بساختند واجساد کشتگان طرفین رادرون آنها نهاده بجانب مشهد نقل دادند ودراین سردابه دفن کردند که یکصدوهفتاد وچند سال از این سانحه می گذرد .

دارالحفاظ ودر مدخل بقعه ایوانچه ایست که سابقاً چون نشیمنگاه قاریان قرآن بودبنام دارالحفاظ خوانده میشد.

این ایوانچه خوش منظر که ازابنیه باستانی وهمزمان بنیان گنبد از قطر پایه گرفته شده است بدهانه چهاروعرض یك متر نموداری ازتزیینات کاشی وآینه ومقرنس است که ازاره اش به ارتفاع یکمتر آراسته به کاشیهای خشتی قالب کوچك مسدس فیروزه فامی است که چون ازاره خود صفه دانه به دانه باکاشیهای دوالی مشکی رنگی قاب بندی شده است .

وبالای آن بغله ها مزین به قاب آینه وپوشش آن مقرنسی است آینه پوش که ازآثارقاجاریه وبظن قوی از سال ۱۲۸۶ قمری وتزیینات وتعمیرات ناصرالدین شاهی است وبرفراز درگاه در سینه اسپر دربین آینه کاری دوقطعه کاشی خشتی بطول نیم متری دیده میشود که از بقایای کتیبه کمربندی ایوانچه میباشند وروی آنها بخط ثلثی سفید وطلائی ممتازی چنین نوشته شده است .

السلطان بن السلطان ابوالمظفر طهماسب الصفوی الحسینی خادم البقعة الشریفة)

ودر پشت آینه داخل حوضچه های مقرنس عبارات ذیل نوشته شده است :

(هوالله تعالی شأنه) (هوالباقی عمل استاد آقا جان ابن استاد رضا نجار نراقی ۱۲۸۶) (بسعی جناب خیرالحاج حاج سید اسمعیل متولی باتمام رسید) (بتاریخ شهر ربیع الثانی حرره محمد خلیل ۱۲۸۶)

که معلوم نیست عمل استاد آقاجان نجار دراین آینه کاری چگونه بوده است وازعبارات فوق چنین بدست میآید که حاج سید اسمعیل متولی بقعه درعصر ناصر - الدین شاه و بسال ۱۲۸۶ بعمران و تزیین ایوان پرداخته است که تزیین مرقد هم بنحویکه نگاشته شد در همین سال انجام یافته است .

ودر دوجانب دار الحفاظ روی جرزهای جنبین کتیبه‌هائیست از بالا تا پائین بخط نستعلیق برجسته گچبری به‌رنگ طلائی که در هر طرف از دوازده تاچهارده بیت ازقصیده رائیه آینده با جملاتی در آغاز وانجام آن به‌شرح ذیل خوانده میشوند.

ناد ذعلیاً مظهر العجایب تجده عوناً لك فی النوائب

منت خدایرا که به تأیید کردگار شاه سپهر کوکبه شرق وغرب گیر

سلطان هفت کشور ودارای شش جهت بهرام هشت منظر و خاقان نه‌سریر

سلطان حسین شاه که ادنی غلام اوست در روم وچین وقیصر وفغفور باج گیر

بندد چو بندگان قدیمی به‌خدمتش از کهکشان به طاق مرصع سپهر پیر

شاه زمانه چاکر و جمشید احتشام کزعدل او بنای ستم شد خلل پذیر

برطبق عرض صوفی این خاندان که هست هم عدل را مربی وهم ملك را وزیر

همت گماشت از پی تعمیر روضه‌ای کز خاك او بباد دهد نکهت عبیر

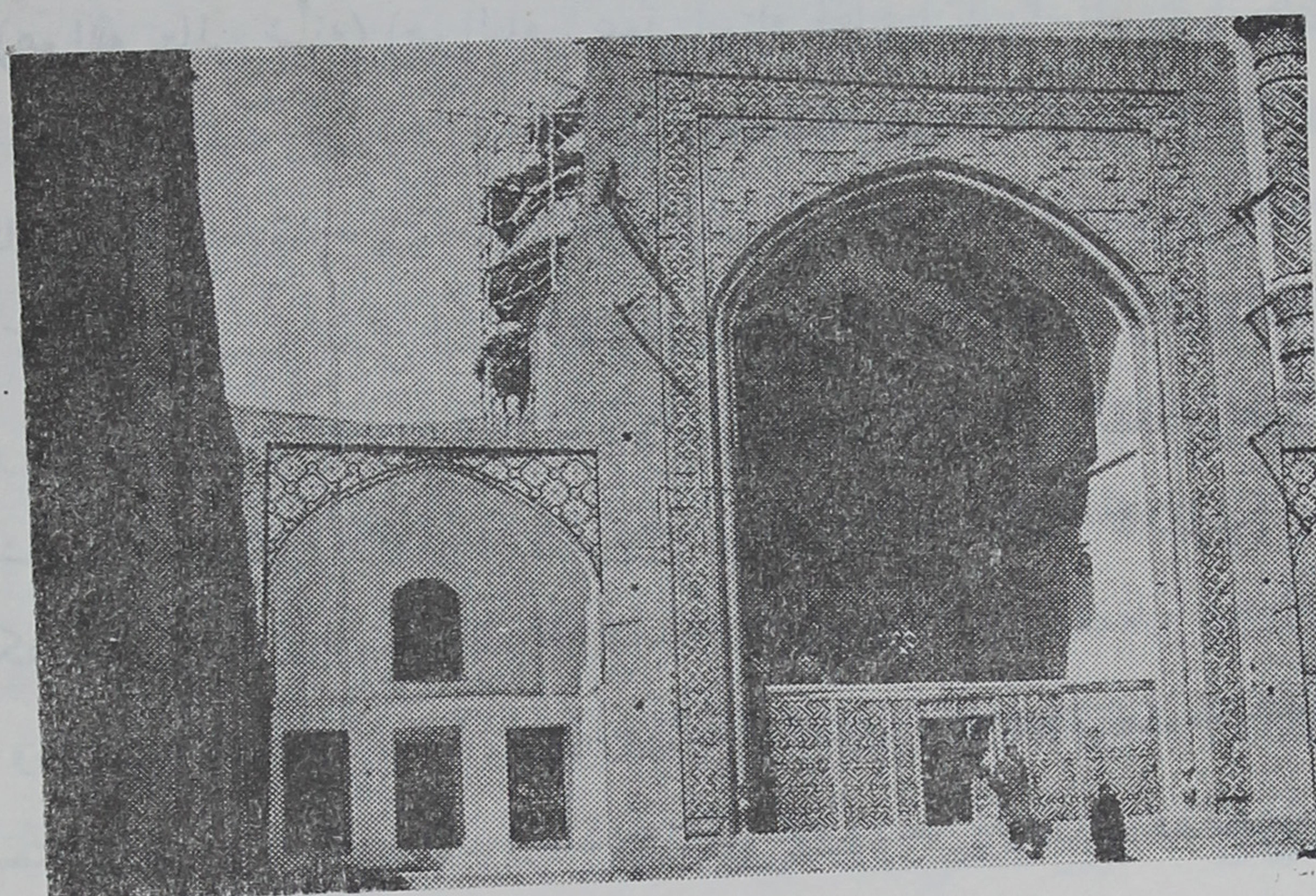
یعنی مطاف و معبد اصناف دوستان یعنی حریم حرمت شاه ملك نظیر

دانی کدام روضه همان روضه‌ای که بود رضوان بقید حسرت دربانیش اسیر

شاهی که پیش شحنه ایوان قدر او خورشید را خطاب بود ذره‌ای حقیر

باشد کمینه معجزه اش قتل اژدها کز تیغ او گشته روان سوی آبگیر

اکنون پی شکستن دندان منکران گردیده سنگ تانشود خصم نکته گیر



تصویری ازصفه‌صفا وشباك جلووتالارتشریفات

بهر قبول آنکه ندیده است اژدها — بادام سنگ نیز دلیلی است دلپذیر

از خاك خصم روسیهش تابروز حشر — آتش کشد زبانه بر این قبه اثیر

ودرجانب دیگر چنین گچبری شده است :

کل هم وغم سینجلی — بولایتك یا علی ویا علی و یا علی

سلطان علی محمد باقر که ذات او — ماهی‌است زآفتاب‌رسالت فروغ گیر

آنکس که‌طاق‌درگه‌اوراسپهرخواند — جزم است نزد من که نداند زبر ززیر

باید بگاه طوف نمودن قدم زچشم — در روضه ایکه بال ملائك بود حصیر

جاروبش ازخطوط شعاعی‌دهدنشان — میشد زخاك اوبسی این در صفا پذیر

اول مهم تولیت او زروی لطف — فرمود مرحمت به معلی جناب میر

آنکه‌به‌چرخ‌سودسرش رابپای‌بوس — بنواختش به خلعت و ارقام دلپذیر

با جان ودل پی تعمیر آن امیر — نقد از خزانه کرد عطا ملغی خطیر

همچون شمیم نوگل این‌مژده منتشر — درداد این بشارت دلخواه رابشیر

بهردوام نعمت و این‌لطف بی کران — بهر بقای دولت آن شاه‌جم سریر

چندین هزار جبهه زمین سای شد بشکر چندین هزار پیک دعا شد فلک مسیر
مخلص نوشت باسر کلك رقم نگار تاریخ آن که شد متولی جناب میر
از خدمت ائمهٔ حق یافت آنچه یافت فرزند را رعایت آباست دستگیر

حسب الامر الاعلی کمترین محمد مقیم الموسوی قلمی نمود .

فی شهر ربیع الاول سنة ۱۱۱۷

و پوشیده نماند که این ماده تاریخ هنگامی باسال ۱۱۱۷ برابر میشود که چنین خوانده شود (شد متولی جناب امیر) واگر جناب میر خوانده شود با سال ۱۱۱۶ مطابق میگردد مگر آنکه این ماده تاریخ از سال آغاز کار باشد و تاریخ فوق از سال انجام آن .

ایوان مدخل صحن عتیق و در مدخل صحن عتیق از جلو خان یعنی راه‌پله (پاپك) ایوانی است تاریخی از آثار باستانی قرن نهم که سطح آن از کف جلوخان به اندازه پنج متر یا هیجده پله سراسری سنگی مرتفع است و با کف صحن همسطح میباشد .

دهانه ایوان ۵ وعرضش ۴ و ارتفاعش تاسطح زمین ۱۸ متراست که بر فراز آن نقاره خانه‌ای قرار دارد .

ازاره این ایوان آراسته به کاشیهای خشتی مربع منقش وهفت رنگ باستانی است ولبه ایوان بصورت مورب یاپخ ساخته شده است که روی آن در قسمت پائین درطرفین دو نیم گلدان برجسته بمنزله ته ستونی نمودار وبالای آنها ازدوطرف یک طره پیچ فیروزه فام بکار رفته است که برحسن منظر آن افزوده است .

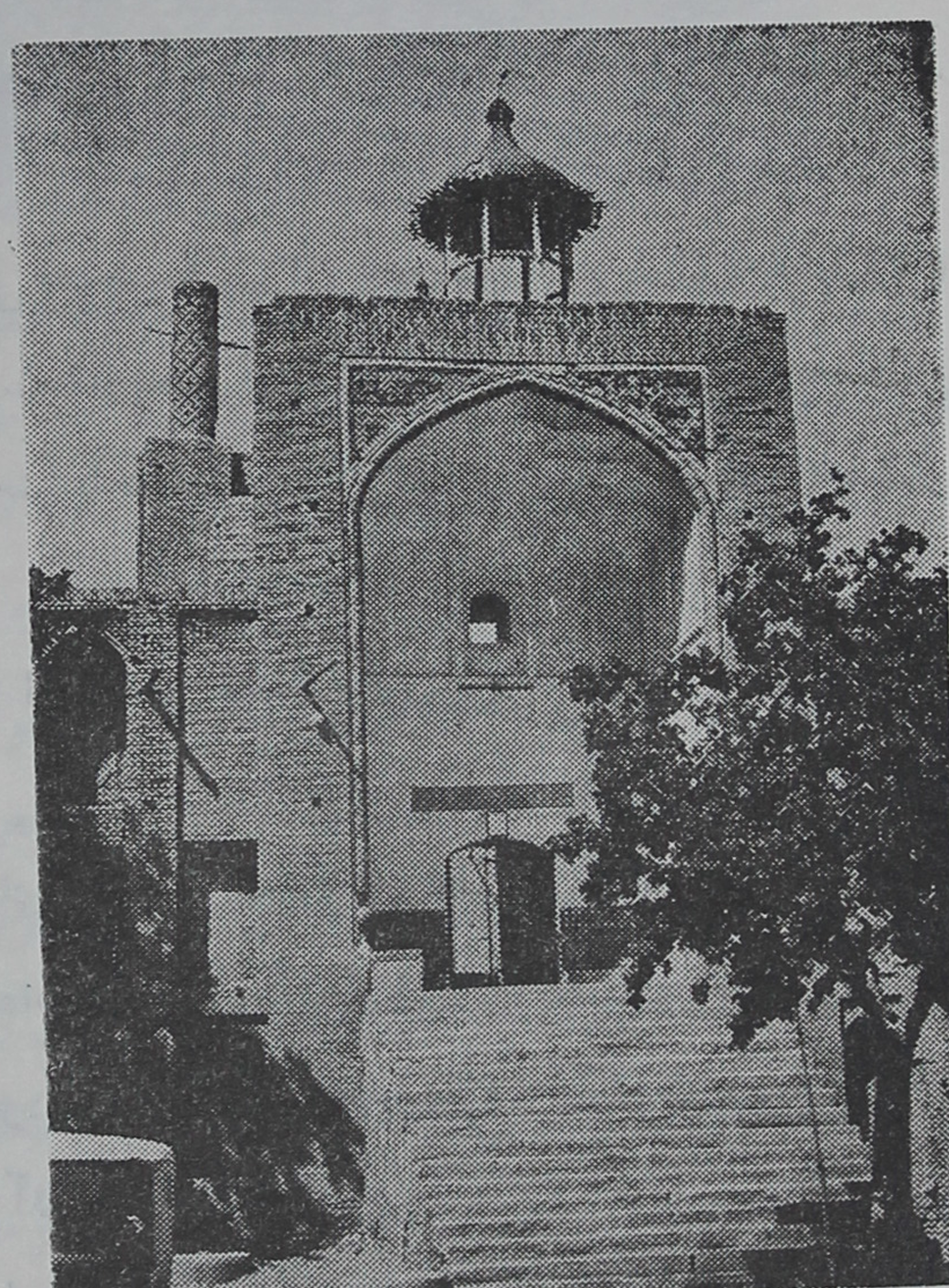
وجرزهای دو جانب ایوان بادو حاشیه آجری ومتنی کاشیکاری نمودار وجبهه و لچه کیهای جانبین روی قوسی طاقبند جلو نیز آراسته بـه کاشیهای خشتی هفت رنگ میباشند .

وجدار داخلی ازبغله هاواسپر وپوشش رومی آن بطور کلی سفیدکاری وفاقد

تزیین است و از چگونگی وضع سابق آن اطلاعی در دست نیست .

در این ایوان یك لوح سنگی قدیمی و یکزوج درب باستانی به چشم میخورد. اما لوحه مزبور از هفت تخته سنگ سفید صیقلی تشکیل یافته است و بر فراز درگاه ورودی صحن در سینه اسپر ایوان نصب گردیده است که به خط برجسته ثلثی روی آن عبارات ذیل حجاری شده است.

چون در زمان سلطنت خاقان سعید شاهرخ میرزا دستور نبود که از سادات و مجاوران و متوطنان و دکانداران مشهد مقدس امامزاده طاهر سلطانعلی بن محمد باقر مواشی و مراعی طلبند حضرت شاهزاده عالمیان ابوالعز میرزا یوسف خلدالله ملکه بنا بر دفع بدع حکم فرمود که من بعد هیچ آفریده ای از ایشان سره و مره طلبد (۱) و ایشان معاف مسلم باشند و خلاف کننده در لعنت خدای و رسول و ملئکه گرفتار شود فمن تبعه فی تبدیله فعلیه لعنة الله و الملئکة و الناس اجمعین کتبه محمد المحلاتی فی ثلث و تسعین و ثمانمائة عمل مبار کشاه .



تصویری از ایوان مدخل صحن و کتیبه حجری و راه پله پایك

اما درب یادشده در مدخل صحن عتیق و در زیر همین ایوان نصب شده

«۱» در کتیبه چنین حجاری شده درصورتیکه بایستی نطلبد حجاری شده باشد.

است واز چفت بالای چهار چوب آن یك زنجیر برنجی صیقلی آویخته وقسمت پائین آن دورشته شده هریك به طرفی ازچهارچوب قلاب گردیده است که نصب آن نشانه بست گاه بوده است این درب بعرض دومتروارتفاع سه متردارای دولنگه وهرمصراع آن ازیك تخته چوب گردوی قدیمی بعرض یك وبلندی سه متر تشکیل یافته است وقسمتی ازلبه لنگه طرف چپ قسمتی که درزیر دماغه قرار میگیرد وصله دار است وچنین گویند که سپاه مغول هنگامیکه میخواستند بتاراج نفایس مشهد بپردازند چون درب مزبور بسته بوده است چنان باتبرزین بر آن کوفته اند که چفت قلاب رابضمیمه این قسمت شکسته اند.

ولی مستور داشتن نفایس مشهد درون محفظه و تیغه کشیدن جلو آنها که قبلا بدان اشاره شد درسال ۱۱۴۴ وهنگام عقب نشینی افاغنه از برابر نادرشاه افشار بوده است

ایوان داخلی درب مزبور به ایوان وسیعی گشوده میشود واین ایوان به دهانه ۷ وعرض ۶ وارتفاع ۱۲ متر باجدارساده سفیدکاری وطاق رومی پوش است واز هرجانب آن دری به سالن جنبین گشوده میشود . و این دو سالن وسیع ومروح که درهایشان به جلوخان گشوده میشوند به قرینه کتابخانه وتالار تشریفات که در طرفین صفه صفا واقعند ساخته شده اند .

سنگاب ممتاز ودر برابر درب ورودی صحن زیر همین ایوان سنگابی نهاده شده است که ازشاهکارهای فن حجاری است ودرلطافت تراش واهمیت هنری زیاده ممتاز میباشد.

این سنگاب بشکل رمانی وفلکه دهانه آن که قدری جمع شده است بقطر یك متر وارتفاع آن ۱/۲۵ مترو به حدی لطیف وصیقلی تراشیده شده است که انسان از تماشای آن سیر نمی شود وتاحال هم سلامت وبدون عیب باقیمانده است که باید در سالن موزه از آن حراست گردد و بر گرد دهانه آن کتیبه ایست به خط برجسته ثلثی که روی آن عبارات زیر حجاری شده است: وقف حضرت امام حسین علیه السلام نمود این سنگ.

آب را آقامحمد طاهر سنگ‌تراش اصفهانی غلام خاصه شریفه ۱۱۳۳ .

دومناره قدیمی

ودر طرفین ایوان مزبور روی‌هرجرزی مناره‌مجوفی‌است با راه پله پیچ داخلی و جدار استوانه ای آجری مزین به کاشیهای کلوکی (نوعی از معقل) که‌قسمت فرازین آن (طبق اظهارمتولی) براثر زلزله سقوط کرده است واینك حدودپنج‌متر آن باقیست .

وجرزهای طرفین چون‌جبهه ولچه کیهای آن بادوحاشیه آجری‌ومتنی کاشیکاری بوده است که تمام تزییناتشان فروریخته است.

نقاره‌خانه

وروی بام ایوان میانه‌دومناره‌مزبور نقاره‌خانه زیبائی‌است باپوشش هرمی برفراز ستونهای مضلع چوبی آراسته‌به سر ستونهای مقرنس چوبی وپوشش قاب سازی که تاحال سالم مانده است .

ایوان‌سردار

ودرجانب‌شرقی بقعه ایوان یا تالاری‌است‌نوساز که‌از آثارسردار کاشی (ماشاءالله‌خان) بسال۱۲۹۶ شمسی است و بنام ایوان سردار شهرت یافته است و گلدسته های هشتگانه سابق الذکر برفراز آن ساخته شده‌اند.

ودر مدخل بقعه دار الحفاظی است که متأسفانه درقسمت بالای آن تصرفاتی بعمل‌آورده از قطر پایه گنبد دوتالارچه‌تراشیده‌بیرون آورده‌اند که‌این غرفه سازی زیبا



تصویردیگری ازراه‌پله‌وایوان‌ومناره‌ونقاره‌خانه

وجالب است ولی تراش پایه‌های گنبد ازنظر فنی چه بسازیانبار وموجب سستی بنای گنبد گردد .

ودرجای این ایوان صفه‌ای ازآثار مولانا محسن فیض کاشانی بوده است که با مدرسه همزمان ساخته شده‌بود و سردار کاشی آنرا برای نوسازی خراب نموده بصورت کنونی ساخته است.

این تالار بدهانه ده‌وعرض شش وارتفاع ۱۲ مترازجلو برفرازدوستون‌ودونیم ستون آجری استوانه‌ای حمل گردیده است ودر هر طرف آن یك حجره تحتانی با غرفه فوقانی وتالارچه‌ای درجلو آن بداخل ایوان بنیان شده‌است.

ازاره ایوان مزین به کاشیهای کلوکی ایوان وروی آن بغله‌ها واسپر آراسته به نقاشیهای رنگین باتصاویری ازعلی مرتضی وحسنین و خواص صحابهٔ آنحضرت چون سلمان ومقداد وابوذر وبلال است .



منظره عمومی مشهداردهال

فراز چهارم

در توصیف صحن عتیق و دو محوطه

صحن نما

در سه جانب بقعه (به جز ضلع شمالی که بکوه محدود میگردد) هر طرف صحنی است گشاده که دو صحن آن شایسته توصیف نمیباشند امیداست که بههمت مردان نیکوکار از اساس نوسازی شوند بدین اجمال که .

صحن قمیها در جانب غربی روضه جلو مسجد ورواق سابق الذکر محوطهایست نمابندی شده ساده باجرزهای آجری وغیر معمور به وسعت سی درسی متردارای جلوخان وبهاربندی خرابه درجانب جنوبی ومدخل صحن که چون درموسم قالی شویان نماهای آن محل کسب پیشه وران قمی میشود بنام صحن قمیها شهرت یافته است امید است که تجدید کننده بنای آنهم نیکوکاران قم باشند .

صحن سردار ودر جانب شرقی بقعه جلو ایوان سردار محوطه دیگریست بهوسعت ۳۸ در ۳۰ متر که ضلع جنوبی وشرقی آنرا چند اطاق باایوان تیرپوش ومخروبه پوشانده است ودر ضلع شمالی آن دوعمارت در دوطبقه هریك دارای چهار اطاق تیرآهن پوش فراگرفته است .

این عمارات رااهالی فین برای آسایش خویش درموسم قالی شویان ساختهاند که محوطه صحن را بمنزله یك کوچه یاخیابان تصور کردهاند واز هرعمارتی دربی بجانب صحن گشوده اند زیرا اگر این محوطه را صحن روضه میدانستند بایستی عمارات مزبور را باچند ایوان دوطبقه طوری بنا میکردند کهبرحسن منظروعمران صحن بیفزاید نه آنکه اززیبائی پیکر وروحانیت صحن بکاهد.

واز آقای حسن مدبر وسایر محترمین مردم فین انتظار میرود که درترمیم

این نقیصه اقدام عاجلی بکار برند ودر سبك این بنا تغییراتی بدهند ضمناً دو ضلع جنوبی وشرقی صحن‌را هم‌عمران نمایندتا یادگاری ازخودباقی گذارندچه که‌مشهد اردهال برای همیشه جولانگاه مردم‌فین ومحل اجرای‌سنت محلی‌قالی شویان‌بوسیله ایشان است .

وتوجه به‌این امر هم ضروری است که این‌محوطه‌قرنها مدرسه‌ای‌طلبه نشین از آثار علامه فیض‌کاشی بود که تربیت یافتگانش امواج ملکوتی قرآن رابه‌قراء اطراف پخش میکردند و حدود نیم قرن قبل به‌هرنیت ازناحیه سردار کاشی خراب شده است و زیبنده نیست که یك چنین مقام مقدسی با وضع فلاکت بار کنونی باقی بماند .

همان علامه فیضی که‌مقبره‌اش مزار مردم کاشان ومحل نذور ایشان‌ودارای آثاری از برکت و کرامت است و بر لوح قبرش عبارات ذیل حجاری شده است (قبض‌المعتصم بحبل‌الله‌المؤمن المهیمن محمدبن مرتضی المدعو بمحسن‌سنةاحدی وتسعین والف وهو ابن اربع وثمانین حشره‌الله مع‌المعصومین) .

صحن عتیق

ودر آنمیانه صحن عتیق که‌جلو صفه‌صفا ودرجانب‌جنوبی روضه واقع است به وسعت ۳در۲۵متر از آثار آل‌تیمور ونسبتاً معمور است چه‌که درعصر صفویه وقاجاریه از آن مرمت‌شده‌است.

ودردوضلع‌شرقی وغربی آن هرطرف هفت‌حجره‌ودرضلع‌جنوبی آن‌ایوانی در مدخل صحن بادو تالار پذیرائی ۶در۶ متری ودر ضلع‌شمالی آن‌صفه صفا بادو سالن کتابخانه وتالار تشریفات یادار التولیه واقع‌است .

اما کتابخانه‌مشهد که‌جدیداً تأسیس یافته‌است درعین‌حال محتوی کتب‌خطی‌ارزنده ایست از جمله قرآنی ناقص که‌بیست‌ودو جزو از سی‌جزو آن جدا ازهم درقطعی پنج سانتیمتری بخط نسخ ممتاز درویش علی دامغانی در محفظه چوبی نگاهداری شده است ودر پایان آن عبارات (کاتب درویش‌علی دامغانی فی‌شهر شعبان ثمان و

اربعین و ثمانمائه) خوانده می‌شود .

و قرآنهای خطی دیگر و کتب ادعیه ایکه ذکرش بطول می‌انجامد با صدها کتاب چاپی اهدائی آیت‌الله مرعشی نجفی در آن کتابخانه موجوداست.

نفایس مشهد

وناگفته نماند که درسال ۱۳۱۴ شمسی که آقای علی اصغر خان حکمت وزیر معارف واوقاف برای تأسیس موزه بقم آمد آقای سپهبدی را مأمور گردانید که در کلیه بقاع ومشاهد اطراف به کنجکاوی پردازد تااگر عتایقی موزه پرداز بیابد به‌موزه آستانه بفرستد وآن را غنی گرداندو نامبرده درمشهد اردهار به کاوش پرداخته اشیائی قابل توجه بچنگ نیاوردتاروزی در اطراف بیوتات آن به جستجو برخاسته تیغهٔ ناهمرنگی درصفه صفا توجه‌ویرا بدان جهت بخود جلب کرد که‌بازدن مشت از وجود خلئی درعقب آن حکایت میکرد بنابراین به‌خرابی تیغه دستورداده اکثر اشیاء عتیقه‌ایکه به‌موزه‌های ایران باستان و قم انتقال یافت ازپشت همین جدار بدست آمد آفرین بر متولی امین و باتقوای مشهد که‌گاه فرارافغانهاازقم‌بجانب کاشان به‌مجرد استماع خبردستبرد آنان بجواهر آستانه قم هرچیزارزنده‌ایرا درون این‌محفظه نهاده جلو آنرا تیغه کشیده‌بودوطوری این امر را سری‌انجام داد که حتی اخلاف اوهم از ماجری و اقـدام اسلاف‌خود اطلاع نداشتند در نتیجه همگی برای چنین روزی مصون از دستبرد باقی ماندند (چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار).

ودرعین ریزش کاشیهای جرزهای‌ایوانهاوجبهه آنهابازهم این‌مشهدازبناهای باشکوه‌تاریخی است که‌بااسلوب خاصی‌طبقه‌به طبقه‌ازجلوخان به‌صحن‌وازصحن‌به صفه‌صفاساخته‌شده‌است.

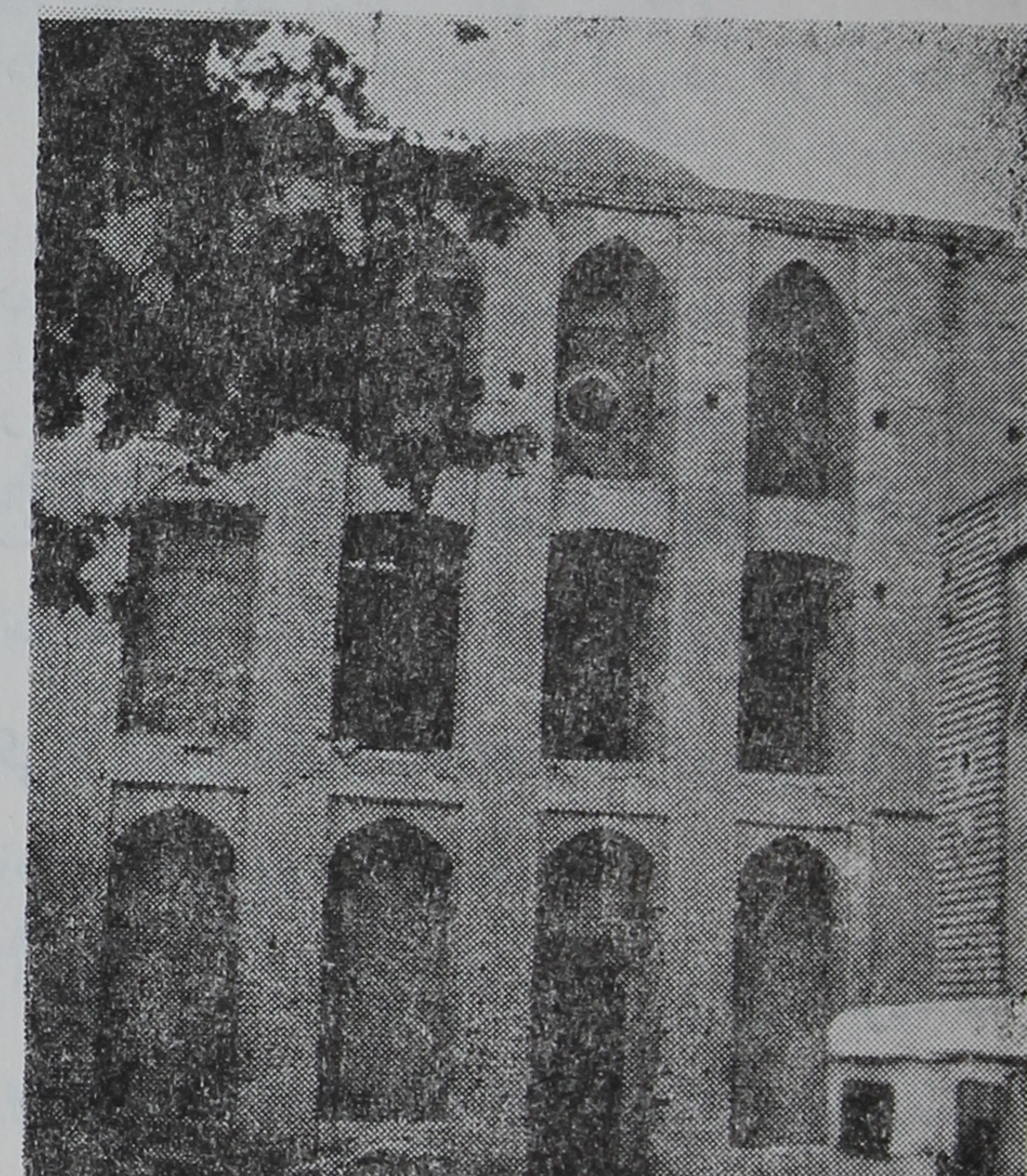
وسالن غرفه مانند جنوب غربی که آسایشگاه پادشاهان درمدت‌اقامتشان در مشهد بوده است بواسطه درهائی که به محوطه مشجرجلوخان دارد ازحداکثرروح وصفا وحسن منظر برخوردار است وحظی که نگارنده‌درچند ساعت استراحت‌خود دراین غرفه برده‌است فراموش ناشدنی است .

فراز پنجم

در توصیف جلوخان با اشاره به مرافق آن

و در جهت جنوبی صحن عتیق جلوخانی است سراسری با شکم دریدگی مقابل پاپك که عمود بر قسمت نخست و تقریباً صلیبی شکل میشوند.

شکم دریدگی مقابل صحن بمنزله میدانی است شش ضلعی که در دو جانب آن



ایوانهائی زیبا و ده گانه برای اقامت زوار ساخته شده است و در وسط آن حوضی مربع و در دنباله آن راهروی است نمابندی که جهت بستن اسبان و دواب است.

و در قسمت مقدم آن یکطرف چندین سالن بزرگ در زیر غرفه‌های صحن و طرف مقابل آن چندین سرای و کاروانسرای و دو حمام و توالت‌های کامل و کارخانه برق دیده میشود که از میانه آن نهری جاری و کنار آن اشجاری تنومند سر بفلك کشیده‌اند .

تصویری از یك بدنه جلوخان زیر شاه نشین صحن
که تصویر دیگری در صفحات آینده درج میشود

مقصد دوم

در توصیف گنبد سلطان‌حسین در بارکرسب

پوشیده نیست که در بارکرسب دو قبه و بارگاه وجود دارد که حدود یك کیلومتر کمتر از یکدیگر دور ند که یکی از سلطان‌علی و دیگری از سلطان‌حسین است.

گنبد مورد سخن در مظهر چشمه سلطان حسین و در مکانی است که مراسم قالی شویان انجام می‌یابد چه که در آنعصر جز همین چشمه آبی در حوالی مدفن سلطانعلی وجود نداشته است.

در اینکه سلطان حسین مدفون در این بقعه کیست چون در کتب انساب چیزی نیست بطور قطع نمیتوان اظهار نظر کرد و در کتیبه‌ایکه روی درب بقعه منبت گردیده است اورا فرزند بلافصل امام باقر یعنی برادر علی‌الطاهر خوانده است درصورتی که امام باقر را فرزندی بنام حسین نبوده است.

و بعقیده نگارنده نامبرده یکی از احفاد امام سجاد است چه که حسین اکبر و حسین اصغر فرزندان بلافصل آن امام به جانب ایران نیامده‌اند.

و مردم محل سلطان حسین را حامل نامه سلطانعلی برای مردم فین شمرده‌اند و معتقدند که بدست مخالفین گرفتار و بقتل رسیده است که این سخن با هیچ منطقی وفق نمیدهد.

بهرصورت مقبره وی دارای بقعه وقبه و رواق و صحن و از آثار قرن هشتم یا نهم هجری است.

بقعه

اما بقعه قاعده‌اش مربع متساوی الاضلاع بدون شاه نشین وصفه و به دهانه ۶ و ارتفاع ۹ متر میباشد که از هر ضلعی هم دری به خارج گشوده میشود.

ودر چهارگوشه آن نیم طاقی بالاآمده صورت چهارضلعی رابشکل فلکه‌ای تبدیل کرده پاطاق گنبد عرقچینی بالا رفته است .

بهر صورت تزیینات داخلی بقعه به‌سبک قرن هشتم ونهم عبارت‌ازملات‌سازی گچبری طلائی رنگ بدون کتیبه‌است ودرمرکز پوشش عرقچینی ترنجی فلکه‌ای طراحی و کنده کاری شده‌است که درون آن گل وبوته‌هائی رنگ به رنگ نقاشی گردیده است .

ودر وسط بقعه مرقدی ساده وجلو آن ضریحی چوبی ومشبك سبزرنگ نصب شده است که نسبتاً تازه است .

درب منبت

ودر مدخل جنوبی بقعه دری چوبی بادولنگه ازآثارصفویه دیده میشود که باستانی ومزین به تنگه‌های قاب سازی‌است وروی‌قاب‌وسط تنگه‌وسطی‌درهرلنگه‌چهارنام (علی)بطورمعکوس منبت گردیده‌است و روی پل‌ها وبا اوش های دولنگه بیت وعبارت ذیل منبت شده است

گشاده باد به دولت همیشه این درگاه بحـق اشهد ان لا اله الاالله

عمل استاد قنبر علی

وقف آستانه‌مقدسه امامزاده‌سلطان محمودابن‌امام محمدباقر علیه السلام‌نمود این دررامیرزااسمعیل‌بن میرفتحی الحسینی المشهدی بتاریخ‌شهرربیع‌الاول ۱۰۷۷

گنبد

وبرفراز بقعه‌گنبدی است هرمی شکل از آثارقبل از صفویه به ارتفاع ۱۲متر آراسته به‌کاشیهای دوالی فیروزه فام تعمیری باعنقی مضلع وآجری که درسبك ساختمان وحسن‌منظر ممتازاست .

کتیبه‌سردرورودی

ودرجانب جنوبی بقعه رواق یا تالاری است سراسری که‌ازسطح بقعه ۴۰/. سانتیمترپائین واز کف صحن‌حدود

دو ارتفاع دارد .

این رواق با سه طاق چشمه که برفراز دوستون مضلع آجری و دونیم ستون مضلع دو طرف حمل شده است میانه‌وستونها را با طارم مشبك چوبی بسته‌اند به دهانه ۱۶ وعرض ۴ متـرو دارای جداری سفید کاری و ساده میباشد جز آنکه برفـراز درگـاه مدخل بقعه در چشمه و سطی کتیبه ایست گچبری به خط ثلثی برجسته زرشکی از آثار عصرصفویه که بدون عنایت به اهمیت تاریخی آن در اثر کوبیدن میخ هنگام سیم کشی برای برق بعضی‌از حروف آنرا شکسته یا مخدوش ساخته‌اند درحالیکه بایستی برای مصون ماندن آن‌حتی‌ازجاروب‌ولمس با دست‌هم روی‌آنرا قاب‌آینه بگیرند .

این کتیبه درجبهه درب ورودی و زیرطاقبند درگاه ومتن آن چنین است :

حسب‌الامرالاعلی بسعی‌بنده درگاه کمترین امیرمحمدطاهرالحسینی ابن‌قوام‌الدین محمدالحسینی الکاشانی متولی‌آستانه متبرکه عرش درجه عمران این‌رواق روضه مقدسه باتمام رسید بتاریخ شهر رجب المرجب ۱۱۲۳ حرره محمدشریف .

ودرجهت جنوبی رواق صحنی است بشکل مربع مستطیل بوسعت ۳۲ متر در ۱۵ متر مشتمل برهیجده حجره با ایوان‌جلو جهت سکونت زوارکه آب‌چشمه سلطان حسین از زیربقعه درآمده از وسط آن جاری است و در طرفین آن اشجاری شاداب وخرم نموداراست .

مقصد سوم

درتوصیف گنبد سلطان محمود علوی

دهکده علوی احداثی سادات علوی و علی‌القاعده در قرن چهارم بلکه پنجم موجودیت یافته است و درپنج کیلومتری مشهد بارکرسب واقع است .

دراین دهکده گنبدی است از سلطان محمود که از احفاد امام باقر خوانده میشود اما کتب انساب جوابگوی نیازمندیهای کنونی ما نمیباشد چه که از سادات پراکنده دربلاد ایران درکتب انساب کمترنامبرده شده‌اند زیرا دوربوده‌اند .

ومیتوان گفت که نامبرده برادر اسمعیل و فرزند عبدالله افطح ابن امام باقر باشد بهرصورت .

بقعه

بقعه سلطان محمود درنقطه مرتفعی از دهکده قرار دارد و به هیئت هشت ترکی متساوی‌الاضلاع به دهانه ۷ وارتفاع ۹متر میباشد و درهرضلعی هم صفه‌ای به دهانه ۲٫۵۰ متروارتفاع ۵ مترساخته شده‌است که جدار آنها سفیدکاری فاقد تزیین است واز سبك بنابدست میآیدکه از آثار قرن نهم باشد .

و روی پوشش صفه‌ها صورت ساختمان فلکه‌ای و پاطاق گنبد عرقچینی بالا رفته است و درابتدای پاطاق کتیبه‌ایست گلوبندی ازگچ بری که روی آن ابیاتی از محتشم کاشی بخط نستعلیق برجسته هرمصرع دریك ترنج کشیده نوشته شده‌است .

قبه

و برفراز آن گنبدی‌است هرمی شکل دوازده ترکی به‌ارتفاع ۱۳ متردارای عنقی آراسته به‌کاشیکاری معقل باوتارکی مزین به‌کاشیهای دوالی فیروزه‌فام که در منتهاالیه عنق آن کتیبه ایست ساقبندی باکاشی کاری معرق به خط ثلثی سفید درزمینه لاجوردی که‌روی آن به‌نقل اهل محل ابتداء صلوات کبیره و سپس نام بانی خواجه شهاب الدین علی در عصر شاه تهماسب صفوی و تاریخ بنا بسال ۹۵۲ خوانده میشود متأسفانه هنگام بازدید نگارنده هوا تاریك بود وموقع هم برای اقامت تاروزبعدمتناسب نبود بنابراین از نقل متن عبارات محروم گردید .

ایوان

در جانب جنوبی بقعه ایوانی است تقریباً به دهانـه ۴٫۵ و عرض ۴/۳۰ و ارتفاع ۶ متر باجدارسفیدکاری و پوشش رسمی‌بندی از بناهای الحاقی بعدی و دردوجانب ایوان حجره ایست و برفراز آن غرفه‌ای

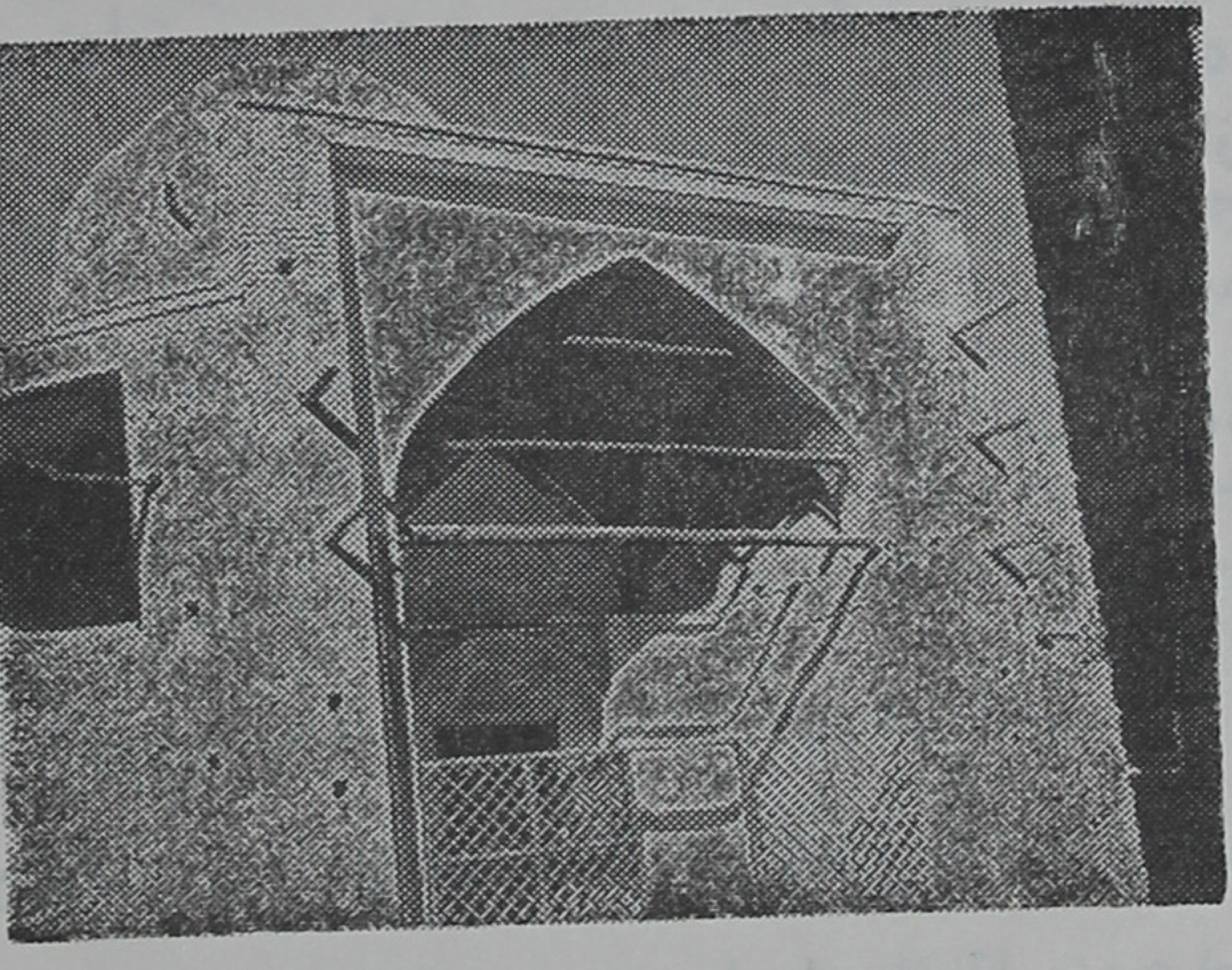
ساخته شده است و جلو آن حوضی با اشجار چنار کهنی دیده میشود .

صندوق منبت

و در وسط بقعه مرقدی است فاقد تزیین کاشیکاری و روی آن صندوقی منبت و جلو آن ضریحی مشبک است صندوق مزبور که تاحال سالم و پاکیزه مانده است مزین به قاب بندی و خانچه سازی با اشکال مختلفه هندسی و دارای کتیبه‌های چندی است که علاوه بر تاریکی محوطه و هوا در پس ضریح مستور افتاده است و همینقدر کتیبه ذیل را که در جبهه پل طرف جنوبی منبت گردیده است بهر کیفیت خوانده و ذیلا نقل میکنند .

(قد توفق بصنع هذاالصندوق و بناء هذه العمارة تقرباً الی‌الله تعالی کهف الوزراء وعون الفضلاء المولی خواجه شهاب‌الدین علی‌فی‌شهور سنة ۹۵۲) .

که امید است در نقل همین عبارات هم از لغزش مصون باشد زیرا احتمال میدهد که بجای (بصنع هذاالصندوق) جمله (بوضع هذا الصندوق) باشد .



تصویری از گنبد امامزاده عبدالله مربوط به صفحه ۳۴

فصل چهارم

در توصیف مشاهد قصبه آوه

در چهار مقصد با پیش گفتاری در تاریخچه آوه و موقع ممتاز آن

پیش گفتار

در تاریخچه بنا و تحولات آوه از اعصار باستان تا حال

قصبه آوه که امروزه بصورت یك دهکده عادی در آمده است در قرون اولیه اسلامی شهری بود که اگر از نظر کمی هم کوچك مینمود ولی از لحاظ کیفی بزرگ و مرکز اصحاب وفاق وتهی از ارباب نفاق و مجمع علماء و صلحاء از روات و محدثین و شعراء و نویسندگان و فضلاء و مدرسان و دارای مدارسی معمور بود و بهمین جهت هم مردمش مبغوض مردم ساوه بودند چنانکه شاعری در این باره چنین سروده است.

وقائلة اتبغض اهل آوه و هم اعلام نظم و الکتابة

فقلت الیك عنی ان مثلی یعادی کل من عادی الصحابة

این قصبه در بیست کیلومتری ساوه قرار دارد که در قرون اولیه به نقل معجم البلدان میانه مردمش با مردم ساوه نزاع و کشمکش‌های تعصب آمیز مذهبی حکومت داشته است و از سال ۶۱۷ که در یورش سپاه مغول به قتل‌عامی فجیع دچار گشت چنان تهی از سکنه و ویرانه گشت که با تمام کوشش‌های رجال بزرگ آن دیار چون سید تاج‌الدین و خواجه شمس‌الدین محمد صاحب دیوان سلطان اولجایتو (شاه‌خدابنده) و بستن سد و پل و احداث راه سنگفرش و تجدید بارو و حصاری که دور آنرا هزار گام ضبط کرده‌اند باز هم روی عمران و آبادانی اولیه را نیافت و از حلیه عمارت و زیور جمعیت عاری ماند.

این قصبه قبل از یورش مغول چنان وسعت یافته بود که اتابک شیرگیر نخست سدی برای تقویت بنیه کشاورزان و توسعه دائره کشاورزی مردمش جلو رودخانه زاینده رود بنیان نهاد (که شاید همین سد معروف به سد ساوه باشد)و بر روی رودخانه پلی از سنگ دارای هفتاد پولان یا چشمه بنا کرد و راه میانه آوه تا ساوه را که درمواقع بارندگی از فزونی گل ولای در اراضی کویری قابل عبور نبود از سنگ فرش کرد.

چنانکه سلطان محمد سلجوقی هفت سال در همین حدود قشلاق میکرد و سالی شش ماه درهمدان و شش ماه دراین جلگه اقامت می‌گزید و در چهار جانب جلگه برجهائی برای دادن خبر از هر گونه خطر احتمالی بنا کرد که یکی برفراز کوه در ابتدای دره وزوا وقاهان و دیگری در قله کوه مجاور سد و سومی در ابتدای خاک زرند قرب دهکده رنگ رز و چهارمی بالای کوه درمدخل این جلگه از علی آباد راه تهران بود علاوه دژی سنگی درسر راه و میانه قم با آوه در محاذات کوه نمك در وسط صحرای از ناحیه اتابك ساتماز بن عزالدین قایماز حنفی مذهب ساخته شد که بنام کاروانسرا

سنگی شهرت گرفته‌است .

این قلعه سنگی دارای باروئی است به‌ارتفاع ده‌متر به وسعت ۷۰ در ۷۰ متر باتزیینات متنوعی‌ازسنگ‌دربالای‌جداروکانالی تحت الارضی‌برای فرار واطاق های دو طبقه و برج ها و مزقل ها و همه گونه مرافق که ظرفیت پانصد تن را دارا بوده است وهنوز دیوارها وپوشش های ضربی اطاقهای‌آن باقی و برسرپااست .

وبمرورآجرهای‌قطورآنرامردم‌ایل‌به‌زحمت‌ازجای می کنندوبرای‌ساختمانهای اطراف می‌برند که‌بایستی‌مدخل‌آن مسدودگردد .

و در نزدیکی آوه‌هم تپه‌ایست که‌بنظر میرسد جایگاه حصار چندین طبقه‌ای بوده است . حصاری امن‌وغیر قابل تسخیر که‌هنگام احساس خطر مردم آوه‌بویژه عمال دولت‌بدانجا پناه‌میبرده اندکه بایدبدیدواهمیت آنرا ازهرجهت‌سنجیدزیرامقام راگنجایش اطاله سخن نیست .

و مطابق نقل تاریخ قدیم قم‌قبل ازطلوع ستاره اسلام دراین‌جلگه دریاچه‌ای وجود داشت که‌در شب ولادت نبی اکرم‌آب‌آن در زمین فرو شد ونیزدرمکان آوه دریاچه‌ای بوده است که‌یکی‌ازپادشاهان عجم را بدانجا گذر افتاده آنرا می‌پسندد پس فرمان می‌دهد تاآب آنرا به‌جانبی‌بگشایند و آنرا بخشکانند سپس کوشکی در آنجا بنامینهند .

و بواسطه وجود همین بحیره عبور ازاین قسمت جز با قایق مقدور نبود و کمترسالی‌میگذشت که‌تلفاتی نداشته‌باشدوبدینجهت پادشاهان در اندیشه خشکانیدن آن برآمدند .

و کیخسروبیژن راکه مردی نیرومند ودر شناوری ماهربود برای‌خشك کردن آن مأمور ساخت و بیژن مشکهائی تهیه کرده درآنها دمیده بیکدیگر بپیوست وبر آنها نشسته روی آب به بررسی ودراراضی‌اطراف آن‌به‌کاوش‌پرداخته سرانجام‌محلی

که برای گشودن راه آب متناسب مینمود پیدا کرد و گروهی را برای شکافتن آن بکار بگماشت و آب دریاچه را به جانب خوی بگشود تازمین خشك افتاد و کیخسرو پس از غلبه بر افراسیاب در باز گشت چون بسر زمین خوی رسید و این دریاچه را خشك دیـد بهر یك از اسپهبدان خویش برای ساختن کوشکی در این سر زمین امر کرد از جمله پیپ بن گودرز در کنار چشمه‌ای مابین رودخانه دو کوشك و سه کاریز احداث نمود .

و برقی در کتاب بنیان آورده است که فرعون مصر ازمردم آوه بود که هر سرخ روی ازرق چشمی از نسل او میباشد و سرای فرعون در محل سرای فضلویه متطبب بوده است که‌میانه دروازه بنان بن‌موسی‌ودروازه وزواقرار دارد.

و اهمیت آوه تاحدی‌بود که‌در چند کتاب طول و عرض آنرا هم بدینسان تعیین کرده اند که‌طولش تاجزیره که‌بریج ۸۴ درجه‌وهشت دقیقه و عرضش تاخط استوا ۳۴ درجه وهفت دقیقه می‌باشد .

ونبی اکرم صلی‌الله علیه وآله وسلم در شأن‌آوه و مردمش فرماید (بارك‌الله فیها وعلی اهلها) .

و امام علی‌النقی (به نقل امامزاده شاهزاده عبدالعظیم حسنی)اهل آوه‌رادر عرض مردم قم ستوده آنان‌راآمرزیده ومغفور خوانده است

وصاحب کتاب‌النقض‌درباره آوه چنین‌آورده‌است که :

هرچند آوه شهری بصورت کوچك است اما بحمدالله‌ومنه بقعه ایست که‌از شعائر مسلمانی وآثار شریعت مصطفوی وسنت‌مرتضوی بزرك‌است.

در مسجد جامع کبیر و صغیر آن همیشه مراسم جمعه و جماعت بجای میآورندو برترتیب‌عیدین وغدیر وعاشورا، وبرات و ختمات قرآن همت میگمارند ومدرسه عزالملکی‌و عربشاهی به‌مدرسینی دانشمندچون‌سیدابوعبدالله وسیدابوالفتح الحسینی ودیگر علماء وفضلاء محلی بود ومشهدامامزاده عبدالله وموسی وفضل و

سلیمان اولاد امام موسی کاظم در آنجا ازمشاهد منوره ایست‌همگی‌مشحون‌به‌علماء و فقهای متبحرمتدین .

و از عبارات مزبور چنین مستفاد میگردد که چهارفرزند امام کاظم درچند مشهد مدفونند(نه در یك گنبد چنانکه از فحوای عبارات مجالس المؤمنین استفاده می‌شود) ونیز چنین بدست میآید که در مشاهد مزبور صحنی مشتمل بر حجرات وجود داشته است که مشحون ازعلماء وفقهاء بوده است که حجرات آنهارا‌خراب کرده مصالح‌ساختمانی آنها را برده اند و هیئت نباشان فی‌القبور هم سطح زمین بلکه‌زیرمرقدرابرای یافتن گنج کنده اند و هـر چه یافته اند برده اند چنانکه کاشی الواح قبور را هم برده اند وجای آنها نمودارند .

و ناگفته نماند که میانه گنبد برجی امامزادگان با دهکده در مساحتی حدود یك کیلومتر تل های کوچکی به نشانه خانه ها وسراهای‌قدیم‌مشهود است که مورد کاوش واقع شده ظروف کاشی لعابدارو سفالین بسیاری‌از دوران بعداز اسلام با اشیاء متفرقه فلزی بدست‌آمده است که یهودیان خریده وبرده‌اند و اکنون مأمورین ژاندارمری از حفاری آنها و همچنین تپه و قلعه سابق الذکر بکلی جلوگیری کرده‌اند .

دراینجا بتناسب مقام می‌نگارد که در زینة المجالس درباره سد ساوه مطلبی است بدین‌مفاد که‌آب دریاچه پشت سد وآب بهاری‌آن ازهفتادپولان که اتابك شیر گیرسلجوقی ساخته به ولایت مقاره میرسد وآب ساوه وآوه برآن سد است .

که بعقیده نگارنده مرادش از پـولان همان سوراخهـای آبروتنوره است که درفواصل نیم متری گذاشته‌اند تا چون‌آب پائین برود منفذ زیرین را بگشایند و جلو این پولانها ساختمانی‌است برجی‌با راه پله پیچ که درهردوری درگاهی‌بسوی این برج دارد که ازآنجا به درون برجی درآمده منافذ مزبور را میگشایند .

واما در جمله ولایت مقاره بنظر نگارنده تحریفی راه یافته است چنانکه

جمله (بهلات مسیله) بهولایت مقاره تبدیل و تغییر جسته است زیرا در این منطقه ولایت مقاره‌ای وجود ندارد مگر آنکه عبارت اصلی رالات مقاره و مقصود از مقاره را زمین قیر اندود سیاه فام نفتی بدانیم .

بهرصورت مطابق نقل تاریخ قم قصبه آوه در اواخر قرن چهارم و زمان تألیف تاریخ مزبور تعداد چهل دهکده تابعه داشته است .

وصاحب مجالس المؤمنین پس از مطالبی که در باره آوه نقل میکند از اکابر متأخرین آوه امیرشمس الدین محمد آوه‌ایرا از صلحا و فضلاء و اتقیاء و مقربان ملك خراسان سلطان علی مؤید یاد کرده چنین مینویسد که شیخ شهید کتاب لمعه دمشقیه را به التماس وی به رشته تحریر درآورد و به همراه آن وزیر برای پادشاه به هدیه فرستاد و مقصودش از (بعض الدیانین) در مقدمه آن کتاب همان امیر شمس الدین آوه ایست .

کوتاه سخن که در این دهکده از مجموع آنهمه ابنیه و آثار دینیه بجز یك گنبد تاریخی وداخلی ویك گنبد باستانی خارجی و دو گنبد قدیمی ساده چیزی مشهود نیست که در چهار مقصد آینده توصیف می‌شوند .

مقصد نخست

در توصیف گنبد شاهزاده عبدالله اوجان یك فرسنگی دهکده

گنبد مورد نظر در یك فرسنگی آوه میانه آن با ساوه در نزدیکی راه شوسه اصفهان به تهران واقع واز بناهای تاریخی و باستانی لیسیده از کلیه تزیینات است حتی لوح قبر و زیارت نامه هم ندارد و در مجموع این بنا کتیبه‌ایکه از نام مدفون هم حکایت کند دیده نمیشود و چون شبها خادم مراقبی ندارد مورد دستبرد نباشان فی القبور قرار گرفته است و کلیه اشیاء داخلی بقعه را بقصد تیمن و تبرك ربوده و برده‌اند چه که

بیش ازسایر مشاهد مورد توجه و اعتقاد مردم اطراف بویژه ایل شاهسوند و محل نذور و قربانی‌های ایشان است .

مدفون دراین گنبد به ظن قوی همان امامزاده عبدالله فرزند بلافصل امام کاظم است که صاحب کتاب النقض وهمچنین کتاب مجالس المؤمنین بر دفن وی در آوه تصریح کرده‌اند .

و به احتمال ابوعبدالله اسحق بن ابراهیم العسکر ابن موسی ابی السبحه بن ابراهیم المرتضی ابن امام کاظم است که مطابق گفته مؤلف تاریخ قم در آوه میزیست و دختر دهخدا شاهین را درطریز ناهید تزویج کرد و او را پسری بود بنام احمدبن اسحق که با پسرخود حسین و پسرزاده‌اش شاهزاده حمزه دریك نقطه درقم مدفونند .

واین احتمال درصورتی است که سلطان سید اسحق مدفون درساوه رابگفته حمدالله مستوفی فرزند بلافصل امام کاظم بخوانیم.

ولی بعقیده نگارنده مدفون درساوه همین ابوعبدالله اسحق عسکر است و بقعه مورد سخن مدفن عبدالله فرزند بلافصل امام کاظم است .

وبنابراینکه ابوعبدالله اسحق را در این بقعه مدفون نخوانیم باید معتقد شویم که درنام وی از کثرت استعمال تخفیفی راه جسته ابو عبدالله بنام عبدالله خوانده شده است .

گنبد

بهرصورت گنبد مزبور یاقاعده برجی از ابنیه تاریخی دوره سلجوقیان است که وزیر معروف سید مجدالدین ابوالفتح محمدبن حسین بن محمد بن علی بن ابراهیم بن عبدالله بن امام کاظم ساکن ری بر فراز تربت جداعلای خود درقرن ششم بنا نهاده است .

این گنبد از داخل بشکل مضلع هشت ترکی درآمده است به این وضع که با افزایش گچ برروی جدار داخلی صورت آنرا مثمن ساخته اندو درزوایای هرضلع دوخط متوازی حنائی نقاشی وگچبری شده است که اضلاع را تجلی میدهد.

دهانه محوطه داخلی ۱۱ وارتفاع کنونی آن کمتر از بیست متر است ولی چندمتر سطح بقعه را بالا آورده اند زیرا چندین سال قبل سیل اطراف بقعه را زیر گرفته آب بداخل آن ریخته حدود سه متر روی مرقد را هم فرا گرفت در نتیجه مجبور شدند که سطح بقعه را خاکریزی کنند واطراف آنرا هم ازخارج بالا آوردند تا منجر به خرابی گنبد نشود .

ودر نتیجه این خاکریزی درگاه قبلی گنبد زیرخاك رفت ودرگاه راه پله گنبد که در ارتفاع چهارمتری واقع بود راهرو بقعه گردید درصورتیکه قبلا مجبور بودند با نردبان خودرا بدرگاه مزبور برساند .

قطرجدار گنبد حدود سه متر است که راه پله پیچ تابام بقعه ازدرون آن ساخته شده است که اکنون جلو آن مسدود شده است واین گنبد بدون راه پله میباشد وبرف برفراز آن چندان میماند تابمرور ذوب گردد.

قسمت پائین جدار داخلی تا ۱۴ متر هشت ترکی وقسمت دوم بالای آن بصورت شانزده ضلعی در آمده دارای شانزده نما میباشد و قسمت سوم روی آن بصورت فلکه‌ای نمودار است که پاطاق گنبد عرقچینی (دوپوششی) آن بالا آمده است .

ودر بدنه پاطاق چهار نورگیر درگاهی باز گذاشته‌اند متأسفانه درپوشش زیرین انشقاقی پدیدار گردیده است که باتوجه به اصالت این گنبد تاریخی (بهترین نمونه سبك ساختمان درقرن پنجم وششم) حفاظت ومرمت آن ضرورت داشته دردرجه یکم امور حائز اهمیت می‌باشد وتصور می‌رود که باکشیدن گلوبند فولادی برگردعنق آن از خرابی گنبد جلوگیری خواهدشد مخصوصاً که از جدار آن حتی یك آجر هنوز نریخته است که معلوم نیست ملات آن باچه ماده‌ای ترکیب یافته است .

و در شرقی گنبد تپه های متوالی و ممتدی نشان دهنده یك معموره قدیمه دیده میشود .

ودر میانه بقعه مرقدی است گچی بطول ۲/۵۰ وعرض ۱/۲۵ وارتفاع ۱/۳۰

متر ودر مدخل آن رواقی است جدید باراهروی در وسط و دو صفه در طرفین که ویژه سکونت زوار می‌باشد ودر برابر آنچاه آبی است گوارا باچرخ‌وطناب.

که کف بقعهٔ مزبور را نباشان کنده بودند وهنوز تعمیر نشده‌است ودر یك فرسنگی آن بقعه‌دیگریست برجی وباستانی از خشت‌وگل باگنبد عرقچینی که سطح آن به‌دست‌نباشان بصورت چندچاه درآمده‌است وازنام ونشان مدفون در آن اطلاعی دردست‌نیست.

مقصد دوم

در توصیف گنبد تاریخی سلیمان وفضل وموسی وعبدالله

فرزندان بلافصل امام کاظم

درپانصد متری شمالی دهکده آوه گنبدی است باستانی که‌طبق‌تصریح کتاب النقض تألیف شیخ‌عبدالجلیل قزوینی بسال ۵۵۶ وهمچنین کتاب مجالس‌المؤمنین قاضی‌نورالله شوشتری‌مدفن فضل وسلیمان وموسی وچه‌بساعبدالله فرزندان بلافصل امام کاظم می‌باشد.

هر چند که از ظاهر عبارت النقض که قبلا نقل گردید تعدد مشاهد آنان مستفادمیگردد.

گنبد مورد سخن بشکل برجی از آجرتراش وطوری ساخته شده است که خلئهای درز ملات‌های عرض آجرها ، جدار گنبدرا منقش‌تجلی‌میدهد.

این گنبد بسبك عصرسلاجقه برجی وبرهنه ازایوان ورواق بنیان‌گردیده‌است وکف بقعه بواسطه بالاآمدن سطح گورستان اطراف حدود دومترگود افتاده است که باید باپائین رفتن ازچند پله واردگنبدشوند چندانکه تابالای جدارصحن کوچك جنوبی آنراهم‌آوارپوشانده‌است وسطح‌گورستان ازسردرگاه ضلع جنوبی‌هم‌بالاتر

است چندانکه صحن مزبور همانند حوضی عمیق نمودار است .

ودرجانب شرقی بقعه رواقی در عصر صفویه افزوده شده است که مخروبه میباشد وسطح این رواق که از کف بقعه یکمتر بلند است نسبت به سطح گورستان یکمتر گود بنظر میرسد .

گنبد — قاعده گنبد ازخارج برجی وازداخل به صورت مضلع هشت ترکی در آمد که به دهانه ۸ وارتفاع ۱۴ متر است .

وقسمت داخلی گنبد که مضلع هشت ترکی است دارای هشت صفه محرابی شکل منقش و زیبا است که سبك ساختمان برافزایش آنها در اوائل عصر صفویه حکم میکند چه این صفه ها به سطح زمین نمیرسند بلکه حدود یکمتر قسمت پائین آنها بصورت سابقه باقیست .

وازهمین خلئها بخوبی بدست میآید که قاعدۀ گنبد ازداخل بشکل چهارضلعی ودارای چهارشاه نشین صفه‌ای بوده است که درزوایای چهار گانه آن نیم طاقی در ارتفاع یکمتری سطح زمین بالاآورده صورت چهار ضلعی را به هیئت هشت ترکی تبدیل ساخته‌اند زیرا جرزهای میانه صفه ها دردوجانب زوایای اربعه آن بطور معلق نمایان است که اگر خلئهای زیر نیم طاقها نمایان نبودند ممکن بود گفته شود که قاعدۀ گنبد ازداخل هشت ضلعی یا برجی بوده است .

بنابراین باید گفت که قاعدۀ گنبد تاارتفاع یکمتر چهارضلعی وبالای آن هشت ترکی وروی آن فلکه ای شده است وپاطاق پوشش عرقچینی زیرین بالاآمده است که روی پوشش سفید کاری است .

ولی هرگاه سطح بقعه حدود یکمترخاکریزی شودوبالا بیاید تاهمسطح رواق شرقی گردد دیگر قاعده مربع آن قابل تشخیص نمیباشد .

بالجمله سبك بنا این گنبد رابه ابنیه سلجوقیان ملحق میسازد واز ظاهر عبارات کتاب النقض هم وجود مشهد هنگام تألیف یعنی درسال ۵۵۶ مستفاد میگردد چنانکه عبارات

مجالس المؤمنین هم وجود گنبد و مشهد مزبور را از قدیم تأیید مینماید .

گنبد فرازین و برفراز پوشش بقعه گنبدی است کلاه‌خودی بلکه نیمه بیضی مشابه عرقچینی از آجرتراش که در عنق آن چهار نورگیر باز است وقطر قسمت فرازین از عنق آن کمتر است .

در این بقعه کتیبه ای حاکیه از نام مدفونین حتی لوح زیارت نامه هم وجود ندارد وجای کاشیهای روی مرقد که مانند دوسینی مربع الشکلی پهلوی یکدیگر قاب سازی گچی شده است نمودار است وسطح بقعه آلوده و کثیف وصفه غربی آن ازدوده نفت رنگ شده است . که جز بی علاقه گی و بی ایمانی اهل محل محملی ندارد و دراین بقعه یك چراغ نفتی لامپای پیچ بدون لوله روشن بود . که ازدودش آن محوطه تیره وتارو تنفس مقدور نبود .

ودر جانب شرقی آن رواقی چشمه پوش است بدهانه ۴/۵۰ در ۳/۵۰ متر که فاقد ارزش تاریخی است .

ولی گنبد مورد نظر از ابنیه باستانی عصر سلجوقی است که باید در شمار ابنیه تاریخی ثبت وحفاظت گردد .

مقصد سوم

در توصیف گنبد پیغمبر شهره

در میانه دهکده گورستان وسیعی است و در جانب شمالی آن بقعه ایست قدیمی ولی فاقد تزیین وجنبه های تاریخی که سطح گورستان تا محاذات پوشش آن بالا آمده این بقعه درون آن باچندراه پله ورودی بصورت برکه آبی درآمده است .

قاعده اش مربع متساوی بدهانه ۴ و ارتفاع ۶ متر که در چهار گوشه آن درارتفاع دومترونیمی نیم طاقی بالاآورده صورت ساختمان را به هیئت هشت ضلعی

تبدیل کرده‌اند که روی آن فلکه‌ای شده پاطاق گنبد عرقچینی بالا آمده است .
جدار مربع بقعه از خارج آجری و از داخل سفید کاری و قبه آن نیمه بیضی یا خودی شکل آجر پوش است .

و بعقیده نگارنده مدفون در این بقعه سید جلیل محمد بن محمد بن زید بن علی الاحول ابن محمد السلیق از احفاد امام سجاد است که در سال ۲۹۹ در اهواز بر مقتدر عباسی خروج کرد و شهر واسط راهم تسخیر نمود و خلیفه عباسی امیر حسین بن سهل بن عبدالله جرشی را با نیروی متناسبی برای مقاتله در مقابل وی مأمور ساخت و پس از چند جنگ سرانجام گروهی از یاران سید کشته و بقیه متواری گشته سید خود را از معرکه به کناری کشیده متنکراً به جانب قم فرار کرد و بطور ناشناس با کتمان نام و نسب خویش در آوه سکونت گزید و چون لباسهای سفید و نظیفی پوشیده از منتهای جلال و حسن منظر هم برخوردار بود مردم او را پیغمبر یا پیغمبری خواندند و در سال ۳۲۰ رحلت یافته در این نقطه دفین و برفراز تربتش سایبانی افراشتند و پس از چندی بجای آن قبه و بارگاهی بنا کردند که ریشه و پایه ها بلکه پوشش آنهم از آثار قرن چهارم بنظر میرسد .

و محتمل است که مدفون در این بقعه سید جلیل احمد ابحر ابن ابی محمد حسن الدلال ابن محمد بن علی بن محمد بن ابی جعفر احمد بن عیسی الرومی از احفاد علی بن جعفر عریضی باشد که در دولت رکن الدوله دیلمی به استخراج نفت در اطراف کوه نمک پرداخت و چون مدیر کمپانی نفتی از کمال حشمت و جلالت برخوردار بود .

مقصد چهارم

در توصیف مقبره سادات سجادی

در مدخل دهکده لب جاده هم مقبره ایست که میتوان گفت سابقاً مدخل صحنی

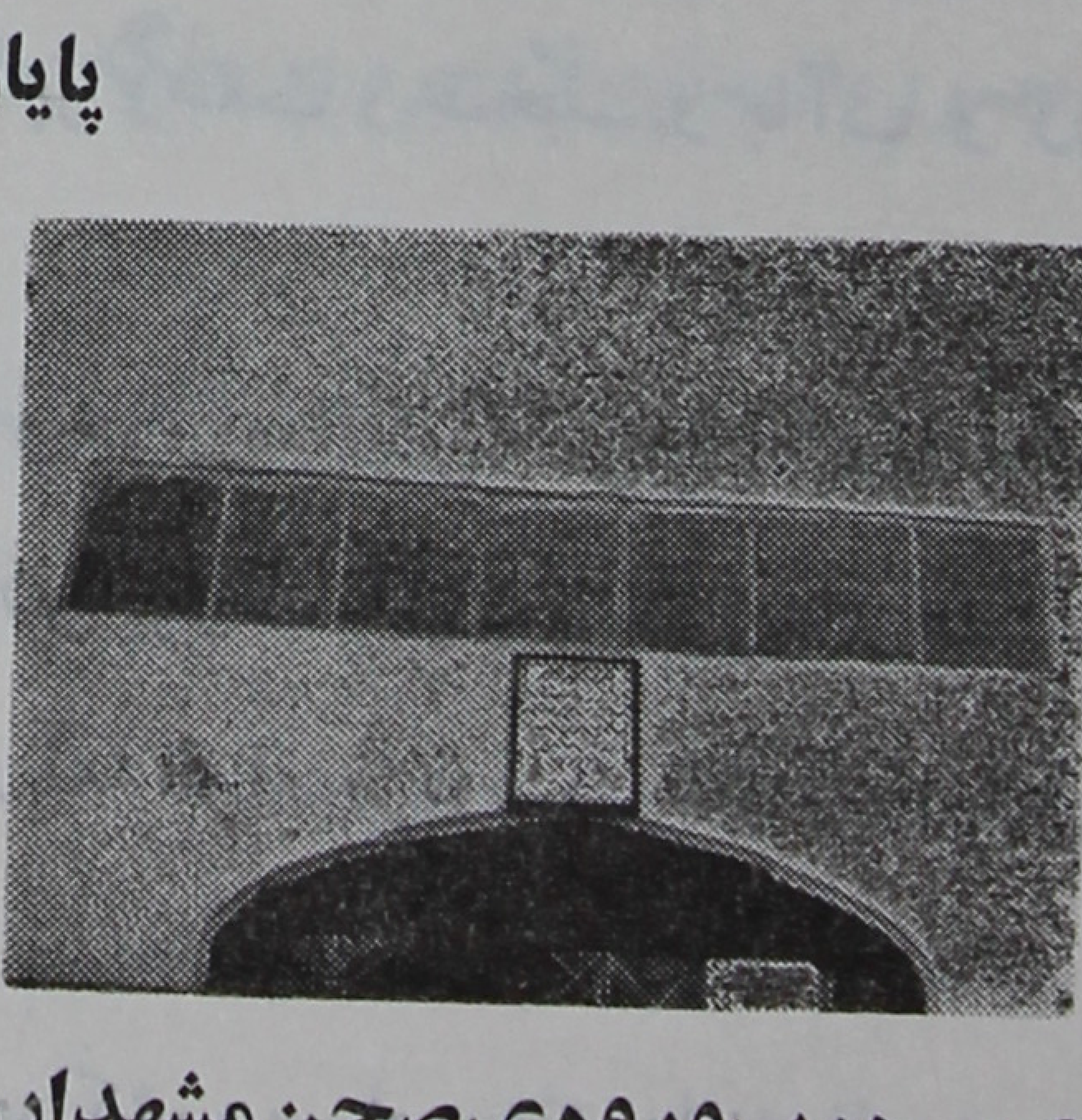
بوده است که گروهی از سادات بویژه سادات حسینی سجادی را در آنجا دفن کرده اند .

این مدخل که اینك بصورت بقعه مستقلی دز آمده است از نظر تاریخی شایسته توصیف نیست ولی بمنظور حفظ آثار قدیمه و محض خالی نبودن عریضه همین قدر توضیح میدهد که :

بقعه مزبور قدیمی و فاقد تزیینات و بشکل مربع مستطیل بدهانه ۴ در ۵ و ارتفاع ۷ متر است که در چهار گوشه آن با بالا آوردن نیم طاقی بصورت فلکه ای در آمده پاطاق گنبد عرقچینی بالا آمده است و جدار داخلی آن سفید کاری و روی قبه چشمه پوش آن کاه گلی و جلو آن هم بعداً ایوانی ساخته شده است و در وسط آن مرقدی است گچکاری بدون ضریح که تنی چند از سادات نامبرده به اسامی شاهزادگان سلیمان و حسین ورحیم و حمید پدرو فرزندانش با مادرشان عبده بنت داود بن امامة بن سهل بن حنیف معروف مدفونند.

و ناگفته نماند که چون در شبی سردو برفی قاطر سواری با مرکوب خود بناچار بداخل بقعه پناه میبرد و بامدادان قاطر خود را در گوشه بقعه خشك شده و بی جان می بیند از آن وقت نزد مردم صحرانشین بعنوان بقعه امامزاده قاطر کش شهرت یافته است تادر آینده کاروان دیگری به چنین جسارتی اقدام نورزد .

پایان فصل چهارم



تصویری از کتیبه حجری سر درب ورودی صحن مشهد اردهال مربوط به صفحه..

فصل پنجم

در توصیف مساجد و مشاهد ساوه در محدوده قم

مشتمل بر پیش گفتار و نه مقصد

پیش گفتار

در موقع ساوه در قدیم و رابطه آن باقم

برای روشن شدن ارتباط میانه ساوه باقم باید مطالب کهنه‌ایرا از نو بیان و تجدید نمود وچنین افزود که :

نام ساوه برمنطقه وسیعی درمیانه دوشهر بزرگ همدان واصفهان اطلاق میشد که مشتمل برچندین رستاق وهر رستاقی‌دارای چندین طسوج بود که با دارا بودن معموره‌ها و دهکده‌های پر وسعت وجمعیت و باآب و زراعتی‌از شهری بنام ساوه محروم بود .

زیرامالکین‌عمده وخورده‌مالکین‌اکثرقراء آن‌دردهکده‌های‌خودسکونت‌دائمی داشتند وگروهی از مالکین بزرگ آنهم در شهرهای نامبرده یـا غیرآن می زیستند بطوریکه محصول و درآمد قراء مزبور در نقطه‌ای ازاین‌رستاق‌متمرکزنمی گردید تاشهری بوجود آید .

و اینگونه مناطق‌درکشوربسیاربودند مانند ناحیه بزرگ دشت پی که شهری

نداشت ونیمی‌از آن تابع ری، ونیمی‌دیگر تابع همدان بودوشهرقزوینی وجودنداشت تا هنگامیکه بفرمان خلفای عباسی پس‌از یأس از استیلای بر جنگل دژهای متعددی در مرز کشور متصرفی خویش برای جلوگیری‌از تجاوزات و یورش‌های‌مردم دیلم و جنگلی‌به جانب عراق بنیان کردند چون دژ رودبار ودژ قزوین ودژ طالقان وغیر آن و از آنمیانه دژ قزوین که درمرکزدشت پی بودبمرور مأمنی برای‌مالکین‌دهکده‌های‌اطراف گردیده مسکن آنان گشت وطولی نکشید که بشهر مستقلی تبدیل شدچندانکه دور باروی حصارش از دوازده هزارگام بالا رفت ودرقرن سوم که‌این‌شهردارالملك کشوری‌علویه‌گردیدازهرجهت ترقی کرده وسعت و جمعیت‌یافت .

ویا ناحیه ایلام که در دوران باستانی کشوری مستقل بودقرنها ازداشتن شهر مستقلی درمرکزخود محروم بود تا اینکه دراین قرن شهری بنام شاه‌آباد بنیادگردید که اینك مرکزفرمانداری کل و دارای‌چند فرمانداری شده است .

همینطور بود وضع ساوه که نیمی از آن تابع همدان و بنام ساوه همدان مشهور ونیمی دیگر تابع اصفهان و بعنوان ساوه اصفهان خوانده میشد که مرکز قسمت دوم مطابق ضبط نسخه چاپی‌تاریخ قدیم قم بنام میلادجرد بودکه باید معتقد شویم براینکه در این نام تحریف وتغییری راه جسته است و صحیح آن الوسجرد یا سلیجرداست‌زیرا اساساً‌معموره‌ای‌بنام‌میلادجرد درجلگه ساوه‌وجودخارجی نداشته و ندارد .

وهنگامیکه شهراسلامی‌قم موجودیت‌یافت وحکمران اصفهان ازجمع آوری خراج آن عاجزگشته اکثر اوقات عرب اشعری با عامل خود از در شکنجه و آزار بلکه‌اخراج‌اوازشهروقتل‌وغارت‌بیت‌المال درمیامدند .

عبدالله‌بن کوشید حاکم اصفهان برادر خود عاصم را بقم اعـزام داشت و نامبرده عرب اشعری را تحت فشار قرار داد تا خراج گذشته و معوق را بـه حیطه

وصول بکشد در نتیجه بقتل رسید و عبدالله به بغداد شتافته ماجری را بعرض خلیفه رسانید و از این طرف هم الیسع اشعری بدارالخلافه در آمده از طرز رفتار عمال زبان بشکایت گشاده اظهار داشت که هر گاه قم از اصفهان مجزی و شهر مستقلی شناخته شود خراج سالیانه آنرا شخصاً تضمین می کند سرانجام هارون بر تجزیه قم از اصفهان مصمم گردیده از سال ۱۸۹ هجری قمری شهر قم را شهر مستقلی شناخته چند رستاق از اصفهان و از جمله رستاق ساوه و چند رستاق هم از همدان تا الیگودرز را که تحت تملك عرب اشعری در آمده بود مجزی ساخته بر آن بیفزود .

در نتیجه ساوه اصفهان تابع شهر قم گردید و از آن پس معموره‌ای بنام ساوه در اراضی رود آبان بنیان گردید که هیچگاه سکنه آن از ده هزار تن تجاوز نمیکرد منتها اخیراً پس از امتداد راه شوسه اصفهان . تهران از ساوه و برهم ریختن شالوده مالکیت‌های عمده و تبدیل آن به خورده مالکین و توجه مالکین از دهکده‌ها به جانب شهر و نو سازی، شهر ساوه هم از وسعت و جمعیت روزافزونی برخوردار شده است که مقام را گنجایش اطاله سخن نیست .

و همینقدر مینگارد که از ساوه رجال علمی و سیاسی بزرگی برخاسته‌اند که ابنیه اسلامی باستانی ساوه از آثار آنانند .

مضافاً برسخنانی که درباره آوه نگاشته شد چون بنای سد و پل و جاده و برجهای خبری سلجوقیان که در همگی آنها ساوه هم شرکت دارد در شان ساوه صادق مینماید زیرا این منطقه بنام جلگه ساوه خوانده میشود که هفت سال محل قشلاقی سلطان محمد سلجوقی بود و پس برجهای مراقبت و اخباری مانند مناره قز قلعه در نزدیکی بند و سد تاریخی در جنوب غربی و برج وزوا در جنوب شرقی و برج کوه رنگ رز در غربی و برجهای علی آباد و باقر آباد در شمالی را اگر به ساوه نسبت دهیم انسب است .

مقصد نخست

در توصیف مسجد جامع و تاریخی ساوه

درسه فراز

فراز یکم

در توصیف از مقصوره و گنبد آن

قبل از نگارش تاریخچه بنای مقصوره و توصیف از آن توجه خوانندگان را به این معنی جلب می کند که جامع موردنظر گنجینه متنوع هنری از کاشیکاری وگچبری ونقاشی ونمونه سبک‌های مختلفه ساختمانی درقرون وسطی است اماوقوف بر جزئیات مزایای آن وقت کافی و لوازم وافی میطلبد که نگارنده چین فرصتی را نداشته است .

چه که ظرف یك روز بانداشتن راهنما و وسیله و مددکار و عدم وجود اهل خبرت وبصیرت ومواجهه با مشکلاتی ادای حق آن امکان پذیر نیست بنابراین در برابر اسقاط بعضی از مزایای فنی وهرگونه افراط یا تفریطی که احیاناً در نگارش این یاد داشت هاراه‌یافته باشد (هرچندقصور هم تلقی نمیگردد تاچه رسد به تقصیر)

قبلا پوزش میطلبد ومینگارد که .

دردو گوشه ضلع جنوبی مسجد ساختمانی است خشت و گلی بشکل بعلاوه ومتقاطع بر یکدیگر که ازوجودیك آتشکده ومیهمانسرایش حاکیست واز بودن معموره‌ای دراین سرزمین نیزحکایت میکنند اما چون جزسبك بنامدرکی برطبق این تشخیص دردست نیست از آن چشم میپوشد .

بنابراین بایدگفت که تاریخ بنیان این جامع باتاریخ پیدایش معموره‌ای بنام ساوه همزمان واز آثار سلجوقیان در اوائل قرن ششم است .

وبرای مزیدتوضیح مینگارد که در منتهاالیه غربی ضلع جنوبی مسجدبنائی است صلیبی شکل باپایه هائی ازخشت های متین بقطر دوازده وابعادچهل سانتیمتر که‌بعداً درتعمیرات عصر صفویه جلوآنهارا آجرکاری کرده‌اند ومحرابی هم بر آن افزوده‌اندودرجانب دیگریعنی منتهاالیه‌شرقی هم بنائی است موسع بدهانه۱۸ متردر۶ متر بدون‌پایه از همان‌گونه خشت‌های قطورومتین که به‌سالن میهمانسرا میماند .

وقسمت‌وسط‌ومحل تقاطع ساختمان صلیبی نخست چشمه‌پوشی است بصورت هشت ضلعی مختلف‌الاضلاع به‌دهانه ۸/۵۰ متر در ۴/۵۰ وارتفاع نه‌متر که‌روی آن باز است وسبك ساختمان آن به آتشکده مشابه است و در نقطه مرکزی آن کانون آتش دارای کانال‌هائی هواکش وزیرزمینی ازچهارجهت بوده‌ومدخلی از شاه نشین جنوبی(درمحلی که محراب‌سازی‌شده‌داشته‌است) ونشیمن گاهی درشاه‌نشین‌های‌شرقی وغربی ویژه مغان‌وآسایشگاهی در شاه‌نشین‌شمالی جهت آتش افروزان بوده‌است.

واینك درگاه ورودی آن ازجنوب قابل تشخیص است که‌جلو آنرا مسدود ساخته‌اند وچون‌قطراسپروافی برای‌صفه محراب نبوده‌است مختصری‌هم‌ازمحاذات جدار به‌خارج پیش‌رفته‌اند که پشت محراب‌باجدارطرفین همبادنیست واز محراب آن درشمار محرابها توصیف‌خواهدشد .

وناگفته‌نماند که آجر چینی جلوجدار خشتی‌این‌بنای قدیمی پس‌از سرازیر

شدن سیل از رودخانه وفرقان به‌داخل مسجد و شهر بسال ۱۰۵۱ اتفاق افتاده است ودر این حادثه‌شهرساوه بکلی منهدم وبه تل‌خاکی تبدیل گشت وفقط چندبنای متین تاریخی ازجمله همین مسجدباقی ماند که مناره آنهم متمایل‌گردید چنانکه مجبور شدند دو ثلث فرازین آنرا‌خراب کنند وشاعری‌درباره‌هجوم‌سیل‌بشهرساوه قصیده‌ای سروده است که مصراع آخر آن حاکی از بقای این‌مسجد ماده تاریخ آن میباشد بدین سان که :

مسجد ساوه همچنان سرپاست .

وپس‌از خرابی شهر اهالی به اراضی مرتفع شمالی‌منتقل‌گشته درآنجابخانه سازی پرداختند که بامسجد فاصله داشت وپس ازچند قرن اخیراً شهر ساوه چندان توسعه وگسترش یافت که‌ازنو به مسجد پیوست گردید..

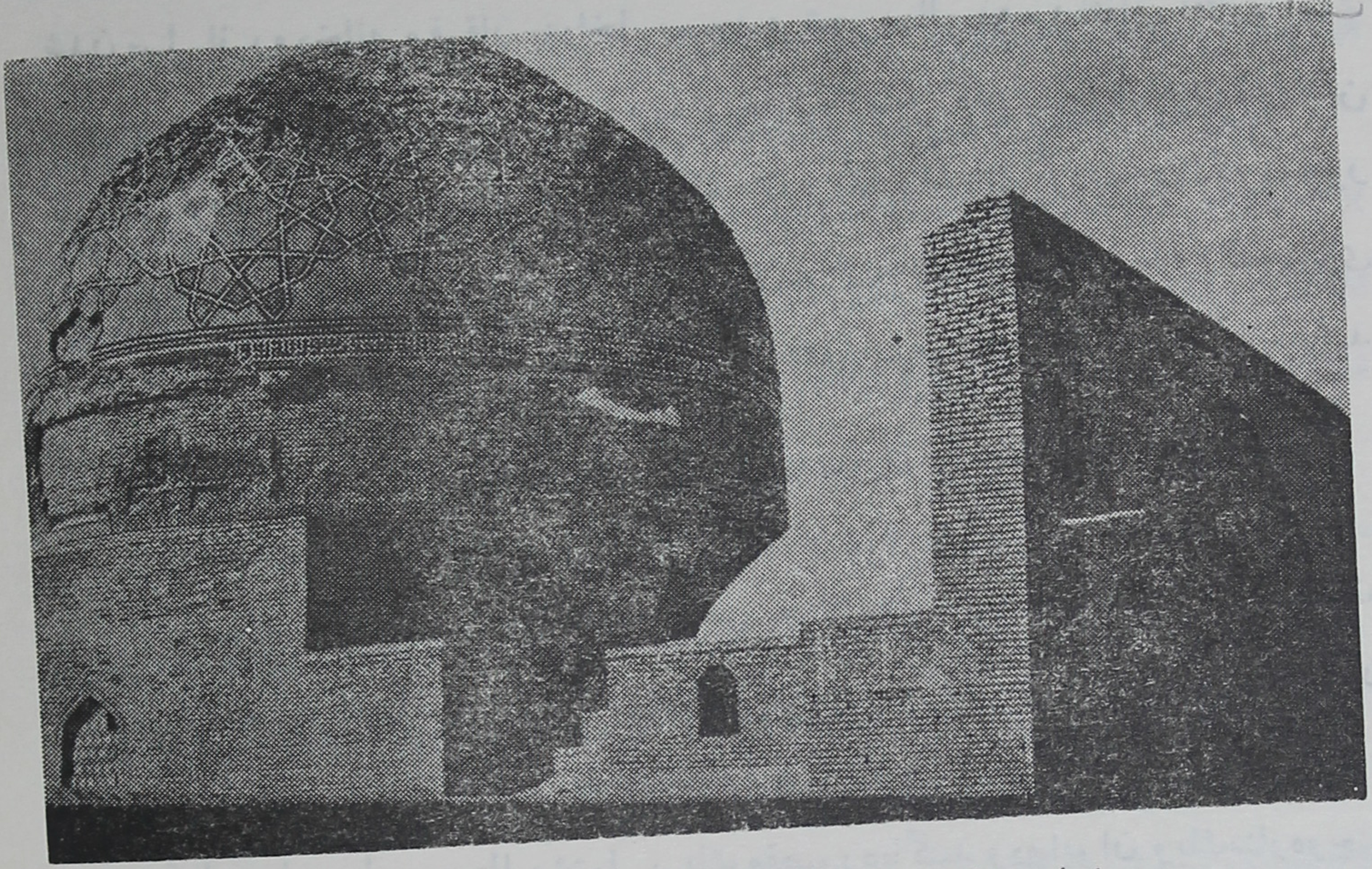
باری این‌جامع مجلل‌مشتمل بریك مقصوره‌باگنبد ودوایوان ویك‌مناره‌وچند شبستان وصحن است ودارای دومحراب باستانی باکتیبه‌های کوفی و دو محراب عصر صفوی باکتیبه‌های ثلثی است .

مقصوره

اما مقصوره آن ازآثار قرن ششم است که همزمان بنیان مناره ساخته شده است که‌این امراز سبك‌ساختمان (۱) و تبدیل صورت مربع یکجا به شکل فلکه ای و از تنگی در گاه ها و نقشه خودی شکل و تزیینات معقلی‌گنبد ولیسیده‌گی مقصوره یعنی بنای آن‌بدون ایوان بخوبی مستفاد میگردد .

چه که درعصر صفویه هرمقصوره‌ایرا باایوان ساخته صورت‌آنرا هم درجه به درجه تبدیل نموده‌ابتداءاز مربع به‌مثمن وسپس به شانزده‌ترکی وبعداً‌بفلکه‌ای مبدل داشته گنبد آنرا هم شلجمی و تزییناتش را معرق‌میساختند .

۱ــ سبك شناسی امری ذوقی است که ازکثرت کاوش درابنیه تاریخی و خصوصیات هنری وبررسی‌درطرزساختمان هرعصرا این‌ذوق‌در بیننده تولیدمی شود که‌امری تدوینی نیست.



نمای خارجی مقصوره و گنبد مسجد جامع ساوه

قاعده گنبد از خارج چهارضلعی و از داخل نیز مربع متساوی‌الاضلاع بدهانه ۱۲ و ارتفاع ۱۹ متر و قطر پایه‌ها افزون از سه متر است.

در قسمت چهارضلعی مقصوره هر طرف دو نما یا درگاه در طرفین و یک شاه نشین بدهانه سه‌متر و عرض ۰/۸۰ در وسط ساخته شده است و در چهار زاویه آن همسطح پوشش شاه‌نشین‌ها نیم‌طاقی بالا آورده صورت مربع را یکجا به هشت ضلعی نامرئی تبدیل و بلافاصله بشکل فلکه‌ای در آورده پاطاق گنبد عرقچینی آنرا بالا برده‌اند.

تزیینات این مقصوره متنوع است بدینسان که ازاره آن کاشیکاری و آراسته به کاشیهای جور به‌جور سه‌عصر یك قسمت کوکبی مدرج هشت پر از کوچك فیروزه فام که در بین هر چهار پارچه‌ای یك گل لوزی شکل قهوه‌ای رنگ به‌کار رفته است تا خلئهای حاصله را پر کند که این نوع کاشیها مانند کاشیهای مرقد ستی فاطمه معصومه و مرقد شاهزاده جعفر در غربی قم مربوط به‌سنوات ۵۱۰ تا ۵۵۰ میباشد زیرا از اواسط قرن ششم این کاشیها در مسیر کمالی در آمده آراسته به‌نقوشی برجسته گردیده‌است

بدین گونه که دراواخر قرن پنجم مثمن غیرمدرج معمول بود وبعداً به مثمن مدرج ساده تغییر یافت وسپس به‌مثمن مدرج منقش تبدیل گردید.

که این کاشیها بمرور زمان شکسته وریخته است ودرعصر صفویه بسال ۹۰۷ کسری آنها را با کاشیهای مسدس زمینه فیروزه‌ای کوچك پرساختتند که این نوع کاشیکاری مانند لانه زنبوران خلئی پیدا نمی کند تابه گل‌های میانه نیازمند باشد و نظیر آن‌را درمشهد محمدافطسی تفرش میتوان‌یافت.

قسمتی ازاین کاشیها هم تدریجاً شکسته و ریخته بود تا در تعمیرات اخیره بجای آنها کاشیهای خشتی چهارضلعی فیروزه‌ای این‌عصررا بکار برده‌اند وتأسف درآنستکه‌هنرمندان‌نتوانند نظیر کاشیهای‌عصر صفویه‌رابسازند.

وبالای‌این‌ازاره کاشی‌تمام‌جدار مقصوره از جرز واسپر وبغله‌ها تا زیر کتیبه کمربندی آراسته به‌نقاشی توأم باگچ بری از عصر صفویه است که‌اینگونه‌تزیینات درمسجد قرمز و گنبد سلطـان سید اسحق نیز دیده میشود گوئی همگی اثر هنری یك استادند.

دراین قسمت درهرضلعی چهار جرز ساخته شده و در سینه هر جرز ترنجی در آورده‌اند که در داخل ترنجهای شانزده‌گانه صلوات بـرمعصومین به خط ثلثی ممتازی گچبری شده‌است.

وبالای آن کتیبه ایست کمربندی از کاشی معرق که به‌خط ثلثی سفیدی در زمینه لاجوردی روی آن سوره مبارکه دهر(هل اتی)و آیةالکرسی‌خوانده میشود.

وروی آن درچهار گوشه مقصوره نیم طاقی بالا آمده است که بدنه قوسی آنها منقش‌ورنگین‌است‌ودرنتیجه صورت‌چهارضلعی‌را به شکل‌فلکه‌ای تبدیل‌ساخته است وپاطاق گنبد عرقچینی بالا آمده‌است.

و تمام پوشش‌عرقچینی‌آن آراسته به نقوش هندسی با خطوطی کاشیکاری وبدنه مزین به کاشی‌های معقلی‌ودرمیانه‌خطوط لوزی و مثلث ترسیمی در دو ردیف

هر ردیفی هشت ترنج کاشی کاری معرق تعبیه گردیده است که بمثابه سبدی پراز گل تجلی دارد فقط در داخل ترنج بالائی جانب شمالی عبارت ذیل معرق شده است.

(عمل استاد میر احمد ابن میر حاجی بناء القمی)

در مرکز پوشش فلکه‌ای از کاشیهای معرق گرفته‌اند.

محراب ودر وسط شاه نشین جنوبی آن محرابی پنج ترکی ساخته شده است که بدنه‌اش آراسته به گچبریهای بدیع از شاهکارهای هنری بانقوش رنگ آمیزی شده و پوشش آن مقرنس خوش قطاری است ازگچ که در داخل هر حوضچه آن ترنجی مملو از گل و بوته گچبری و نقاشی رنگین شده است.

ودر کمربند آن کتیبه ایست که بخط ثلثی برجسته روی آن آیات ذیل کچبری گردیده است (قوله عزنوله وجل طوله وحافظوا علی الصلوات و الصلوة الوسطی وقدموا الله قانتین) ودر زیر آن بخط ریزی آیةالکرسی وبالای آن درسینه محراب ترنجی زیبا ودرون آن بطور متعاکس هفت نام علی گچ بری شده‌است.

ودر سه جانب محراب ازبیرون کتیبه ایست که بخط جلی ثلثی و برجسته‌ای روی آن آیات ذیل خوانده میشود.

(یاایهاالذین آمنوا اذانودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکرالله وذروا البیع ذلکم خیرلکم ان کنتم تعلمون (تا) عسی ان یبعثك ربك مقاماً محموداً).

ودر جبهه محراب هم بخط کوفی آیه شریفه (واختار موسی قومه سبعین رجلا لمیقاتنا فلما اخذتهم الرجفة قال رب لوشئت اهلکتهم من قبل وایای اتهلکنا بمافعل السفهاء انت ولینافاغفرلنا وارحمنا وانت خیرالغافرین) گچبری شده‌است.

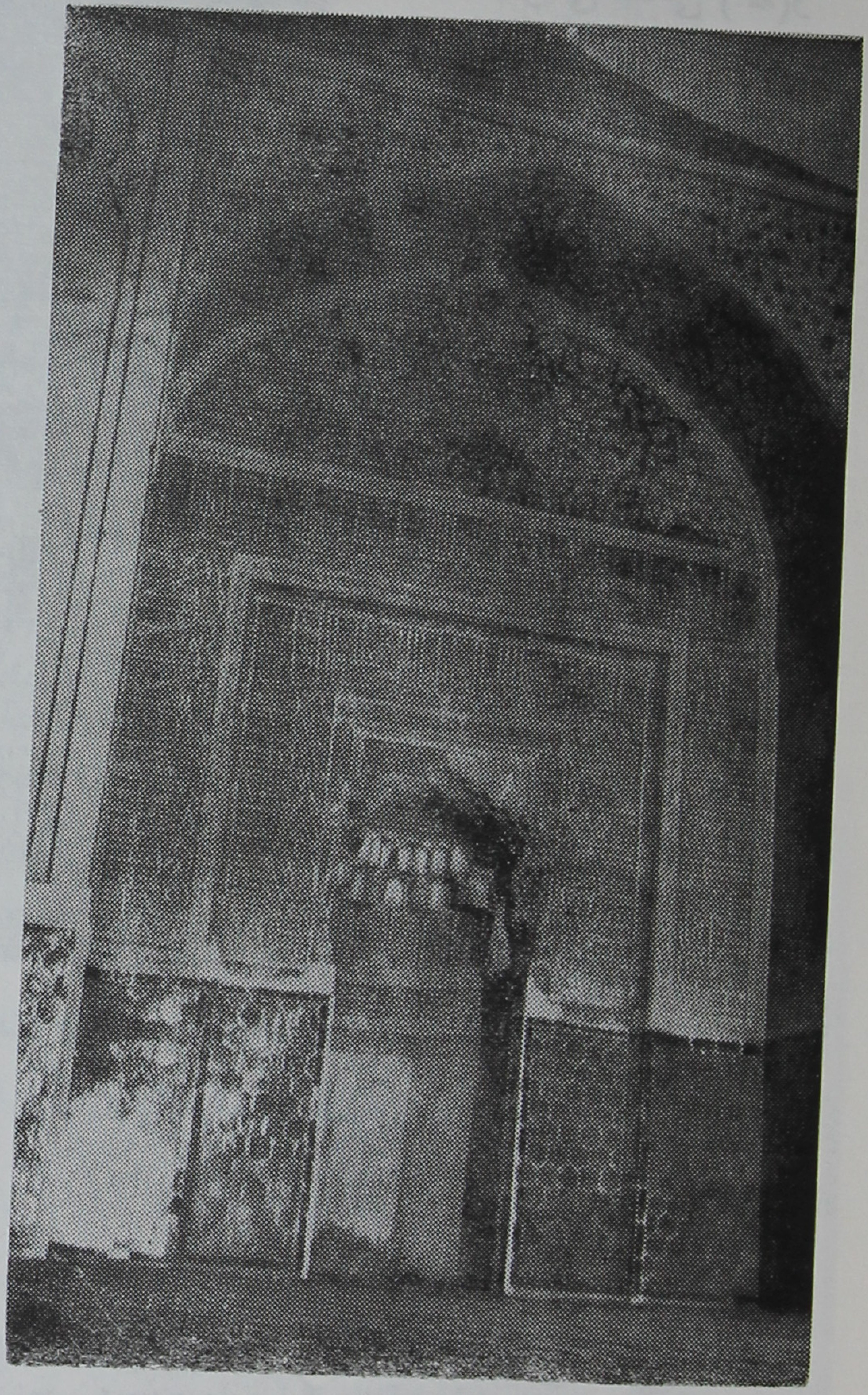
و در دو بغله شاه نشین جلو محراب روی قوسی طاقبند گچبریهای دقیقی بعمل آمده است وروی آن ترنجهائی نمودار است که درمیانه آنها اسامی جلاله چون یاالله یاغفار یافتاح یاجبار یارحمن یارحیم یا ستار یاکریم خوانده میشوند.

که این محراب از شاهکارهای گچبری عصر صفوی است و تعمیر پوشش آن که مشرف به خرابی است امری ضروری است .

گنبد

و بر فراز مقصوره مزبور گنبدی است کلاه‌خودی به قطر ۱۴ و ارتفاع ۱۶ متر با محیط بیرونی ۵۰/۲۴ متر از آثار قرن ششم دارای عنقی به ارتفاع ٤ متر آراسته به کاشی- کاریهای معقل (کاشی و آجر کلوکی درهم) که در ساقبند آن به خط بسیار درشت ثلثی در یك سطر بطوریکه تمام ارتفاع عنق را فرا گرفته است آیات ذیل با کاشی چیده شده است

بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله علیه توکلت و هو رب العرش العظیم) .



تصویری از محراب مقصوره مسجد جامع

و در قسمت پائین و بالای آن حاشیه ایست بعرض ده سانتیمتر که روی آن بطور محسوسی مکرر در مکرر بخط کوفی (لا اله الا الله ، محمد رسول الله ، علی ولی الله) از کاشی معرق خوانده میشود که در عصر صفویه بر آن افزوده شده است .



وزیر آنهم بخط بنائی نا محسوسی اسامی (الله) و محمد و علی بطور تکراری باکاشی کاری رنگین چیده شده است.

و بدنه خودی شکل گنبد آراسته به کاشیکاری با نقشه بند اسلیمی و اژدر سازی است.

و نظیر این گنبد را در مسجد جامع گلپایگان می‌توان دیدار کرد.

تصویری از گنبد و تزیینات و کتائب آن

فراز دوم

در توصیف ایوانها و شبستانها و محرابهای آنها

در این مسجد دو ایوان تاریخی وجود دارد یکی جلو مقصوره و دیگری در جانب غربی صحن که در دو جانب هر دو ایوان شبستانی نمودار است.

ایوان مقصوره در جلو مقصوره یادشده ایوانی است که در سال ۹۰۷ و آغاز سلطنت شاه اسمعیل (همان لحظاتیکه ندای هواداری وی از آئین تشیع در سراسر کشور بلند شد و در تبریز تاج گزاری نمود) بر بنای

مقصوره الحاق گردیده است.

واز وضع بنا و سبك ساختمان آن چنین بدست میآید که سابقاً هر سه مدخل مقصوره در محوطه صحن گشوده میشده است یعنی ایوانی نداشته است و ساختمان شبستانهای طرفین هم همباد مقصوره بوده اند.

و از انحناء و شکستگی جدار دو راهرو مقصوره از دو گوشه ایوان این الحاق بخوبی مشهود است یعنی از ناصافی جدار راهرو در محل التقای اسپر جدید ایوان باجدار مقصوره و مشاهده تنوع آجرهای دو قسمت و رنگ و رخساره جدار مقدم و مؤخر در دو جانب بر افزایش بعدی این ایوان به مقصوره بخوبی میتوان پی برد.

بهر صورت ایوان مزبور به دهانه ۱۰ و ارتفاع ۱۵ و عرض ۶ متر با ازاره کاشی کاری خشتی فیروزه فام جدید و تعمیری و بغله ها و اسپر گچبری با نقشه ملات سازی و پوشش مقرنس منقش و خوش قطار گچی دارای کتیبه ایست کمربندی از کاشیهای معرق در دو سطر پیوست که چهار پنجم آن فرو ریخته است و جای آنرا سفید کاری کرده اند و روی یك پنجم قسمت باقیه آن بخط ثلثی سفید در زمینه لاجوردی قسمتی از صلوات کبیره و نام شاه اسمعیل و آیه قل اللهم مالك الملك تؤتی الملك لمن تشاء وتنزع الملك ممن تشاء تعز من تشاء و تذل من تشاء بیدك الخیر) و عباراتی چون (والمفهوم الباقریة والصدق الصادقیة والحلم الكاظمیة) و در پایان (ولما كان وقوع تلك العمارة بهدایة الله صار تاریخها تلك هدایت الله. كتبه العبد الغریب عبدالله) که دو جمله آخر بطور عمودی و بخط ریزی است خوانده میشود.

و درون حوضچه زاویه شرقی ردیف اول عبارت: (عمل شیخ جمال الدین بن کمال الدین بناء قمی) و در سایر حوضچه ها اسامی جلاله با نامهای محمد و علی گچبری شده اند.

و در جبهه درگاه وسط مقصوره لوحه ای سنگی و مرمری نصب و روی آن در بالا نام جلاله (الله) و زیر آن اسامی محمد و علی حجاری شده اند.

و لوحی دیگر هم بوده است که سارقین عتایق برده اند و جای آن نمودار است.

شبستانها و محرابها ودر دوجانب مقصوره و ایوان یادشده شبستانی است ضربی رومی پوش آجری فاقد تزیین گچی هر چشمه‌ای بعرض ۳/۵۰ و طول بیست متر که چشمه متصل به مقصوره دو طبقه و غرفه دار است و بوسیله دو درگاه فوقانی از دوجانب به‌مقصوره مرتبط میباشند وقبلا مزین به گچبری بوده‌اندولی اکنون تمام تزیینات گچی آنهافروریخته آجر کاری هردوپوشش آنهانمایان شده است .

تنها درسینه اسپر نخستین چشمه شرقی و نیزروی جرزفاصل میانه آن با چشمه دوم دومحراب بدون صفه گچبری شده است که از آثار قرن ششم و عصر سلاجقه است زیرا مشابه محراب ملکشاه درمسجد جامع اصفهان است.

این محرابها دارای کتیبه‌های متعدد عمودی وافقی است که سه جانب آنهارا فراگرفته است و روی آنها به خط ثلثی و کوفی سوره‌هائی ازقرآن چون سورشریفه



نمای عمومی شبستانهای دوطبقه درطرفین ایوان

جمعه وقدرواخلاص بطوربرجسته گچ بری شده است که حفاظت آنها باقاب آینه ضرور بنظر میرسد .

واز آیه (واذجعلنا البیت مثابة للناس وامناً) روی آن ـ چنین برمیآید که این مسجد محل تحصن ومقام امن اعلام شده بوده است .

محراب سوم

وسومین محراب آن در آخرین چشمه شبستان غربی است که سابقاً نقشه صلیبی آن باجدار خشتی توصیف گشت ودر اسپرشاه نشین جنوبی آن محرابی ساخته شده است که از آثار عصر صفویه است واز برجستگی جدار صفه محراب به داخل شارع خارجی بخوبی به دست میآید که در این نقطه درگاهی بوده است که مسدود ساخته اند ودر جای آن این محراب رابا صفه پنج ترکی داخلی آن بنانهاده اند .

بهرصورت جدار صفه محراب آراسته به کنده کاریهای بدیع و گچبریهای جالب است وپوشش آن مقرنس گچی خوش قطاری منقش ورنگ آمیزی شده ودر کمرگاه آن پنج ترنج (درهرضلعی یکی) نمودار و درون آنها عباراتی از این قبیل (یاصاحب الزمان) (یاخلیفة الرحمن) (یاقاطع البرهان) ودرمواضع مختلفه آن نام (علی) گچبری شده است .

و درجبهه محراب وخارج صفه بخط ثلثی برجسته سورهٔ مبارکه اخلاص (قل هو الله احد) کتیبه شده ودر حاشیه زیرین وفرازین زنجیره ای طراحی گردیده است که درون آن به خط بنائی اسامی جلاله یانامهای محمد وعلی بطورمکرر گچبری شده اند.

وبالجمله این محراب هم دارای ریزه کاریهای هنری است که حفاظت وحراست از آن نیز ضروری است .

ایوان مجلل غربی

ودرقسمت وسط ضلع غربی میانه شبستانها ایوان پرشکوهی است که از آثار

قرن هشتم بلکه هفتم بنظر میرسد.

این ایوان به دهانه ۱۲ متر و طول داخلی ۱۵ وارتفاع ۱۵ متر بهترین نمونه اصیل ودست نخورده یك بارگاه باستانی است که تزیینات پوشش وبغله‌های واسپر آن بمرور فرو ریخته وتزیین وعمران آن از امور حائز اهمیت بنظر میرسد.

در هر جانب این ایوان حجره‌ای بادرگاه تنگ و کوتاه بسبك قرون اولیه نمودار وبرفراز آنها وهمچنین درزوایا صفه‌ای فوقانی بنیان گردیده‌است که همگی در قطر پایه‌ها ساخته شده‌اند وبین صفه‌های مزبور غلام گردشی است که آنها را بیکدیگر مرتبط میسازد واین صفه‌های زیبا برحسن منظر ایوان دوچندان افزوده‌اند.

و چنین بنظر میرسد که‌این حجره ها جایگاه اعتکاف واحیاناً منزلگاه غرباء یاتحصن گاه متحصنین بوده‌است.

واین مجموعه درساوه تنها نقطه‌ایست که‌درقرون وسطی برای نزول پادشاهان نیز شایستگی داشته است.



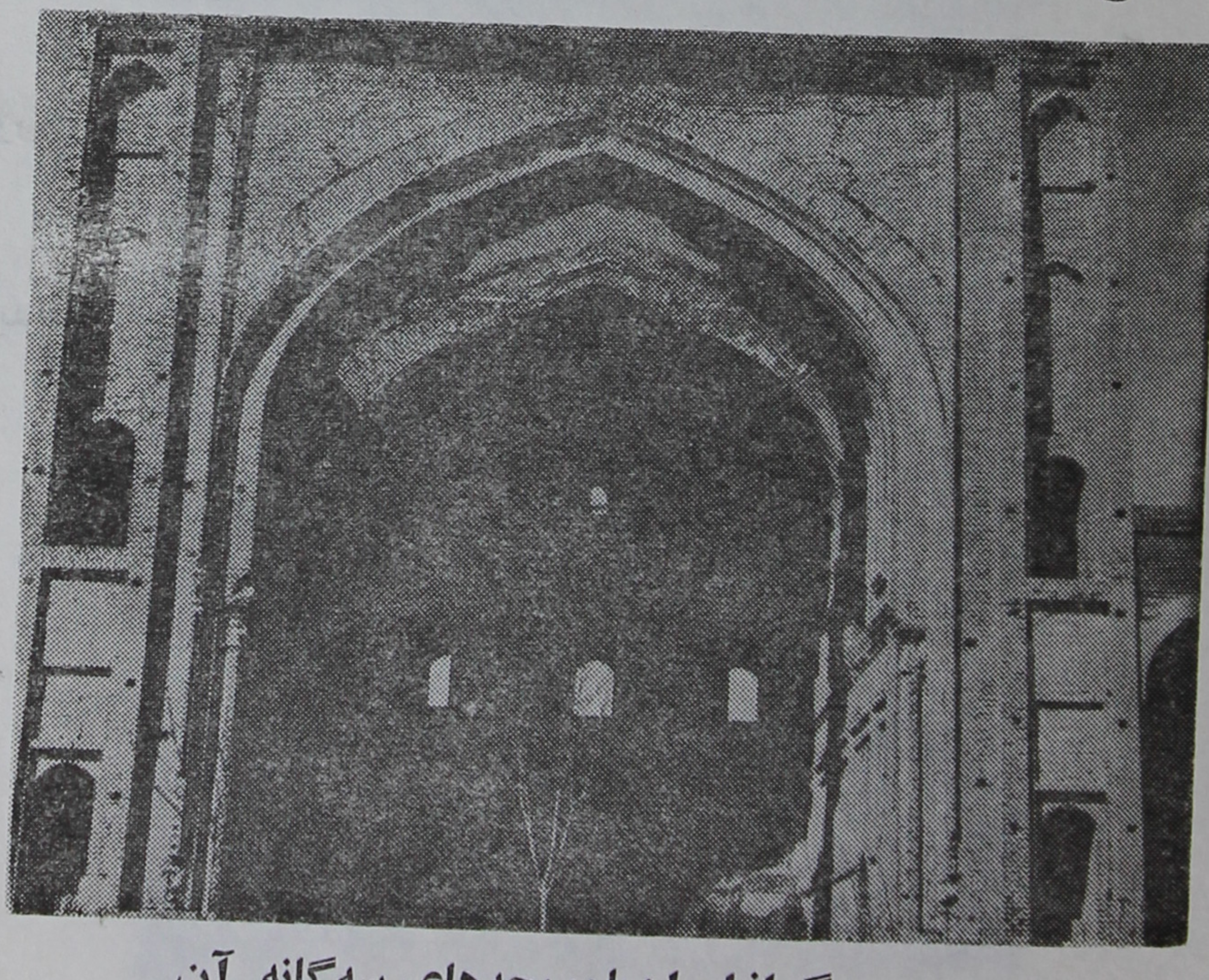
تصویری از ایوان وغرفه‌ها وصفه‌های آن

واز صفه های سه‌گانه مقابل‌واسپرایوان سه دریچه به‌خارج باز است وسقف ایوان مشتمل بر سه‌قسمت است که هرقسمتی با نقشه خاص و اسلوب مخصوصی پوشانده شده است ودارای سه‌طاقبند دوقوسی‌است که‌چهره هریك رابطرز ویژه‌ای تزیین و گچبری ونقاشی‌رنگین کرده‌اند.

چه‌پوشش چشمه آخر آراسته به‌مقرنس زیاده شکیل‌و خوش‌طرحی است که قسمتی از آن فروریخته است و امید است که تابه کلی از بین نرفته است سازمان ملی حفاظت آثار باستانی استادان هنرمند ایران رابه تجدید وتعمیر آن بگمارد.

و پوشش دوقسمت مقدم ضربی رومی پوش است که نمونه ای از تزیینات هریك برای‌تعمیر باقیست.

واز جمله دربدنه طاقبند جلو که مزین به‌گچبری ونقاشی رنگ آمیزی است بطور تکراری اسامی جلاله گچبری گردیده است اما این گچبریها وکتیبه بسبك عصر همسطح بازمینه‌است به‌این طرز که روی زمینه جای حروف را بیرون آورده



تصویری دیگر از ایوان بادریچه‌های سه‌گانه آن

خلشهای مزبور را باگچ زرشکی رنگی پر ساخته اند بطوریکه برجستگی ندارد و نظیر آندر کتیبه های قرن هفتم درمشاهدقم‌چون بقعه‌شاهزاده جعفرموسوی درغربی شهردیده می‌شود .

وچون مربوط به‌قرون‌هفتم‌یاهشتم است از نام علی در آن اثری‌مشهودنیست.

و جای کتیبه کمربندی ایوان باز وبخوبی‌نمایان است که یاکتیبه‌گچبری آن فروریخته است ویاروی آنرا گچ اندود ساخته‌اند که اگر تراشیده شود معلوم خواهد شد .

و در سینه طاقبند مقدم ایوان اندکی بالای کتیبه یاد شده دو بیضی مجاور یکدیگر دیده می‌شوند که درهر بیضی مصرعی‌حاکی از نام استاد و معمار سازنده و گچبراین ایوان وبطن‌نگارنده متضمن‌تاریخ بنای ساختمان‌گچ‌بری شده‌است‌ودو مصرع مزبور چنین‌است .

این‌همیون بنای‌بی کم‌وکاست   عمل شاه وردی بناست

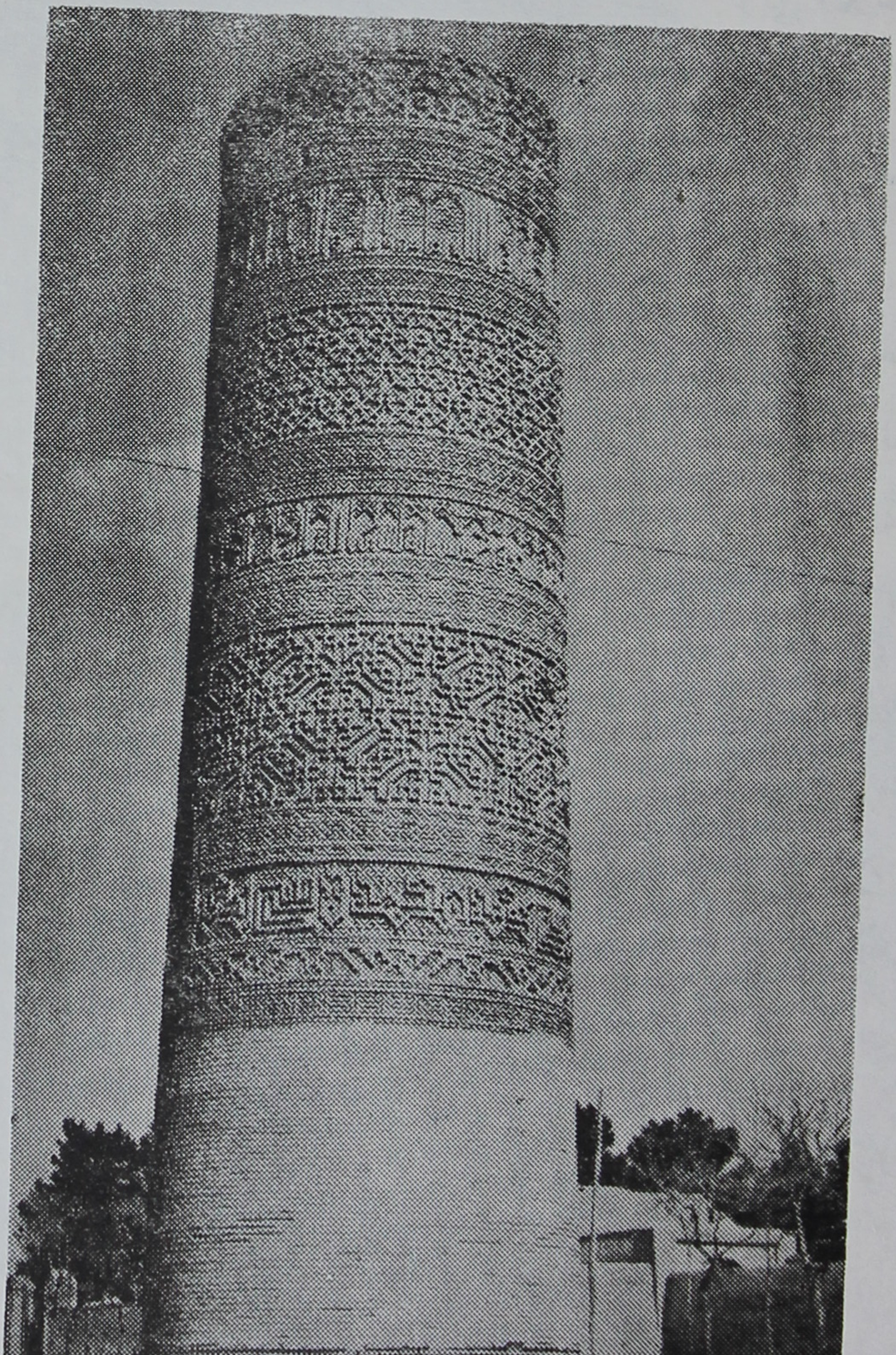
که می‌رساند اصل ساختمان خجسته ومیمون با تزیینات آن همگی از آثار شاه وردی‌بنا می‌باشند .

و هرگاه مصرع دوم را ماده تاریخ بنا اخذ کرده کلمه (است) را حرف ربط بدانند باسال ۷۲۰ برابر می گردد تا اهل نظر از این‌بیت چه استنباط کنند .

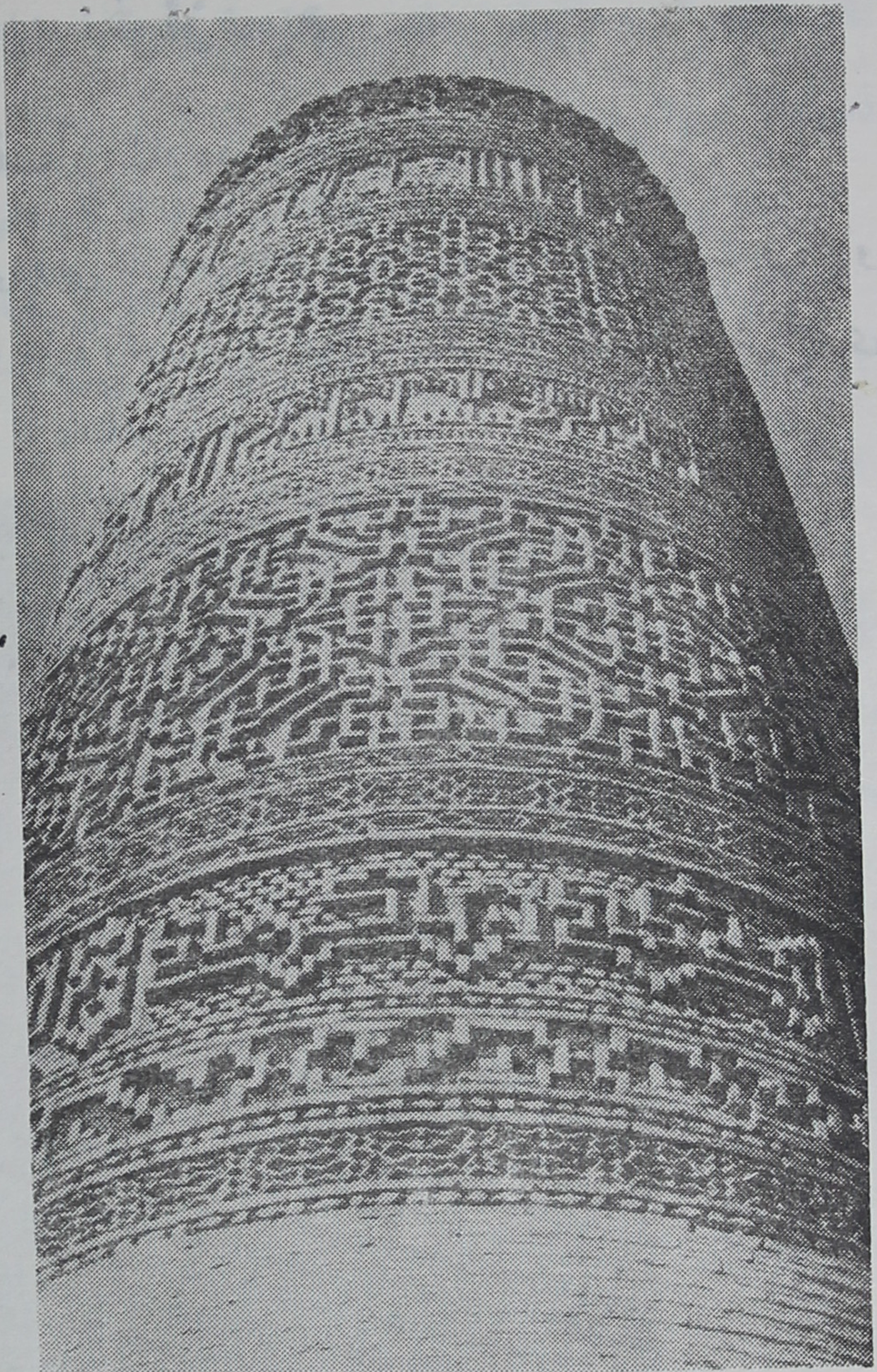
فرازسوم

درتوصیف ازمناره مسجدجامع ساوه

ودرزاویه شمال‌شرقی ولی‌خارج ازچهار دیواری مسجد مناره ایست فردی و استقلالی که‌قسمت پائین آن ساده وتعمیری است وقسمت فرازین آنرا که‌منقش آجری وسابقاً بطورمتمایل نمودار بوداینک خراب کرده‌اند .



تصویری ازمناره مسجدجامع ساوه



این مناره به قطر ۳/۵۰ متر است وارتفاع آن پس از خراب کردن نیمی از قسمت بالای آن که متمایل شده بود فعلا ۱۴ متر به نظر میرسد ولی قبلا حدود سی متر بوده است .

مناره مزبور از ارتفاع چهارمتری دارای راه‌پله‌ای پیچ و داخلی است که با صعود از نردبان میتوان به درگاه راه‌پله مزبور راه یافت.

جدار آجری این مناره به استثنای قسمت پائین که جدیداً تعمیر شده و بطور ساده نمودار است بقیه از محاذات

تصویری از مناره مسجد جامع با تزیینات آجری

مدخل راه‌پله به بالا آراسته به نقوش متنوع و برجسته آجری و دارای سه کتیبه بخط کوفی برجسته آجری بطور ساقبند و گلوبندی است که کتیبه پائینی از حروف دو لبه میان تهی چیده‌شده از لحاظ فنی حائز اهمیت است و چنانکه نقل شد روی آن تاریخ (اربع وخمسمائه) خوانده میشود و دو کتیبه گلوبندی نیز بخط برجسته کوفی هستند اما خط هریك بادیگری متفاوت است .

و درجداد شمال‌غربی مناره از بالا بپائین بعرض یکمتر تزیینات آجری آن بواسطه ریزش باران ووزش بادهای سخت‌زمستان وشاید به‌علت اتصال آن بابارو ی شهرریخته است یا ازنخست تزیینی نداشته است .

درپایان‌ناگفته‌نماند که محوطه صحن مسجدمربع ووسعت آن ۴۲ در ۴۲ متر است واز سه جانب ساختمانهای‌ایوان‌هاوشبستانهایش باقی‌تنهاشبستان ضلع شمالی آن تاسطح زمین منهدم شده‌است.

ومقبره استادان زبردست سازنده وپردازنده این‌مسجدجامع درمحوطه‌خارج چهار دیواری درجانب جنوبی بصورت یك‌چهار طاقی متضمن یك‌مرقد بلندداخلی پابرجاست که میتوان گفت محل دفن استاد میراحمد قمی واستاد شیخ جمال‌الدین قمی‌است‌وچنین‌گویند که‌استادان دراین‌نقطه‌برای سکونت‌خویش یك‌بنای‌چهارطاقی ساخته بودندوچون وفات‌یافته‌اند جسد آنانراهم‌یکی‌پس‌ازدیگری درمحل‌سکونتشان دفن‌کرده‌اند وچه بسا که مدفن‌استادشاه وردی بنا سازنده‌وپردازنده‌ایوان‌غربی باشد.



تصویری ازباقیمانده کتیبه کمربندی‌ایوان مقصوره‌متضمن‌ماده‌تاریخ

مقصد دوم

در توصیف از مسجد قرمز ساوه

مسجد تاریخی و معروف به مسجد قرمز که شاید وجه تسمیه‌اش تزیینات زرشکی و کتیبه‌های قرمز رنگ آن باشد در ضلع شمالی میدان قدیمی ساوه واقع است که متضمن یك مقصوره زیبا با گنبد ساده آجری و یك مأذنه وسه رواق یا شبستان و چند ایوان ودو مدرسه قدیمی و جدید و یك مسجد تیر آهنی نوبنیان باقبه فیروزه فام میباشد که ذیلا بتوصیف آنها میپردازد.

مقصوره

اما مقصوره تاریخی آن به شکل مربع متساوی الاضلاع به دهانه ۸ و ارتفاع ۱۲ متر است که در میانه سه رواق و یك ساختمان جنوبی که اکنون بعنوان مقبره مورد بهره‌برداری واقع شده است قرار دارد و از سه جانب آن درگاهی وسیع و مرتفع به رواقهای اطراف باز است که با افزودن پوششی در کمرگاه آنها درگاه‌های مزبور را دوطبقه و غرفه‌دار ساخته‌اند و غرفه‌های شرقی و غربی تمام محوطه روی رواقها را نیز فراگرفته‌اند.

وبقرینه وجود مأذنه باستانی که بنقلی حاکی از تاریخ بنا به سال ۴۵۳ میباشد در جای این مقصوره مسجدی قدیمی قرار داشته است که جای خود را به این مقصوره بخشیده است و این بنا در سال ۹۱٤ از ناحیه خواجه شمس‌الدین پیرمحمد ساوجی درمکان مسجد باستانی عصر سلجوقیان بنیان گردیده است.

وچه‌بسا که‌پایه‌ها وجرزها از همان مسجد قدیمی باقی مانده در عصر صفویه پوشش وتزیینات آن تجدید شده‌باشد .

وچنین بنظر میرسد که مناره یامأذنه‌ومسجد مجاور آن در آغاز امر ازناحیه امیر ظهیرالدین بن ملك شرف الدین ساوجی احداث شده‌باشد ودر عصر مغول از ناحیه خواجه شمس‌الدین محمد در دولت‌اولجایتوسلطان رواقهائی بر آن افزوده شده درعصر شاه اسمعیل‌هم‌تعمیروتزیین شده‌باشد.

این‌مسجد درجانب غربی بازار وشمالی چهارسوق قدیمه ساوه ساخته شدکه بازارمزبوربصورت‌خیابانی‌در آمده‌است ولی‌بنای چهارسوق‌آن درکنارخیابان‌هنوز باقیست که روی پوشش‌عرقچینی آنهم کلاهکی نورگیر دیده‌میشود .

بهرصورت نقشه ساختمان و تزیینات گچبری مقصوره آن از نقشه مقصوره مسجد جامع گرفته شده وهفت‌سال پس از تزیین آن انجام یافته است . جز اینکه از کاشیکاری ازاره این مقصوره نشانی دیده نمیشود که یاربوده شده‌اند ویابمرور شکسته وریخته‌اند .

دراین مقصوره هم شانزده جرز در هر ضلعی چهار جرز نمودار است‌که در سینه هریك ترنجی گچبری کرده‌اند ودر میانه آنها به‌خط ثلثی برجسته و ممتازی به‌رنگ سفید درزمینه لاجوردی صلوات کبیره گچ‌بری شده است که در ترنج اول «بسم‌الله الرحمن الرحیم وبه‌ثقتی)ودر ترنج آخر (وسلم علیهم تسلیماً کثیراً کثیراً) خوانده میشوند .

وروی‌پوشش‌سه‌درگاه‌وبرفرازترنجهای‌یادشده‌کتیبه‌ایست‌کمربندی‌ازگچبری که درزمینه منقش به گل و بوته های برجسته و سراسری سوره مبارکهٔ نبأ (عم یتسائلون) خوانده می‌شود که‌تاحال هم‌بدون عیب‌ونقصی نمایان است.

وبر فراز آن درچهار گوشه‌مقصوره نیم‌طاقی زده‌شده است که‌صورت‌چهار ضلعی را به‌هیئت فلکه‌ای تبدیل کرده‌است‌وباطاق پوشش عرقچینی بالاآمده‌است

و بدنه قوسی شکل این نیم طاقها بامقرنس خوش‌قطاری آراسته شده است که‌داخل حوضچه‌های آنها هم بانقوشی رنگ‌آمیزی تزیین گردیده است .

ودر ابتدای قسمت فلکه‌ای مزبور کتیبه دیگری است گلو بندی ولی بخط برجسته کوفی به‌رنگ زرشکی درزمینه لاجوردی که روی آن سوره مبارکه یس گچبری‌شده تمام خلئهای زمینه آنهم باگلهای جوربه‌جور زینت‌یافته‌است .

و در بدنه قوسی پوشش غرقچینی هم آثار گچبری و نقاشی رنگین مشهود است که دراثر سرایت رطوبت از بالابکلی‌محوی شده‌اند .

زیرا این گنبد عرقچینی که ازخارج آجرفرش شده است بر خلاف قبه‌های عصر صفویه دارای یك‌پوشش ودر معرض سرایت رطوبت‌است درصورتیکه کلیه گنبدهای عصرصفویه که باگچ‌بری آراسته‌شده‌اند برای جلوگیری ازنفوذ رطوبت دوپوششی ساخته‌شده‌اند .

محراب دراین مقصوره چیزیکه بیشتر جلب توجه میکند محرابی است باصفه پنج ترکی آراسته به‌چند کتیبه گچ بری‌توام‌با نقاشی رنگ آمیزی و پوشش مزین به مقرنس گچی که درون حوضچه های‌آنها نیز نقاشی رنگین است.

روی‌جرزهای این‌محراب در اطراف صفه سه کتیبه بخط‌ثلثی و کوفی‌به‌رنگ سفید وزرشکی ازعمودی و افقی دیده میشود که بعضی از افراد بی علاقه به شئون هنری ملی بانوك چاقو برای آزمایش نام استادگچبرش را ازقسمت آخر آن زدوده وتراشیده‌اند درصورتیکه نگارنده بارها نگاشته است که‌روی اینگونه آثار باستانی توأم بانازك کاری هنری را باید باآینه پوشانید وقاب گرفت تا از اینگونه تصرفات جاهلانه وتعرضات نابخردانه مصونیت یابند .

ومتن کتیبه‌های سه‌گانه‌به‌ترتیب چنین‌است .

۱- که‌بخط‌ثلثی است «قال‌سبحانه وتعالی‌واذجعلنا‌البیت مثابة للناس‌وامناً و

اتخذوا من‌مقام ابراهیم مصلی وعهدنا الی ابراهیم واسمعیل انطهرابیتی للطائفین والعاکفین والرکع‌السجود هوالحی لااله الاهو فادعوه مخلصین له‌الدین والحمدلله رب العالمین).

۲ـ که‌بخط کوفی‌وزرشکی است متضمن آیاتی ازسوره مبارکه فتح‌میباشد

۳ـ که بخط‌ثلثی برجسته‌سفید درزمینه‌آراسته بگل وبوته‌های برجسته‌رنگین و جالب است.

قال‌الله تعالی ان اول بیت وضع للناس للذی ببکة مبارکاً وهدی للعالمین فیه آیات بینات مقام ابراهیم و من دخله کان آمنا (تا) هوالذی ارسل رسوله بالهدی و دین‌الحق‌لیظهره علی‌الدین کله و کفی‌بالله شهیداً الجانی‌سیدامیربن ۱۱۱۱ القزوینی.

که نام پدر سید امیرقابل تشخیص نیست زیرا تراشیده شده است و جز چند خط عمودی مشابه با الف ولام چیزی دیده نمیشودکه ازنزدیکی ودوری و نسبت فواصل آنها بایکدیگر با توجه به ریشه نامحسوس حروف چنین بنظر میرسد که نام وی ابی‌القاسم بوده باشد.

علاوه در پیشانی صفه کتیبه دیگری است دریك سطرافقی که روی‌آن به خط کوفی برجسته وسفیدی حدیث نبوی ذیل گچ بری شده‌است.

قال‌النبی ﷺ فقد قال‌الله لا اله الاالله حصنی فمن دخل حصنی امن‌من عذابی وقال انماالاعمال بالنیات.

ودر کمربند داخلی‌صفه بخط برجسته کوفی‌سفیدی‌عبارت (لااله‌الاالله محمد رسول‌الله ـ علی ولی‌الله) گچ‌بری شده است.

وبالای‌آن به خط زرشکی سوره مبارکه فاتحة الکتاب خوانده میشود.

رواق‌ها یا شبستان

و در سه جانب مقصوره رواقی‌است قدیمی باجدارآجری فاقد تزیین‌که به وسیله یك درگاه‌گشاده با مقصوره مرتبط میشوند و روی‌آنهاغرفه‌سازی بعمل‌آمده است از آن میانه

رواق شمالی با سقف مرتفع بدون غرفه میباشد ولی روی درگاه فاصل میانه آن با مقصوره صفه‌ای فوقانی نمودار است که عرضش از قطر جرزهای طرفین تجاوز نمی کند .

این رواقهابطول ده‌متروعرض چهارمتروطول رواق شمالی درمدخل مقصوره ازمیدان پانزده متراست .

و درجانب جنوبی مقصوره هم رواقی وجود داردکه سابقاً بوسیله درگاهی باسه رواق دیگر مرتبط بوده است و اکنون بصورت انباری درآمده از مقصوره ورواقهاجداشده‌است .

درسطح رواق مزبور نشانه‌ای از آتشکده وجود دارد چه در سنوات ۱۲۹۰ شمسی که ایل‌شاهسوند سربطغیان برداشته‌امنیت ساوه را درمخاطره قرارداده بودند یپرم ارمنی رئیس کل شهربانی برای سرکوبی متجاسرین مأمور گردیده به ساوه آمده استقرار یافت وبطوریکه نقل کردند (۱) افرادی از شاهسوند ازتاریکی شب استفاده‌کرده به شهردرآمدندوچندتن از فرماندهان ستون را به قتل رسانیدندوچون مسجدمزبورساخلونظامی شده بوداجساد مقتولین رادررواق جنوبی به خاك‌سپردند .

وچون به حفرسطح زمین‌پرداختند جداری آجری نمودار وچون‌کاوش کردند دوکانال که بصورت متقاطع و بشکل (بعلاوه) ساخته شده‌بود از زیرآوار نمودار گشت که هواکش آتش بود و در محل تقاطع هم محوطه‌ای مثمن با جدار سوخته کشف گردیدکه کانون‌آن بود وهواکش شمالی تا زیر محراب مقصوره میرسید و در آنجا مسدود شده بود و نقل کردندکه این آتشکده برای نخستین‌بار از ناحیه ابودلف عجلی فرمانروای بلاد جبل‌درخلافت مأمون منطفی و به جای‌آن مسجدی برای اولین بار ساخته شد .

و در اغتشاشات بعدی هم‌شبی بر بالین رئیس‌نظمیه (شهربانی) رفتند واو را

---

۱ - ناقل حجة‌الاسلام‌آقای حاج شیخ محمدحسین‌شریعتمدار که‌ازعلمای موثق ساوه‌است.

سربریدند و به دستور حاکم جسد اورا هم بدین رواق نقل داده چون روی کانال را گشودند جسدی نمودارگردید و درنزدیکی آن لاشه سگی خشك شده بوددرحالیکه پوز خود را روی دستهایش قرارداده بود وچون قدری کاوش بعمل آمد معلوم شد سگی شبانه داخل کانال گردیده روز بعد جلو آنرا بسته‌اند وسگ مزبورقدری از ران جسد اولیه را خورده وسرانجام خپه شده است .

و درکنارکانال لوحی ازسنگ یشم نمودارگردید که روی آن عبارات وابیات زیرحجاری شده بود .

نامی چه شد ار تو تختگاهی کردی — وز قصر زراندود پناهی کـردی
نیکی و بدی این جهان آینه دان — انگار تو هم در او نگاهی کردی

راقمه‌وشاعره‌السیدمعصوم‌الحسینی‌الساوجی‌المتخلص‌به‌نامی‌فی سنة ۱۰۱۹ .

وازآنجائی که مدفن نامی را درهندوستان دانسته‌اند باید گفت که این سنگ را برای عبرت دیگران حجاری کرده درآنجا نصب کرده بوده‌اندکه بمروربه‌تصور آنکه لوح قبراست درسطح زمین قرارداده بعداً زیرآواررفته است .

ونیز سنگ دیگری ازیشم درسینه دیوار نصب شده بودکه روی آن فرمانی‌از شاه اسمعیل حاکی از تخفیف درباج حریراز ۷۰۰ دینار به ۴۰۰ دینارحجاری شده بوده‌که چون زیاده خوش‌خط و نفیس‌بود قسمتی ازسرآن‌که متضمن نام‌آن پادشاه بوده‌شبانه شکسته وبرده‌اند وبرنقل عباراتش حاصلی مترتب نمیباشد .

سردرب ورودی

و درسردرب ورودی مسجد ازمیدان شمالی آن یك ایوان تاریخی است .

این ایوان تقریباً به دهانه ۶ وعرض ۴متر آراسته به ازاره کاشیکاری‌باستانی ازنوع کاشیهای مسدس قالب کوچك فیروزه‌فام عصرصفوی با جداری منقش که جدیداً سفیدکاری شده‌است وکتیبه‌گچبری به خط برجسته ثلثی وپوشش مقرنس ومنقش گچی است .

کتیبه‌آن کمربندی و روی‌آن عباراتی حاکی از بنیان مسجد در دولت شاه اسمعیل باسعی خواجه شمس‌الدوله پیرمحمد ساوجی بسال ۹۱۴ گچبری شده‌است بدین متن :

قد وقع بناءالمسجد العالی واتمامه فی زمان‌الدولة السلطان الا عدل الاعظم الخاقان الاشجع الافخم مالك رقاب الامم مولی ملوك العرب و العجم ظل‌الله فی الارضین عون الضعفاء و غوث الملهوفین باسط الامن و الامان قامع قواعد الظلم والطغیان مؤسس‌ارکان‌الدین‌والدولة مشیدبنیان‌الملك والملة السلطان‌المظفراسمعیل بهادرخان‌خلدالله ملکه وسلطانه وافاض علی‌العالمین عدله و احسانه وقدوفق‌وتشرف بشرف بنائه عالیجناب متبوع الاکابرومرجع الاعالی من‌امراء الدول‌السموالقدر و علوالهمم اعتضاد اصحاب المجد والمعالی بالرای الاتم مرکزدائرة الجود والکرم الخواجه شمس‌الدولة والاقبال پیرمحمد الساوجی فی شهررجب سنة اربع وعشر وتسعمأة ۹۱۴ .

ودرمیانه قابی‌درون‌حوضچه ردیف اول‌مقرنس عبارت (عمل‌عبدالله‌بن‌محمد) گچبری شده‌است .

و بالای درگاه و در سینه اسپر همین ایـوان لوحی از سنگ یشم بصورت کثیرالاضلاع نامنظم نصب‌گردیده است‌که از جنبه قدمت حائز اهمیت و روی‌آن بعداز بسمله و حمد وثنا فرمان شاه اسمعیل‌حاکی از رفع عوارض مواشی‌ومراعی درساوه وخوی وحسن‌آبادبه واسطه فقروتنگدستی اهالی‌بخط برجسته ثلثی‌حجاری شده است که نقل عین عبارات بطول می انجامد در حالی که بر نقلش فایدتی مترتب نیست .

مناره ومأذنه   ودرگوشه رواق شمالی متصل به جرزایوان یادشده ازخارج مأذنه یا مناره‌ایست‌آجری ازآثارقرن پنجم و عهد سلجوقیان مؤرخ به سال (ثلث و

خمسین واربعمائه) ۴۵۳ هجری (۱) که نیمی از آن تاسینه داخل درپایه‌های بیوتات ونیمی دیگر بیرون افتاده‌است و صورت برجی واستوانه‌ای آنرا می نمایاند .

این مناره که کوتاهترین مناره‌های تاریخی کشور وارتفاعش کمتر از ده متر و قسمت پائین آن تا شش متر ساده و روی آن سینه‌بندیست تزیینی وبالای آن زیر تالارچه نوبنیان مأذنه ، کتیبه‌ایست گلوبندی به خط کوفی شجری آجری که از نظر قدمت ونوع خط شایان توجه است .

مدرسه متصل به مسجد قرمز

و درجهت غربی و جنوبی مسجد یاد شده محوطه ایست که باید صحن مسجد خوانده شود و دارای چند حجره یکبابی ونیم بابی به نقشه چهارایوانی است که ایوان جهت جنوبی آن بادوحجره ودونیم بابی طرفین آن ازمیانه برداشته شده است تا با مدرسه نوبنیان آتیة الذکر متحد گردد .

این صحن به وسعت ۲۰ در ۲۰ متر بشکل مربع واز آثار عصرصفویه است که در دوره قاجاریه از آن تعمیرشده است .

ومدرسه نوبنیانی که به آن افزوده شده است مشتمل برشانزده حجره معمولی با ایوان جلو وچهارنیم بابی دوطبقه وصحنی به وسعت ۳۰ در ۲۴ متر از آثار مرحوم حجة الاسلام آقای آقاشیخ محمدرضاشریعتمدار ساوجی در سال ۱۳۵۷ قمری هجری است.

ودرضلع جنوبی این مدرسه سراسرمسجدی ساخته شده است .

این مسجد به وسعت ۳۳ در ۲۴ متر باجزرهای آجری و پوشش خفته‌رسته توأم با تیرآهن و ستونهای لوله آهنی و محرابی زیبا وآراسته به کاشیکاری معرق و کتیبه قرآنی دارای گنبدی فیروزه‌ای سیمانی بشکل شلجمی روی چشمه وسطی دارای عنقی هشت ترکی با هشت دریچه شیشه پوش نورگیر اثر حجة الاسلام آقای حاج شیخ

۱- نقل از اولین نشریه سازمان حفاظت آثار باستانی بنام فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی صفحه ۱۶۹ .

محمد حسین شریعتمدار فرزند آنمرحوم است که دو ماده تاریخ بنای آن جمله (اغفرلبانیه) برابر ۱۳۷۹ قمری و عبارت (جامع شریعتمدار) برابر ۱۳۱۹ شمسی است.

ایوان و سردرب و در مدخل صحن مسجد یا مدرسه از میدان ایوانی است به دهانه ۵ و ارتفاع ۷ متر باجدار آجری و پوشش معقلی و در کمرگاه آن کتیبه‌ایست از کاشی خشتی که به‌خط ثلثی سفید درزمینه لاجوردی روی آن آیاتی از سوره جمعه نوشته شده است بدینگونه.

«قال الله تبارک و تعالی یا ایها الذین آمنوا اذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکرالله و ذروا البیع».

و کتیبه‌ اسپر و بغله دیگر ایوان بکلی فروریخته جای آنرا با گچ سفید کرده‌اند.

مقصد سوم

در توصیف گنبد سلطان سید اسحاق

در اینکه سلطان سید اسحق مدفون در جانب شرقی ساوه کیست و نسبش چیست میانه مؤلفین غیر وارد به‌علم انساب اختلافیست.

چنانکه حمدالله مستوفی در نزهة القلوب باخواندن لوح کاشی روی قبر اورا فرزند بلافصل امام کاظم دانسته است.

اماچنانکه براهل فن پوشیده‌نیست این نظر غیرمتکی به‌دلیل است زیرا آنچه در کتب انساب در باره اسحق بن امام کاظم ضبط شده این است که اسحق‌بن امام موسی بن جعفر را امین میگفتند و در مدینه وفات یافت و در بعضی از کتب مزبور چنین آورده‌اند که پس‌از هجرت امام علی الرضا به‌جانب مرو اسحاق هم بجانب خراسان هجرت کرد و چون به مرو رسید مأمون عباسی به احترام آنحضرت اورا تجلیل و تکریم نمود و دخترعم خویش اسحق‌بن جعفر عباسی را با او تزویج کرد.

و در هیچیك از كتب مربوطه‌از مراجعت‌اسحق‌بجانب عراق‌خبر نداده‌است.

امابعضی از دانشمندان‌محلی چنین ادعا کرده‌اند که اسحاق به معیت برادر بزرگوار خود امام علی‌الرضا درسفر مرو تاساوه‌آمد ودرآنجا بیمار گردیده پس‌از سه‌روز رحلت یافت وآن امام به کفن‌ودفن وی در این مکان اقدام فرموده سپس‌به راه خود ادامه داد که این‌نظریه نیزفاقد مستند وغیر متکی بدلیل میباشد که‌درشمار افسانه‌های داستانی است.

وبعقیده نگارنده سلطان‌سیداسحق‌مزبور فرزند ابراهیم العسکر ابن‌موسی‌ابی السبحه ابن ابراهیم المرتضی ابن امام کاظم است.



نمای قسمت شمالی امامزاده سید اسحق ساوه

چه‌در تاریخ قدیم قم از ورود وی به‌شهر قم خبرداده چنین افزوده است که اسحق بن ابراهیم به آوه منتقل گشت ودختر شاهین دهخدای قریه طریز ناهیدساوه را به‌حباله نکاح کشید واسحق را ازبطن اوپسری بنام احمد بوجود آمد.

که‌احمدبن اسحق‌مزبور جدشاهزاده حمزه مدفون درقم است.

بهر صورت مشهد وی دارای بقعه و قبه و ایوان و صحن است و بقعه‌اش آراسته به تزیینات کاشی کاری و گچبری است و کاشیهای مرقد و کتیبه ساقبند داخلی بقعه از جنبه قدمت و نفاست حائز کمال اهمیت است.

و نگارنده برای نخستین بار در سال ۱۳۲۵ که این گنبد و تزیینات درونی آنرا دیدار کرد مشهودات خود را کتباً به استحضار جناب آقای سیدمحمد تقی مصطفوی مدیر کل باستانشناسی ایران رسانیده اقدام احتیاطی برای صیانت از این کاشیها را توصیه و تأکید کرد در نتیجه معظم له اقدام لازم را برای تأسیس موزه و گماردن مراقب معمول داشت.

بقعه

اما بقعه سلطان سیداسحق بصورت برجی و بشهادت سبك ساختمان از آثار عصر سلجوقیان و قدر متیقن از بناهای نیمه دوم قرن هفتم است که در عصر صفویه نقشه گنبد بصورت کنونی در آمده است.

قاعده گنبد از داخل و خارج برجی و درگاه‌های آن به سبك آن قرن تنگ و کوتاه است و در تعمیرات بعدی قسمت بالای آن از خارج بصورت مضلع هشت ترکی در آمده است.

این گنبد بسبك عصر در آغاز ساختمان برهنه از بیوتات کنونی بود و به مرور در عصر صفویه ایوان‌ها و صحنی بر آن افزوده شدند.

دهانه بقعه ۶ و ارتفاعش ۱۲ متر و دارای سه درگاه کوتاه بوده است که درگاه جنوبی آنرا مسدود ساخته به صفه محراب تبدیل کرده‌اند و اینك دارای دو درگاه در شرقی و شمالی است که جلو هریك هم ایوانی افزوده شده است.

ازاره بقعه به ارتفاع یك متر آراسته به دو نوع کاشی خشتی باستانی است بدین گونه که سه ردیف پائین آن از کاشیهای هشت ترکی غیر مدرج فیروزه فام ساده تزیین یافته است و در میانه هر چهار خشت مثمنی هم گلی مربع برای پر کردن خلئهای حاصله به رنگ لاجوردی ساده به کار رفته است و برفراز این سه ردیف یکردیف

کاشیهای خشتی چهارضلعی سی سانتیمتری فیروزه فام نصب شده است که دارای حاشیه‌ای پنج سانتیمتری ومتنی ۲۵٪ سانتیمتری‌است ودرحاشیه آن نقوشی برجسته ازگل‌وبوته به‌رنگ زمینه ودر متن آن کتیبه‌ای به‌خط برجسته‌ثلثی نیزهمرنگ زمینه دیده‌میشود که روی آن سوره مبارکه جمعه قالب‌ریزی شده است ودرمیانه آیات خشتی از همان‌نوع بکار رفته است که روی آن‌عبارت (فی شهور سنة ۶۷۶) بخط برجسته خوانده میشود که گاه تعمیر جابجا گردیده آنرا از آخر کتیبه برداشته به این‌محل انتقال‌داده‌اند .

و بالای ازاره مزبور تمام بدنه بقعه تازیر کتیبه آینده سفید کاری تعمیری و اکنون فاقد تزیینات است .

ولی در کمرگاه بقعه در ارتفاع ۴/۵۰ متر کتیبه‌ایست از گچبری بصورت کمربندی که درزمینه مزین به‌گل و بوته‌های‌زیبا به‌خط نستعلیق‌زرشکی همسطح‌بازمینه لاجوردی‌وسفید دوازده‌بیت دردو وزن ودوقافیه هرمصرعی دروسط‌یك‌ترنج کشیده ومدرج گچ‌بری‌شده‌است که‌درفواصل آنهااسامی جلاله وپس‌ازدوبیت‌نخست عبارت (لااله‌الاالله) وبعدازدوبیت‌دوم‌جمله(محمدرسول‌الله) ودرجواردوبیت‌سوم‌جمله (علی ولی‌الله) وهمچنین‌باردوم‌بطورمکرراین‌عبارات بخط ثلثی‌مرغوبی‌گچبری شده‌اند.

این ابیات دوازده عددندکه پنج بیت ازدوقافیه بطوری سائیده شده اند که قابل خواندن نیستند وهفت‌بیت بقیه که‌قابل قرائت هستند چنین‌است.

از این‌دولت که‌اورا گشت‌روزی ربود از همکنـان گوی سعـادت
چوخضری فکر تاریخش نمودم ملك گفتـا (محمـد یافت دولت)

***

گنبد حضرت سید اسحق کرد تعمیر به توفیق خدا
ساخت‌توفیق‌به‌خودیارورفیق یاورش صدق‌شد از روی‌صفا
نصرت از شاه ولایت طلبید شد مدد کار به او شاه رضا

دستها ساخت علم ابن فتوح　　کرد بر عمروی از صدق دعا
سال تاریخ چو آقا پرسید　　گفتمش صاحب خیری آقا

که این دو ماده تاریخ باسال ۱۰۲۳ برابر میشوند.

و در بین کلمات یك مصرع محکوك نام (شاه عباس) به‌چشم میخورد که قابل تشخیص است و هرگاه درریشه حروف که در سطح گچکاری فرورفته‌اند دقت گردد بقیه ابیات هم‌خوانده میشود.

ودر ابتدای پاطاق وگلوگاه بقعه کتیبه دیگری است درزمینه آراسته به‌گل و بوته که‌روی آن‌بخط کوفی سوره مبارکه یسن گچبری شده‌است.



تصویری از کتیبه‌های بقعه ونقوش‌پوشش

وروی کتیبه مزبور دربدنه قوسی پوشش نقوش متنوعی باکتیبه‌های مختلفی است بدین تفصیل که در مرکز پوشش نام (الله) و اطراف آن چون سبدی‌پر از گل آراسته به نقاشیهای رنگ برنگ وبرگرد آن‌درمیانه دوخط فلکه‌ای کتیبه‌ایست که

دور از دید چشم و نامرئی است .

وبرگرد آن از بالا بپائین تعداد ۴۸ ترنج وجقه درسه‌ردیف ترسیم‌ودرداخل شانزده ترنج اولیه نام جلاله (الله) بطور مکرر و درون شانزده ترنج ردیف دوم صلوات کبیره ودر فواصل میانه آنها نام محمد بطور مکرر ودر داخل ردیف سوم گل‌وبوته ودر فواصل آنهابطور مکرر نام علی‌بخط ممتاز ثلثی گچبری‌شده‌است.

محراب بقعه

ودرضلع جنوبی بقعه‌محرابی صفه‌دار ساخته شده است که سابقاً درگاه بوده است .

دراین‌محراب تزییناتی ازکاشی وگچ‌بری بعمل آمده‌است چه که ازاره آن آراسته بکاشیهای‌اطرف بقعه وهمان‌کتیبه سابقة‌الذکراست وبالای آن‌تمام بدنه‌صفه مزین‌به‌نقوش‌رنگین‌ولی‌فاقد کتیبه‌است.

ودرسه‌جانب صفه واطراف درگاه سه‌کتیبه عمودی وافقی‌به خط ثلثی‌وکوفی همسطح با زمینه گچ بری شده است که روی آن سوره مبارکه جمعه (یسبح‌لله)



تصویری از گنبد وجدار خارجی قاعده وقسمت مضلع تعمیری

خوانده میشود .

ودر پیشانی آن یك پارچه کاشی مربع به اندازه ۷۰ در ۷۰٪ سانتیمتر با زمینه لاجوردی نصب شده است که در متن آن گل و بوته های برجسته قالب ریزی شده است ودر میانه گلهای آن نام یکی از پنج تن خوانده میشود .

ونیز درجبهه محراب یکطرف کاشی مزبور جمله (یاغفار) و درطرف دیگر آن (یامنان) بطور تکراری و متعاکس درداخل دو ترنج گچبری شده اند.

مرقد ودر میانه بقعه ضریحی است چوبی و مشبك و درون آن مرقدی است به ارتفاع ۶۰٪ سانتیمتر وطول ۲/۵۰ وعرض ۱/۲۵ متر که از پنج جهت آراسته به کاشیهای متنوع خشتی مربع مستطیل بدین گونه که دو بدنه مرقد از جنوب وشمال (پیش روی و پشت سر) مزین به سه ردیف کاشیهای نفیس ۵۰ /. در ۲۰٪ سانتیمتر فیروزه فام است که روی آنها به خط برجسته کوفی همرنگ زمینه آیة الکرسی قالب ریزی شده است .

ودر دو بدنه بالای سر و پائین پاچند محراب شکسته برجسته (درجانب غربی یکی ودرجانب شرقی دوتا) دیده میشود که در حاشیه آنها سوره مبارکه یس بخط برجسته ثلثی قالب ریزی شده است که از بدایع فنی وشاهکارهای هنری است .

وروی مرقد آراسته به دو نوع کاشی خشتی است درحاشیه قسمتی است مشابه کاشیهای فیروزه فام دو بدنه جنوبی وشمالی که روی آنها به خط کوفی برجسته تتمة آیة الکرسی خوانده میشود .

و در متن آن که لوح قبر است روی ۱۲ پارچه کاشی ۵۰ در ۰.۲۵٪ زمینه لاجوردی به خط ثلثی برجسته همرنگ زمینه عبارات ذیل قالب ریزی شده است.

(هذه تربة الشریف لاسحق بن الامام موسی الکاظم اخ الرضا علی بن موسی بن جعفر بن الامام محمد الباقر ابن الامام المظلوم علی زین العابدین ابن الامام الشهید حسین بن الامام الشهید علی بن ابیطالب علیهم السلام) .

که‌در این‌الواح چون کتاب کمربندی بقاع معمولا نام‌مستوفی وجداعلای‌او قید میگردد و وسائط اسقاط میشوند مانند علی‌بن‌بابویه وحمدالله مستوفی بدون توجه به‌این امر به‌استناد همین لوحه اسحق رافرزند بلافصل خوانده است .

درپایان توجه اولیای سازمان ملی‌حفاظت آثار باستانی رابرای‌نصب کاشیهای اطراف مرقد که‌فروریخته‌اند جلب میکنند .

گنبد وبرفراز بقعه‌گنبدی‌است بصورت شلجمی هشت ترکی با عنقی مثمن که‌برفراز قبه‌عرقچینی قدیمی ساخته شده از آثار عهد صفویه است .

جدار اطراف گنبد ازآجرتراش است که درقسمت بالای ه.رضلعی گلی‌با کاشیهای کلوکی بکار برده‌اند .



تصویری ازگنبد باگلهای کاشی قسمت فرازین

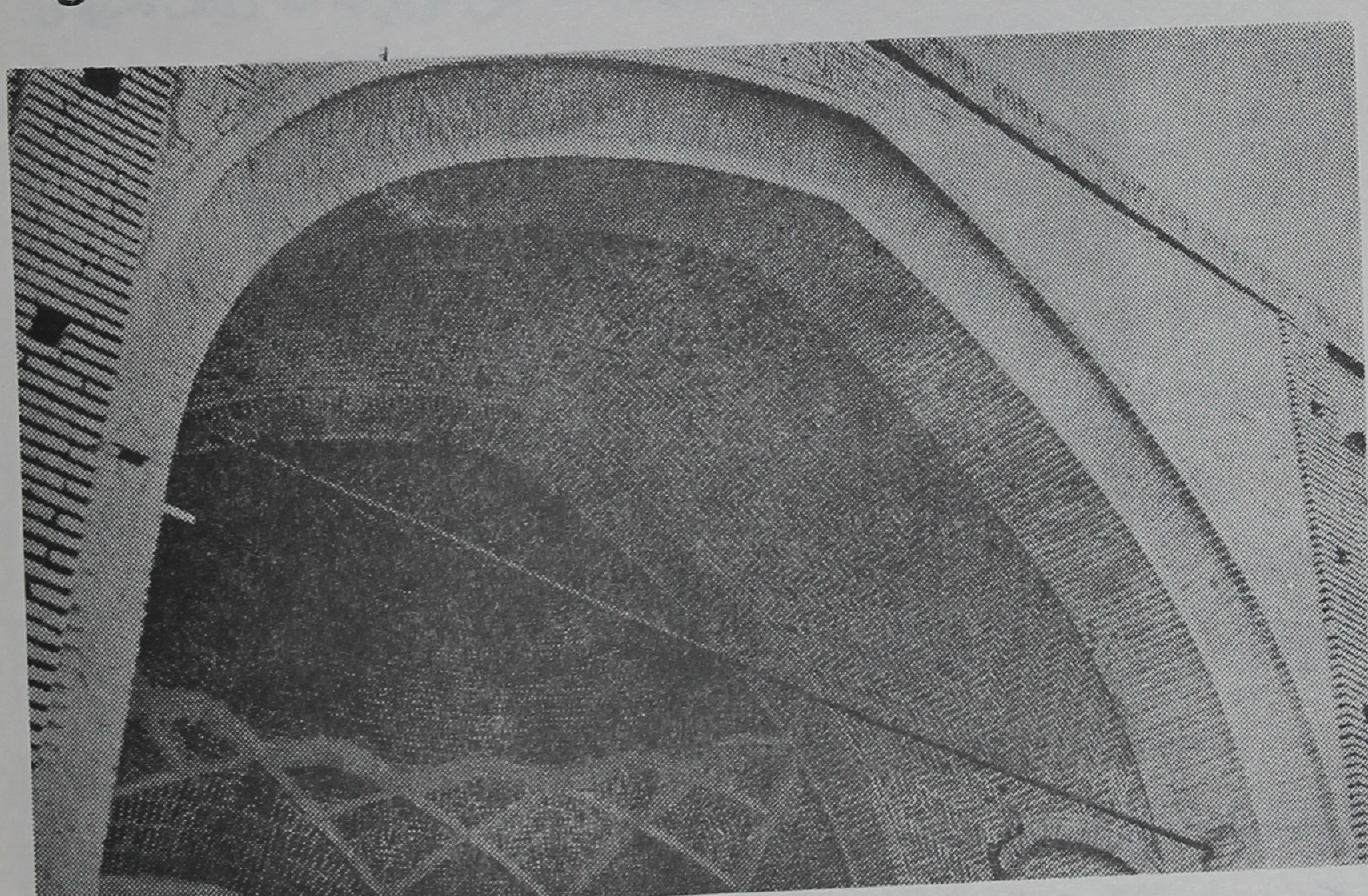
ودر مدخل شمالی بقعه ایوانی است‌با جرزهای باستانی وپوشش جدید که ازناحیه سیدپیشوامرحوم حاج‌میرزاعبدالله رضوانی‌درسال ۱۳۵۰ قمری‌تعمیر وسقف آنزده شده است .

ودرمدخل شرقی بقعه ایوانی مجلل وباستانی از آثار صفوی باجدار سفید کاری است بدهانه ۶ متروطول ۶ر۵۰ و ارتفاع ۱۲ متر که درجهت جنوبی آن حجره‌ای برای کشیك ساخته شده‌است .

ودردو گوشه ابتدای طاقبند آن مقرنسی زیباساخته شده‌است.

وحجره کشیك اکنون بعنوان موزه‌محتوی الواح مرمر قبورباستانی‌واشیاء متفرقه ازظروف متنوع وچراغهای مختلف است‌ولی اشیاء موزه سازهمان‌کاشیهای ازاره ومرقد میباشند .

ودر جلو ایوان مزبور صحنی است مثمن مختلف اللاضلاع بطول ۳۰و عرض ۱۵متر که‌مزارباقیه مرحوم رضوانی یادشده درسه‌جانب آن حجرد ونماسازی بعمل آمده است‌ودر مدخل صحن کریاس فاقدپوششی است زیبااز آثار باستانی .



تصویری ازایوان تعمیری جانب شمالی بقعه

مقصد چهارم
در توصیف گنبد سید ابوالرضا

گنبد امامزاده یحیی و فرزندش سید ابوالرضا از احفاد امام کاظم در کنار بازار ساوه واقع است که بظن قوی ابوالرضا کنیه همان امزاده یحیی است و این دو نام از یکنفرند .

این ساختمان مشتمل بر بقعه وقبه وصحن موسع است.

اما بقعه وی بصورت مربع متساوی الاضلاع به دهانه ۶ و ارتفاع ۹ متر باجدار سفیدکاری و ازاره سیمانی تعمیری است که در هر ضلعی شاه نشینی بدهانه ۲/۵۰ متر و عرض ۵۰/. ساخته شده است.

ودر چهار گوشه آن نیم طاقی بالا آمده است که صورت مربع را به مثمن تبدیل ساخته وروی آن پاطاق پوشش عرقچینی بالا رفته است.

و دروسط بقعه ضریحی مشبك ازچوب ودرون آن مرقدی مزین به کاشیهای خشتی فیروزه ای رنگ جدید است .

ودر جانب شمالی بقعه ایوانی به دهانه ۴ و عرض ۳ و ارتفاع ۶ متر با جدار کاشیکاری تعمیری و پوشش آراسته به گچبری توأم باقطعاتی از آینه و جرزهای طرفین آن آجری که در دل جرز شرقی سقاخانه ای ساخته اند.

ودر اطراف بقعه صحنی است هرطرف دارای ۱۴ حجره و درضلع شمالی طرفین دالان ورودی صحن شش حجره ساخته شده است .

و گنبد آن آجر پوش و عرقچینی و از بناهای عصر صفوی است که فاقد تزیینات می باشد .

مقصد پنجم

در توصیف گنبد سید علی الرضا

بقعه موردنظر در گوشه‌شهر دارای صحنی گشاده بطول ۱۵۰ و عرض ۲۰ مترمیباشد که تا حال ۴۰ بقعه در سه‌جانب آن‌بنیان گردیده است و بمرور براین تعداد افزوده می‌شود .

ودر ضلع جنوبی آن‌یکی از اخیار تجار ساوه‌بنام حاج محمدتقی رفیعی‌چند مقبره مجلل احداث‌نموده‌جلو آنها را هم‌باغچه‌بندی و گلکاری نموده‌است که‌دریکی از مقابرمزبوره‌جسدخودبانی‌را به‌خاك سپرده‌اند .

مساحت زیر بنای بقعه‌باایوانهادروسط‌صحن‌بطول۱۶ وعرض ۱۰ مترمیباشد. و قاعده گنبد بصورت مربع متساوی به‌دهانه ۶ و ارتفاع ۷ متر بدون شاه‌ـ نشین وفاقد تزیینات باجداری‌سفید کاری است که‌درچهار گوشه آن‌نیم‌طاقی‌ساخته شده صورت‌مربع آنرا به فلکه‌ای‌مبدل داشته‌پاطاق‌گنبد عرقچینی آن‌رابالا آورده‌اند وسطح گنبد از خارج آجرپوش است .

ودر مدخل شمالی بقعه ایوانی است نوبنیان از آثار خیر رجل نیکوکار و جوانمرد آقای حاج حسن‌آقا صالحی فرزند مرحوم حجة‌الاسلام حاج شیخ‌باقراز علمای بنام ساوه‌واین‌ایوان بدهانه ۵وعرض۴ و ارتفاع ۷متر باجدار سیمانکاری و پوشش رسمی بندی و درکمربند آن کتیبه‌ایست ازکاشی خشتی زمینه لاجورد که بخط سفید نستعلیق روی آن‌آیات ذیل نوشته شده‌است .

اعوذبالله من‌الشیطان الرجیم الله‌نورالسموات والارض مثل نوره کمشکوة فیها مصباح (تاجمله) والله یرزق).

مقصدششم

درتوصیف گنبد تاریخی شاهزاده هارون

گنبد مورد نظر در میانه قریه طریز ناهید بادهکده رضا آباد درده کیلومتری ساوه واقع است که دارای بقعه وقبه وایوان ودوصحن وبشهادت سبك بنا از ابنیه قرن هشتم بنظر میرسد که بنام شاهزاده هارون بن امام موسی الکاظم خوانده می شود اما هارون ابن امام کاظم مطابق نقل صاحب عمدة الطالب نقلا از ابو نصر بخاری بلاعقب بوده است ولی شیخ ابو الحسن عمری وابو عبدالله بن طباطبا برای او پسری بنام احمد قائل شده اوراهم دارای اعقاب خوانده اند که بعضی ازعلمای نسابه برای احمدبن هارون پسری بنام محمدنیزضبط کرده اوراهم دارای سه پسر به اسامی موسی وحسن وابو محمد جعفر دقاق دانسته برای هرسه هم اعقابی قائل شده است که مقام را گنجایش ادامهٔ این بحث نیست .

وعلامه نسابه امیر محمد قاسم سبزواری چنین آورده است که هر چند که من مقبره هارون بن امام کاظم را نیافته ام ولی علمای انساب مدفن اورا جز دراصفهان تعیین نکرده اند .

و بعقیده نگارنده از آنجائیکه (عدم الوجدان لایدل علی عدم الوجود) وبا توجه به اینکه دهکده طریز ناهید جزء ساوه اصفهان بوده است میتوان گفت مقصود علمای انساب ازاصفهان همین معموره باشد که در منتها الیه خاك اصفهان قرارداشت وچون قم درسال ۱۸۹ بعنوان شهری مستقل شناخته شد این قریه هم تابع آن گردید . بنابر مقدمات هیچگونه مانعی ندارد که مدفون دراین گنبد را همان هارون فرزند بلافصل امام کاظم بخوانیم .

قاعده گنبد بهر صورت این قبه از آثار باستانی و تاریخی و از داخل و خارج بصورت هشت ضلعی باجداری آجری است که از داخل به دهانه ۸ و ارتفاع ۱۴ متر دارای هشت نمای کم عرض هریك به دهانه ۲/۵۰ متر و عرض نیم متر و ارتفاع ۷ متر با اسپر و بغله‌های سفید کاری مزین به چندقاب آینه و نقوشی ساده از گل و بوته و کتیبه‌هائی تکراری بخط نستعلیق همسطح زمینه است که روی آن جمله (عزمن قنع) نوشته شده است و این کتیبه‌ها تعمیری و جدیداست.

و در میانه صفه‌های آن جرزی منحنی است که هر نیمی همباد یك نما میباشد و در سینه هریك اسامی جلاله بخط ثلثی خوانده میشود.

بعلاوه درمیانه لچه کیهای روی پوشش نماها (پشت بغل) ترنجی نمودار و در میانه این ترنجهای شانزده گانه عبارات وابیاتی سست خوانده میشود بدین نمونه (بانی تعمیر حاجی سلیمان خادم التماس دعادارد) (استاد حبیب‌الله التماس دعا دارد) (ملا حمزه اززائرین التماس دعا داردفی سنه ۱۳۲۹).

سلمان فارسی ز سلیمان خادمش — بنموده ز افتخار سلیمان تاجدار
شاهی که خاك درگه او توتیای چشم — رضوان صفت چو روضه‌شه گشت بر مدار

و درصفه جنوبی محرابی است و درپیشانی آن عباراتی بدینگونه خوانده میشود

ان آثـارنا تـدل علینا — فانظروا بعدنا الی الآثار

(سنة ۱۳۳۹) (اللهم صل علی محمد و آل محمد)

و در کمرگاه بقعه کتیبه ایست قدیمی و کمربندی بخط ثلثی مشکی که روی آن سوره مبارکه جمعه گچبری شده است.

و بالای آن هشت نمای کوچك بصورت طاقچه ساخته شده است که بغله‌ها و اسپرشان نقاشی رنگین است و از آنمیانه در طاقچه غربی مقابل درب ورودی چند پارچه کاشیهای قدیمی منقش هفت رنگ و دو قطعه سنگ مرمر که به لوح قبور مشابه است نصب گردیده است که این کاشیها مربوط به مرقد بوده است.

وبالای این طاقچه‌ها صورت هشت‌ضلعی به هیئت فلکه‌ای تبدیل گردیده است وپاطاق پوشش عرقچینی بالاآمده است .

و در ابتدای این قسمت کتیبه‌ایست گلوبندی بخط ثلثی که روی آن سوره مبارکه جمعه گچبری شده است .

وبرفراز کتیبه‌دربدنه‌قوسی‌پاطاق چهارنورگیر باز است که‌جلو آنهارا بامشبکی گچبری پوشانده‌اند .

ودر نقطه مرکزی پوشش فلکه‌ایست گچبری که دروسط آن (اللهم صل‌علی محمدو آل‌محمد) ودر اطراف آن عبارات(لااله‌الاالله ، محمدرسول‌الله،علی‌ولی‌الله) گچبری شده که از آثار تزیینی‌الحاقی‌عصر صفوی است .

بعقیده نگارنده اصل بنا بشهادت سبك ساختمان و درگاه‌های باریك وتنگ وبرهنگی آن‌ازبیوتات‌وحتی ایوان از آثارقرنهای‌هفتم‌وهشتم‌است که‌درعصرصفویه تزییناتی برآن افزوده است .

و در جهت شمالی بقعه مسجد یارواقی است به دهانه۳ و طول ۵متر تهی از تزیینات که نیز ازالحاقات عصر صفوی است .

ودر جانب شرقی بقعه‌ایوانی‌است بافرش سیمانی وجدار سفیدکاری به‌دهانه ۴وطول۵ وارتفاع ۶متر که در عصر صفویه افزوده شده است زیرا مدخل بقعه در گوشه اسپر این‌ایوان افتاده‌است مضافاً براینکه آجرهای قاعده گنبد بزرگ وقطور است و آجرهای‌این‌ایوان باریك‌و کوچك میباشند .

وجلو ایوان به ارتفاع ۴۰/ سانت جداری بالا آورده‌اند که روی آن چند لوحه قبر مرمری باستانی برای تزیین نصب کرده‌اند و در میانه نقوش حجاری شده روی‌آنها که‌زیرپاسائیده شده‌اند صورت‌مردی‌در حالیکه بر فیل‌سوار است و گرزی‌بدست داردبا دو خط متقاطع بشکل(ضرب‌در)حجاری‌شده‌است‌وروی‌دیگری نام ابراهیم‌وتاریخ ۱۰۳۷ خوانده‌می‌شودودرسطح‌درگاه نیزلوح دیگری‌نصب است

که نیز باستانی و به حدی سائیده‌شده‌است که قابل خواندن نیست .

وجلو ایوان صحنی نمابندی است بمساحت ۲۰ در ۲۴ متر باجرزهای آجری ودر طرفین ایوان چهارباب حجره غرفه‌دار از آثار قدیمه باقیست .

ودر جانب شمالی بقعه هم صحنی گشاده است که‌قاضی ومؤلف معاصر آقای علی اکبر تشید احداث کرده است ودر ضلع شمالی آن هفت‌باب حجره با ایوان برای اقامت زائرین ساخته‌در وسط آنهم آب انباری بنا کرده است که‌اکنون دردست ساختمان است .

ودروسط بقعه ضریحی چوبی ومشبك و درون آن مرقدی مزین به کاشیهای خشتی جدید دیده میشود ودرجبهه ضریح مزبورعبارات ذیل منبت شده است (بانی حاجی مراد علی التماس دعاداریم سنه ۱۳۳۳) (صانع حاجی محمد رضا).

گنبد

و بر فراز بقعه گنبدی است هرمی دوازده ترکی از آجر تراش به ارتفاع ۱۲ متر که قسمت بالای آن چون ریختگی داشته‌است جدیداً بصورت امرودی ساخته روی آنرا باخشت‌های فیروزه‌فام کاشی آراسته‌اند ودرسینه هرضلعی یك لوزی‌میان تهی نمودار است که سابقاً دارای کتیبه وتزیینات کاشیکاری بوده است .

ودر گلوگاه عنق آنهم جای کتیبه‌ای‌نمودار است که‌اکنون بدون کتیبه‌است بالجمله بایداین گنبددرشماره آثارتاریخی‌ثبت شودواز آن‌حفاظت ومرمت‌بعمل آید .

مقصد هفتم

در توصیف گنبدشاهزاده محمد الوسجرد

گنبد موردسخن در کناردهکده الوسجرد یك‌فرسنگی جنوبی شهرساوه‌واقع است ومدفون‌در آن گنبد شاهزاده محمدبن امام کاظم است که البته از احفـاد آن

امام بوده است زیرا مدفن محمد عابد رادر شیراز تعیین کرده‌اند .

ودر سال جاری که از گنبد مزبور توسط آقای افراشته عمده مالك دهكده تعمیراتی بعمل آمده است در جهت جنوبی آن تالاری بطول ۶ وعرض ۵ متر باپوشش ضربی برفراز ستونهای مضلع آجری افزوده درجانب غربی آن مسجدی مشتمل برچهار چشمه برفراز یك ستون آجری مضلع ودرسه جانب آن تالارهائی تیرپوش باستونهای مضلع از آجر ساخته است که به بقعه مزبور اهمیتی بخشیده است.

بقعه و گنبد بقعه مزبور بصورت مربع متساوی الاضلاع به دهانه ۴٫۵۰ وارتفاع ۷ متر با جدار سفید کاری فاقـد تزیین است که از هرضلع آن دری بخارج گشوده میشود ودر چهار زاویه آن نیم طاقی بالا آورده صورت مربع رابه هیئت فلکه‌ای مبدل ساخته‌اند وپاطاق گنبد عرقچینی رابالا برده‌انـد که سطح آن از خارج آجرفرش است .

و در جبهه درگاه جنوبی از خارج کتیبه‌ایست از کاشی که روی آن بسم‌الله الرحمن الرحیم ولایة علی بن ابیطالب حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی) خوانده می‌شود .

مقصد هشتم

در توصیف گنبد شاهزاده اسمعیل بن امام کاظم

در دهکده یل آباد

در دهکده یل آباد درنزدیکی الوسجرد گنبدی است که مدفن شاهزاده اسمعیل از احفاد امام کاظم است امانه اسمعیل فرزند بلافصل آن امام کـه در کشور مصر اقامت داشت وهمانجا هم رحلت یافت بلکه اسمعیلی از احفاد آن امام است.

گنبد گنبد مزبور درمیانه گورستانی گشاده است که نهری جاری از کنار آن جاری ودرطرفین آن اشجار چنادی تنومند واقع است

ودر اطراف آن جداری گلی کشیده شده است .

ساختمان مقبره وبیوتات تابعه آن در میانه این محوطه بشکل مربع باجداری آجری ازبناهای عصر صفوی است که مشتمل بر بقعه ورواق وایوان است .

اما بقعه بصورت مربع متساوی الاضلاع به دهانه ۸ وارتفاع ۸ متر باجدار آجری بدون تزیینات است ودرچهار گوشه آن نیم طاقی بالاآمده است که صورت مربع رابه فلکه‌ای تبدیل کرده است وپوشش آن رسمی بندی آجری و قبه‌اش عرقچینی وازخارج آجرپوش میباشد که ازوسط آن منارچه‌ای بالاآورده روی آنرا کاشیکاری کرده‌اند .

ودرجهت شرقی بقعه رواقی چشمه‌پوش است که پوشش زیرین آن بانقوش آجری قرمزتزیین شده است. طول رواق سیزده متر وعرضش ٤ متر ودارای دو شاه نشین میباشد .

ودر جهت جنوبی بقعه ایوانی باجدار آجری بدهانه ۴ وطول ۵ متراست که مرمت جدار اطراف مقبره ازخارج لازم است .

مقصد نهم

در توصیف بقعه بی بی شرف خاتون

دردهکده قردین

بقعه مورد نظر دردهکده قردین درنزدیکی پل آبادنه کیلومتری ساوه واقع ومشتمل بر گنبدی مربع متساوی به دهانه ۵ مترو ارتفاع ۸ متر با جدار سفید کاری است که در چهار گوشه آن نیم طاقی زده صورت مربع را به فلکه‌ای تبدیل کرده‌اند وپوشش آن عرقچینی وازخارج کاه گل مالی است .

ودر مدخل بقعه رواقی است صلیبی شکل که دوجانب آنرا فراگرفته است که

رنك ورخساره جدارخشت وگلی این رواق از داخل وهمچنین صحـن محقرومخروبه آجری جلوآن این بنارا به دوران قبل ازصفویه ملحق میسازد امافاقد تزیینات وجنبه تاریخی است که مورد نظر اولیای سازمان حفاظت آثار باستانی است .

درپایان می افزاید که در دهکده های اطراف ساوه مقابـر مخروبه یامعمـوره دیگری است که برذکر آنهادراین مجموعه ازنظر تاریخی آثاری مترتب نمیباشد وامیداست که درآینده مجموعه دیگری دراین باره نشردهد.

فصل ششم

در توصیف تفرش و مسجد و مشاهد آن

در یك پیش گفتار و شش مقصد

پیش گفتار

در موقع طبیعی تفرش و مزایای آن

معموره تفرش که قرنها تابع آشتیان و معاً جزء بلوك قم بودند مرکزش قصبه ترخوران بود اما قصبه فم درنزدیکی آن قرار داشت که ازلحاظ عمران وجمعیت هم‌دست کمی از آن نداشت.

تفرش بادوازده دهکده‌اش ازمناطق خوش آب وهوای ییلاقی است که دارای آبی شیرین وگوارا وهوائی لطیف وفرح بخش وسرزمینی سبز وخرم و اشجاری ییلاقی وشاداب است.

سرزمین تفرش از چهار جهت محاط به‌رشته جبال ممتد وبلندی است که سابقاً سه‌راه مالرو یکی از آشتیان دیگری از کهندان آخری ازفراهان داشت ودرفصل زمستان بلکه بهار با ریزش برفی پاگیر برای مدت چند ماه باقراء مجاورش قطع ارتباط میکرد ولی دردوران نخست وزیری آقای علی منصور که خود از اهل تفرش بود ازراه‌های ماشین روی نیز برخوردار گشت ولی این راه‌ها هم که ازقلل جبال ودامنه دره‌ها میگذرد چون

باریک ودارای پیچ وخمهای زیادبازوایای بی روح وفاقدمیدان دیداست که بایستی باکمال

احتیاط درآنها ایاب و ذهاب کنند .

تفرش منطقه‌ای ادب‌پرور ودانش خیزاست که‌نام‌رجال علمی‌وادبی وسیاسی

آن زینت بخش صفحات کتب تراجم میباشد .

قصبه تفرش بر اثر مساعی شادروان آقای حسن علی منصور نخست وزیر

مقتول ایران فرزند مرحوم‌علی منصور مزبوردر قانون‌تقسیمات کشوری‌بعنوان شهر

مستقلی شناخته‌شد که‌آشتیان وگرکان ونیمی ازخلجستان راهم تابع آن‌قراردادند.

درتفرش‌مسجدی‌مجلل‌بامناره ای‌تاریخی وچندمشهد باستانی‌وآراسته‌به‌کاشی

کاری وگچبری وصندوق منبت‌است که ازاعتقاد راسخ رجال و مردمش به مبانی

دینی‌ومذهبی حکایت میکنند.

در جبال شامخ تفرش مغاره ایست مرموز و بطوریکه اهل محل نقل کردند

طول این‌غارغیر قابل‌پیش‌بینی است‌وپیشروی‌درآن جزتاچندین متر خفقان‌آوراست

ودر ابتدای آن محوطه‌وسیعی است‌برجی‌شکل‌بدهانه‌ده متروطاق طبیعی آن‌ازسنگ

شفاف سفیدی است که پرتوی از خورشید به آن‌محوطه منعکس‌می‌سازدودروسط

آن حوضی است که هماره پراز آب‌است وهرقدر که ازخزانه آن بردارند بهمان

اندازه آب تازه‌ای می‌جوشدوجای آنرامیگیرد.

که این غار برای‌مردم‌بی‌پناه ونیزشبانان وکوه‌نوردان‌و کارگرانی که احیاناً

با برف وبوران وطوفان‌روبرومیشدند پناهگاهی بوده‌وخواهدبود .

میانه قصبه ترخوران بافم خیابان نوبنیانی طرح ریزی شده‌است که‌این دو

قصبه رابهم پیوسته است وازپیوستن آنها شهرتفرش موجودیت یـافته است و در

دوکنار این خیابان دبستان‌ها ودبیرستان وبیمارستان وادارات دولتی‌ومؤسسات‌ملی

ساخته‌شده است .

تفرش در قرون وسطی‌پایگاه‌سادات‌افطسی بودکه اینک بعنوان‌سادات‌سجادی

وشکراللهی وشکرائی ومیرفخرائی ومیراشرافی درقم واراك وتهران پراکنده میباشند.

و درفتوحات اسلامی که کشور ایران تحت سلطه خلفای اسلامی قرار گرفت بدون هیچگونه قاعده یاضابطه کلی برمبنای بازی کردن با اعلام فارسی دراسامی شهرها و قصبه‌ها و دهکده‌ها هم بعنوان تعریب تصرفاتی بعمل آورده به هر نحویکه اراده می کردند آنهارا تغییر میدادند واگر از آنان میپرسیدند که چرا یکجا گاف فارسی را به جیم تبدیل کرده گرگان راجرجان ومیگان را میجان میگوئید ودرجای دیگر آنرا به قاف مبدل ساخته گم را قم و میجان را میقان میخوانید جواب میدادند (عجمی فالعب به ماشئت) این واژه عجمی است به هر نحو که میخواهی با آن بازی کن .

چنانکه بدون هیچگونه موجبی تفرش راهم طبرس گفتند و نگارنده قبلا در ترجمه شیخ طبرسی نگاشته است که طبرس بروزن تفرش و به معنای آنست نه منسوب به طبرستان چنانکه بعضی ازمؤلفین پنداشته‌اند ودرنتیجه این کلمه را به فتح باء وسکون راء خوانده‌اند .

باری از تفرش رجال علمی وادبی و سیاسی بزرگی برخاسته‌اند که نامشان زینت بخش صفحات کتب تراجم است وازدوتن رجال سیاسی ربع قرن اخیر بنام شادروان علی منصور وفرزندش شادروان مقتول حسن علی منصور که هردو نخست وزیر بوده‌اند قبلا نامبردار گشت واکنون بذکر نام یکی ازعرفاء وشعرای بزرك و یا یکنفر از محدثین وصحابه امام که درتفرش میزیسته است برای نمونه میپردازد .

اماشاعر وعارف تفرشی بنام سیدابو محمد الیاس بن الیاس معروف به نظامی گنجوی صاحب خمسه است که این مجموعه نموداری از تحولات وتطورات طبیعی افراد بشری درهر دهسالی ازعمر ازآغاز جوانی تادوران کهولت وپیری میباشد چه کتاب اول آن از عشق خالص شیرین وخسرو و کتاب آخر آن در مناجات است که به مقتضای طبع خود در ادوار مختلفه از عمرخویش سروده است .

بهرصورت نظامی از مردم تفرش است که دردهکده (تا) دیده به جهان گشوده است وچون سلطان محمدبن ملکشاه سلجوقی او را به معیت خود به گنجه برد اکثر عمر خودرا درگنجه بسربرده واوراگنجوی میخوانند ودرسال ۵۵۶ رحلت یافت وبرفراز تربتش در خارج آنشهر قبه‌ای بناکردندکه برای همیشه مزار صاحبدلان وعارفان است.

نامبرده درمقام تفاخر خویشتن را در ابیات ذیل ازقهستان قم خوانده است و چنین سروده‌است.

چو در گرچه در بحر گنجه گمم	ولی از قهستان شهر قمم
در آنجا دهی هست تا نام او	نظامی از آنجا شده نامجو

چنانکه پیرامون نام‌خود معمای‌ذیل‌را سروده که حل آن نیاز به تفکر دارد.

در خط نظامی ار نهی گام	بینی عدد هزارو یك نام
الیاس کالف بری ز نامش	هم‌بانو دونه است گامش

ونیزمراتب‌غناوبی‌نیازی‌وی‌ازمناجات‌اوباحقتعالی‌مستفادمی‌گرددکه‌می‌سراید.

چون بعهد جوانی از برتو	نزد شخصی نرفتم از در تو
همه را بردرم فرستادی	من نمیخواستم توأم دادی
چونکه بر درگه توگشتم پیر	زانچه ترسیدنی است دستم‌گیر

واز کسانیکه بر درش درمی‌آمدند علاوه‌بر عرفاء وشعراءاز سلطان طغرل‌بن سلطان ارسلان سلجوقی وسایر ارباب حکم و فرمان‌زمان‌میتوان نام بردکه‌همگی به خدمت وی میشتافتند واز خرمن فضیلت وخزانه معرفتش برخوردارمیشدند.

واز ارباب فضل ودانشی که تفرش را مسکن خود ساخته به ارشاد جامعه و نشر حدیث اشتغال داشته‌اندمحمد افطسی‌را میتوان‌اسم برد.

نامبرده سید محمدبن‌ابی‌الفضل‌حسین‌بن‌حسن‌بن‌حسین‌بن‌حسن‌الافطس‌محدثی جلیل‌القدر واز صحابه‌ امام عسکری بودکه‌دردوره‌خلافت متوکل ومشاهده سخت-

گیری‌های او درباره سادات علویه به امر آنحضرت از سامرا به‌اتفاق دوبرادرخود ابراهیم وعلی الفصیح برای‌ارشاد به جانب ایران سفر کرد وابتدا ، در دینور رحل اقامت بیفکند وپس‌از کوتاه مدتی بدعوت احمدبن‌اسحق اشعری به‌جانب قم‌هجرت کرد و چون در قم تحت کنترل عمال در بار خلفاء قرار گرفت مأمن‌تفرش رابرای سکونت خودبرگزیدو اورا درآنجا مکنت وحشمتی فراوان‌نصیب گردیدودراواخر قرن سوم ودوره غیبت صغری درهمانجا وفات یافت که قبرش مزار عمومی گشت وبظن‌قوی مقصوره‌ایکه‌بنام‌مسجدجامع خوانده میشود برفراز قبراوست که بجهات سیاسی بنام مسجد تجدید بناشده‌است .

واورا فرزندی بود بنام ابوالعباس‌احمد که‌ماجرای خروج‌واستیلای نافرجام وی‌برری ضمن توصیف گنبد او نگاشته خواهدشد (پایان‌پیش گفتارو آغاز گفتار) .

مقصد نخست

درتوصیف‌از گنبد مسجدجامع تفرش و حسینیه و خانقاه

درمعموره‌ترخوران

درقصبه ترخوران که مرکز بخش تفرش بود واینک یکی از محلات شهر جدید شده است مقصوره باستانی باگنبدی مجلل وجود دارد که‌اکنون بنام مسجد جامع خوانده میشود وازدور نمایان است .

اما نمیتوان انکار کرد که سبك ساختمان هشت‌ضلعی وصفه‌دار آن‌بامسجد سازگـار نبوده موقع اجتماعی قصبه هم حین بنیان آن در قرون وسطی بابنای یك چنین مسجدی وفق نمی‌دهد درحالیکه باخانقاه یامقبره بخوبی سازگار است .

قبول داریم که‌درنزدیکی این‌مقصوره مناره یا مأذنه‌ایست که ازوجودمسجدی حکایت میکند اما همان مناره‌هم ازاین مقصوره فاصله دارد و به حسینیه نزدیکتر

است ولی همان حسینیه هم مسجدی بوده‌است که اینك بنام حسینیه خوانده میشود زیرا در آن عصر احداث ساختمانی بنام حسینیه هنوز متداول نشده بود .

وبدین جهات نگارنده این مقصوره را مقبره محمد محدث تشخیص میدهد ودر مقام اثبات این عقیده هیچ پافشاری واصراری ندارد تادیگران چه گویند .

حسینیه و خانقاه

بهر صورت در مدخل صحن این مسجد محوطه سرپوشیده ایست که از تمام جوانب به بناهای عمومی دینی ومذهبی ومشربی محصور است چه دریك جانب آن صحن مسجد ودر جانب دیگرش حسینیه ودر جانبی هم خانقاه ویك ضلع آنهم نمابندی برای تکیه میباشد واز این محوطه سه شارع به میدان وخیابان وداخل محل امتداد دارد .

این حسینیه وخانقاه دو ساختمان قدیمی است که دارای درهای ارسی وطاقی تیر وتخته پوش و ستونهائی از تیرهای قطور ند و در عین سادگی زیاده زیبا و مجلل وبه مسجد سازگارتر میباشند .

مسجد و مقصوره

اما مسجد دارای مقصوره وشبستان وایوان وصحنی مروح است که آب جاری ازمیانه آن می گذرد .

ومقصوره آن ازبناهای باستانی وتاریخی بصورت هشت ضلعی به دهانه ۱۲ وارتفاع ۱۴ متر دارای هشت صفه شاه نشینی هریك بدهانه ۳ متر وعرض یك متر که برای نشیمن تعبیه گردیده است چه کف آنها از سطح مقصوره یك پله ارتفاع دارد .

جرزهای منحنی میانه صفه‌ها چون بغله‌ها واسپر وپوشش صفه‌ها بطور کلی آجری وفاقد تزیینات است که تا حال بدون خرابی یاشکست باقی مانده از جلوه و شکوه خاصی برخوردار است .

وپوشش آن ازداخل بصورت نیمی ازتخم مرغ است که ازپوشش عرقچینی به درجات محکمتر میباشد .

گنبد وبرفراز مقصوره گنبدی است کلاه خودی به سبك عصر سلجوقیان که قاعده‌اش از خارج هشت ضلعی وعنق آن استوانه‌ای به‌ارتفاع ۵ با تارکی به ارتفاع نه‌متر و قطری حدود ۱۶ متر سرا پا از آجرتراش است ودرعین سادگی‌شکوهمندوچندان متین‌ساخته‌شده‌است که‌هنوز یك آجراز جدار اطراف آن فرونریخته‌است .

ایوان ودرجهت شمالی مقصوره ایوانی است از الحاقات عصر صفوی به دهانهٔ ۷وعرض۵ وارتفاع۹متر که‌دارای‌ازاره‌ای از سنگ تراش و جداری سفیدکاری و پوششی رسمی بندی بدون تزیین است .

شبستانها ودردوجانب مقصوره شبستانی است طاق چشمه پوش بر فراز پایه‌هائی مضلع از آجر که ازآثار قرن حاضر است ودر سردر صحن از محوطه یادشده ایوانی است به‌دهانه ۵ وعرض۴وارتفاع ۷ متر باجدار سفیدکاری، وپوششی مقرنس‌گچی ازآثار سال ۱۲۷۷ ودر کمربندآن کتیبه‌ ایست گچبری بخط برجسته نستعلیق که روی آن‌ابیاتی در ستایش‌بانی‌وتاریخ بنابه قلم محمد ابراهیم‌بن عباس نوشته‌شده‌است .

مناره ودرجانب‌شمال غربی‌صحن مسجد مناره‌ایست به‌قطر۳متر وارتفاع۲۰متر باراه پله‌پیچ داخلی‌ازسطح زمین‌تا تالارچه فرازین که جدار آن آجری ساده است ولی درگلوگاهش کتیبه‌ایست گلوبندی از آجر برجسته به‌خط کوفی مشجر که اکثر کلمات آن فرو ریخته و از آنچه که باقیست کلمه توحید (لااله‌الاالله) به‌نظر میرسد وازسبك بنا تقدم بنیان آن بر مناره ساوه وتأخر بنای آن از مناره فردی قم مستفاد می‌گیرد .

وبالای‌کتیبه‌دندانه‌ای‌مضرس وروی‌آن نعلبکی‌وبرفراز آن‌تالارچه‌ایست‌نوبنیان باپوشش‌تیرآهن برفراز پایه‌هائی‌ازآهن که‌بین ستونهای آن‌رابادرهای آهن‌وشیشه پوشانده‌اندوبر فراز میله تارك آن لامپ برقی بصورت (الله) تجلی دارد .

مقصد دوم

در توصیف از گنبد شاهزاده محمد افطسی

متضمن مقدمهٔ ای در نام و نسب وی

مقدمه

هویت مدفون در این گنبد

چه که مدفون در این بقعه یکی از دو سید جلیل آتی الذکر میباشند که نام و نسب هر یك مشخص و معین است .

چنین شهرت دارد که مدفون در این گنبد جد اعلای سادات افطسی تفرش است ودر این صورت نسب نامه وی چنین است .

«ابو محمد حسن بن ابی عبدالله حسین بن علی بن عمر بن حسن الافطس ابن علی الاصغر ابن امام زین العباد علی بن الحسین .»

واگر این امر مسلم باشد باید معتقد شد که در کنیه او از کثرت استعمال تخفیفی راه یافته جمله (ابو محمد) به کلمه (محمد) تغییر یافته است ومطابق معمول ازمیانه نام وی وجد اعلایش وسایط را هم اسقاط کرده پس محمد بن حسن الافطس خوانده شده است .

چه که اقامت ابو محمد حسن مزبور در قریه ترخوران ورحلت ودفنش درهمان

قریه مورد تصریح تاریخ قدیم قم میباشد منتها در نسخه چاپ شده آن تاریخ نام ترخوران به‌اسم خورزن یا خوران تبدیل و تغییر یافته‌است که یکچنین نام دهکده‌ای در حومه قم وجود ندارد.

ولی میتوان گفت که مدفون در این گنبد محمدبن ابی‌الفضل حسین بن حسن بن حسین بن حسن الافطس است که محدثی جلیل و از صحابه امام عسکری بوده است و ذیلا داستان هجرت وی و پدرش را به‌جانب قم مینگارد.

و قبلا نا گفته نماند که جد اعلای آنان حسن افطس سیدی شجاع بود و چون قامتی رسا داشت اورا رمح آل ابیطالب میخواندند و در وفا و صفا و اصطبار بر مصائب نیز یکتا خوانده می‌شد و هنگامیکه محمدبن عبدالله محض معروف به (نفس زکیه) در مدینه طیبه به سال ۱۴۵ علیه منصور خلیفه عباسی خروج کرد نامبرده‌را علمدار خویش گردانید که با رایتی صفراء و بیضاء پیشاپیش یاران وی حرکت میکرد و چون نفس زکیه پس از مقاتله خونینی با سپاه خلیفه در احجار زیت اطراف مدینه بقتل رسید حسن افطس متواری گردید و منصور در جستجوی وی بود تا آنگاه که امام صادق از مدینه به کوفه سفر کرد و مطابق معمول منصور به‌دیدن آنحضرت رفت و امام در باره او زبان بشفاعت گشود و از خلیفه امان نامه‌ای جهت او بگرفت.

اما مسئله سوء قصد حسن درباره امام صادق با کارد و عدم توفیق وی بر قتل امام معلوم نیست تاچه حد صحیح باشد زیرا درباره وی قدحی نرسیده است که بر صحت این امر دلالت کند.

و اورا پنج پسر صاحب اعقاب از جمله حسین بود که هنگام خروج ابی‌السرایا در کوفه و حکومت یافتن وی در عراق حسین جزء خواص یاران او مأمور تسخیر حجاز و مکه گشت و بر آنشهر هم استیلا یافته مدت یکسال حکومت مکه داشت تا اینکه ابوالسرایا در جنگ باهرثمة بن اعین منهزم و فراری و سرانجام گرفتار و بقتل رسید و حسین هم متواری گردید.

و اورا دوپسر صاحب عقب بود بنام‌حسن ومحمد که حسن فقیهی محدث بود واز ناحیه امام جواد به همدان گسیل گشت و در آنجا زیاده صاحب حشمت ومکنت گردید چنانکه هنگام‌وفات پنجاه‌هزاردینار طلا نقدینه او بود .

و اوراپسرانی‌بود ازجمله ابوالفضل حسین بن‌حسن‌بن‌حسین‌بن‌حسن‌الافطس که به‌جانب قم هجرت کردو قصد داشت که باکاروانی به سوی طبرستان سفر کند و اورا اسبی بودیگانه واصیل که چون هنگام حرکت برنشست هرقدر او را رکاب ونهیب‌زدازجای نجنبید پس‌این‌امررابه‌فال بدگرفته ازاسب فرود آمده منتظر کشف علت بود تا اینکه خبر رسید کاروان مزبور در راه با قاطعین طریق بـر خورد شده بهرجهت‌همگی‌بقتل رسیده‌اند .

در نتیجه رفتاراسب‌رابه شکون گرفته ماجراگوش‌به‌گوش شهرت یافت تابه المنتصر بالله خلیفه عباسی رسید و نامبرده به عامل قم برای خرید اسب مأموریت بخشید ولی حسین‌اسب مزبوررا بازین وبرگ آراسته برسم‌هدیه پیش کش خلیفه گردانید و خلیفه هم چند دهکده معتبرخالصه به‌اسامی دودهك و میقان و فاردان را بدو واگذاشت .

ولی‌بعقیده‌نگارنده‌باتوجه‌به‌اهمیت‌قرائ‌نامبرده‌بایدگفت که‌دهکده‌های‌مزبوررا تیول حسین ساخته‌است‌تاخراج آنهارابگیرد.

بهرصورت ابوالفضل حسین‌را پسرانی بود به‌اسامی محمد وابراهیم و علی فصیح که درسامرامی‌زیستند و محمد از صحابه خاص امام عسکری و محدثی جلیل بود که بدون واسطه ازآن‌امام‌روایت‌می کردوپس ازرحلت‌امام‌عسکری‌وضع‌سامرا را برای اقامت ناپسند دیده به اتفاق برادران به‌سوی ایران آمده نخست در دینور اقامت گزیده پس‌علی در آنجاماند و ابراهیم‌به جانب‌اصفهان رفت و محمدبسوی قم هجرت کرد وازقم‌به ترخوران‌نقل مکان نمود که ممکن است مشهد آتی‌الذکر مدفن او باشد .

و محمد را پسری بود بنام ابوالعباس احمد که ماجرای حمله وی بر شهر ری و غلبه بر فاتك عامل آنشهر و تسخیر شهر وشبیخون زدن فاتك بروی و فرارش به جانب تفرش بعداً در مقام توصیف از گنبدش که در نزدیکی گنبد علی بن جعفر است نگاشته خواهد شد .

بهر صورت مشهد مورد نظر از ابنیه تاریخی عصر صفوی آراسته به کاشیکاری همان عصر وتزیینات گچبری ونقاشی و متضمن بقعه ومرقد وصندوق منبت وگنبد وچند ایوان وصحن میباشد که ذیلا به توصیف آنها می‌پردازد .

بقعه شاهزاده محمد افطسی

اما بقعه شاهزاده محمد (ابومحمد) ازبناهای باستانی مزین به کاشی وگچبری ونقاشی ومنبت کاری است که مجموعاً از آثار برجسته هنری بوده حفاظت از آنها دردرجه یکم حائز اهمیت میباشد .

وچنین بنظر میرسد که بنای گنبد در سال ۹۵۰ هجری از آثار شاه تهماسب صفوی یاخواجه مؤمن تفرشی است که درسال ۹۵۶ خاتمه یافته است وقسمتی از تزیینات آن همزمان بنیان ایوان سردرب ورودی صحن درسال ۱۰۵۰ انجام یافته است.

بقعه و گنبد مورد سخن جزء بناهای تاریخی معدودی است که پس از چهار قرن ونیم تزیینات خودرا حفظ کرده است چنانکه خودبخود موزه نفایس میباشد

هیئت ساختمان بقعه چهارضلعی متساوی به دهانه ۶ و ارتفاع ۹ متر که در هر ضلعی شاه نشینی به دهانه ۳ متر وعرض های مختلفی ازیك تادومتر ساخته شده ازهر شاه نشینی هم دری به خارج گشوده میشود وجلوهر دری هم ایوانی بنیان گردیده است.

ودر کمرگاه هرشاه نشینی پوششی تخت افزوده آنرا به صفه های تحتانی وفوقانی تقسیم کرده اند .

تزیینات داخلی ازاره بقعه تاارتفاع دومتر آراسته به کاشیهای خشتی کوچك مسدس زمینه لاجوردی است که وجود درگاه‌های چهارگانه آنها را به چهار قسمت تقسیم کرده است و هر قسمتی در میانه قابی از کاشیکاریهای معرق به الوان مختلف قرار گرفته است که این حاشیه خوش نقش و لعاب بر حسن منظر ازاره افزوده آنرا زینت بخشیده است که خوشبختانه تمام کاشیهای آن هم باقیست .

وبدنه بقعه بالای ازاره اعم از جرز واسپر وبغله‌های صفه‌ها آراسته به نقاشیهای جالب توجه ورنگ آمیزی شده میباشد .

ودر کمربند بقعه کتیبه ایست کمربندی از کاشیهای خشتی مربع زمینه سفید به خط ثلثی برجسته طلائی رنگ که روی آن سوره مبارکه جمعه ودرپایان آیات عبارت (فی تاریخ ١٠٥٦) قالب ریزی شده است که زیاده حائز اهمیت هستند.

این کتیبه ازفراز پوشش صفه‌هاداخل چهار شاه‌نشین شده بغله‌هاو اسپرغرفه‌های داخلی رانیز زینت داده است .

ودرچهار زاویه بقعه روی کتیبه مزبور نیم‌طاقی بالاآورده‌اند که صورت ساختمان را ازچهار ضلعی به هشت ترکی متساوی تبدیل ساخته است ودر این قسمت هشت نماساخته شده که بغله‌ها واسپروجرزهای فاصل میانه آنها آراسته به گچ بری توأم بارنگ آمیزی است .

وروی نماها هیئت ساختمان را به شانزده ضلعی مبدل ساخته‌اند که دراین قسمت شانزده طاقچه مزین به گچ بری ونقاشی ساخته شده است .

وبالای آنها شکل ساختمان فلکه‌ای شده است وپاطاق پوشش عرقچینی با نقشه رسمی بندی بالا آمدد است که تمام بدنه قوسی آن نیز آراسته به گچ بری و نقاشی رنگین است .

دراین قسمت چهار نورگیر یاهواکش بازوجلو آنهابا مشبکی زیاده لطیف از

گچ بری ، آراسته و بسته شده است و روی جدار همین شبکه ها نیز گچبری و نقاشی گردیده است که متأسفانه اکثر آنها شکسته و ریخته اند و تا نمونه آنها باقیست باید از آنها تعمیر شود و ریخته ها تجدید گردد .

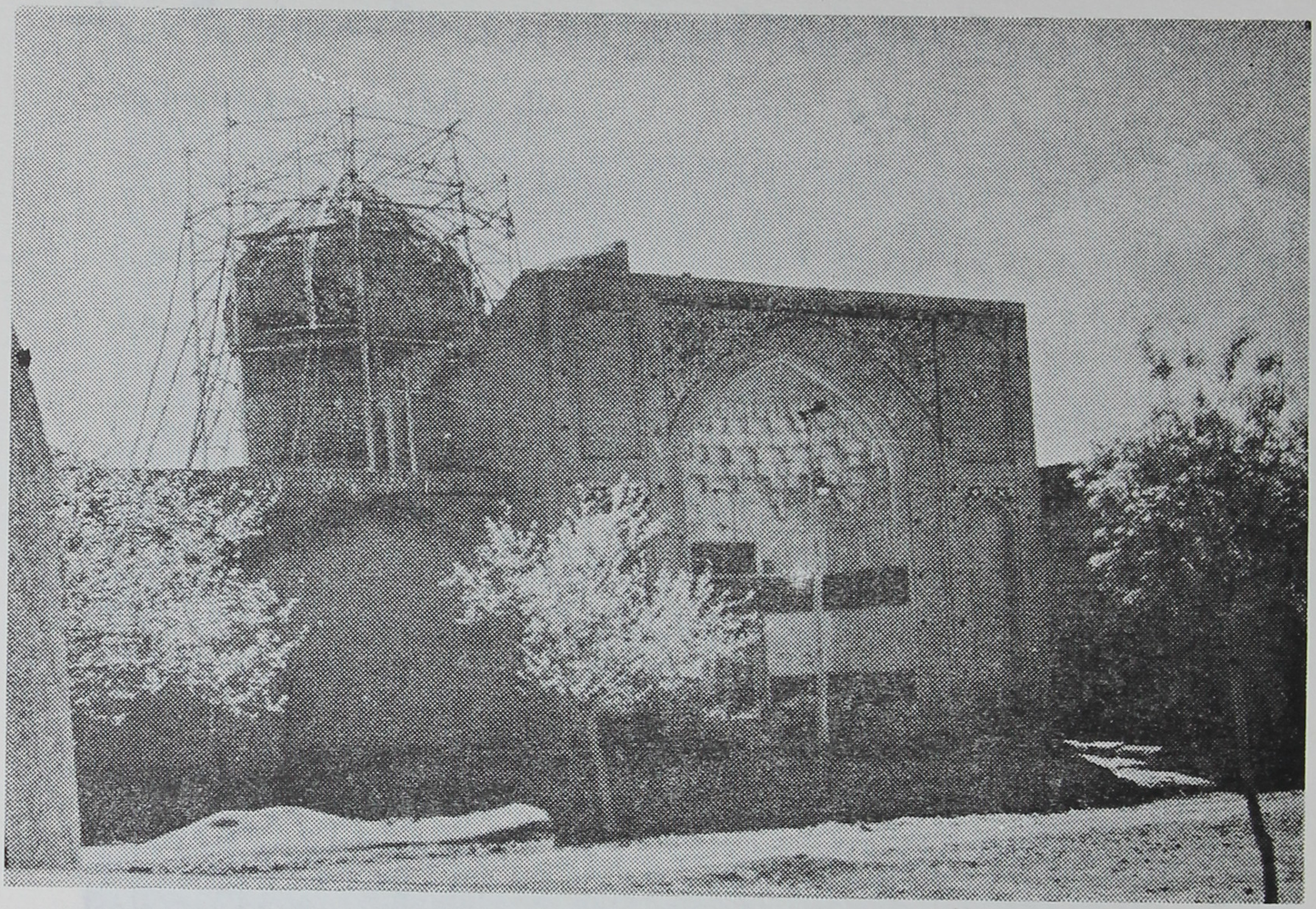
صندوق منبت ودرمیانه بقعه روی قبر بجای مرقد صندوقی نصب گردیده است زیرا محقق ثانی با بنای مرقد موافقت نمیفرمود این صندوق باستانی و تمام پلها و پایه هایش آراسته به منبت و کتیبه های افقی و عمودی به خط برجسته ثلثی و تنکه های آن هم دارای قاب های چندی مزین به کره بندی و خانچه سازی است که این صندوق در پشت ضریحی مشبك مصون از دستمالی و تعرض میباشد .

درقسمت بالای صندوق آیةالکرسی و در پل های کمربندی آن صلوات کبیره بطور افقی خوانده میشوند و روی پایه ها بطر عمودی عبارات مختلفی است از جمله آنچه که دیده میشود (ابوالمظفر شاه طهماسب) وبقیه چون در پشت پایه های قطور ضریح قرار دارند خوانده نمیشوند وقطعاً حاکی از نام بانی و تاریخ ساخت آن میباشند.

گنبد و برفراز بقعه گنبدی است شلجمی به ارتفاع تقریبی ۱۲ وقطر ده متر با عنقی استوانه ای به بلندی ۵ متر که ساق آن تا ۴۰٪ سانتیمتر از آجر تراش زیباست و روی آن آراسته به کاشیکاری معقلی (از کاشی گرهی و آجر کلوکی) که در مواضع مختلفه آن اسامی جلاله و یا نام محمد یاعلی با کاشی چیده شده است و در قسمت بالای عنق کتیبه ایست گلوبندی از کاشی معرق بخط ثلثی سفید درزمینه لاجوردی که روی آن سوره مبارکه جمعه خوانده میشود .

و بالای کتیبه باکاشیهای دندانه ای کمربندی تزیین یافته است .

وقسمت شلجمی آن سراپا آراسته به کاشی های معرق به نقشه بند اسلیمی یا اژدربند که قسمتی از آنها فروریخته نیاز مند مرمت فوری است و گرنه قسمت باقیمانده آنهم فرو میریزد .



منظره عمومی قبه و بارگاه شاهزاده ابو محمد افطسی در تفرش

صحن وایوانها

وچنانکه اشاره شد بقعه در وسط و چهار ایوان در چهار جانب وچهار حجره با غرفه در زوایای اربعه آن ساخته شده است که محوطه‌ای حدود ۱۶ در ۱۴ متر را پوشانده‌اند و فضای صحن از چهار جهت این ساختمان را فرا گرفته است .

این صحن طولا ازطرف شمال به جنوب ۳۱ متر و عرضاً ۳۰ متر و دیوار آن ازچهار جانب نمابندی باجرزهای آجری و اسپر سفیدکاری و نوبنیان است .

وبه‌جز ایوان شمالی بقیه دارای جداری سفیدکاری باسقفی رومی‌پوش ولی ایوان شمالی که مقابل درب ورودی صحن واقع است آراسته به گچبری توأم بانقاشی و رنگ‌آمیزی است و دارای کتیبه ایست کمربندی از گچبری که دنباله آن بطور عمودی دو قوسی طاقبند جلو ایوان را زینت بخشیده است و روی آن بخط نستعلیق برجسته

حنائی رنگی ابیات هشتگانه ذیل هر مصرع در میانهٔ یك ترنج کشیده گچ بری شده است.

خواجه مؤمن ز اقبال بلند / خضر توفیق آمد و شد رهنما
کزره حسن عقیدت گشته است / بانی این روضه جنت صفا
روضه گلدسته عصمت شمیم / مهر گردون ولایت را ضیا
شه محمد آنکه خاك راه اوست / دیده کرو بیان را توتیا
شد زمعماری فتح‌الله تمام / این معلی گنبد گردون بنا
سال تاریخ بنایش خواستم / از خرد کان اهل دل را پیشوا
فطرتم گفت ازره اخلاص گشت / بهر مؤمن کعبه حاجت روا
شدزسعی میر امیناه همچوجنات نعیم / رشك فرمای سپهر را اعتلا

وبیت آخر با همین عبارات نارسای سست و نا موزون دردنباله ابیات فوق گچ- بری شده است که سروده استاد گچبر میباشد.

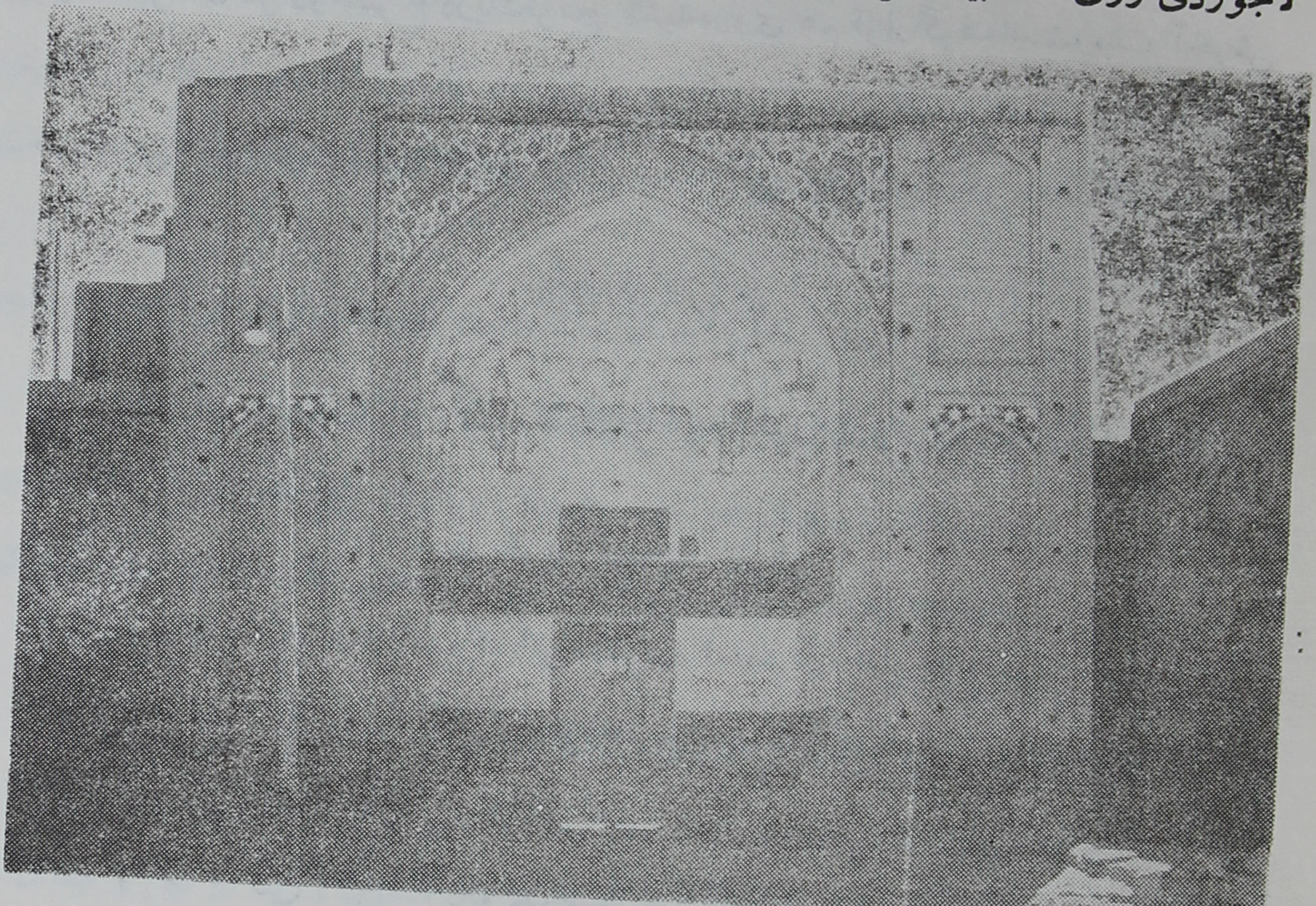
ایوان سردرب ورودی به صحن

ودر سردرب آهنی ورودی به صحن ایوانی است باستانی وزیبا در کنار خیابان و ابتدای شهر با دو سکوی سنگی و سطح سنگ فرش به دهانه ۵ وعرض ۴ وارتفاع ۹ متر که بغله ها واسپر آن از روی سکوها به ارتفاع دومتر آراسته به کاشیهای مسدس قالب کوچك فیروزه‌ای ازعصر صفوی است.

وبالای آن نقاشی ودر کمربند آن کتیبه‌ایست از کاشیهای خشتی که به خط ثلثی سفیدی درزمینه لاجوردی روی آن احادیث ذیل نوشته شده است.

عن علی علیه السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه وآله الائمة بعدی اثنی عشر اولهم انت یاعلی وآخرهم القائم الذی یفتح الله علی یدیه مشارق الارض و مغاربها وعن ابن عباس قال قال رسول الله صلی الله علیه وآله لماعرج بی الی السماء علی بـاب الجنة مکتوباً لا اله الاالله محمد رسـول الله . علاوه روی درگـاه ورودی صحن کتیبه دیگـری است بخط نستعلیق سفید نیز از کاشی خشتی که در زمینه

لاجوردی روی آن سه بیت ذیل نوشته شده است .



تصویری از سردرب ورودی صحن با کتیبه‌ها

در زمان شاه دین عباس شاه ظل حق صاحبقران عدل و داد
خواجه مؤمن بانی این طاق شد گشت از سعی امین گردون نهاد
بهر تاریخ بنایش فطرتم زد رقم محراب خاص و عام باد

که ماده تاریخ فوق باسال ۱۰۵۰ برابر می‌شود واز مجموع ابیات کتیبه دو ایوان چنین مستفاد می گردد که بنای دو ایوان باقبه کنونی و گلدسته ایکه اثری از آن مشهود نیست از همت والای خواجه مؤمن بمباشرت امینا (امین) بنیان گردیده است .

ودر خارج صحن در مجاورت ایوان فوق برکه ایست باستانی که در سال ۱۲۱۲ از صورت برکه‌ای خارج وبشکل آب انبار در آمده است وجلوراه پله آن ایوانی و

در کمر بند آن کتیبه ایست بخط نستعلیق برجسته گچبری که روی آن ابیاتی حاکی از تعمیر آن هر دو مصرع دریك ترنج کشیده روی هم قرار گرفته است وبیت آخرش چنین است .

شد غریق بحر فکرت گفت ازروی کرم آب حیوان رانگر سدسکندر را ببین

مقصد سوم

در توصیف از گنبد شاهزاده احمد بن امام کاظم

در قریه کوهین تفرش

تردیدی نمیتوان داشت که این شاهزاده احمد ازاحفاد امام کاظم است زیرا درمیانه پسران آن امام فقط یکنفر احمد وجود داشت که آنهم یابنام شاه چراغ درشیراز مدفون است ویا درخراسان .

چه ازمجموع کتب انساب چنین برمیآید که احمد بن موسی الکاظم سه هزار غلام در راه خدا آزاد ساخت وهزار نسخه مصحف مجید را به خط خویش بنوشت واحادیث بسیاری هم از پدر بزرگوار خود روایت کرد ودر بغداد میزیست وچون بر رحلت برادر بزرگوار خود امام علی الرضا اطلاع یافت ودر گوشه و کنار گفته میشد که مأمون آنحضرت رامسموم ساخته است دراندیشه خروج علیه وی برآمده ازبغداد بیرون آمد درحالیکه سه هزار غلام زرخرید همراه وی بودند وتدریجاً سه هزار تن ازسادات وموالی هم بدو پیوستند و درطی راه خراسان که ازفراهان به ساوه وری میگذشت میانه وی بامخالفین تصادماتی روی داد که بسودوی خاتمه یافت وهمچنان بعزم خراسان راه می‌پیمود تابسرزمین قم رسید وچنین اراده داشت که برای زیارت تربت خواهرخودستی فاطمه وجلب حمایت عرب اشعری بشهر قم در آید .

ازناحیه مأمون در آن ایام ارزق ابرح شامی امیر قم بود که چون از نیت احمد اطلاع

داشت برای جلو گیری و ممانعت از وصول وی بشهر با نیروئی که در اختیار داشت به استقبال
وی می شتابد و به مجرد اخذ تماس با یاران وی سر راه را بر آنان می بندد در نتیجه بین الطرفین
آتش حرب مشتعل و جنگی خونین بوقوع می پیوندد که در آن معرکه جمع کثیری
از موافقین و مخالفین بقتل می رسند و مقابر آنان معروف و مزار عمومی است
(که ذیلا در این باره بحث خواهد کرد).

بالجمله احمد منهزم و با بقیه یاران و غلامان به جانب ری فرار می کند و در آنجا
بقیه یاران او هم از او گسسته و پراکنده میشوند.

و احمد با غلامان بسوی خراسان رهسپار می گردد تا به اسفراین نزدیك میشود
و در آنجا بیمار شده به رحمت حق می پیوندد و در موضعی بنام سجب میانه دو کوه
جسد اورا دفن میکنند.

که مقبره وی درخارج آنشهر دارای قبه و بارگاه و مزار عمومی است و در
گرگان هم گنبدی است منسوب به فرزندان وی که نیز مزار عمومی میباشد.

و پس از دفن احمد لشگر خراسان بفرمان مأمون (که از قیام و جدال وی
در طول راه و حرکتش به جانب خراسان آگهی داشت) در اسفراین به یاران وی رسیده
چندتنی را بقتل رسانیده بقیه متواری میشوند.

و در مقابل بعضی از مؤلفین تصریح کرده اند براینکه احمد خود را به شیراز
رسانیده بنام سید السادات شهرت یافت و در آنشهر وفات یافت و بقولی بعز شهادت
رسید که مقبره‌اش دارای بقعه و قبه‌ای مجلل و مزین دارای متولی و خدام و کشیك
و اوقاف زیاد و مزار عمومی و محل نذور است.

و بعقیده نگارنده چون وجود گنبد شاه چراغ قابل انکار نیست برای جمع
میانه اقوال باید معتقد گشت که در سجب اسفراین یکی از یاران وی وفات یافته دفن
شده بود ولی غلامان وی بمنظور حفظ جان احمد از خطر مسلم در مقام توریه بر آمد
خود احمد را متوفی جلوه داده اند.

در نتیجه احمد جزء فراریان متنکراً خود را به شیراز رسانیده در آنجا به اسامی مستعار (سیدالسادات)یا (شاه چراغ) شهرت گرفته پس از چندی وفات یافته یا بعزشهادت رسیده است که تربتش مزار عمومی است.

واز طرفی مقابر یاران وی که مینویسند در قم معروف و مزار است درد هکده ساروق فراهان است که در آنعصر از توابع قم بود و در مسیر راه سلطانی ری و خراسان قرار داشت چه در آنجا دو گنبد مجلل و باستانی تاریخی یکی بنام هفت تن که شاید از سادات همراهان اوست و دیگری باسم چهل تن که مدفن یاران و غلامان اوست وجود دارد و به جز همین دو قبه در اطراف قم و محدوده سابق آن مقبره دیگری که مدفن جمعی وقابل انطباق بااین سانحه باشد وجود ندارد تا چه رسد به آنکه معروف و مزار عمومی باشد .

وچون هیچیک از مؤلفین مکان جنك و ستیز رابا قید نام محل تعیین نکرده فقط سرزمین قم ضبط نموده اند مراتب نگاشته شد تا پرده از روی این مجهول هم برداشته شود .

و بنابر مقدمات مدفون در گنبد مورد سخن شاهزاده احمدی از احفاد امام کاظم است و بعقیده نگارنده یا ابو عبدالله احمد بن موسی الابرش بن محمد بن موسی ابی السبحه ابن ابراهیم المرتضی است که سیدی صالح و باتقوی و نیکو کار بود و اورا فرزندیست بنام ابراهیم که درپس قلعه شمیران دارای بقعه و بارگاه است.

و ممکن است که احمد بن محمد بن قاسم اعرابی ابن حمزة بن امام کاظم باشد که پدرش بظن قوی در قریه شاهسواران دارای بقعه و بارگاه مجللی است.

بهر صورت مشهد کوهین مرکب از بقعه و قبه و چند ایوان و حجره و غرفه و صندوق منبت و صحنی است که ذیلا بتوصیف آنها میپردازد .

اما صحن آن بطول ۸۰ و عرض ۳۶ متر مشتمل بر بیست ایوان شرقی و نه صفه جنوبی و نماسازی غربی و شمالی با اسپر سنگی وجرزهای آجری نو ساز میباشد

که ساختمان بقعه و بیوتات تابعه آن در محوطه‌ای به مساحت ۱۸ در ۱۶ متر وسط صحن مزبور قرار دارد.

بقعه

امابقعه وی از داخل وخارج هشت‌ترکی مختلف الاضلاع که جهات اصلیش سه متر وجهات فرعیش دومتر است و دهـانه بقعه هشت و ارتفاعش نه مترمیباشد.

و این بنا بشهادت سبك ساختمان از آثار قرن‌نهم است که هنگام بنیان تهی از ایوان و بیوتات بوده است و اینها بعدها بر آن‌افزوده شده‌اند.

ودرعهدشاه‌تهماسب‌از گنبدمزبور تجدیدوتعمیرشده‌است. دراین بقعه از چهار جهت اصلی دری به خارج گشوده میشود و جلو هـر دری ایوانی بنیان شده است که سراپا سفید کاری و فاقد تزیینات کاشی و گچبری و به دهانه: ۳/۵۰ وطول ۴ متر هستند و پوشش آنها رسمی بندی است و تنها در ایوان شمالی مختصر تزیینی‌است که بعداً توصیف‌میگردد.

در منتهاالیه‌قسمت‌هشت ضلعی بر فراز هر درگاه دریچه‌هواکش‌ونور گیری است که جلو آنها را با مشبك‌بدیعی از گچبری پوشانده‌اند وازوجوداین پنجره‌ها چنین استفاده میشود که جدار داخلی‌بقعه نیز آراسته به گچ بری بـوده است کـه روی آنها را سفید کرده‌گچ اندود ساخته‌اند.

گنبد

وبرفرازبقعه گنبدی است کلاه خودی بسبك عصر و قرن نهم دارای عنقی به ارتفاع ۵ متر از آجر تراش وتارکی به ارتفاع ۹ مترنیز آجرکاری که حتی‌یك آجر آن‌سقوط‌نکرده‌است.

صندوق منبت

و درمیانه بقعه ضریحی‌است مشبك ودرپشت آن‌صندوقی است منبت که از انظار پوشیده اسـت حـال در دل این صندوق مرقدی وجوددارد یانه بایدگفت خیرزیرا ایجادمرقد درعهد شاه‌تهماسب که مجری اوامر محقق ثانی بود قابل تصویرنیست.

این صندوق نفیس و آراسته به کتیبه‌های متعدد افقی و عمودی بخط ثلثی مرغوبی است که در کمال مهارت منبت شده است و تنگه‌های آن قاب سازی و خانچه بندی میباشد

نویسندهٔ خطوط سه نفرند و سازنده و منبت کار آنهم سه استاد بوده‌اند که هر یك قسمتی را نوشته و هر کدام ضلعی را ساخته و پرداخته اندو بطور کلی همگی هم از مردم روستا نشین بوده‌اند گوئی هر یك بر مبانی اعتقادی خویش داوطلب شده‌اند که از خود اثری بیادگار باقی گذارند و از مختصر تفاوتی که در خط و کار هر ضلعی با ضلع دیگر قابل تشخیص و ادراك است نیز این امر به اثبات میرسد.

بانی و واقف این صندوق سید خالد حسینی و تاریخ ساخت و پرداخت آن ۹۵۷ هجری و از نویسندگان خطوط و استادان هنرمند آن ضمن نقل کتیبه‌ها نامبردار میشوند



منظره عمومی مشهد شاهزاده احمد با تالار و غرفه‌های جنبین

روی پل های بالا از چهار طرف در پیش روی جمله (احمد بن موسی بن جعفر) و در پشت سر عبارات (این صندوق در زمان دولت عالم پناه شاه تهماسب بهادر خان الحسینی) ودر بالای سر (غربی) عبارات (وقف نمود عالیجناب سیادت مآب ی بانی الخیرات سید خالدبن اهل علی بن شهاب الدین الحسینی) و در جانب پائین پاو شرقی عبارات (عمل استاد شاه نظربن استاد علی کاسوائی کتبه العبد حاجی هادی بن علی بن عبدالقائم حسینی) منبت شده‌اند.

اما پل‌های قسمت پائین چون در پس پایه‌های ضریح چوبی قرار دارد اگر هم کتیبه‌ای داشته باشد بهیچوجه قابل خواندن نیستند.

و روی پایه‌های چهار جانب بطور عمودی چنین خوانده میشود.

(در این عمل مدداستادمذ کورنمودنداستادرستم واستادحسین کاسوائی)

(حسین کاسوائی) (۲۰ شهر جمادی الثانیه سنه ۹۵۷)

(کتبه الفقیر عین علی بن شهاب دین الحسینی)

(کتبه العبد شهاب الدین اهل علی الحسینی)

از این عبارات بدست میآید که استاد منبت کار آن شاه نظر کاسوائی بوده است که رستم و حسین کاسوائی هم مدد کاروی بوده‌اند و نویسنده خطوط حاجی هادی و شهاب الدین و فرزندش عین علی بوده‌اند که حر است و حفاظت از این صندوق اهمیت بسزائی دارد.

ایوان یا تالار شمالی بقعه اما تالار شمالی بقعه به دهانه ۶ و عرض ۴ متر مرکب از دو چشمه با دو ستون آجری مضلع و دو نیمه ستون از بناهای سال/۱۳۰۰ شمسی است که در سال ۱۳۳۶ از آن مرمت و تعمییر بعمل آمده است.

و بر فراز درگاه ورودی بقعه در سینه اسپر ایوان کتیبه ایست از کاشی خشتی زمینه لاجوردی که بخط نستعلیق سفیدی روی آن چنین خوانده میشود.

(بسم الله الرحمن الرحیم در جلوگیری از خرابی و تعمیر توفیق یافتم یوسف

کافی ۱۳۳۶) که مقصود تاریخ شمسی است .

و در طرفین تالار دو حجره باد و ایوان و بالای آنها دو غرفه و جنبین آنها دو راه پله فوقانی قرار دارند که بر حسن منظر آن افزوده اند .



تصویر روشن تری از گنبد خودی شکل و نماهای شرقی صحن

مقصد چهارم

در توصیف گنبد ابو یعلی مهدی مشهور به ابو العلاء

در بین دو معموره فم و ترخوران خیابانی احداث شده است و آن دو را بیکدیگر متصل ساخته است و در کنار این خیابان بین باغها و بستانها گنبدی است باستانی که بنظر می‌رسد اصل بنای بقعه و قبه کلاه خودی از بناهای قرن هشتم باشد و بیوتات تابعه آن از ایوانهای چهارگانه و غرفه‌های جهات فرعی از الحاقات عصر صفویه باشد.

مردم تفرش مدفون در این گنبد را عارفی بنام ابو العلاء ذکر کرده‌اند که برای رفع این شبهه ناچار مینگارد:

که مدفون در این گنبد سید جلیل و پارسا و باتقوائی از احفاد علی بن جعفر عریضی بنام سید ابو یعلی مهدی بن محمد بن حسین بن علی بن حسین بن عیسی الرومی بن محمد بن علی العریضی ابن امام جعفر الصادق است.

و جد اعلای او حسین الجبلی است که با فرزند خود علی از شهرری بقم نقل مکان داد و علی را در قم پسری بنام ابو عبدالله حسین بوجود آمد که به هژبرچه شهرت یافت و علمای انساب از عرب به تصور اینکه شهرت وی امیرچه بوده آنرا معرب ساخته امیرکا ضبط کرده‌اند.

وحسین هژ برچه را در قم سه پسر به اسامی ابو الحسن علی و حسن (یا حسنویه) و محمد بوجود آمدند و از آنمیانه محمد را نیز سه فرزند به اسامی ابو یعلی مهدی

ومحسن وعیسی نصیب گشت که ابویعلی مهدی از قم به ترخوران نقل مکان داده در آنجا صاحب ریاست و امامت . عظمت و جلالت و دارای اولاد و احفاد گردید و در نیمه نخست قرن پنجم رحلت یافت.

بهرصورت این مشهد مشتمل بر بقعه و گنبد و چهار ایوان و چهار حجره باغرفه یا ایوان و صفه فوقانی است که مجموعاً بصورت مثمن مختلف الاضلاع نمودار و جهات اصلی آن هفت متر و جهات فرعیش نیز ۷ متر می باشند ویك برکه در برابر ایوان غربی و دو حجره انفرادی هم در جانب شرقی جدا از بقعه و بیوتات تابعه قرار دارند .

و در سینه اسپر ایوانچه جلو راه پله برکه (ایوانچه قدیمی که پوشش آن مقرنس ممتاز باستانی است).



منظرهٔ عمومی گنبد ابویعلی مهدی در تفرش

یعنی در جبهه مدخل آن لوحی از مرمر نصب بود که روی آن تاریخ الحاق ایوانها وتعمیر گنبدو بنای بر که بسال ۱۰۷۳ قمری هجری ازناحیه امیر فصیح الدین محمد حجاری شده بود که متأسفانه هیئت نباشان قبور چون در داخل بقعه چیزی نیافته اند بدان اکتفاء کرده این لوحه مستند وگویارا شبانه کنده وبرده اند که معلوم نیست برای آنان چه فایدتی دارد .

بقعه

اما بقعه موردسخن به هیئت مربع متساوی الاضلاع به دهانه ۷ وارتفاع ۹ متر باجدار ساده گچی وخاکی تعمیری درهر ضلعی دارای شاه نشینی است به دهانه ۴ وعرض ۱ متر که ازهر شاه نشینی هم درگاهی باز گذاشته اند وجلوهردری هم ایوانی ساخته اند .

ودر چهار گوشه بقعه همطراز پوشش شاه نشین ها نیم طاقی بالا آورده صورت چهارضلعی را به هیئت هشت ضلعی متساوی نامحسوسی مبدل ساخته اند و بلافاصله شکل داخلی رابه فلکه ای تبدیل نموده پاطاق گنبد رسمی بندی آخری را بالا برده اند که همین تبدیل و تبدل از چهار ضلعی به فلکه ای هم از آثار سبک قرن هشتم بلکه هفتم است .

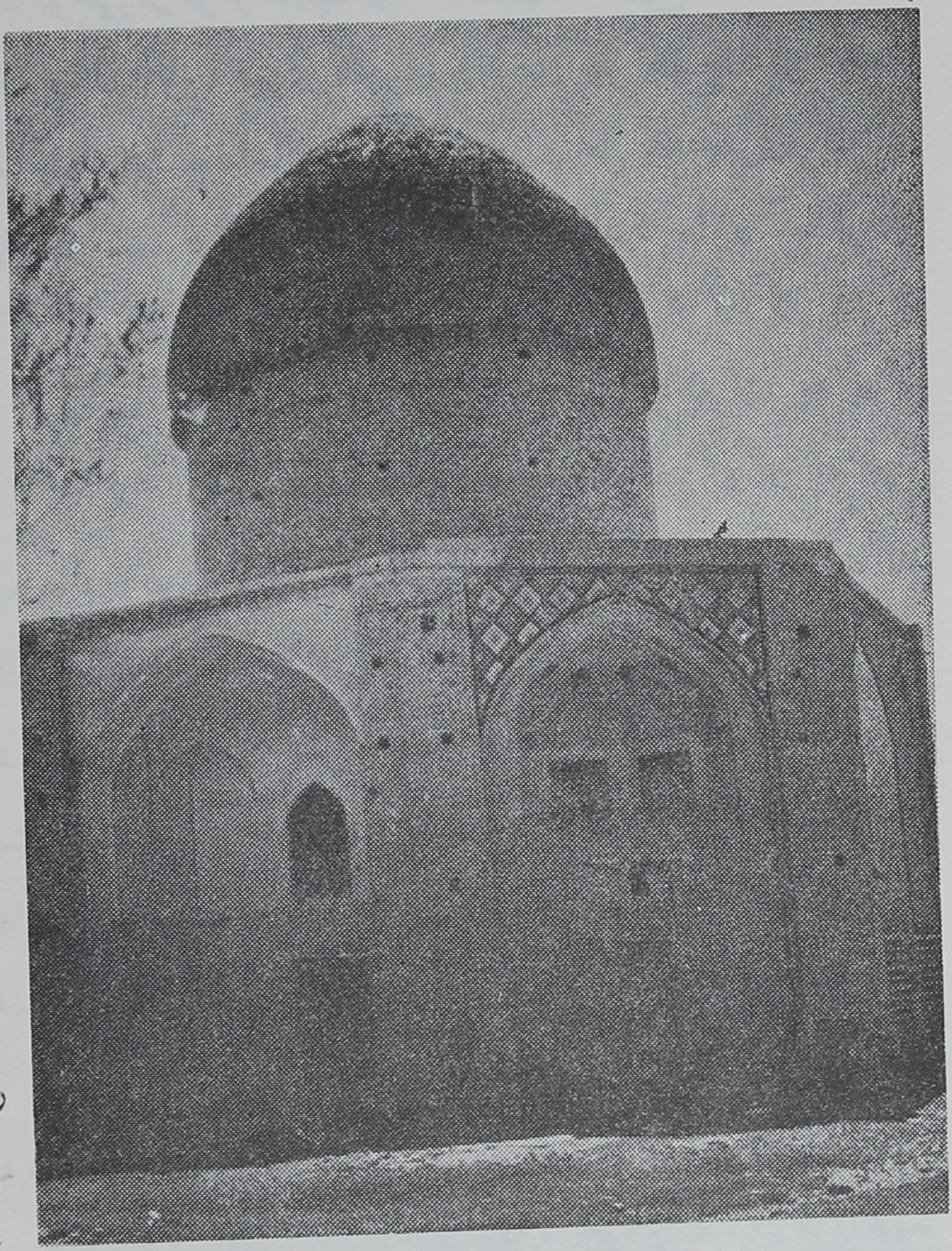
ودروسط بقعه مرقدی است باجدار گچی بدون تزیین وضریح به ارتفاع یکمتر.

گنبد

و برفراز بقعه گنبـدی است کلاه خودی به سبک قرن هفتم سراپا از آجرتراش فاقد تزیین کاشی تقریباً به قطر ۱۱ و ارتفاع ۱۱ متر داری عنقی به بلندی ۵ متر فاقد کتیبه که حتی یـک آجر آنهم نیفتاده تاحال سالم مانده است .

ایوانها

ودرچهار جانب بقعه ایوانی است که سطح آنهایك متراز کف زمین ارتفاع دارداین ایوانها به دهانه ۵ وعرض ۳/۵۰ وارتفاع ۷ متر باجدار سفید کاری وپوشش مقرنس بوده اند که مقرنس سه ایوان آن فروریخته جای آنرا سفید کاری کرده اندو تنها مقرنس ایوان شمالی باقیست که زیاده خوش قطار



تصویر دیگری از نمای خارجی گنبد ابویعلی با ایوان وغرفه

وزیبااست واز آنمیانه ایوان شرقی رابصورت مقبره درآورده جلو آنرا دری مشبك از چوب نصب کرده از کمرگاه پوشانده آنرا به دو طبقه تحتانی و فوقانی تقسیم ساخته اند و چون دراسپر ایوانها بالای درگاههای مدخل بقعه راهم درگاهی برای نورگیر باز گذاشته اند ازغرفه روی مقبره ایوان شرقی درگاهی بداخل بقعه گشوده میشود که این غرفه بوسیله غلام گردشهای طرفین با ایوانهای جهات فرعی نیز مرتبط میگردد.

حجره ها وصفه های جهات فرعی

ودردوجانب هر ایوانی حجره ایست بدون ایوان که جهات فرعی را فراگرفته اند ومحوطه آنها بصورت مثلث است و بر فراز هر یك ایوانی بدون غرفه ساخته شده است که بصورت پنج ضلعی درآمده است وازدوجانب هر ایوان دوراهرو غلام گردش نمودار است که این ایوانها را بیکدیگر وبه غرفه روی حجره شرقی مرتبط میسازد.

وچنین بنظر میرسد که بنای گنبد در آغاز امر بسبك عصر تهی از بیوبات تابعه وقاعده‌اش از داخل و خارج چهار ضلعی بوده است وبعداً در عصر صفویه وعهد شاه عباس ثانی بامهارت فنی بیوتات یاد شده ازایوان وحجره‌ها را برآن افزوده صورت مربع را به‌مثمن متساوی تبدیل ساخته اندچه که هرگاه این بیوتات بابنای بقعه همزمان ساخته شده‌باشدانسب آن بود که‌ساختمان داخلی وخارجی بقعه راهم بصورت هشت ضلعی بنا مینهادند .

بهرصورت ایوانهای فوقانی درجهات فرعی زیبا وزیادخوش منظرومصفا وجلو ایوان غربی اشجار کهن چنارهای قدیمی است که برحسن منظر آن افزوده اندوجرزهای فاصل میانه آنها با ایوانها آجری ومیان برجسته وبه قطردومتروهرنیمی ازآنها همباد با یك ضلع است ولچگیهای پشت بغل طاقبند ایوانها در جهات فرعی آراسته به کاشیهای کلوکی پنج سانتیمتری واحیاناً معقل است .

برکه آب

ودرفاصله ده‌متری گنبد درجهت غربی برکه ایست باستانی و جلو راه پله آن ایوانی است با پوشش مقرنس گچی که درسینه اسپرآن جای لوحه‌سنگی وتاریخی ربوده شده نمودار است .

درب منبت

ودرب ورودی بقعه‌ازایوان جنوبی منبت وباستانی ودارای کتیبه‌هائی افقی‌وعمودی درچهارجانب‌هردو مصرع وروی چهارچوب به‌خط برجسته نسخ‌یازمینه آراسته به‌گل وبوته‌های ممتاز است .

این کتیبه ها روی عضاده های هر دو لنگه وپل‌ها و با اوشها کنده کاری شده اند و تنکه های هردولنگه قاب سازی وگره بندی و عبارات کتیبه ها چنین است :

درقسمت بالای چهار چوب (خیر کرد این در عالیحضرت سیادت و نجابت پناه امیرفصیح الدین محمد ابن سیادت ورفعت پناه‌امیر سیدحسین)

ودرطرف راست شخص واردسه‌بیت ذیل منبت شده‌است.

بنده خاکسار بی مقدار ساخت این در به نصرت جبار

به محمد رضا محب علی ابـن آقـا محمد جبار

بارالاها زروی لطف و کرم شیعیان رانجات بخش از نار

وروی پایه طرف چپ آمین .

بی ادب پامنه اینجا که عجب درگاهیست سجده گاه ملك و قبله شاهنشاهان

***

حضور مجلس انس است و دوستان جمعند و ان یکاد بخوانید و بر فراز کنید

وروی عتبه پائین

بر این در بسای روز بخت سعید کز این در نرفته کسی ناامید

وروی چهارچوب از بغل ابیات و عبارات ذیل

الهی نظر کن تو بر سوی من درلطف بگشای بر روی من

به روی من ار کرده ام ناپسند دری را که هرگز نه بستی مبند

یـا مفتح الابـواب یـا مسبب الاسباب

نصر من الله و فتح قریب و بشر المؤمنین یا محمد خیر البشر

وروی دو لنگه در حاشیه یك مصرع آیة الکرسی و درپایان (سنه ۱۰۷۷) و در چهار طرف لنگه دیگر سوره مبارکه فتح (انافتحنا لك فتحاً مبیناً) تا جمله (اجراً عظیماً) و در پایان عبارت (بنده شیعیان علی ـ بقائی آشتیانی)

و در میانه یك تنکه درون قابی آیه شریفه (وان یکاد الذین کفروا لیزلقونك بابصارهم لما سمعوا الذکر ویقولون انه لمجنون).

وروی تنکه مقابل (ناد علیاً مظهر العجایب تجده عوناً لك فی النوائب کل هم وغم سینجلی بولایتك یا علی یا علی یاعلی).

وروی قاب وسط

به اتمام رسید بسعی سیادت و هدایت دستگاه امیر سید علی الحسینی غفر الله له

مقصد پنجم

در توصیف گنبد شاهزاده قاسم بن امام کاظم

در قریه کهك تفرش

در مظهر قنات دهکده کهك درچند کیلومتری ترخوران بقعه و بارگاهی است باستانی که مدفن شاهزاده قاسم از احفاد امام کاظم است .

وبظن قوی نامبرده قاسم بن حمزة بن امام موسی الکاظم میباشد که به نقل تاریخ قم به همراه برادرزاده خود حمزة بن علی بن حمزه از مدینه طیبه به مقصد ایران بیرون آمد تا به سرزمین قم رسید و در وادی آشتجان (آشتیان) درسایه درختی آرمیده بودند. که راهزنان بطمع مال ومرکوبشان آنانرا بقتل رسانیدند.

و چون در بین ساداتیکه بـه جانب قم آمده انـد شخص دیگری بنام قاسم نیست و در وادی آشتیان و اطراف آنهم مقبره دیگری منتسب به قاسم وجود ندارد میتوان گفت که شاهزاده قاسم مدفون در این گنبد همان قاسم بن حمزه است و بنابر این باید معتقد شد که حمزة بن علی هم درجوار او دفن شده است .

اما نقل اجساد از حدود آشتیان بدین مکان از اموری است که امروز قابل بررسی نیست چه بسا کاروانی از مردم کهك دررسیده آنان را هم چون قبلا دیده بوده اند شناخته بجانب

کهك نقل داده باشند .

بهر صورت ساختمان مزبور مشتمل بریك بقعه و قبه با چهار ایوان و چهار حجره غرفه دار است که نهر آب جاری قنات و اشجار چنار کنار آن بدان محوطه صفا داده است .



تصویری از گنبد شاهزاده قاسم در کهك تفرش

بقعه باستانی اما بقعهٔ آن بصورت مربع متساوی الاضلاع به دهانه ۶ و ارتفاع ۹ متر با جدار سفیدکاری آسمانی رنگ که درهر ضلعی شاه نشینی به دهانه ۳ وعرض ۱ مترقراردارد و از هریك دری بخارج گشوده میشود وجلو هردری هم ایوانی است به دهانه وعرض ۴ وارتفاع ۷ متر باجدار سفید کاری وپوشش مقرنس گچی که ایوانهای شمالی وجنوبی راازکمرپوشانده بصورت حجره تحتانی باغرفه فوقانی در آورده اند و درهای آنها راهم به داخل بقعه

مسدود ساخته اند .

ودر چهارگوشه بقعه نیم طاقی بالا آورده صورت مربع را به هشت ترکی تبدیل کرده‌اند که‌بالای آن‌شانزده ترکی وروی آن‌فلکه‌ای‌شده‌پاطاق‌گنبدرسمی‌بندی را بالاآورده اند .

واین‌ساختمان‌بشهادت(تاریخ.. وثمانمائة) که‌روی‌درب ورودی آن منبت‌شده است‌از آثار قرن‌نهم‌است.

صندوق منبت

دروسط‌بقعه‌ضریحی‌چوبی‌ومشبك‌است‌ودرپس آن‌صندوقی منبت‌ونفیس دارای‌کتیبه های‌افقی وعمودی بخط برجسته ثلثی وتنکه های‌قاب‌سازی‌وکره کشی‌ازآثارسال ۹۲۳ قمری که‌کارهنری‌استادیعقوب فمی‌است‌نصب گردیده‌است‌واز کتیبه‌های آن‌تاجائیکه‌قابل‌دیدن وخواندن است‌بدین عبارات برخوردمیشویم .

روی پل‌های چهار جانب دربالاصلوات کبیره برمعصومین بدین‌گونه «اللهم صل علی‌المصطفی محمد وعلی‌المرتضی‌علی وعلی‌البتول‌فاطمة»تاپایان آن که چنین است (وصل‌علی‌الحجة‌القائم هادی‌الخلایق وناجی‌المستضعفین من وطآت‌المضایق محمد المهدی صاحب‌الزمان) .

وروی یك پایه بطور عمودی (العبدالمحتاج یعقوب بن محمودبن علی‌بن‌پیر محمدبن‌الحاج یوسف فمی فی تاریخ شهرذی‌الحجة سنة ثلاث وعشرین وتسعماة هجرية نبوية) که‌کلمه (فمی) باشکسته شدن سرفای‌آن بصورت بمی درآمده‌است .

و روی پایه دیگر (جددالصندوق‌طلباً للثواب جناب‌صاحب‌صاحب اجل اکرم‌نتیجة اکابرخواجه جلادین شاهی) که‌جمله‌آخر بواسطه ریختگی‌بعضی حروف جلادین یا جلایرین خوانده‌می‌شودواز‌عبارت(جدد)چنین‌بدست‌میاید که‌روی آن صندوقی دیگر بوده‌است و درسال ۹۲۳ تجدیدشده‌است .

درب منبت و درب غربی بقعه باستانی و منبت و از جنبهٔ قدمت حائز اهمیت است مخصوصاً چون دارای ریزه کاریهای هنری است که میتوان آنرا از شاهکارهای فنی شمرد متأسفانه در طول ۴۶۵ سال چون در معرض



تصویر دیگری از گنبد شاهزاده قاسم کهک

دستمالی و تماس با لباس بوده است بسیاری از آثار هنری آن سائیده شده است.

تنکه‌های هر دو لنگه قاب‌سازی و گره کشی ابزار زده و سالم و روی با اوشها و همچنین در چهار جانب هر لنگه کتیبه‌هائی بطور افقی و عمودی بخط برجسته ثلثی است که قسمتی قابل خواندن نیستند و آنچه که خواندنیست چنین است.

در تنکه بالا آیه (وان یکاد (تا) لمجنون) و روی با اوش آن تاریخ (ثمانمأه) قابل خواندن است و بنا بر این ساختمان بقعه در قرن نهم اتفاق افتاده است و در سال ۹۲۳ صندوق آن تجدید گردیده است (که حفاظت از صندوق و درب و اصل ساختمان

ضروری است).

قبه وبرفراز بقعه گنبدی است مشابه شلجمی سراپا کاشیکاری دوالی بقطر ده‌وارتفاع یازده‌متر با عنقی آراسته‌به‌کاشیهای رنگین که درساقبند آن کتیبه‌ایست بخط‌بنائی بطور مکرر(الله) (محمد)(علی) ودر گلوگاه آن نیز کتیبه‌ایست از کاشیهای خشتی بخط ثلثی سفید که روی آن سوره مبارکه جمعه خوانده‌میشود وقسمتی از آنها فروریخته تعمیرش لازم‌است .

وبالای آن کاشیکاری مضرس‌است گوئی این گنبد درمسیر تکاملی کلاه‌خودی به‌شلجمی قرار گرفته‌است که صورتش نه کلاه‌خودی‌واقعی ونه‌شلجمی‌حقیقی‌است بلکه‌درحدوسط آنهامیباشد.

مقصد ششم

در توصیف گنبد بی‌بی در تفرش

گنبد بی‌بی‌یادرب‌بی‌بی از ابنیه باستانی تفرش است که در کنار خیابان بین دو برزن (ترخوران بافم) قرار دارد و بقعه و قبه‌ایست لیسیده بدون بیوتات که در عین کوچکی کمی ازنظر کیفی شایان اهمیت‌میباشد .

قاعده گنبد از خارج مربع مشابه‌برجی به‌ارتفاع ۶ متر باجداری از سنگ‌های تخته‌وگچ‌است که‌بواسطه‌قفل‌بودن‌درب بقعه‌نگارنده‌ازدیداردا خل بقعه‌محرومیت‌یافت.

وگنبد آن هرمی شانزده ترکی است که‌کاشیهایش‌ریخته واکنون روی آنرا سیمانکاری کرده‌اند وبه‌ارتفاع یازده‌متر تخمین‌زده میشود .

این گنبد از آثار قرن ششم‌بنظرمیرسد وهویت بی‌بی‌برنگارنده مجهول‌است .

فصل هفتم

در توصیف مشاهد فراهان ودور آخور اراك

در محدوده سابق قم
بایك مقدمه و چهار مقصد

مقدمه

دربیان تابعیت سرزمین اراك نسبت به قم

پوشیده نماند درسال ۱۸۹ هجری که بفرمان هارون الرشید شهر نوبنیان قم از اصفهان ، مجزی و بعنوان شهر مستقلی شناخته شد سرزمین اراك جزء رستاق دور آخور بود که بافراهان و الیگودرز و کرج ضمیمه قم گردید ولی اینك شهر اراك که یك قرن از موجودیت آن میگذرد درشمار شهرهای بزرگ ایران در آمده با احداث کارخانه پولاد سازی ازشهرهای مهمه صنعتی کشور شده است مخصوصاً که کشاورزی آنهم حائز اهمیت است .

امارستاق فراهان دارای پنجاه دهکده معمور و پنجاه هزار نفر سکنه وشمالا به آشتیان و جنوباً به رستاق دور آخور و غرباً به فراهان سادات محدود بود .

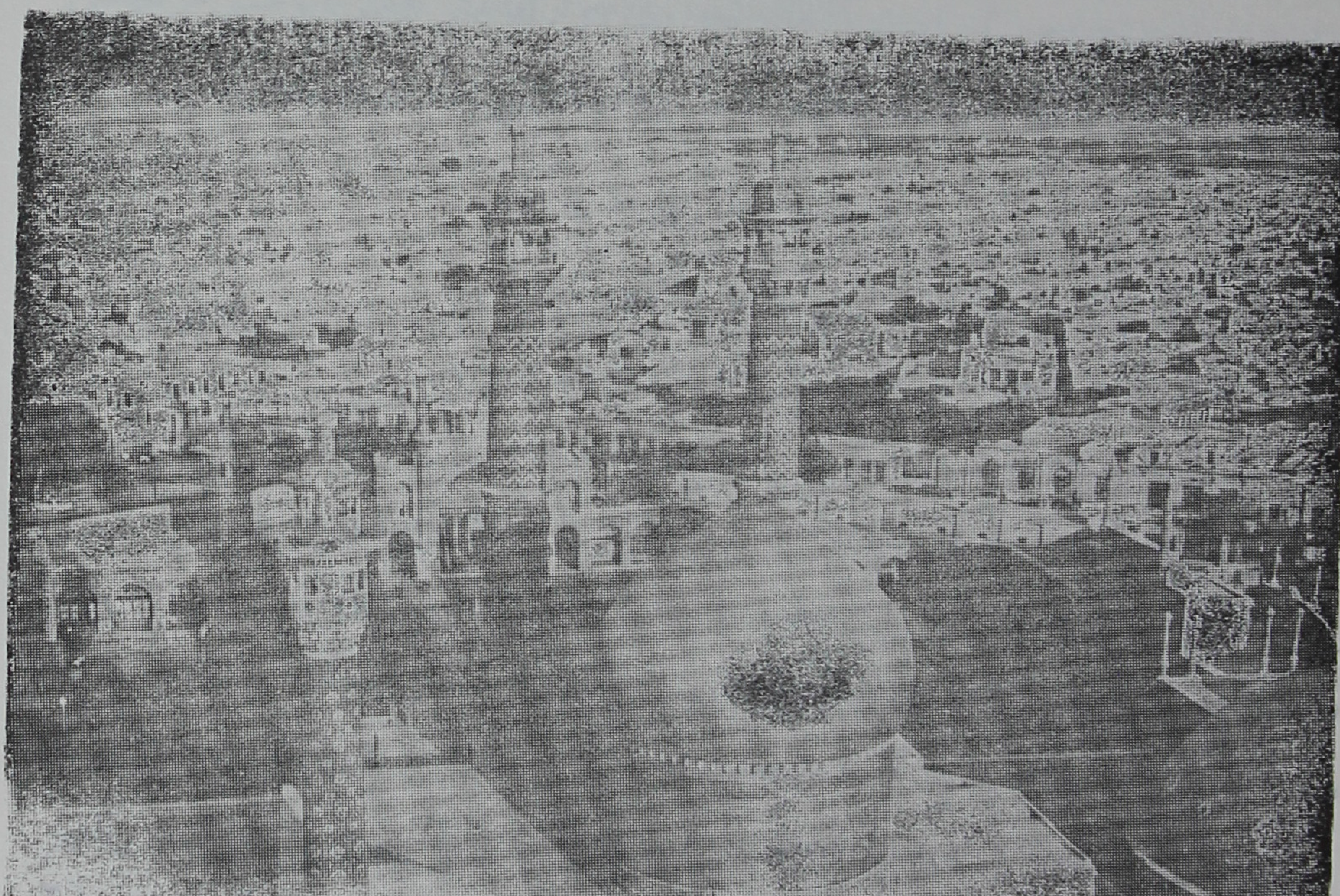
اما دور آخور مرکزش مشك آباد وشامل شاهسواران و ابراهیم آباد بود .

اما الیگودرز شامل انجدان (پایگاه فرقه اسمعیلیه پس از خرابی دژالموت)

و چاپلق و برقرود بود .

وکرج هم مرکزش ساروق وشامل قراء آستانه و میقان بود که در اکثر دهکده‌های آنها هم مشهدی وجود دارد و توصیف از مجموع آنها کتاب مستقلی میطلبد و نگارنده امید وار است که در جلد سوم اگر توفیق یابد به توصیف آنها بپردازد .

ودر این فصل برای نمونه ازچند مشهدیکه در میقان وشاهسواران وابراهیم آباد واقعند توصیف خواهد کرد .



تصویر نیمه هوائی از قم

مقصد نخست

در توصیف مشهد شاهزاده محمد در شاهسواران

پس از تعیین نام و نسب آن

نام و نسب درخارج دهکده شاهسواران دو گنبد در نزدیکی یکدیگر وجود دارند که یکی از شاهزاده محمد مورد سخن است ودیگری که بنام شاهزاده یوسف است درمقصد دوم توصیف خواهد گشت .

در مشهد مورد نظر که کنار راه‌شوسه قم به اراك واقع واخیراً باهمت مردان نیکوکار محلی (که‌درتهران اقامت گزیده‌اند وباتشکیل سیاره‌هفتگی برگردیکدیگر جمع میشوندو باتأسیس صندوق اعانه‌درامورخیریه کمك‌میکنند) بیوتاتی برساختمان گنبد باستانی آن‌چون مسجد ورواق وچند حجره وتالار ودو گلدسته ویك سردرب مجلل بادو حجره‌جنبین آن‌افزوده‌شده‌است‌چنانکه‌بقعه ساده‌این‌امامزاده رابه‌صورتی آبرومند در آورده است .

مدفون دراین قبه به‌عقیده اهل‌محل محمدعابد فرزند بلافصل امام کاظم‌است درصورتیکه محمدعابددرشیراز‌مدفون‌است‌ودرشهرقم نیزچندبقعه رابه‌وی‌نسبت‌داده مدفن اوپنداشته‌اندازجمله‌درب بهشت‌درجوارعلی بن جعفر وهمچنین مشهدمیقان که‌در مقصد سوم ذکر خواهدشد .

وبعقیده نگارنده دراین گنبد سیدابوجعفر محمدبن موسی بن‌محمدبن قاسم

اعرابی ابن حمزة بن حمزة بن امام کاظم مدفون است که در آغاز جوانی بواسطه مهارت در کتابت و انشاء، نثر و شعر باوزراء و کتاب آنان معاشر بود و ابیات فارسی نیکوئی هم می‌سرود.

بقعه و بقعه وی از آثار قرن پنجم بنظر میرسد که از داخل و خارج بشکل برجی از سنگ تخته و گچ ساخته شده است که بعداً از خارج روی آن را آجر پوش ساخته‌اند و دارای یك درگاه تنگ و کوتاه ورودی و یك دریچه نورگیر است و دهانه بقعه ۳/۵۰ و ارتفاعش ۵ متر با پوشش عرقچینی وجدار سفیدکاری فاقد تزیین میباشد.

این محوطه به‌حدی تنگ است که پس از نصب ضریح در وسط بقعه عبور بیش یکنفر از چهار گوشه ضریح دشوار است.

مرقد و در وسط بقعه مرقدی است به ارتفاع یکمتر و طول ۲ و عرض ۱/۲۵ متر باجدار سفیدکاری و روی مرقد لوحی از سنگ سیاه نصب گردیده است بعرض ۲۰% سانتیمتر و طول ۱/۵۰ متر و از برجسته بشکل نیم ستونی فلکه‌ای بعرض دو سانتیمتر و در دو جانب آن کتیبه ایست بخط ثلثی برجسته حاکی از نام محمد بن امام موسی بن جعفر که اکثر عبارات آن محکوك شده است و بین کلمات گل و بوته‌هائی برجسته حجاری گردیده است.

وجلو آن ضریحی است چوبی و مشبك آراسته به انواع تزیینات پارچه‌ای

گنبد و بر فراز آن گنبدی بوده است عرقچینی از آجر که در عصر صفویه بصورت قبه شلجمی در آمده است و این گنبد بقطر ۶/۵۰ و ارتفاع ۹ متر از آجر تراش است اما کتیبه و تزیینی ندارد.

رواق و جلو بقعه از جنوب رواق نوبنیانی است بطول ۱۰ و عرض ۵ متر طاق چشمه پوش و در دو جانب آن هر طرف دو حجره زیبا ساخته شده است و جلو رواق و حجرات جنبین آن تالاری است مرکب از سه دهانه بر فراز ستونهائی از آجر چهار ضلعی با پوشش تخت خفته رسته آراسته به

کاشیهای کلوکی توام با آجر و آینه کاری منقش ودرجبهه تالار کتیبه ایست از کاشی خشتی که روی آن به خط ثلثی سفیدی سوره مبارکه کوثر (انا اعطیناك الکوثر) نوشته شده است .

وبر فراز دوجرز طرفین دومناره توپر باجدار استوانه‌ای آجری ساخته شده

مسجد

است ودر جانب شمالی بقعه مسجدی تیر آهن پوش دردست ساختمان است و در اطراف بقعه و بیوتات آن محوطه وسیعی است . که مدخل آن از جنوب دارای ایوانی بیضی شکل و دربی از آهن به دهانه ۳ وارتفاع ٤ متر ودر پشت درب دالانی سرپوشیده ودر طرفین آن دو اطاق برای کشیك وسکونت دربان ساخته شده است .

مقصد دوم

در توصیف بقعه یوسف بن امام موسی

درشاهسواران

ودر محوطه گورستان جلو بقعه سابق الذکر و نزدیك با آن بقعه وقبه دیگری است که ازلحاظ سبك بنا ودهانه وارتفاع ومرقد وحتی لوحه سنگی روی آن باگنبد سیدمحمد متشابه است جز اینکه این بقعه فاقد گنبد شلجمی است وباهمان قبه عرقچینی باستانی باقی است وضریح ورواق وبیوتاتی هم نداردودرجانب جنوبی آن مسجد یارواقی دردست ساختمان است .

ولوحه روی مرقد با همان عرض وطول دارای کتیبه ایست بخط برجسته در یك سطر بعرض ۷٪ سانتیمتر دریك حاشیه ودرطرف دیگر آن گل وبوته حجاری شده است.

بیشتر کلمات مزبوردراثر لمس واصطکاك ریخته شده قابل خواندن نمیباشند ودر آنمیانه کلمه نیمه محکوکی بصورت یوسف یا آسف ودر دنباله آن جمله بن

موسی خوانده میشود ونگارنده هم فرصت بررسی ودقت را نداشت واهل محل هم ازنام وهویت آن اظهار بی اطلاعی میکردند بنابراین پیرامون نام ونسب آن نمیتواند اظهار نظر کند.

وهمینقدر مینگارد که ساختمان مزبور درعین سادگی ازجنبهٔ قدمت حائز اهمیت است وثبت آن درشمار ابنیه تاریخی بی تناسب نمیباشد.

مقصد سوم

در توصیف گنبد شاهزاده حسین

ابراهیم آباد

درخارج دهکده ابراهیم آباد ویك کیلومتری راه شوسه قم به اراك گنبدی است باستانی بصورت کلاه خودی فاقد عنق که از جنبه قدمت حائز اهمیت است.

این گنبد مدفن شاهزاده حسین ازاحفاد امام سجاد است.

بقعه

وبقعه آن بصورت هشت ضلعی متساوی بدون صفه وشاه نشین وهرگونه تزیین به دهانه ۶ و ارتفاع ۹ متراست که قسمت مضلع آن دارای هشت نما و بالای آن نیز هشت نمای دیگر ساخته شده است وپاطاق پوشش عرقچینی آن فلکه ایست.

وازچهار جانب آن دری بخارج وبه داخل ایوانی گشوده میشود که بعداً بر بنای بقعه افزوده شده اند و جدار آنها سفیدکاری ساده و پوشش آنها رومی بندی است ودرجانب شمالی آن رواق یامسجدی زیباباجدار آجری وپوشش خفته رسته دربین تیرهای آهنی در دست ساختمان است.

گنبد

وبرفراز بقعه گنبدی است کلاه خودی به قطرده وارتفاع ۶ متر بدون عنق که اخیراً آنرابا کاشی خشتی قهوه ای رنگی

پوشانده‌اند و قاعده آن از خارج برجی و از داخل مثمن و سبك بنای آن به ساختمانهای قرن هفتم میماند که در شمار ابنیه تاریخی است .

مقصد چهارم

در توصیف مشهد میقان

مدفن سلطان سید محمد بن امام موسی الکاظم

دهکده میقان معرب میکان در دو فرسنگی شمالی اراك و جزء قراء فراهان است دراین دهکده مشهد مجللی است دارای بقعه تاریخی و مرقد آراسته به کاشیهای کتیبه دار باستانی و گنبدی کاشیکاری با چند رواق و چند ایوان و یك صحن معمور مشتمل بر حجرات و غرفات و سقاخانه و بیوتات که اهل محل آنرا مدفن محمد عابد فرزند بلافصل امام کاظم می پندارند چنانکه مردم گناباد هم مدفن او را در گنبد موجود در آن قصبه می انگارند و بر طبق مدعای خود سوگند هم یاد میکنند و در شهر قم و اطراف آنهم چند بقعه است که به محمد عابد منسوب است در صورتیکه علمای انساب مدفن ویرا در شیراز تعیین کرده‌اند .

و بعقیده نگارنده محمد مدفون دراین مشهد یا محمد بن احمد بن هارون بن امام موسی الکاظم و یا محمد بن اسمعیل بن امام کاظم میباشد که نظریه نخست اقرب بصواب است .

بقعه

اما بقعه وی بصورت مربع متساوی الاضلاع به دهانه ۶ و ارتفاع ۹ متر است که از هر ضلعی هم دری به رواقهای اطراف و یا به ایوان گشوده میشود .

و همسطح پوشش چهار درگاه مزبور نیم طاقی در چهار گوشه بقعه بالا آورده صورت ساختمان را به هیئت هشت ضلعی نامحسوسی در آورده بلافاصله به شکل

فلکه‌ای تبدیل ساخته‌اند .

جدار بقعه سفید کاری ساده ولی روی قوسی نیم طاقها آراسته به آینه کاری و پوشش آن عرقچینی وساده میباشد .

مرقد

ودر میانه بقعه ضریحی است چوبی ومشبك که روی پایه‌ها وپلهای آنرا با صفحه‌هائی از سیم و نقره نذورات زینت داده‌اندو چهار بدنه آنرا از بالا تاپائین بامخملی سبز رنگ چنان پوشانیده‌اند که ضریح مزبورهم درمعرض دیدن نمیباشد .

ودرپس این ضریح جامه پوش مرقدی به ارتفاع یکمتر وطول ۲/۶۰ وعرض ۱/۸۰ متراست که بدنه آن آراسته به کاشیکاری تعمیری وسطح آن آراسته به کاشیهای خشتی باستانی و فیروزه فامی است که روی آنهابه خط ثلثی برجسته همرنگ زمینه سوره مبارکه یس قالب ریزی شده است .

واز همانندی وتشابه آنها باکاشیهای مرقد سلطان سید اسحق مدفون درساوه وباکتیبه شاهزاده جعفردر غربی قم (انتقال داده شده به موزه آستانه) چنین برمیاید که این کاشیها ازنیمه قرن هفتم میباشند که دریك کارخانه وبدست یك استادکاشی ساز تهیه شده‌اند .

وچنین بنظرمیرسد که از آثار استادمحمدبن طاهرکاشی ساز بوده باشند که برای حفاظت آنهاتدابیر لازمی باید بکاربست .

گنبد

وبرفراز بقعه گنبدی است شلجمی شکل به قطر ۹ وارتفاع ۹ متر که بدنه آن از آجر آمیخته باگچکاری است ووضع کنونی میرساند که تزیینات کاشیکاری آن بکلی فروریخته است و تبدیل صورت گنبد عرقچینی سابق بشکل شلجمی از آثار عصرصفوی است که درهمین دوره بیوتات تابعه هم بربنای بقعه اصلی افزوده شده‌اند .

رواقها ودرسه جانب شمالی وشرقی وغربی آن رواقهائی است زیبا وموسع که بایکدیگر مرتبطند وتمام جدار آنها به قاب‌های عکس معصومین آراسته‌شده است ودرهای زیبای آنها به محوطه صحن گشوده میگردد.

و رواق غربی بقعه دارای ازاره سنگی وجدار نقاشی و در جانب غربی آن ایوانی است با ازاره سنگی به‌دهانه ۵متر وارتفاع ۹متر مزین به حجاریهای بدیع ودر اطراف درگاه آن از داخل ایوان قابی حجری آراسته به تخته سنك‌های تراش وصیقلی مشکی رنگ مزین به گل و بوته‌های برجسته وممتاز اثر استاد اسمعیل طهماسبی به سال ۱۳۲۵ قمری است وطرفین آن دو راه‌پله ودو حجره ودو غرفه ساخته‌شده است.

ایوان جنوبی وعلاوه برایوان مزبور درجهت جنوبی بقعه ایوان دیگری است به دهانه ۶ وعرض ۶ وارتفاع ۱۰ متر که راه اياب و ذهاب و کفشکن‌های آن ازدودالان طرفین آن تعبیه‌شده است .

درسه جانب این ایوان مجلل سه صفه فوقانی باغرفه ودر مدخل بقعه ایوانچه یا دارالحفاظی است بابغله‌های آراسته به گچبری دارای دوطاقچه آینه پوش و پوشش مقرنس آینهٔ متضمن کتیبه ای بدین عبارت (عمل ابراهیم طلائی ۱۳۴۱) که برحسن منظر ایوان افزوده‌اند .

وبر فراز دارالحفاظ مزبور صفه ایست سراسری ودر سینه اسپر آن لوحی سنگی به دیوار نصب گردیده است وروی آن بخط نستعلیق برجسته ابیات ششگانه ذیل حجاری شده است.

هوالمستعان

گنبد شهزاده معصوم پاك — گشته ازسعی دومؤمن استوار

اول آن کزمال خود اخراج کرد — زربهمیان ومصالح بی‌شمار

بود اعیان زمانه پیر ولی — مهتر میقان رئیس نامدار

دیگر استادش محمدزانجدان — آمد واین فیض زوشد یادگار

خواستم تاریخ خیرات رئیس ملهم غیبم به گفتا آشکار

کاولش نیك است و آخرهم بگوی زو بود آثار نیکی یادگار

که این ماده تاریخ با سال ۱۱۳۳ برابر است و میرساند که این گنبد درعصر شاه سلطان حسین صفوی بر فراز این بقعه باستانی بنیان شده است ولی کلمه آخر مصرع نخست رابابد (بگوی) با باء یکنقطه و گاف فارسی خواند نه (نکوی) بانون و کاف عربی

وبالای این لوحه هم قطعه سنگی بشکل بیضی نیز نصب شده است که روی آن جمله (یدالله فوق ایدیهم) حجاری گردیده است.

سقاخانه

ودرجهت غربی ایوان وجنب راهرو کفشکن حجره‌ای بوده است که به سقاخانه تبدیل ساخته‌اند ودرون آن سنگابی مربع مستطیل ساخته شده که نصف حجره را فراگرفته است و بدنه آن دارای کنده کاری مزین به گل و بوته‌های بر جسته ودر بین آنها تاریخ ۱۳۲۰ خوانده میشود علاوه در لبه پیش آمده آن کتیبه‌ایست بخط برجسته نستعلیق که ابیات وعبارات ذیل روی آن حجاری شده است.

بسم الله الرحمن الرحیم

درمشهد پور موسی بن جعفر از بهر رضای خاطر پیغمبر

درسال هزار و سیصد و بیست نهاد یك پارچه سنگاب علی عسکر

۱۳۲۰

وبرفراز درگاه ورودی آن لوحی سنگی نصب وروی آن تاریخ ۱۳۲۶، حجاری شده است و میرساند که مدتی بیش از شش سال حجار در کار ساخت آن وقت صرف کرده است .

ودرپیشانی ایوان درب ورودی به صحن کتیبه‌ایست از کاشیکاری که روی آن

جملات (انامدینة العلم وعلی بابها) (وادخلوها بسلام آمنین) و عباراتی حاکی از تعمیر صحن از ناحیه بیگلربیکی حاکم اراك بسال ۱۳۲۰ قمری نوشته شده است.

ودر اطراف بقعه صحنی است گشاده بمساحت ۵۰ متر در ۶۰ متر که اطراف آن حجره های زیبائی ساخته شده است.

فصل هشتم

در توصیف مشاهد خلجستان و کنار رودخانه قم

در هفت مقصد

مقصد نخست

در توصیف گنبد علمدار کیاب (صالح بن مالك اشتر)

مزرعه کیاب درچهار کیلومتری قریه وسفونجرد ازقراء خلجستان وتابع تفرش است ودرپنج فرسنگی جنوبی راه‌شوسه اصفهان به‌ساوه واقع است‌وهرچندراه آن قابل ایاب وذهاب ماشین است ولی چون اولا راهی کوهستانی وپرپیچ‌وخم‌ونشیب وفراز است ودرثانی‌ازراه اصلی مزبور چندین‌راه فرعی برای معادن‌سنگ انشعاب یافته‌اند که‌ازراه‌اصلی‌صاف‌تروعریض‌ترند که‌هرگاه‌راننده‌ای‌به‌وضع‌محلی آشنانباشد و راهنمائی همراه نداشته باشد بویژه درتاریکی شب چه بسا انسان را به‌کابوسی وحشتناك دوچاروباسرگردانی ومشکلات و مصائبی گرفتارگرداند چنانکه نگارنده شبی را تاسحرگاه دراین راه باوضعی اسفبارگذرانید درصورتیکه حاصل‌مشاهدات هم غیرقابل‌ذکراست.

باری در دامنه‌مزرعه کیاب و کوه‌درمیانه اراضی مزروعی چشمه‌ایست کوچك وجلو آن تالاب یا استخری است و در اطراف آن اشجاری کهن ازچنار و کنار آن

بقعه‌ایست مشهور به بقعه علمدار که زیاده باستانی است ولی فاقد آثار هنری از قبیل گچبری و کاشیکاری میباشد.

دراین بقعه هیچگونه آثار کتبی به چشم نمیخورد وطبق اظهار اهل محل مدفون دراین مقبره امیر صالح بن محمد بن ابراهیم بن مالك اشتر نخعی است که در جیش زیدبن علی بن الحسین علمدار بوده است وپس از آنکه زید شهید گشت و یارانش متواری شدند نامبرده از کوفه به سوی ایران فرار کرده دراین نقطه کوهستانی و دور افتاده اقامت گزیده به کار زراعت اشتغال میورزد واین چشمه را آبدار کرده در کنار آن منزل می گزیند ودرنیمه قرن دوم وفات یافته دراطاق مسکونیش مدفون میگردد.

بقعه و گنبد

امابقعه مدفن وی که از آثارقرن دوم بنظرمیرسد بنائی است مضلع مشابه برجی که از تخته سنگ های کشیده و کم عرضی باملات گچ بنیان گردیده زیاده متین بنظر میرسد .

قاعده گنبد ازخارج چهارضلعی است که زوایای آنرابرجی وقوسی ساخته‌اند وگنبد آن نیزاز تخته سنگ های بلند وباریکی است که روی آنرا باکاه گل پوشانیده‌اند وهیئت ساختمان ازداخل چهارضلعی متساوی به دهانهٔ ۴ وارتفاع نه متر وپوشش آن عرقچینی ساده وتمام جدار آن سفیدکاری است وازهر ضلعی نمائی در آورده اند به دهانهٔ ۳متروعرض نیم متروداراى دودرب ورودى درشمالی و شرقی است که جلو هریك ایوانی ساخته شده است .

ودروسط بقعه مرقدی است بعرض یکمتروطول دومترو ارتفاع ۶۰% سانتیمتر که جلو آن ضریحی چوبی ومشبك نصب بوده است تصادفاً چندروزی قبل ازمشاهده نگارنده شبانه هیئت نباشان فی القبور ضریح راکنده واژگون بدیوار تکیه داده علاوه طرفین مرقد را دو چاه بعمق دو متر کنده بودند که مرقد یك پارچه بطور متمایل لب چاه نمودار بود .

ونقل شد که ماشینی حامل پنج نفر شبانه درمقابل بقعه درجاده‌ایکه بفاصله یك

کیلومتری تااین گنبد قراردارد‌ایست کرد و آبیاراین‌مزرعه در کمینگاه مراقب‌اوضاع می نشیند وچون صدای اصابت کلنگ بلند میشود مطلب را دریافته به مزرعه میرود وجمعی را بکمك میطلبد ونخست لاستیك چرخ را پنچر کرده سپس متوجه آنان میشوند وهمه راگرفته به ژاندارمری محل‌تسلیم میدارند که پرونده‌آن تحت پی‌گرد است‌و هرگاه ازاین مرتکبین بررسی دقیقی‌باعلاقهٔ کامل بعمل آید‌بسیاری ازنفایس ربوده شده ازبقاع ومشاهد بدست خواهد آمد .

بهرصورت تعمیربقعه وحفاظت ازاین بنای‌باستانی هرچند ساده وفاقد تزیین میباشدبرای حفظ سبك اولی‌بنظرمیرسد .

مقصد دوم

در توصیف گنبد شاهزاده‌هادی بن امام کاظم

در قریه جمزقان قرب‌قاهان

دهکده جمزقان (۱) درشمالی‌قریهٔ قاهان‌وجزءبلوك‌وزوا(۲)ودرون‌دره‌پرآب ودرختی بطول سی کیلو متراست .

درکنار جاده ودامنه‌کوه بقعه ایست باستانی که مدفن شاهزاده هادی‌ابن امام کاظم‌میباشدولی‌درکتیبه کاشی‌نوسازی‌ویرا از احفاد امام سجاد شمرده است وشاید بدانجهت‌باشد که کلیه سادات موسوی نیزاز احفاد امام سجادند.

این مشهد متضمن‌بقعه وقبه و ۳ ایوان وچهار حجره وغرفه وصحن ودرداخل بقعه‌هم ضریح وصندوقی منبت باتجملات‌بسیار میباشد که‌مردم‌ساوه وقراء تابعه‌آن را درباره‌وی وکراماتش‌اعتقادی تمام است وصحن حجراتش دراکثراوقات مرکز

---

(۱) نام جمزقان‌بکسر جیم‌ومیم وسکون زای نقطه دار است

(۲) کلمه وزوا بکسرواووسکون زاء نقطه دار نام‌این دره آبادو معمور میباشد

تجمع آنان میباشد .

بقعه اما بقعه مزبور بصورت مربع متساوی به دهانهٔ ۵ وارتفاع ۱۱ متردارای چهارشاه نشین‌هریك بدهانهٔ ۴ وعرض ۱ متر میباشدکه ازدو شاه نشین شرقی‌وغربی آن دری به ایوان جنبین گشوده میشود .

جدارداخلی‌سفیدکاری ساده وفاقدتزیینات کاشی کاری وگچبری‌است وپوشش بقعه رسمی بندی ودر کمربندآن خلثی‌نمودار است که جایگاه کتیبهٔ گچبری یانصب کاشی‌های کتیبه‌ای بوده است و در تعمیرات اخیر روی‌آنرا سفیدکاری کرده‌اند و معلوم نیست که درپس این قشرگچی چه‌آثاری مستور است .

صندوق منبت و در ابتدای شاه نشین شمالی بقعه ضریح مشبك مجللی از چوب گردوی قدیمی‌نصب گردیده است و در دل آن‌دو صندوق‌منبت باستانی‌برفراز قبر قــرار دارند و در پس این سه پوشش چوبی از چگونگی مرقد اطلاعی در دست نیست .

اما صندوق اولیه روی مرقد دارای چهار بدنه قاب سازی بدون روپوش واز آثار قرون وسطی است که جز قسمتی‌از آن‌دیده‌نمیشودو روی‌آن نام(الله) و اسامی پنج تن‌بخط‌برجسته‌ثلثی‌منبت‌گردیده است‌ودر اینکه کتیبه‌دیگری‌دارد یا نه نمیتوان اظهارنظر کرد .

واما صندوق‌منبت دومی دارای‌چهاربدنه‌باروپوش وآراسته‌به‌تنکه‌هائی قاب-سازی و خانچه پوش باآلت کشی بشکل‌لوزی است که روی تمام آلت‌های فاصل هم دوخط متوازی‌مشکی‌رنگ کنده‌کاری شده‌است‌و روی پل‌ها و پایه‌های چهارگانه آن کتیبه‌هائی افقی و عمودی وبه خط برجسته ثلثی عبارت ذیل‌منبت‌گردیده‌است .

(مرقد متبرك امامزاده معصوم شاه‌هادی‌بن امام موسی کاظم علیه‌السلام)

(تحریر فی‌تاریخ شهرشوال سنة ست و اربعین و تسعمائه)

(عمل قنبربن محمود ساوجی‌نجار آنکه باشد غلام حیدر کرار)

واماکتیبه‌های روی قوائم اربعه آن بواسطه سقوط شمع خطوط آن سوخته وریخته است اما استخوان‌بندی آن برهم نریخته است .

واما ضریح جلوصندوقهاهم بطرززیبائی ساخته شده‌و روی پل غربی درقسمت پائین بخط برجسته دوبیت ذیل منبت شده است .

صد شکر که گشته است بانی از روی یقین و مهربانی

او کرده به خیراین محجر مهدی که بود جمیز قانی

وچنین بنظرمیرسد که مقصود سراینده عامی از محجرهمان معجری باشدکه برگرد مقابر می کشند .

درب منبت

ودرمدخل بقعه از ایوانهای شرقی‌وغربی دو درب دولنگه منبت قدیمی نصب شده است که آراسته‌به تنکه‌های خانچه بندی باآلت کشی‌است و روی هریك بخط ثلثی برجسته چهارنام‌علی بطورمتعاکس منبت شده‌است.

وروی‌چهارچوب درب‌شرقی بدنه طرف‌خارج آن کتیبه‌ایست‌عمودی از بالا بپائین که متأسفانه اکثر کلمات آن سائیده یا شکسته و ریخته است وآنچه که قابل تشخیص وخواندن است چنین است :

نمود روی به اتمام این درعالی گناهکار ابوطالب جمیز قانی

نجاری عمل محمد بیك فراهانی

هزار شکر که چون تحفه سلیمانی ز روی صدق و صفا موربرده یك‌رانی

نمود خدمت این شاه هادی ارزانی

ایوان‌ها

و درجانب شرقی و غربی بقعه ایوانهائیست سفیدکاری با پوشش‌رومی سازی‌به دهانه ۵/۵۰ و عرض ۴ر۵۰ وارتفاع ۷مترودرجانب شمالی آن تالاری به‌دهانه‌۶ وعرض ۵ و ارتفاع ۶ متر با پوشش تیر و تخته بر فراز دو پایه چوبی است ودر طرفین هر ایوانی حجره‌ای وبرفراز آنها

غرفه‌ای ساخته شده است که مخصوصاً در شبهای تابستانی جایگاه استراحت زوار است.

و روی تخته‌های پوشش کتیبه‌هائی پراکنده با عبارت و آیات ذیل (عمل علی قمی آستانی (یا) آشتیانی) (انافتحنا لك فتحاً مبینا) (نصر من الله و فتح قریب) (تاریخ ۱۳۱۵) (تاریخ ۱۳۵۵) دیده میشود.

و در سینه اسپر ایوان غربی در جبهه درگاه روی درب ورودی بقعه کتیبه‌ایست بخط ثلثی سفید در زمینه لاجوردی از کاشیهای خشتی قدیمی و جدید در دو ردیف که در بالا روی یك پارچه کاشی آیات (بسم الله الرحمن الرحیم یدالله فوق ایدیهم) و در ردیف پائین (بسم الله الرحمن الرحیم انافتحنا لك فتحا مبینا یاحافظ) و زیر آن در دو سطر متصل، ابیات ذیل بخط نامرغوبی خوانده میشود :

سید احمد ابن فتح‌الله راد — با حسن آن پور عباس رشاد
قبر این شهزاده‌هادی که هست — از سلیل حضرت زین العباد
دید ویران گشته بنیادش زهم — دست یکدیگر گرفتند ازوداد
سر بسر کردند تعمیر این رواق — تا که نام نیکشان ماند به یاد
کاین بنای خیر را زین پس بسی — بردعا خلقی دهان خواهد گشاد
یادگاری هست زیشان در جهان — ای خوشا بر مردم پاك اعتقاد
خائف قمی بطرز ساده گفت — غشله باید سال تاریخش نهاد

۱۳۳۵ میرزا کوچك

گنبد

و بر فراز بقعه گنبدی است کلاه خودی با عتقی دو متری آراسته به کاشیهای دوالی و رنگ‌به‌رنگ و باتارکی پنج متری مزین به کاشیهای سرامیك فیروزه ای که روی آن باکاشی ۱۳۴۶ خوانده می‌شود که مقصود تاریخ شمسی است چه که تزیینات قبه در سال قبل توسط آقای سید جواد میرباقری متصدی بقعه انجام یافته است.

مقصد سوم

در توصیف گنبد شاهزاده عاقب

در دهکده بنابر

قبه شاهزاده عاقب ابن امام کاظم در شمالی قریه جمیز قان و کنار جاده ماشین رو ودر مظهر قنات دهکده بنابر واقع و بنائی باستانی از خشت و گلی دارای دو تالار شمالی و شرقی تیرپوش باستونهای چوبی است .

و در بازار کاشان بقعه و گنبدی است مشهور به شاهزاده ابوالحارث بن عاقب که بنام امامزاده درب زنجیر نیز خوانده میشود و لوح قبرش کاشی و مؤرخ بسال ۶۹۷ است که شاید پدر و پسر باشند.

بقعه و قبه بهر صورت بقعه وی باستانی به صورت چهارضلعی متساوی به دهانه ۷ و ارتفاع ۹ متر دارای چهار شاه نشین هر یك بدهانه ۴ متر و عرض نیم متر با جدار سفید کاری و فاقد تزیینات است جز اینکه در ضلع جنوبی آن محرابی ساخته شده است دارای صفه با پوشش مقرنس گچی و درسینه جرزشرقی هم چراغدانی بصورت گنبدچه گچبری شده دارای چهار دریچه که پایه اش با مقرنس بالا آمده است .

و در چهار زاویه بقعه نیم طاقی بالا آوره صورت چهارضلعی را به هیشت فلکه ای تبدیل کرده پاطاق پوشش عرقچنیی را بالا برده اند .

و بر فراز آن گنبدی است خودی شکل یا نیم بیضی باچهاردر یچه نورگیر که سطحش آجر پوش شده است و روی مرقد صندوقی است باستانی باتنکه های قاب سازی و خانچه پوش بدون کتیبه که باستانی است و جلو آن ضریحی مشبك از چوب نصب شده است اما این گنبد باید به همت نیکو کاران تعمیر و تزیین گردد .

مقصد سوم

در توصیف گنبدشاهزاده جعفر

واقع در قریه‌گیو خلجستان

پوشیده نیست که دهکده گیو در نزدیکی قریه دستجـرد است و دستجرد مرکز این‌بخش میباشد وبقعه شاهزاده جعفر از بقاع باستانی است که میتوان‌ادعا کرد مدفن شاهزاده جعفر فرزند بلافصل امام کاظم باشد زیرا بقعه‌قدیمی دیگری که منتسب به‌این امامزاده باشدوجود ندارد.

بقعه بقعه مورد نظر باجداری ازسنگ های تخته‌بلندو کم‌حجم مشابه تاوه باملات گچ ساخته شده است و قاعده گنبد از خارج بشکل برجی است که سبك ویژه قرن‌پنجم وششم هجری است و از داخل نیز برجی بوده است که‌در تعمیرات وتزیینات عصر صفوی جداردرونی رابصورت مضلع هشت ترکی‌درآورده اند.

بهرصورت‌این گنبد تاریخی است‌وبنائی‌زیاده متین‌و آهنین وازداخل به دهانه ۴/۵۰ و ارتفاع ۷ متر باجدار ساده و سفیدکاری است که در ارتفاع ۴متر و نیمی صورت مضلع به هیئت فلکه‌ای تبدیل و پاطاق پوشش نیمه بیضی و یا عرقچینی بالا آمده است.

ودر قسمت فلکه ای پاطاق چهار نورگیر دیده‌میشود که‌جلو آنهارا بامشبکی

از گچ پوشانده‌اند و در قسمت پائین مشبک شرقی صفحه ایست که روی آن کتیبه‌ای حاکی از و تاریخ بنا گچبری شده است متاسفانه قسمت عمده آن محلوك و فقط جملهٔ (اثنتی وتسعین) بخوبی قابل تشخیص وجملهٔ (خمسأه) یا ستمائه در آخر آن قابل تشکیك می باشد.

زیرا میتوان گفت که تسعمائه یعنی تاریخ تزیین وتعمیر بقعه مزبوراست.

گنبد

وبر فراز بقعه گنبدی است مخروطی شکل ومشابه کلاه درویشی از آجر وسنگ که روی آنرا گچ اندود کرده‌اند وچه بسا که قبلا دارای تزیینات کاشی بوده واینك ریخته است.

قطر آن ۸ وارتفاعش حدود هفت متر بنظر میرسد ودر تارك آن زبانه ایست مشابه سرطوق و نوك آن ترنجی است برنجی ومشبك که در میانه آن در فراز اسم جلاله ودر پائین نامهای محمد و علی کنده کاری شده است که برای احراز نفاست شایسته بررسی است.

مرقد

وروی قبر مرقدی است که از هر جهت مزین به کاشیهای خشتی گل برجسته عصر صفویه بوده است که بمرور ریخته وشکسته است وچنانکه مطلعین نقل کردند چندین پارچه باقیمانده را هم حدود سی سال قبل متصدی بقعه کنده وبه اراك برده به یهودیان بمبلغ دوهزار تومان فروخته است وبعداً بعضی از افراد خیرخواه این مبلغ را جمع آوری کرده به اراك رفته پولی داده وچند پارچه آنهارا گرفته به گیو بازگشت میدهند ولی دیگر باره آنهارا از بقعه خارج ساخته‌اند و میگویند که فرزند متصدی بقعه در نقطه ای مختفی ساخته بهر نیت مستور نگاه داشته است که نگارنده از کمیت و کیفیت کاشیها وحتی صدق یا کذب ماجری اطلاع صحیحی ندارد.

وبهرصورت اینك مرقد مزبور سفید کاری وتهی از هرگونه تزیینات وکاشیکاری است وشاید کاشی خشت بزرگی که در ایوان بقعه به دیوار نصب شده است نمونه‌ای

از آن کاشیها بوده باشد .

صندوق منبت

و بر فراز مرقد مزبور صندوقی است منبت و باستانی با تنکه‌های قاب‌سازی و گره‌بندی مزین به نقوش برجسته گل و بوته که روی پلها و پایه‌های آن کتیبه‌هائی به خط برجسته ثلثی نسخ منبت شده است و به استثنای قسمتهائی که در پشت پایه‌های قطور ضریح قرار دارند و قابل دیدن و خواندن نمیباشند بقیه کتائب به قرار ذیل میباشند .

درچهار جانب بطور افقی صلوات کبیره و روی پل بالاجملات (اللهم وال من والاهم وعاد من عاداهم و النصر من نصرهم واخذل من خذلهم والعن من ظلمهم واهلك عدوهم) خوانده میشود که به‌جای (وانصر من نصرهم) (والنصر من نصرهم) کنده کاری شده است .

وروی پایه‌ها بطور عمودی عبارات مستندی است از جمله در پایه جنوب شرقی (کاتب هذا الصندوق علی بن عنایت‌الله الحسینی غفر ذنوبه) وروی پایه شمالی (بسعی واهتمام عالی جناب سعادت نصاب تقوی وورع دثاری خواجه سعدالدین عنایت‌الله ابن عالی جناب سعادت ومغفرت دستگاه ملك جلال‌الدین اسکندر)

وروی پایه دیگر (این صندوق وقف مرقد امامزاده معصوم امامزاده شاه‌جعفر بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام تمام شد فی تاریخ شهرشعبان المعظم سنة اثنی وتسعین و تسعمائة نبویه علیه‌السلام) .

وروی پایه جنوب غربی (عمل استادان استادشیخ علی واستاد رمضان واستاد علی‌جان واستاد مهرعلی) (تمام شد درزمان پادشاه جمجاه خاقان الاعظم السلطان بن السلطان الخاقان بن الخاقان ابوالمظفر شاه‌محمد بهادرخان) .

وتاریخ (اثنی وتسعین وتسعمأه) که روی این صندوق منبت شده است بر تأیید صحت جمله تسعمأة در تاریخ محکوك زیر مشبك شرقی گواه است.

که حراست وحفاظت از این صندوق نفیس ضروری بنظر میرسد.

ایوان الحاقی

ودر مدخل بقعه از جانب غربی ایوانی ساده بدهانه ۴متر و عرض ۳/۵۰ متر وارتفاع ۷ متر وجود دارد که درسال ۹۹۲ بر بقعه مزبوره الحاق شده است .

بدنه این ایوان و پوشش روی آن سفید کاری ودرسینه اسپر بر فراز درگاه ورودی بقعه کتیبه‌ایست از کاشیهای خشتی که‌روی آنها بخط نستعلیق سفیددرزمینه لاجوردی آیه مبارکه (وان یکادالذین کفروا لیزلقونك بابصارهم لماسمعوا الذکر ویقولون انه لمجنون) نوشته شده است .

وبالای آن یکپارچه کاشی منقش هفت‌رنگ باندازه ۰/۳۵ در۳۵% سانتیمتر از بقایای تزیینات بدنه مرقد یاازاره بقعه نصب‌شده است زیراهیچگاه نمیتوان ادعا کرد که‌این کاشی منحصر بفردبوده‌است .

درب منبت

وزیرهمین ایوان‌درمدخل بقعه‌دو لنگه درب منبت باستانی است که از آثار عهدصفویه‌وعصرشاه عباس کبیرمیباشد .

این درب نفیس مزین به کتیبه‌های‌عمودی‌وافقی بخط ثلثی برجسته‌توام باگل‌وبوته‌در چهارجانب هرلنگه‌وتنگه‌هائی قاب‌سازی‌وگره‌بندی‌است که‌قسمتی‌از کلمات آنهاسائیده شده‌است ولی‌تاریخ ساخت آن به سال ۱۰۳۳ ونام واقف(شیخ مرادبن محمد زمان) واسم‌استادمنبت کار آن‌هنوزباقی‌است‌بدینگونه که‌علاوه‌برصلوات کبیره‌و آیة‌الکرسی وعباراتی ازاین قبیل‌منبت‌شده‌است.

(بعمل‌استاد محمدآقا)(اللهم‌صل‌علی‌محمدوآل‌محمد)(س ع ادت) که معلوم نیست دراین پنج حرف چه رمزی است ومنظور از سعادت‌چیست(علی و آل‌علی) (عمل استادآقا محمدبن آقا مصطفی) .

(گشاده‌بادبدولت همیشه‌این‌درگاه　　　　بحق اشهد ان لا اله الا الله)

(گرت‌هواست که‌بانی‌این‌دربدانی　　　　شیخ مراد بن‌محمد زمانی)

(ما توفیقی الا بالله) (توکلت علی‌الله)(لافتا الاعلی لاسیف الاذوالفقار) .

مقصد پنجم

در توصیف گنبد شاهزاده عباس بن امام کاظم

در جنداب خلجستان

در خارج دهکده جنداب نزدیك قریه قاضی و مزرعه زیبکان بقعه ایست قدیمی از ابنیه قرن نهم هجری که مدفن شاهزاده عباس و بی‌بی زبیده خاتون از احفـاد امام کاظم خوانده میشوند و مشتمل بر بقعه و قبه وایوان و دو حجره غرفه‌دار میباشد.

بقعه بقعه مورد سخن از آثار قبل از صفویه و تهی از مرافق و بیوتات و از سنگ‌های تخته‌ای وگچ بنیان گردیده است که در تعمرات بعدی‌روی آنرااز خارج آجر کاری‌ساخته‌اندچون‌باسقوط چند آجر آن جدار سنگی اولیه مشهود بود .

بهر صورت قاعده گنبد از داخل و خارج چهار ضلعی و از داخل دهانه آن ۶ و ارتفاعش ۹ متر و قطر جدارش متجاوز ازدو متر ونیم است و در چهار گوشه آن نیم طاقی بالا آورده صورت مربع را به هیئت هشت ضلعی نامحسوسی‌تبدیل وبلا فاصله بفلکه‌ای‌مبدل ساخته‌است و پا طاق پوشش عرقچینی‌شکل‌ورسمی بندی بالا آمده است و بدنه آن سفید کاری‌آسمانی رنك میباشد

و بر فراز آن گنبدی است‌چون‌نیم دائره‌ای‌عرقچینی وساده‌و آجر پوش که در مرکز آن منارچه‌ای بالا آورده‌اند .

و در وسط بقعه مرقدی است با جدار کاشیکاری خشتی فیروزه فام تعمیری به ارتفاع یك و طول ۳ وعرض ۲متر.

و جلو بقعه ایوانی است به دهانه ۳ و طول ۸ متر با پوشش رومی و طرفین آن حجره هائیست‌ساده که نوبنیان و نیمه‌تمام‌هستند.

مقصدششم

در توصیف گنبد شاهزاده جعفر بن امام کاظم

درخارج قریه راهجرد

درکنارراه شوسه قم به اراك درنزدیکی دهکده راهجرد مرکزخلجستان وحاشیه رود ودر نقطه ایکه نسبت بسطح جاده درگودی است بقعه ایست که گنبد آن همسطح راه است .

این بقعه مدفن شاهزاده جعفر که ازاحفاد امام کاظم خوانده میشود .

بنای بقعه ازسنگ وگچ وازخارج بصورت برجی وازآثار قرن ششم یاهفتم هجری است .

واز داخل بصورت چهارضلعی متساوی به دهانه ۴٫۵۰ و ارتفاع ۶ متراست که در چهار گوشه آن نیم طاقی بالاآورده هیشت مربع رابه شکل فلکه ای مبدل ساخته اند و پاطاق پوشش عرقچینی بالا آمده است وجدار آن سفیدکاری و فاقدهرگونه تزیینات ودر وسط آن مرقدی است گچ اندود وساده که مسامت قبله وازبنای بقعه منحرف میباشد .

وبرفراز بقعه گنبدی است نیم دائره آراسته به کاشیهای خشتی فیروزه فام جدید ودرمرکز آن منارچه ایست مزین به همان نوع کاشی .

ودرمدخل بقعه ایوانی است که بعدها براصل بناالحاق شده است .

مقصد هفتم

در توصیف گنبد شاهزاده ذکریا ابن امام کاظم

درمیانه قراء عیسی آباد و میدانك خلجستان

بین دهکده عیسی آباد بامیدانك رود کوچکی است ودر کنار آن ازعمق پنج متری تاسطح زمین سدی آجری بصورت برجی ازسنگ و گچ چیده شده است که گنبد مورد نظرروی همین سدبنیان گردیده است .

این رودفعلاخشك است ولی در سنوات رحمت سالی مختصر آبی ازچشمه سارهای اطراف در آن جریان یافته جنگلی‌ازاشجار در کف رودتشکیل میدهد.

بقعه بهرصورت این بقعه ازابنیه باستانی وقاعده گنبدآن تا سطح‌زمین برجی‌از سنگ وگچ‌وروی آن‌ازخارج هشت ضلعی نما داری از آجروگچ وازداخل‌بشکل چهار ضلعی‌مساوی به‌دهانه۶وارتفاع ۹متر که‌در هرضلع آن‌شاه‌نشینی به‌دهانه ۲/۵۰ متر وعرض کمتر ازیك مترساخته شده است وازهر شاه نشینی هم دری یادریچه‌ای به‌خارج گشوده میشود .

وجدار داخلی‌بقعه‌سفید کاری مزین‌به‌نقاشیهای رنگ آمیزی است که‌درمواضع مختلفه از جرز واسپر آن کاشیهای خشتی منقش‌وهفت رنگی‌باستانی بکار برده‌اند وچنین بنظر میرسد که‌این کاشیهاهم‌از بقایای کاشی‌های از اره یا مرقد هستند .

وهمسطح پوشش شاه‌نشین‌های چهارگانه درزوایای اربعه بقعه نیم طاقی بالا آورده صورت چهار ضلعی را به هشت ضلعی تبدیل کرده‌اند و بالای آن هیئت ساختمان فلکه‌ای شده پاطاق پوشش عرقچینی با نقشه رسمی بندی بالاآمده‌است.

درقسمت فلکه‌ای دو نورگیر باز است که‌جلو آنها رابا مشبکی از گچبری بسته‌اند وروی قوسی پوشش آراسته به نقوش رنگین و مزین به چهار گوی آینه کاری است .

مرقد

ودرجانب غربی‌بقعه‌مرقدی است آراسته به‌کاشیهای خشتی فیروزه فام تعمیری وساده‌ای بدون‌ضریح چوبی و صندوق است‌ودرجهت‌شمالی‌بقعه‌ایوانی‌است کوچك که از قطر پایه بیرون داده‌اند. این ایوانچه بدهانه ۲/۵۰ متر وعرض ۱٫۲۵ وارتفاع ۷متر نیمی از آن در غربی باازاره کاشیکاری خشتی ونیمی دیگر درشرقی سفیدکاری وبغله‌هاواسپرگچی وپوشش آنهم رسمی بندی است .

و در سینه ایوان روی درگاه ورودی ترنجی بزرگ گچبری ودر وسط آن عبارت (یـا شفیع المذنبین) بخط درشت نستعلیق برجسته و طلائی گچ بری شده است .

وبرفراز آن‌یکقطعه کاشی منقش‌هفت رنگ که نیز ازبقایای کاشیکاری ازاره بقعه یا مرقد است نصب‌شده است .

وجرزهای‌طرفین‌ایوان آجری‌وبرفراز آنهادومنارچه‌توپرباتارکی‌شلجمی‌شکل به‌ارتفاع ۵ متر باجدار کاشیکاری‌دیده میشود که‌قسمتی‌از کاشیهای آنهافروریخته‌اند که‌این منارها همزمان بنیان‌بقعه‌ساخته‌شده‌اند .

و جلو بقعه زیر ایوان دربی دو لنگه باکتیبه‌های منبت‌وتنگه‌های قاب سازی و کره کشی قدیمی‌نصب‌گردیده‌است و از آثارعصر صفویه است و در میانه اکثر قابهای آنهاچهارنام‌علی‌بطور متعاکس بخط‌ثلثی‌برجسته خوانده‌میشود .

و روی‌دو باداوش آن عبارات (عمل استادملك) (مشهد میقان فراهان) منبت شده‌اند که‌تاریخ‌ساخت آن‌بنظر نرسید.

گنبد وبر فراز بقعه گنبدی است شلجمی شکل وزیباازآثارعهد صفویه‌به‌قطر وارتفاع ده‌متر باعنقی پنج متری و استوانه‌ای از آجر تراش وتارکی آراسته به کاشیهای الوان دوالی وکلوکی که دور شکم آن ترنجهائی است نزدیك یکدیگر بطور کمر بندی و در میانه آنها اسامی جلاله چون (یاالله)(یاسبحان) (یاحنان)ودردنباله آنها (یامحمد)(یاعلی) (یافاطمه)(یاحسن)(یاحسین) باکاشیهای الوان به خط بنائی چیده شده‌اند .

ودر شمال بقعه صحن کوچکی است که‌بعدها براین بناافزوده‌اند .

این صحن بمساحت ۱۰در ۱۰ متر باجدار نمابندی آجری وفاقدحجره‌است ودر سر درب ورودی آن ایوانی ساخته شده است .

و این بنا جزء آثار باستانی است که حفاظت آن در مرتبه دوم از اهمیت قرار دارد .

وناگفته نماند که‌در خلجستان مشاهد دیگری است که‌لدی الاقتضاء باز دید نموده بتوصیف آنهانیزخواهد پرداخت .

پایان فصل هشتم

فصل نهم

در توصیف از مسجد و مدرسه پامنار

متضمن یك مقدمه وسه مقصد

مقدمه

در تاریخچه پیدایش مأذنه یامناره وتطورات آن درمسیر کمالی

ازمجموع تواریخ واخبار چنین برمیاید که نخستین مناره ایکه درعالم اسلام ساخته شد مناره ای بود که ابودلف قاسم بن عیسی بن ادریس بن معقل بن عمیر عجلی در خلافت معتصم عباسی درکنار مسجد مجللی که در شهر نو بنیان سامرا احداث کرد بنا نهاد که هنوز باقی است .

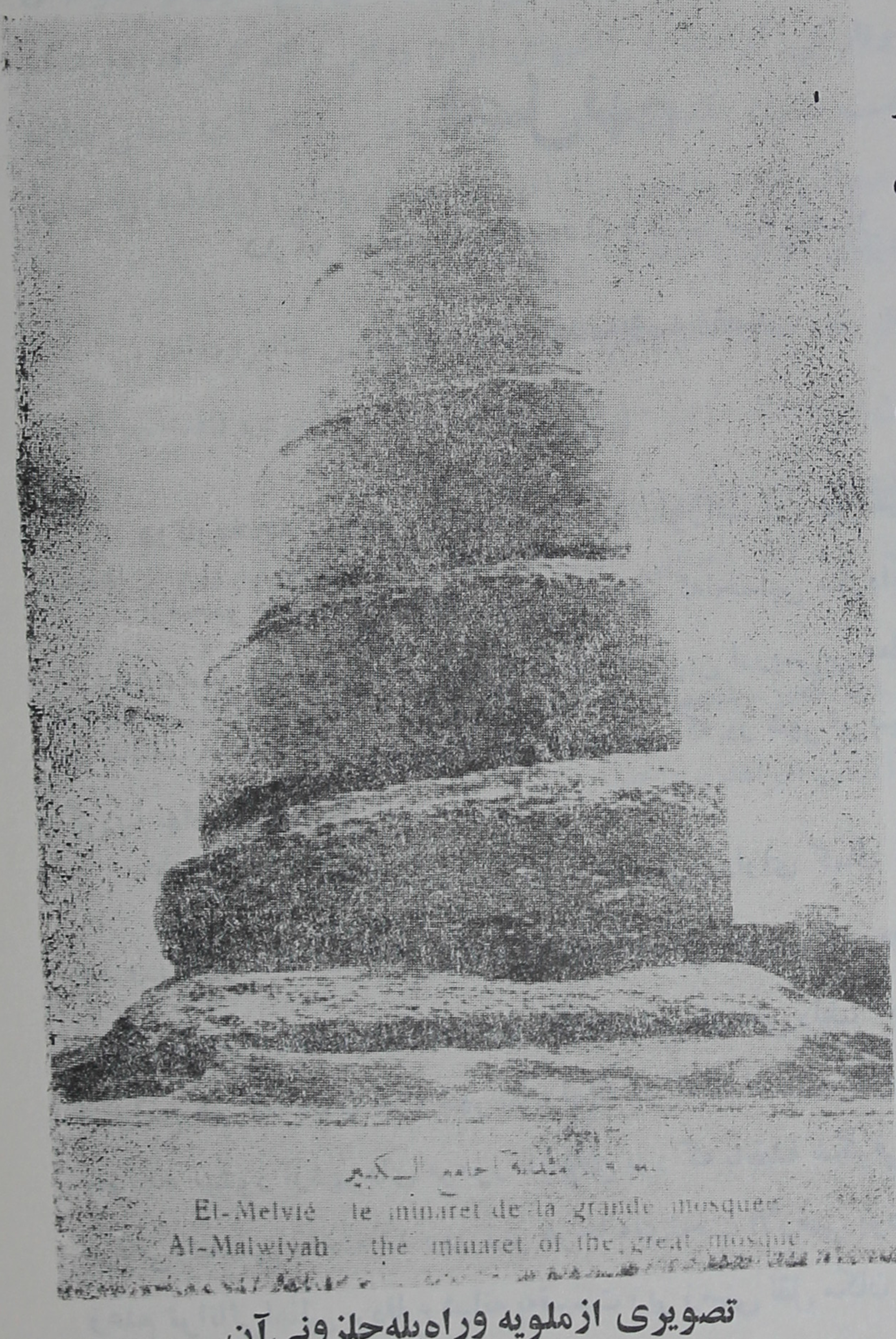
ابودلف درخلافت مأمون و الی بلاد جبل ودارای کمال حشمت و جلالت بود ودر شهر اصفهان کاخی یگانه بنا نهاد که محل سکونت او بودو مرداویج زیاری پس از تسخیر اصفهان در آن قصر منزل گزید وشهر تاریخی دلف آباد در رستاق کرج ازتوابع قم که اکنون جزء شهرستان اراك در آمده است و امروزه بنام زلف آباد خوانده میشود ازشهرهای مرموز تاریخی بود که بانقشه شگرفی مرکب از دوطبقه فوقانی وتحتانی ساخته شد ودر زیر هرخانه ای تحت الارضی بود که گاه حمله دشمن وعدم توانائی اهالی بردفاع شبانه بقسمت زیر زمینی نقل مکان کرده شهر راتخلیه

میکردند و دریچه‌های آنرا فرومی بستند بطوریکه‌دشمن چون وارد آن‌شهر میشد تصور میکرد سکنه آن شهر راخالی گذاشته فرار کرده‌اند .

وچون‌افشین ترك امیرالامرای‌دولت‌معتصم گردید بهرنظری که داشت‌ابودلف را گرفته بزندان در افکند وپس از چندی رها ساخت ودر سال ۲۲۵ وفات یافت.

باری این‌مأذنه به‌ارتفاغ ۱۲ متر باراه‌پله‌خارجی حلزونی‌بود که هنوز هم‌درچند کیلومتری‌شمالی سامرا بر سرپا میباشد .

و دومین مناره ایکه ساخته‌شد در سال ۲۴۰ هجری‌ازناحیه متوکل خلیفه عباسی در کنار مسجد جامع احداثی‌وی در سامرا بود که هم‌مأذنه‌مسجد



تصویری ازملویه وراه‌پله‌حلزونی‌آن

وهم محل افراشتن لوای خلافت بود که بنام ملویه شهرت یافته است.

ارتفاع این مناره ۵۲ متراست ودرتارك آن غرفه ای قرارداشت که اکنون خراب شده است وقطر قسمت پائین آن نیز ۵۰ متر بنظر میرسد.

به فاصله نیم قرن سومین مناره رامردم قم بنا کردند اما این مناره در کنار مسجد ابوالصدیم حسین اشعری بانقشه استوانه‌ای وراه پله پیچ درونی ساخته شد.



تصویری از نیمه بالای مناره قم

این مناره به ارتفاع ۲۵ متر وقطر ۳٫۵ متر در سال ۲۹۱ هجری دردوره حکومت یحیی ابن اسحق به خودیاری عرب اشعری میانه شهر جدید اسلامی و شهر قدیم کمیدان بنیان گردید تاصدای مؤذن به هردو شهر برسد وچنانکه مشهوداست جداراین مناره آجری ساده فاقدهر نوع تزیینات میباشد واز تصادفات متناسبه آنستکه کلمه (منار) برابر ۲۹۱ ماده تاریخ بنای آن شده است وازمناره های احداثی میرابوالفضل عراقی به سال ۴۴۷ در خارج شهر اسلامی مانند مناره های احداثی کمال الدین ثابت وزیر درسال ۵۲۷ درداخل شهر

نشانی وجود ندارد مگر آنکه منارههای زوجی آتی الذکر را ازعراقی بدانیم .

از این ببعد احداث مناره درایران متداول گردید و پادشاهان سلجوقی به ساختن مناره درهر شهر و قصبه و در بسیاری از دهکدههای بزرگ برای راهنمائی کاروانها و گرفتن خبر و دادن خبر اهتمام ورزیدند و به مرور در مسیر کمالی در طرز بنای آنها تطوراتی راه یافت و تزییناتی افزوده شد بطوریکه اهل فن از مشاهده هر مناره و کیفیت تزیین آنها بر تاریخ پیدایش هریك میتوانند پی ببرند .

وذیلا برای ارائه این تطورات کمالی چند نمونه از منارههای ایران را که یکی پس از دیگری ساخته شده اند و بعضی از آنها دارای تاریخ بناهم میباشند ذیلا نامبردار میگردد تاقضاوت دراین باه آسان ومستند باشد .

پس از بنای مناره قم از مناره کاشان میتوان نام برد که در کناردار الحکومه بعنوان یك دستگاه راهنمای فرستنده و گیرنده خبر باجدار ساده بدون هیچگونه نقوش و تزیینات و کتیبه ساخته شده است .

این مناره درسال ۴۴۰ هجری به ارتفاع ۴۷ متر بنیان گردید ولی در قرن اخیر قسمت بالای آن ازمحور اصلی اندکی انحراف یافت واز کمرگاه خمیده گشت در نتیجه مجبور شدند که قسمت فرازین آن را خراب کنند چنانکه اینك ارتفاعش از ۲۰ متر تجاوز نمیکند .

وپس از آن ازمناره تفرش که قبلا توصیف گشت بایدنام برد.

وبعداز آن ازمناره مسجد قرمز ساوه که در سال ۴۵۴ ساخته شده است .

و بعداز آن ازمناره زواره اصفهان میتوان نام برد که در سادگی مشابه مناره قم است منتها در قسمت پائین آن در نزدیکی سطح بام کتیبه ایست زانـو بندی بخط برجسته کوفی از آجر تراش با زمینه منقش به گل و بـوته آجری متضمن تاریخ (۴۶۱) که مطابق نقل گنجینه آثار تاریخی اصفهان صفحه ۱۷۴ کتیبه آن بدین عبارت است .

(بسم الله الرحمن الرحیم مما امر ببناء هذا المنار محمد بن ابراهیم ابتغاثاً لوجه الله سنة احدی وستین واربعمائه)

و پس از آن از مناره مسجد جامع کاشان با جدار آراسته به نقوش هشت و هفت و مضرس گلوگاهی و سه کتیبه بخط برجسته کوفی آجری و تاریخ (ست وستین و اربعمائه) ۴۶۶ که مجدالدین احمد بنا نهاده است.

و بعد از آن مناره دهکده برسیان ۴۲ کیلومتری شرقی اصفهان که در سال ۴۹۱ در عصر سلطنت برکیارق ووزارت مجدالملک براوستانی ساخته شده است.

این مناره به ارتفاع ۳۵ متر با راه‌پله داخلی و تزیینات کاملتر آجری و تاج و کتیبه ای بخط برجسته کوفی متضمن آیات و تاریخ احدی وتسعین واربعمائة).

و پس از آن مناره چهل اختران در شمالی محله جوی باره اصفهان به ارتفاع ۲۱ متر است که شاید قسمتی از تارك آن خراب شده باشد و دارای درگاهی در کمرگاه به جانب جنوب می باشد.

جدار آن منقش آجری و دارای چند کتیبه بخط برجسته کوفی از آجر و گچ بری متضمن آیات قرآنی و اسامی خلفای راشدین و تاریخ ۵۰۱ و نام بانی (ابوالفتح نهوجی) است.

که قسمت پائین آن مضلع مسدس و روی یك ضلع آن عبارات ذیل خوانده میشود.

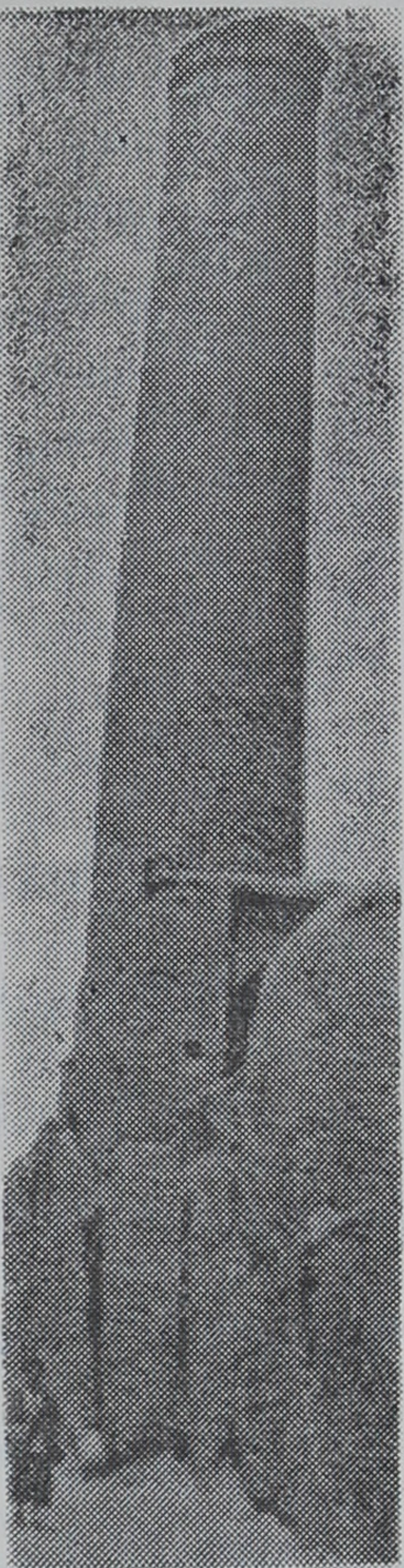


تصویری از مناره زواره

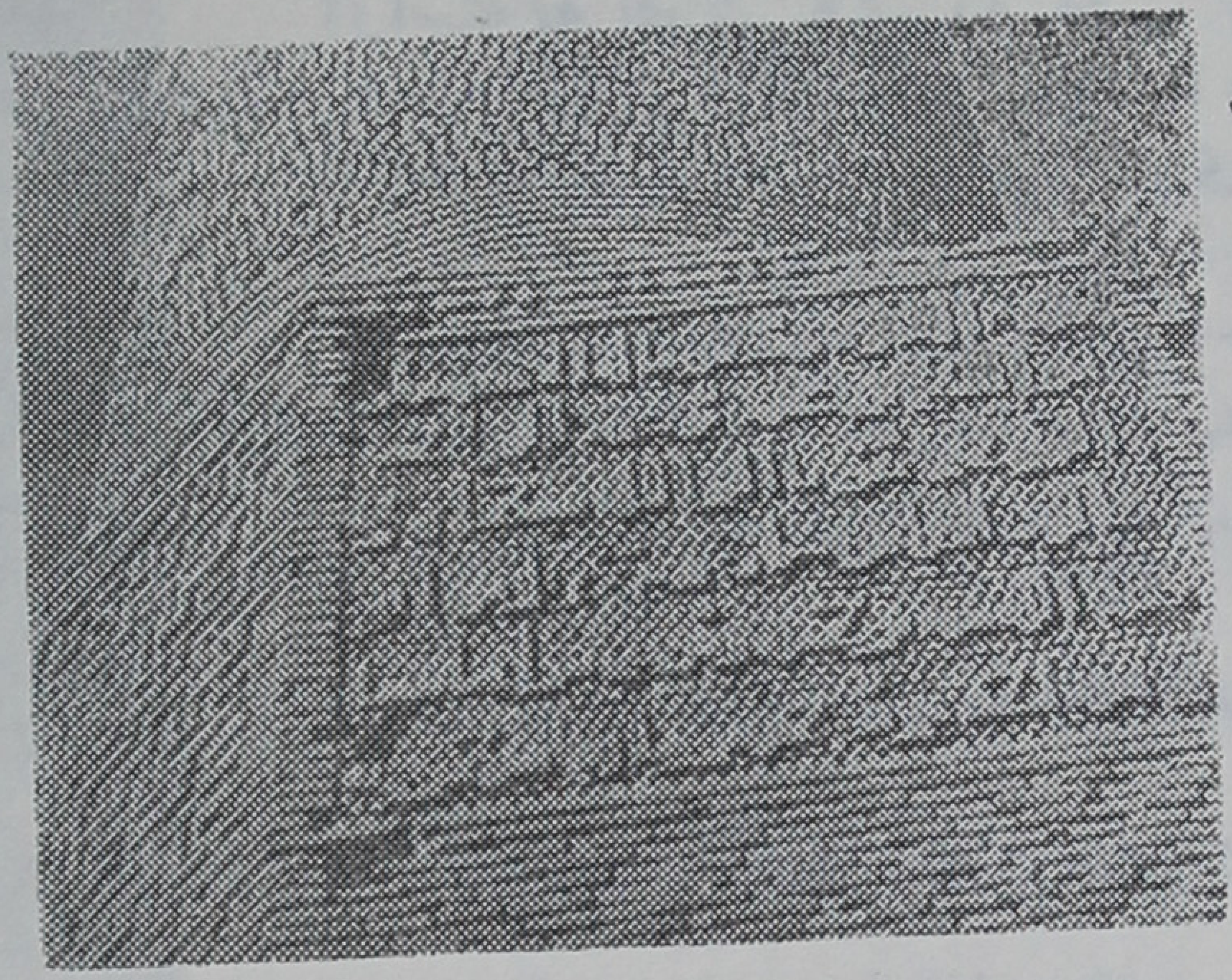


تصویری از مناره برسیان

هذه المنارة بنت من ماله الاسفهسلار ابی الفتح بن محمد بن عبدالواحد النهوجی تقرباً الی الله سبحانه و تعالی و ابتغاء مرضاته و جزیل ثوابه تقبل الله منه برحمته و فرغ من اتمامها فی سنة احدی و خمسمائة هجریة.



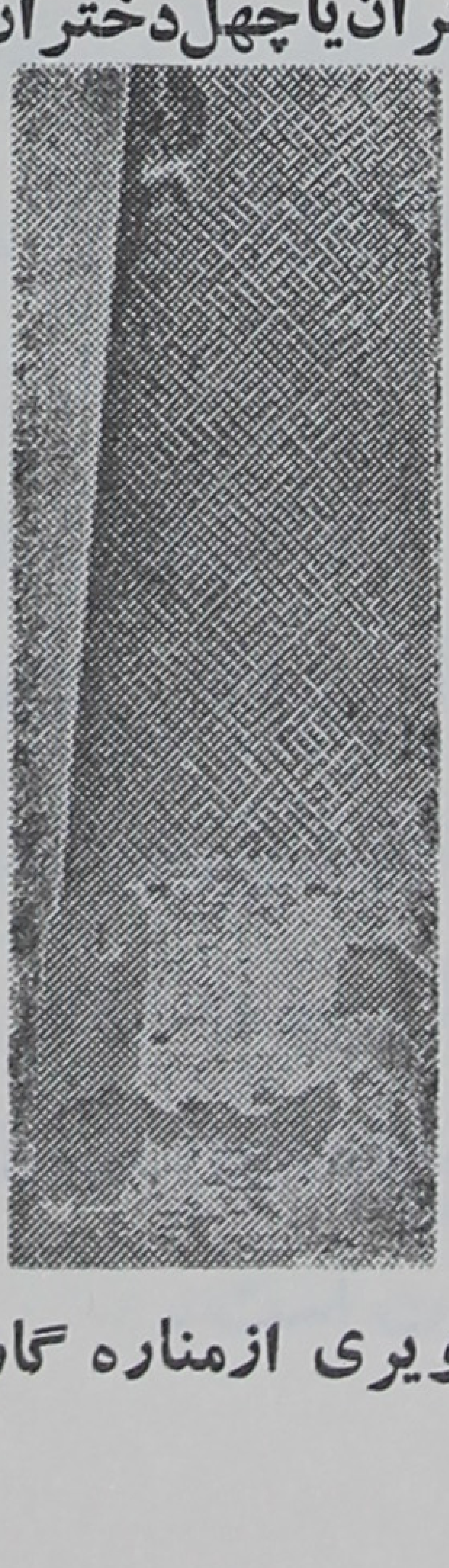
تصویری از منارهٔ چهل‌اختران یا چهل‌دختران



تصویری از کتیبه پائین مناره درقسمت مضلع

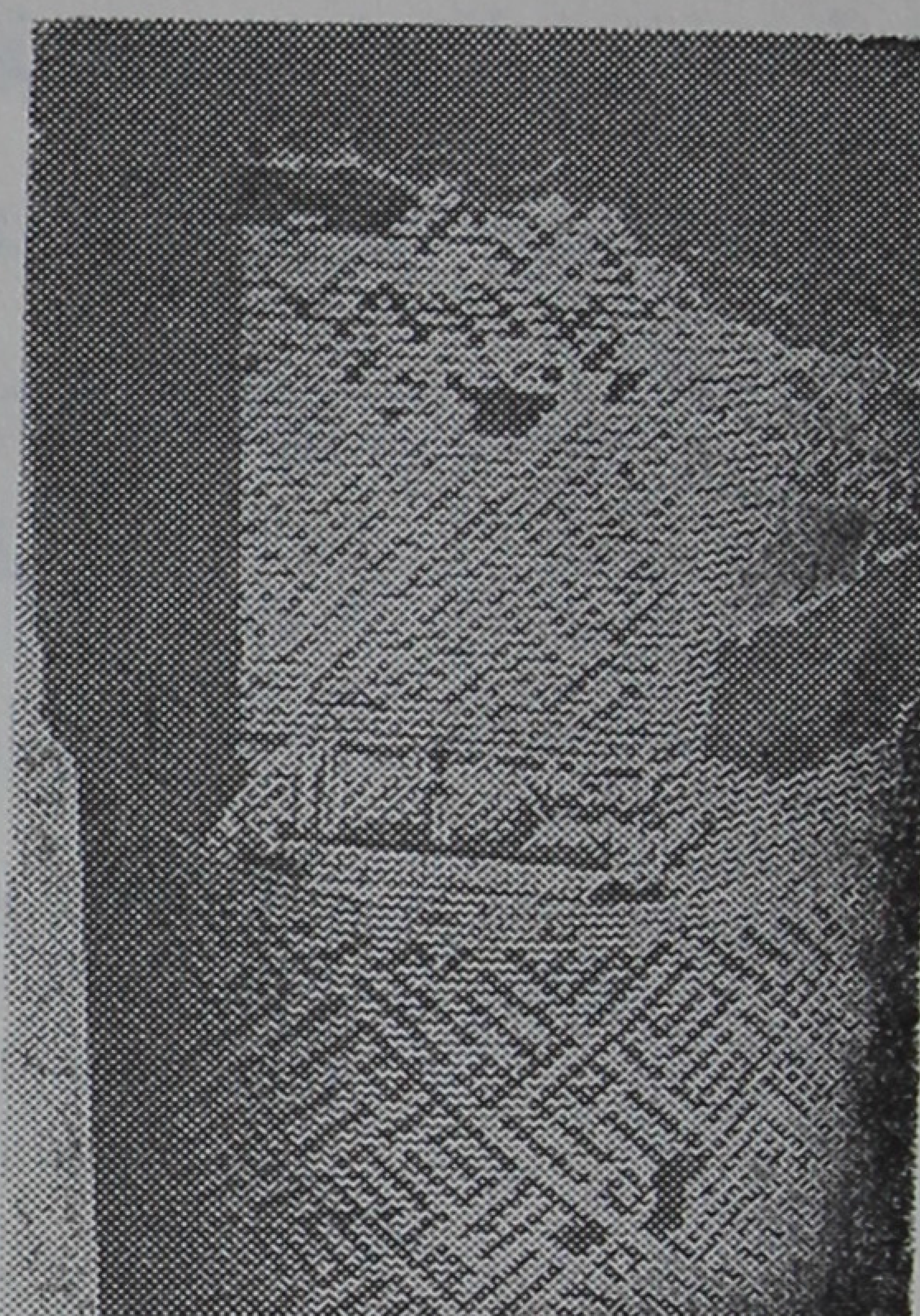
و پس از آن از منارهٔ مسجد جامع ساوه میتوان نام برد که جدارش منقش آجری و دارای سه کتیبه زانو بندی و کمر بندی و گلو بندی بخط برجسته و متنوع کوفی حاکی از تاریخ ۵۰۴ هجری (اربع و خمسمائة) میباشد که قبلا ضمن توصیف از مسجد جامع ساوه از آن یاد شد.

و بعد از آنهم از منارهٔ قریهٔ جار یاقاره معرب گار میتوان یاد کرد که در ۲۲ کیلومتری شرقی اصفهان در بستر زاینده‌رود واقع است و تمام جدارش آراسته به تزیینات شطرنجی متضمن کتیبه‌ای به‌خط بنائی آجری فرو رفته ـ ایست که روی هر مربعی جمله (الملك لله) بطور مکرر خوانده میشود.



تصویری ازمناره گار

ارتفاع آن فعلا حدود بیست متر است پس از آنکه قسمتی از تارك آن فروریخته است و قاعده آن همسطح بام مسجد بشکل



تصویری از قاعده مضلع مناره گار وکتیبه آن

مثمن است که در منتها الیه وبالای این قسمت کتیبه ایست به خط کوفی برجسته آجری و روی آن عبارات وتاریخ ذیل خوانده‌میشود . (بسم‌الله الرحمن الرحیم قدامر ببناء هذه المنارة الزهید الرئیس سید الرؤساء ابوالقسم بن احمد بن ابی القسم فی سنة خمس عشر و خمسمائة) ولی مسجدی در سال ۶۶۰ درجوار آن از ناحیه رشید الدین محمد بن ابی القسم بنیان گردیده است که نام وی در کتیبه گچبری موجوده‌درسینه جدار مخروبه مسجد حوانده میشود .



تصویری از مناره گز

وپس از آن از مناره دهکده گز در ۱۸ کیلو متری شمالی اصفهان میتوان نام برد که قسمت بالای آن خراب شده است وقسمت پائین آن حدود ۱۲ متر درجوارمسجد جامع آن قریه باقیست که آراسته‌به تزیینات آجری زیباتر وبهتری است و بقرینه نوع تزیین به آثار سال ۵۲۰ تا ۵۲۵ ملحق میگردد .

ولی مسجد متصل به آن درسال ۹۵۲ وعهدشاه‌تهماسب صفوی ساخته وپرداخته شده است که‌نام بانی وتاریخ بنا و استاد آن در کتیبه‌ها بخط ثلثی برجسته از کاشی معرق خوانده‌میشوند وبرذکر آنها اثری مترتب نیست .

وپس از آن ازمناره قریه‌سین درشش کیلومتری شمالی قریه گز میتوان یاد کرد که دارای جداری آراسته به نقوش آجری بهتر و نیکوتر از مناره جار است ولی



تصویری‌ازمناره سین

مشابه آن میباشد که بیش از ۲۵ متر ارتفاع دارد وقسمت بالای آن‌متمایل شده است ودر کتیبه گلوبندی آن که‌روی کاشی‌های خشتی بخط‌برجسته کوفی است آیه۳۳ازسوره فصلت یعنی (ومن احسن قولا (تا) من‌المسلمین) خوانده میشود واین کتیبه قدیم ترین اثر کاشیکاری است که‌تاریخ بنایش‌در ذیل مناره نیزموجود است .

متأسفانه بواسطه خمیدگی مشهوده درثلث‌فرازین‌چه بسا قسمت بالای آن فروریزد ودرهر صورت از کاشیهای آن باید حفاظت گردد .

اما تاریخ بنای مناره ونام بانی‌آن که‌اشاره شد در ضلع شرقی قاعده‌مربع آن درسطح بام‌بخط کوفی‌برجسته آجری در زمینه آجری و آراسته به تزیینات گچی چنین خوانده میشود.

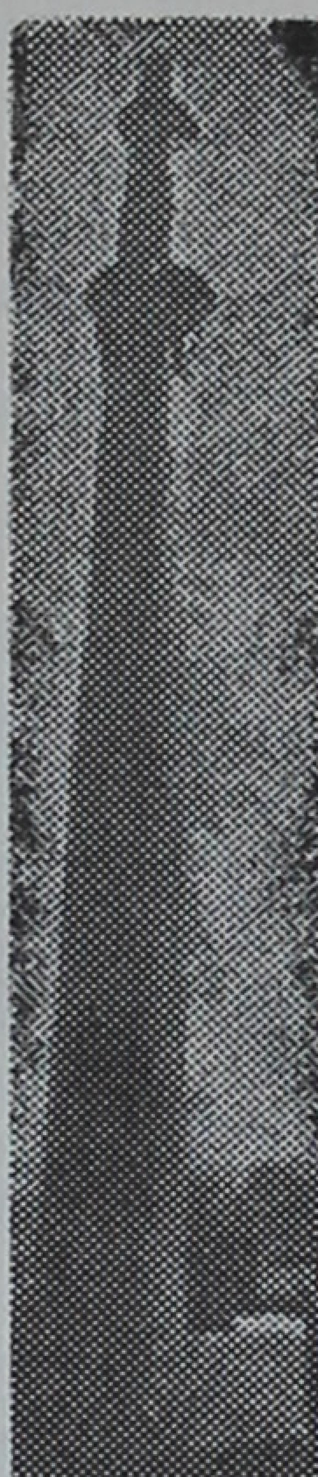
بسم‌الله الرحمن‌الرحیم‌امر ببناء هذه المنارة العبدالمذنب‌الراجی لعفوالله تعالی ابواسمعیل محمدبن الحسین بن علی بن زکریا تقبل الله منه وذلك فی‌رجب سنة ست وعشرین وخمسمائة .

که باوجود این کتیبه اصیل بنای آن درسال ۵۲۶ مسلم میگردد هر چند در لوحه سنگی که در بالای محراب مسجد مجاورآن نصب شده است تاریخ ۵۲۹ حجاری گردیده است زیرا تاریخ دوم مربوط‌به اتمام بنای مسجد وتزیینات آن پس‌از بنیان مناره میباشد.



تصویری‌از مناره سین

و بعد از آن مناره ایست که در کنار مسجد علی در داخل شهر اصفهان است که از شاهکارهای هنری معماری و کاشی کاری بـوده ارتفاعش ۵۱/۵۰ متر وبشکل مخروطی ومحیط آن درپائین۱۶ و دور



نعلبکی آن ۱۲/۸۰ متر می باشد و دارای ۱۶۴ پله ۰.۳۵/. سانتیمتری میباشد.

جدار این مناره آراسته به نقوش گوناگون آجری با پنج کتیبه کاشی و آجری بخط کوفی و بنائی است که تاریخی ندارند ولی بشهادت سبك بنا و نوع تزیینات کاشی و آجری از آثار سال‌های ۵۴۰ تا ۵۵۰ میباشد.

اما کتیبه‌های آن از بالا بپائین چنین است که ۱- درقسمت بالای نعلبکی بخط کوفی برجسته از کاشیهای فیروزه ای در زمینه آجری تکرار کلمه توحید یعنی (لااله‌الاالله) است.

تصویری از مناره مسجد علی

۲- نیز بخط کوفی از کاشی فیروزه‌ای زیر مقرنس نعلبکی آن تکرار جمله (الملك لله) است.

۳- نیز بهمان خط و کاشی عبارات (لااله‌الاالله محمد رسول الله) میباشد.

۴- بخط بنائی برجسته گچبری در زمینه شطرنجی جمله (هو الله الذی لا اله الاهو) بطور تکراری است.



۵- به‌خط بنائی آجری برجسته درزمینه کچی درساق آن همسطح بام‌مسجد آیه شریفه (شهدالله انه لااله‌الاهو والملئکة و اولوا العلم قائماً بالقسط) است.

وچند مناره آتیة‌الذکر درعرض یکدیگرند.

چون مناره ساربان درداخل‌شهر اصفهان محله جوباره به‌ارتفاع ۴۸ متر که‌محیط قاعده‌اش ۱۴ متر ودارای سه طبقه وهفت قسمت‌تزیینی متمایز آجری ومعقلی و مقرنس و تاج و تارك است که‌هریك بنوعی آراسته شده اند.

تصویری از مناره ساربان

درزیر هرتاج کتیبه‌ای‌است از کاشی ممتاز فیروزه فام و برجسته‌در زمینه آجری بخط کوفی (لااله الاالله صادقاً مخلصاً محمدرسول‌الله)،

(بسم‌الله الرحمن الرحیم ومن احسن قولا ممن دعا الی‌الله وعمل صالحاً وقال اننی من المسلمین).

وسپس در جدار آن تکرار اسامی محمد ـ ابوبکر ـ عمر ـ عثمان علی بخط بنائی از کاشی در زمینه آجری است.



تصویری از مناره راهروان

وقسمت پائین آن بخط بنائی فرورفته آجری تکرار کلمه توحید و آیه (وهو بکل شیء علیم) و (هو السمیع البصیر) میباشد.

ودیگری از آن مناره دهکده زیار دربستر جنوبی زاینده‌رود ۳۳ کیلومتری اصفهان برابر مسجد برسیان است. فاقد تاریخ وتنها نمونه مناره‌های سه‌طبقه قدیمی است که نمونه‌جدید آنهم در مسجد اعظم قم ساخته‌شده‌است ارتفاعش ۵۰ متراست که از نوع تزیینات و مقایسه آن با سایر مناره‌ها بظن‌قوی با مناره ساربان همزمان ساخته شده است.

ودر کتیبه‌زیر نعلبکی آن همان آیه ۳۳ سوره فصلت بخط کوفی برجسته کاشی فیروزه‌ای در زمینه آجری خوانده میشود.

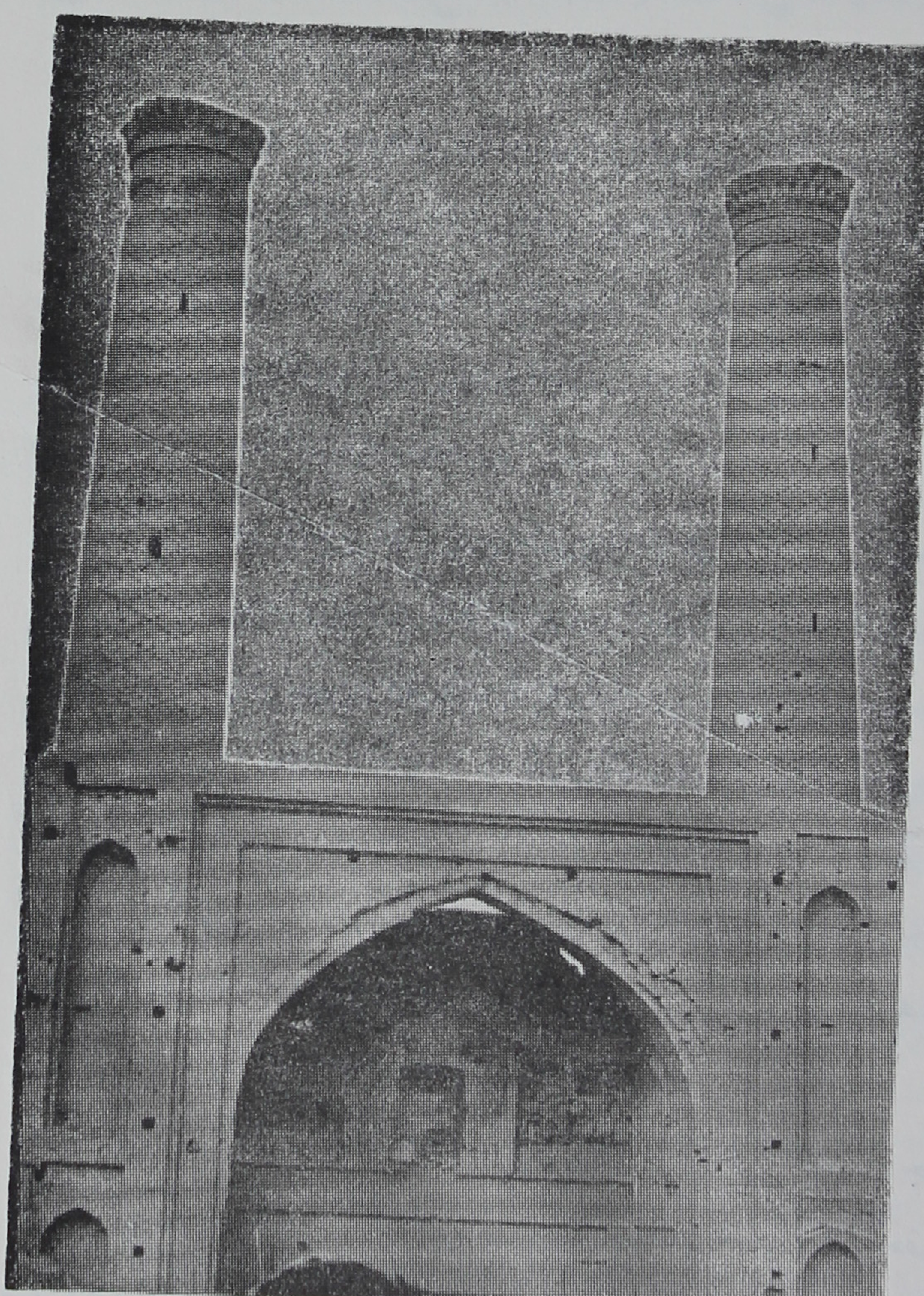
ودیگری مناره‌دهکده‌راهروان شش کیلومتری شمال‌شرقی اصفهان به ارتفاع ۳۰ متر فاقد تاریخ است که‌بقرینه‌میتوان گفت حدود سال ۵۷۵ و بعداز مناره‌های مسجد علی وساربان ساخته‌شده است.

و در گلوگاه آن‌بخط ثلثی از کاشی برجسته جمله «لا اله الا الله صادقاً مخلصاً محمدرسول‌الله» خوانده میشود.

تااینجا تاریخچه‌تطورات مناره‌های‌فردی نگاشته‌شد ومناره‌فردی قم نخستین مناردایران نامبردار گردید اینك به‌تاریخچه مناره‌های‌زوجی پرداخته توضیح میدهد که‌از سالهای ۵۲۵ ببعدبه نمونه‌هائی ازمناره‌های

تبعی وزوجی که درطرفین ایوانهای مساجدیاسردرب وورودی‌مدارس‌ساخته‌شده‌اند برخورد میشویم .

که یك نمونه آن مناره های زوجی سر درب مدرسه شرفیه در میدان کهنه قم میباشد .



تصویری ازسردرب مدرسه‌درقم‌بامناره‌های زوجی

که‌میتوان آنهارا در شمار نخستین‌مناره - های زوجی و تبعی ایران دانست وبرای روشن‌شدن مطلب به نقل‌گفته ملك‌الوعاظ شیخ‌ابو الرشیدنصیر-الـدین عبدالجلیـل رازی‌قزوینی‌در کتاب النقض که‌درسال ۵۵۵ از تألیف آن فراغت یافته‌است‌وتنهامستند قدیمی‌دراین‌باره‌تلقی میگرددمیپردازد. در صفحه ۱۶۳ ۱۶۴ چنیـن آورده است که :

معلوم است درشهرقم که همه شیعه‌اند آثار اسلام وشعائر دین وقوت اعتقاد چگونه باشد از جوامعی که ابوالفضل عراقی کرده است بیرون شهر وآنچه‌بهاء

الدین کمال ثابت کرده است در میان شهر از مقصوره های بازینت و منبرهای با تکلف و مناره‌های رفیع و کراسی علماءونوبت عقود مجالس‌وکتب خانه‌های ملأ از کتب طوایف ومدرسه‌های معروف چون:

مدرسه سعدصلت

ومدرسه اثیرالملك

ومدرسه سعدسعید عزالدین مرتضی

ومدرسه امام زین‌الدین امیر شرفشاه الحسینی که قاضی وحاکم است

ومدرسه ستی‌فاطمه بااوقاف وفقهاء وائمه به زینت تمام‌وقبولی‌عظیم

ومدرسه ظهیرالدین عبدالعزیز

ومدرسه استادابوالحسن کمیج

ومدرسه شمس‌الدین مرتضی باعدت وآلت ومدرس ودرس

ومدرسه المرتضی الکبیرشرف‌الدین بازینت وآلت وحرمت و قبول.

و مساجد بیمرو مقریان فاخر وعالم به قرآن و مفسران عارف به منزلات و مؤولات وائمه نحو ولغت واعراب وتصریف وشعرای بزرگ‌وفقهاء و متکلمان از اسلاف به اخلاف رسیده و نماز کنندگان به شب و اهل بیوتات از علوی و رضوی وتازی ودیالمه که‌هر سحر گاهی از چند مسجدومناره آواز موعظه وبانگ نماز متواتر است وهمه روزه درمساجد کبیره وصغیره ومدارس معروف وسراهای بزرگان ختم قرآن معتاد ومعهود میباشد.

ودرصفحه ۲۲۰ درعداد وزرای‌قم ازعراقی نام‌برده چنین آورده‌است.

(ومیرابوالفضل عراقی در عهد سلطان طغرل کبیر مقرب ومحترم بودباروی شهرری او کرد وباروی قم‌اونهاد ومسجد جامع عتیق قم ومناره ها او نمود ومقبره معظمه ستی‌فاطمه بنت موسی‌بن‌جعفراو کرد) .

که‌بادقت در عبارات یادشدهٔ انسان برجزئیات اموربسیاری آگاه گشته از

هرجمله آن یك امر مجهول آشکار میگردد .

و آنچه فعلا مورد نظر است آنستکه میرابوالفضل درعهد طغرل سلجوقی و به سال ۴۴۷ که آن سلطان از بغداد به جانب ری بازگشت ودر شهرری تاپایان عمر(۴۵۵) اقامت داشت باره ری وقم ومشهدستی فاطمه ومسجد جامع بامناره‌های آنرا درخارج شهر بنانهاده است .

وبارها نگاشته شده است که شهرقم در آن زمان در اراضی براوستان یعنی خرابه‌ایکه بنام تپه قم درویش یاقل درویش مشهوراست قرارداشته‌است .

بنابراین مسجد جامع کمال ثابت (۱) وزیر سلطان مسعود سلجوقی که در حدود سالهـای ۵۲۵ تا ۵۳۰ بنیان نهاده است در داخل حصار و میان شهر قدیـم دربراوستان بوده‌است .

وبالعکس مسجد جامع عتیق میرابوالفضل درخارج شهرساخته شد ودرآن عصر درخارج شهرجزمیدان زکریابن آدم که معموربود وبواسطه مسجد ابوالصدیم و مناره‌اش واحداث دارالحکومه و ضرابخانه و زندان ودارالامـاره وسعه محوطه که‌مرکزیت خاصی برای اجتماعات دینی داشته است مکانی متناسب برای احداث جامع درخارج شهربه جزدرهمین میدان نبوده‌است .

واما مدارس نه‌گانه یادشده هم بعقیده نگارنده اکثرشان درداخل حصارشهر بوده‌اند وبه‌قرینه سه مدرسه ذیل درخارج شهرقرارداشته‌اند که:

---

(۱) ودرتاریخ‌عماد منشی (رئیس دیوانخانه شاه‌اسمعیل) درباره کمال ثابت چنین آورده است که(وهذاثابت کان‌من‌دهات‌الرجال بمشورته شیدت القواعد وشدت المقاعد و ولی المقتفی‌وخلع الراشد ـ فنکب الکمال ثابتاً المستوفی وقبضه واعدمه و قیل انه خنقه و اذهب بذهابه‌بهجة الملك و رونقه‌وکان ذلك برأی سعدالدین اسعد المنشی الخراسانی(ودرمورد قتل عزالملك وزیر مینویسد (فقتل مثل القتلة التی قتل بها الکمال ثابتاً) که ازعبارات فوق منتهای قدرت وسطوت ونبوغ وی کشف میگردد .

یکی مدرسه ستی فاطمه که درجوار آستانه بوده است وبطوریکه نگاشته شد پس ازتغییر مسیر رودخانه ازشمالی شهربه غربی آن درمسیر رودخانه قرار گرفت .

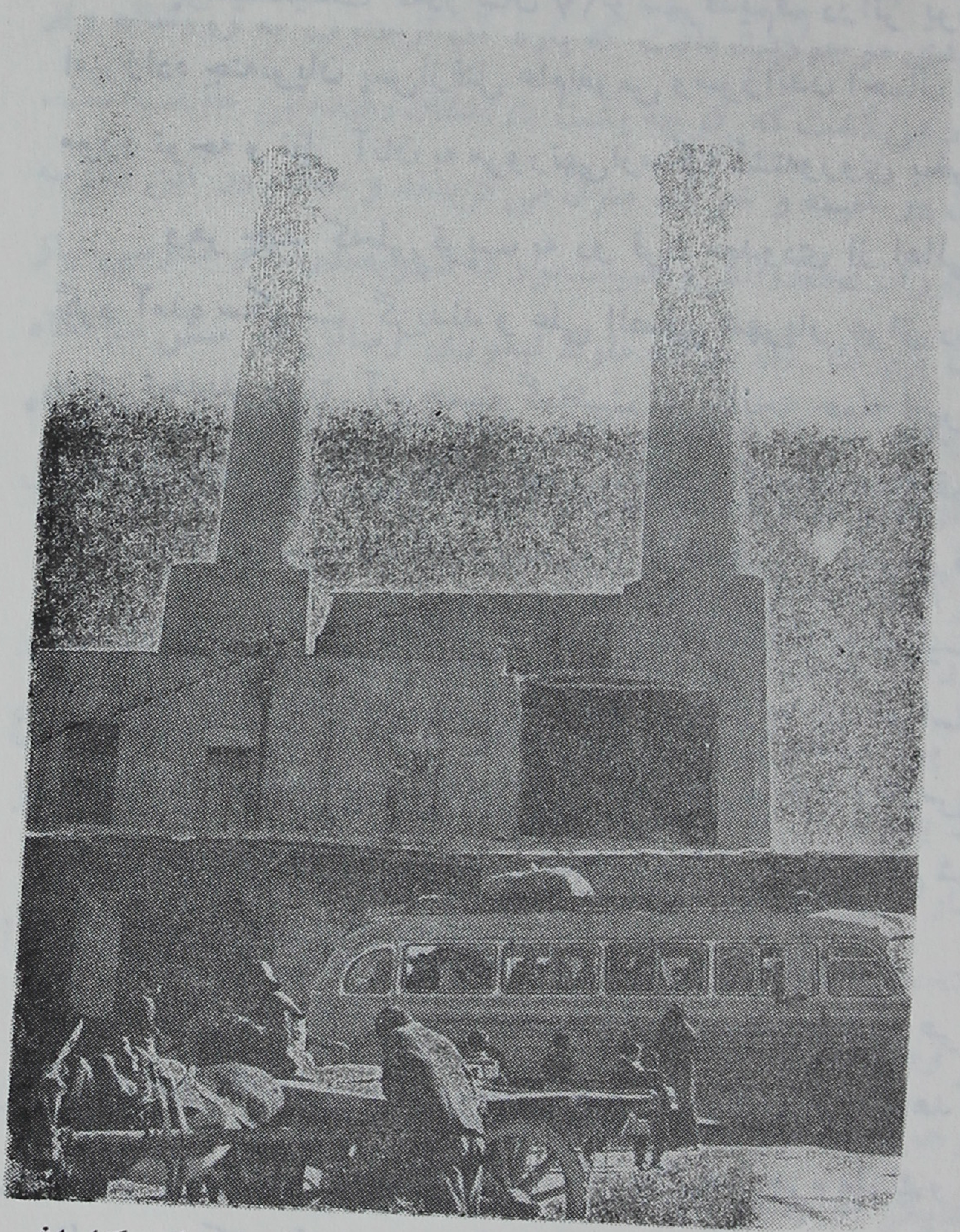
دیگری مدرسه امام زین الدین که بنظر میرسد مکان آن در کوی سنگ سیاه از محله رضویان قرب چهل اختران بوده است یعنی همان محلی که تکیه و حسینیه و مسجدی بنام امام زین العابدین موجود و معمور است بنابراین باید گفت که در نام آن تحریفی راه یافته نام امام زین الدین به امام زین العابدین تغییر داده شده است وچه بسا که مدرسه زین الدین همین مدرسه ای باشد که چون درعصر صفویه ازناحیه مؤمن شاملو امیرعجم تجدید گشت بنام مدرسه مؤمنیه خوانده شد وبعداً چون انبار آذوقه وعلوفه افغانیان ومرکز تحویل آن گردید به اسم تحویلخانه شهرت گرفت ودراین زمان چون ازناحیه آیت الله سیدشهاب الدین مرعشی نجفی از اساس نوسازی گردید بنام مدرسه مرعشی نامیده شد.

وسومی مدرسه شرفیه یعنی مدرسه ایست که شرف الدین وزیر بنا کرده است که در اثر سیل بسال ۱۰۴۵ منهدم گردید واز مجموع آن جزهمین ایوان و دومناره باقی نمانده است زیرا درسال ۵۴۷ درداخل حصار محلی برای احداث مدرسه ای موسع نبوده این نقطه هم مرکزیت تام وتمامی یافته بود وبنیان مدرسه درنقطه دور ازسروصدا هم انسب مینمود .

بالجمله بعقیده نگارنده این سردرب بادومناره از بقایای مدرسه شرفیه است که درسال ۵۴۷ چون سلطان سنجربه دست غزها گرفتار گشت شرف الدین ابوطاهر سعد قمی برای حفظ عراق از اختلال واغتشاش به قم هجرت کرد وبه احداث این مدرسه پرداخت وتاسال ۵۵۱ که سنجر از محوطه غزان فرار کرده درسمرقند از نوبراریکه جهانبانی جلوس نمود بنای آنرابه پایان رسانید.

واز ظاهر عبارات النقض وعنوان (المرتضی الکبیر) درمقدمه نام آن وزیر چنین برمیآید که سطور مزبوره درزمان حیات آن وزیر وبه سال ۵۵۱ برشته تحریر

در آمده است .



تصویری از محوطه داخلی مدرسه شرفیه که گاراژ شده است

ومایه کمال تأسف است که در دوره افغانها چون این مدرسه دراثر سیل منهدم شده بود محوطه آنرا بهاربند دواب خود قرار داده بودند و قرنها هم محل فاضل آب شهر شد زیرا تنها همین مدرسه دارای سرداب سراسری برای سکونت تابستانی بود که پس از خرابی چاله آن چندین متر از سطح اراضی مجاور گود مینمود واخیراً محوطه مزبوره از ناحیه اوقاف به بعضی از کسبه اجاره داده شده است و بصورت میدان بار فروشی و گاراژ در آمده است .

اکنون متناسب دید که نتیجه بررسیهای خود را درباره این مدرسه وتحولات و تطورات آن در قرون وسطی بر سبیل اشاره در سینه این صحایف بسپارد وزبان حال این منارهها را که با گوش هوش شنیده است ثبت کند .

پوشیده‌نیست که‌در سال ۶۱۷ شهرقدیم‌قم دراثر یورش‌سپاه مغول‌بفرماندهی امیرزاده جته‌نویان پس‌ازقتل عام‌نفوس وسوزاندن احمال و اثقال و انهدام بناهای مورد توجه و نظر آنان به مرورتهی‌ازسکنه‌گشته‌وروی بخرابی رفت.

وهر چند که‌طی قریب به دو قرن معدودی از اهالی فاقد بضاعت در آنجا گرد آمده سکونت گزیدند و علی الصفی شهریار عراق در اواخر قرن هشتم هم برای تجدید رونق آن همت گماشت اما سانحه حمله امیر تیمور گورکان در سال ۸۰۵ این‌شهر را به تل خاکی تبدیل ساخت که‌بنام‌تپه‌های‌قم درویش مشهورگشت.

باید توضیح دادکه درنیمه دوم قرن‌هشتم از دوران فترت که ایرانیان وطن‌پرست در هر ولایت وایالت برای کسب استقلال به فعالیت پرداخته کشور ایران بصورت ملوك الطوایفی در آمد ملوك سربداریه در خراسان تا سمنان و امیر قوام الدین مرعشی در مازندران و ملوك آل مظفردر یزد وفارس وکرمان سلطنت هائی تشکیل داده بودند. علی الصفی هم‌دراصفهان وعراق‌عجم شهریاری‌خوانده‌میشد که مورد احترام پادشاهان مزبور بود.

چون‌نامبرده شیعی مذهب‌بودبه‌سکونت‌قم درقلب عراق علاقمند وبه‌حمایت افواج قم‌و کاشان وساوه مستظهر بود که‌بسیاری از مشاهدآینده در شهر واطراف از آثار وی وفرزندانش می‌باشند که‌همگی‌هم جزء ملوك و حکام اصفهان بوده‌اند ونامبرده‌در کتیبه‌بقعه‌خدیجه‌خاتون بعنوان شهریارخوانده‌شده‌است.

امادر حمله تیمور شهرقدیم چنان باخاك یکسان گشت که دیگر احدی رغبت بازگشت به‌خانه‌و کاشانه‌خودرانکرد و آنسرزمین به ویرانه‌ای‌جغدنشین‌تبدیل گردید.

وبه مرور گروهی ازمردم از دهکده ها به‌این نقطه روی آورده عماراتی در اطراف میدان ومسجد جامع وچهل‌اختران بنیان کردند اما عمارت وسیع ومجللی که شایسته نزول پادشاهان باشد دراین‌محوطه به جزهمین‌مدرسه وجود نداشت‌زیرا مدرسه ستی‌فاطمه به واسطه‌مجاورت با گورستان‌مخوف آن عصربرای نزول ملوك

شایستگی نداشت و هنوز هم درحوالی آستانه عمرانی بعمل نیامده بود .

بمرور شهر جدیدی موجودیت یافت که باره آن ازجنوب به رودخانه واز غرب به گورستان محدود می گشت که کوچه پشت باره نشان دهنده این حقیقت است.

ناچار پادشاهان در خیمه و خرگاه منزل می گزیدند و حکام در این مدرسه اقامت می کردند زیرا دوران قحط دانش و فضیلت بود که شهر به مدرسه و مدرسی نیاز نداشت در نتیجه ایوان بزرگ آن بارگاه ملوك تیموری وسالن در سش منزلگاه سران و حجراتش جایگاه امیران و وزیـران و چهل ستون با سردابش خوابگاه سربازان شده بود و ازعصر صفویه که حوزه علمیه دگرباره در قم تأسیس گشت پادشاهان درخیمه وخرگاه نزول می کردند .

اما دیری نپائید که افاغنه بـر قم مستولی شدند و چون این شهر در مـرز قسمت متصرفی آنان بود ساخلوی دراین شهر مستقر کردند که باغ معروف به باغ قلعه سرباز خانه آنان بود و از نو مـدارس تهی از اهل علم گشته بعنوان مـرکز سکونت امراء ویاانبار آذوقه وعلیق سربازان موردبهره برداری قرارگرفت .

تا آنگاه که فتحعلیشاه قاجار بسال ۱۲۱۷ خانه‌های شاهی رابنانهاد و مجدداً مدارس قم رامعمور وطلبه نشین گردانید .

پس آغاز موجودیت شهر کنونی قم از اواسط قرن نهم بود که امیر زادگان تیموری به جان یکدیگر افتاده هریك که بر کشور یا ایالتی حکومت داشتند در اندیشه کسب استقلال بـه تلاش افتاده برادر بر برادر و پسر عـم بر پسر عم رحم نمی کرد ودر این ماجرا شهرقم ناظر صحنه‌های خونینی بوده از حداکثر عمران هم برخوردار آمد .

شاهرخ شاه برتخت نشست وقبل از آنکه بتواند بفرزند خودبایسنقر حکومت بخشد امیرزاده سعد وقاص پسر امیرتیمور درقم وساوه وکاشان حکومت یافت.

واز سال ۸۱۸ بعمران آن همت گماشت و چنان قدرتی کسب کرد که امرای

مغضوب از هر گوشه چون خدمت او را باعث مصونیت از خطر دیده بسوی قم روی آورده بدو پناهنده میشدند و دراین مدرسه سکونت می گزیدند.

در همین اوان قرا یوسف ترکمان از ارز روم بجانب آذربایجان و آران لشگر کشیده تا سلطانیه رازیرنگین کشیدو امیر بسطام را بحکومت سلطانیه بگماست و در اندیشه تسخیر عراق روز شماری میکرد.

و امیر بسطام که با شاهرخ روابط حسنه داشت چون نمیخواست بجانب عراق لشکر کشی کند فرزند خود را در سلطانیه بگماشت و خود بجانب قم عزیمت نموده بسعدوقاص پناهنده شد.

وسعد بمجرد ورود امیر بسطام ویرا دریکی از حجرات همین مدرسه بزندان افکنده ماجری را باپیکی مخصوص به استحضار پادشاه رسانیده دراین باره کسب تکلیف کرد.

وشاهرخ شاه باتوجه بعظمت و شخصیت امیر بسطام و بپاس خدماتی که به خودش و پدرش کرده بود برای سعد جواب فرستاد که بسطام تربیت یافته ماست چرا هنگامیکه بتو پناهنده شد اورا به مال وسپاه مدد ندادی بوصول مکتوب اورا بلافاصله آزاد ساز وزیاده بنواز.

اماسعد باخوف از آزادکردن امیر نیرومندی چون بسطام و بواسطه بیم از خلع واستیضاح پادشاه تعلق خواجه را برای ضبط اموال درقم بگماشت وخود امیر بسطام را برسم پیکی همراه برداشته باسیصد سوار قدم دربیابان ادبار نهاده بجانب آذربایجان بشتافت.

وقرا یوسف مقدم ویرا زیاده گرامی بداشت و بااستظهار به سعد وقاص عراق عجم را خورده یافت پس اورا چندان بنواخت که بخیال باز گشت برنیاید از این روی مقدم برهرکار فرزند بسطام بنام اخی فرخ را باگروهی از ترکمانان ازسلطانیه روانه قم گردانید تاهمسر سعد راباتجلیل به آذربایجان اعزام بدارد وخود باترکمانان

برای تصرف عراق درقم بماند.

اخی فرخ به خدمت شاهزاده خاتون آغابیگی دختر امیر زاده میرانشاه بن امیرتیمور همسر سعد رسیده زمین ادب ببوسید ومأموریت خویش را بعرض رسانید.

اما شاهزاده قبل از ورود ترکمانان نزد خود بیندیشید که سعد غلط فاحشی کرده است که بدشمن پناهنده شده است و هر گاه من هم بدو ملحق شوم چه بسا ترکمانان درباره ماسوء قصدی کنند و در این صورت حال ما نزد ترکمانان چگونه خواهدبود پس تدبیری نموده نوکران خویش را مجهز ومسلح گردانیده درجریان تصمیم خویش قرارداد وبه مجردیکه اخی فرخ وترکمانان رسیدند فرمانداد تا همه را ازبرابرتیغ گذرانیدند وسپس ندماء و مشاورانی هم که او را برای رفتن به نزد قرا یوسف تشویق وترغیب کرده بودند نیز بقتل رسانید.

بلافاصله سرهای بریده راهمراه نوکرمخصوص ومعتمد خویش بنام شیرزاد با عریضه‌ای متضمن ماجری بخدمت پادشاه فرستاد.

اما شاهرخشاه برما وقع اطلاع یافته شیخ علی نوکر امیر زاده میرزا رستم را مصحوب استمالت نامه‌ای برای شاهزاده فرستاده اورا براین امرتحسین و تقدیر کرده ویرا بجای سعد وقاص بحکومت بلاد مرکزی عراق عجم بگماشت واطمینان بخشید که در هرحال مراقب وی بوده ازاو حمایت خواهدکرد.

پس از این حادثه پدیده‌ایکه شایان ذکر بنظر میرسد جلوس سلطان پیرمحمد حکمران فارس فرزند عمر شیخ بهادر بن امیر تیمور است که با لیاقت و شجاعتی که داشت بـر دو برادر خود سلطـان رستم حـاکم اصفهان و سلطان اسکندر حکمران همدان استیلایافته بر فارس و عراق عجم نیز سلطنت یافت و در این شهر نزول کرده قمرا دارالملك خود گردانید وتختگاهی برای جلوس رسمی در همین مدرسه بنانهاد که در جبهه مدخل آن آیه شریفه (قل اللهم مالك الملك تؤتی الملك لمن تشاء وتنزع الملك ممن تشاه تعزمن تشاء وتذل من تشاء بیدك الخیرانك علی کل

شیءقدیر) کتیبه گردانید که‌ممکن است این ایوان مدخل تختگاه مزبور و آیه‌فوق در کمربند آن کتیبه شده باشد.

بالجمله آوازه حشمت وعظمت پیرمحمدبگوش متمردین رسیده گروهی‌از امیران وشجاعان هم بدو پیوستند.

پیرمحمد چون‌شنیدامیر بایزید حاکم‌لر کوچك بدست خادم خودبهلول‌بقتل رسیده نامبرده‌به‌جای مخدوم خود درنهاوند برمسند حکومت نشسته است‌بدان‌سوی لشکر کشیده پس از مقاتله‌ای بربهلول دست یافته ویرا بقم‌آورد و دربرابر تختگاه خودبرای‌عبرت‌دیگران‌در میانه آتشی که بفرمان اوافروخته بودند بیفکند.

وکارش‌بجائی‌رسید که‌شاهرخ‌شخصاً بجانب عراق‌لشکر کشید وپیرمحمدروی به‌وادی ادبار نهاد.

درسال ۸۴۰ چون‌شاهزاده بایسنقر فرزند آن پادشاه که‌برایالات آذربایجان و مازندران وگرگان وعراق حکومت داشت وبزرگترین نویسنده خط ثلثی وثلث و نقاش ومذهب عصربود وفات یافت وعلاءالدوله فرزندارشد وی بجای پدربسلطنت گمارده شد برادر خود سلطان محمد راکه در زی دراویش درآمده بود بحکومت سلطانیه وقزوین گماشت ونامبرده باکسب قدرت‌بکمك دراویش شهرری راتسخیر کرده بقم‌آمد واین مدرسه را خانقاه دراویش‌گردانید و فرقه متصوفه سلطان محمد را شهریارعراق خوانده جمع کثیری از سادات اصفهان هم بقم سفر کردند وسلطان محمد را برای تسخیرآن شهردعوت‌نمودند و شعرای آن شهرهم ابیاتی در ستایش وی‌سروده‌دراعیادرسمی بپاایستاده درملأ عام بروی‌می‌خواندندوجمعی‌ازسرداران‌هم ازهرگوشه وکنار بدوپیوستند.

وسلطان محمد که پادشاه را درسنین کهولت‌دچار بیماری میدانست هیچگاه احتمال نمیداد که شخصاً بجانب عراق لشگرکشی کند ازاین روی عازم تسخیر اصفهان‌گشت زیرا قبلا پس‌ازمقاتله باامیرحسین برشهرهمدان نیزاستیلایافته بود.

پادشاه بدو اخطار کرد که ازعراق چشم پوشیده بجانب سلطانیه حرکت کند و به خطه حکومت مقرر خویش بسازد و مصحوب نامه مزبور خواجه شمس‌الدین محمد بخاری را بقم اعزام داشت تابضبط خراج عراق بپردازد ولی سلطان محمد خواجه‌را تحویل نگرفت بلکه همچنان بکار خود ادامه‌داد سرانجام خواجه هم مأیوسانه بجانب خراسان بازگشت.

وسلطان محمد در سال ۸۴۹ بسوی اصفهان لشگر کشیده آنشهر را بگشود و سپس متوجه فارس گردید.

ولی شیخ نجیب‌الدین ابوالخیر نایب سلطان عبدالله بن سلطان ابراهیم حاکم فارس بحصار داری پرداخته ماجری را توسط پیکی بعرض رسانید وسرانجام پادشاه به اصرار مهد علیا گوهر شاد بیگم در بحبوحه ناتوانی شخصاً با سپاهی مجهز بجانب فارس توجه نمود وسلطان محمد چون خبر نهضت پادشاه راشنیده دست ازمحاصره کشیده بجانب لرستان فرار کرد.

شاهرخ به اصفهان آمده گروهی از سادات محرك سلطان محمد را دستگیر کرده بقم آورد ودر اراضی بین قم وساوه از برابر تیغ بگذرانید ودراین شهر متصوفه واعضای خانقاه را مورد مؤاخذه قرار داد ولی باشفاعت بعضی از خواص ازآنان رفع تعرض نمود وخود بجانب ری رهسپار گشت وتنی چند از امرای سپاه را نزد سلطان محمد گسیل داشت تا درصورت امکان باپندواندرز اورا به‌اردو روانه‌سازند وگرنه بالاجبار باخود بیاورند که در همین انتظار در روز نوروز طلیعه سال ۸۵۱ زندگی را بدرود گفت.

پس سلطان محمد بقم بازگشت وبر تخت نشست وطولی نکشید که برادرش علاء الدوله هم برار یکه جهانداری جلوس کرد ومتعرض برادر نگردید تاسال ۸۶۱ که یکی پس از دیگری وفات یافتند.

وچون نوبت پادشاهی به‌سلطان ابوسعید بن محمدبن میرانشاه بن امیر تیمور

رسید و پس از هیجده سال سلطنت در مقاتله با اوزن‌حسن ترکمان منهزم گردید و سید صدر الدین ابراهیم قمی که از اعاظم سادات صاحب سعادات و با پادشاه ندیم و مصاحب بود برای تقاضای صلح نزد وی فرستاد و نامبرده نظر اشفاق سلطان حسن را درباره ابوسعید جلب کرد ولی پس ازچند روز بتحریك مغرضین اورا در قراباغ بقتل رسانید و به‌تمام وزراء وامرای او خلعت امان ارزانی داشته به چشم التفات بر احوال آنان نگریست وهمه را رخصت انصراف به او طانشان بخشید.

پس وزیران وی به‌اسامی خواجه شمس الدین خراسانی وزیر مقدم وخواجه طاوس وخواجه برهان الدین عبدالحمید گرگانی وزیران دوم وسوم که‌سالها درقم واین‌مدرسه زندگی کرده بدان مأنوس بودند بمعیت میهماندار خود سیدصدرالدین بسوی قم شتافتند ودراین مدرسه فرود آمده اقامت گزیدند.

وچون کار سلطان حسن بیگ ترکمان (آق قوینلو) بنظام آمد بمنظور سرکشی ونظم ونسق کشور به جانب عراق سفر کرده و به مجرد وصول خبر ورود موکب وی بقم وزرای نامبرده به‌استقبال موکب سلطان بیرون رفتند ومقدم وی را گرامی داشته دراین مدرسه نزول دادند وشرایط نیکوبندگی به جای آوردند پس سلطان‌هم آنانرا استمالت داده دلجوئی فرمود وفرمانداد تا مجلسی باحضور ارکان دولت بیارایند تا ایشانرا بیازمایند وبه تناسب لیاقت به‌مقام وزارت خویش بگمارد.

وسرانجام در تختگاه پیرمحمد در همین‌مدرسه مجلسی تشکیل‌یافت وخواجه برهان که در امر انشاء وسیاق وترسل مهارتی بکمال داشت دراثر این‌امتحان‌بسمت وزیر مقدم برگزیده شد پس سلطان به دیگران فرمود هرگاه میتوانید زیر نظروی به‌کار بپردازید در مقام وزارت دوم‌وسوم انجام وظیفه کنید وگرنه راه خویش در پیش گیرید در نتیجه خواجه طاووس بجانب خراسان رفت ولی خواجه شمس زیر نظروی بکار پرداخت (۱).

(۱) دستور الوزراء صفحه ۳۷۷

وبقیه‌ماجرا چون‌وصول پیام سلطان از تبلیس در روم برای خواجه برهان‌به ساوه برای قتل خواجه ابراهیم تبلیسی که درقم به عزلت و انزوا میزیست و تفرس وی‌برخطر وپیشدستی در ایراد ضربه خنجربه آنوزیر وقتل‌ضارب‌بدست فراشان(۱) درهمین مدرسه ودفن هردو درباغ گنبد سبز در فصل مربوط به توصیف گنبد سعد سعید نگاشته خواهد شد .

بالجمله این مدرسه سوانح‌وحوادثی به خود دیده است که مقام راگنجایش اطاله بحث نیست و همین قدر مینگارد که مدرسه شرفیه پر ماجرا ترین مدارس ایران بوده است .

پس چه‌بهتر که بتوصیف مسجد ومناره ومدرسه مورد نظر بپردازد .

مقصد نخست

درتوصیف مسجد ومناره انفرادی قم

امامناره انفرادی که درسال ۲۹۱ در حکومت یحیی‌بن اسحق اشعری بخود یاری اهالی بنقل مؤلف تاریخ قم درکنار مسجد جامع ابو الصدیم حسین اشعری احداثی به‌سال ۲۶۵ بنیان گردیداز مسجد آن‌نام ونشانی نبود ودرعوض آن مسجد مدخل راه‌پله‌مناره دربام‌دکان‌رنگ رزی‌وسیعی قرار گرفته بود تا اینکه‌درسال ۱۳۱۰ شمسی مرحوم آیت‌الله فیض مالك‌دکه‌را طلبیده بهرنحو که امکان داشت رضایت اورا جلب کرده‌دکان مزبور را منهدم ودرجای آن مسجد کنونی میدان‌را بنا کرد که‌راه‌پله مناره مانندزمان‌قدیم‌برفراز بام‌مسجد قراگرفته است پس‌این مسجد بجای مسجد ابوالصدیم ساخته شده‌است .

مسجد فیض

باری مسجد فیض که‌درسال ۱۳۱۰ شمسی‌از ناحیه‌مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد فیض در محوطه‌ای بطول ۲۱

---

(۱) دستور الوزراء صفحه ۳۷۷

وعرض ۱۲ متر بارتفاع ۶ متر مرکب از ده چشمه بر فراز چهار ستون سنگی مضلع بانقشه چشمه پوش ساخته شد و در جهت جنوبی آن تالاری احداث گردید باپوشش تخت خفته رسته و پلهای تیر آهنی که پس از چند سال آنرا هم به محوطه مسجد افزودند و اکنون در گوشه شمال شرقی میدان کهنه از مساجد معموری است که همواره مرکز تجمع دینی و جای مجالس روضه خوانی است.

مناره باستانی ومناره باستانی وفردی هم جزء پایه غربی مسجد جهت جنوبی در آمده است وبشهادت سبك بنا از سادگی جدار آجری ومقایسه بامناره‌های دیگر که در مسیر تزیین روزبروز زیباتر شده‌اند باید گفت که نخستین مناره احداثی ایران یعنی همان مناره ایست که در دوره حکومت یحیی بن اسحق بسال ۲۹۱ قمری هجری بخود یاری اهالی ساخته شده است.

در این محوطه قرونی مدرسه و مسجدی که بزرگترین ومعمور ترین مدارس شهر شمرده میشدند قرارداشت که برای رفاه طلاب و اهل علم در فصل تابستان زیر صحن آنرا هم سردابی مجلل وموسع ساخته بودند.

این مدرسه را شرف‌الدین ابو طاهر بن علی قمی وزیر بالاستقلال و بزرگوار سلطان سنجر سلجوقی به‌سال ۵۴۷ که آن پادشاه بدست غزان دستگیر و گرفتار گردید درنتیجه آن وزیر برای اداره امورعراق به‌قم آمد بنانهاد.

ودر اطراف مدرسه مزبور بعدها قیصریه وچهار سوق شهر نوبنیان قم ساخته شد چنانکه مدخل مدرسه از شرق یعنی سردرب آن با دومناره دربازارشرقی افتاد واز مقصوره مسجد شمالی آنهم دری بجانب قیصریه گشوده میشد ودرجانب غربی آنهم سردری بود که به سرای تجارتی باز میگردید که قسمتی از محوطه جنوبی مدرسه جزء خیابان آذر گردید وقسمتی هم زیر ساختمان مغازه‌های حاشیه خیابان و همچنین حجرات میدان بار فروشی وگاراژ قرار گرفت.

این مدرسه در اثر سیل به سال ۱۰۴۵ منهدم واز مجموع ابنیه آن جز یك

ایوان در سردرب ورودی بادو مناره آن باقی نمانده است و با وجود همین ایوان دردوره هفت ساله حکومت افغانها این محوطه بهار بندی برای دواب آنان شده بود.

وبرابر ایوان موجود حمامی است ازرقبات موقوفه آستانه که طبق معمول اجاره بهای آن بابت حقوق یکی از سرکشیکان آستانه منظور در نتیجه حمام مزبور در تصرف سرکشیك مزبور قرارداده شد واین امر در آستانه متداول بود.

رمز تسمیه مدرسه بنام مدرسه غیاثیه

پس از یك نسل فرزند سر کشیك متوفی که طبق مقررات سابقه آستانه وارث سمت پدری بود مدعی مالکیت حمام مزبور گشت پس متولی وقت به استناد وقفنامه موجود علیه وی دعوائی در محاکم صالحه اقامه کرد سرانجام در مرحله بدوی حکمی بر وقفیت صدور یافت بعداً مرحوم آقاسید هاشم غیاثی سر کشیك مزبور بارؤیت ودادنامه حاضر شد که از تقاضای ثبت حمام بنام ملکیت اعراض کند و آنرا شخصاً وقف آستانه گرداند در نتیجه حمامی که بنام حمام پامنار وقف شده بود به اسم فامیلی واقف جدید بنام حمام غیاثیه خوانده شد.

بعداً بعضی از سادات قم محوطه مزبور را هم بنام مدرسه غیاثیه نام گزاری کرده بعنوان آنکه بانی مدرسه سید غیاث الدین رضوی است وماهم وراث او ومتولی این مدرسه هستیم دعوائی علیه اداره اوقاف طرح کردند وبهرصورت دادنامه‌ای بر صحت تولیت آنان صادر گردیده این میدان بارفروشی را متصرف شدند.

وناگفته نماند که سید غیاث الدین رضوی مزبور درعهد سلطنت سلطان حسین میرزا بایقرا وهمچنین در عصر شاهنشاهی شاه اسماعیل صفوی سر کشیك آستانقدس رضوی بود که درسال ۹۳۲ در مشهد رحلت یافت.

وفرزند زاده وی بنام سید میرزا ابراهیما شوکت وعزتی کسب کرده دردوره سلطنت نادرشاه افشار از ناحیه آن پادشاه بسمت نیابت تولیت آستانقدس رضویه برگزیده شد ودر سال ۱۱۹۱ بایکنفر از مستأجرین حمام موقوفه بنام استاد محمد

حمامی اختلاف یافته در برابر ایوان طلای نادری بضرب کارد آن حمامی بقتل رسید و هیچیك آنان در قم نبوده‌اند تا آثاری داشته باشند .

و در اثر تسمیه این محوطه به مدرسه غیاثیه بعضی از نویسندگان در مقالاتی که درباره آثار باستانی مینوشتند چنین نوشته و نشر دادند که مدرسهٔ مزبور از آثار خواجه غیاث‌الدین وزیر است که در قصبه خارجرد خراسان هم ایوانی با دو مناره مشابه یکدیگر از آثار او باقیست .

بهرصورت از مجموع ابنیه این مدرسه وسیع و کهن جز همین ایوان سردرب با دو مناره‌اش چیزی باقی نمانده است .

ایوان سردرب

اما ایوان سردرب ورودی مدرسه به دهانه ۷ و عرض ۴ و ارتفاع ۱۲ متر سراپا آراسته به نقوش گچبری مزین به کتیبه های تکراری از اسامی محمد و علی و دارای کتیبه‌ایست کمربندی که اکنون فروریخته و جای آن مشهود است .

و روی جرزهای طرفین ایوان هر طرف یك صفه و روی آنها صفه فوقانی دیده میشود که بغله‌ها و پوشش هر چهار صفه آراسته به گچبریهای بدیع باستانی بوده است و هنوز هم نمونه های چندی از این تزیینات باقیست و قسمتی هم با نقشه ملات سازی گچ بری شده است .

که ثبت این ایوان با دو مناره جزء ابنیه تاریخی و حفاظت و مرمت از آن ضرورت خواهد داشت چه اگر عمران نشود طولی نخواهد کشید که پوشش آن فرو میریزد .

مناره‌های زوجی

اما مناره‌های زوجی روی جرزهای طرفین که بقطر چهار متر بالا رفته‌اند هریك به قطر دو متر و بیست و پنج سانتیمتر و ارتفاع ۲۵ متر تا سطح زمین با جدار آجری تزیین شده به نقشه شطرنجی همسطح زمینه میباشند که در کمرگاه آنها چند لوزی شکل از کاشیهای کلوکی فیروزه فام دیده میشود و در گلوگاه آنها کتیبه‌ایست گلوبندی از کاشیهای خشتی زمینه لاجورد به ابعاد ۵۰٪ در ۳۰٪ به خط ثلثی زیاد برجسته شنجرفی و مرغوب که اکثر کاشیهایشان فروریخته است

و از قسمت باقیمانده آنها چنین بدست میآید که روی آنها دو آیه آینده کتیبه بوده است.

اما روی گلدسته جنوبی آیه شریفه (الله الذی رفع السموات بغیر عمد یرونها ثم استوی علی العرش وسخر الشمس والقمر).

و روی مناره شمالی آیه شریفه (ان الله یمسك السموات و الارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حکیماً غفوراً) کتیبه بوده است.

و بر فراز کتیبه‌های مزبوره مقرنسی است کنگره‌ای از آجر در ۲۴ حوضچه بسبك ساده و بالای آن نعلبکی که معلوم نیست تالارچه‌ای داشته‌اند یا نه.

متأسفانه در کمرگاه مناره شمالی انکساری پدیدار است که با بستن یك کمربند فولادین از خرابی آن جلوگیری میشود و گرنه نیمی از بالاتنه آن سقوط خواهد کرد.

مسجد و لوحه

و در ضلع شمالی این محوطه مسجدی چهل ستون در مجاورت چهار سوی قرار داشته است که در اثر سیل منهدم گردیده است و اخیراً به‌جای آن مسجدی به دهانه ۲۰ در ۱۰ متر تیر آهن پوش بنیان و در سینه جرز زاویه آن از خارج لوحی سنگی به دیوار نصب گردیده است به طول ۱/۱۰ متر و عرض ۵۵٪ سانتیمتر و دارای کتیبه‌ای است بخط نسخ ثلثی و برجسته که روی آن ابیات یازده‌گانه ذیل حجاری شده است.

جم قدر آصف سپهر معدلت دیهیم ملك
آنکه شد معمور از او این خراب آباد قم
همچو او بر مسند جاه و بزرگی و شرف
هیچکس ننشست از اشراف وز امجاد قم
زین نکو کاری که او بنمود دیگر کس نکرد
فکـر نیکو راند تا مـاند از او بنیاد قم
بعد خیری کرد چنـدین بار در راه خـدا
ساخت در هر کوی نهری خوش به‌استعداد قم

کرد احداث قنات و نهر آبی بهر خیـر
ساخت جاری بر سر میدان بی امـداد قم

تارسد فیضش به هر کس قـربة لله کرد
وقف بر هر خاص و عام وبنده و آزاد قم

هر که گردد مانع این آب و غاصب نیز هم
حاکم و محکوم از زوار وز اصناد قم

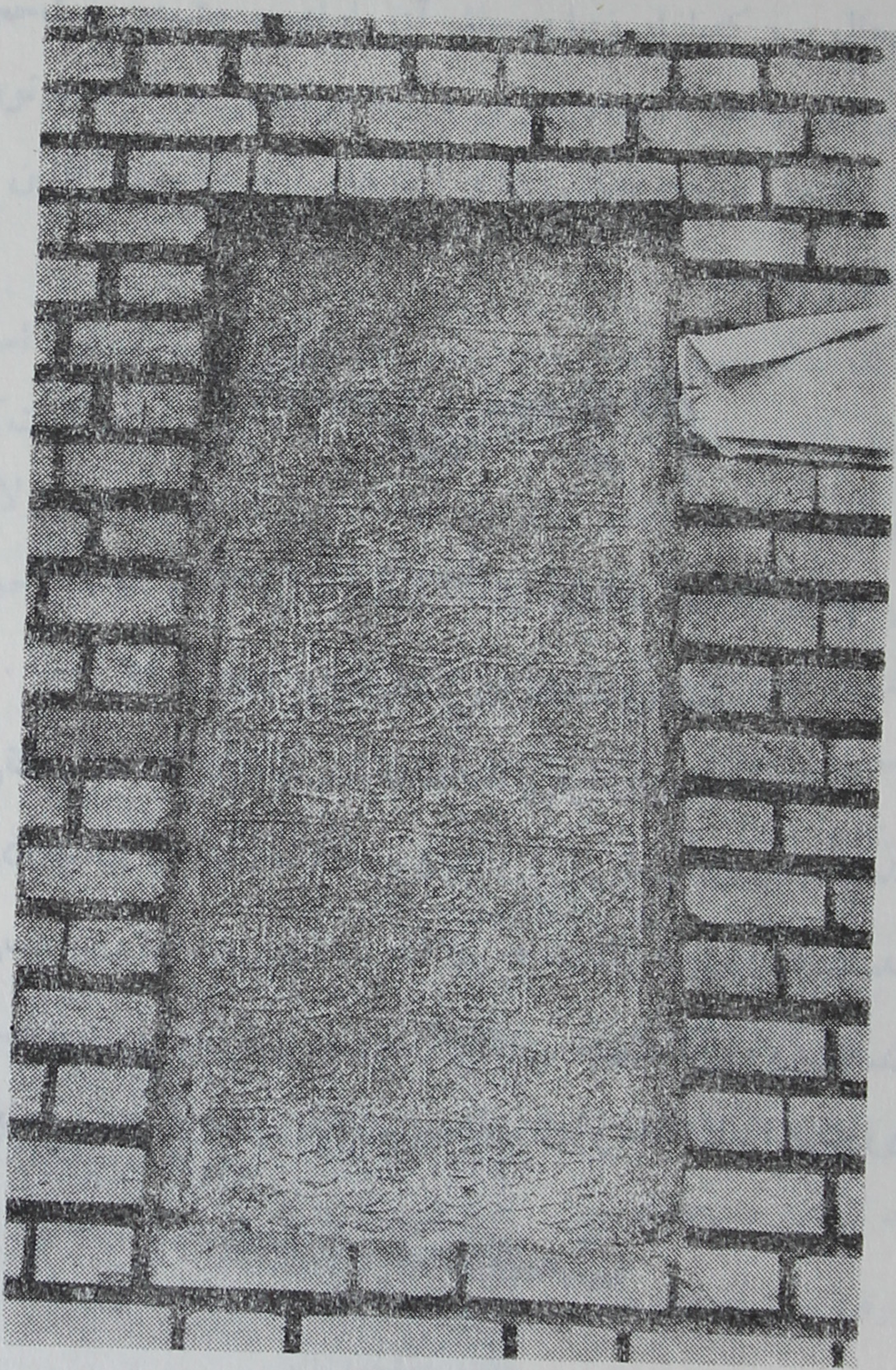
بـاد روی او ز دود آتش لعنت سیـاه
تا بود نام و نشان ازآب و خاك وباد قم

مسجدی معظم همو جمع منار چار سوی
ساخت تایك‌یك دعا گویندش از افراد قم

بود شهر قم ز بی آبی چـو وادی عدم
گوئیا زین آب شد بار دیگر ایجاد قـم

چون قبول حضرت حق بود بی شك خیر او
زین سبب تاریخش آمد آب خیر آباد قم

که‌ازاین‌ابیات مجهولاتی کشف‌میشودولی‌مقام‌راگنجایش‌تشریح‌آنهانیست .



تصویری از لوح سنگی منصوبه در جدار زاویه مسجد سرپیچ

بخش سوم

در توصیف آثار باستانی قم در قرن هفتم

که مشتمل بر پنج فصل دو مقصدی است

فصل نخست- در توصیف مشاهد باستانی نراق در دو مقصد

فصل دوم-در توصیف مشاهد مزدیجان غربی شهر قم در دو مقصد

فصل سوم-در توصیف مشاهد خاکفرج شمالی شهر در دو مقصد

فصل چهارم-در توصیف مشاهد گرگاب جمکران در دو مقصد

فصل پنجم -در توصیف مشاهد بیدقان و مزرعه شاه ابراهیم در دو مقصد

فصل نخست

در توصیف مشاهد نراق در دو مقصد

مقصد اول

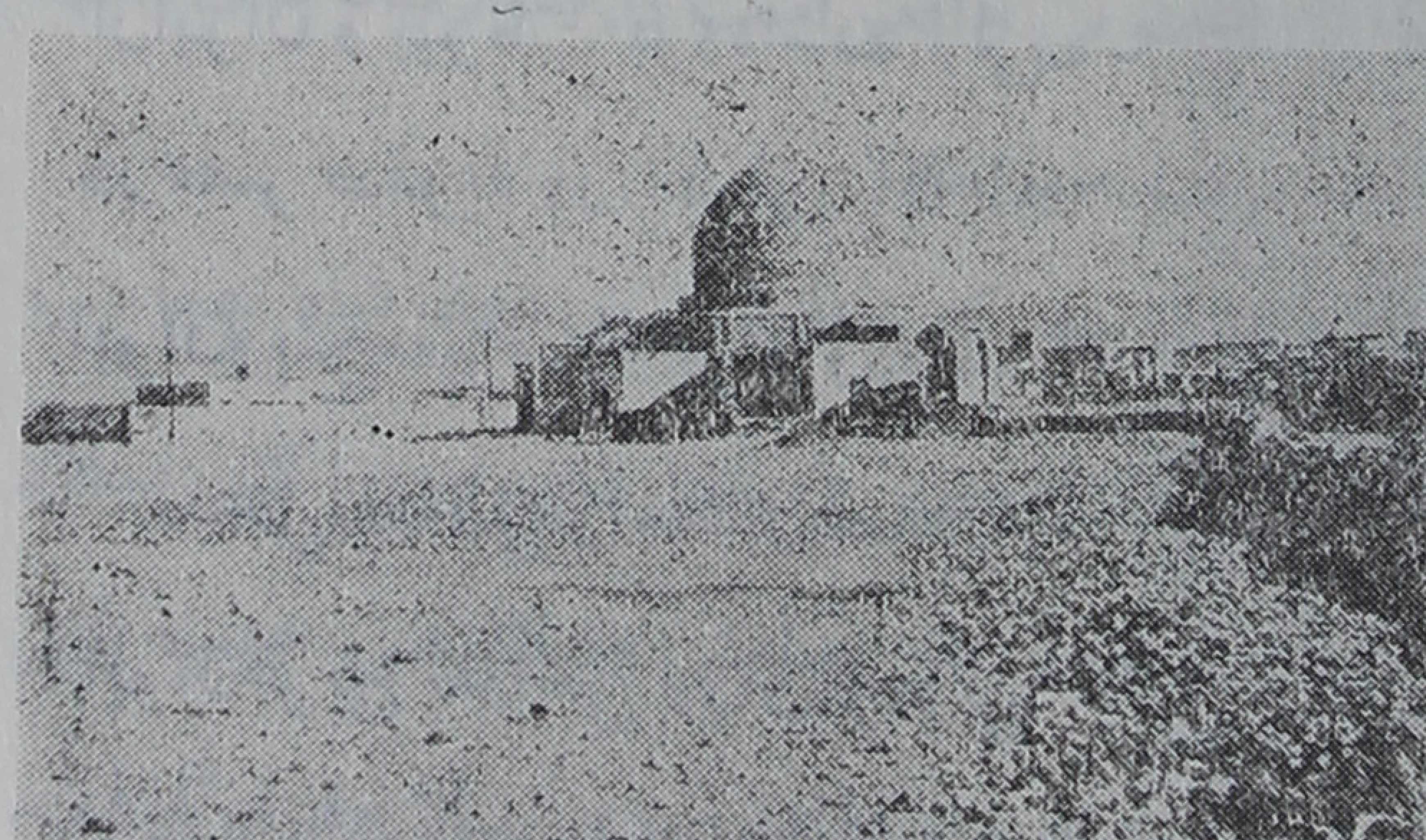
در توصیف گنبد شاه هادی شهره

معموره نراق که قرنها در سر راه سلطانی اصفهان به تهران قرار داشت و قصبه

معتبر و مرکز تجارت و تأمین خواربار و نیازمندیهای محلات و نیمور و ورود دلیجان وجاسب وارده‌ال بود که بازار زیبا و مجلل آن دارای ده چشمه و بیست حجره بزرگ بادرهای ارسی ودر وسط آن چهار سوقی با گنبد عرقچینی و کلاهك نورگیر و دو سرای تجارتی مشتمل برحجره‌های زیبا و انبارهای وسیع است و چنین بازاری در آن منطقه بی نظیر میباشد.

ولی اکنون از مسیر راه شوسه مزبور دورافتاده قریب نیم‌قرن است که آن مرکزیت سابقه راازدست داده به دلیجان بخشیده است پس میتوان گفت که در معده دلیجان هضم گردیده‌است واخیراً باتوجه‌رجال محلی که در تهران یاولایات دارای مشاغل‌دولتی حساس یا کار تجارت هستند وعمراناتی که در موطن خویش کرده ومیکنند تاحدی موقع‌واعتبار ازدست‌داده‌خودرا ازنو کسب کرده است.

بهر صورت‌درپائین وخارج‌قصبه گورستانی مخوف قرار داشت که‌اینك بـا احداث خیابان و ایجاد چند عمارت مجلل و بیمارستان و ژاندارمری وچند مقبره خانوادگی زیبائی بصورت‌تفریحگاه‌قصبه‌درآمده‌است.



دورنمای قبه‌وبارگاه شاه‌هادی که گنبد چهار سوق نیزدرگوشه آن‌نمودار است

در این گورستان یامیدان دو گنبدباستانی وجود دارد کـه در این‌مقصد بذکرنام‌ونسب‌مدفونین وتوصیف ازقبه و بارگاه‌شاه هادی که مشتمل‌بربقعه و ایوان و گنبد وصحن وچندبقعه‌خانوادگی‌است میپردازد.

نام و نسب شش امامزاده

در بقعه مورد نظر شش امامزاده به‌اسامی شاه هادی وشاه سلیمان ازاحفاد امام علی بن ابیطالب و شاهزاده حسین و

شاهزاده مهدی و شاهزاده مطهر و شاهزاده طاهر از احفاد امام کاظم مدفونند که تسمیه آن بنام شش امامزاده ازخواندن آن باسم شاه‌هادی انسب بنظر میرسد و بعقیده نگارنده سادات موسوی مزبور عبارتند از حسین قطعی ابن موسی ابی السبحه ابن ابراهیم المرتضی ابن موسی بن جعفر که بافرزندخود ابوالطیب طاهر و پسرانش مهدی و مطهر واز نسب شاه‌هادی وشاه‌سلیمان چیزی در کتب انساب ضبط نشده‌است .

بقعه اما بقعه مورد نظر از ابنیه باستانی است که بشهادت سبک بنای برجی و برهنگی از بیوتات و گنبد خودی شکل به آثار قرن هفتم ملحق میگردد .

این بقعه فاقد تزیینات کاشیکاری و گچبری است که بدست معمار و استادان محلی به‌خود یاری اهالی بنیان گردیده‌است و درعین حال ازشکوه وجلالی برخوردار ودرشمار ابنیه باستانی است که حفاظت از آن ضروری است .



نمای خارجی بقعه وبارگاه باایوان مدخل سابق آن

این گنبددر آغاز امر لبسیده ازایوان و بیوتات بوده‌است ولی درعصر صفویه در اطراف آن سه ایوان و پنج مقبره یارواق افزوده‌اند.

مدخل بقعه قبل از احداث صحن از ایوان غربی به‌داخل رواق بودولی اینک ازصحن وایوان شمالی است .

سطح بقعه نسبت به اراضی گورستان مجاور حدودیکمتردر گودی افتاده‌است زیرا اراضی اطراف بواسطه دفن موتی بالاآمده‌است در نتیجه بافرود آمدن دوپله وارد صحن میشوند وباپائین رفتن از دوپله‌دیگر ازصحن وارد ایوان شمالی میگردند که‌این ایوان هم‌سطح بابقعه‌میباشد .

قاعده گنبد از خارج برجی و آجری بوده است ولی پس از افزایش بیوتات قسمت بالای آنرا بصورت مضلع بیست و چهار ترکی در آورده‌اند که چند نورگیر و هواکش در این قسمت واقعند.

وصورت ساختمان آن ازداخل هشت ضلعی نمابندی شده هریك بدهانه ۲/۵۰ متر وهرضلعی به اندازه ۳/۵۰ متر است که روی آن دو ردیف دیگر هشت نمائی ساخته شده است و بالای آنها صورت مضلع به شکل فلکه‌ای مبدل و پاطاق پوشش عرقچینی آن بالا آمده است.

دهانه بقعه از داخل ۸ وقطر آن باجدار ۱۳ وارتفاعش ۱۳ متر وتمام بدنه آن سفیدکاری ساده وتعمیری است وچه بسا نقوشی رنگین یاتزیینات دیگری داشته است که اینك گچ اندود گردیده باشد.

سه مرقد

در این بقعه سه مرقد مشابه باجدار کاشیکاری به ارتفاع ۰/۴۰ تا ۰/۵۰ سانتیمتر ساخته شده است یکی در وسط که محاط به ضریح است وبقیه در محوطه جنوبی وکنار بقعه که همگی با بنای بقعه انحراف دارند یعنی ساختمان گنبد شمالی وجنوبی واقعی است درصورتیکه بنای آنها مسامت قبله است که ۳۳ درجه از بقعه منحرف میباشند.

این مراقد از آثار عصر صفوی است چه که خط قبله در عهد شاه تهماسب صفوی در اثر احاطه وذکاء پیشوای علی‌الاطلاق عصر (محقق ثانی) در اکثر بلاد ایران با دقت و صحت طوری تعیین گردید که پس از پیدایش وسائل فنی جهت یابی وقطب نما ونقشه‌های دقیق جهانی عیناً مورد تأیید وتصدیق مقامات ذی صلاح قرار گرفت.

مرقد وسط مدفن شاه سلیمان وشاه‌هادی ودو مرقد جنوبی ازحسین قطعی وپسر وی ابوالطیب طاهر می‌باشند اما قبور مطهر ومهدی در کنار بقعه وشمالی آن فاقد مرقدند.

ضریح منبت

وجلو مرقد در وسط بقعه ضریحی مشبك از چوب نصب شده است که باستانی وعبارات ذیل روی پل شمالی بالای

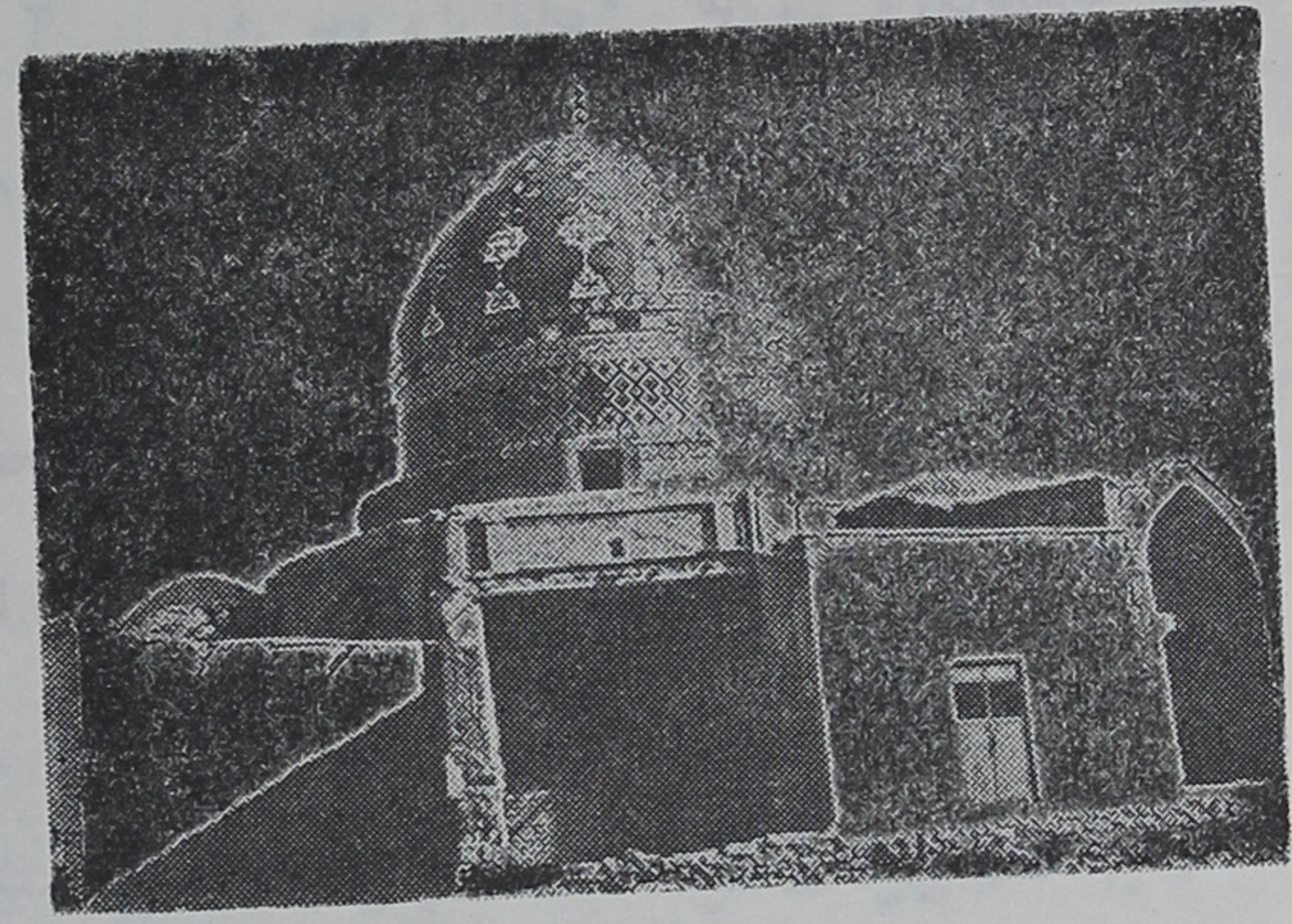
درب ورودی آن منبت گردیده است .

وقف مرقد مطهر امامزاده‌های واجب‌التعظیم سلیمان و شاه هادی علیهما السلام نمود این معجر را محمد باقر بن حاجی عبدالله نراقی سنه ۱۰۶۰ .

و پوشیده نیست که کلمه معجر بر سر پیچ و عمامه اطلاق میگردد که مجازاً بر اینگونه صندوقها هم اطلاق شده است .

و از تسمیه بقعه بنام شاه هادی دون دیگران و افزودن جمله (علیه السلام) پس از نام وی چنین مستفاد میگردد که مزلت وی ارفع از دیگران بوده است .

و ناگفته نماند که مطابق معمول آن عصر در جانب راست عدد (۱) که نماینده یکهزار است سه نقطه یا صفر (روی هم) منبت شده است .



تصویری از مدخل سابق بقعه و قبه خودی شکل آن

ایوان و صحن

ساختمان بقعه و بیوتات اطراف آن از خارج بصورت هشت ضلعی مشتمل بر چند ایوان و چندین مقبره یا رواق است که بعداً بر اصل بنای برجی بقعه افزوده شده‌اند.

و در آن میانه مدخل سابق بقعه از ایوان غربی بوده است که با عبور از آن به رواقی وارد شده سپس داخل بقعه میشده‌اند .

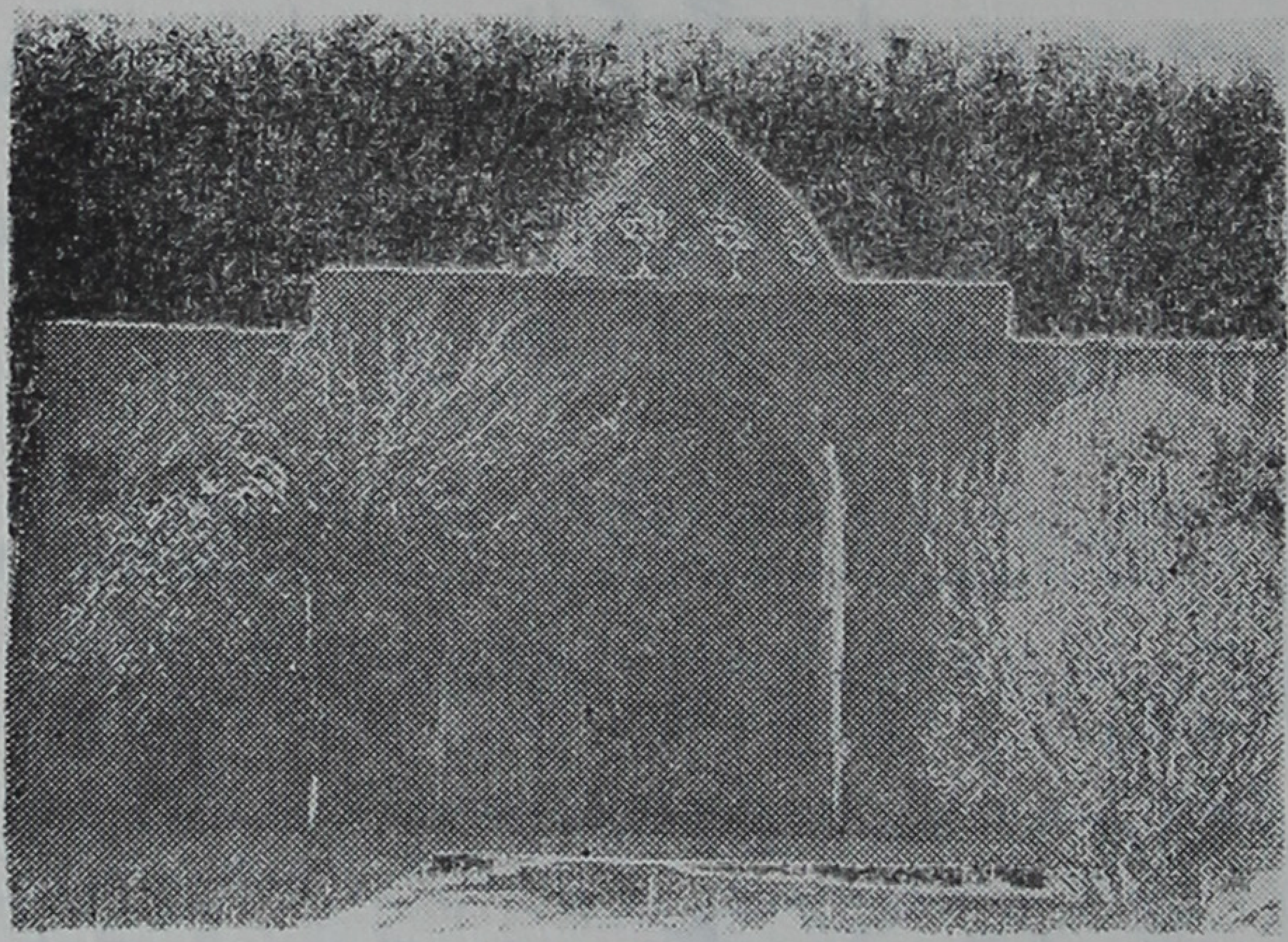
اما اکنون مدخل بقعه از صحن به داخل ایوان شمالی و از آنجا بداخل بقعه تغییر یافته است .

این ایوان زیبا و خوش منظر و از الحاقات عصر صفویه و به دهانه ۵ و طول ۱۰ متر و ارتفاع ۱۰ متر می باشد که سطح آن همسطح بقعه و نسبت به کف صحن بیش از نیم متر

پائین تر است که جلو آن با نرده آهنی پوشانده شده است و در مدخل آن از وسط نرده دو پله سراسری سنگی است.

نقشه ساختمان ایوان سه چشمه ای و در دو جانب چشمه وسطی دو صفه و بر فراز هر صفه ای غرفه ای خوش منظر و در مدخل بقعه هم ایوانچه ایست که معمولا بعنوان دار الحفاظ خوانده میشود.

این ایوانچه که از آثار قدیمه و از قطر پایه بیرون داده اند به دهانه ۳/۵۰ و عرض ۱/۵۰ متر است که قرنها ایوان منحصر بفرد بقعه بوده است.



جرزهای جانبین ایوان آجری زرشکی رنگ و در هر طرف آن یک حجره با یک غرفه سه دری ساخته شده است که لچگیهای پشت بغل طاقبند جلو ایوان آراسته به کاشیکاری معقلی است.

تصویری از ایوان شمالی بقعه شاه هادی

صحن

و در جهت شمالی ایوان صحنی است مروح به وسعت ۲۰ در ۲۰ متر بشکل مربع و در طرفین شرقی و غربی آن هر طرف شش حجره یا ایوان ساخته شده است که جدارشان سفید کاری و جرزهای آنها نیز آجری زرشگی است.

و در جانب شمالی صحن ایوان دیگری است همسطح اراضی خارج که نسبت بسطح صحن دو پله مرتفع است و در پشت آن کریاسی و در جانب شمالی آن نیز ایوانی در سر درب ورودی صحن بنیان گردیده است.

و در وسط صحن حوضی مربع و مستطیل و طرفین آن دو باغچه مشجر و گل کاری است که زمین راهرو بین باغچه با حوض سنگ فرش ولی سنگ های آن از الواح مرمری

قبور باستانی و متضمن کتیبه های مختلفی بخط بر جسته ثلثی مشتمل بر ابیات متنوع و تواریخی ازدویست تاچهارصدسال قبل میباشند .

و این الواح فرش پله‌های ایوانهارانیز زینت بخشیده‌اند که بعضی از آنها هرگاه زیرپای زائرین سائیده نشده بود از جنبه قدمت و حسن خط وحجاری حائزاهمیت ودارای جنبه نفاست میشدند .

گنبد

و بر فراز بقعه گنبدی است خودی شکل قریب به هیئت شلجمی چه که تارك خودی آن همباد با عنق است وقطر بیشتری ندارد درحالیکه گنبدهای خودی معمولا لبه‌دارهستند وبهمان نسبت واندازه ازقطر بیشتری برخوردارند که‌این گنبد بشهادت سبك از آثارقرن‌هفتم بنظرمیرسد .

قاعده‌این گنبد ازفراز بام‌قسمتی آجری وبیست وچهارضلعی به‌ارتفاع ۲۰ر۱ متر وقطر ۱۲ متر دارای چند نوربخش وهواکش است وبالای آن‌عنق‌استوانه ای به ارتفاع ۵۰ر۳متروقطر ۱۰متر آراسته‌به‌کاشیهای‌دوالی‌رنگین‌باحواشی‌ساقبندی‌زیبااست وروی‌آن‌قسمت‌خودی‌شکل‌به‌ارتفاع ۹متروقطرده‌متر آراسته‌به‌کاشیهای‌دوالی‌وکلوکی دارای ترنجهای‌سه درجه‌ای بطورشکم بندی متضمن کتیبه‌های تکراری ازکاشیهای رنگین‌درزمینه‌های رنگ‌به‌رنگ که‌دربالا نام‌جلاله(یاالله)ودروسط جمله(یامحمد) و درپائین دونام علی بطورمتعاکس باکاشی‌های الوان تجلی‌دارد .

وحفاظت ازاین گنبد ازنظر حفظ سبك حائزاهمیت خاصه‌ای‌میباشد .

درهای منبت

در جهات اصلی بقعه چهار زوج درب دیده میشودکه ازآنمیانه دوزوج درب جنوبی‌وشرقی منبت وباستانی واز جنبه قدمت وآثارهنری حائز اهمیت ودارای نفاستند .

امادرب جنوبی که بین‌بقعه بامقبره مشهوره‌به قبر دختر شاه نصب شده است ازدرهائیست که باید درموزه نگاهداری‌گردد .

این‌زوج درب‌به عرض تقریبی ۱/۴۰ وارتفاع ۳ مترازآثارسال ۹۳۵ قمری

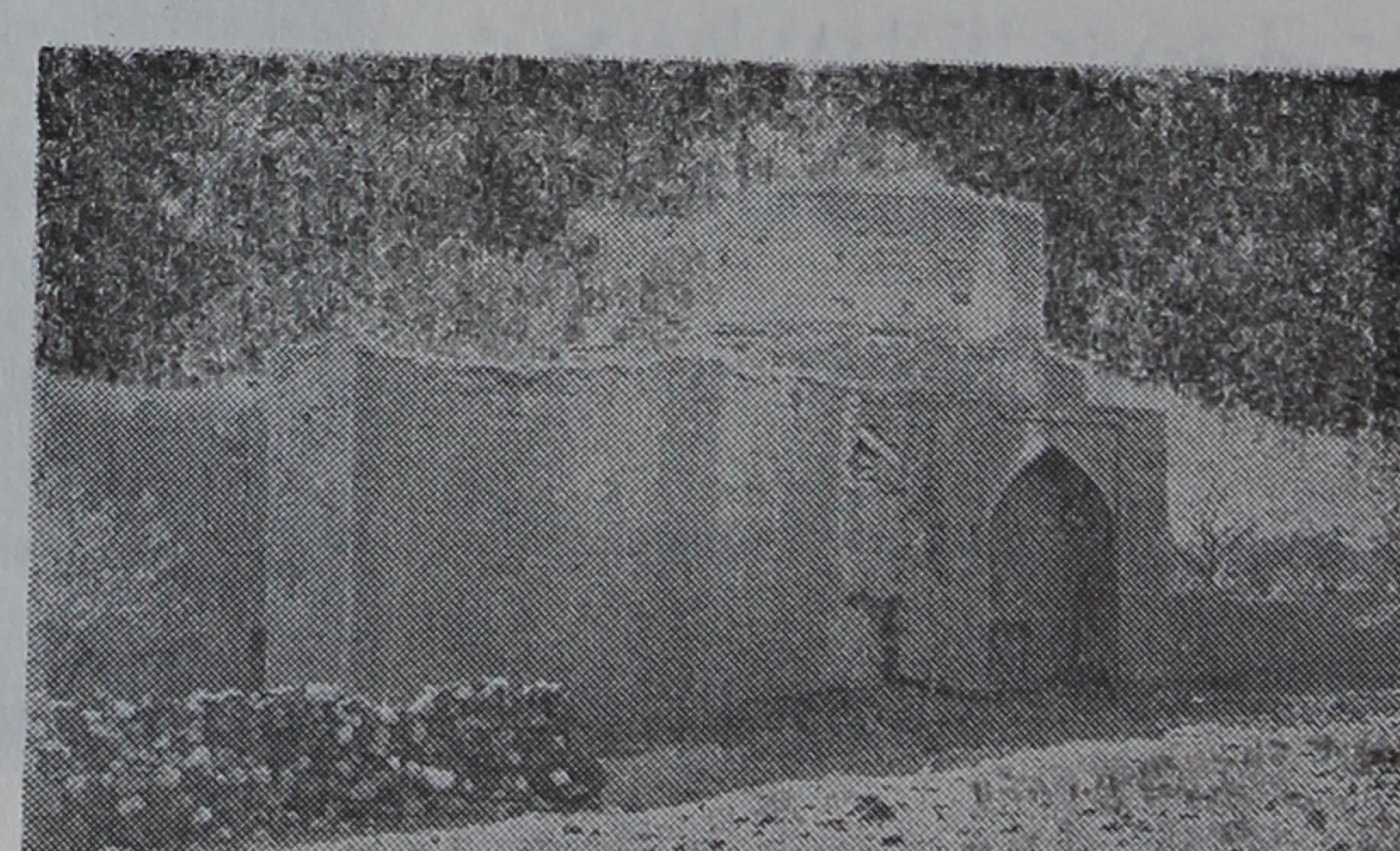
وجلو مقبره دخترشاه اسمعیل اول صفوی است که آراسته به کتیبه‌های افقی وعمودی بخط ثلثی برجسته ممتاز وخوش تراش باتنکه های قاب سازی و گره چینی است که درچهار جانب هرمصرع آن سوره مبارکه دهر (هل اتی) وروی باواوش‌های پائین بیت:

هردل که همچو آینه گیتی نما بود / آن صیقل محبت آل عبا بود

و روی با اوش دیگر عبارت (فی سنة خمس و ثلثین وخمسائه) و در زمینه خطوط منبت شده هم گل و بوته است که هنگام بازدید نگارنده ازدرگاه میانه برداشته شده درداخل مقبره دخترشاه بدیوار تکیه داده شده بود.

مقبره دخترشاه کوچك و در میانه آن مرقدی است به ارتفاع ۰۴۰/. سانتیمتر با بدنه مزین به کاشی‌های گرهی رنگین وسطحی کاشیکاری دارای لوحی مرمری که کتیبه آن سائیده شده است.

امادرب شرقی که میانه بقعه باچراغخانه نصب شده است نیزمنبت و باستانی و مزین به کتیبه های عمودی وافقی وتنکه های قاب سازی و گره کشی است که درچهار جانب هرمصراع آن صلوات کبیره وروی باواوش‌های وسطی دریك لنگه عبارات (وقف شرعی نمود بر مزار شاه سلیمان وهادی ابناء امیرالمؤمنین) منبت گردیده است وبقیه کلمات برجسته کتیبه روی باواوش لنگه دوم دراثر دستمالی سائیده وشکسته وریخته است وتنکه‌های پائین آنهانیز ریخته شده جای آنرا باصفحه‌ای ازحلبی پوشانده‌اند که این درنیز از آثار عهد شاه‌تهماسب وممتاز است.



تصویری ازگنبدشاهزاده یحیی درنراق

مقصد دوم

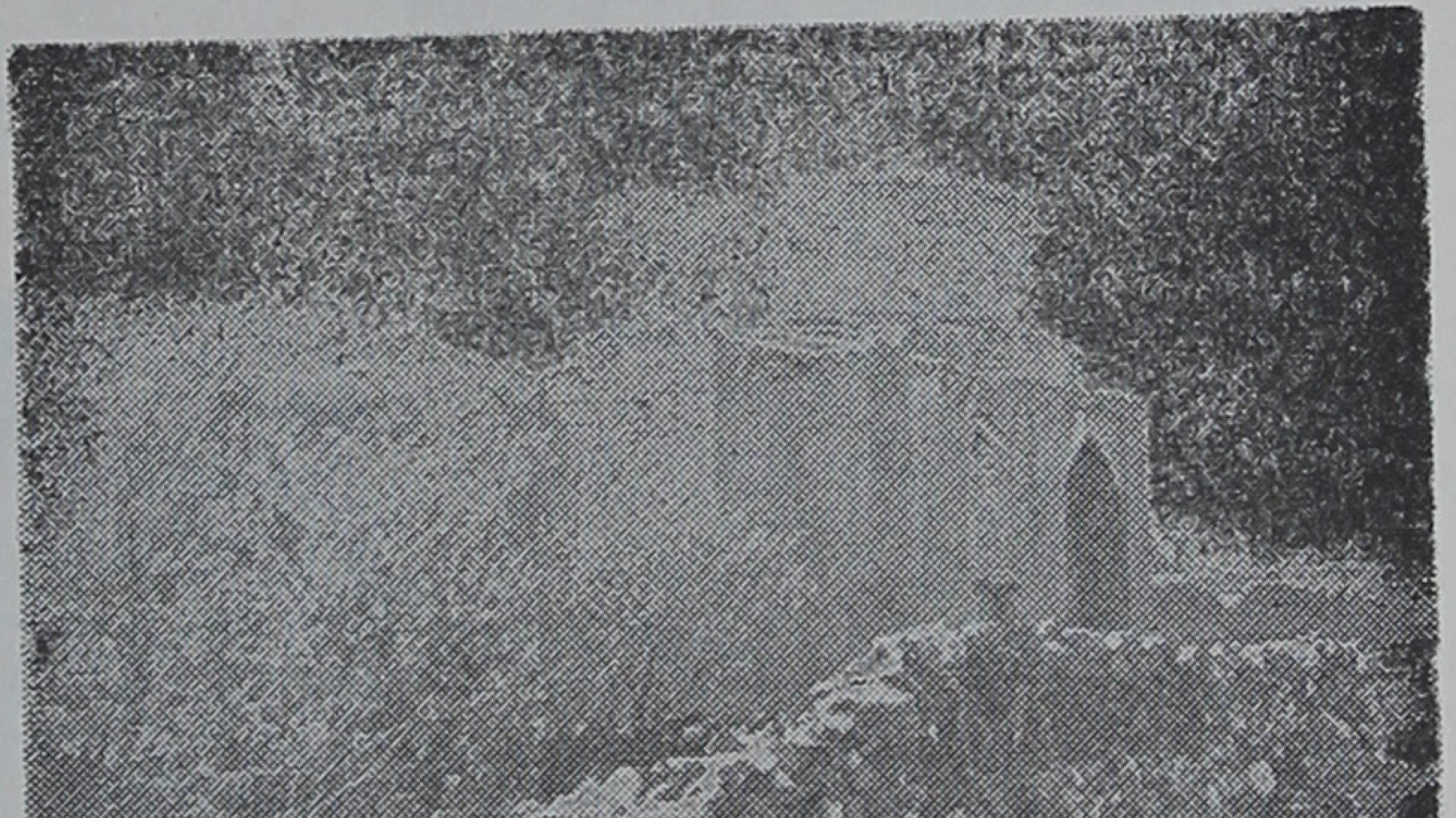
در توصیف از گنبد شاهزاده یحیی

در نراق

ودومین گنبد اشاره‌شده درجانب شرقی گورستان نراق از امامزاده شاهزاده یحیی از احفاد امام کاظم است .

این گنبد ازخارج برجی وازداخل مربع متساوی واز آثار قرن‌هفتم است که درعصرصفویه ایوانی‌خشت‌وگلی درشمالی آن افزوده‌شده واینك‌طاقش فروریخته است‌ونیزبعداً اطراف قاعده‌برجی گنبدراهم ازخارج مضلع ساخته‌اند .

ودرچهار جانب بقعه درگاهی‌است کوتاه‌وتنك‌به‌اسلوب ساختمان همان‌عصر و درمدخل گنبد ازچهار طرف ایوانچه ایست بدهانه ۳ وعرض یك متر که از قطر پایه درآمده‌اند وهنوز قسمت بالای جدار بقعه بشکل برجی نمودار است .



تصویردیگری ازگنبد شاهزاده‌یحیی‌در نراق

این بقعه‌باجدار کاه‌گلی‌و بشکل مربع بدهانه۸وارتفاع ۱٤ متراست ودرمنتهاالیه‌قسمت‌مربع فرورفتگی جای‌کتیبه کمربندی‌نمودار است کـه روی آنـرا زرشکی رنگ کرده اندو چنین بنظر می‌رسد که روی کتیبه گچ‌بری‌را رنگ کرده باشندو در چهار گوشه بقعه‌نیم‌طاقی بالاآورده صورت آنرا از مربع به‌هشت‌ترکی تبدیل کرده‌اند وبالای‌آن به هیئت شانزده ضلعی درآمده است که‌دراین قسمت‌نیز جای کتیبه سینه‌بندی نمودار است که بارنگ قرمز یاگل قرمزی‌اندودشده‌است وبر

فراز آن پاطاق پوشش عرقچینی بقعه بالا آمده است .

و گنبد آن عرقچینی و کاه گلی دارای عنقی استوانه‌ای به شکل کلاه لبه‌دار بختیاری است و چنین بنظر میرسد که گنبد خودی تارك آن فروریخته باشد .

پایان فصل نخست

★

فصل دوم

در توصیف مشاهد غربی قم در اراضی مزدیجان

در دو مقصد

مقصد نخست

در توصیف گنبد شاهزاده جعفر موسوی

گنبد مورد نظر از ابنیه باستانی حومه شهر بود که اخیراً بواسطه توسعه قم وگسترش عمارات شهری در داخل شهر قرار گرفته است.

این اثر تاریخی از بناهای اصیل باستانی و دارای تاریخ ۶۶۷ و سابقاً گنجینه نفایس کاشیکاری نیز بوده است که قسمتی مورد دستبرد قرار گرفته قسمتی هم شکسته بقیه را هم به موزه آستانه انتقال داده اند تا از هرگونه تعرضی مصونیت یابد.

حادثه تاریخی مدفون در این گنبد شخصیت برجسته و مورد احترام وتعظیمی بنام سید جعفر موسوی است که به نص کتیبه قدیمی که بر روی کاشیهای قرن هفتم یعنی همزمان بنیان بقعه نوشته شده است به عز شهادت رسیده است.

وآنچه که بعضی از مؤلفین در تعیین نسب شاهزاده جعفر نوشته اند که نامبرده امامزاده جعفر دقاق ابن محمد بن احمد بن هارون بن امام کاظم است ناشی از قلت

تتبع و عدم مداقه در کتیبه‌های داخلی بقعه مورد نظر میباشد مخصوصاً که مستند ایشان هم زیاده ضعیف و مفاداً چنین است که چون هجرت جعفر دقاق بقم. ورحلت وی در این شهر به نص تاریخ قم متیقن است و در این شهر هم دو بقعه مشهوره به شاهزاده جعفر بیش نیست که یکی همین گنبد و دیگری گنبد شاهزاده جعفر غریب در کنار تپه قم درویش است پس تعیین مدفن وی بین همین دو بقعه دور میزند)

وضعفش بدانجهت است که اولا امامزاده هائی بنام جعفر در قم و اطراف آن فراوان است که در همین مجموعه هم بتوصیف گنبد های آنان پرداخته است و محدود ساختن آن در دو بقعه دور از واقعیت است و ثانیاً این طرز استدلال در مقام تعیین انساب فاقدارزش بوده قابل استناد نیست و ثالثاً جعفر دقاق کشته نشده است و مدفون در بقعه مورد سخن بعنوان شهید قید شده است و رابعاً جعفر دقاق نقیب نبوده ومدفون در این بقعه جزء نقباء وشرفاء شمرده شده است .

وبعقیده نگارنده مدفون دراین گنبد سید جلیل جعفر موسوی نقیب علویه در اواخر قرن ششم واوائل قرن هفتم بوده است که نسب نامه‌اش در دسترس نیست و نامبرده در یورش سپاه چنگیزی در سال ۶۱۷ در فتنه امیرزاده جته نویان و قتل عام مردم قم بقتل رسیده است که ماجری در جلد اول ضمن سیر کمالی وقهقرائی قم نگاشته شد .

وازجمله مقتولین دراین فتنه ابوالمکارم اسمعیل عزیزی معروف به سید سربخش است که شرح ماجری در هیچیك از تواریخ قید نگردیده است .

بهرصورت بقعه مورد نظر در سال ۶۶۷ وبفاصله چهل سال پس از وقوع حادثه قتل وی ساخته شده است که نسل موجود آن عصر شخصاً سانحه کشتن او را دیده و در کتیبه قدیمی قید کرده‌اند .

قبه مورد نظر تهی از مرافق وبیوتات است که اخیراً جلوخانی با سر درب ورودی وغرفه وحجره‌ای درجهت شمالی آن الحاق گردیده است.

بقعه

اما بقعه مورد سخن بشهادت سبك بنا وتاريخ وطرز تزئين وتنگی و کوتاهی درگاه ورودی از آثار قرن هفتم وازبناهای سال ۶۶۷ هجری است که ازاراه‌اش آراسته به کاشیهای خشتی قدیمی ومرقدش مزین به کاشیهای مضلع هشت ترکی باکتیبه وتاریخ خمس و سبعمائه (۷۰۵) بوده است و هنوز دوازده پارچه آنها در سینه مرقد در میانه کاشیکاری تعمیری بچشم میخورد.

بقعه مزبور قدیمی ترین مشاهدی است که تاریخ بنای آنهم تاحال موجود مانده است وقاعده گنبد ازخارج بصورت هشت ترکی نمادار آجری دارای سه درب در جانب شرقی و غربی وشمالی است واز داخل بصورت چهار ضلعی متساوی به دهانه ۵ر۳۰ وارتفاع ۱۲ متر می باشد که در هر ضلعی شاه نشینی صفه‌ای بدهانه دو وعرض یکمتر ساخته شده است.



تصویری ازنمای خارجی گنبد شاه جعفر

درارتفاع ۵ مترونیمی درچهارگوشه آن نیم طاقی بالاآورده‌اند که صورت مربع رابه‌هشت ضلعی تبدیل ساخته‌اند .

در این قسمت کتیبه‌ایست گچبری‌به خط ثلثی‌همسطح زمینه بعرض ۰/۸۰ سانتیمتر که نخست جای حروف و کلمات‌را در زمینه‌گچی بریده تهی ساخته‌اند و سپس داخل آنها راباگچ رنگین زرشکی پرساخته‌اند که‌قسمتی ازآن حاکی‌ازنام بانی وتاریخ بنابطوری سائیده و رنك قرمز آن پخش شده است که قابل قرائت نیست وقسمتی که قابل قرائت‌است بدین‌عبارات‌است .

بسم‌الله الرحمن الرحیم ذکرالله اعلی‌هذا المرقدالطاهر للسید الشریف جعفر ابـن موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بـن علی زین العابدین بن الامام الشهید الحسین بن‌الامام الشهید امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیهم السلام . . . . بقیه لایقرء است .

و بالای آن به صورت ساختمان شانزده ضلعی درآمده‌است که‌دراین قسمت شانزده صفه یاطاقچه ساخته شده است .

و روی آن هیشت بنا فلکه‌ای است که پاطاق گنبد عرقچینی بالا آمده‌است وتمام جدار بقعه ازجرز و بغله‌هاواسپرمزین بگچ بری بانقشه ملات سازی است و درحاشیه‌نیم‌طاقها که‌بانقشه‌های‌مختلفی‌گچبری شده‌دارای‌نقوش‌گل‌وبوته‌ودرمواضع مختلفه آن بطور نامحسوسی اسامی محمد وعلی کنده کاری شده است که‌بادقت قابل تشخیص میباشند .

ودر قوسی پوشش کـه مانند یك کاسه برگردان منقش آراسته به گچبری رنگین به‌نقشه‌بنداسلیمی‌منظمی‌است که در متن آنها نیزنقوشی باکنده کاری توأم با رنك آمیزی‌دیدمیشودوروی آن اسامی‌محمد وعلی نیز ترسیم و کنده کاری‌شده‌اند.

متأسفانه در این پوشش انشقاقی تـولید شده است کـه بابستن یك کمربند فولادین پیرامون عنق گنبد ازخرابی آن جلوگیری خواهد شد وچون این ساختمان

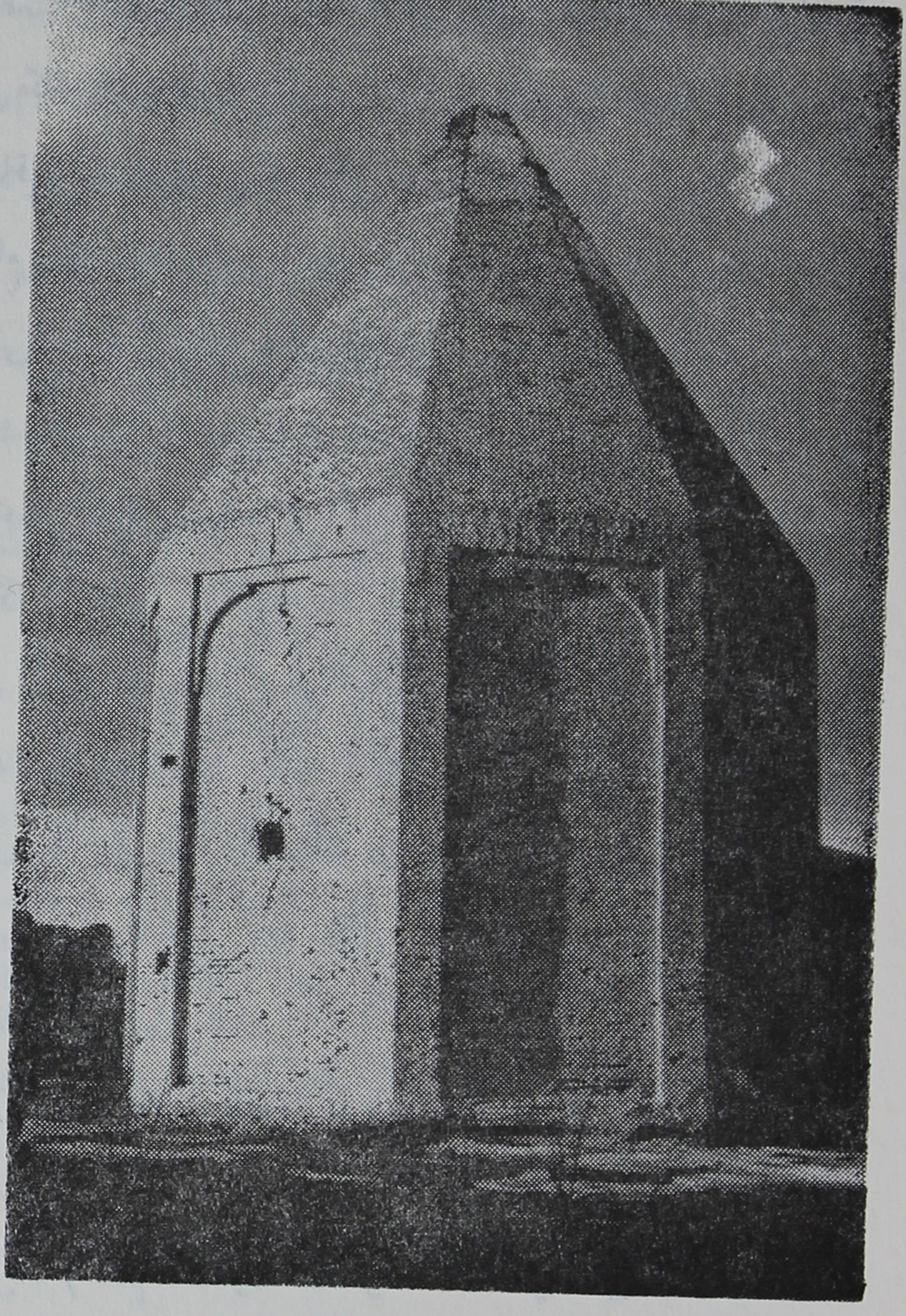
از آثار اصیل قرن هفتم با کتیبه‌های کاشی مستند است حفاظت از آن ضروری است مخصوصاً که درطرفین قوسی هر نیم طاق‌تابلوی نفیس از گچ‌بری و کنده کاری متضمن نقشه‌های مختلف دردو حاشیه زنجیری و نیزدرون هر صفه کتیبه‌هائیست آجری بسبك عصر که‌روی آنها بخط‌بنائی اسامی جلاله بعلاوه نامهای محمد وعلی بطور مکرر خوانده میشود ولی نازك کاریهای فنی ومذهبی آن بطور سرسری قابل تشخیص نیست که باید مورد دقت و تأمل واقع شوند وهرقدر که بیشتر تأمل گردد زیادتر بر ریزه کاریهای آن پی‌برده میشود .

کتیبه‌های کاشی در این بقعه سه کتیبه کاشی اعم از خشتی خط برجسته ومعرق بود که‌بواسطه نفاست و قدمتی که داشتند به موزه آستانه مقدس انتقال یافته‌اند بدین تفصیل که :

اول کتیبه لوح‌قبر مرکب از پانزده‌پارچه کاشی ۳۰٪ در ۳۰٪ فیروزه‌فام که روی آنهابخط برجسته ثلثی‌همرنگ زمینه عبارات وتاریخ‌ذیل قالب ریزی‌شده‌است وبا کاشیهای کتیبه ازاره بقعه سلطان سید اسحق مدفون به‌ساوه یکنواخت وهر دو کتیبه درسال ۶۶۷ در یك کارخانه در قم ساخته و پرداخته شده اند که متأسفانه گاه جداساختن‌ازگچ‌بواسطه‌شتاب‌زدگی سه‌قطعه آنها شکسته است بدین‌متن:

هذا مشهد طاهر مطهر للشهید جعفربن الامام ... بن امام جعفر صادق...قرین امام علی زین العابدین بن امام‌حسین‌بن امام مطلق امیرالمؤمنین سیدوصیین‌ذکرالله اعلی ... صلوات‌الله علیهم‌اجمعین فی تاریخ محرم سبع‌وستین وستمائه ۶۶۷.

که‌درجای‌نقطه‌های‌اولیه یك‌خشت متضمن عبارت (موسی‌کاظم)ودرجای‌نقطه های دومی خشتی متضمن عبارت (بن محمد با) و درمورد سوم خشتی با عبارت (علی‌بن‌ابیطالب) بوده‌اند و یازده پارچه ونیم‌آن درموزه آستانه نگاهداری شده در سینه اسپر شرقی‌سالن شرقی نصب گردیده است و این کاشیها لوح مرقدرا بعرض ۰/۹۰ وطول ۱/۵۰ متریعنی پنج ردیف سه پارچه ای‌تشکیل میداده اند که از



تصویری دیگر از مرقدشاه‌جعفرموسوی درغربی‌قم

نمونه های اصیل و مستند کاشیهای قرن هفتم میباشند.

و کتیبه دوم هم از کاشی های خشتی و بخط ثلثی مشکی همسطح زمینه کرم است که از مجموع آنها فقط ۲ پارچه در سینه‌اسپر جنوبی بقعه‌بدیوار نصب شده‌اند واز بقیه‌اثری نیست‌وروی کاشیهای‌موجوده عبارات‌ذیل‌نوشته‌شده‌است.

(الامام زین‌العابدین علی بن الامام الحسین بن الامام علی بن‌ابیطالب)

و کتیبه‌سوم که‌از کاشیهای معرق عصرصفویه وحاکی ازتعمیردرگاه‌بقعه‌بسال ۹۴۲ می‌باشد و در سینه اسپر شرقی سالن غربی موزه آستانه به دیوار نصب گردیده اند وسابقاً جبهه درگاه ورودی بقعه را زینت بخشیده بودند و روی آن بـه خط ثلثی مرغوب طلائی‌درزمینه‌لاجوردی‌و آراسته به‌گل‌و بوته‌های رنگین‌عبارات‌ذیل خوانده می‌شود .

(تجدید عمارت این درگاه مشهدمقدس‌منورزبدة الاعیان غازی‌پیرقلی‌نموده است ۹۴۲) .

و هفده کتیبه هم در حاشیه خشت های کوکبی هشت ضلعی مدرج است که دربدنه های مرقد در بین کاشیهای تعمیری جدید دیده می شوند و دوازده پارچه آنها سالم و پنج قطعه آنها ناقص ودارای شکستگی هستند.

که معلوم می شود تمام بدنه مرقد مزبور به ارتفاع ۱ متر وطول ۲/۵۰ وعرض ۱/۵۰ متراست مانند مرقدستی فاطمه آراسته به کاشیهای مزبور بوده است که ازمجموع این نفایس معدودی باقیمانده است که در پشت ضریح چوبی مصون از تعرض می باشند ودر میانه هر چهار خشتی خلشی میماند که باگل لوزی شکل ساده زمینه لاجوردی پرساخته بودند ونمونه این گل ها هم در بدنه مرقد باقیست.

این کاشیها باکاشیهای ازاره علی بن جعفر یکنواخت وهمزمان ساخته شده اند که در متن هریك گل و بوته های برجسته ودرحاشیه آنها بعرض سه سانتیمتر به خط نسخ عادی مشکی درزمینه سفیدی یکی ازسور کوچك قرآنی ویابعضی از آیات از سور بزرگ نوشته شده است که روی یکی تاریخ ۷۰۵ خوانده میشود.

و کتیبه های آنها بدین تفصیل می باشند.

۱ - متضمن سوره مبارکه قدر (انا انزلناه) ودرپایان عبارت(فی شهور سنة خمس وسبعمائه صدق الله العظیم و صدق) .

۲ - متضمن آیه شریفه (اقم الصلوة لدلوك الشمس الی غسق اللیل و قرآن الفجر . رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق وهب من لدنك سلطاناً نصیراً) .

۳ - متضمن آیه مبارکه (لقد من الله علی المؤمنین اذبعث فیهم رسولا من انفسهم یتلوعلیهم آیاته ویزکیهم ویعلمهم الکتاب و الحکمة وان کانوا من قبل لفی ضلال مبین) .

۴ - سوره مبارکه ناس (قل اعوذ برب الناس) .

۵- آیه شریفه (اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولو الامرمنکم).

۶ ـ آیه‌شریفه (آمن الرسول بما انزل الیه‌من ربه والمؤمنون کل آمن بالله و ملئکته‌وکتبه ورسله لانفرق بین احد من رسله وقالوا سمعنا واطعنا غفرانك).

۷ ـ آیه شریفه (الم ترکیف فعل ربك بعاد ارم ذات العماد التی لم یخلق مثلها فی البلاد وثمود الذین جابوا الصخر بالواد وفرعون ذی الاوتاد).

که این کتیبه برای تنبیه‌وتنبه سپاه‌مغول وارائه عواقب ستمکاران است.

۸ـ سوره‌مبارکه نصر (اذاجاء نصرالله والفتح)

۹ ـ قسمتی از آیة‌الکرسی.

۱۰ ـ آیه‌شریفه (الحمدلله‌الذی انزل علی عبده الکتاب).

۱۱ ـ سوره‌مبارکه اخلاص (قل‌هوالله).

۱۲ ـ سوره‌مبارکه کوثر (انااعطیناك الکوثر).

گنبد

و برفراز بقعه گنبدی است باستانی وهرمی هشت ترکی کوتاهی که میتوان گفت نخستین قبه هرمی شکلی است که در ایران ساخته‌شده است و مشابه‌با کلاه‌درویشی است که قاعده آنهم‌ازخارج هشت ترکی نمادارمی باشد که‌هر ضلعی از اضلاع گنبدروی یکی از اضلاع بقعه‌مزبور و در محاذات آن ساخته شده‌است.

ارتفاع آن ۸ وقطرش ۸ مترفاقد عنق‌وبه‌سبك‌عصر (قرن‌هفتم) که‌سراپا آراسته به کاشیهای دوالی فیروزه‌ای عصر صفویه بوده است و قسمت عمده آنها فرو ریخته‌اندواکثرجدار آن آجری وبالای آن کاشی تعمیری است.

ودرجانب شرقی‌وغربی‌بقعه گورستانی باجدارقطوربارومانندی است ودرهائی ازبقعه‌به‌سوی آن گشوده‌می شود ولی مدخل رسمی بقعه ازصفه‌شمالی است وجلو آن‌صحنی است باریك که درهرجانب آن دونماساخته‌شده‌است.

ودر مدخل‌صحن ایوانی وراه‌پله‌ایست سنگی وبرفراز آن‌غرفه ایست مصفا

ودر جانب غربی راه پله حجره ایست برای سکونت خادم بقعه که مخروبه است.
و تعمیر و تزیین این گنبد تاریخی و باستانی ضروری و حائز اهمیت میباشد.

مقصد دوم

در توصیف گنبد شاه ابراهیم عسکری

در جانب غربی قم و رودخانه

گنبد مورد نظر سابقاً در یك کیلومتری خارج شهر بود ولی اکنون در اثر گسترش و توسعه قم در میانه شهر قرار گرفته خیابان شاه ابراهیم حدود دو کیلومتر به جانب غربی گنبد هم امتداد یافته است که طرفین آن خانه ها و مستغلاتی ساخته شده است.

بقعه شاه ابراهیم تا چهل سال قبل تهی از هر گونه بیوتات در میانه گورستانی مخوف و ناهموار قرار داشت و آب مصرفی زوار تنها از یك حلقـه چاه سنگ بست به وسیله دلو وطناب تأمین می گردید و گنبد آنهم که در سال ۱۳۱۰ قمری از ناحیه متولی وقت مرحوم آقا سید علی نقی تعمیر شده بود آجر کاری بود.

و در سال ۱۳۵۶ قمری بسعی آقای حاج حسین علی گرجی آشتیانی ساکن تهران تعمیر و ایوان مدخل آن کاشیکاری و گنبد آن نیز به خشت کاشی آراسته گشت و در سال ۱۳۷۷ بوسیله مرحوم دکتر احمد احسان که طبیبی خیر و بلندهمت و دیندار بود از مسجد و حسینیه و آب انباری هم برخوردار گردید.

که بناهای یاد شده در جانب غربی شارعی است که صحن بقعه را به خیابان شاه ابراهیم متصل و مرتبط میسازد.

این شارع بطول ۵۰ و عرض ۹ متر از میانه اراضی موقوفه امتداد یافته است که در جانب شرقی آن گاراژی با مستغلات جلو خیابان برای امامزادگان بنیان گردیده است.

و در نتیجه افزایش بناهای مزبوره پس از احداث سر درب زیبائی برای

گورستان اطراف بقعه توجه عمومی به مشهد شاه ابراهیم جلب و بامساعـی آقای حاج سید محمد شاه‌ابراهیمی گورستان مزبور تسطیح ودرمحوطه جنوبی آن نزدیك چاه یادشده حوضی بادولبه بالا وپائین ازسنك تراش احداث ووضوخانه مردانه و زنانه‌ای باجدار کاشیکاری درضلع شرقی آن بنیان وبه‌مروربقعه‌ها وحجره‌هائی زیبا باتالارهای جلو برفراز ستونهای سنگی دردوضلع جنوبی وغربی آن ازناحیه کسان مدفونین بعنوان مقبره‌های خانوادگی نیزاحداث گردیدو درنتیجه صحن وسیعی به‌مساحت ۸۱۰۰ متربشکل مربع متساوی ازهرطرف به‌دهانه ۹۰ مترتشکل یافت که ازشمال و شرق هم قابل توسعه وافزایش میباشد .



نمای گنبد ودرب ورودی آن هنگام تعمیر

به‌اضافه در جنوب غربی صحن مزبورباغچه‌ای مشجر قرار داشت که آقای شاه ابراهیمی آنرا قطعه بندی کرده بانقشه‌مرتبی برای ایجاد مقابرخانوادگی به‌علاقمندان واگذاشت ودرسه طرف آن حجراتی با تالار ساخته‌شد بطوریکه اینك بصورت صحن مربع کوچکی بطول ۶۰ و عرض ۲۵ متر درآمده‌است که مسجدوصحنش هم ضلع شرقی آنرا فراگرفته‌است .

مسجد امامسجد احداثی مرحوم دکتر احسان‌دارای صحن‌مربع مستقلی است با جدار نمابندی به‌وسعت ۱۸ در ۱۷ متر با حجره وغرفه‌ای درزاویه شمال شرقی ومأذنه آجری متصل به آن که‌قاعده‌اش مربع و نیم‌تنه‌ای استوانه‌ای دارای راه‌پله پیچ درونی وتالارچه‌ای باتارك عرقچینی آهنی به‌قطر۲متروبه‌ارتفاع ۱۲ متردارد .

ودرضلع شمالی صحن مزبور تالاری است جلومسجد به دهانه ۱۲ وعرض ۸ وارتفاع ۶ متر برفرازچهار ستون لوله‌آهنی با پوشش خفته رسته تیرآهنی که از ضلع جنوبی‌مسجددرطرفین محراب دودرگاه وسیع‌با درهای‌آهنین شیشه پوش به داخل‌آن باز میشوند وحجره وغرفه‌یادشده باراه پله بام درجانب شرقی‌آن‌میباشند.

ودر شمالی این تالار مسجدی است با جدار آجری وپوشش خفته رسته‌تیر آهن پوش بر فراز شش ستون لوله آهنی به ارتفاع ۵متر وطول ۱۸ و عرض ۱۰ متر با محرابی آراسته به‌کاشیهای خشتی جدیدکه بر فراز مخـزن آب انبار بنیان گردیده‌سطح آن‌یکمتر مرتفع است .

ودر زیر مسجد برکه ایست‌که مدخل آن پهلوی مأذنه درهمان شارع واقع است ودارای سی‌پله‌وبعمق ده‌متر باسردری‌ازآجرتراش‌و پوشش یزدی‌بند میباشدکه در جبهه‌آن کتیبه ایست ازکاشی خشتی که روی آن به‌خط نستعلیق سفید ابیات ذیل سروده‌بانی نوشته شده‌است .

نوشیدآب‌ورفع‌عطش‌ازجگرکنید	برتشنه‌گان کرب بلا یك نظرکنید
لعنت کنید بر همه قاتلانشان	اشکی‌روانزدیده‌وخون‌ازجگرکنید
احسان‌چه‌دید مردم‌این کوی‌تشنه‌اند	اقدام کرد تشنه لبان را خبرکنید
سال‌هزاروسیصد وهفتادوهفت کرد	بانی تمام برکه حساب ازقمرکنید

ودرجوارآن‌ایوانی است‌که دری ازمسجد ودری‌ازمقبره دراسپرغربی‌وجرز شمالی‌آن‌گشوده میشوند .

و متصل به ایوان راهرو مزبور مقبره خانوادگی بانی به وسعت ۵ در ۳ متر واقع است که خود دکتر احسان را در آنجا دفن کرده اند.

سر درب ورودی صحن

شارع یادشده به سردر ورودی صحن بزرك منتهی میگردد. واین سردرنیزاز آثار مرحوم دکتراحسان ودارای جرزهای آراسته به کاشیهای خشتی خـوش نقش ودر پیشانـی آن کتیبه ایست در دوسطر یکی بالاو کوتاه وبخط نستعلیق طلائی و دیگری در پائین آن بخط نستعلیق سفیددرزمینه لاجوردی از کاشیهای خشتی سرتاسری که روی آنهاعبارات زیرنوشته شده است.

(درزمان سلطنت اعلیحضرت همایون شاهنشاه محمدرضاشاه پهلوی خلدالله ملکه) حسب الامـر حضرت آیت الله العظمی آقـای حاج میرسید محمد بهبهانی دامت برکاته وسعی جنابان حجج الاسلام آیت الله زادگـان کبیر مدظلهم العالی جناب آقای دکتر احمد احسان بتولیت آقای حاج سید محمد شاه ابراهیمی آستانه مبارکه شاهزاده ابراهیم ومحمدبن امام موسی بن جعفرعلیه السلام بنای این مسجدوحسینیه در تاریخ پانزدهم ذی قعده ۱۳۷۸ هجری نبوی خاتمه یافت امید است زائرین محترم وعزاداران آل عبا حضرت ابیعبدالله سید الشهداء علیه السلام ارواحنا فداه آمروبانی و ساعی را از دعای خیرفراموش نفرمایند. طهران خاك نگار مقدم.

نام ونسب امامزادگان

وقبل از آنکه بتوصیف گنبد بپردازد طبق معمول به ترجمه و نسب امامزادگان پرداخته مینگارد کـه در این بقعه دو امامزاده جلیل (پدرو پسر) به اسامی ابی جعفر محمد بن محسن بن ابراهیم عسکری ابن موسی ابی السبحه ابن ابراهیم المرتضی ابن امام موسی الکاظم وفرزندش ابواسمعیل ابراهیم مدفونند که بواسطه آثار تألیفی شاهزاده ابراهیم این قبه و بارگاه به نام وی شهرت یافته است وچون در کتیبه ایوانچه مدخل بقعه حالات و آثار شان قید شده است که ضمن نقل کتیبه مـزبور روشن میگـردد

بمنظور احتراز از تطویل و تکرار از نگارش آن در اینجا خود داری گردید .

قبه وبارگاه

اما قبه و بارگاه مورد سخن برهنه از بیوتات و مرافق و بشهادت سبک بنای بقعه و گنبدو کاشیهای مرقد از آثار قرن هفتم هجری است که درعین سادگی و نداشتن تزیینات هنری از ابنیه مجلل تاریخی است که ثبت آن درعداد آثار باستانی وحفاظت آن ضروری است .

قاعده گنبد

اما قاعده گنبد ازخارج بشکل هشت ضلعی متساوی است که درهرضلعی ایوانچه یاصفه‌ای از قطر پایه بیرون داده‌اند ودرطرفین هرصفه وایوانی دونمای تحتانی وفوقانی ساخته شده است و این صفه‌ها یکی درمیان برای نشیمن زوار حدود ۵۵ سانتیمتر ازسطح صحن و بقعه ارتفاع دارند که ازاره سنگی هم جلو این پله را پوشانده است و یك درمیان ایوانچه ایست که چهاردرب ازجهات اربعه بقعه درداخل آنها بازمیشوندو دربالای هردرگاهی هم پنجره‌ای نمودار است وجرزها و بغله‌ها و اسپر آنها آجری است که بصورت گچبری بانقشه ملات سازی برنك طلائی تزئین یافته‌اند .

این صفه‌ها و ایوانها بدهانه ۲٫۵۰ و عرض ۱٫۲۵ متر وارتفاع ۷ متردارای پوشش‌های رومی ورسمی بندی که دراسپر و پیشانی بعضی گل‌هائی از کاشی متضمن نام (اکبر) دیده میشود .

ودرارتفاع هفت متری بجای عنق گنبد قسمتی شانزده ضلعی بارتفاع قریب دو متر است که نماسازی شده است ویک درمیان تو پر بااسپری آراسته بکاشیکاریهای معقلی و کتیبه‌های مختلف بخط بنائی از کاشی دوالی رنگین است که بعدا نگاشته خواهد شد وبقیه میان تهی برای نور گیر و دارای مشبکی از کاشی است که گنبد برفراز آن واقع و به‌جای عنق است .

ایوانچه جنوبی

و درآن میانه ایوانچه جنوبی که مدخل رسمی بقعه است از بغله‌ها واسپرونماهای دو طبقه و لچکیها و پیشانی آن

آراسته بکاشیهای خشتی منقش است که هره لب بام آن مزین بمضرس مقرنس وار از آجر است که بطرز زیبائی ساخته شده است .

ودر کمرگاه آن کتیبه ایست کمربندی از کاشیهای خشتی در دوسطر به خط سفید نستعلیق در زمینه لاجوردی که درمیانه دوسطر یك ردیف از کاشیهای زیبا با نقشه گل وبوته نصب شده است ومتن عبارات آن چنین است .

بسم الله الرحمن الرحیم دراین بقعه مبارکه بطوریکه آقای ابو المعالی شهاب الدین مشهور بالنجفی الحسینی الحسنی المرعشی تعیین نموده اند دو نفر از خاندان حضرت رسالت یکی سید جلیل ابو اسمعیل ابراهیم بن ابی جعفر محمد بن ابیطالب المحسن بن ابی الحسن ابراهیم العسکری ابن موسی الثانی ابـی السبحة بن ابراهیم المرتضی ابن سیدنا ومولینا الامام موسی ابن جعفر علیهما السلام و دیگری سید ابوجعفر محمد پدر بزرگوار ایشان مدفون میباشند .

و سید ابوجعفر محمد باعم خود اسحق که بین ساوه وآوه دربقعه معروف بشاهزاده اسحق مدفون است از عراق عرب مهـاجرت بقم نمودند ونظر به اینکه شاهزاده ابراهیم از بزرگان علماء و محدثین بوده کتب بسیاری ازجمله کتاب الامامه وکتاب القضاء و غیرهما تألیف نموده بقعه منوره به اسم ایشان مشهور شده و فوت شاهزاده ابراهیم درحدود سنه چهارصد هجری و سـاختمان این روضه منوره بنـا بفرمایش صاحب منتقلة الطالبیین وبطوریکه در سفرنامه خوزستان مرحوم نجم الدوله حاجی میرزا عبدالغفارخان مهندس نوشته شده بین سنه هفتصد و هشتصد هجری بوده است و جناب مستطاب آقای حاجی حسینعلی گرجی آشتیانی بانی شده بسعایت جنابان حاجی میرزا محمد وحاجی میرزا محمد علی اخوان شاکری خرازی قمی به تعمیرات این بقعه اقدام ودراول شهر رجب هزاروسیصدو پنجاه وهفت هجری قمری تعمیرات آن خاتمه یافت امید است که مؤمنین وزائرین این آستان بانی وساعی را ازدعای خیر فراموش نفرمایند .

(کاشی ساز خاك نگار مقدم)



و در سینه اسپر همین ایوانچه بالای درگاه لوحی از سنگ سفید نصب شده که روی آن به خط برجسته نستعلیق عبارات ذیل حجاری شده است.

بسمه تعالی در عصر تولیت و همت جناب مستطاب جلالتمآب آقای آقا سید علی نقی تولیت محترم بقعه مبارکه امامزادگان شاهزاده ابراهیم و محمد بن موسی بن جعفر تعمیر نمودند بتاریخ ۲۸ ماه رجب المرجب سال ۱۳۱۰ هجری نبوی.

که البته مقصود سال قمری است.

تصویری ازنمای خارجی گنبد پس‌ازتعمیر

بقعه تاریخی اما بقعه مورد نظر بصورت هشت ضلعی متساوی چهار متری است ودر هر ضلعی نمائی است به دهانه ۲/۴۰ مترو عرض ۰/۳۰ سانتیمتر مانند طاقچه در ارتفاع یکمتری و بین آنها جرزی است میان منحنی بعرض ۱/۶۰ متر که هر نیمی از آن همبادبایك صفه می‌باشد.

دهانه بقعه هشت متروارتفاعش قرب ۱۴ مترو اینك سراپا گچکاری آبی رنگ

بدون تزیینات گچبری و کاشیکاری است.

ازاره بقعه به ارتفاع یك متر مزین به خشتهای سیمانی تعمیری و در ارتفاع هفت متری روی پوشش صفه‌ها صورت هشت ضلعی به‌شانزده ترکی تبدیل گردیده است که یکی در میان نورگیر و بقیه نمابندی است که از خارج هم به جای عنق از آن گنبد یاد گردید.

و بالای آن هیئت ساختمان فلکه ای و پاطاق گنبدعرقچینی آن بالا آمده است.

ودر وسط بقعه ضریحی است مشبك از چوب و درون آن

مرقدولوحی — مرقدی است به ارتفاع ۱٫۱۰ متر و عرض ۱٫۶۰ و طول ۲٫۵۰ متر که چهار بدنه اش خشت هـای سیمانی و احیاناً کاشیهای ساده بکار رفته است.

وروی مرقد آراسته به‌دواوح قبر کاشی نفیس باستانی از آثار قرن هفتم که ازلحاظ ساخت و پرداخت وبرجستگی خط و امتیاز آن و نقوش برجسته و رنگ آمیزی بر سایر الواح مشابه چون دولوحه قبور درب بهشت و لوح قبر احمد بن اسحق موسوی مزیت و برتری دارند.

این دو لوح متشکل از شش پارچه کاشی هـر یك به ابعاد ۰/۷۰ در ۰/۷۰ سانتیمتر (هر لوحی ازسه‌قطعه) ودارای یك حاشیه کتیبه داری است که‌چهارجهت دولوح رافراگرفته‌است.

اما کتیبه حاشیه به‌خط ثلثی لاجوردی شفاف و بی‌نظیری درزمینه سفید متمایل به خاکستری است که‌چهارجانب دولوح رازینت بخشیده‌است وروی آن ابتداء ازبالای سر (جهت غربی) آیة الکرسی و در پایان آن عبـارت(صدق الله العظیم و صدق رسول رب العالمین فـی القرآن الکریم) خوانده می‌شود که شایـان بر رسی و مداقه وجالب است.

اما متن دولوحه در بالای هریك نقشه‌محرابی بادوخط قوسی تیزه‌دار برجسته

نمودار است که در داخل آنها و همچنین لچگیهای طرفین هریك گل و بوته‌های برجسته و جالبی قالب‌ریزی شده‌است واین دو خط محرابی بشکل مربع مستطیل تا پائین امتداد دارند و قاب مربعی را تجلی میدهند که در دو ضلع محل‌وصل دو لوحه بیکدیگر بصورت دو خط متوازی برجسته نمودارانند.

و در میانه دوقاب مزبور دو کتیبه به خط ثلثی برجسته درشت تری برنگ شنجرفی در زمینه آسمانی‌رنگ مشابه شنجرفی است که متن عبارات لوحه جنوبی چنین است.

(هذا الضریح للسید الشریف الطاهر المطهر التقی النقی محمد بن موسی بن‌جعفر بن محمدبن علی بن‌الحسین اخ الحسن ابنا امیرالمؤمنین علی‌بن ابیطالب علیهم‌السلام).

ومتن کتیبه لوح شمالی مربوط به ابواسمعیل ابراهیم چنین است.

(هذا الضریح للسید الشریف الطاهر المطهر التقی النقی الزکی ابراهیم بن‌موسی‌بن جعفربن محمدبن علی‌بن‌الحسین بن‌علی‌بن‌ابیطالب علیهم‌السلام).

گنبد اما گنبد مورد نظر بصورت کلاه خودی فاقد عنق‌به قطر ١١ متر وارتفاع ۶ متر که‌قبل‌از تعمیر اخیر بدنه آن مزین‌به آجر تراش‌بودولی اینك آراسته‌به‌کاشی‌های‌فیروزه‌فام‌دوالی‌ودر تارکش‌میله‌برنجی که دررأس آن‌تاج کیانی‌ودارای کتیبه‌پیشانی‌بندی است از کاشیهای الوان که روی آن بخط نبائی پس از نام جلاله اسامی‌معصومین‌از (یامحمد) تا (یاحجة‌الله) ودرپایان آنها عبارات زیر خوانده میشود.

(بانی تعمیرات حاجی حسینعلی گرجی آشتیانی ١٣۵٧).

وچنانکه نگاشته شد این‌قبه راعنقی‌نیست ولی در قاعده آن بجای‌عنق قسمتی

شانزده ضلعی یانماسازی است که قطرش بیش از سیزده متر و ارتفاعش قرب یکمتر و نیم ودارای هشت نورگیرو هشت نمای توپر میباشد و در سینه اسپرهای نماهای هشتگانه آن کتیبه‌هائی چون (یاالله) و(یامحمد) و(یاعلی)و (انافتحنالك فتحاً مبیناً) و (لااله الاهو) و (یارحمن یارحیم) و(یاالله) بخط نبائی خوانده میشوند .

پایان فصل دوم

فصل سوم

در توصیف از مشاهد خاکفرج قم

در دو مقصد و یک مقدمه

مقدمه

درموقع افسانه‌ای خاکفرج ورمز تسمیه آن

شهرت نام خاکفرج تاحدی است که نام امامزادگان آن بقعه‌را تحت‌الشعاع قرار داده است تاجائیکه بجای زیارت از شاهزاده احمد وشاهزاده حارث هم مردم به زیارت خاکفرج میروند .

نگارنده در هیچیك از تألیفات ندیده است که درباره خاکفرج مطالبی نقل کرده‌باشند ومعلوم نیست که این نام ازچه زمان شهرت گرفته ووجه‌تسمیه‌اش چیست واز آنجائیکه نام خاکفرج بمعنای جمله‌توجه توده رابجانب خود جلب کرده‌است شایسته دید که در این باره با استفاده از اخبار سینه به سینه وافسانه‌ای اندکی به بحث بپردازد .

و انکار نمی‌توان کرد که رؤیای حسن مثله جمکرانی منتج به موجودیت مسجد جمکران در نزدیکی شهر اسلامی‌قم در اراضی براوستان باحس رقابتی که میانه‌اهالی آن بامردم کمیدان‌یعنی‌حصار مسکونی زردشتیان ومجوسیان وجودداشت

درپیدایش چاه و گنبد خاکفرج عامل مؤثری بوده است .

توجه به‌این نکته در کشف این‌مسئله مؤثر است که‌درداخل

افسانه‌ای درافسانه

حصار کمیدان‌برای‌تأمین آب مشروب و مصرفی اهالی‌شهر چاه‌های بسیاری از عمومی وخصوصی حفرشده‌بود وچنین‌گویند که درازمنه‌باستانی زلزله‌ای بوقوع می‌پیوندد که درعمق یکی از گاوچاه‌های‌عمیق شکافی تولیدمیشود واز آن منفذ گازی متصاعد میگردد ومردم کمیدان بهر کیفیت آنرا تا سطح زمین مهار کرده و بر فراز آن آتشکده ای بنانموده آنرا مشتعل ساختند کـه پیوسته آتشگاهی خروشان‌بود .

واین‌آتشکده فروزان که‌هیچگونه نیازی به‌آتش‌گیره‌ومواد سوختنی نداشت توجه عمومی را بخود جلب کرده بعنوان یکی‌ازسه آتشکده مقدس مورد عنایت پادشاهان ایران باستان واقع شدکه بنام‌آتشکده‌خاکبرك مزدجان خوانده میشد .

درنتیجه‌دراطراف آن‌قربانی‌گاه‌ومیهمانسرابنا کرده‌درب آنرا هم ازطلا بساختند که داستان منطقی ساختن‌آن ازناحیه امیرقم «برون ترك» در خلافت معتضد عباسی در تاریخ‌قدیم‌قم مسطوروچنین‌آورده است که مردم‌قم درب طلای آنرابکوفه فرستادند تا به مکه بفرستند ودر مدخل خانه کعبه نصب کنند .

و داستان غلبه مزدك بر قباد ساسانی ومأمور کردن‌پادشاه به خاموش ساختن جمیع آتشکده‌ها به‌جز سه‌آتشکده‌درجلدنخست‌این کتاب ضمن‌نقل اقوال‌مؤرخین درباره قم‌نقل گردید وپس از انتقامجوئی نوشیروان دادگر از مزدك و پیروان وی وقتل آنان بدانجهت که‌زن ومال راکه مایه‌فساد وتباهی‌هستند مباح‌خوانده مذهب اباحی رارواج داده‌بودندگروهی ازمزدکیان فرار کرده‌خودرا بدین‌سرزمین‌رسانیده برگرد این آتشکده سکونت گزیدند .

وکارتقدیس این‌آتشکده رابه‌جائی‌رسانیدند که‌احدی جرئت نداشت باللباس ناپاك‌بدانجابرود ودرجوار آن‌به‌شرب‌خمرویالهوولعب‌بپردازد .

اتفاقاً یکی از دیوانگان ناپاك به حریم آتشکده پای نهاده بشرب و نوازندگی پرداخت تصادفاً زلزله دیگری به وقوع پیوست که منفذ گاز رادر هم ریخته جلو آنرا فرو بست پس آتشکده خاموش گشت که این خاموشی رانتیجه آن سوء ادب پنداشتندو برای تجدید روشنی آتشکده بفعالیت پرداخته شعبه‌ای از آتش آذر جشسف (آذر گشسب) رااز آذربایجان بدین مکان انتقال داده آنراروشن نگاه داشتند که برون ترك امیرقم درخلافت معتضد عباسی آتش آنرا منطفی و بنایش‌را منهدم گردانید .

سالها گذشت که مردم کمیدان هم به آئین مقدس اسلام گرویده بودند ولی بحکم عقاید توارثی که در سرشت آنان مخمر شده بود مکان آتشکده را مقدس شمرده با تبدیل کاف دوم خاکبرك به جیم بنام تعریب آنرا خاکفرج خواندند و گاه اجرای سنن ملی و از جمله جشن آتش افروزی درشب چهار شنبه آخر هر سال بنام چهارشنبه سوری دراین نقطه گود که خاك آنرا برای احتیاجات ساختمانی برده بودند و بنام خاکبرك یا خاکفرج شهرت داشت گرد آمده آتش ها می افروختند و از فراز آنها باچند پرش می گذشتند و بصدای «زردی من از تو و سرخی تو از من» مترنم می‌شدند ودر همان چاله قربانیهای خودراهم می گذرانیدند.

پیدایش نام خاکفرج موجب گشت که تنی چنداز شیادان همین چاه پرشده را تا دومتر تهی سازند و جدارش راباآجروگچ بیارایند وبر فراز آن قبه ای بنا نهند وچنین شهرت دهند که جبرئیل حجرالاسود رااز این چاه بیرون آورده برای ابراهیم خلیل بمکه برده‌است .

و تدریجاً عامیان زود باور هم به تقلید حاجیان برگرد این قبه و چاه هفت بار طوف نموده سپس چنین وانمود کردند که هر کس بخواهد بداند که حاجتش برآورده می‌شودیانه ریگ ریزه‌ایرابرفراز قبه آن بیفکنداگر برفراز آن بماند حاجتش بر آورده خواهدشدواگرپائین آیدبه مرادخودنمیرسد .

بالجمله این افسانه را به رنگ دین رنگ زدندوبه مرورهم این افسانه دینی

چندان دراذهان مردم رسوخ یافت که شعرای بسیاری هم پیرامون آن ابیاتی سرودند وازجمله زکی باغبان شاعر معروف در مخمس خود در این باره چنین سروده است.

آندم که کس نبود به خلق جهان دلیل — محکم شد از شرافت قم خانه جلیل
معمار طرح ریزی آن کرده جبرئیل — برد از دیار قم حجر کعبه را خلیل
خوشدل کسیکه دفن شود درمزار قم

هرجا که موج فتنه تورادرمیان گرفت — طغیان وظلم وجور تمام جهان گرفت
فصل بهار زندگیت را خزان گرفت — باید که پند از زکی باغبان گرفت
هجرت بقم کنید ویا اردهار قم

روزیکه ظلم در همه جا باب میشود — روی زمین چو کوره سیماب میشود
رحم از میان خلق چو نایاب میشود — ظالم به دشت قم چو نمك آب میشود
گردنکشان نه بهره برند از دیار قم

ویار ضوان شاعردیگری چنین سروده است:

در زمین قم حجراز آسمان آمد فرود — نام آن گو ازچه قم شد برتو من افشا کنم
کعبه را چون ساخت ابراهیم آذر شد خراب — گفت چون بارد گر این خانه را بر پا کنم
جبرئیل آمد که سنگی درنخع باشد نهان — من ندارم رتبتی کان سنگ را پیدا کنم
این بنا ازبرکت آن سنگ گردد استوار — خیز ایدون تا تورا من رهبری آنجا کنم
آمد ابراهیم وبرشد برفراز سنگ وگفت — قم باذن الله کت من قبله دنیا کنم
این همایون جایگه رازان سبب قم گشت نام — گفت رضوان خاك اوراسرمه حورا کنم
جای آن سنگ است درخاکفرج گویم ترا — بار الها کن نصیب برتربتش مأوا کنم

ولا ادری چنین می سراید:

خاکفرج که مدفن اولاد مرتضی است — اندرحریم خواهر سلطان دین رضاست
خاك درش به چشم خلایق چو طوطیا است . . .

وبرگفته های سابق خویش مطلب جدیدی هم بیفزودند که چون عرب اشعری

قم باخلفای عباسیان بدبین و در باره آنان خشمگین و بالعکس با سادات فاطمیه خوشبین بودند فرقه اسمعیلیه ازقرامطه بحرین هم گاه نقل حجرالاسود ازمکه به بحرین برای آنکه بتوانند سوگند یاد کنند که حجرالاسود در بحرین نیست آنرا به قم نقل داده مدت بیست سال درهمین چاه محفوظ و مستور نگاه داشتند.

خلاصه فتنه قرامطه چنین است که ابوطاهر قرمطی امیر بحرین بود که در آغاز طلوع ابوالقاسم محمدبن عبدالله ملقب به مهدی بعنوان ظهور مهدی موعود در آفریقا وسلطه وی بر آن منطقه وتشکیل خلافت فاطمیه باوی بپیوست و از خلفای عباسیه بگسست ودر سال ۳۰۹ با یاران خویش ازبحرین در آمده به جانب حجاز راند ودر روزترویه بمکه معظمه رسیده چون امیر الحاج باوی به مقابله برخواست اورا از پای درآورد وبقتل عام حجاج وتاراج اموالشان بپرداخت وچاه زمزم را از اجساد کشتکان بینباشت وبقیه اجسادرا درحریم کعبه زیر اواربینداخت وحجر الاسودرا هم ازجای بر کنده بهمراه خود به بحرین بردچنانکه انجام مراسم طواف وحج رابعهده تعطیل وتعویق انداخت.

بالجمله اقدامات بغدادیان برای استرداد آن سودی نبخشید زیرا اگر امیر بحرین را بازور وقدرت تحت فشار قرار میدادند ممکن بود برای همیشه حجر - الاسود را از دسترس مسلمین خارج ساخته در میانه دریا افکند بنابر این راهی برای تسلیم وتحویل آن جز ازطریق مسالمت و رضایت دیده نمیشد.

سرانجام علمای قم ازجمله علی بن بابویه وجعفر بن قولویه که ازاساتین دین مبین بودند درآغاز سروری دیالمه هنگامیکه رکن الدوله از طریق قم عازم شهرری بود بوسیله وزیر شهیر استادبن العمید به استحضاروی رسانیده ازحمایت پادشاه برخوردارشدند.

در نتیجه رکن الدوله استاد را نزد برادر خود معزالدوله ببغداد گسیل داشت و اقدام جدی ویرا دراین باره جلب کرد ومعزالدوله هم رسولانی با نقدینه به نزدالقائم بامرالله که به تازگی برمسند خلافت عباسیه بغداد نشسته بود اعزام بداشت وخلیفه

از بروز چنین سانحه دلخراش وضددین به ابراز تأسف و تأثر بپرداخت و انتساب قرامطه را با اسمعیلیه انکارنموده ایشان را نفی کرد واز آنان تبری جسته برآنها لعن فرستاد و پس از مشاوره بافرستادگان معزالدوله عاقبت تنی چند از دانشمندان مصررا به نمایندگی به بحرین اعزام داشت ومبلغ سی‌هزار دینار هم دراختیارآنان قرار داد تا بهر کیفیت قرامطه را برای تحویل حجر الاسود اقناع کرده بدون اخذ نتیجه قطعی باز نگردند.

و نمایندگان مصر باکشتی به بحرین سفر کرده باامیر جدید بحرین (ناقد بن شونیز) که جانشین ابوطاهر بود ملاقات نموده پیام خلیفه را ابلاغ ومبلغ اهدائی را بدو تسلیم داشته سرانجام ناقد اطمینان داد که‌قبل از موسم حج حجرالاسود را به‌مسجد کوفه نقل‌دهد.

پس مصریها باز گشتند وناقد هم بعضی از معتمدان را به‌قم روانه ساخت تا حجرالاسود را از درون‌چاه موردسخن بیرون آورده در ماه‌رمضان‌بکوفه‌نقل‌دادندو برقائمه مسجد بیا ویختند.

در نتیجه امیرالحاج برگزیده شد وپس از بیست‌سال نخستین کاروان حجاز حجرالاسود را همراه برداشته عازم طواف خانه خدا شدند.

چنانکه در اثر نشر خبر استرداد حجرجمع کثیری از طریق بروبحر به‌سوی مکه معظمه در حرکت آمدند که از جمله آنان شیخ فقیه محدث جعفر بن قولویه قمی‌بود و داستان حرکت وی از قم ورسیدن وی‌به بغداد وبیماری سخت‌و بستری شدن وی در آنشهر بطوریکه از نیل به موسم حج مأیوس گردیده ابن هشام را با نامه‌ای به نیابت خویش روانه وتأکیدکرد که‌این معروضه را بهر کسی که‌برنصب حجراقدام کرد برسان وجواب آنرا بازستان در ترجمه حالات وی نگاشته‌شد.

که هرگاه این داستان مورد تأیید اعلام قرار گیرد باید معتقد شد که نصب حجرالاسود درسال ۳۳۹ پس از سی سال اتفاق افتاده است زیرا رحلت شیخ (ابن

قولویه) درروز ترویه سال ۳۶۹ مسلم است ونصب حجرسی سال قبل از آن انجام یافته است چه که‌امام درجواب نامه وی میفرمایند تو ازاین مرض شفاخواهی یافت وسی‌سال دیگر هم زندگی خواهی کرد .

اما کلیه مؤلفین نصب حجررا درسال ۳۲۹ ضبط کرده‌اند که‌این امرموجب تضعیف داستان یادشده تلقی میگردد.

در پایان‌نگارش‌افسانه نقل حجرالاسود از قم توجه‌خوانندگان را به افسانه دیگری پیرامون نقل حجر الابیض از مسجد صینی قم بمکه‌معظمه جهت ابراهیم خلیل گاه‌بنیان خانه‌خدا جلب‌می کند که‌ضمن‌نقل کتیبه‌های کاشی مسجدپنجه‌علی‌یا مغیب امامزاده حارث‌بن امام موسی الکاظم روشن‌خواهد شد.

وادی‌السلام وباغ‌رضوان

از علل وموجبات توجه مردم‌قم در ازمنه قدیم که‌بگذریم چیزیکه اخیراً موجب از دیاد توجه عمومی به خاکفرج گردیده است ایجاد دو گورستان عمومی وخصوصی‌اعم از رایگان وغیر رایگان‌بنام‌باغ‌رضوان‌در اراضی شمالی‌گنبد مورد توصیف است .

اما گورستان رایگان وعمومی یادشده همان گورستان وادی‌السلام است که درسال ۱۳۳۷ شمسی بنابه تمایل مرحوم آیت‌الله حاج آقا حسین بروجردی‌ازناحیه دوتاجر خیرخواه ونیکو کاری که‌آثار خیریه‌بسیار داشتندبنام مرحوم حاج‌محمدرضا زاد وآقای حاجی میرزا عباسعلی اسلامی احداث شد که در اختیار مسلمین قرار گرفته است چنانکه پیوسته ماشین‌های متوفیات از داخل وخارج در این‌مسیر ایاب وذهاب دارند وراهی چنان مخوف ومخروب ، متروك ومهجوری اکنون بصورت معمور ترین وپرجمعیت ترین خیابانهای قم در آمده مهمترین خطوط اتوبوسرانی شهر را تشکیل داده‌است.

ضرورت این‌گورستان هنگامی احساس گردید که تعداد واردات انحصاری قم (اموات)ناگهان افزایش یافت بطوریکه‌گورستان‌نوراحداثی مرحوم‌حاج‌نصرالله

تهرانی وصی پدرخود مرحوم حاج محمد ابراهیم سکوئی تاجر تهرانی برحسب امر مرحوم آیت الله حائری یزدی ناظر آنمرحوم) باتمام وسعتی که داشت طی مدت کوتاه بیست ساله چنان پرشده بود که حتی محلی برای یک گور بلا مزاحم درآن وجود نداشت .

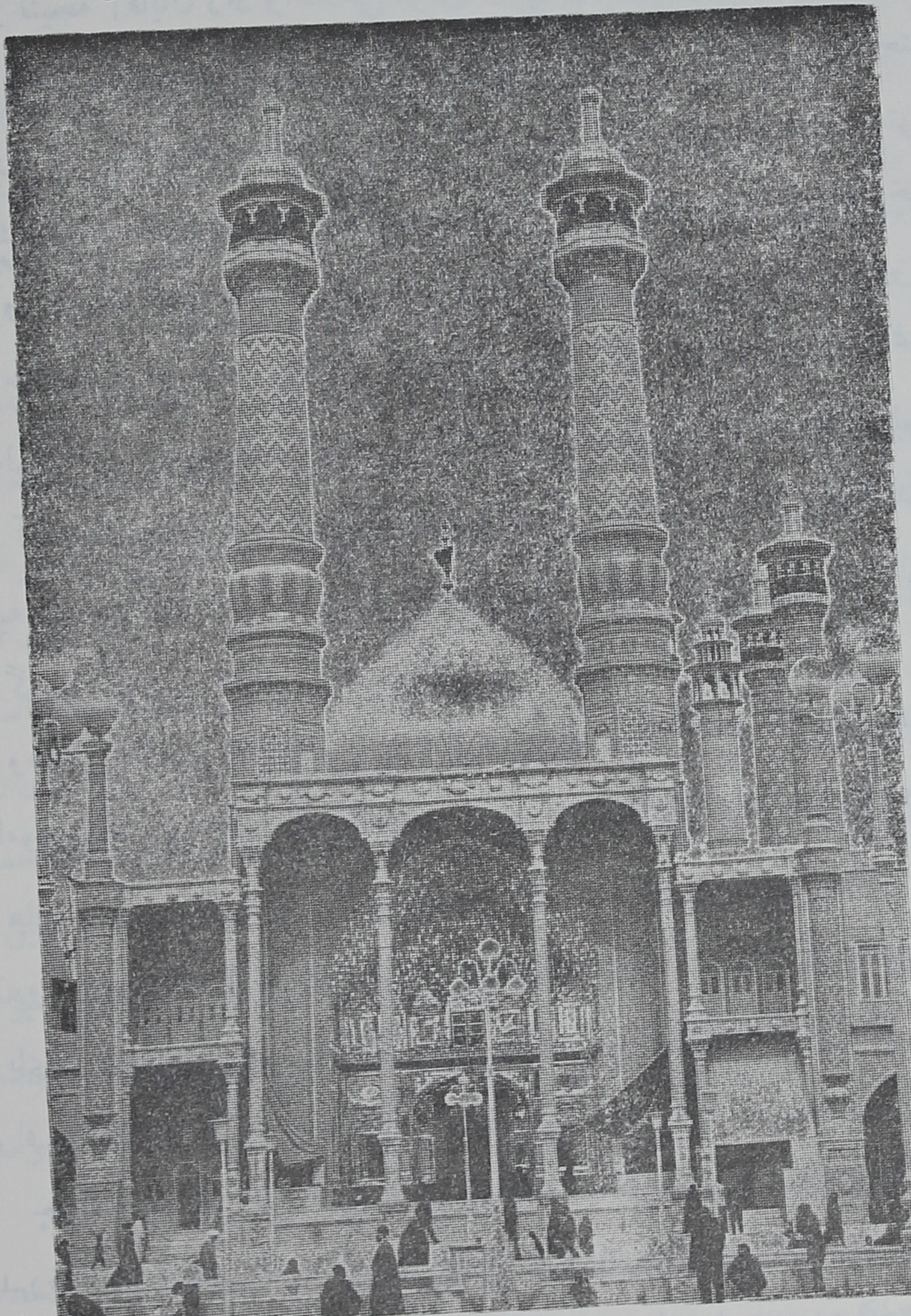
در نتیجه آقایان زاد واسلامی برای جلب رضای حقتعالی ازراه تأمین رفاه عامه و رفع نیاز مندیهای مسلمین داوطلبانه تهیه گورستانی متناسب با احتیاجات روز افزون قم را داوطلب شدند و قطعه زمینی بمساحت یکصد هزار متر ملکی بالاشتراك خود رابه‌نسبت چهاردانگ ودودانگ که درجانب شمالی بقاع خاکفرج ودر آنروز دریك کیلومتری شمالی شهر قرارداشت واز هرجهت برای این منظور وافی و مناسب می‌نمود برای‌ایجاد گورستان درنظر گرفته مقدمتاً دوباب غسالخانه مجهز به‌لوله آب وتمام جهات صحی از زنانه‌ومردانه‌در کنار آن زمین‌وپهلوی‌درب ورودی آن بنیان‌نهاده‌با احداث دیواری‌محوطه گورستان‌رامشخص ساختند وسپس از ناحیه مرحوم آیت‌الله بروجردی بنام وادی‌السلام نام گزاری و در سال ۱۳۳۷ افتتاح گردید که این خدمت‌پرارج واجر در خورستایش‌است .

وطولی نکشید که‌با حسن‌سلوك و بی‌نظری آقای حاج آقامهدی هاشمی در اداره امور داخلی و جلب رضـای‌عمومی در بحبوحه اقبال و ازدحـام و اجتماع گروه های متفاوت اللهجةاز بلادمختلفه‌و دعوت‌و راهنمائی وی‌ازرجال گوناگون اکنون‌دویست‌و هفتاد و نه مقبره مجلل در چهار جانب آن بنیان گردیده شبها غرق در دریای نور و برق است و دیگر خلئی برای احداث مقبره خانوادگی جدیـدی دراطراف آنوجود ندارد .

چنانکه تعریض پل علی خانی (یگانه مدخل شهر) از ناحیه مرحوم حاج محمد رضا زاد درخور طلب آمرزش ونثار درود فراوان برروان وی می‌باشد امید که سایر بازرگانان هم بدوتأسی‌بجویندتا ازاجر جزیل‌عمل خود بهره‌مند گردند و

نام نیکی هم از خود بیادگار باقی گزارند چه که مال و منال را همراه خود نتوان برد وتنها نیکی است که چون سایه به‌دنبال نیکوکاران درهرحال میرود. واز پاداش آن برخوردار میگردندو نام نیکشان هم پیوسته برقرار میماندو کلیه نیک اندیشان هم برروانشان درود میفرستند.

(پایان مقدمه و آغاز ذی المقدمه)



تصویری از گنبدو بارگاه آستانه مقدسه قم

مقصد نخست

در توصیف گنبد شاهزادگان احمد و علی

در خاکفرج

با اشاره به‌چاه مزبور وقبه آن

قبه مورد نظر با بقعه ودوایوان با چندین حجره و غرفه وصحن مدفن امامزادگان شاهزاده احمد وشاهزاده علی حارث است .

نسب مدفونین نامبردگان از سادات عمری واز احفاد حسن افطش میباشند که از اجداد آنان ضمن توصیف از گنبد ابو محمد افطسی درتفرش نامبردار وتعریف گردید.

در این بقعه پدر و پسری از سادات سجادی مدفونند اما پدر بنام و نسب ابو الحسین احمد بن ابی الخیر محمد بن علی بن عمر بن حسن الافطس ابن علی الاصغر ابن امام زین العابدین واما فرزندش بنام علی ملقب به‌حارث میباشد.

و هرگاه شاهزاده علی الرضا مدفون درساوه هم پسر ابو الحسین احمد باشد بنابراین باید گفت اورا دو پسر به‌اسامی علی الرضا وعلی الحارث بوده‌است.

و قدر متیقن علی الحارث فرزند ابو الحسین احمد است که در جوار پدر مدفون است و این امر متکی به لوح مزار قدیمی وی از آثار قرن هفتم است که همزمان بنیان بقعه ساخته و پرداخته شده است و بواسطه بر خورداری از کمال

نفاست به غرفه موزه ایران باستان در تهران انتقال داده شده است که با کاشیهای درب بهشت در سینهٔ اسپر یك صفه فوقانی در معرض تماشا قرار دارند.

و بعید بنظر نمیرسد که فضل علی و سهل علی مدفونین در جبال قرب ساوه فضل بن علی و سهل بن علی و از فرزندان همین حارث بن احمد باشند.

بقعه قاعده گنبد از خارج هشت ضلعی و تهی از مرافق و بیوتات و دارای چهار ایوانچه سه متر در یك متری در قطر پایه بسبك عصر و قرن هفتم است و هیئت ساختمان بقعه از داخل چهار ضلعی متساوی بدهانه ۶ و ارتفاع ۱۲ متر دارای چهار نشین هریك بدهانه سه و عرض یکمتر در محاذی ایوانچه‌های خارجی که نیز در قطر پایه ساخته شده میباشند و از هر شاه نشینی دری بخارج گشوده میشود و نقشه ساختمان آن مشابه بقعه علی بن جعفر عریضی است با این تفاوت که این بقعه چون قبلا ساخته شده است فاقد تزیینات گچبری و ازاره کاشی کاری است و چون بخود یاری اهالی ساخته شده بانی مخصوصی نداشته فاقد نام بانی است و یا ضمن تعمیرات بعدی تاریخ بنای آنرا از کتیبه‌ها زدوده‌اند.

و اکنون ازاره بقعه بارتفاع ۱/۴۰ متر آراسته بکاشیهای منقش هفت رنگ عصر فتحعلیشاه از آثار عمرانی معتمدالدوله منوچهر خان مدفون در گنبد تاریخی واقع در زاویه صحن عتیق است که در سال ۱۲۳۲ افزوده شده است حال قبلا ازاره دیگری داشته یا نه معلوم نیست.

و قسمت بالای آن به ارتفاع ۱/۳۰ متر سفید کاری ساده است که در مواضع معینه هرجرز قابی از آینه بکاربرده شده‌اند.

و روی آن در ارتفاع ۲/۷۰ متری در چهار گوشه بقعه نیم طاقی بالا آمده است که در ۴/۷۰ متری با پوشش شاه نشین همسطح پوشانده شده‌اند در نتیجه صورت چهار ضلعی بشکل هشت ترکی متساوی تبدیل گردیده است و در ابتدای این قسمت مضرسی توأم با مقرنس کمربندی بعرض ۶۰٪ که از خصائص تزیینات عصر شاه

تهماسب صفوی است دیده میشود.

وبالای آن هیئت ساختمان بصورت شانزده ضلعی در آمده است ودراین قسمت شانزده نما یاطاقچه زیبا ساخته شده است که سه تای آنها توپر ویکی میان تهی است بنابراین جمعاً دارای چهار نورگیر است که جلو آنها با پنجره‌ای گچ بری پوشانده شده بوده است ولی اکنون ریخته است و در تعمیرات معتمد به جای آنها دریچه‌ای از شیشه‌های الوان نصب کرده‌اند.

وبالای نماها صورت ساختمان فلکه‌ای شده پاطاق پوشش مقرنس بالا آمده است واین مقرنس زیاده خوش طرح و درشت واز آثار عهد شاه تهماسب است که با کمر بند یادشده همزمان ساخته شده ولی بامقرنس ایوان متفاوت میباشند که درون حوضچه‌های آنرا بانقوشی بی تناسب نقاشی کرده از زیبائی مقرنس کاسته‌اند.

لوح مزار

ودروسط بقعه ضریحی است چوبی و مشبك و درون آن مرقدی است به ارتفاع ۱/۴۰ وعرض ۲/۴۰ وطول ۳ متر که چهار بدنه آن آراسته به خشت‌های منقش هفت رنگ عصر فتحعلی شاه که در پیش روی وپشت سر آن متضمن کتیبه ایست روی کاشی بخط ثلثی سفید درزمینه لاجوردی و روی هر دو آیه شریفه (ماخلقت الانس والجن الالیعبدون) نوشته شده است که این کتیبه با این آیه هرجادیده شود از آثار عهد فتحعلی شاه میباشد.

این مرقد عریض وبرروی دو قبراست و چیزیکه مایه تعجب است آنستکه در نیمه شمالی آن فقط یك لوحه بنام حارث متضمن سه پارچه خشت بزرگ هریك به اندازه ۷۰٪ در۷۵٪ سانتیمتر نصب بود که اینك به موزه ایران باستان انتقال یافته است وپهلوی کاشیهای درب بهشت بدیوار، نصب شده‌اند ومعلوم نیست که لوح مزار شاهزاده احمد چه شده ودرچه زمان برداشته شده است زیرا نمیتوان معتقدشد که پسردارای لوح مزار وپدر فاقد آن باشد اما چون حاشیه آن در چهار جانب دور می زند میرساند که اگر لوحه دیگری هم داشته آنهم دارای حاشیه جداگانه‌ای بوده است

نه مانند الواح دوبقعه یادشده که هر دولوحه‌ای دارای یك حاشیه هستند .

بهرصورت این لوح مزار مشابه الواح بقعه شاهزاده ابراهیم و بقعه علی‌بن جعفراست که‌در قم‌در کارخانه‌استاد رکن الدین بدست‌استاد جمال‌الدین‌تهیه‌وقبل‌از آنهاودرسالهای ۶۹۰ تا ۷۰۰ ساخته‌شده‌اند .

بهر صورت روی این‌لوح مزاربه خط برجسته ثلثی‌شنجرفی درحاشیه آیات ذیل خوانده میشود بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الحمدلله فاطر السموات و الارض وجاعل الملئکة رسلا اولی اجنحة مثنی و ثلاث ورباع یزیدفی‌الخلق مایشاء ان‌الله علی کل شیء قدیر ما یفتح‌الله للناس فلا ممسك لها وما تمسك فلا مرسل له‌من بعده وهو العزیز الحکیم .

ودرمتن این‌لوح بخط برجسته مزبور چنین خوانده میشود .

(هذا مضجع‌شریف للامام حارث‌بن الامام احمدبن‌الامام‌المعصوم زین‌العابدین ابن‌الامام المعصوم الشهید الحسین بن الامام الاکبر امیر المؤمنین علی‌بن ابیطالب علیه‌الصلوات) که‌نام‌پدرش احمدقیدشده‌است.

درب منبت جنوبی بقعه

ودربین ابواب‌اربعه بقعه درب جنوبیش‌منبت‌واز آثارمعتمد به سال ۱۲۳۲ هجری و دارای کنده‌کاریهای ظریف و کتیبه‌های متعدد بخط‌ثلث وثلثی‌برجسته‌ازریزودرشتی‌است بدین گونه که‌درقاب بالا میانه دو ترنج رباعی ذیل منبت شده‌است .

این درکه بود سجده‌گه پیر وجوان چون کعبه بود مطاف شاهان جهان

با روی سیه به تو پناه آوردیم شاید که شویم رو سفید دو جهان

ودر قاب وسط‌دولنگه درمیانه دوترنج چنین خوانده می‌شود .

(قال‌رسول‌الله‌صلی‌الله‌علیه و آله) (انا مدینة العلم وعلی بابها)

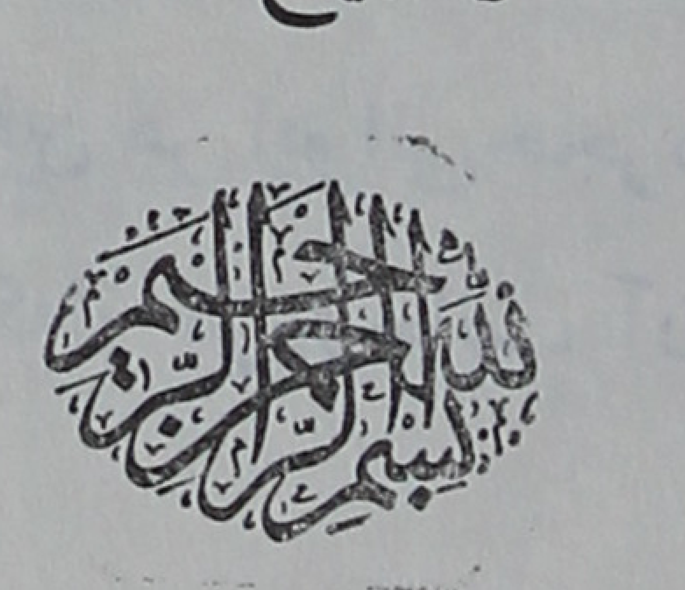
که‌روی قاب پائین نیزدوجمله فوق‌عیناً‌منبت گردیده‌اند .

ایوانها و لوح حجری

و در جهات جنوبی و شمالی بقعه هر طرف ایوانی است بدهانه ۶ و عرض ۴/۵۰ و ارتفاع ۱۰ متر فاقد تزیینات که اصل بناالحاقی صفویه است ولی مقرنس گچی پوشش آنها از آثار معتمد بسال ۱۲۳۲ و در مدخل بقعه ایوانچه یا دارالحفاظی است به دهانه سه و عرض یك متر که از قطر جدار بیرون داده همزمان بنای گنبد بنیان گردیده است.

و بر فراز تیزه طاقبند دارالحفاظ در ایوان جنوبی سنگ مـرمر مستطیل و خوشرنگی در قفسه زیرین طاقبند مقـرنس نصب گردیده است کـه دو جانب آن بشکل منشور مثلث القاعده مدرجی تراشیده شده است که بر زیبائی آن افزوده است.

و در سطح این لوحه سنگی کتیبه ایست بخط نستعلیق برجسته در شش سطر هر سطری مشتمل بر سه بیت یا شش مصرع که جمعاً هیجده بیت زیر از قصیده سروده فتحعلی خان صبا ملك الشعراء بضمیمه بسمله و تاریخ روی آن حجاری شده است.



فی سنة ۱۲۳۲

در زمان ملك غازی دارای جـواد — که شد آباد جهـان زو که بجانش آباد

ملك ملك گشا فتحعلی شه که به ملك — هر ملك بست به ایمانی و هر ملك گشاد

هم از او عبرت چین آمده اتلال و دمن — هم از او خجلت مصر آمده امصار و بلاد

هر سرائی که ز فیض گذرش آید خوش — هر جوانی که زیمن نفسش گردد شاد

اندر آن عهد که در سده او هر چه کریم — اندر آن دور که در درگه او هر که جواد

فخر امثال منوچهر همایون گوهر — زین اشباه خردمند کز آن قدر بزاد

برده تارك بفلك چون به خرد روشن و پاك — گشت منظور ملك چون به گهر بخرد و راد

هم دهین امرخداوند مهین را ز صلاح — هم امین گنج شهنشاه زمین راز سداد
گوهر روشن او صورتی ازعقل‌وادب — پیکر فرخ او جوهـری از دانش و داد
چون‌شد این‌بقعه‌فرخنده‌دراین‌خاکفرج — ازتصاریف زمان قبه قرین بابنیاد
نه‌ببامش که‌حرم پایه بجز شیون بوم — نه‌بباغش که‌ارم رتبه بجز بوته حـاد
پی انگیزش آن مهرسخا صره گشود — بهر آبادی آن بدرکرم بدره گشاد
اوستادان سنمار گهر ز ایمانش — برده بنیاد همایونش براز سبع شداد
بقعه‌ای خوابگه تـاج وری پاك گهر — بقعه ای بارگه پادشهی نیك نهاد
بقعه‌ای ازدر رفعت فلك ذات بروج — بقعه‌ای از ره رتبت ارم ذات عماد
الغرض کرد چو آهنگ به‌این آبادی — که بپاداش شود هشت بهشتش هشتاد
منشی طبع صباازپی تاریخش گفت — شده این بقعه دلکش ز منوچهر آبـاد
بانك گردش بوداین بارگه مینا گون — از رخش باغ جهان کارگه مینو باد

صحن‌ها ودر طرفین هر ایوانی‌حجره‌ای وبرفرازهر حجره‌ای‌غرفه‌ـ ایست که‌از هردوجانب آن‌سه‌دریچه بداخل ایوان‌وصحن گشوده میشود .

ودربرابر هرایوانی صحنی است چهار ضلعی هریك به وسعت ۳۰ / متر در ۱۲ متر با جدار نمابندی و طاقنمائی دارای‌آب لوله کشی که بنای آنها از آثـار معتمدالدوله‌مزبوراست.

چاه‌وقبه وصحن و در جانب غربی بقعه صحن کوچکی است بشکل مثمن متساوی الاضلاع به‌دهانه ۸متر باهشت طاقنمای سه متری ودروسط آن‌قبه‌ایست عرقچینی با قاعده مثمن آجری به‌قطر ۳/۵۰ متر و ارتفاع ۴متر که‌ازداخل بصورت‌فلکه‌ای باجدار سفیدکاری وپوشش نیمه‌بیضی ودرمیانه‌آن چاهی است به‌دهانه یکمتر و عمق ۲٫۵۰ متر باجدار آجر چین ودر اطراف آن‌لبه ایست که‌یکنفر براحتی میتواند برگرد آن‌طوف کند .

این همان چاه خاکفرج وجلوه گاه افسانه های یاد شده است که بعضی از عوام از آن بعنوان کعبه نام میبرند ونقل مراتب بدانجهت بود که از روی ریشه یکی از سنت های ملی ومحلی پرده برداری کند .

وناگفته نماند که توده عوام روز عیدقربان در آن نقطه گرد آمده دور قبه وچاه طوف میکردند وعملیاتی ناروا انجام میدادند وسنگ ریزه هائی برفراز قبه می افکندند تا اگر سنگی درلابلای ملاتهای آن بماند برروا شدن حاجات خود معتقد شوند وهر گاه سقوط کند بالعکس که امروزه تعطیل وبتقوای علما تحریم شده است.

گنبد وبرفراز بقعه شاهزاده احمد قبه ایست هرمی شانزده ترکی به ارتفاع ۹ تا ۱۰ متر آراسته به کاشیهای فیروزه فام که در هرضلعی کتیبه هائیست بخط نبائی از کاشی الوان که دربالای هرضلعی نام جلاله ودر وسط نام محمد ودرپائین دونام علی بطور متعاکس خوانده میشوند .

این گنبد دارای عنقی است مضلع بقطر ۸/۵۰ متر وارتفاع ۲ متر باجداری نما بندی مزین به کاشیکاری معقلی که تعمیر شده است .

مقصد دوم

در توصیف گنبد صفوراء

درخاکفرج

و در زاویه شمال غربی باغ موقوفه گنبدی است قدیمی که مدفن سادات عمریه ولی از احفاد عمر الاطرف ابن امام علی بن ابیطالب میباشند.

وجه تسمیه این بقعه بنام صفوراء بدانجهت است که سیده صفوراء نخستین شخصیتی است که در این نقطه بخاك سپرده شده است .

وبعداز آن عموی شاهزاده محمد بن عبدالله بن عمر بن علی بن ابیطالب علیه السلام که

سیدی جلیل وبزرگوار بوده است درجوار وی مدفون گشت .

و بنای گنبد به‌سال ۳۷۸ ساخته شده است که کلمه (صفوراء) ماده تاریخ وفات سیده‌صفوراء وبنای بقعه‌نیز میباشد که‌حفظ گنبد بواسطه‌قدمتی که‌داردضرورت خواهد داشت .

بقعه

بهرصورت قاعده گنبد از خارج برجی آجری به‌قطرده‌و ارتفاع ده‌متر است که‌بر فراز آن گنبدی عرقچینی و آجر پوش میباشد .

وهیئت ساختمان بقعه از داخل چهار ضلعی متساوی بدهانه ۶وارتفاع نه‌متر است که درارتفاع‌دومتری درچهار گوشه آن‌نیم طاقی بالا آورده صورت‌ساختمان را به‌شکل هشت‌ضلعی نامرئی‌تبدیل‌نموده‌اند که‌بالای آن‌بشکل فلکه‌ای‌در آمده‌پاطاق گنبد عرقچینی آن بالاآمده است .

جدار بقعه‌ازداخل سفیدکاری‌فاقدتزیینات گچبری‌و کاشی کاری‌ودارای مرقدی است باجدار گچی که برذکرش حاصلی مترتب نیست .

فصل چهارم

در توصیف مشاهد گرگاب جمکران

در دو مقصد

مقصد نخست

در توصیف بقعه شاهزاده جعفر و ستی سکینه

واقعه در مزرعه گرگاب (هادی ومهدی) جمکران قم

دهکده گرگاب قرب جمکران و بمنزله بالامحله اوست که در شش کیلومتری شرقی قم واقع است دراین دهکده دو بقعه وقبه در یك محوطه غیر محصور وجود دارد که یکی بنام هادی مهدی مشهور و قریه گرگاب هم بنام هادی مهدی شهرت یافته است ودرمقصد دوم توصیف می شود ودیگری منتسب به شاهزاده جعفر و ستی سکینه است که ذیلا توصیف می گردد .

قاعده گنبد برجی بادو درگاه تنگ و کوتاه واز داخل نیز برجی بدهانه ۶ و ارتفاع ۹ متر باجدار ساده سفید کاری وبحکم سبك ساختمان از آثار قرن هفتم بلکه ششم هجری است وقبه آن عرقچینی واز خارج آجر پوش است .

که در سال ۱۳۰۵ از ناحیه حسام السلطنة دو ایوان بادو حجره درطرفین شمالی

وجنوبی آن افزوده شده است .

که حفاظت از این بقعه‌برای بقای نمونه‌وسبك اولی‌بنظر میرسد.

مقصد دوم

در توصیف از بقعه شاهزادگان هادی مهدی

در گرکاب جمکران

بقعه مورد نظردر دهکده‌ایست که بنام هادی مهدی شهرت یافته است .

مدفونین دراین قبه سه‌تن به اسامی شاهزاده هادی وشاهزاده مهدی وشاهزاده ناصرالدین محمد از سادات حسینی از احفاد امام سجادند که نسب‌نامه ناصرالدین چنین است ناصرالدین محمدبن احمدبن ابی‌القاسم بن حمزة بن علی‌بن عبدالله‌بن اسمعیل‌بن محمدبن عبدالله الباهر ابن‌امام زین العابدین وچنین بنظرمیرسد که هادی ومهدی‌ازفرزندان‌وی‌بوده‌باشندچنانکه‌مدفونین‌در گنبدمجاورهم‌پسرودختروی‌شمرده شده‌اند که این‌بقعه‌درسال ۱۲۹۹ قمری‌ازناحیه‌شاهزاده‌حسام‌السلطنه‌ساخته‌شده‌است.

محوطه زیربنای‌بقعه باچهارایوان‌وچهارحجره‌وغرفه زوایا دوازده دردوازده متراست واین بقعه بصورت‌مربع متساوی بدهانه ۶ر۲۰ متر و ارتفاع ۷متر دارای چهارشاه‌نشین‌هریك‌بدهانه‌سه‌متراست‌وازهرشاه‌نشینی‌دری‌به‌ایوان‌گشوده‌میشود .

ازاره‌آن‌به‌ارتفاع ۱ متر آراسته بکاشیهای خشتی فیروزه‌ای یکصد ساله‌ایست که درمیانه چهارقاب حاشیه‌ای ازکاشیهای منقش‌هفت رنگ‌بعرض ده‌سانتیمترنصب شده است و بالای آن به ارتفاع دومتر سفیدکاری ساده و در منتهاالیه این قسمت کتیبه‌ایست کمربندی از کاشی خشتی زمینه لاجوردی که تمام شاه نشین‌ها را هم زینت بخشیده است و بخط نستعلیق سفیدی قصیده ذیل با بیست و چهاربیت روی آن نوشته شده‌است .



تصویری از گنبد هادی مهدی جمکران

بعهد ناصر دین خسرو ستاره خدم کزو بسیط جهان گشت سبك باغ ارم
شهی که زد بفلك بیدق شهنشاهی زداد وعدل وسخا وهنردراین عالم
یگانه میر گزین سرور سپهر سریر حسام سلطنه آن منبع سخا و کرم
ستوده‌ایکه ورا پایگاه رفعت و قدر بود رفیعتر از کاخ گنبد اعظم
زدادو عدل و مروت نظیر نوشروان بفضل واصل و گهرافتخاردوده جم
بشسته‌نام دوصدحاتم از کتب زسخا به‌برده دست ودلش ارمغان رونق یم
زدادوعدل وکمال وسخاودانش وی بخواهم ار که دهم شرح نایدم بقلم
چراکه‌هریك از اوصاف او اگرخواهی رقم کنی و چنان بایدت هزار رقم
یك از خصال پسندیده سعادت وی خود این بود که فشاردبراه خیر قدم
چنانکه‌ازره‌اخلاص وصدق‌دراین‌ملك پی مخارج این بقعه ریخت‌سیم ودرم
نموده امر بسید ابوالحسن از لطف که ای سلاله آل پیمبر اکرم
بشو مباشر این امرچونکه هستی تو درست قول‌وامین‌وصدیق‌وهم محرم

بامر آمر وهم همرهی آن مأمور — بشد بنای همین بارگاه بس محکم
تبارك الله از این آستان عرش نشان — که هست خاك درش آبروی ملك عجم
برتبه همچو سپهر و بفضل همچون عرش — باعتبار چو کعبه باحترام حرم
هوای آن بلطافت هوای هشت بهشت — فضای آن بنظافت فضای باغ ارم
شمیم آن همگی مشك بیز و عنبر ریز — نسیم آن چو دم پاك عیسی مریم
عجب مدارز مدحش از آنکه می باشد — محل و مدفن اولاد های فخر امم
سه گوهرند زنسل چهارمین حجت — بنام هادی ومهدی و ناصر الدین هم
که هریك ازپی تعظیمشان زرتبه وقدر — شبانه روز بماند سپهر قامت خم
بودغرض زطلوع وغروب شمس که سر — نهد بدرگه ایشان و یا که بر مقدم
ببام رفعت ایشان کسی نخواهد یافت — ره ار کند بمثل نه سپهر را سلم
برای علم بتاریخ بقعه گفت ملیح — که برزده است زنوك قلم بچرخ علم
ز هجرت نبوی بدهزار وسیصد وپنج — که زد معاینه این بقعه بر سپهر خیم

عمل کربلائی عباس کاشی پز

مرقد ها

و درمیانه بقعه ضریحی چوبی ومشبك و درپشت آن مرقدهائی است بارتفاع یکمتر که یکی از آنها بزرگتر و مدفن هادی و مهدی و دیگری کوچکتر و مدفن ناصرالدین می باشد .

چهاربدنه هر دومرقد و همچنین روی آنها آراسته بکاشیهای خشتی فیروزه فام درقالبی از کاشیهای منقش به نقشه بنداسلیمی وهفت رنگ دانه نشان عصر قاجار است

گنبد

و گنبد بقعه ساده وقوسی عرقچینی وساده و آجری ساخته شده است.

بدنه ایوان‌های چهارگانه سفید کاری و پوشش آنها ضربی قوسی و هر یك بدهانه چهار متر و عرض ۱/۸۰ متر و ارتفاع ۷ متر از آنمیانه ایوانهای غربی و جنوبی زیاده مفرح و مصفا می باشند متأسفانه حجره ها و غرفه‌های طرفین هر ایوان رو بخرابی میرود که بمرمت اساسی نیازمند میباشند.



تصویری از درگاه ورودی صحن شاهزاده ابراهیم
مربوط به صفحه ۲۶۵

فصل پنجم

در توصیف از مشاهد در دو بالین کوه بیدقان

در دو مقصد

مقصد نخست

در توصیف گنبد شاهزاده اسمعیل بیدقان

بایك مقدمه

امامقدمه

درنام ونسب مدفونان و تحقیقی پیرامون نام بیدقان

در گنبد مورد نظر سه‌تن به‌اسامی شاهزاده اسمعیل وفرزندش حمزه ازاحفاد علی‌بن جعفر عریضی وشاهزاده محمد ازاحفاد وامام‌کاظم مدفونند .

امااسمعیل جدسادات ابرقوه‌ویزدو نسبش‌چنین‌است‌ابومحمد اسمعیل ابن‌محمد الفقیه (مدفون در گنبدعلی‌بن‌جعفرعریضی) ابن‌حسین شعرانی (جذوعی) ابن‌احمدبن ابیعبدالله حسین‌الرقی ابن احمدبن علی العریضی بن امام جعفر الصادق .

از این خاندان پدروی محمدفقیه نخستین شخصیتی است که از مدینه طیبه

بسوی قم هجرت کرد و در این شهر متوطن گردید و در همین شهر هم رحلت یافت که در جوار علی بن جعفر در درب بهشت قم مدفون گشت .

وسید شریف ابو محمد اسمعیل نقیب سادات قم بود که شخصیت و شاخصیتی داشت و دهکده بیدقان و رودخانه آنرا مشجر و معمور گردانید و در فصل تابستان به آنجا منتقل میگردید و از راه حشم داری و کشاورزی امرار معاش میکرد و چون در همانجا در پایان قرن چهارم رحلت یافت در آنجا هم مدفون گردید .

و برای نخستین بار فرزندان و فرزند زادگان وی گنبدی بر فراز تربتش بنیان نهادند و سادات باحشمت ابرقو در قرون ششم و هفتم و هشتم از احفاد وی بوده اند که از قم بدانجا منتقل شده بودند .

و سانحه حمله ملك اشرف افغانی به شهر یزد و جنگهای وی باملوك آل مظفر و سرانجام تسخیر شهر و از آنجا توجه به ابرقو و اقدام سادات به حصار داری و مقاومت در برابر وی که پس از چندی به تسخیر حصار از ناحیه محاصرین منتهی شد و پناهندگی سادات به مغاره ای در خارج شهر و فرمان ملك اشرف به آتش زدن مغاره و کاه دود کردن درجلو درب غار که منتهی به هلاکت کلیه محصورین گردید در تواریخ مربوطه مسطور است .

بهرصورت بقعه مزبور از بناهای دوره هلاکوخان مغول و از اره آن آراسته به کاشیهای نفیس قرن ششم متضمن عکس سه سوار مغول در متن و کتیبه هائی در حاشیه بود که نمونه آنها در موزه آستانه نگاهداری میشود .

تعریب بیدکان

پوشیده نماند که بیدکان نام دره ایست بطول چهار فرسنگ مملو از اشجار بید و معدن آن است و بدینجهت بنام بیدکان خوانده شده است که این نام پس از تعریب بیدقان شده است .

ولی در افواه عامه بنام بیرقان شهرت یافته است و همین تحریف موجب بروز اشتباهی گردیده است تاجائیکه محدث قمی (مرحوم حاج شیخ عباس) احمد برقی رامنسوب به این دهکده پنداشته است و بعضی از فضلاهم براثر این اجتهاد ناصواب

جدشاهزاده اسمعیل یعنی حسین رقی را که هیچگاه بشهر قم نیامده است به حسین برقی تصحیح کرده‌اند ودر کتیبه‌الحاقی درراهرو گنبدهم قید کرده‌اند .

در صورتیکه اولا نام این دهکده بیدقان بادال است نه باراء مهمله چنانکه نامبردگان پنداشته اند .

وثانیاً منسوب به آن هم بیدقانی یا بیدی است زیرا مطابق موازین ادبی نام مرکبی رااگر بخواهند منسوب سازند یاء نسبت را یا در آخر کلمهٔ نخست ملحق ساخته عبدالله راعبدی میگویند ویا درآخر مرکب درآورده عبداللهی میخوانند پس بیدقان راهم یاباید بیدی گفت ویا بیدقانی نه آنکه حرف اول از کلمهٔ دوم رابکلمه نخست بیفزایند وسپس یاء نسبت را بیاورند وعبدالله راعبدلی ویا بیدقان بیدقی بگویند .

واما طبرسی بروزن تفرشی وبمعنای آنست نه بمعنای طبرستانی چنانکه اکثر مؤلفین پنداشته‌اند زیرا طبرستان را پس‌از نسبت طبری یا طبرستانی بایدبگویند .

وثالثاً جمله برقی منسوب به قصبه برقرود موطن احمدبرقی است که جزء الیگودرز ومجاور چاپلق وقرنهاهم رستاق الیگودرز وتابع قم بوده است چنانکه درچندمورداز تاریخ قدیم قم نام برقرود باچاپلق توأماً ذکرشده است واینك هم در ردیف یکدیگر نامبردار میشوند ولی چاپلق وبربرود اطلاق میکنند .

بنا برمقدمات تسمیه اسمعیل وجدش حسین بعنوان برقی ازوهمیاتی است که هیچگونه مجوزی ندارد بلکه ناشی ازعدم تتبع میباشد چه که اساساً بیرقانی هم وجودخارجی ندارد تا منسوب به آنرا هرچند به غلط (برقی) بگویند .

وناگفته نماند که دهکده بیدقان زوجی ومتضمن خانه های تابستانی وزمسانی است چه که مردم قریه ازاواسط بهار کنار رودخانه درپائین دره زندگی میکنند واز اواسط پائیز به‌دامنه کوه بالارفته درخانه های مجاور بقعه امامزاده که منطقه‌ای آفتاب - گیر ومعتدل است منتقل میگردند ودرهردو دهکده حمام ومسجدهم ساخته اند .

ونقصی که دردهکده قشلاقی وجود داشت عدم وجودآب مشروب بود که آنهم

بامساعی مرحوم آقاخان محلاتی پیشوای فرقه اسمعیلیه دردوره حکومت خود دراین
شهر درعصر فتحعلی شاه درائر حفر یکحلقه چاه درداخل صحن بقعه در میانه سنگ خارا
که در ۲٤ متری به آب گوارا رسید مرتفع گردید .

بهرصورت مشهد بیدقان از بناهای تاریخی قم دارای درهای نفیس و کاشیهای
عالی و صندوقی منبت بر روی مرقد و مشتمل بر بقعه و قبه و رواق و صحن و
مسجدی است که ذیلا توصیف میشوند.

بقعه

اما بقعه از ابنیه قرن هفتم هجری است که از اساس با مصالح
سنگ و گچ بنیان گردیده زیاده متین و قابل دوام است
خصوصاً آنکه هیئت ساختمان آن از خارج بسبك عصری برجی است و از داخل
بصورت چهارضلعی متساوی بدهانه ۵/۵۰ وارتفاع ۹متر میباشد.

ازاره بقعه آراسته بکاشیهای خشتی هشت ترکی کوکبی عصر مغول که فقط
ده پارچه آنها باقی بود وهنگام تأسیس موزه آستانه بدانجا انتقال داده‌شد.

درمتن این کاشیها تصویری برجسته از سه سوار مغولی است که ماری را درزیر
پای میکوبند وکبوتری را بر فراز سردارند (اشاره به سرکوبی موذیان سرکش و
کنایه از صلح جوئی و بزرگداشت صلح طلبان) و درحاشیه آنها کتیبه‌ای متضمن
سور کوچك قرآنی چون سوره اخلاص ودر پایان تاریخ (ثمان وستین وست مائه)
ویا ابیاتی هشتگانه از فردوسی چون .

چو پیکار کیخسرو آمد پدید ‍‍‍ ‍‍ ‍ ز من جادوئیها بباید کشید

وکاشی هائی مربع بانقوش برجسته طاوس ولك لك وطوطی که در قسمت بالای
ازاره بکار رفته بوده‌اند ودرموزه نگاهداری میشوند.

که‌این کاشیهای چون مؤرخ هستند برای تاریخ بنای گنبد مستندند و معلوم
نیست صدها پارچه خشت های گرانبها و نفیس از این قبیل چه وقت و چگونه از
بین رفته‌اند .

وقدر متیقن از این بقعه دو مرتبه یکی در سال ۹۲۰ هجری در عهد سلطنت شاه اسمعیل و دیگری در سال ۱۲۱۴ در دوره سلطنت فتحعلی شاه تعمیر و تزیین بعمل آمده است و صندوق منبت مرقد و درهای منبت بقعه از آثار عصر صفویه است که بر آن افزوده شده‌اند .

جدار داخلی بقعه سفید کاری و اینك تهی از تزیینات کاشی و گچبری است جز اینکه در جانب شمالی آن شاه نشینی است بدهانه ۲/۲۰ وعرض ۱/۵۰ متر که از قطر جدار قطور و دو متری قاعده گنبد در آورده اند که سطح آن از کف بقعه نیم متر مرتفع و ازاره‌اش مزین به نوعی از کاشیکاری معقلی از کاشیهای کلوکی توأم با آجر کلوکی است که این تزیین از تعمیرات آخری است .

ودر ارتفاع پنج متری در هر زاویه نیم طاقی بالا آورده صورت مربع را به هشت ضلعی تبدیل نموده‌اند وروی آن به هیئت فلکه‌ای در آمده پاطاق پوشش عرقچینی بالا آمده است .

ودر نقطه مرکزی پوشش انبر تنوری آویخته است و پیرامون آمدن ونصب آن افسانه‌ای نقل میکنند که بهتر است از ذکر آن خودداری گردد .

مرقدها دراین بقعه دو مرقد دیده میشود یکی بزرگ و در وسط و دیگری کوچك و در زاویه شمال شرقی پهلوی پله شاه نشین سابق الذکر است.

که مرقد اصلی مدفن دو تن یکی شاهزاده اسمعیل و دیگری پسروی شاهزاده حمزه میباشد و مرقد فرعی منتسب به شاهزاده محمدبن موسی الکاظم است ولی اهل محل مرقد بزرگ را از شاهزاده اسمعیل و شاهزاده محمد معرفی کرده مرقد کوچك را از شاهزاده حمزه می شناسند و این نظریه صحیح است ولی نام محمد روی تخته ایکه در کنار مرقد کوچك نصب شده و از بقایای یك صندوق منبت است خوانده میشود که هنوز هم موجود و در مرئی و منظر عموم است اما لوح روی مرقد بنام محمد است.

صندوق منبت دربدنه مرقد

اما مرقد بزرك ازدو نظر شایان توجه است یکی از لحاظ کاشیکاری سطح مرقدبویژه‌لوح‌دوامام‌زاده که‌ازکاشی‌است ودیگری بواسطه صندوق‌منبت باستانی که چهار بدنه‌مرقد راپوشانده بجای قاعده برای الواح سابقة الذکر میباشد .

این مرقد بارتفاع ۱٫۲۰ وطول ۲٫۹۰ وعرض دومتر درون ضریحی مشبك وچوبی است وصندوق مزبورچهار بدنه مرقد را پوشانیده است و اما دراینکه در پشت این صندوق مرقدی هم وجود دارد یا نه بعقیده نگارنده چون بنای مرقد در عصر صفویه امری برخلاف موازین دینی تلقی میگردید علی الاصول نباید که درون صندوق مرقدی وجود داشته باشد بلکه محوطه‌ای باز وبدون مرقد قراردارد.

بهر صورت صندوق مزبورجدارمرقدراتشکیل‌داده‌قاعده‌ای است که‌لوحهای کاشی را بردوش گرفته‌اند .

این صندوق آراسته به‌کتیبه‌های افقی وعمودی بخط‌ثلثی برجسته ومرغوب درزمینه مزین‌بکنده‌کاری‌وگل‌وبوته‌های‌برجسته سراسری توام‌باریزه‌کاریهای هنری‌و تنکه‌های گره سازی‌و کنده کاری‌شده‌و زیبا میباشد که درپس‌ضریح‌قطورومستحکمی درمحوطه تاریکی مزایای آن قابل تشخیص نبوده قهرأمصون ازدستمالی وتعرض مانده است که درچهار جانب پلهای پیشانی وساق آن سوره‌مبارکه فتح (انافتحنا) منبت کاری شده است اما کتیبه‌های عمودی که در دو جانب هرقائمه‌در گوشه‌های ضریح منبت گردیده است وقطعاً ازنام نجار ومنبت کارو بانی و تاریخ ساخت آن حکایت میکنندچون درپشت قوائم قطور ضریح‌قراردارندبهیچوجه تاضریح‌برداشته نشود قابل قرائت ونقل‌ودرج‌نمی‌باشند که این صندوق‌ازجنبه‌قدمت و نفاست‌حائز اهمیت است .

وچون‌نام شاه‌اسمعیل و تاریخ (عشرین وتسعمائه) درکتیبه‌های منبت‌منبرهای این بقعه و مسجد قدیمی وشنوه به چشم میخورد و نیزاز تشابه خط و یکنواختی

کنده کاریهای آنها چنین استفاده می شود که همگی اثر یك استادو دریك عصر می باشند وبنابراین صندوق مورد نظرهم درسال ۹۲۰ ساخته شده است.

دولوحه کاشی روی مرقدین

و در سطح مرقدین ومتصل بهم دو لوح کاشیکاری خشتی گل برجسته مستقل ومتصل هر لوحی بعرض یکمترومعاً دومتر وبطول ۲/۹۰ متروجوددارد که جلب توجه میکنند.

این دولوحه مستقل ودروسط دو قاب مربع برجسته طره مانندی پیچ ونیمه برجی همانندنیمه ستونی فیروزه فام است که از کاشیهای مخصوصی به عرض ۰/۰۵ و طول ۰/۳۰ سانتیمتر ساخته شده اند.

و درون هر قابی در قسمت پائین کاشیهائی است خشتی متضمن تصویری برجسته از یك گلدان فیروزه ای برجسته مملو ازگل های افشان با برگهای فراوان و نمایان هر گلدانی به طول ۰/۸۰ و عرض ۰/۳۵ که در طرفین هریك طاووسی الوان و برجسته بکار رفته است.

و در قسمت بالای هر یك قاب دیگری است مربع مستطیل و در میانه هر یك چند پارچه کاشی که روی آنها بخط ثلثی بقطر و برجستگی بیش از یك سانتیمتر در میانه قاب جنوبی عبارت (یاشاهزاده اسمعیل بن جعفر الصادق) ودرقاب شمالی عبارت (یا شاهزاده محمدبن موسی الکاظم) خوانده میشوند.

این کاشیها مشابه کاشیهای عهد فتحعلی شاه است هر چند که بعصر صفویه نسبت می دهندو در هر صورت جالب توجه و حائز اهمیت و شایان حفاظتند.

و در تیرماه سال ۱۳۱۱ شمسی بامدادی که خادم بقعه وارد حرم می شودمتوجه می گردد که دولوحه کاشی را که بنام دوامامزاده است ازجای کنده وبرده اند. بلافاصله در میانه جاده شرقیکه بطرف دهکده های کاشان امتداد دارد به رد پایی پی برده تشخیص می دهند که چند نفرسوار دراز گوش و یکنفر پیاده در این راه تا درب امامزاده آمده و بازگشته اند درنتیجه در دنبال این ردپای الاغ و آدم تاکاشان میروند.

و مراتب را بـا رئیس نظمیه (شهربـانی) کاشان که در آن وقت مرحوم سلطان محمود خان صمصام تندری قمی بود در میان می‌گذارند . مرحوم صمصام که شاعری خوش قریحه با تخلص تندری و مردی معتقد به شئون مذهبی بود تمام کار آگاهان رسمی و خفیه خودرا اعم ازرن و مرد برای تجسس بنام خرید عتایق در بازار کلیمیان عتیقه خر و خانـه های آنان بفعالیت گمارده پس از یکهفته بهـر کیفیت الواح مورد نظر را دریکی از حجره های سرای کلیمیان یافته بخدام بقعه تحویل می‌دهد زیرا ربایندگان و خریداران بدین امر توجه نداشتند که‌این کاشیها در هر نقطه ایکه ابراز شوند موجب گرفتاری ابراز کننده میشوند چون بنام دو امامزاده‌یـادشده هستند .

مرقد کوچك

و چنانکه اشاره شد در گوشه بقعه مرقدی است معمولی که‌در مقایسه‌با مرقدبزرگ‌وسط گنبد آنرا کوچك‌نام‌میبرند .

این مرقد به ارتفاع ۰٫۵۰ وعرض ۰٫۶۰ سانتیمتر و طول ۱٫۵۰ متر دو بدنه شرقی وشمالی آن به جدار بقعه متصل‌است.و دوبدنهٔ دیگرش سفیدکاری‌ساده‌وسطح فرازین آن نیز گچ‌اندوداست ولی لب آن تخته‌ای منبت بعرض ۰٫۱۰ سانتیمتر و طول ۱٫۴۰ متر باگچ‌نصب‌گردیده است وروی آن کتیبه ایست که اکثر حـروف برجسته یا کلمات آن‌دراثر لمس و دستمالی شکسته‌و صاف شده زمینه قسمتی هم که باقی است بواسطه ریزش اشك شمعهائی که روی آن روشن می گزارند بکلی‌پرشده است.

بطوریکه حروف‌و کلماتش قابل تشخیص‌نمی‌باشندو‌نگارنده‌باتراشیدن اشك شمع‌و‌اعمال‌دقت‌برقرائت‌عبارات‌ذیل‌برروی آن‌توفیق‌یافت .

...... السید السند .... مشهد الامام جمال الحق و الدنیا والدین محمد .... موسی ....

وچنین میرساند که‌این مرقد کوچك راهم‌صندوقی جداگانه دارای کتیبه‌های

منبت بوده است که در اثر سقوط شمع شبانه بر روی آن مانند صندوق‌های مشاهد دیگری که بعداً مورد توصیف قرار میگیرند چنان سوخته است که از مجموع پایه‌ها و پلها و قابهای آن بجز همین یك تخته پل فرازین باقی نمانده است و چون کتیبه آن متضمن نام امامزاده محمد بوده است آنرا لب مرقد مزبور بکار برده‌اند .

گنبد و بر فراز بقعه مزبور گنبدی است که بظن قوی در آغاز امر عرقچینی یا خودی شکل و سنك پوش بوده است و در عصر شاه اسماعیل اول صفوی هنگام تعمیر صورت آنرا به هرمی شانزده ترکی تبدیل ساخته‌اند.

این گنبد به قطر ۸ و ارتفاع ۹ تا ۱۰ متر تا هذه السنه آراسته بکاشیهای دوالی فیروزه‌ای قدیمی از عصر صفویه بود که بمرور اکثر آنها ریخته و شکسته و حدود یك سوم آن باقی مانده بودند.

و چند ماهی قبل از آنکه نگارنده برای مشاهده گنبد برود متصدیان مشهد بقصد تعمیر و تزیین گنبد با کسب اجازه بعضی از مراجع وقت بفروش اشیاء فرسوده موجوده در مخزن بقعه مانند چراغهای فلزی و ظروف و قندیلهای مس و برنجی قدیمی که قسمتی هم مزین بکنده کاری و کتیبه‌های گوناگون بودند بپرداختند و از وجوه حاصله کاشیکاری گنبد را تجدید کردند .

اما چون معمار سازنده آن تازه کار و فاقد تخصص بود بعلاوه کاشیهای دوالی هم نداشتند ناچار کاشیهای خشتی عادی را که کم لعاب و غیر مقاوم ند به عرض پنج سانتیمتر تراشیده بجای دوالی بکار بردند که با ریزش تگرك از بالا تا پائین لعابهای آنها ریخته و از حسن منظر افتاده بصورت نامطلوبی در آمده است که باید مجدداً تزیین گردد .

مضافاً بر اینکه در قسمت بالای آن فرو رفتگی محسوسی بچشم میخورد که نتیجه کمبود خمیر مایه گچی در زیر کاشیکاری است چنانکه راس هرمی را بصورت زننده‌ای تجلی می بخشد .

بعلاوه قاعده هرمی هم که به عنق متصل میشود بالعکس در اثر فزونی خمیر مایه

گچی بر آمدگی محسوسی یافته است چنانکه لبه کاشیها آویزان نمودار است چه نتوانسته‌اند باحساب معین آنهارا به خورد بدهند .

وبجهابت فوق چون ریزش لعاب کاشیها و فرورفتگی قسمت بالا و بر آمدگی پائین وبرجسته گی پرهای کاشی در انتهای هرمی تجدید تزیین آن زیر نظر معماری متخصص ضروری ولازم است .

وتمام اضلاع گنبد دارای کتیبه‌ایست به‌خط بنائی از کاشی الوان در زمینه فیروزه‌ای که در بالا نام (الله) ودر وسط نام محمد و در پائین اسم علی را تجلی میدهدو از آثار سال ۱۳۴۶ شمسی است .

رواق

گنبد مزبور دارای سه‌درب ورودی است که‌درهای جنوبی وشمالی آن‌در ایوان های طرفین گشوده میشوند و تنها درب غربی آن‌در داخل رواقی طولانی که‌میانه گنبد باصحن است بازمیگردد .

این رواق بطول ۱۶ متر وعرض‌های‌مختلف وسراسر مسقف ومرکب از سه قسمت‌متمایز ازیکدیگر است و درابتدای هرقسمتی‌هم دری بکار رفته است که با درنظر گرفتن یکدرب ورودی آن ازصحن ودو درب مجاور یکدیگر درمدخل بقعه جمعاً‌شش زوج‌درب میشوندو واردین برای رسیدن به‌محوطه بقعه‌ناچار باید ازاین ابواب ششگانه بگذرند .

بدین‌ترتیب که‌با بالارفتن ازیك پله‌سنگی سیاه به‌ایوانی درمیآیندوزیرهمین ایوان دری است که‌با عبور ازآن به کریاسی‌بطول ۴/۵۰ وعرض ۲٫۹۰ متر باپوشش‌رومی وجدار سفیدکاری‌وتهی ازتزیینات وارد میشوند .

ودر منتها الیه آن به درب‌ساده قدیمی رسیده باعبور ازآن به‌صفه‌ای چشمه پوش دارای چهار شاه‌نشین ۳ در ۳/۵ متری میشوند که‌در مرکز پوشش آن کلاهکی با چهار پنجره نورگیر یا هواکش ساخته شده است و کریاس سابق الذکر بمنزله شاه‌نشین غربی وقسمت آینده هم‌بمنزله شاه‌نشین‌شرقی آن‌میباشند.

از نقطه مرکـزی کلاهك روی پوشش آن قندیلی از کاشی فیروزه‌ای شفاف باستانی عصر صفوی آویخته است که پایه آن چون نعلبکی است و دارای دو شکم امرودی شکل روی یکدیگر میباشد .

وجلو شاه نشین شرقی آن درب دیگری است زیبا که روی دماغه آن عبارت و تاریخ ذیل منبت شده است (عمل حکیم جاسبی ۱۲۱٤) .

ودر هرطرف درگاه تزییناتی است از کاشیهای لاجوردی رنگ صیقلی و شفاف به نقشه دو محراب شکسته از قطعات کاشی ۵% در ۳۵% سانتیمتری و درتارك آنها یك قطعه کاشی ۳۰% در ۳۵% ودر وسط آنها که سفید کاری است یك پارچه کاشی خشتی مربع ومنقش به گل و بوته‌های هفت رنگ بکار رفته است وجلو درگاه آن زنجیری دو سر از برنج صیقلی آویخته است که هرسر آن به یکطرف عضاده چهار چوب قلاب شده است و نصب این زنجیر در مشاهد مورد تحصن و بستگاه از قدیم معمول بود .

و با گذشتن ازاین درگاه وسومین درب روبه شرق به شاه نشینی بطول ۳/۵۰ در ۳ متر در میآیند که جدارش سفید کاری و تهی از تزیینات هنری است .
و در منتها الیه آن درب دولنگه دیگری است به دهانه ۲/۵۰ و ارتفاع سه متر از آلت جعفری و مشبك که قدیمی است .

وبا عبور از چهارمین درب مزبور به محوطه رواقی به طول ۵ وعـرض ۳ متر میرسند که جدارش سفید کاری و اسپر آن مزین به کاشکیاری با کتیبه‌های افقی وعمودی و در سینه‌جرز جنوبی آن چهار قطعه کاشی متضمن کتیبه ناقصی در جلالت قدر ونسب شاهزاده اسمعیل واجدادش نصب شده است که هرگاه یك خشت کاشی که روی جرز ایوان درمدخل رواق ازصحن نابجا نصب شده است درمیانه آنها قرار گیرد عبارات این کتیبه کامل گردیده نقصش مرتفع میشود .

بعبارت دیگر این کتیبه متشکل از پنج قطعه خشت کاشی بوده است که یکی از آنهارا نفهمیده ونا بجـا در مدخل رواق بکار برده اند در نتیجه هیچیك مفهوم

کاملی نمی بخشندو مؤرای شاملی ندارند.

زمینه این کاشیها شنجرفی و کتیبه آنها بخط نسخ نامرغوب مشکی وروی آنها مطالبی پیرامون نسب امامزاده وفضائل اجداد وی نوشته شده است که برنقل عبارات آن باوضع کنونی حاصلی مترتب نمیباشد ولی همینقدر مینگارد که دراین کتیبه آقای سید رضا علما مطالبی ازکتاب انوار المشعشعین بواسطه حضرت آیت الله آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی نقل کرده است که درنقل آنهاجانب امانت رامرعی نداشته از جمله شاهزاده اسمعیل را برقی وجد او(حسین الرقی) را بعنوان حسین البرقی خوانده است وبعقیده خود اشتباهی رامرتفع ساخته است درصورتیکه بالعکس با اجتهاد خویش یك واقعیتی رادگرگون جلوه داده است زیرادر کلیه کتب انساب ازجد وی بعنوان حسین رقی به کسرراء وتشدید قاف نامبردار شده آنرا ضبط کرده اندمضافاً براینکه ازهجرت حسین رقی بسوی قم سخنی بمیان نیاورده اند پس حسین رقی اساساً بدین شهرنیامده قم راهم دیدار نکرده است تااینکه قمی و سپس برقی باشدو بتوان او رابه بیدقان نسبت داد .

علاوه براینکه نام این دهکده دراصل بیدکان یعنی معدن بید بوده است زیرا این دره ازبالای وشنوه تایك فرسنگ زیراین بقعه درطول پنج فرسنگ مستوراز اشجار بید میباشدو پس ازتعریب آنرا (بیدقان) خوانده اند که منسوب به آنهم طبق موازین ادبی عربی بیدی یا بیدقانی میشود وافزایش حرف نخست ازکلمه دوم جلویای نسبت یعنی بیدقی گفتن برخلاف اصول ادبیت است ،نقض نشود که چرا طبرستانی راطبرسی گفته اند زیرامنسوب به طبرستان هم طبری یاطبرستانی است وشیخ طبرسی منسوب به تفرش است که معرب آن رابدون هیچ قیاس طبرس گفته منسوب به آنرا طبرسی خوانده اند یعنی طبرسی چون تفرشی است وزناً ومعناً .

پس هرگاه نام دهکده مزبورهم بیرقان باراء مهمله باشد منسوب به آنرا باید بیری یابیرقانی بخوانند نه بیرقی ونه برقی چنانکه محدث قمی انگاشته است وامثال آقای

علماء هم تعبداً و تقلیداً از او پیروی کرده این نظریه را بمنزله وحی منزل تلقی نموده‌پذیرفته‌اند ؟!

یك منبر نمونه

بهرصورت‌دراین‌قسمت‌از رواق منبری باستانی از آثار عهد صفوی در پشت درب یادشده موجود است که قدمت و اصالت آن محرز وامتیازمنبت ونفاستش‌مسلم وحراست وحفاظتش لازم‌است .

این‌منبرسه پله‌ای بادودستگیره مضلع دو متری روی دوقائمه پله‌نخست‌بدون تاج‌وتارك‌است که‌ازچهار جانب مزین به‌چند کتیبه و درسال۹۲۲ هجری و در دوره سلطنت شاه‌اسمعیل اول صفوی ساخته وپرداخته شده‌است .

وتمام‌قوائم وپلهای آن‌آراسته به‌کتیبه های‌افقی یاعمودی بخط برجسته ثلثی مشتمل برسوره های مبارکه اخلاص وکوثر وقدر و صلوات‌کبیره بر معصومین و متضمن‌نام شاه‌اسمعیل باتاریخ ساخت میباشد وازجمله روی پل‌وسطی عبارات ذیل منبت شده‌است «وقف بر مضجع شاهزاده اسمعیل‌بن امام‌جعفرالصادق بتاریخ شهر محرم‌الحرام سنه ۹۲۲» .

ومشابه این‌منبر منبردیگری است‌که درمسجد باستانی قریه و شنوه دیده شد که‌نیزسراپاکتیبه هائی مشتمل‌برسور شریفه قرآنی وحاکی ازنام‌شاه اسمعیل‌وتاریخ «اربع وعشرین وتسعمائه» میباشدکه نگاهداری آنهم ضروری وبه متصدی مسجدو حسینیه نوبنیان مجاورآن در باره حفاظت ازاین منبر نفیس توصیه وتأکید گردیده است‌اما منبرثانوی به تعمیری فوری زیرنظراهل‌فن نیازمند میباشد .

کاشیکاری در اطراف درگاه

ودرمنتهاالیه‌این‌رواق‌ومدخل‌بقعه‌درگاهی‌است‌که‌زیرآن دو درب منبت‌پهلوی یکدیگرنصب‌شده‌است‌که میتوان‌ازآنها بعنوان درب پنجم وششم یادکرد و درب پنجمی که هر لنگه‌اش از یك تخته چوب ساخته شده وزیاده متین ومقاوم به نظرمیرسد ازدرهای عصرصفویه است که درسال ۹۲۲ تهیه‌ونصب گردیده‌است .

ولی درب نفیس مجاور آن از آثار حسینقلی‌خان قاجار و سال ۱۲۱۴ میباشد که بر آن افزوده شده است و اکنون درب مقدم حافظ درب مؤخرشده است وجلو آنرا می‌پوشاند.

اما درب مقدم نسبتاً ساده است ودرمیانه هرلنگه آن کتیبه‌ایست منبت درمیانه ترنجی مقعر که دروسط هر یك چهار نام علی بطور متعاکس بخط برجسته ثلثی خوانده‌می‌شود.

امادرب آخری که ششمین درهای رواق شمرده‌میشودومنسوب به جدشاهزاده اسمعیل یعنی امام ششم جعفر الصادق بشهادت کتیبه فلزی از آثار حسینقلی خـان قاجار وبسال ۱۲۱۴ قمری باتنکه‌هائی گره کشی‌ودقیق که‌روی‌هر گرهی گل‌وبوته‌های دقیق ومتنوعی کنده‌کاری شده ودرمیانه آنها چهارنام علی بطورمتعاکس باحاشیه‌ای سراپاکنده‌کاریهای فنی توأم با نازك‌کاریهای هنری و کتیبه‌های منبت عالی اعم از افقی وعمودی‌درزمینه‌های ساده‌یا نقشی بخط‌برجسته ثلثی‌مشتمل‌برسوره‌های قرآنی وصلوات برمعصومین بعلاوه کتیبه‌ای بخط مشبك نستعلیق روی صفحه‌ای فولادی در زمینه مزین به گل‌وبوته‌های دقیق مشتمل‌برابیاتی درستایش حسینقلی‌خان‌وتاریخ ۱۲۱۴ که در جبهه چهارچوب از خارج میخکوب گردیده است ودارای سردری آراسته‌به‌کتیبه‌های منبت که درقسمت‌بالایش سوره‌مبارکه اخلاص‌ودرطرفین اسامی (یامحمدیاعلی یاحسن‌یاحسین) خوانده میشودبالجمله‌زیاده‌پرکار وحائزاهمیت وبه دهانه ۱/۲۰ وارتفاع ۲/۵۰ مترمیباشد.

وبعضی معتقدندکه این درب نیزاز دوران صفویه است که حسینقلی‌خان‌روی آن صفحه‌ای از فولاد بنام خود میخکوب ساخته است که با صرف وقت و دقت بیشتری کشف حقیقت میسوراست متأسفانه‌طی‌یکی دوساعت بررسی نگارنده چنین فرصتی وجودنداشت وچه بساکه نام واقف واستاد منبت‌کاروتاریخ ساخت آنهم در گوشه و کنار آن‌منبت‌شده‌باشد که‌درتاریکی به نظرنگارنده نرسیده استو بردیگران

است که ازروی این حقایق پرده برداری کنند .

وناگفته نماند که درب جلو مدخل بقعه معصومه کهك با این درمشابه است که استادان هنرمند منبت کار و نجارو نویسنده کتیبه‌های هردوازمردم روستانشین بوده‌اند واینگونه آثار معرف ذوق سرشاروقریحه بیدارمردم هشیاردرهر گوشه و کنارقم است که در مشاهد شهری نظیر آنها دیدار نمیشود که هر گاه منویات شاهانه در تشویق هنرمندان وروستا نشینان و کار آموزی به آنان بویژه درمنبت کاری و نجاری چنانکه بایست بموقع اجراء در آید و مدتی ادامه یابد نمونه‌های بسیاری از آثارهنری مردم این زمان هم برای نسل‌های آینده نیزباقی خواهدماند .

کاشیکاری اطراف درگاه و کتیبه‌های آن

و چنانکه اشاره شد سه جانب درگاه مدخل بقعه آراسته به کاشیهای شفاف وروشن دارای کتیبه‌های متعددی به خط ثلثی سفید محمود قمی در زمینه لاجوردی است کـه در رخشندگی وخوش لعابی و طرزنصب ونقشه تزیین ، کلیه بینندگان رابه تماشای خود وا می‌دارد .

این کاشیها از هرجهت با کاشیهای ایوان بقعه علی بن جعفر وسر در ورودی بقعه شاهزاده ابراهیم مشابه‌واستاد کاشی ساز آنها هم طاهرقصاع وتاریخ ساخت و پرداختشان سال ۱۲۶۹ و ۱۲۷۰ قمری است که ذیلا توصیف میشوند .

در سه جانب درگاه مدخل بقعه که به دهانه ۱/۲۵ متر و ارتفاع ۲/۷۰ متر است آراسته به طره‌ایست پیچ وبرجی برنگ لاجوردی از خشتهای باریك ۵% در ۲۰% سانتیمتری مشابه دوستون مارپیچی که ته‌ستون آنها مانند دو گلدان تجلی دارد.

ومتصل به آن در سه جانب درگاه حاشیه ایست نیز بعرض ۵% از کاشیهای فیروزه فام شفاف که برحسن منظر آن مجموعه فنی افزوده است.

وچسبیده به آن زمینه‌ایست باریك وسه جانبه بانقشه طره‌پیچ بدون برجستگی از دو رنگ کاشی‌های مشکی و سفید به‌اندازه ۰/۰۵ در ۰/۲۰ که زیاده دلپذیر است

وبلافاصله زمینه‌ایست بانقشه ملات سازی سه‌جانبی نیزبعرض پنج‌سانتیمترو پهلوی آن کتیبه‌ایست از کاشی بعرض نه سانتیمتر بخط نستعلیق سفید در زمینه لاجوردی که سه جانب درگاه را زینت بخشیده است وزوی آن ابیات سست ونه‌گانه ذیل‌سروده‌طاهرقصاع دردو وزن‌ولی‌یك‌قافیه هرمصرعی در میانه یك‌ترنجی کشیده نوشته‌شده است.

این بارگاه عرش نشان ازجناب کیست — کز نور طلعتش بفلك خود مکدراست

حیران‌شدم که‌عرش خدا در زمین‌چرا — نور خدا برای چه درخاك مضمر است

* * *

هاتفی گفتا که این جای شریف اطهر است
شاه اسمعیل فرزند رشید حیدر است

گفتمش دو در اندر یکصدف گفتا بلی
نام او باشد محمد جداو پیغمبر است

وادی طور است این کوه اوچه موسای کلیم
رو با خلاص ارهوای جنتت اندر سر است

این دو تن هستند در یك پیرهن آسوده باز
چون‌دو جان‌دریك‌بدن کزرحمت حق‌مضمراست

تو سلیمان زمانی و من آن مور ضعیف
تحفه درگاهت این جسم نحیف‌و لاغر است

کاتبا جان را فدا کن در ره این هر دو تن
گر تو را روز جزا چشم عطا ازحیدر است

طاهر قصاع را امید انعام و عطا
هست از جدت که او فردا شفیع‌محشراست

ومتصل به آن حاشیه‌ایست پنج سانتی از کاشی نیز بانقشه‌ملات کشی از کاشیهای دورنگ که فاصل بین کتیبه یادشده باکتیبه آینده میباشد و پهلوی آن کتیبه ایست بخط ثلث سفید روی کاشی زمینه لاجوردی که روی آن سوره مبارکه جمعه (یسبح لله مافی السموات والارض) ودرپایان سوره عبارات زیر اعم ازنثرونظم چنین نوشته شده است.

«بناء استاد کاظم التماس دعادارد اززوار وعمل طاهر مخلص به‌عشاق»

طاهر ضعیف تر بود از مور روزگار دستش به روز حشر بدامان هشت‌وچار

کاتب محمود

ودرجوار آن حاشیه‌ایست از کاشی پنج سانتی بازهم بانقشه‌ملات کشی ازدورنگ سفید ولاجوردی که‌نیز فاصل بین کتیبه مسطوره باکتیبه آینده می‌باشد.

ومتصل به آن نیز کتیبه دیگریست بخط نستعلیق سفید بعرض ۹ سانتیمتر که روی آن دنباله ابیات یاد شده بضمیمه ابیات دیگری در وزن و قافیه مخصوص که عیناً در دار الحفاظ بقعه علی بن جعفر کتیبه شده‌اند به اضافه آیات وعبارات زیر که‌بعضی از جملات‌هم برخلاف موازین ادبیت عربیت میباشند نوشته‌شده‌اند.

لا اله الا الله الملك الحق المبین — اشهد انه محمد رسول الله علیا ولی‌الله

این سرو بوستان وفا معدن سخاست — این محرم حریم خداوند اکبر است

دارای این حریم و خداوند این مقام — یار گناهکار بهنگام محشر است

این مجمع علوم که اطفال‌مکتبش — سلمان‌وحجروميثم ومقداد وبوذر است

این ناز پروریده زهرا و مصطفی — فرزند پاك زاد خداوند قنبر است

هرکس شهابلطف کسی شد امیدوار — مجرم به آستان شما دیده بردر است

***

مبارك بقعه ایست این بقعه کز نور ضریحش جمله آفاق

منور گشته یارب مگر این جنت است یا وادی ایمن

بلی این بقعه از فردوس و عرش و کرسی و لوح و قلم اعلی
بوداعلی چرا که دوقمردونوردوشمس این‌محل‌راکرده‌اندمأمن
گیرد هرآنکه حرمتی از عالمان دین
اجرش به مصطفی بود و جای‌اوجنان

فی ۱۲۶۹

ودر جبهه‌درگاه روی کتیبه‌های یادشده کتیبه دیگریست افقی دریک سطر بخط سفید ثلثی درشت تری در زمینه لاجوردی که روی آن آیات ذیل خوانده میشود «بسم‌الله الرحمن الرحیم یا ایها الذین آمنوا لاتدخلوا بیوت‌النبی الاان یؤذن لکم»

ایوان جنوبی وکتیبه‌های حنجری

ودر جهت جنوبی بقعه ایوانی است از آثارحسینقلی خان قاجار در سال ۱۲۱۴ بدهانه ۳/۵۰ وطول ۵و ارتفاع ۶متر که جدارش سفیدکاری وسقفش ضربی رومی پوش‌وتهی‌از تزیینات کاشی‌وگچبری است.

ودر پائین‌اسپر این‌ایوان دولوحه سنگی در طرفین درگاه مدخل بقعه نصب گردیده است که‌لوح نخست مربوط به‌عهد شاه اسمعیل اول صفوی و لوح ثانوی از آثار حسینقلی خان‌مزبوراست.

اما لوح مرمری که در جانب شرقی بکار برده شده است روی آن آیات و ابیات ذیل حجاری شده‌است.

کل من‌علیها فان
ویبقی وجه‌ربك ذی الجلال والاکرام

حـرم شاهزاده اسمعیـل	شرح وصفش‌برون‌بوداز‌حد
اندرین روضه بهشت آیین	هیچکس را دعا نگردد رد
هست چون شمع محفل‌جعفر	هست چون‌سرو گلشن‌احمد
نتوان کرد تابه روز قیام	شرح اوصاف اویکی‌از صد

زانکه جدش به‌خلوت‌معراج　　از شرافت نشسته بر مسند
کرد شوقی سؤال تاریخش　　گفت پیر خرد که در ابجد
عدد تربـت بری از عیب　　هست تاریخ سنگ این‌مرقد

که‌این ماده تاریخ برابر ۹۲۲ میشود وهیچکس متوجه آن‌نشده است .

و بر روی قطعه‌سنگ غربی که طولش ۵۰% و عرضش ۳۵% سانتیمتر و در حاشیه‌اش گل‌و بوته‌های برجسته کنده کاریست‌درمتنش‌دو بیت ذیل حجاری شده‌اند.

کرد تعمیر این خجسته بنا　　از سعادت زدوده قاجـار
فخر ایران حسینقلی خانا　　درهزارودوست وده وچهار

ودرجانب شمالی‌هم‌ایوانی‌است‌ساده‌بدهانه۴وطول۶متر از آثار مرحوم‌حاج میرزاسید حسین متولی باشی وجلوآن صحن کوچکی‌بمساحت۵در۶ودرشمالی‌آن هم‌مسجدی‌تیرپوش باهمین دهانه‌میباشد .

ودر جهت غربی رواق سابق الذکر هم صحن مروح امامحروبه ایست بـه مساحت ۱۸ در ۱٤ متردارای چند حجره که چاه‌آب مرحوم آقاخان محلاتی در کنارهمین‌صحن‌واقع‌است .

ودر پایان یادآور میشود که‌حسینقلی خان قاجار حکمران کاشان و اصفهان بود که‌چون برادرش فتحعلی‌شاه به‌جای آقا محمدشاه بر تخت‌نشست‌دم ازنافرمانی واستقلال زده علیه وی‌قیام‌و لشگر کشی کردوپادشاه‌هم‌برای‌سر کوبی‌وی‌سپاهی اعزام داشت وبین الفریقین در نزدیکی‌قریه‌سن‌سن‌جنگ‌سختی بوقوع پیوست که بیش از صدتن‌ازطرفین بقتل‌رسیدندوسرانجام‌حسینقلی‌خان‌منهزم‌ومتواری گشته‌ازبی‌راهه‌خود رابه‌مشهد شاهزاده اسمعیل‌رسانیده‌چنین‌نذر کرد که‌هر گاه‌جانش‌از خطر برهدودگربار بحکومت‌برسد این‌بقعه رامرمت وتعمیر کند .

وپس‌ازاین‌نذر بااستحضارازورودمهدعلیامادرپادشاه‌بقم‌شبانه‌خویشتن‌رابه‌آستانه رسانیده‌تحصن‌اختیار کردوبامداد که‌مادرفتحعلی شاه‌به‌حرم‌منور برای زیارت درآمد

نامبرده خود را بدامان وی افکنده او را نزد پادشاه شفیعه برانگیخت و بالجمله باوساطت وی پادشاه از جریمه برادر در گذشته او را کماکان بحکومت اصفهان برگزید و او هم به نذر خویش وفا کرده بعمران این مشهد بپرداخت.

که ماجرای نقل اجساد کشتگان درون یکصد تابوت به جانب مشهد اردهال و دفن آنان در سردابه تحتانی صفه صفا قبلا نگاشته شد.

مقصد دوم

در توصیف از مشهد شاهزاده ابراهیم

قرب بیدقان

مشهد مورد نظر در مزرعه شاه ابراهیم که منتسب به این امامزاده است واقع است که دارای یکرشته قنات و چند خانوار سکنه و مشتمل بر آب انباری قدیمی در مدخل صحن و دو صحن بزرگ و کوچك و رواق و بقعه و قبه‌ای باستانی و باغ وقفی است.

نام و نسب

وچنین گویند که مدفون در این مشهد امامزاده ابراهیم فرزند بلافصل امام باقر است در صورتیکه در تاریخ قدیم از ورود وی به قم خبر نداده است و هرگاه نامبرده بقم یا حوالی آن هجرت کرده بود بطور مسلم در آن تاریخ که در اواخر قرن چهارم تالیف شده است از ورود او خبر داده بود مخصوصاً که توجه وی بجانب قم توأم با حادثه دلخراشی است که ذیلا بدان اشاره میشود هرچند که این سانحه هم در شمار افسانه های محلی و نظیر داستان برادرش سلطانعلی است که مدفون در مشهد اردهال است و در هیچیك از کتب متداوله نقل نشده زیرا چند کتابی هم که مستند نویسنده کتیبه قاب آینه‌ای موجود در بقعه است نزد نگارنده وجود و اعتبارشان مشکوك بلکه عدم وجودشان مقطوع است و عصاره داستان مفاداً چنین است که.

در کتب زینة الواعظین وزبدة المناقب وبهجة المستمعین مسطور است که امامزاده ابراهیم بن امام محمدباقر ﷺ در خلافت هارون بافرزند خود عباس و گروهی از سادات عقیلی وهاشمی وحسینی وطباطبائی که هریك از ایشانهم‌ده‌غلام داشتند از مدینه طیبه به‌جانب ایران هجرت نموده همچنان پیش‌آمد تابه‌حوالی قم رسید وعامل قم یعقوب بن محمدبن حسن بن ابی بکر از نزدیك شدن وی باآن جمعیت وقوف یافته از ورودآنان بشهر جلوگیری بعمل آورد در نتیجه امامزاده‌راه خودرا بجانب کوهستان بگردانید ویعقوب (شاید بافرمان خلیفه) بانیروئی که در اختیار داشت‌ازپی آنان روان گشت تا در اراضی‌خلف‌آباد که بعداً بنام‌شاه‌ابراهیم خوانده شد با ایشان نزدیك‌شده از در جسارت‌در آمد وبین الطرفین جنگی‌خونین بوقوع‌پیوست که‌شاهزاده‌ابراهیم وفرزندجوانش‌باچهارهزارتن‌ازیاران وهمراهانش دراین‌معرکه‌بقتل رسیدند.

وچون‌یعقوب‌بجانبی‌رفت شیخ‌خلف‌مالك‌آن‌مزرعه‌اجسادمقتولین‌را درسردابه هائی دفن کرد و آن دو رادراین‌مکان مدفون گردانید (پایان).

وچنانکه پوشیده نیست اجتماع این‌گروه وحرکت آنان با امامزاده وسپس قتل کلیه آنان‌بدون‌اینکه‌حتی‌یکنفراز آنان‌هم فرار کندویا تسلیم‌گردد توام با سکوت تاریخ قم به‌این‌داستان جنبه‌افسانه‌ای می‌بخشد.

بقعه بهرصورت قاعده‌گنبد مزبوراز‌خارج برجی‌باجدار آجری و گچی است که بشهادت سبك‌بنا و تنگی درگاه و نقشه گنبداز آثارقرن‌هفتم‌هجری است که میتوان‌بنای آنرا به ابنیه قرن ششم ملحق‌ساخت.

و صورت ساختمان از داخل چهار ضلعی متساوی باجدار سفید کاری فاقد تزیینات هنری به دهانه ۴ و ارتفاع ۴/۵۰ متر است که در ارتفاع دو مترونیمی با افزودن‌چهارنیم طاقی‌درگوشه‌های چهارگانه‌بقعه‌صورت آنرا به‌فلکه‌ای تبدیل کرده باطاق پوشش عرقچینی آنرا بالا آورده‌اند.

گنبد وگنبد آن نخست بصورت خودی و بدون عنق بوده است که از پوشش زیرین بقعه دریچه‌ای بمحوطه زیر گنبد باز و پوشش خودی شکل قدیمی نمودار میباشد ولی بعداً تا محاذات تارك گنبد سابقی عنقی بالا آورده روی آنرا گنبدی مخروطی بشکل کلاه درویشی افزوده اند چنانکه فعلا هر دو گنبد روی بقعه باقیست .

این گنبد برفراز عنقی باجدار سفیدکاری به‌ارتفاع دومتر بنیان و بدنه آن آراسته به‌کاشیهای دوالی فیروزه‌ای به‌قطر وارتفاع ۷متر است که‌بنظر میرسد درسال ۱۰۱۵ بر آن افزوده شده‌باشد .

مرقد در وسط این بقعه ضریحی چوبی و مشبك دارای دریچه‌ایست متناسب که‌به‌وسیله‌قفل قدیمی ولوله‌ای زرکوب بسته‌شده‌است ودرون آن مرقدی است بابدنه‌گچی ودر گوشه شمال شرقی بقعه‌مرقد دیگری است نسبتاً کوچك بدون ضریح مشبك که مدفن شاهزاده‌عباس میباشد.

و ازنقطه قوسی جانب غربی پوشش‌زنجیری آویخته و در سر آن‌چاربلوری قدیمی که‌هیجده‌شاخه‌بلورین باکاسه‌لاله‌های گلدار داشته آویز است که‌اکنون برای‌نمونه دوشاخه آن‌باقی وازبقیه نشانی‌نیست .

ایوان ودر جانب غربی بقعه ایوانچه‌ایست به دهانه ۲/۵۰ وطول ۳ وارتفاع ۴متر ودر جرز جنوبی آن‌محفظه‌ایست‌بادریچه گنجه‌ای که‌برفراز چهار چوب آن یك‌تخته منبت بعرض ۲۰% وطول ۸۰% بکار رفته است وروی آن کتیبه‌ایست به خط برجسته ثلثی و باستانی متضمن رباعی و تاریخ ذیل که‌منبت‌شده‌اند.

برگفت‌سگی که‌فتنه‌ازوی‌سرزد	اول دربغض حیدر صفدر زد
از بهر شکستن درشهرعلوم	او درب سرا برشکم اطهرزد

فی غره شهر محرم ۱۰۱۵

وطرفین کتیبه در ابتدا وانتهای آن تخته دو قاب مربع آراسته به کنده کاریهای جالب ودر میانه هریك دونام علی بطور متعاکس منبت شده است ودرمیانه مصرعهای رباعی هم قاب دیگری است که در بالای آن اسم جلاله ودرپائین آن نام محمد و علی منبت گردیده است که حفاظت از این قطعه نفیس ضرورت دارد.

درب وزیر این ایوان در مدخل بقعه دربی است باستانی وقاب سازی سراپا منبت دارای کتیبه‌های افقی وعمودی بخط برجسته ثلثی که بیشتر کلمات آنها سائیده وشکسته وبصورت چوبی ناهموار درآمده است ودر تنکه وسط آن ده قاب مربع ودرون هریك چهار نام علی بطورمتعاکس بخط برجسته کنده کاری شده‌اند .

و در حاشیه هر دو لنگه صلوات کبیره و روی پل پائین یك لنگه تاریخ ذیل بخوبی خوانده می‌شود .

«فی شهر رجب ۱۰۱۴»

رواق وجلو ایوان یادشده رواقی مسقف مرکب ازدوچشمه پوش برفراز یك ستون مضلع آجری باجدار سفیدکاری است.

وجلواین دوچشمه صحنی کوچك است که آب قنات ازمیانه آن جاری است و در مدخل آن دری نصب شده است که شبها بسته میشود اما صحن بزرگ چون استخرقنات رادر میان گرفته است هیچگاه دربش برروی کشاورزان برای آبیاری بسته نمیشود .

که دراین آب زالوهای ریزی است که در تاریکی شب نوشیدن آن بدون معاینه قبلی خطرناك است چنانکه نگارنده در اثر عارضه دردچشم شبانه دیده خودرا باآن آب شستشو داده بامدادان خون ازچشمم جاری بود ودرنتیجه کاوش همراهان برماجرا پی برده زالوئی را که درزیر پلك جای گرفته بود بیرون کشیدند و در نتیجه عارضه رمد بکلی از بین رفت .

دراین رواق سه لوح سنگی در سینه جرز جنوبی نصب گردیده است که روی آنها کتیبه هائی منظوم بخط نسخ و نستعلیق برجسته حاکی ازاحداث آب انبار و قنات و تعمیر بقعه حجاری، شده است بدین تفصیل روی اولی .

گشت ظاهر به لطف سبحانی	در جهان برکـه سلیمانی
آب سرد از بـرای تشنه لبان	کـرده خیرات میرزا جانی
از پدر هم بنام وهم بـه سخا	یادگـار محمد ثـانی
سال تاریخ این بنای نکـو	بشنو از مـن اگـر نمیدانی
حق به او کین حیات بخشی کرد	عمر صد ساله دادش ارزانی

که مصرع آخرماده تاریخ وبرابر بایکهزار و هفتاد وهشت میشود و در ذیل او عبارت ذیل و یك بیت خواند میشود .

بگو زشهر قم استاد این خجسته بنا	بود عنایت ابن علی بك بنـا

فی شهور ثمان وسبعین بعد الالف ۱۰۷۸ کتیبه محمدابراهیم .

وروی دومی

جهان کرم پیر مهدی که کرد	جوی آب خیر او زبهر صواب
بصدخرمنش اجر خواهد رسید	ز انعام منعم بـه روز حساب
خوش امروز بادش که فردا کشد	جوی آب صد نامه اش رابه آب
چو نیك اختری کشت نیکیش کرد	کـز اقبال گردید نیکو مآب
چراغی ز نورسخا بر فروخت	بجائی کز او خور بودنور تاب
در این آستان آسمان پایه ایست	بـود کمتر از ذره آفتـاب
ز آه مقیمان ملـك دمبدم	کند نقد گنج اثـر انتخاب
دعا از لب زائرین کام جوی	اثر ازدم عـارفـان فیض یـاب
کمـال طلب بـا اجابت قرین	نیـاز امم بـا دعـا مستجاب
بفراشی در گهش برسپهر	نسیم از لب غنچه ریزد گلاب

پـی بستن سنبل فرش روب قدر کرده از زلف حوران طناب

زرضوان در این روضه تاریخ شد که رضوان چنین کرد با دل خطاب

راقم حاج محمد ۱۰۶۴

و کلمه (رضوان) برابر ۱۰۶۴ ماده تاریخ است.

روی سومی چنین است

مرغ روح زکی چو بیرون شد داخل بارگاه رضوان شد

اخ او قاسم آن محب علی عامر شاهزاده ازجان شد

کرد سبطین مصطفی تعمیر مزد او در بهشت افزون شد

بود چون دوستدار آل رسول زین سبب همنشین حوران شد

سال تاریخ او اگر خواهی این دو مصرع لطیف موزون شد

بود شهر جمادی الثانی کل نفس شنید و بیرون شد

سیصد و چار سال بعد از الف همچو تقدیر خیر بی چون شد

این بود کتیبه‌های سه لوح سنگی یکی پس از دیگری که نقل گردید.

پایان فصل پنجم

از بخش سوم

بخش چهارم

در توصیف آثار باستانی قم در قرن هشتم

مشتمل بر دوازده فصل بدین ترتیب

فصل یازدهم درتوصیف مشاهد بخش قنوات(شرقی قم)درپنج مقصد چون گنبدطیب وطاهر وبقعه‌خدیجه خاتون وقبه‌سکینه‌خاتون و بقعه حلیمه خاتون و گنبد شاه جمال .

بدین تفصیل

فصل اول

در توصیف گنبد علی بن جعفر

بامقدمه‌ای درامور مربوطه

مقدمه

در وجه تسمیه آن به درب بهشت وتعیین انساب مدفونین در آن

وجه تسمیه به درب بهشت

در باره وجه تسمیه این بقعه به درب بهشت احدی اظهار نظر نکرده است و روایات وارده در گشایش یك یاسه درب بهشت ازقم به نقطه خاصی ناظر نبوده تمام سرزمین قم‌را فرا میگیرد مضافاً براینکه اینگونه روایات درشمار متشابهات باید به مرادات اصلیه تأویل گردند ومثلاً گفته شود که سه باب جنت کنایه ازابواب توحید ونبوت و امامت است پس تسمیه این مکان به درب بهشت به‌این روایات متکی نمیباشد.

بنابراین درو جه‌این تسمیه‌میتوانگفت که‌چون‌بقعه علی‌بن جعفر درسال ۷۰۷ از ناحیه عطاءالملك حسنی ساخته وپرداخته شد کلمه (بهشت) ماده تاریخ آن گشت پس‌درب‌بقعه درب بهشت خوانده شدعلاوه‌کاشیکاری صفه جنوبی که بانقشه محراب شکسته‌بصری‌درسال ۷۱۲ طراحی‌شده بود رسماً بنام باب بهشت که نیزماده تاریخ ساخت‌آن بودنام‌گزاری گردید و بمرور درب بهشت خوانده شد سپس گورستان

وسیع و پردامنه چهار جانب بقعه هم بنام قبرستان درب بهشت شهرت گرفت که همین تسمیه هم موجب ازدیاد اقبال عمومی به جانب بقعه مزبور گردیده بیش از آستانه فاطمه معصومه مورد توجه طبقات بویژه رجال ووزراء وحکام قرار گرفت چنانکه گنبدهای چندی در گوشه و کنار آن برفراز قبور وزراء وملوك بنیان گردید که چند گنبد تاریخی آن تاحال هم باقی مانده است هرچند که قسمت مهمی از اراضی گورستان بباغهای مشجری مبدل گردیده است.

انساب امامزادگان

وبطور مسلم در زیر این گنبد دو امامزاده بنام علی بن جعفر و محمد بن موسی الکاظم مدفونند ولی در اینکه آنـان از فرزندان بلافصل امامین باشند مشکوك بلکه نسفی بنظر می رسد.

و طبق اسناد و مدارك موجوده مدفونین در این گنبد یکی علی بن حسن العلوی ابن عیسی بن محمد بن علی بن جعفر العریضی است که در تاریخ قدیم قم بر هجرت وی از عراق بسوی قم و ورود او به این شهر ورحلت وی درقم ودفنش در نزدیکی نهر سعد تصریح کرده است ودر جای دیگر بهم بر دفن ابو العباس احمد در مجاورت مشهد علی بن حسن العلوی نیز تصریح نموده است.

و دیگری محمد بـن موسی بن اسحق بن ابراهیم العسکر ابن مـوسی ابی السبحه ابن ابراهیم المرتضی ابن امام موسی الکاظم است که در قم به محمد فقیه مشهور بود وجد او سلطان سید اسحق در ساوه مدفون است وبنابراین باشاهزاده حمزه مدفون بقم ابن عم می شوند.

اما کسانیکه بر دفن علی بن جعفر العریضی در این نقطه معتقدند هیچگونه مستندی ندارند مضافاً براینکه در تاریخ قدیم قم هم از هجرت وی بسوی قم خبر نداده است بعلاوه مدفن وی در عریض مدینه موجود و مزار عمومی است.

و اما در لوح مزارشان که علی بن جعفر یا محمد بن موسی الکاظم قید شده است پرواضح است که مطابق معمول در الواح قبور نام متوفی وجداعلای او با اسقاط

وسائط قید می‌شده است و این لوح ها هم از قرن هشتم هجری هستند که چهار قرن پس از رحلت آنان تهیه‌شده‌اند و هیچگاه مستند نمیشوند .

و اما آنچه که علامه مجلسی مولانا محمدتقی در کتاب مشیخه خود از ترجمه من لایحضره الفقیه صدوق آورده است بدین مفاد که کاروان حج قم گاه مراجعت از حج در مدینه خدمت علی بن جعفر رسیده از وی التماس کردند تا همراه آنان بقم هجرت نماید و نامبرده بخواهش آنان بقم آمده ببود تا وفات یافت مستبعد بنظر می رسد.



تصویری از پشت بقعه و گنبد علی بن جعفر

زیرا علی بن جعفر یك امامزاده عادی نبود بلکه شخصیت و فضیلتش مورد اتفاق کلیه علما بوده است و با این حال چگونه تصور می رود که وی بقم آمده باشد و هیچگونه اثر کتبی و شفاهی نداشته باشد و هیچیك از مؤرخین و مؤلفین وعلمای تراجم هم بر هجرت وی اشاره ای نکرده حتی روایتی هم از او نقل نکرده باشند با اینکه نامبرده پنج امام را درك نموده از هر یك هم روایاتی نقل کرده از محدثین بزرك است .

مخصوصاً که مدفون

در این گنبد هم همانا علی بن حسن علوی عریضی است که معین و معلوم و مورد تصریح تاریخ قم است .

در صورتیکه در تاریخ مزبور از ورود علی بن جعفر بقم خبری دیده نمیشود و چگونه متصور است که این شخصیت باتقوی وفضیلت بقم آمده باشد ومؤلف تاریخ قم که از ورود سادات عادی با داشتن چندین واسطه تا امام هم خبر دهد و از او نامی بمیان نیاورد که این سکوت اقوی دلیل بر عدم ورود وی بقم میباشد.

مخصوصاً با وجود مقبره اش در عریض چنانکه در تاریخ قم از ورود محمد عابد هم بقم خبر نداده است باضافه که مقبره وی در بقعه شاه چراغ شیراز نیز مورد تصریح بسیاری از مؤلفین است و مؤلفینی که بر دفن علی عریضی در عریض تصریح کرده اند .

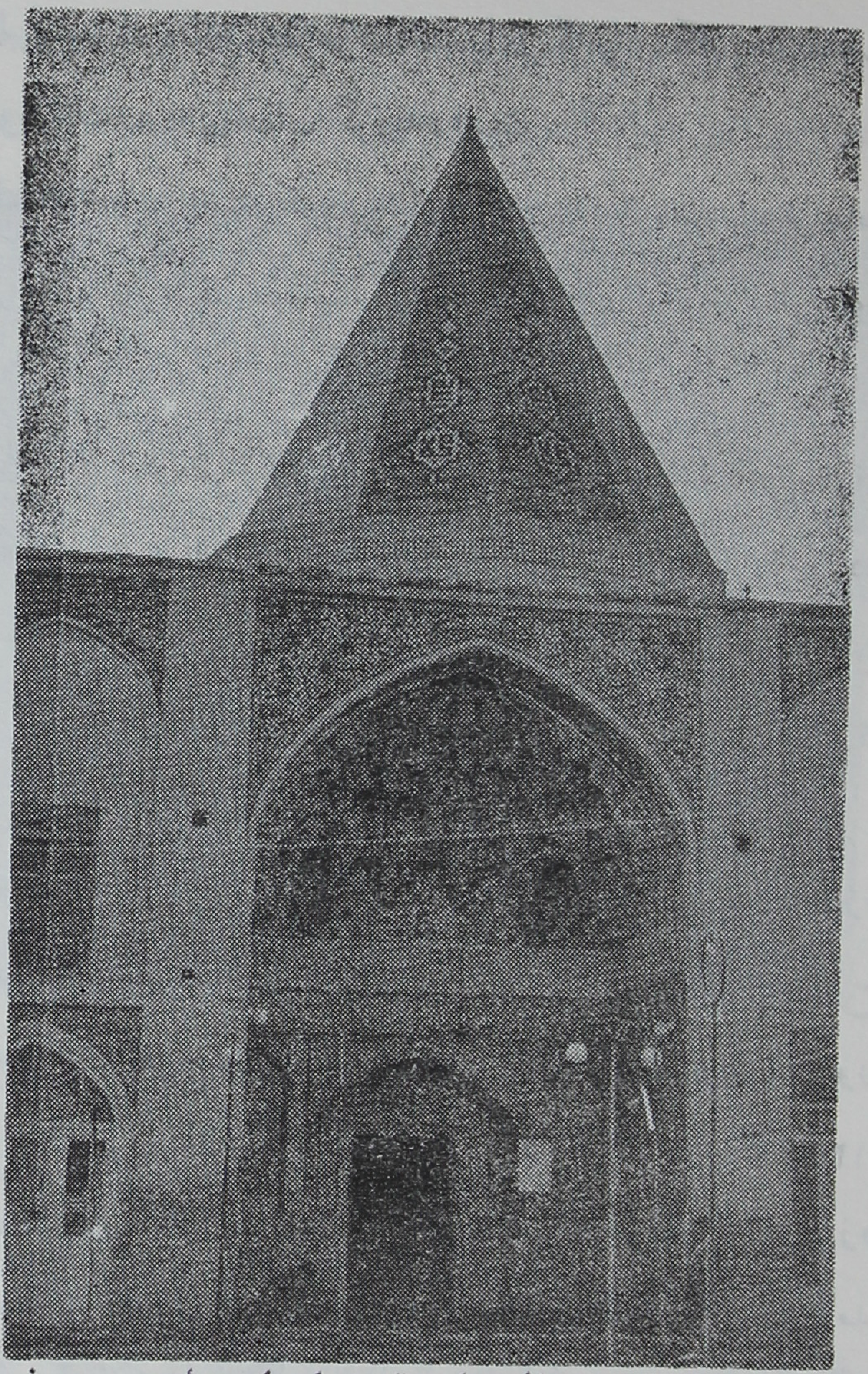
از جمله مرحوم عبدالغفار خان منجم (منجم الدوله) در کتاب حط الرحال و شد الازار است که بر وجود مقبره علی بن جعفر عریضی در عریض مدینه تصریح کرده است و چنین افزوده است که مقبره منتسب به علی بن جعفر در قم از علی بن جعفر بن احمد بن علی بن جعفر عریضی است .

بنابر مقدمات هیچیک از این دو امامزاده بلافصل در قم نبوده اند و مدفونین در این گنبد از احفاد امامین صادق و کاظم بنامهای علی و محمد ند که نسبشان نگاشته شد و در تاریخ قم هم بر دفنشان در نزدیکی نهر سعد تصریح شده است و نهر سعد هم در باغ شیخ و شرقی گنبد هنوز نهر عمومی است منتها اراضی جمرو سعد آباد پس از تغییر مسیر رودخانه بغربی آستانه از نهر تنه پائین مشروب میشوند .

واین نهر را سعد بن عبدالله اشعری از رودخانه صفی آباد برای اراضی سعد آباد که مرتفع بود احداث کرد ودو بالین آنرا خاکریزی کرد و از باغ گنبد سبز که در آنروز بایر بود گذرانید وچون برای بار نخست آب در آن جاری گشت به خانه های چندی که در اراضی منخفض بودند سرایت کرده صدای مردم بلند شد ولی سعد

باقدر تیکه داشت آنرا مرمت کرده برای همیشه آب رادر آن جاری گردانید.

بهر صورت مشهد علی ابن جعفر از مشاهد معمور و زیبا مشتمل بر بقعه‌ای آراسته به گچبری و قبه‌ای هرمی وایوانی کاشیکاری با دو کفشکن و سه صحن موسع ومجلل متضمن حجرات زیبائی میباشد که ذیلا به توصیف آنهامیپردازد.



تصویری از جلو بقعه وایوان علی بن جعفر

توصیف بقعه تاریخی

باتزیینات کاشیکاری وگچبری آن

قاعده گنبد از خارج مضلع هشت ترکی باجدار آجری ونمابندی وازداخل (درون بقعه) چهارضلعی متساوی به‌دهانه ۶/۵۰ وارتفاع ۱۲ متر که درهرضلعی شاه نشینی به‌دهانه سه‌وعرض یك متر ساخته‌شده به جزشاه‌نشین جنوبی که جلوه‌گاه محراب

شکسته و کاشیهای درب بهشت بود ازوسط هرشاه‌نشین در گاهی تنگ و باریك بـه سبك عصر ساخته شده جلو هریك هم دری نصب گردیده است .

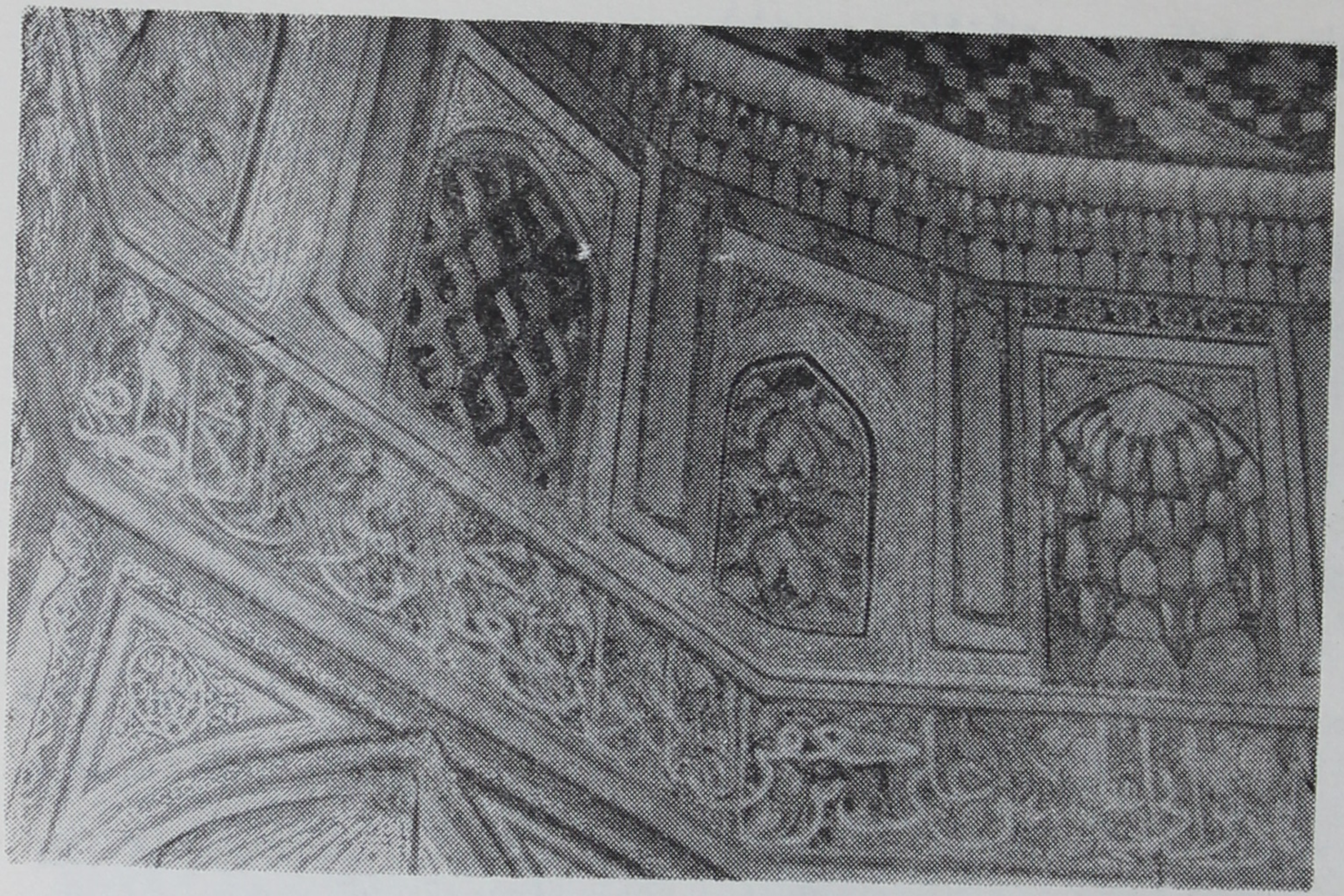
این بنا ازعطاء الملك حسنی است که در سال ۷۰۷ بنیان کرده‌است وتزیینات گچبری و کاشیکاری آن مدت سی وچندسال بمرور انجام یافته‌است که در سال ۷۴۰ بپایان رسیده است .

استادان گچبری آن بهرام قربینی (قزوینی) ومسعود وعماد قمی و کاشی‌سازان آن استادجمال نقاش قمی واستادنعمت الله جوشقانی در کارخانه استادرکن الدین کاشی در قم ونویسنده خطوط آنها سیدمحمد حسینی و بانی کاشیکاری مرقد پهلوان زین الدین (حاج علی‌لو) بوده‌اند که‌میتوان ادعاکرد این هنرمندان تاسر حد اعجاز واعجاب بشری درساخت وپرداخت این کاشیها پیش‌رفته‌اند .

این کاشیها بین موزه‌های ایران توزیع و۴۵ پارچه کاشیهای درب بهشت به‌موزه ایران‌باستان منتقل ودر غرفه آن درسینه اسپر برای تماشای علاقمندان پهلوی لوح مزارشاهزاده حارث‌بن‌احمد خاکفرج نصب وبقیه کاشیهای ازاره ومرقد والواح قبور وکتیبه های موزه ساز وسالن پرداز آن‌هنگام تأسیس‌موزه آستانه‌قم درسال ۱۳۱۴ شمسی به‌دستوروزیر فرهنگ‌وقت آقای علی‌اصغر حکمت بعنوان‌سرمایه اولیه موزه بدانجا انتقال داده شدتا مطابق اصول فنی نگاهداری وحفاظت شوند ولی در آمد بلیط فروشی موزه را بهتر آنستکه بحسانب‌مخصوصی بریزند تاصرف تعمیر این گونه‌بقاع‌تاریخی بشود .

وبقعه مورد سخن گنجینه آثارهنری است وبااینکه کلیه کاشیهای ازاره‌ومرقد ودرب بهشت راازآن بیرون برده‌اند بازهم بواسطه داشتن بهترین گچبریهاچندان غنی‌است که برحرم‌فاطمیه‌ازاین جهت امتیاز داردزیرا آثار گچبریهای روضه ستی فاطمه‌را گاه‌تعمیر ازبین برده وجدار آن‌رابامشتی‌شیشه ریزه بی قدروبها پوشانده‌اند اما روضه علی بن جعفرکه پس ازشش قرن ونیم گچبریهای ممتاز وبدیعش‌همچنان

دست نخورده واستوار مانده است حائز کمال اهمیت میباشد که هرقدر بیشتر در تماشای آنها دقت گردد برمزایای آنها زیادتر پی برده میشود.



تصویری از کتیبه گچبری داخلی ونورگیر وصفه‌ها ومقرنس کمربندی پاطاق بقعه علی بن جعفر

بهرصورت اکنون ازاره بقعه بارتفاع ۲۰ر۱ متر آراسته بکاشیهای خشتی فیروزه فام جدیدی است که پس از انتقال کاشیهای نفیسش بموزه بجای آنها بکار رفته است وبالای آن هره‌ای ازسنگ ابزارزده وفتیله‌ای نصب شده است.

وبرفراز هره سنگی هشت طاقچه زیبا (روی هرجرز یکی) دیده میشود که پوشش وبغله‌های گیلوئی واسپرشان آراسته بگچبریهای ممتازی مزین برنگ آمیزی هریك بنقشه خاص و کتیبه مخصوص میباشدو حقاً پس از ششصد وپنجاه سال که از تاریخ ابداعشان میگذرد با اینکه همواره این نقوش وخطوط در معرض دستمالی زوار ولمس باایادی واصطکاك با بدن زائرین است وسالی چندبارهم بعنوان گردگیری روی خطوط

ونقوش آنها جاروب کشیده میشود بازهم چنان تازه و درخشانند که گوئی جدیداً اززیردست استادان هنرمندش بیرون آمده اند وهرگاه بجای این گچکاریهاهمین نقوش وکتابت راباسرب ریخته بودند تااین درجه دربرابر این لطمات جور بجور محفوظ وسالم باقی نمانده قطعاً سائیده شده بودند .



تصویری ازطاقچه‌غربی‌جنوبی باکتیبه‌آن و کتیبه کمربندی

این طاقچه‌ها در طرفین چهارشاه‌نشین روی جرزها ساخته‌شده‌اند وارتفاعشان ۱/۲۰ متر و عرضشان ۹۰ سانتیمترباحاشیه‌ای گیلوئی وپوشش‌قوسی گیلوئی‌مزین به کتیبه وبابدنه آراسته به کنده کاریهای خوش نقش و رنگ است که از نظر قدمت و نفاست برای مصونیت‌ازهرگونه‌تعرضی باید جلوآنهاقاب آینه گردد تا ضمن برخورداری از حسن منظربیشتر این گچ‌بریهای دلپذیر وتاریخی و خوش رنگ برای همیشه سالم و کتیبه‌هایشان‌همچنان باقی‌بمانندبهرصورت.

کتیبه‌های حواشی طاقچه‌ها بخط‌ثلث برجسته‌فولادین وگچبری است بدین

تفصیل که درحاشیه طاقچه غربی طرف جنوبی چنین خوانده میشود .

(بنده علی ، مسعود دوازده من روغن چراغ نذر کرد که هر ساله برساند واخوه عماد سی من عاقبتشان محمودباد) .

ودرقسمت پائین طاقچه شمالی جانب شرقی این عبارت گچبری شده است «دعاگوی مردان بهرام قربینی» .



تصویری از طاقچه شمال شرقی

ودر حاشیه طاقچه جنوب غربی بیت وتاریخ ذیل گچ بری شده است

ائمة هذا الخلق بعد محمد مودتهم فرض واقوالهم حجة

(فی سلخ ربیع الاخر سنة اربعین وسبعمائه)

ودر حاشیه طاقچه‌های دیگر یکی از ابیات ذیل خوانده‌میشود.

علی وابناه وفخرانو الحجة وموسی وطهراه وبرانوالحجة

الیکم کل مکرمـة تؤول اذا ما قیل جدکم رسول

ابو کم خیر من رکب المطایا و امکم المعظة و البتول
و فیکم انزل القرآن حقاً فذاك الفخر و الفضل الجمیل
بخدمتکم تشرف جبرئیل

وبطور مسلم تمام بدنه بقعه یعنی دو جانب طاقچه‌ها وسینه‌جرزها نیز گچ‌بری و نقاشی بوده است که هنگام تعمیر روی آنها را گچ اندود ساخته‌اند چه‌شبحی از نقوش درزیر پرده گچی از خلال قسمتی که ریخته بود به‌چشم میخورد.

ودر ارتفاع دومتر ونیمی کتیبه‌ایست کمربندی بخط ثلثی برجسته که‌درزمینه آراسته به‌نقوش گل‌وبوته‌های برجسته ورنگین توأم با نازك کاری فنی سوره‌مبارکه «هل اتی» گچ‌بری شده‌است.

کتیبه مزبور دارای دوحاشیه‌زنجیری وگیلوئی متضمن ریزه کاریهای فنی است ودرسینه شاه‌نشین جنوبی درب بهشت دو بیت ذیل بخط نستعلیق زرشکی هم‌سطح زمینه گچبری شده‌اند.



تصویری از طاقچه ایکه در قسمت پائین متضمن تاریخ است

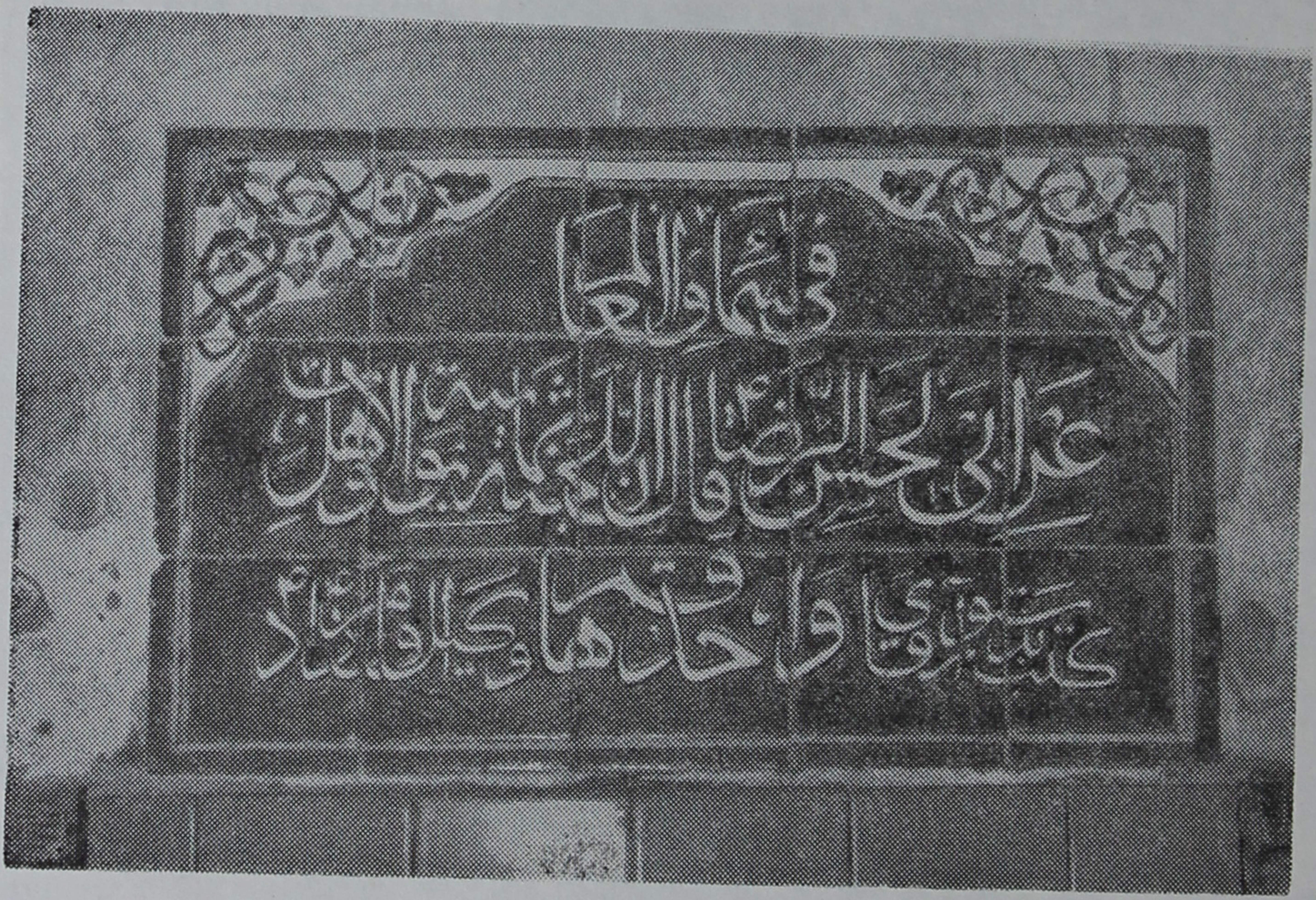
علی حبه جنة قسیم النار والجنة

وصی المصطفی بالحق امام الانس و الجنة

وبه جای کاشیهای درب بهشت درناف اسپر شاه‌نشین مزبور کتیبه‌ایست درسه سطر بخط نسخ سفید روی پانزده کاشی لاجوردی بدین عبارات:

فی السماءِ والعالم عن ابی الحسن الرضا علیه‌السلام قال ان للجنة ثمانیة ابواب ولاهل قم واحدها .

ودردو گوشه خط پائین عبارت (کتب بدستور آقای وکیل وامرداد۴۴) خوانده‌میشود



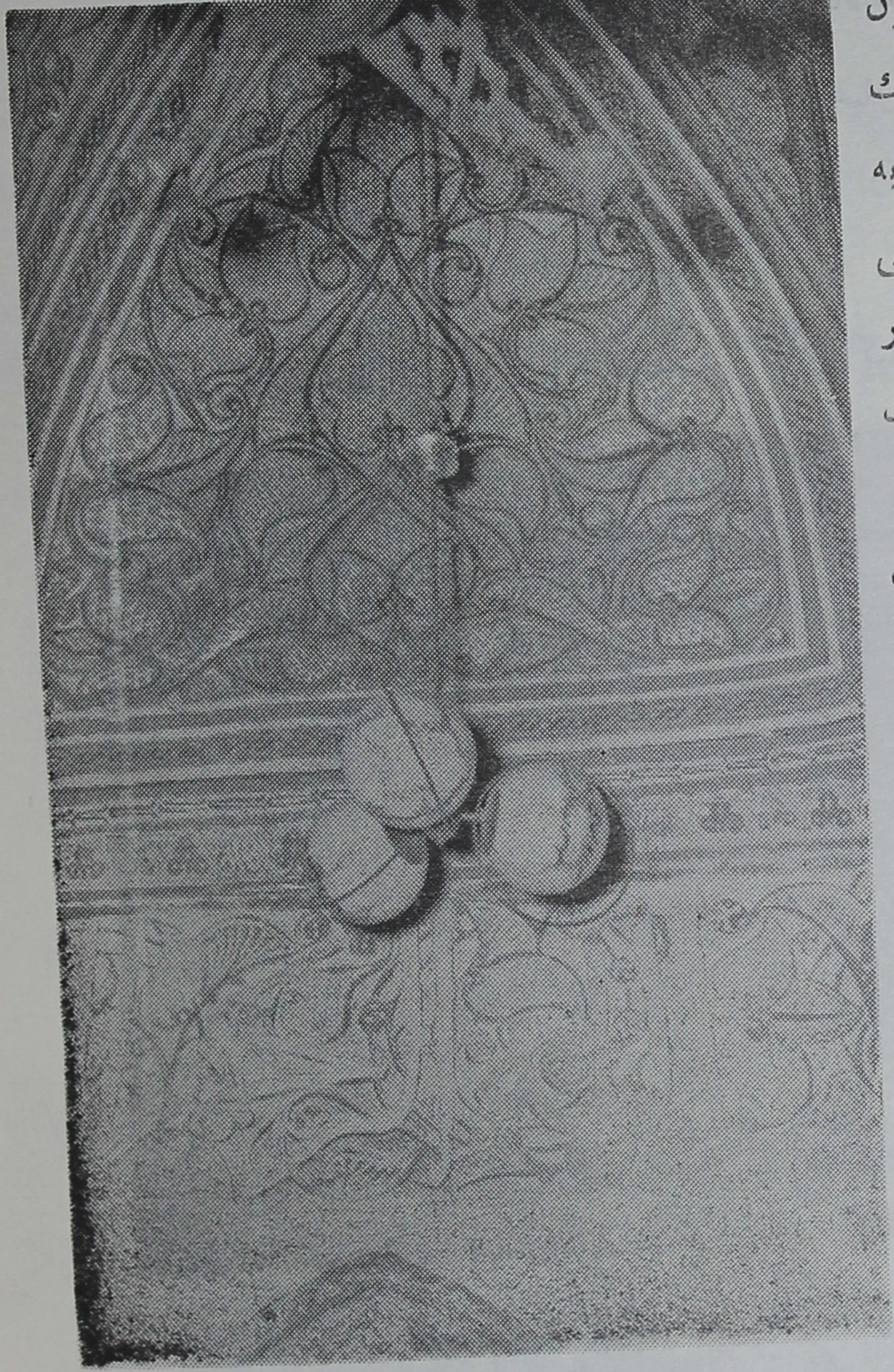
تصویری از کتیبه کاشی شاه‌نشین جنوبی

بلافاصله روی کتیبه کمربندی اسبق درچهار گوشه بقعه نیم طاقی بالا آورده. صورت ساختمان را از چهار ضلعی به‌هشت ترکی تبدیل ساخته اند که بدنه قوسی این نیم طاقها نیز آراسته به گچبریهای ظریف توأم بارنگ آمیزی لطیف است .

وروی لچگی های طرفین آن نیز گچبری باریزه کاری است ودروسط لچگی جنوبی

عبارت ذیل خوانده میشود .

(بنده این معصومان پهلوان کرد میر)



تصویری از نیم طاقهای زوایای بقعه

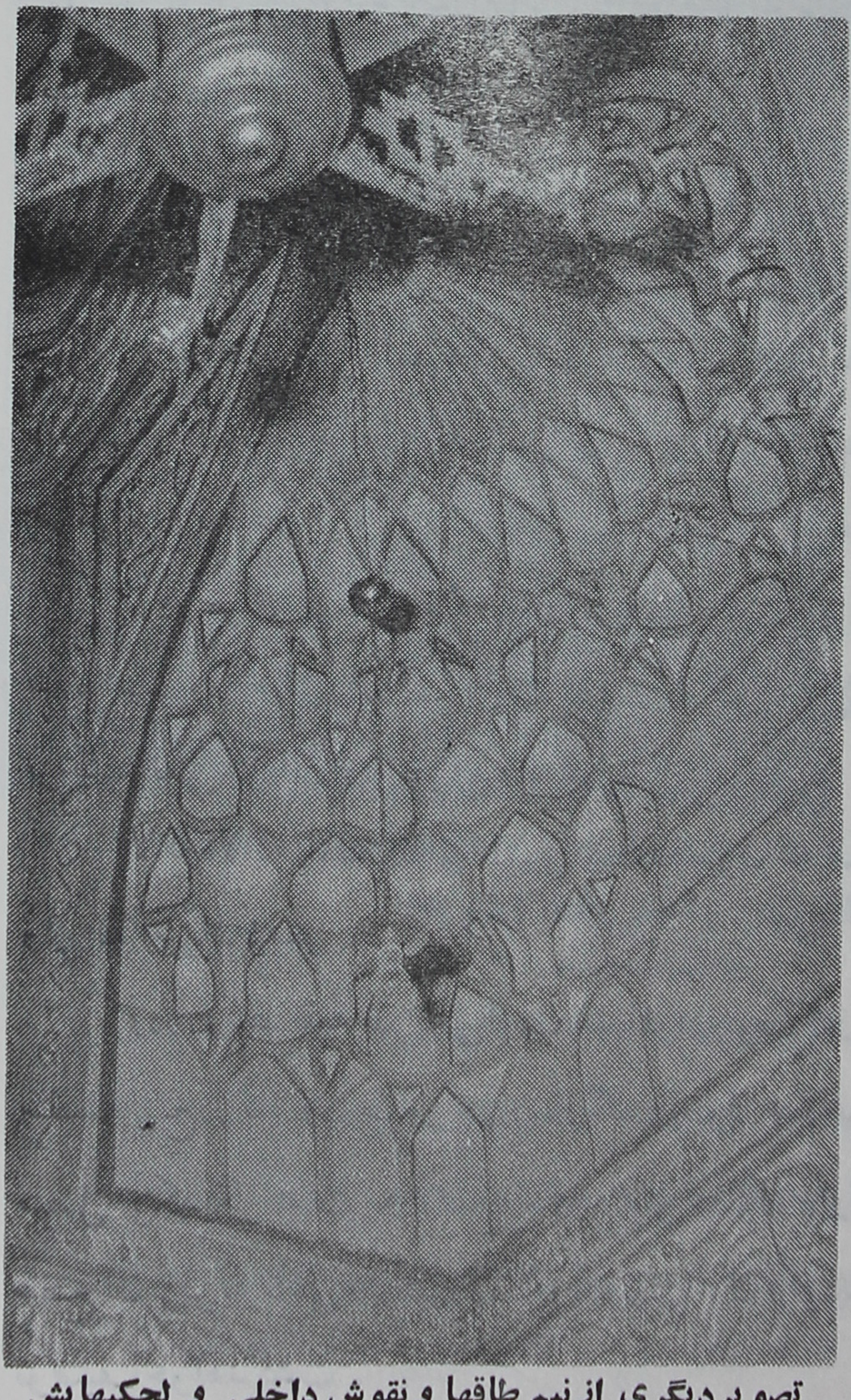
و پوشش نیم طاقها چون پوشش شاه نشین ها که دریك سطح قرار دارند مزین به مقرنس خوش قطار گچی باحوضچه های منقش و جدار نقاشی شده توام با رنك آمیزی میباشند .

و در ابتـدای قسمت هشت ضلعی کتیبه دومی است سینه بندی نیز از گچبری که به خط ثلثی برجسته روی آن عبارات ذیل خوانده میشود .

امـر بتجدید عمـارة المشهد المقدس مضجع الامامین السیدین المعصومین المظلومین الطاهرین ابی الحسین علی بن جعفر الصادق وابی جعفر محمد بن موسی الکاظم صلوات الله علیهما المولی المرتضی الاعظم الصاحب الاعدل الاحسب الانسب علاء الحق و الدنیا و الدین جلال الاسلام و المسلمین عطاء الملك المیر محمد الحسینی اعزه الله فی الدارین فی سنة اربعین و سبعمائه .

که ازامر به تجدید عمارت مشهد چنین مستفاد میگردد که قبل از قرن هشتم هم روی تربت امامزادگان بقعه و قبه دیگری وجود داشته است و این عبارت نظریه کسانی راکه معتقدند بقعه اولیه اش در سال ۴۵۳ ساخته شده بود و ماده تاریخ بنایش کلمه (جنت) بوده است تاحدی تأیید میکند و میرساند که ماده تاریخ بنای اولیه آن جنت و تاریخ تجدید آن بهشت است .

وهم استفاده میشود که از آغاز ساختمان تاتکمیل تزیینات آن حدود سی وسه سال طول کشیده است که در آن میانه کار ساختمان مدتی تعطیل بوده است ،



تصویر دیگری از نیم طاقها و نقوش داخلی و لچکیهایش

و ناگفته نماند که از عناوینی که در مقدمه نام عطاء الملك قید گردیده است چنین برمی آید که نامبرده در دولت اولجایتو سلطان (شاه خدابنده) به خدمت سلطانی در آمده است و در عهد سلطان ابو سعید به مرتبه رفیعه و درجه عالیه ریاست دیوان مظالم برگزیده شده است .

و بر فراز آن هیشت ساختمان به شانزده ضلعی تبدیل شده در این قسمت شانزده صفه محرابی شکل که چهارتای آنها میان تهی برای نورگیر و آراسته به

شبکه گچ بری با جدار کنده کاری هستند ساخته شده اند .

بغله ها و اسپر بقیه آنها مزین به نقوش ممتازه از گچبری توام با رنك آمیزی و پوشش هر یك مقرنس منقش گچی ظریف و خوش قطار ولی چهار صفه آن ها سراپا مقرنس و جرزهای فاصل میانه آنها نیز آراسته به گچبری توام با رنك آمیزی است .

و بالای صفه های شانزده گانه گلوبندی از مقرنس در سه قطار بازمینه طلائی و منقش دیده میشود که نیز بصورت مضلع نامرئی است و روی آن پوشش عرقچینی آراسته به نقوش بدیعه گچبری و بمشابه یك قدح منقش و بزرگی است که وارونه نهاده باشند .

و در پائین قوسی پوشش در میانه ستاره های پنج پری هشت ترنج فلکه ایست که درون آنها صلوات بر معصومین با عبارات ذیل جدا ازهم گچبری شده است .

اللهم صل علی المصطفی محمد ، والمرتضی علی والبتول فاطمة ، والسبطین الحسن و الحسین وزین العابدین علی ، والباقر محمد والصادق جعفر ، والکاظم موسی والرضا علی ، و التقی محمد و النقی علی ، والحسن العسکری والحجة القائم .

و در مرکز پوشش فلکه ای بزرك همانند سبدی پر از گل های رنگارنك گچبری شده است و در حاشیه آن کتیبه ایست دوری بعرض ۲۰ % تقریبی که روی آن به خط برجسته ثلثی عبارات ذیل خوانده میشوند .

لااله الاالله الملك الحق المبین محمد رسول الله صادق الوعد والقول الامین علی ولی الله امیر المؤمنین .

و در وسط بقعه ضریحی است مشبك از چوب که زیبا و مجلل است که دو طرف متضمن پنج درگاه و دو طرف چهار درگاه و بطول ۴ و عرض ۳ متر و درون آن دو مرقد متصل بیکدیگر است به ارتفاع ۱/۲۰ متر و طول ۳ و عرض ۲/۵۰ متر که بدنه و سطح آن مزین به کاشی های فیروزه فام و تعمیری است و تزیینات کاشیکاری قبلی آن بعداً توصیف خواهد گشت .



تصویری از پوشش بقعه و ترنجهای پائین و فلکه مرکزی و کتیبه آن

و اینك برای ثبت در صفحات تاریخ وضع سابق بقعه و تزیینات کاشیکاری ازاره آن و بدنه مرقد و روی آن ذیلا تشریح و کتیبه‌های آنها نیز نقل میشود و توضیح می‌دهد که این کاشیها مانند چینی با لعاب شفاف درخشان دارای صفا و طلعت خاص و صیقل مخصوص بوده حاکی از تاریخ ساخت و نام بانی و استاد کاشی ساز نیز می‌باشند که در موزه های تهران و قم و شیراز و آستـان قدس رضوی موجودند و سالن موزه های مربوطه را زینت بخشیده‌اند .

کاشیهای داخلی بقعه وضریح

اما کاشیهای کم‌نظیر این بقعه عبارتند از :

۱ - کاشیهای خشتی ازاره بصورت کوکبی یعنی مثمن مدرج که بین هر چهار پارچهٔ آنها یك گل لوزی شکل مربع لاجوردی برای پرساختن خلل‌ها بکار رفته بود .

این کاشیها حدود نهصد پارچه در چهار ردیف روی‌هم نصب شده‌بودند که هر ردیفی را نقشه خاص و کتیبهٔ مخصوص بود و معمرین خدام بقعه تعداد آنها را

یکهزار و هشتصد و هشت پارچه میگفتند و چنین ادعا داشتند که دو ردیف آنها هنگامیکه سطح بقعه را بالا آوردند زیر خاك رفته بودند چنانکه درشب دستبرد و قتل یکی از خدام توسط سارقین، رئیس نظمیه قم پس از معاینه محل اظهار داشت که این دستبرد باتبانی انجام یافته است و بعضی از خدام بقعه هم در این امر باسارقین همکاری داشته اند و خدام بقعه برای تبرئه خویش چنین گفتند که هرگاه خدام نظری داشتند ممکن بود ازچند ردیفی که زیر خاك است چند پارچه بیرون آورده ببرند و جای آنرا هم پر کنند بطوریکه قابل تشخیص هم نباشد و با این کیفیت تعداد کاشیهای بزرگ باعنایت بطول ازاره وارتفاع آن تازیر طاقچه‌ها ومنها ساختن جای سه درگاه باشاه نشین جنوبی درب بهشت هرگاه دو ردیف آنهارا هم زیر خاك وسه ردیف بیرون فرض کنیم تعداد ۹۰۴ پارچه کوکبی و ۹۰۴ قطعه لوزی را پرمیکنند که تعدادی از آنها به موزه‌های ولایات انتقال یافته و بیشتر آنها درون صندوقهائی درموزه آستانه موجودند که چند پارچه هم برای تماشای علاقمندان درون محفظه‌هائی زیرشیشه و آینه درسالن موزه در مرئی و منظر مردم گذارده شده‌اند.

وبا توجه به تنوع آنها چنین بنظر میرسد که درهرردیفی آن ازیك نوع کاشی و بدین کیفیت روی ازاره بکار رفته بودند که:

الف - ردیف اول که درسطح زمین قرارداشته و بعد آزیر خاك رفته بوده‌است تعداد ۱۶۸ پارچه کوکبی بوده‌اند که در زمینه لاجوردی متن آنها تصویراتی از طیور متنوع و آهو وفیل وگل و بوته بطور برجسته ودر حاشیه سه سانتیمتری بخط مشکی نسخ در زمینه سفید کرمی هشت بیت ذیل از شاهنامه فردوسی وغیر آن ازاشعار پر مغز سودمند دیگری نوشته است.

بنام خداوند جان و خرد	کز این برتر اندیشه برنگذرد
بنام خداوند جان آفرین	حکیم سخن در زبان آفرین
خداوند نام وخداوند جان	خداوند روزی ده بندگان

سر پادشاهان گردن فراز   بدرگاه او بر زمین نیـاز

که بعضی از آنها هم بدون کتیبه حاشیه‌ای میباشند.

ب- در ردیف دوم در متن گل و بوته های برجسته و در حاشیه احادیث نبویه نوشته شده است بدین نمونه (عن علی علیه‌السلام قال سمعت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله یقول ما من مسلم یتود مسلماً عدوه الاصلی علیه سبعون الف ملك حتی یمشی و کتب ذلك فی سلخ ربیع الآخر سنة ثمان وثلثین وسبعمائة هجریة)

وروی بعضی از آنها در پایان حدیث نبویه عبارت (عمل استاد جمال الدین در کارخانه استاد رکن الدین کاشی ساز) نوشته شده است.

ج- در ردیف بالا و سوم در متن هر یك کلمه‌ای از آیات قرآنی به‌خط کوفی شنجرفی برجسته که چون بترتیب پهلوی یکدیگر قرار دهند سوره‌هائی چون اخلاص و کوثر و حلق و ناس روی آنها خوانده میشود.

ودر حاشیه آنها بخط ریز نسخ نیز بعضی از سور کوچك وروی بعضی تاریخ (ثمان وثلثین وسبعمائه) یعنی ۷۳۸ یا عبارت (عمل استاد نعمت‌الله جوشقانی) خوانده میشود.

د- در ردیف چهارم بیرون از خاك در متن بخط ثلثی برجسته یك تا چند کلمه از آیات قرآنی است که چون بطور منظم پهلوی یکدیگر نصب کنند سوره‌های کوچکی چون فاتحة الکتاب را کامل میسازد.

ودر حاشیه آنها نیز سور کوچك قرآنی نوشته شده‌اند.

ه- و ردیف پنجم در متن یك تا چند کلمه از سوره مبارکه دهر که چون پهلوی یکدیگر قرار دهند یك سوره کامل میشوند و در حاشیه نیز یکی از سوره‌های کوچك نوشته شده است.

قتل و دستبرد

اما داستان قتل یکی از خدام و بردن چند پارچه کاشی چنین بوده است که در سال قحطی و سنه ۱۳۳۶ قمری شب نهم

ربیع الاول که مصادف با هلاکت عمر سعد سرخیل کربلا بدست هواداران مختار است وسابقاً درچنین شبی مردم جشن میگرفتند بعضی از مجاهدین بختیاری در اثر تبانی با کلیمیان عتیقه‌چی چندپارچه کاشی نفیس را در نظر گرفته به تصور اینکه در چنین شبی کسی در بقعه نخواهد بود و برای شرکت در برگزاری مجلس جشن همگی بشهر رفته‌اند و بقعهٔ تهی از خادم کشیك است متوجه بقعه میشوند.

اتفاقاً در آن شب یکی از خدام بنام ملاعلی اکبر پسر ملامعصوم که کشیك چی بقعه بوده درب را بر روی خود بسته در داخل بقعه بخواب رفته بود.

بختیاریها داخل محوطه شده چون درب بقعه را بسته مییابند آنرا می کوبند تا از داخل بگشایند و چون گشوده نمی‌شود به بریدن پاشنه آن باره می پردازند در این موقع ملا درب را باز می کند و ساکت میماند تا اینکه هدف ایشان را بفهمد و چون سارقین در شاه‌نشین جنوبی مشغول کندن یك پارچه کاشی ۷۰ در ۷۰ سانتیمتری نقش طاووس میشوند ملا بیرون دویده فریاد برمی آورد که (آی‌دزد آی‌دزد) بلافاصله چند ضربه چماق برسر او فرود آورده ملا را بهلاکت می‌رسانند و کاشی مزبور را باچند کاشی معین از ازاره برداشته و میروند.

بامداد که خدام داخل بقعه میشوند باجسد بی‌جان ملا روبرو گشته باناله و فغان جسد را روی تخته بردوش گرفته بمنزل حجج اسلام و تولیت آستانه برده تعقیب قاتلین وسارقین ورفع خطر بعدی را خواستار شدند وسپس اورا دفن کردند.

سرانجام متولی آستانه (مرحوم حاج سید محمد باقر حسینی) باحضور علماء جلسه‌ای تشکیل داده متفقاً تجویز کردند که کاشیهای مزبور را جمع آوری کرده بخزانه آستانه انتقال‌دهند بدیهی است در این مرحله تعدادی از آنها شکسته شد

وهمین کاشیهای موزه‌پرداز بود که درسال ۱۳۱٤ قسمتی بموزه ایران باستان وغیر آن و قسمتی هم بموزه قم انتقال داده شدند و نظیر آنها در هیچیك از مشاهد دیده نشده است.

۲ کاشیهای چهار بدنه مرقد بودند که درچهارردیف هرردیفی ۲۴ پارچه نصب گردیده جدار آنرا زینت بخشیده بودند

و درمتن آنها بهخط ثلثی برجسته ای سوره مبارکه یسن خوانده میشد.

ولی درردیف بالا ۲٤ پارچه خشت های ۳۲/. در ۳۲/. سانتیمتری قرارداشت که علاوه بر دارا بودن کتیبه یسن (در متن با زمینه منقش طلائی بخط برجسته درشت) کتیبه دیگری هم بخط ریزی درحاشیه وقسمت بالاداشت کهروی آن آیات وعبارات ذیل نوشته شده بود.

بسم‌الله الرحمن الرحیم شهدالله انه لااله الاهو و الملئکة و او لوالعلم قائماً بالقسط لااله الاهو العزیز الحکیم ان‌الدین‌عندالله الاسلام و ما اختلف الذین اوتوا الکتاب الامن بعدماجائهم‌العلم بغیاً بینهم‌ومن یکفر بآیات الله فان‌الله سریع‌الحساب آمن الرسول بما انزل‌الیه من ربه والمؤمنون کل‌آمن‌بالله و ملائکته و کتبه ورسله لانفرق بین احدمن رسله وقالوا سمعناواطعناغفرانك ربناو الیك المصیرلایکلف‌الله نفساً الا وسعها لها ماکسبت و علیها ما اکتسبت ربنا لاتؤاخذنا ان نسینا او اخطأنا ربنا ولاتحمل علینا اصراً کماحملته علی‌الذین من‌قبلنا ولاتحملنا مالاطاقة لناواعف عنا واغفرلنا وارحمنا انت مولینا فانصرناعلی القوم الکافرین‌صدق‌الله العظیم‌وصدق رسوله الکریم ونحن علی‌ذلك من‌الشاهدین‌وبه‌موقنین.

امر بتجدید هذین الضریحین‌الصاحب المعظم البهلوان زین الدولة و الدین حاجی‌علی‌لو تقبل الله تعالی‌منه کتبه وعمله احقر عبادالله الغنی محمدبن الحسین‌بن المرتضی ... احمدالحسینی ... ذی‌المناقب .. واصبرعلی ... غفرالله‌ذنوبه و ستر عیوبه وعطر الله ترابه والرحمة علی محمد وعترته‌الطاهرین.

و ازعبارات آخر کتیبه‌چنین مستفاد می گردد که‌جد کاتب‌وعامل‌یعنی‌سیداحمد حسینی در سانحه یورش چنگیزیان و قتل عام مردم قم بسال ۶۱۷ با نا‌ملایماتی روبرو بوده است‌و صبر و شکیبائی از خود نشان‌داده است که متأسفانه چند کلمه

آن روی خشت‌های ششم و هفدهم بوده که شکسته است و جای آنها خالی و نقطه‌چین شده است.

مجموع این کاشیها ۹۶ پارچه بوده‌اند که دوازده پارچه آنها بکلی از بین رفته است و شش پارچه آنها هم نصفه می‌باشند و تنها ردیف اول که دو کتیبه ایست به اندازه ۳۲ در ۳۲ سانتیمتر وسه ردیف زیر که متضمن دنباله سوره یسن است به اندازه ۳۲ در ۲۲ سانتیمتر و ارتفاعشان ده سانتیمتر کمتر از ردیف اول است که در سینه اسپر شمالی سالن جنوبی موزه آستانه نصب شده‌اند.

۳ کاشیهای دوبر یا دولبه (دو ضلعی) مربوط به بالای مرقد که یک بر آنها بطور افقی روی مرقد و حاشیه الواح قبور را زینت می بخشیده است و بر دیگرشان بطور عمودی قسمت فرازین چهار بدنه مرقد و بالای کاشیهای سابق الذکر را می‌پوشانیده است به اندازه ۲۰ در ۴۰/. سانتیمتر که هر بری بیست سانتیمتر است و دارای کتیبه ای بخط برجسته ثلثی همرنگ زمینهٔ فیروزه فام است که نیمی از سوره مبارکه یسن در سطح افقی و نیم بقیه در بدنه عمودی آن قالب ریزی شده است و از مجموع آنها جز یکقطعه باقی نمانده است و بقیه در موقع کندن از روی مرقد بطور کلی از بین رفته‌اند که هر گاه همین یک پارچه هم شکسته بود امروزه دیگر نشانی از آنها نبود و روی این خشت در یک بدنه جملهٔ (مالی لاعبد) و بر بدنه دیگرش جمله (وهم مهتدون) خوانده می‌شود.

۴ کاشیهای اطراف الواح قبور که بین کاشیهای دو ضلعی با الواح مزبور نصب بوده اند و اندازه هر یک ۲۰ در ۴۰ سانتیمتر و طول مجموعشان ۷٫۲۰ متر و از هر جهت مشابه کاشیهای بدنه می‌باشند و روی آنها صلوات کبیره بخط برجسته ثلثی خوانده می‌شود و فقط یک پارچه آنها شکسته بقیه در موزه آستانه به جدار جنوبی سالن نصب گردیده‌اند.

۵ کاشیهای دولوح مزارمرکب ازشش پارچه (هر لوحی سه پارچه) هریك بطول ۷۵% وعرض ۷۰% سانتیمترو جمعاً بطول ۲/۲۵ در ۱/۴۰ متردارای یك حاشیه بعرض ۸% سانتیمتر متضمن آیة الکرسی ودر متن آنها در قسمت بالا گل وبوته در میانه نقشه محراب شکسته و در قسمت پائین عبارات ذیل که نقاط ضعف ادبی است بخط بر جسته شنجرفی قالب ریزی ودرموزه نگاهداری شده است بدین سان که روی یکی .

هذاالمرقد و المزار المنیر للامام المعصوم المظلوم الراوی علی العریضی بن المولانا و السیدنا الامام المعصوم جعفر الصادق بن الامام المعصوم محمدالباقر بن الامام المعصوم علی السجاد زین العابدین بن الامام المعصوم الشهید المظلوم ابا عبدالله الحسین بن الامام المعصوم الشهید الامیر المؤمنین علی بن ابیطالب صلوات الله علیهم اجمعین وروی دیگری.

هذاالضریح الشریف والمرقد المنیف للامام الطاهر محمد بن الامام المعصوم موسی الکاظم ابن الامام المعصوم جعفر الصادق بن الامام المعصوم محمدالباقر بن الامام المعصوم علی السجاد زین العابدین بن الامام المعصوم الشهید المظلوم اباعبدالله الحسین بن الامام المعصوم الشهید الامیر المؤمنین علی بن ابیطالب صلوات الله علیهم اجمعین خوانده میشوند .

۶ کاشیهای کتیبه داریست به اندازه ۳۲ در ۳۲ سانتیمتر با زمینه لاجوردی ستاره نشان طلائی متضمن کتیبه‌ای ازسوره یس به خط ثلثی ممتاز برجسته طلائی که دربدنه جرزجنوبی موزه نصب شده‌اند و معلوم نیست این کتیبه زینت بخش که این نقطه از بقعه بوده است .

این کاشیها زیاده نفیس و ممتاز است که از نظر فنی در جمع میانه رنگ لاجوردی باآب طلا تا سرحد اعجاب مهارت بخرج داده است با اینکه در حرارت پانصد درجه که برای ذوب طلا لازم است لاجورد دریك پنجم آن حرارت بکلی رنگ خودرا

از دست میدهد و معلوم نیست برای تذویب طلا و تحلیل لاجورد چه فعل و انفعال شیمیائی بخرج داده‌اند که این دو رنگ را باهم جمع کرده‌اند .

بهرصورت از مجموع این کتیبه فقط هشت پارچه خشت در موزه آستانه موجود است که روی آنها علاوه بر آیات ذیل تاریخ ساخت آنها هم خوانده میشود بدین گونه: قال یالیت قومی یعلمون بما ، جمیع لدنیا ، اذجائها المر ، انك لمن المر ، ون الم بروکم ، رجب الاصم سنة ثمان وعشرین و سبعمائه عمل .

۷ کاشیهای درب بهشت بانقشه محراب شکسته مرکب از ۴۵ پارچه خشت به اشکال مختلف ازبزرگ و کوچك بدین تفصیل .

الف در تارك آن کتیبه ایست از چهارده پارچه ونیم با دوقطعه شکسته از کاشیهای ۲۰ در ۳۰ سانتیمتری زمینه لاجوردی که بخط برجسته شنجرفی روی آن آیات ذیل خوانده میشوند .

اعوذ بالله (شکسته) الرجیم اقم الصلوة لدلوك الشمس الی غسق اللیل وقرآن الفجر ان قرآن الفجر (شکسته) فتهجد به نافلة لك عسی ان یبعثك مقاماً محموداً .

که این قسمت در موزه آستانه موجود است و بقیه که ذیلا توصیف میشوند به موزه ایران باستان انتقال داده شده‌اند .

ب دو پارچه خشت مثلث در خط پوشش بالای محراب که روی آنها بخط برجسته عبارات (لااله الاالله محمد رسول‌الله ـ علی ولی‌الله) خوانده میشوند که این جملات سه درب بهشت را می نمایاند.

ج هشت پارچه ونیم خشت های باریك و بلند تشکیل دهنده دو پایه محراب که روی آنها چنین خوانده میشود (بسم‌الله الرحمن الرحیم ذلکم‌الله الـذی خلق السموات والارض الی آخره.

د یك پارچه خشت بزرگ ۷۰ در ۷۰ سانتیمتری متضمن کتیبه‌ای به خط کوفی نیز از آیات قرآنی .

ه یك خشت بزرگ دیگر مشتمل برسوره نصر (اذاجاء نصر الله).

و یك خشت بزرگ دیگر متضمن کتیبه صلوات برمعصومین.

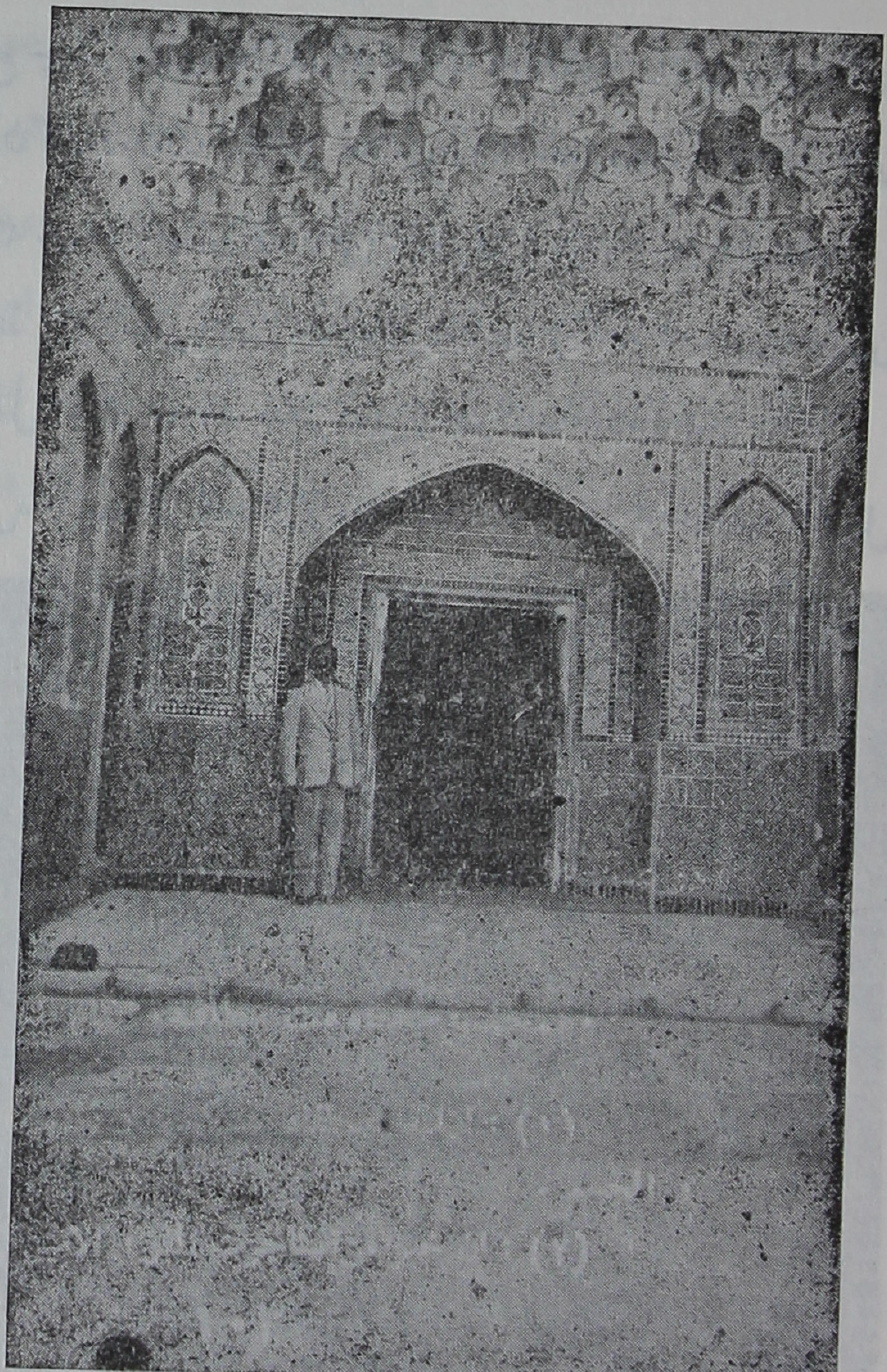
ز شانزده پارچه کاشی ازحاشیه دارای کتیبه سوره فاتحةالکتاب وتاریخ ۷۱۳

ح یك خشت بزرگ که درمتن گل وبوته وفاقد کتیبه است.

ط یك خشت بزرگ دیگر متضمن نقشه محراب شکسته که جمعاً پنج پارچه بزرگ مربوط به متن آن میباشند.

ایوان بزرگ و دارالحفاظ

و درجانب شمالی بقعه ایوان زیبا ومجللی است با جدار آراسته به کاشیکاری خشتی توأم با کتیبه‌های متعدد و دو کتیبه حجری وکاشی کمربندی با پوشش مقرنس ومنقش گچی بدهانه ۴/۸۰ وعرض ۳/۵۰ و ارتفاع ۱۲ متر که جلو آنرا باجداری مشبك بسته‌اند ومدخل آن ازدوراهرو طرفین میباشد که اخیراً بعنوان بقعه خانوادگی استقلالی



تصویری از ایوان و دارالحفاظ که مرحوم عباس کریمخانی راهم مینمایاند

بخود گرفته‌اند درنتیجه مشبك جلو ایوانرا برداشته‌اند وراه‌ایاب‌وذهاب بقعه ازهمین ایوان شده‌است .

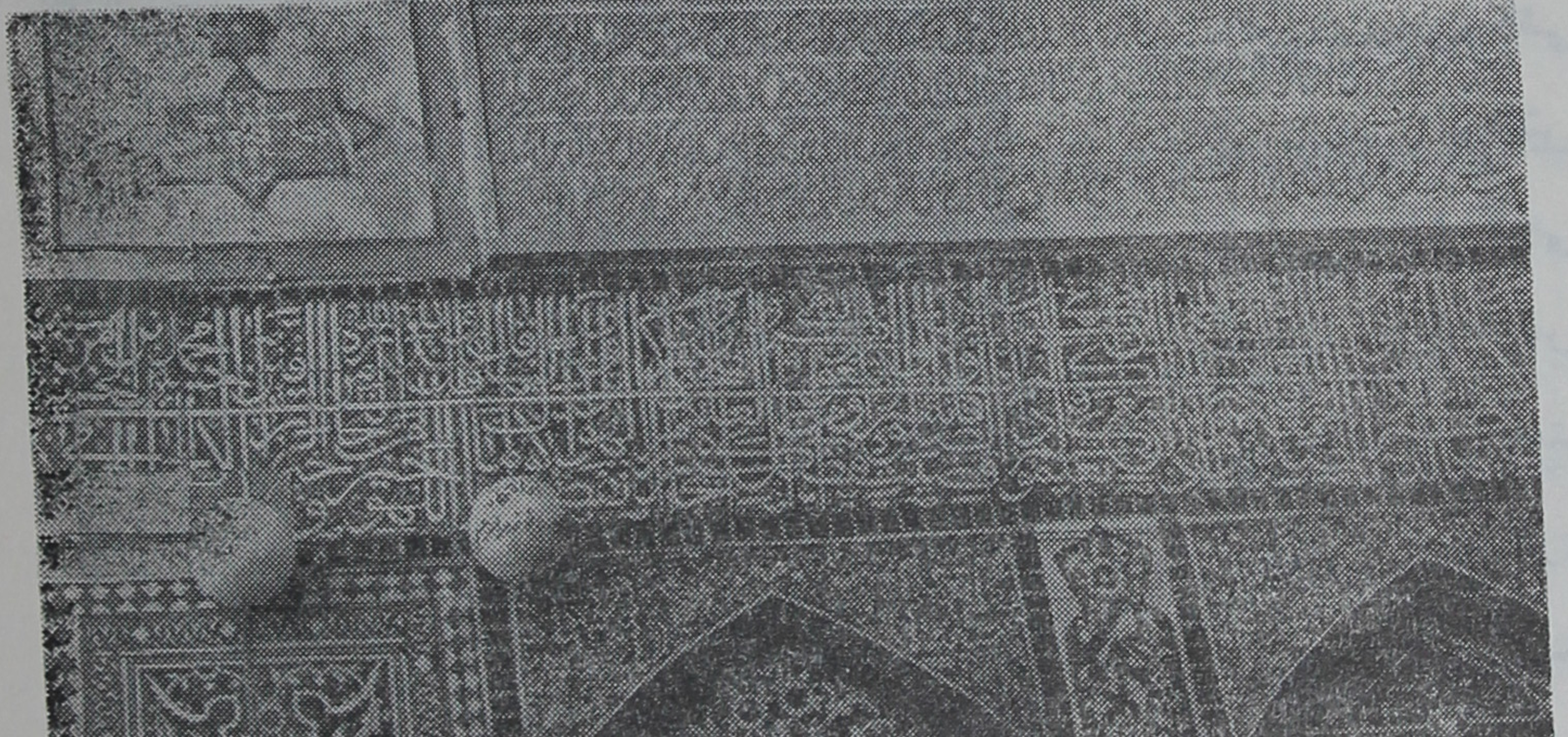
درجرزهای طرفین ایوان دو درب زیبا از دو کفشکن جنبین گشوده میشود که سردرگاه وجرزهای طرفین آن با نقشه خاصی کاشیکاری شده است .

علاوه درقسمت‌های بقعه‌این جرزچند طاقچه‌ونمانمودار است که‌هریك بطرز خاص‌وکتیبه‌مخصوصی تزیین‌یافته‌اند بدین تفصیل که :

جدار طرفین تاارتفاع چهار متری کاشیکاری‌وهرنما وطاقچه دارای کتیبه‌های جدا ازیکدیگرودر کمربند آن کتیبه‌ایست از کاشی خشتی زمینه‌لاجوردی که‌به‌خط ثلثی سفیدی‌روی آن سوره‌مبارکه جمعه (یسبح لله مافی‌السموات) نوشته شده‌است .

و درپایان سوره بخط ریزنسخی‌بطور عمودی عبارت (کتبه محمدبن حسین الحسینی فی سنة ۱۲۶۸ عمل استاد محمد طاهر قمی) خوانده میشود .

که‌ازهمین استاد کاشی‌ساز چنداثر کاشیکاری‌درمشاهد متبرکه‌قم ازجمله‌در مدخل



تصویری از دوکتیبه‌کمربندی و نماسازی ایوان

بقعه شاهزاده ابراهیم در جانب غربی همین بقعه بفاصله ۵۰۰ متر و نیز اسپر رواق بقعه شاهزاده اسمعیل در بیدقان با تاریخهای ۱۲۷۰ و ۱۲۷۱ نیز دیده میشود که بطور کلی دارای کاشیهای شفاف و خوشرنگ و مشابه با ابیات مشابه و مخصوصاً بیت ویژه‌ای متضمن نام وی میباشند.

وبالای کتیبه کمربندی کاشی کتیبه دیگری است اما بخط نستعلیق برجسته روی سنگ سفید در چهار سطر که مرحوم عباس کریمخانی گاه تعمیر و تزیین و نقاشی و رنگ آمیزی بقعه و ایوان درسال ۱۳۶۱ قمری (۱۳۲۱ خورشیدی) بر آن افزوده است.

این کتیبه در جلالت قدر علی بن جعفر عریضی و درك خدمت پنج امام و خضوعش درباره امام جواد در حالی که جوانی نورس بود با اینکه وی پیرمردی سالخورده مینمود و همچنین در نقل اقوال علماء و مؤلفینی است که بر دفن وی دراین بقعه معتقد بوده‌اند که مطالب مندرجه در آن از کتاب اعاظم تألیفی نگارنده (عباس فیض) نقل شده است اما چون مفصل است باضافه دفن نامبرده دراین مکان هم مورد انکار نگارنده واقع شده است از نقل کتیبه مزبور در این مقام و در این مجموعه (که نه برای تراجم است) خودداری گردید.

ولی می‌افزاید که در پایان کتیبه نام مزین و نقاش مزبور (مرحوم عباس کریمخانی) وسال مشهد تزیین که ۱۳۶۱ قمری است و نام نویسنده کتیبه که آقای عباس بحرینی معروف به عشقی است واسم حجار آن (معبر) نیز حجاری گردیده است.

وپوشش ایوان مقرنس واز آثار فتحعلیشاه است چنانکه در لوح سنگی منصوب در ایوان مقبره آن سلطان در صحن عتیق آستانه بر تعمیرات و الحاقات وی در بقاع خاکفرج و علی بن جعفر تصریح شده است یعنی بنای ایوان بادو کفشکن جنبین آن از آثار آن پادشاه میباشد ولی درعهد ناصرالدین شاه کاشیکاری شده است.

اما کتیبه‌های موضعی در ایوان مزبور بدین تفصیل است که:

برفراز درب ورودی از کفشکن به ایوان مزبور در پیشانی درگاه بخط نستعلیق

سفیدابیات ذیل سروده استاد محمدطاهر قصاع کاشی سازمزبور نوشته شده است.

روزیکه خشت و کاشی این روضه خوش عیار

آمدندا ز جانب خلاق انس و جان

که ای جبرئیل سنج و ببین لایق این کراست

صد بار جبرئیل امین کرد امتحان

تا قرعه زد بنام همین طاهر قمی

آورد و گفت هست برابر بیك جهان

آن کاظمی که کاشی ایوان بکار برد

یارب بده برات ز آزادگی به آن

آنها که خادمند در این درگه منیر

خدمت کنند از سر اخلاص این مکان

ودر طرف مقابل نیز درقوسی سردرب کفشکن بقیه ابیات خوانده میشود.

این گنبدی که سرزده برهفت آسمان — این گنبدی که نور تطق میکشد از آن

این گنبدی که سایه برافلاك بر زده — این گنبدی که سر زده برعرش لامکان

این قصر و بارگاه ندانم از آن کیست — دراین صدف دو گوهر غلطان بود نهان

گویا که جبرئیل امین طرح این سرا — باصد ادب کشیده بپرگار این مکان

هردم صدای حور و ملك میرود به عرش — زین روضه بهر اهل قم وجمله زائران

و در چهار ترنج بشکل چهاربرجی که در میانه ابیات یادشده قرار گرفته اند در زمینه سفید به خط مشکی ابیات ذیل نوشته شده اند.

بر حق صاحبان همین گنبد رفیع — یارب ببخش جرم و گناهان شیعیان

آنکس که هست بانی این خشت خوش عیار — در روز حشر ده عوضش قصری از جنان

طاهر که جدو جهد بهر امر خیر کرد — او رفت و یادگار از او ماند در جهان

قابل کجا و مدح چنین شاه از کجا　　اورا تو ناامید مکن یارب از جنان

ودر نماسازی کاشی کاری درشرقی ایوان چنین خوانده میشود.

یارب ببخش جرم همه بانیان خیر　　در روز حشر بی‌سبب ای خالق امم
یارب بحق ذات وصفات معظمت　　می‌بخش جرم کاتب این کاشی از همم
خواهم که روسفید شوم نزد خاص وعام　　در روز حشر در برابر آن سید امم
دارد هدایت از تو تمنای یك کرم　　ای خالق خلایق وای رهبر امم

۱۲۶۹

ودر نمای غربی مقابل نمای سابق دو رباعی ذیل خوانده میشوند.

این درگه احسان و عطا و همم است　　این منبع جود وفیض و کان کرم است
از زمره کائنات عالم یك سر　　زین سلسله چون گذشت جف القلم است

* * *

این صحن مقدس که بهشت ثانی است　　استاد قمی کاشی اورا بانی است
وز بانی و بناوزکاشی و قمی　　جز ذات خداوند سراسر فانی است

ودر میانه این ابیات درجانب شرقی ترنجهائی گرفته دروسط هر ترنج مصرعی بضمیمه عبارات زیر خوانده میشود.

غرض نقشی است کز ماباز ماند　　که هستی را نمی‌بینم بقائی
مگر صاحب دلی روزی به رحمت　　کند در حق درویشان دعائی

در روز پنجشنبه بیست وهفتم شهر صفر المظفر تحریر گردید ارقمه هدایت الله الحسینی ۱۲۶۹.

از خواننده التماس... داریم (که کلمه دعا بدون عا است)

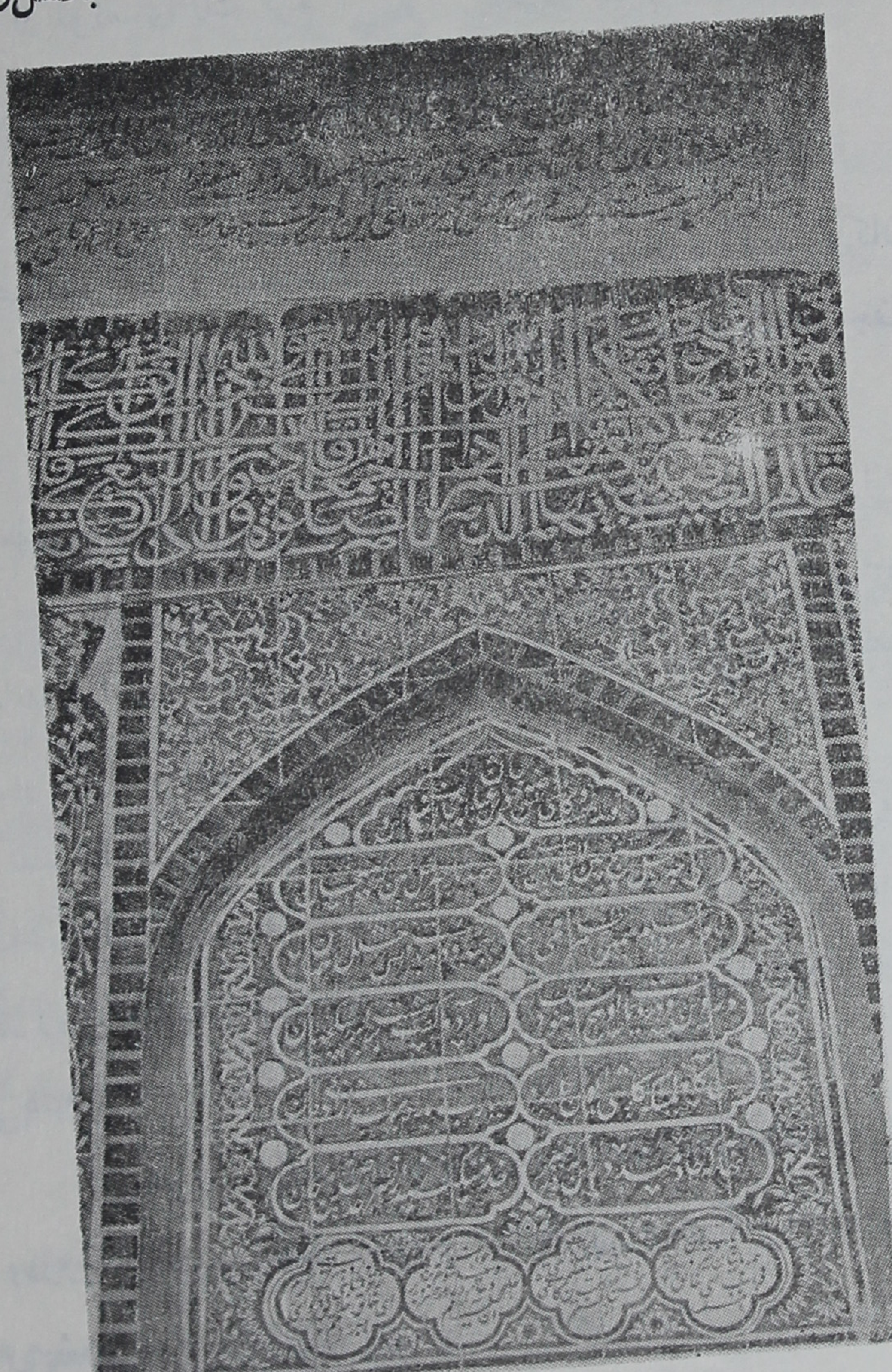
ودرزیر ابیات درجهت غربی در ترنجهائی چهارگانه دو رباعی باعبارت زیر خوانده میشود.

ارقمه هدایت الله الحسینی ۱۲۶۰

این روضه که هست یکدر از خلد برین ... جاروب کش درش بود حور العین
دانی که بود صاحب این قبر شریف ... باشد علی و ابن امام ششمین

* * *

غارب بود بی ظن علی و بن جعفر ... کاسوده بقم چو در صدف در عدن
آسایش هر دو کونت ار هست مراد ... دست از همه بگسل و بدامانش زن



تصویری از کتیبه‌های نمای غربی ایوان

و در همین جهت در نمای دیگری مجاور نمای یاد شده رباعیات زیر خوانده میشوند .

این مرقد منیر که چون گل معطر است — چون آفتاب روشن و چون مه منور است
زین روضه تا بهشت نباشد مسافتی — مانع میان جنت و این روضه یکدر است

* * *

این بارگاه مرقد اولاد مرتضی است — آرامگاه پادشه هفت کشور است
پهلو بعرش میزند این گنبد از علو — چون سایبان مرقد اولاد حیدر است

و نیز دربین ابیات ترنجهائی است و درمیانه آنها ابیات زیر نوشته شده است.

گفتم بعقل صاحب این بارگاه کیست — گفتا بصد ادب که علی بن جعفر است
پرسیدم از خرد که دو در است و یکصدف — گفت آن یکی محمد موسی اطهر است
این صحن دلگشا که بود قطعه بهشت — خاکش هزار باره به از مشك و عنبر است
قانع اگر چه حامل ارض نجف شود — آنجا بمیرد کزهمه جا باز بهتر است

۱۲۶۹

دار الحفاظ و درون ایوان یاد شده در مدخل بقعه ایوانچه یادار الحفاظی است که سراپا کاشیکاری و کاشیهای آن بهتر وخوشرنگ ولعاب تر به دهانه سه وعرض یك وارتفاع سه متر است که حدود یکمتر سطح آن چون سطح بقعه بالا آمده است و بدین جهت کوتاه بنظر میرسد .

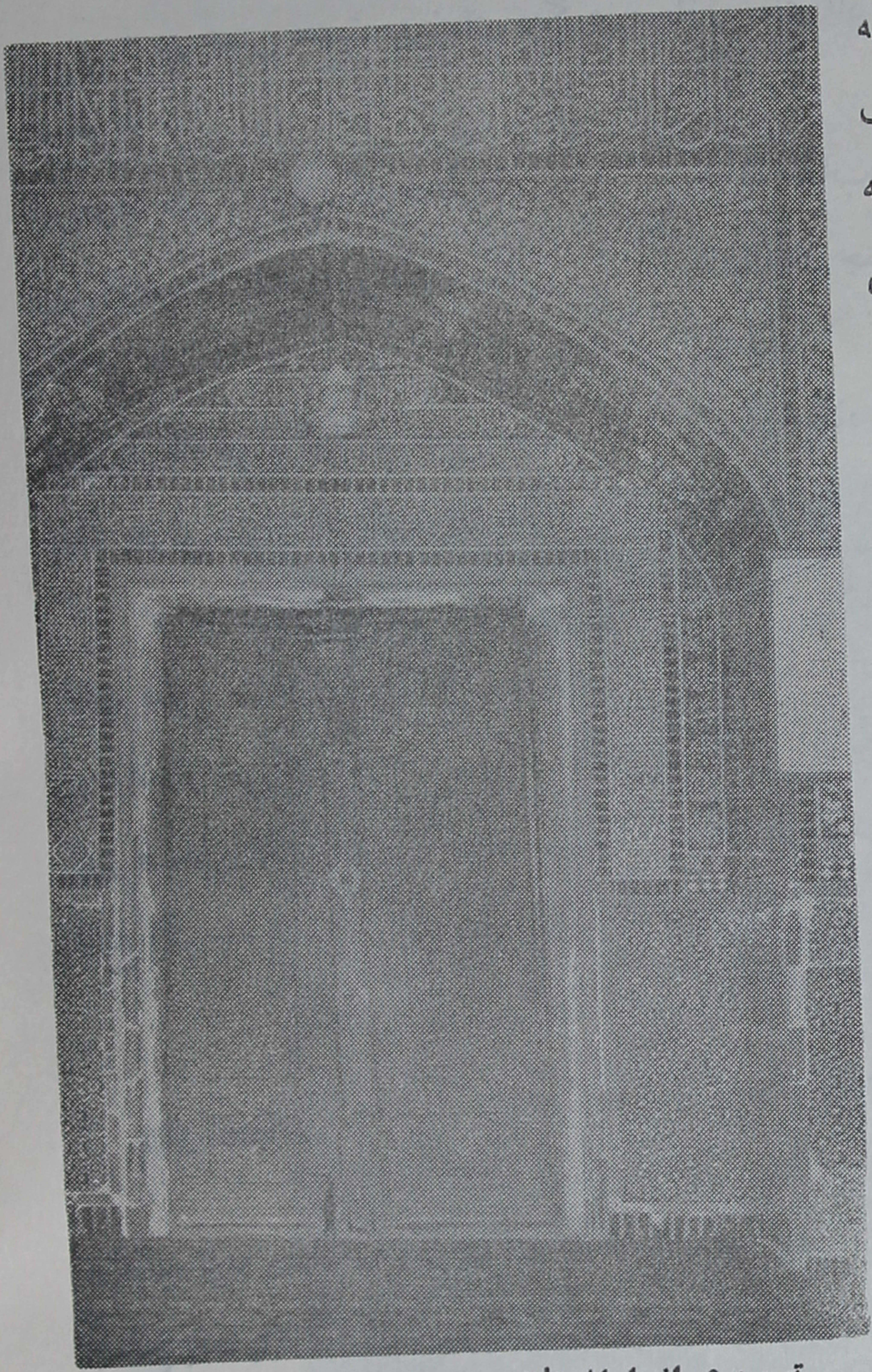
بنای این ایوانچه همزمان بنیان بقعه وبسال ۷۰۷ از قطر پایه بیرون داده شده است ولی ایوان بزرگ از آثار فتحعلی شاه قاجار است و تزیینات کاشیکاری آنها درعصر ناصر الدین شاه قاجار در سال ۱۲۶۸ و ۱۲۶۹ انجام یافته است و بانی کاشیکاری و کاشی ساز آن استاد محمد طاهر قصاع قمی ونویسنده کتابت حاج سید محمد شهیر به میرزا بزرگ .

این ایوانچه آراسته به بهترین کاشیهای خشتی و دوالی خوش نقش و لعاب

وشفاف متضمن چند کتیبه ثلثی و نستعلیق دراطراف درگاه ورودی و در بدنه جرزهای طرفین و قوسی پوشش است .

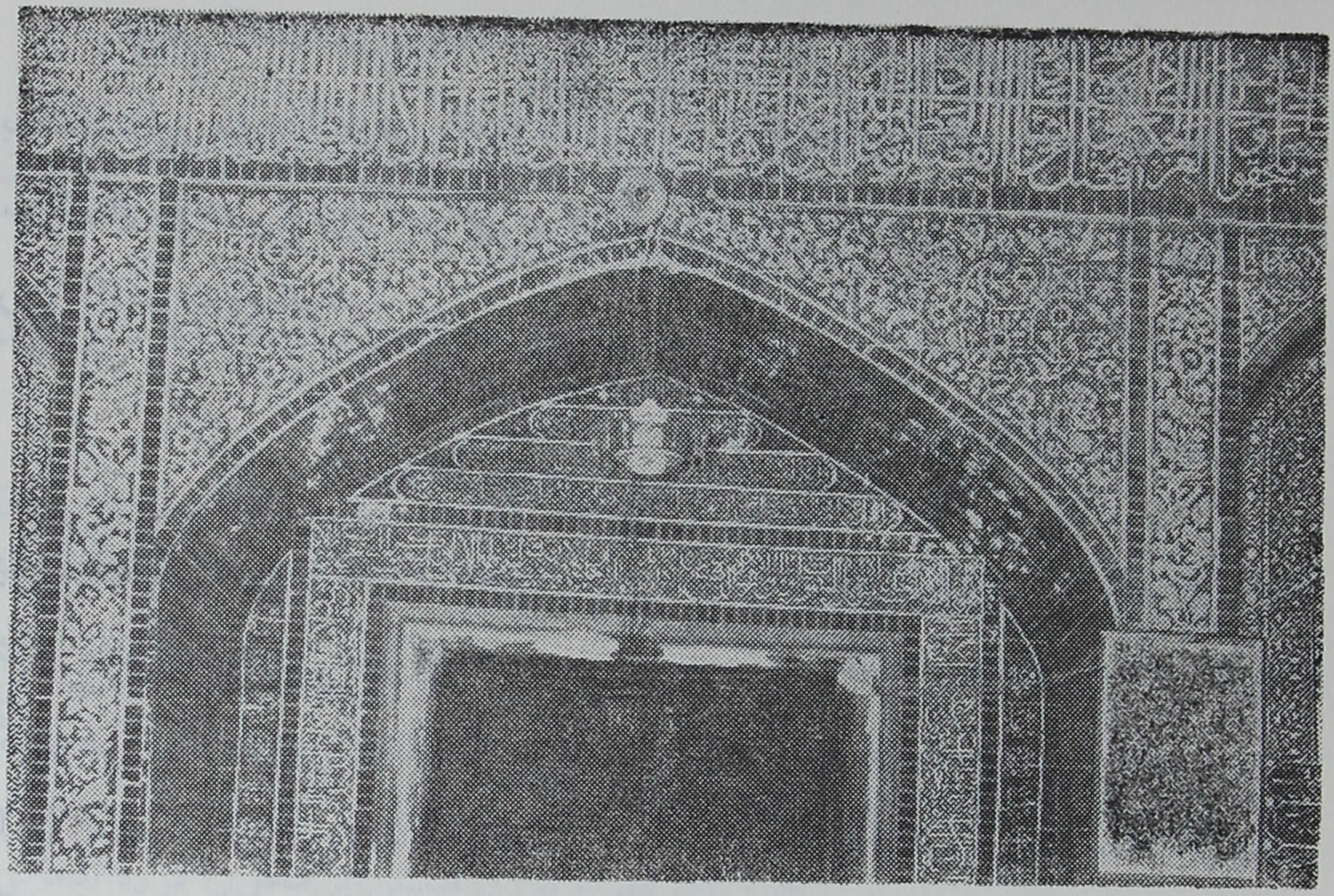
ودرب بقعه درزیرهمین ایوانچه واقع است ودارای دو لنگه گره سازی و مزین به میخهای مطلای رخشنده ـ ایست که روی آن نگین نشان شده‌اند .

اما کتیبه‌های اسپردرجبهه و بالای درگاه بخط ثلثی سفید وزیبای سفیدی روی کاشیهای خشتی لاجوردی زیر تیغه پوشش (یاالله) و زیر آن سوره مبارکه اخلاص ودر دنباله آن در پایان سطر دوم و سوم وچهارم عبارات ذیل خوانده میشود .



تصویری ازدارالحفاظ ودرب ورودی وکتیبه‌های آن

در عهد دولت پادشاه اسلامیان پناه ناصرالدین شاه قاجار خلدالله ملکه وسلطانه مرقوم شد وانا اقل العباد خیراً و اکثر هم عصی السید محمد الشهیر به میرزابزرک غفرالله له ولوالدیه و اهتمام استاد ماهر بل فی عصره نادر حضرت کربلائی محمد طاهر قصاع تمام شد فی ۱۲۶۹



تصویری از نیمه بالای دار الحفاظ

ولب درگاه آراسته به کاشیهای طره‌ای پیچ فیروزه فام زیاده زیبا و پهلوی آن حاشیه‌ای بانقشه ملات سازی وسپس درسه جانب درگاه بخط ثلثی سفید ومرغوبی در زمینه لاجوردی آیات وعبارات ذیل خوانده میشود .

بسم الله الرحمن الرحیم

(یاایها الذین آمنوا لاتدخلوا بیوت النبی الاان یؤذن لکم الله لااله الا هوالحی القیوم (آیة الکرسی تا) قدتبین الرشد من الغی) بناوبانی و کاتب التماس دعادارند .

ودر مجاورت آن نزدیك به زاویه جرزها پانزده ترنج کاشی نمودار ومیانه آنهادریکی آیه شریفه «ماخلقت الانس والجن الالیعبدون» ودربقیه اسامی معصومین (یـامحمد) (یاعلی) (یافاطمه) (یاحسن) (یاحسین) (یازین العابدین) (یامحمد الباقر) (یاجعفر ـ الصادق) (یاموسی الکاظم)(یاامام رضا غریب) (یامحمد التقی (یاعلی النقی) (یاحسن العسکری)(یاحجة القائم) ، نوشته شده است.

از اسپر گذشته در دو بغله این ایوانچه ازجرز و قوسی‌های پوشش کتیبه ایست بخط نستعلیق سفید یکطرف پانزده سطر و طرف دیگر شانزده سطر برفراز هم (هر سطری مرکب از دو مصرع و هر مصرعی در میانه یك ترنج کشیده) که آیات و ابیات ذیل روی آن خوانده میشوند.

لااله الاالله الملك الحق المبین
اشهدانه محمد رسول الله علیاً ولی الله

یارب به بخش جرم و گناهان شیعیان — اجر طویل و عمر عطا کن به عالمان
شاه زمانه ناصرالدین قجر که هست — بر جمله رعیت اسلام مهربان
گیرد هر آنکه حرمتی از عالمان دین — اجرش به مصطفی بود و جای او جنان
آنها که دست خویش ز دنیا کشیده‌اند — یکسر ز لطف خویش ببخشا گناهشان
آنها که پیروند بدین از ره هدی — از مسلمین مؤمنه و مؤمن جهان

* * *

ز الطفات خداوند من محمدخان — غلام درگه این هردو شاه عالیشان

که در وسط گل و بوته‌ای هم عبارت (سنه ۱۲۶۸) خوانده میشود.

این صحن که در فضای او عقل گم است — این مدفن نورانی سلطان قم است
نامش علی و جد علی و قدر علی — جعفر پدرش آنکه امام ششم است

* * *

این روضه که از بهشت یك در باشد — ایـوان وی از سپهر برتر باشد
گفتم به خرد مدفن پرنور از کیست — گفتا که علی زاده جعفر باشد

* * *

همین قصر بلند ایوان که نورش بر فلك افکنده شادرون
دوشاه و شهریار اینجا بود مدفون بامر خالق ذوالمنن

یکی نامش علی و هست فرزند رشید اطهر جعفر
دیگر آن یك محمد ابن موسی حافظ دین قاطع دشمن
ز رشك خاکروبی در این هردو شاهنشاه والاجاه
بچرخ چارمین پیراهن ازهم میدرانند زهره وپرون
بفردوس برین بهر تماشای رخ همچون مه ایشان
گذارد حوری وغلمان دو چشم سرمه سای خویش برروزن
مبارك بقعه ایست این بقعه کز نور ضریحش جمله آفاق
منور گشته است یارب مگر این جنت است یا وادی ایمن
بلی این بقعه از فردوس وعرش وکرسی ولوح وقلم اعلا
چرا که دو قمر دو نور دو شمس این محل را کرده اند مأمن
مداماً نفخه مشك وعبیر آید ازمزار آنچنان شخصی
که باشد درجوار این دوسرو گلشن باغ جنان مدفن
بدرگاه شما ای پادشاهان عطاوجود انجم دارد این امید
که درخلد برین اورا دهی اندر جوار خویشتن مسکن

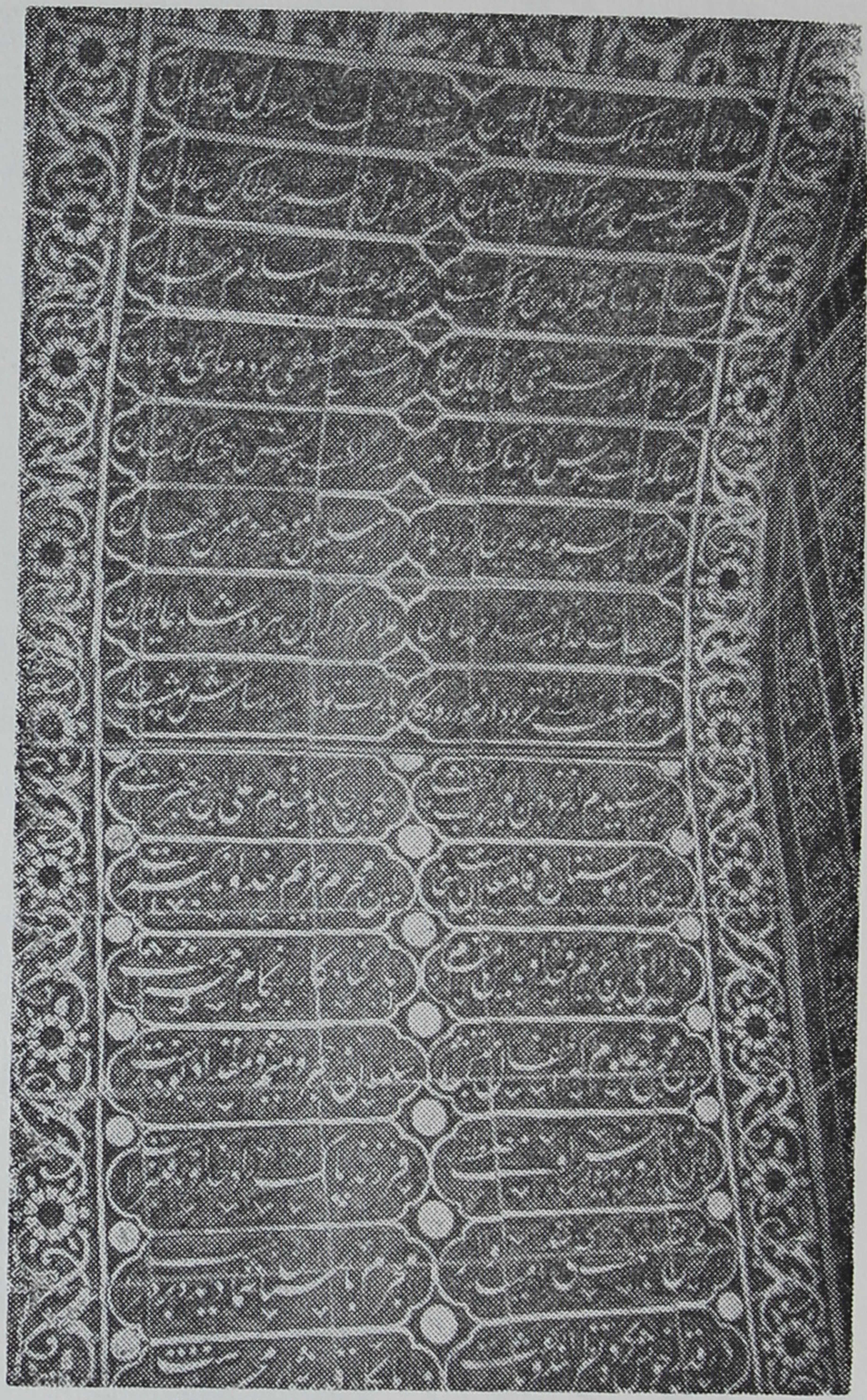
* * *

این بارگاه کیست که چون مهر انور است
این خوابگاه کیست که چون گل معطر است
این آستان کیست که از نـور گنبدش
نـه گنبد سپهر مـدور منـور است
ایوان سر کشیده بکیـوان از آن کیست
کایوان چرخ پیش وی از ذره کمتر است
صحنش چو صحن روضه رضوان فرح فزا
گویا رواق روضه پراز مشك وعنبر است

این گنبد رفیع کدامین شهنشه است
وین مرقد شریف کدامین پیمبر است
این بارگاه عرش مثال از جناب کیست
کز نور طلعتش بفلك خور مکدر است
حیران شدم که عرش خدا بر زمین چرا
نور خدا برای چه در خاك مضمر است
پرسیدم از خرد به من اواین جواب گفت
کین جایگه مقام علی بن جعفر است
این سرو بوستان وفا معدن سخاست
این محرم حریم خداوند اکبر است
دارای این حریم و خداوند این مقام
یار گناهکار به هنگام محشر است
این مجمع علوم که اطفال مکتبش
سلمان وحجر ومیثم و مقداد وبوذر است
این ناز پروریده زهراء و مصطفی
فرزند پاك زاد خداوند قنبر است
هرکس شها بلطف کسی شد امیدوار
مجرم به آستان شما دیده بردر است
در قدر خویش کرده نظر گفت این دوبیت
در پایگاه قدر شما بس محقر است

که دنباله ابیات ضمن نقل کتیبه‌های ایوان نگاشته‌شده‌است.

مقبره‌موسع شرقی بقعه و در جانب شرقی بقعه مقبره ایست موسع ومقصوره‌مانند با جدارو جرزهای آجری وتهی از تزیینات کاشی‌وگچی با گنبدی عرقچینی به قاعده چهار ضلعی متساوی به دهانه



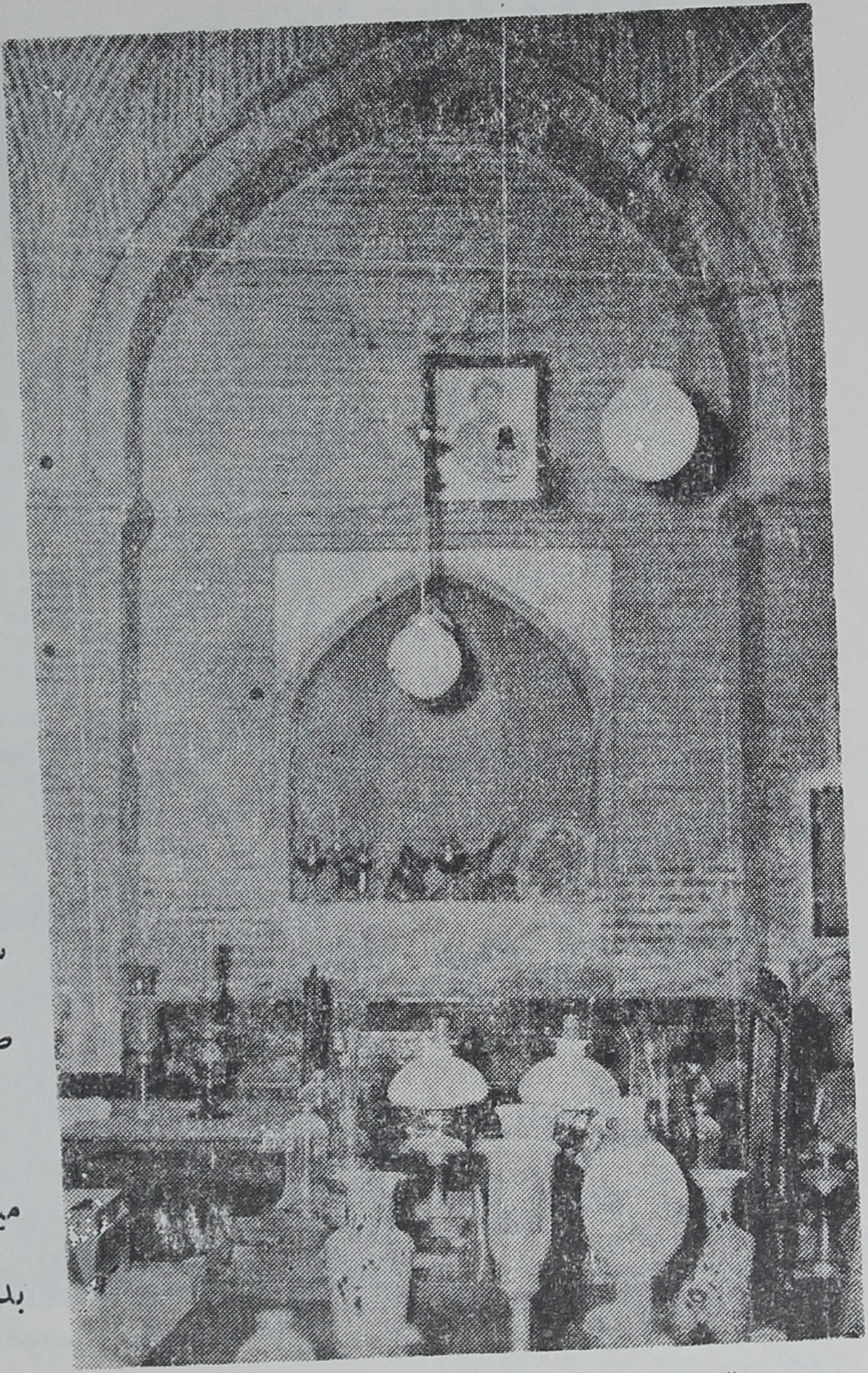
تصویری از کتیبه قوسی دار الحفاظ

۸٫۶۵ و ارتفـاع ۹ متر و پوشش رسمی بندی از ابنیه الحاقی عصر فتحعلی شاه بود که یك قرن قبل گنبد آن سقوط کـرد و در سال ۱۳۰۵ از ناحیه شاهـزاده فرمانفرمای قاجار حکمران فارس گنبـد آن تجدیـد گردیده است.

چنین بنظر می‌رسد که دراین نقطه گنبدی باستانی بـا قـاعده هشت تـرکی وجود داشته است که مدفن عطاء الملك بانی گنبدعلی بن جعفر و تنی چند از نقباء و اشراف وعلماء وقضات بوده است ودر اوائل قرن دوازدهم چون مخروبه شده گنبدش سقوط کرده بوداز ناحیه فتحعلی شاه بصورت کنونی از نو ساخته شد .

بهر صورت هیئت ساختمان آن مربع ودر هرضلعی از آن شاه نشین به دهانه ۳ و ارتفاع ۶ متر ساخته شده است وازضلع غربی آن دری به محوطه بقعه گشوده میشود که مدخل آن ازطرف شمالی است .

و دراین قسمت ایوانی است بدهانه ۴٫۷۰ وعرض ۳٫۵۰ وارتفاع ۷ متر با جرزها واسپر آجری است که از آثار فرمانفرما میباشد .



تصویری از مقصوره عطاء الملکی

در میانه این مقصوره دو لوح قبر باستانی وجود داشت که در اثر خرابی گنبد اکثر کلمات برجسته روی آن شکسته و ریخته بود ودر چهار بدنه هریك کتیبه‌ای از آیة الکرسی بخط ثلثی برجسته ممتاز حجاری شده‌است.

ارتفاع هر یك شصت سانتیمتر وعرضشان ۶۰/۰ و طولشان ۲ متراست.

که اگر آنهارا وارونه مینهادند بصورت سنگابی بدیع باخزانه مربع مستطیل تجلی می کرد زیرا درون آنهارابیرون آورده بودند.

ودر کتیبه یکی از آنها عبارات زیر بچشم می خورد که مورد بازدید آیت الله مرعشی نجفی هم قرار گرفته‌است.

هذا المدفن ... میر محمدبن ابی‌الحسن قاسم بن میر محمد بن علی بن ابی الفضل ... الحسینی که بظن قوی این لوح قبر ازعطاء الملك یادشده میباشد.

و روی دیگری چنین خوانده می شود.

هذا مدفن العلامه ... المرتضی المجتبی . الاعظم الاکرم النقیب الحسیب السید نظام الـدین سلطان احمد بن المرتضی النقیب المغفور السید فخر الـدین النقیب الرضوی .... فی سنة ...

که این دو لوح بدون توجه به نفاستشان سالها در میانه صحن زیر برف و باران و یخ افتاده بودند و اخیراً در اثر تسطیح صحن زیر خاک رفته‌اند .

و اینك در میانه این مقبره ده مرقد برجسته آراسته به بدنه کاشی و الواح مرمری از علماء و رجال دیده می‌شود که همگی جدید البناء می‌باشند و روی هریك انواع چراغهای بلورین چیده شده که جلب توجه می کنند .

صحن‌های سه گانه علی بن جعفر

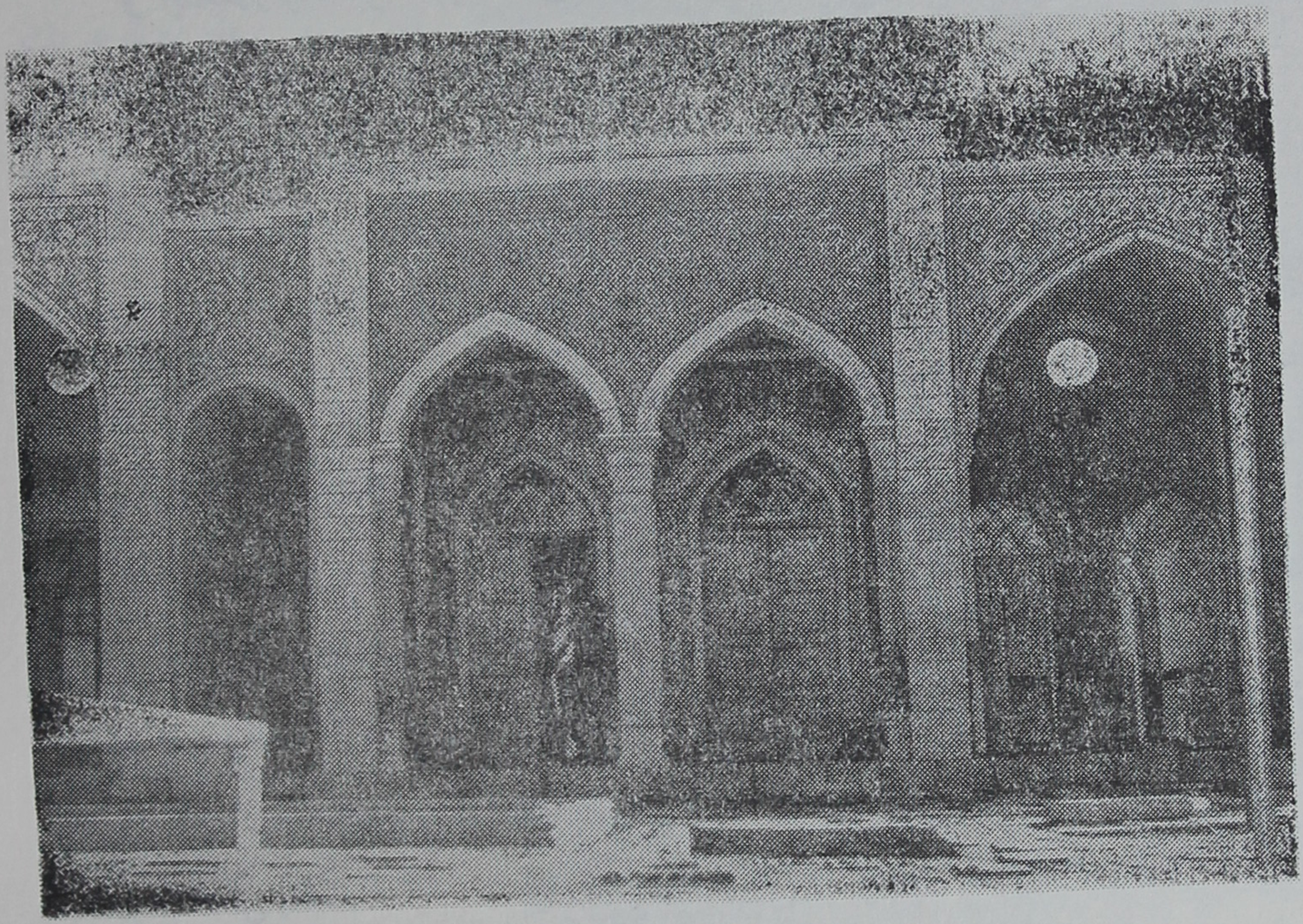
صحن

و در دو جهـت شمالی و شرقی گنبد مـزبور سه صحن زیبا اعم از بزرگ و کوچك و متوسط در نتیجه حجره سازی شکل گرفته است که عما قریب صحن چهارم هم در جهت شرقی حد جنوبی بر آنها افزوده می‌شود .

چه گنبد مزبور قبلا از چهار جانب محاط به گورستانی، وسیع و عمومی فاقد صحن و بیوتات تابعه بود ولی پس از بنیان ده ها مقبره مجلل و زیبای فامیلی و خانوادگی از ناحیه بعضی از اعیان تهران طی مدت کمتر از سی سال سه صحن کنونی بتدریج تشکل یافت .

و چون مقابر مزبوره جور به جورند و وسعت هریك نسبت بدیگری متفاوت و نقشه ساختمانی و نوع تزیینات آنها هم مختلفند که از طرف علاقمندان به داشتن مقابری در جوار علی بن جعفر یا درب بهشت به تدریج بنیان گردیده اندو از آغاز افزایش توجه عمومی هم ایجاد چند صحن بوضع کنونی قابل پیش بینی نبود. علاوه نقشه جامع و عضو مسئولی هم نداشت نتیجتاً در پایان کار بصورت چند صحن مختلف۔ الشکل بی قواره دارای مقابری مجلل در آمد .

اما صحن شمالی در برابر بقعه با مقصوره منتسب به عطاء الملك محوطه‌ای بود که فقط در ضلع شمالیش چند حجره خشت و گلی ساخته شده بود و مرحوم عباس کریمخانی همزمان تعمیر و تزیین مشهد و نقاشی بقعه و ایوان قسمتی از زمین باغچه شرقی آن محوطه را خریداری نموده به ساختن نخستین مقبره آجری و دوروی با جدار گچبری و تالاری با ستون مضلع سنگی و بدنه کاشیکاری بپرداخت که اینك مدفن وی شده است.



تصویری از مقبره عباس کریمخانی در شرقی صحن شمالی

و چون نامبرده نقاشبانی در بار بود که پیوسته در منازل رجال و اعیان با آنان و معماران نیز سر و کار داشت پس هر گاه اهل دلی می‌یافت توجه او را برای احداث مقبره خانوادگی بدین نقطه جلب میکرد چنانکه طی کوتاه مدتی حجره های متعددی در این محوطه و باغچه مجاور آن بنیان گشت.

در نتیجه نه تنها ضلع شرقی این صحن از مقابر اشغال گردید بلکه باغچه شرقی نیز

بصورت دو صحن در آمد ولی در ضلع غربی صحن نخست مقبره‌ای ساخته نشد زیرا پی برداری آن مستلزم نبش بود و بدینجهت در ضلع شمالی آنهم که از ناحیه خدام مشهد چند مقبره ساده ساخته شد پی برداری آنها شبانه و در زیر پرده تاریک ظلمت انجام یافت که بامدادان پایه‌ها تا سطح زمین شفته ریزی شده مشاهده می‌شدند.

این صحن به وسعت ۳۴ در ۳۴ متر دارای نه باب مقبره دو روی خانوادگی با ایوان و تالارهای زیبائی در جانب شرقی است و صحن شمال شرقی بعرض ۱۷ وطول ۳۵ متر و صحن شرقی بطول ۳۵ و عرض ۱۶ متر دارای حجرات زیبا و از آنمیانه مقبره نکوئی (که بیمارستان نکوئی تحت نظر آیت‌الله بروجردی از ثلث ماترك وی بنیان گردید و اکنون زیر نظر و به هزینه سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی به احسن وجه اداره میگردد) میباشد که این مقبره هم مجلل و زیبا ساخته شده است.



تصویری از مقبره نکوئی در صحن شرقی شمالی

و چهارمین صحن آن که در جنوب شرقی جدیداً شکل گرفته است بواسطه

وجود دومقبره نسبتاً قدیمی که‌قبل‌از تشکل صحن مزبور بطور مورب ساخته شده بودند قهراً مقابر و حجرات غربی آن ناموزون گردیده نسبت به بنای صحن انحراف پیدا کرده‌اند .

بالجمله مشهد منتسب به علی بن‌جعفر عریضی ازمشاهد مجلله این شهرستان است که پس از آستانه فاطمیه برسایر مشاهد برتری دارد و این امتیاز بعلل چندی است ازجمله نام درب بهشت و نیز پندار عامه بردفن دو امامزاده جلیل القدر چون علی‌بن جعفر عریضی ومحمد عابدابن امام کاظم دراین مشهد وبهمین جهت ازنظر معنوی هم این بقعه از حداکثر اقبال عمومی و توجهات همگانی بر خوردار شده‌است .

پایان فصل‌نخست

فصل دوم

در توصیف از گنبد شاهزاده ابراهیم

درشرقی شهر بامقدمه‌ای درامورمربوطه

مقدمه

تحقیقی پیرامون نام ونسب مدفون در آن گنبد

مستور نماند که گنبد مورد نظر مدفن شاهزاده ابراهیم موسوی و در جانب شرقی شهروتقریباً در یکصدو پنجاه متری صحن وسرای منتسب به علی بن جعفر قرار دارد واز آثار باستانی اصیل آراسته به گچبریهای جالب ودست نخورده و به سبک قرن هشتم برهنه از رواق وبیوتات تابعه و از ابنیه تاریخی این شهر است که باید درشمار بناهای کهن ثبت واز آن حفاظت گردد.

تاریخ بنای این بقعه سال ۸۰۵ قمری است ولی دربعضی از مقالات ونشریات به استناد تاریخ ۷۲۱ معکوسی که در کتیبه کاشی سردرب ورودی بقعه موجودو مشهوداست بنای گنبد را به نیمه اول قرن هشتم نسبت داده‌اند.

در صورتیکه در همان کاشیکاری تاریخ‌هائی بصورت ۱۲۷ تکراری نیزدیده می‌شوندزیرا مجموعاً سه تاریخ دراین کتیبه ثبت شده است یکی بصورت ۷۲۱ ودو تا بصورت ۱۲۷ که البته برای رفع اختلاف باید آنها را بایکدیگر انطباق داد.

و پیش از طرح مقدمه مورد نظر توضیح میدهد که تواریخ ۱۲۷ اقرب بحقیقت است اما طبق متداول آن زمان صفری را از طرف دست راست آن انداخته اند یعنی تاریخ واقعی این کاشیکاری ۱۲۷۰ است زیرا کاشی ساز آن طاهر قصاع است که دو اثر دیگر از او در مشاهد منوره علی بن جعفر قم و شاهزاده اسمعیل بیدقان قبلا توصیف گشت و تاریخ آنها ۱۲۶۸ و ۱۲۶۹ است و در سه مکان بیت ذیل سروده خود او و بنام خودش در پایان کتیبه‌ها خوانده میشود که (طاهر بود ضعیف تر از مور روزگار* دستش بروز حشر بدامان هشت و چار) و کاشیهای آن در هر سه مورد از نظر نقشه و رنگ و شفافیت یکنواخت می باشند .

و بنابراین بدون تردید تاریخ ۱۲۷۰ در این مورد صحیح است و موضوع اسقاط صفر مانند افزایش چند صفر در طرف راست عدد هزار در آنعصر یك رویه عادی بوده است چنانکه معکوس نویسی تاریخ هم در چند کتیبه مربوط بمشاهد متبرکه دیده شده است که ضمن توصیف از حرم فاطمیه در این باره بحد کافی بحث شده است و نیازی بتکرار مطالب ندارد .

پس بایستی تاریخ ۷۲۱ را معکوس تاریخ واقعی دانست و تاریخ ۱۲۷ را هم با افزایش یك صفر که اسقاط شده است ۱۲۷۰ خواند تا میانه این دو تاریخ جمع شود و اختلاف از بین برود .

و بالجمله نویسنده ایکه تاریخ ۷۲۱ را مقرون به صحت تلقی کرده است بدان جهت بوده است قطعاً دو بقعه علی بن جعفر و شاهزاده اسمعیل را دیدار ننموده بوده است که این نظریه ناشی از عجله در قضاوت و مولود از عدم تتبع می باشد که در نشریه حفاظت آثار ملی هم از آن تبعیت شده است.

نام ونسب

و از نظر تاریخی مسلم مینماید که مدفون در این گنبد ابو القاسم ابراهیم بن احمد بن امام موسی الکاظم یعنی فرزند امامزاده احمدی است که مزارش بنام شاهچراغ چه بسا در شیراز واقع است چه که در تاریخ

قدیم قم از هجرتش بسوی قم خبرداده است ودر کتیبه کمربندی بقعه هم که درسال ۸۰۵ گچبری شده است بنام ونسب وی تصریح گردیده است .

ولی مؤلف کتاب انوار المشعشعین که نسخه مخطوط آن در کتابخانه آیت الله مرعشی است بدون هیچگونه مستندی برخلاف نصوص گذشته اظهار نظر نموده مینویسد آنچه که در کتیبه بقعه راجع به نسب وی قیدشده از اغلاط مشهوره ومشمول (رب مشهور لااصل له) می باشدو مدفون دراین بقعه ابراهیم بن احمدبن محمدبن حسین بن حسن بن علی الاصغر ابن امام زین العابدین می باشد که در تاریخ قم مدفنش را نزدیك مشهد علی بن حسن العلوی العریضی بنزدیکی نهر سعد تعیین کرده است.

اماچنانکه واضح است دفن ابراهیم سجادی قرب بقعه علی بن حسن العریضی دلیل بر دفن او در این بقعه نمیشود زیرا قرب بقعه مزبور گنبد دیگری است که در فاصله پنج متری صحن علی بن حسن عریضی است وبعداً توصیف میشود و معلوم نیست چگونه آن بقعه از نظر مؤلف کتاب مزبور دور و مهجور افتاده است .

بالجمله این نظریه مصداق واقعی اجتهاد مخالف نص و بر خلاف منطوق کتیبه باستانی بقعه مورد نظر است وابراهیم سجادی با ابوالعباس احمد پدر خود دربقعه مجاورصحن علی بن حسن مشهور به علی بن جعفر مدفون است چنانکه بیاید.

واما دفن احمدبن امام موسی الکاظم درشیراز ازمسائل شایان دقت و بحث است زیرا بعضی ازعلمای انساب بردفن وی درسحب درنزدیکی اسفراین تصریح کرده چنین آورده اند که نامبرده باسه هزار غلام وگروهی ازسادات علویه به جانب ایران هجرت نموده در نزدیکی قم که رسید ارزق بن ابرح شامی عامل قم باوی ازدرقتال درآمد وجمعی از اصحاب وغلامان وی بقتل رسیدند و احمد بسوی ری فرار کرده ودرآنجا جمعی از غلامان او بدو پیوستند وچون نزدیك اسفراین رسید بیمار گردیده درگذشت و جسد اورا درسحب بین دو کوه دفن کردند .

وبنظر مؤلف مقاتله یاد شده درساروق رخ داده است که در آن عصر ازتوابع

قم بوده است چه در آنجا دو مقبره باستانی است یکی بنام چهل تن از غلامان کشته شده وی ودیگری بنام هفت تن از سادات علوی که مزار عمومی میباشند و حادثه مقاتله همین ارزق با شاهزاده ابراهیم بن امام باقر هم در قم در جای خود نگاشته شد .

واما اگر پدر احمد همان شاه چراغ مدفون در شیراز باشد باید گفت که متوفای دراسفراین یکی از یاران او بوده است که برای نجات وی او را احمد جلوه داده اند ودرنتیجه او احمد با یاران خود بجانب شیراز سفر کرده همچنان بوده است تا رحلت یافته است که مقام را گنجایش اطاله این بحث نیست و برعهده دیگران است که از روی این مجهولات پرده برداری کنند .

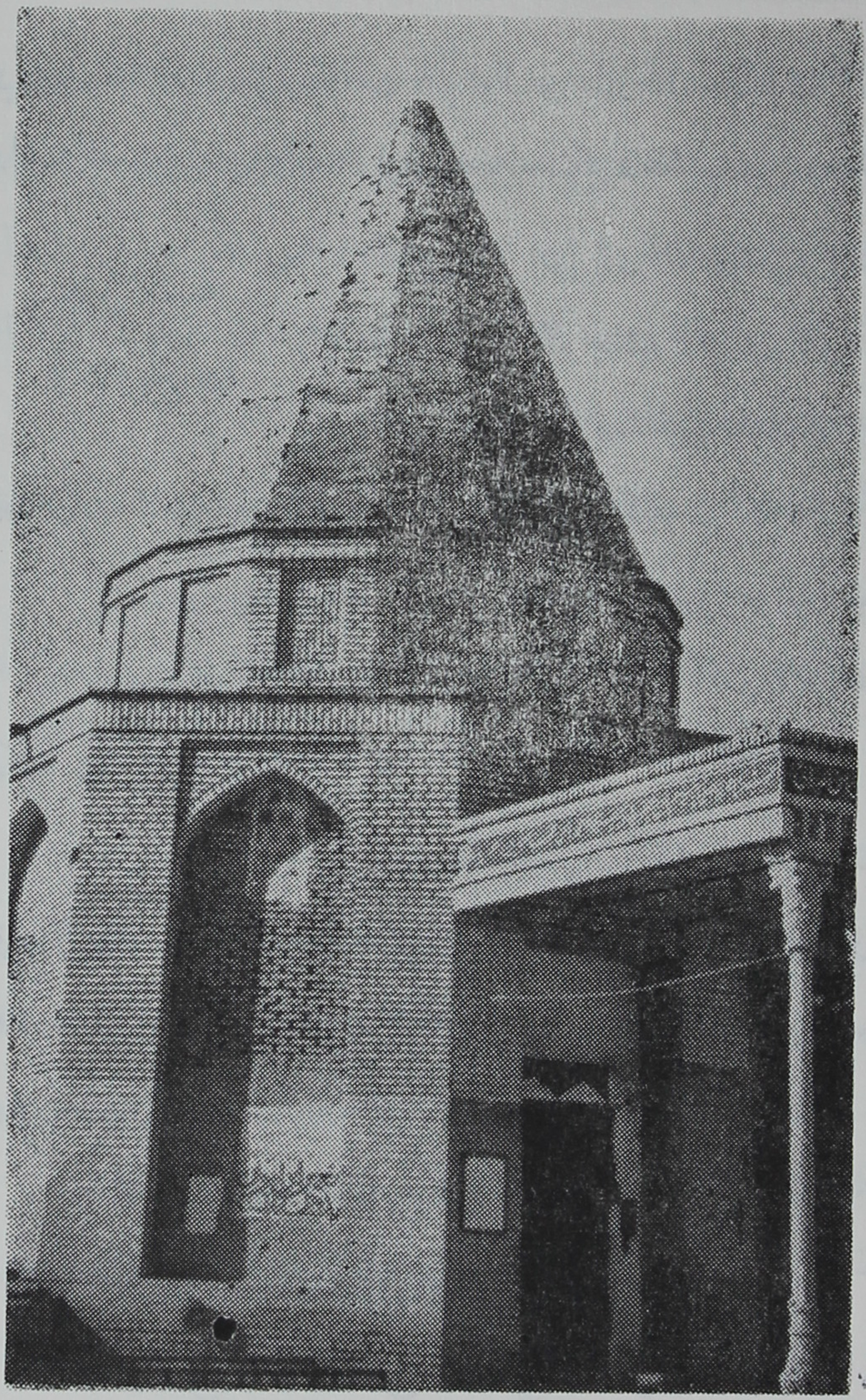
قبه و بارگاه

اما ساختما این قبه و بارگاه درسال ۸۰۵ بپایان رسیده است بنابر این چنین متناسب مینمود که به توصیف آن در بخش بعدی که ویژه توصیف آثار قرن نهم است بپردازد اما بپاس احترام نظریه اولیای سازمان ملی حفاظت آثار باستانی و عنایت براینکه اساس بناهم به هرحال در آخر قرن هشتم طراحی شده است ضمن ذکر آثار قرن هشتم به توصیف آن بپرداخت.

این بنا از آثار اصیل ودست نخورده باستانی است که تزیینات ممتاز گچ بری خودرا بدون نیاز به تعمیر و تجدید از شش قرن گذشته تاحال حفظ کرده است .

بقعه مزبور تهی ازمرافق وبیوتات بودتا دراین چند ساله اخیر تالاری درجلو مدخل بقعه بادو باب حجره افزوده گشت .

ایوانچه مدخل بقعه درمدخل بقعه ازجانب شمالی ایوانچه بلکه درگاهی است دروسط نمای شمالی که آراسته به کاشیکاری با کتیبه و تواریخ سه گانه است این نمابه دهانه ۲متر وعرض ۱۰ ٪۱ مترو ارتفاع تقریبی ۵/۵۰ متر میباشد که پس از بنیان تالار ارتفاع آن به ۳/۵۰ متر تقلیل یافته است .



نمای خارجی گنبد شاهزاده ابراهیم

جدار آن آجری بودتا درسال ۱۲۷۰ باکاشیهای خوش عیار شفافی آرایش یافت.

این کاشیکاری همان است که قبلا نامبردار گردید و نگاشته شد که دارای سه تاریخ است که دو تاریخ آنهادرابتداءوانتهای کتیبه ها به صورت ۷۲۱ نوشته‌شده اندو فقط یکی از آنهابصورت ۱۲۷ است.

و هم توضیح داده شدکه تاریخ ساخت آنها که تقریباً همزمان باکاشیهای ایوان‌علی بن جعفرورواق شاه‌اسمعیل ازناحیه‌یك استادبنام محمدطاهر قصاع و در سال ۱۲۷۰ است و بنابـراین جای تردید بـاقی نمیماند که دو تاریخ ۷۲۱ معکوس همین تاریخ واقعی است منتها با اسقاط صفری آنرا بصورت ۱۲۷ نوشته اند.

وهمین تاریخ(۷۲۱) است که بعضی‌از نویسندگان رابه اشتباه ولغزش‌دوچار ساخته است‌تاجائیکه در مقالات خود این‌کاشیکاری‌رااز نیمه‌اول قرن‌هشتم‌ذکر کرده‌اند

و چه بسا که همین مقالات هم اولیای سازمان حفاظت آثار باستانی ایران را بر آن داشته است که بنای بقعه را به نیمه نخست قرن هشتم نسبت دهند.

متن کتیبه و تاریخ ها

کاشی های این درگاه خشتی و متنوع اعم از مثلث و مربع بزرگ و کوچك و دارای کتیبه هائی متنوع به خط سفید ثلثی مرغوب و نستعلیق عادی و نامرغوب از افقی و عمودی در زمینه لاجوردی و فیروزه ایست بدین کیفیت که:

۱ ـ در جبهه درگاه ورودی بخط ثلثی چنین خوانده میشود.

«بسم الله الرحمن الرحیم یاایها الذین آمنوا لاتدخلوا بیوت النبی الاان یؤذن لکم سنه ۷۲۱».

۲ ـ ودر زیر آن چهار قطعه کاشی بزرگ و بشکل مثلث بطوریکه قاعده آنها از بالا یك خط مستقیم تشکیل داده است و رأس مثلث یا زوایای آنها طرف پائین افتاده است نصب شده است که روی آنها عبارات ذیل (هر قسمت دریك پارچه) با همین صورت و عبارت که نقل می‌شود نوشته شده‌اند.

(لا اله الاالله الملك الحق المبین)

(اشهد انه محمد رسول الله علیاً ولی الله)

(از بانی و بناو کاشی ساز قمی ـ جز ذات خداوند سراسر فانی)

(درروز شنبه غره ذیحجة الحرام ۱۲۷ الحمدلله کماهو اهله)

۳ ـ علاوه درسه جانب درگاه بخط ثلثی مرغوبی سوره مبارکه جمعه (یسبح ـ لله) و در پایان سوره بخط نستعلیق عبارات ذیل به‌خط ریزی نوشته شده است:

«عمل طاهر. طاهر ضعیف‌تر بود از مور روزگار* دستش بروز حشر بدامان هشت وچار، سنه ۷۲۱».

این بود کتیبه های سه‌گانه با تواریخ دوگانه که بقرینه نام طاهر و بیت یادشده که نیز در ایوان علی بن جعفر بضمیمه نام ناصرالدین شاه و در رواق بقعه شاه اسمعیل

با تاریخهای ۱۲۶۸ و۱۲۶۹ بطور یکنواخت بارنگ ولعاب وعیار مشابه در هرسه مورد دیده میشود .معلوم می‌شود که‌تاریخ صحیح این کاشیکاری همان سال ۱۲۷۰ است مضافاً بر اینکه چون تاریخ دونوع قید شده است راهی جز جمع میانه آنها نیست‌وطریق جمع هم منحصر به‌همان است که‌نگارنده تشریح نمود ونقل‌وتکراراین مطالب برای گشودن‌باب‌تحقیق برروی‌اهل‌نظر است.

و نبایستی که‌یك چنین امر روشنی ازنظر کنجکاو اهل تتبع‌و تحقیق‌مکتوم مانده‌باشد(۱) .

قاعده گنبد

قاعده گنبد ازخارج‌هشت‌ضلعی نمابندی‌آجری‌وهر نمائی بدهانه۲متروبه قطرقرب‌ده مترودارای‌عنق‌شانزده‌ترکی نیز نمابندی است .

و از داخل بصورت چهارضلعی متساوی به دهانه ۵ و ارتفاع ۹ متر دارای چهار شاه‌نشین سراپاآراسته به‌گچبری‌از آثار هنری اصیل‌عصری‌است .

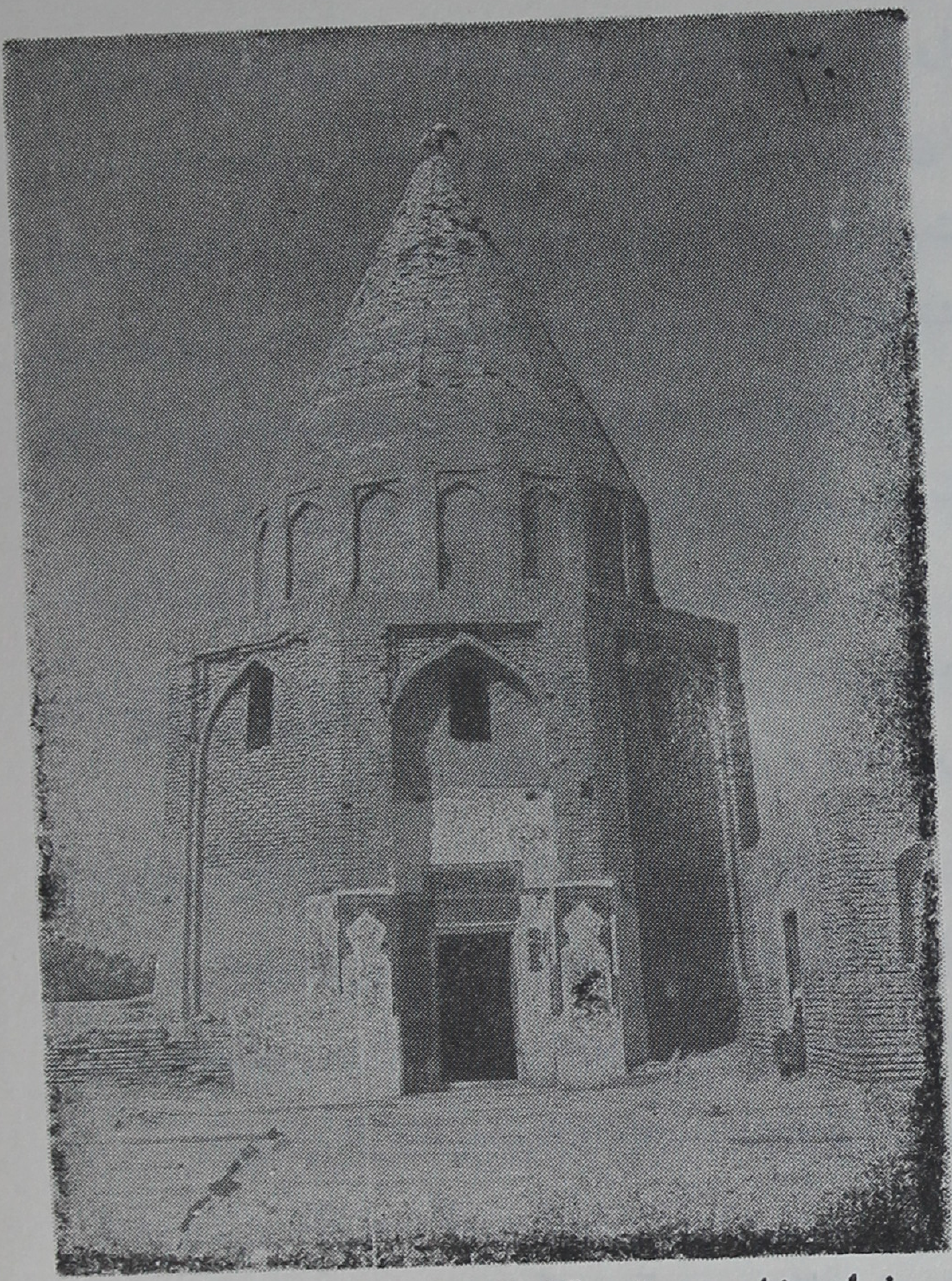
بانی این اثر تاریخی زن باهمت و فتوتی بنام عصمت الدین خدیجه است که‌هویتش برنگارنده‌مکتوم‌وافسانه‌هائی‌غیرمستنددراین‌باره‌شنیده‌شده‌است .

ازاره بقعه به‌ارتفاع یکمتر آراسته به‌کاشیهای خشتی‌فیروزه فام تعمیری‌است و بالای آن به ارتفاع ۹۰ /. سفید کاری ساده که نیز تعمیری است و بـر زبر آن کمربندی از مقرنس گچی است مزین به دو حاشیه زنجیری ودقیق‌آراسته بـه کنده‌کاری رقیق و روی‌آن در چهارزاویه بقعه نیم‌طاقی بالا آمده است که‌صورت ساختمان‌راازچهارضلعی به‌هشت‌ترکی‌تبدیل کرده‌است.

بدنه قوسی شکل این نیم طاقها مزین به‌گچبری توأم با مقرنس خوش قطار و درفواصل هردو نیم‌طاقی هم صفه‌ایست باپوشش مقرنس وجرزهای‌فاصل‌آراسته به تصویری برجسته در وسط از یك نیم ستون با ته ستون و سرستون و درطرفین

---

(۱) تصویری‌از سردرمز بوردرصفحه ۴۳۸ جلدنخست درج‌شده‌است.

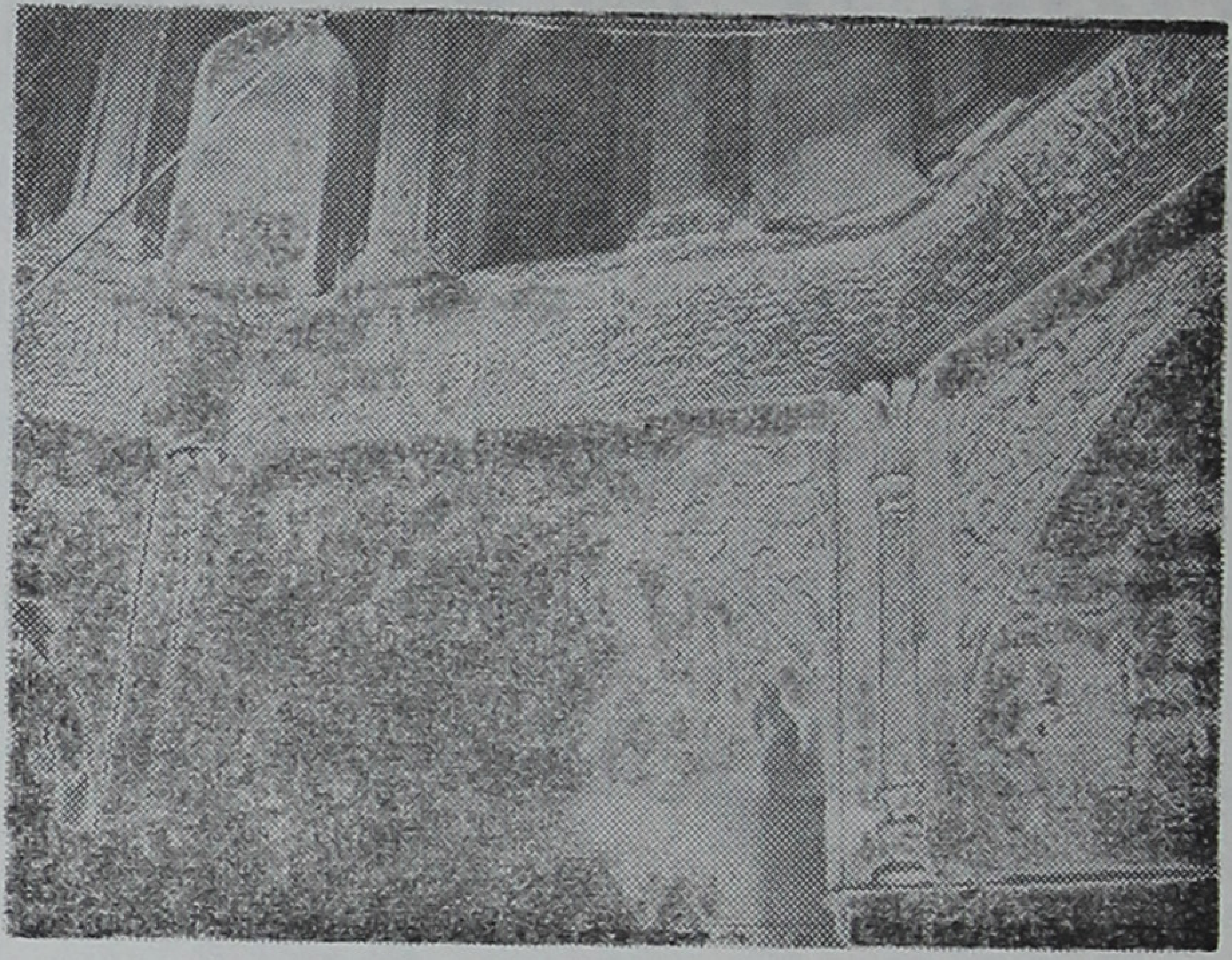


نمای خارجی بقعه قبل از بنیان تالار با کاشیکاری

آن و همچنین لچکیهای پشت بغل پوشش مزین به گچبریهای بدیع میباشد.

و بر فراز آن در منتها الیه قسمت هشت ترکی کتیبه ایست گچبری بعرض ۶۰٪ سانتیمتر با دوحاشیه زنجیری ده سانتیمتری متضمن کنده کاریهای دقیق فنی و زمینه آراسته به نقوش برجسته گل و بوته به خط ثلثی فرو رفته در زمینه یعنی میان‌تهی که روی آن عبارات ذیل گچبری شده‌است که برای نخستین بار درسینه این صحایف سپرده‌می شود.

قد امرت بعمارة هذه‌الروضة الرفیعة و المرقد المنیعة المشهد المنور المقدس المعطر للامام المعصوم الطاهر المطهر ابی القاسم ابراهیم بن احمد بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن الامام المفترض الطاعة اسدالله الغالب ابی الحسن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب صلوات‌الله وسلامه علیه و علیهم اجمعین بمنه الخاتون العظمی و البانوی الکبری بلقیس العهد والاوان خدیجة العصر رابعة الدهر عصمة الدنیا و الدین صفوة الاسلام و المسلمین زیدت عصمتها و خلدت عظمتها فی شهر شوال سنة خمس وثمانمائة نمقه العبدحسن بن علی الطوسی.



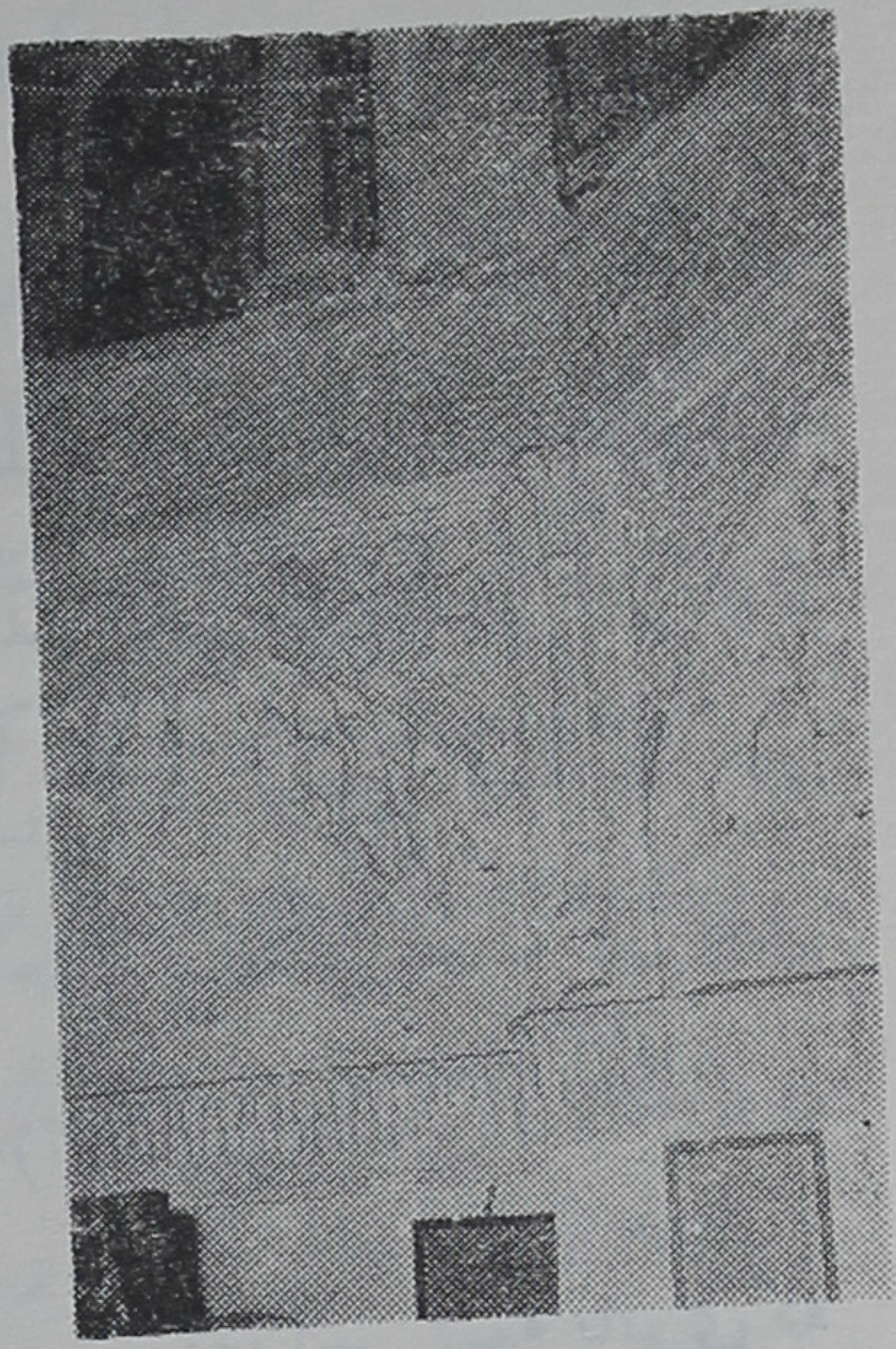
تصویری از نیم طاقها و صفه‌ها و نیم ستونها و کتیبه

و ناگفته نماند که قرائت قسمت آخر این کتیبه دشوار و مستلزم صرف وقت بسیار بود و نگارنده بهر کیفیت بر خواندن و نقل آن توفیق یافت در عین حال ممکن است در نقل جمله (البانوی العظمی و الخاتون الکبری) اشتباهی رخ داده باشد زیرا افزایش الف ولام عربی در رأس کلمه بانوی که فارسی است یا خاتون که مغولی است دوراز موازین ادبی عربی است چه که این کتیبه دور از چشم و بخوبی قابل تشخیص نیست که میتوان این دو جمله را بدینگونه (تولتای العظمی و اولجایتوی الکبری) هم قرائت نمود .

بهرصورت برفراز کتیبه مزبوره صورت ساختمان از هشت ضلعی به شانزده ترکی مبدل و دراین قسمت تعداد شانزده طاقچه ساخته شده است که یك در میان نورگیر و مزین به پنجره‌ای گچبری با جدار کنده کاری است و هشت طاقچه هم آراسته به اسپر گچبری است و در اطراف هر یك حاشیه ایست زنجیری متضمن با کنده کاریهای هنری توأم با نازك کاری‌های فنی .

وروی آنها هیئت ساختمان فلکه‌ای شده با طاق پوشش عرقچینی آن بالا آمده است که قسمت قوسی آن نیز آراسته به کنده کاری توأم با رنگ آمیزی است .

ودر میانه بقعه ضریحی است چوبی ومشبك ودرون آن مرقدی است با جدار آراسته به کاشیهای خشتی فیروزه فام که تعمیری وساده است.

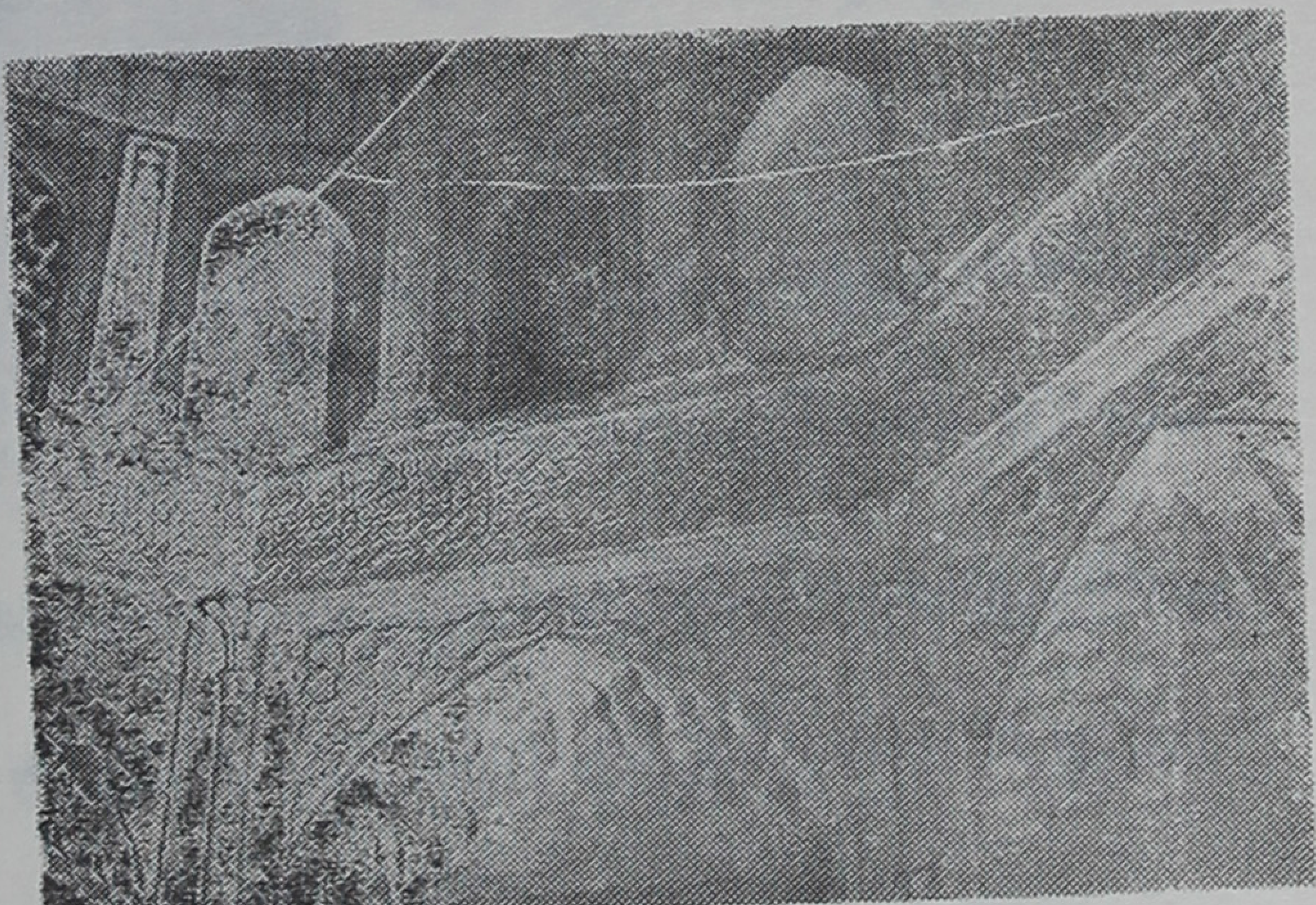


تصویر دیگری از تزیینات داخلی بقعه

گنبد

وبر فراز بقعه گنبدی است هرمی شانزده ترکی به ارتفاع شش متر مزین به کاشیهای فیروزه فـام دوالی تعمیری و تجدیدی است که درقسمت بالای هرضلع نام جلاله وزیر آن اسم محمدو پائین تر از آن نام علی با کاشی الوان چیده شده است .

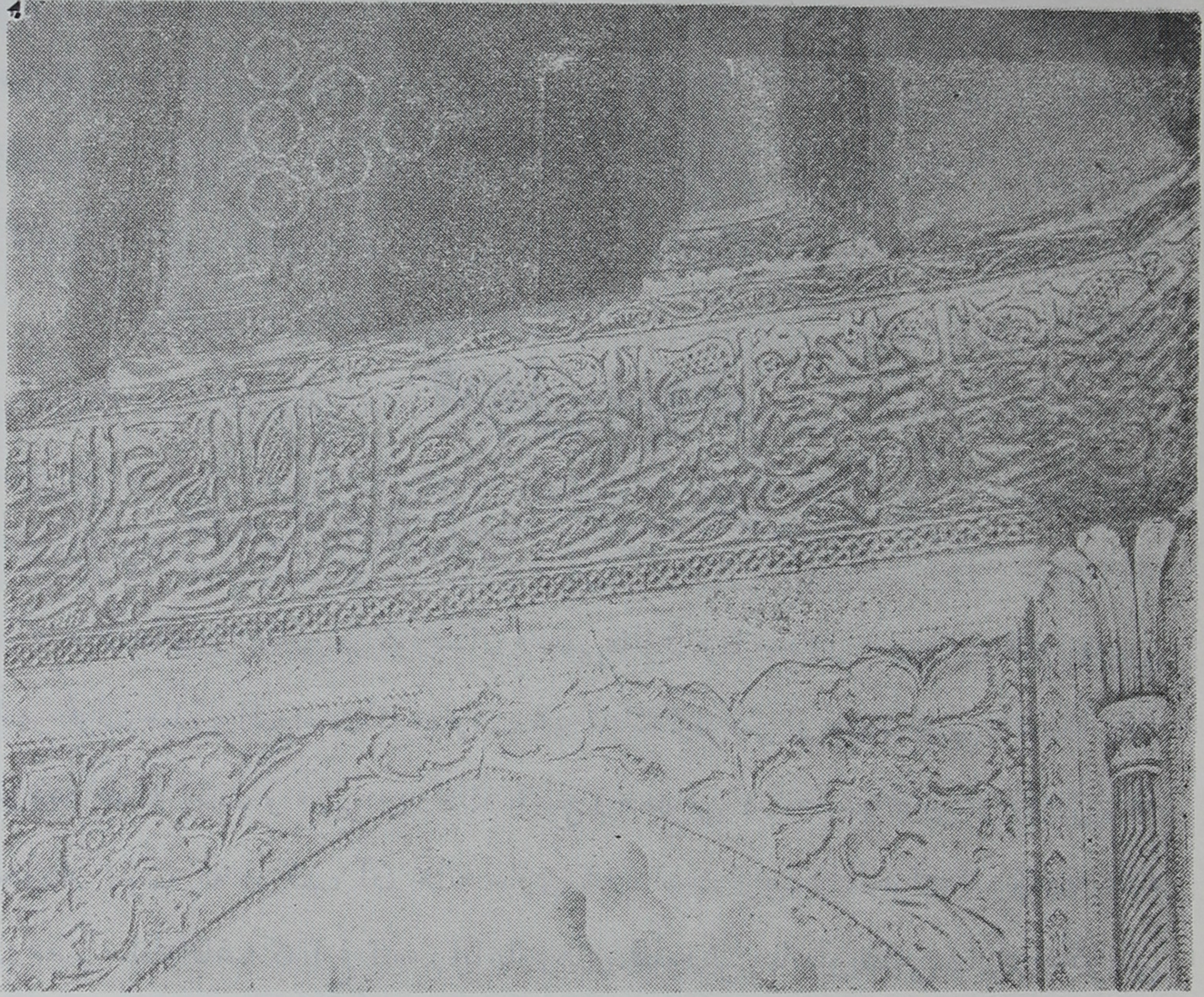
وپائین ضلع شمالی عبارت (یاشاهزاده ابراهیم) با کاشیهای الوان خوانده می‌شود واین گنبد دارای عنقی نمابندی به ارتفاع دومتر از آجرو کاشی تعمیری است.



تصویری از کتیبه‌داخلی و نماها

وجلو بقعه تالاری است با پوشش تخت بر فراز ستونهائی از سنگ استوانه‌ای و در جبهه‌شمالی و شرقی قطر پوشش کتیبه‌ایست از کاشی بخط نستعلیق سفید بدین عبارات بسم‌الله الرحمن الرحیم ولایة علی بن ابیطالب حصنی الی آخر .

حضرت شاهزاده ابراهیم بن‌شاهزاده احمدبن حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام



قسمتی از کتیبه کمربندی که روی آن تاریخ خمس وثمنمائه خوانده میشود

ودر جانب شمالی گنبد صحنی است به وسعت ۲۰ در ۲۰ متر که کف آن یکمترونیم از سطح جاده مرتفع است ودر جانب غربی آن چند بقعه نوساز است و اضلاع شمالی وشرقی و جنوبی آن بدون جدار مانده است .

فصل سوم

در توصیف گنبد شاهزاده احمد بن قاسم

گنبد مورد سخن در گورستان قدیمی مالون و در مجاورت دروازه قلعه جنوبی شهر قرب خندق واقع است که عمارات شهر تا یك کیلومتر از جهت غربی آن بالا رفته توسعه جسته است و مسیر رودخانه با پیچ وخمهائی در جانب غربی وجنوبی بقعه نمودار است که در کف آن خانه سازی شده است و همین مجرای عمیق رودخانه در عصر سلطه افاغنه که باغ قلعه را با باروهای قطورش ساخلو نظامی و ارك حکومتی قرار داده بودند خندق این سرباز خانه شده بود .

این گنبد گنجینه آثار هنری و از بناهای اصیل باستانی است که تزیینات گچبری خود را تا حال حفظ کرده است و تاریخ بنای آن سال ۷۸۰ (ثمانین و سبعمائه) میباشد.

این همان تاریخی است که مورد بحث و بررسی نویسندگان واقع شده تنی چند از نویسندگان با استناد بظاهر کلمات وصورت ستمائه پس از ثمانین این گنبد را از آثار قرن هفتم دانسته اند ولی اهل تحقیق وتتبع راهی جز این ندارند که این عبارت را (ثمانین وسبعمائه) بخوانند ومعتقد شوند که تاج عین هنگام تعمیر ازفراز جمله سبعمائه تراشیده شده وبهر کیفیت افتاده است .

زیرا اولا ابوشجاع علی بناء استاد هنرمندیکه گچبری این بقعه را عهده دار بوده است چندین اثر تاریخی دیگری هم در مشاهد و مقابر قدیمی از خود بیادگار دارد

که همگی از ربع قرن آخر از سده هشتم است چون مشهد خدیجه خاتون در پنج فرسنگی جنوب غربی قرب راه اصفهان که در سال ۷۷۰ گچبری شده است و مشهد سیدسربخش که درسال ۷۷۴ ونیز گنبد خواجه عمادالدین در باغ گنبدسبز که بسال ۷۹۲ گچبری گردیده‌اند وبهیچوجه کار او باسال ۶۸۰ یعنی یکصد قبل وفق نمیدهد وچاره‌ای نیست جز آنکه تاریخ مزبوررا ۷۸۰ بدانیم وآنرا سبعمائه بخوانیم.

وثانیاً بدین مناسبت که درمشهد خدیجه خاتون مؤرخ سال ۷۷۰ از علی صفی طوری توصیف کرده‌است که برحیاتش دلیل است به‌ویژه که در دنباله نامش (ایدهما الله تعالی ونصرهما علی اعدائهما) آمده است وتأیید الهی ونصر بردشمنان باممات وی سازگار نیست در صورتیکه دراین بقعه در دنبال نام علی‌صفی جمله (الماضی) که دال بر ممات وی در آن تاریخ بوده است قید شده است ومرگ وی درسال ۷۸۰ قابل قبول‌است ولی در سال ۶۸۰ یعنی نود سال قبل از آنکه مشهد خدیجه خاتون را شخصاً بنا کرده باشد قابل‌درك وقبول‌نیست.

بنابر مقدمات، صحت تاریخ (ثمانین وسبعمائه) قابل تشکیك نمیباشد.

وناگفته‌نماند که بنای مشهدمزبور شمالی جنوبی واز خط قبله منحرف است زیرا در آنعصر تشخیص خط قبله‌دشوار بود وقبله‌واقعی درعصر شاه‌تهماسب بادقت محقق‌ثانی بدست آمد در نتیجه هرمرقدی که پس از عصر صفویه ساخته شده است مسامت‌قبله است که‌حدود سی‌وچهار درجه از بنای بقعه منحرف‌میباشد.

وکف این‌بقعه‌بواسطه بالا رفتن سطح گورستان مجاور حدود دومتر در گودی افتاده‌بود که مقداری آنرا بالا آوردند وچون درگاه های سابق کوتاه و تنگ بودند ناچار شدند که قسمت بالای هر دو درگاه را خراب کنند بالنتیجه کتیبه کمربندی سوره یسن درشاه‌نشین‌های‌جنوبی وغربی بکلی‌ازبین رفته‌اند که‌مایه‌تأسف شده‌است وبا این حال باز هم حدود یکمتر سطح بقعه منخفض است اما کف صحن تقریباً به‌حال‌سابق خودباقی‌مانده‌است چه که‌فقط نیم متر بالا آمده‌است.



نمای عمومی قبه و بارگاه با عنق ۱۶ ترکی و درب شرقی بقعه

نام و نسب مدفونین

حال توضیح میدهد که در این گنبد دو امامزاده از برادر و خواهر به اسامی ابوالحسین احمد بن قاسم بن احمد بن علی بن جعفر العریضی و فاطمه خاتون مدفونند که این فاطمه زوجه عبدالله بن عزیز بن حسین بن علی بن محمد دیباج ابن امام صادق یعنی مادر محمد عزیزی است که بنام سید سربخش بعداً از حادثه قتل و محل دفن وی در توصیف گنبد اسمعل خبر خواهد داد.

اما شاهزاده احمد بن قاسم سیدی با تقوی و پرهیز کار بود که در اواخر عمر مقعدو نابینا گردید، زمین گیر گشت و بمعیت خواهر خود فاطمه از مدینه طیبه بجانب قم هجرت کرد و در این شهر بعبادت و ریاضت میگذرانید، تا وفات یافت.

پس جسد ویرا در گورستان مالون بخاک سپرده بر فراز تربتش طبق معمول وقت سایبانی از بوریا بپا داشتند که این ضایعه در ثلث اول قرن سوم هجری رخ داده است.

و در سال ۲۵۸ که معتمد عباسی برای انتزاع بلاد زنجان و ابهر و سلطانیه و قزوین از تصرف علویه (حسین کوکبی) که حکومتی مستقل در آن منطقه تشکیل داده بودند امیر موسی بن بوغارا بالشگری مجهز مأمور ساخت و به عبدالله بن طاهر حکمران خراسان هم نامه ای نوشت تا اورا مددبفرستدوابن بوغا هم خاقان بن مفلح ترك را برمقدمة الجیش خویش امیر گردانیده بدو مأموریت بخشید که در سر راه خود آتش شورش قم را فرونشاند و مالیات معوقه را بحیطه وصول در آورد و متمردین را سرکوبی کند و درری به اردوی بغداد ملحق گردد .

و ابن مفلح پس از تلاش چند روزه بحصار قم رخنه کرد و تنی چند از سران اهالی رابقتل رسانید و مالیات چندساله قم را وصول نمود و از جمله به تخریب ابن سایبان که محل اجتماع مردم شده بود فرمان داد و سپس این شهر را با حرکت به جانب ری ترك گفت.

و پس ازرفتن خاقان مردم قم که بشدت تحت تأثیر احساسات قرار گرفته بودند برفراز تربت این سید متعبد و متهجد قبه‌ای بنا نهادند و این مقبره بمرور زمان روی بخرابی رفته بارها تعمیر شده بود که در سال ۷۸۰ از ناحیه علی بن عزالدین اسحق بن علی الصفی شهریار عراق از اساس تجدید و گنبد کنونی ساخته شد گنبدیکه پس از شش قرن همچنان برسرپا مانده است .

در این گنبد ابو شجاع علی بن محمد بن شجاع گچ بری کرده است و از این استاد هنرمند چندین اثر گچبری در مشاهد متبرکه شهر قم و حومه آن هنوز باقی است که چارچی تخصص و مهارت فنی و ذوق هنری و ایمان راسخ وی به دودمان علوی میباشند .

از جمله این آثار یکی گچبریهای بقعه خواجه اصیل الدین در باغ گنبد سبز قم است که در سال ۷۶۱ انجام یافته است و دیگری قبه خدیجه خاتون اثر ۷۷۰ و گنبد سید سر بخش که درسال ۷۷۴ بپایان رسیده است و چهارمی همین گنبد که در سال ۷۸۰ گچبری شده است .

و دلیل نگارنده بر تراش یافتن تاج عین از جمله سبعمائه که امروز بعنوان تسعین و ستمائه هم خوانده شده بعضی از نویسندگان را به اشتباه انداخته این گچبری را از آثار

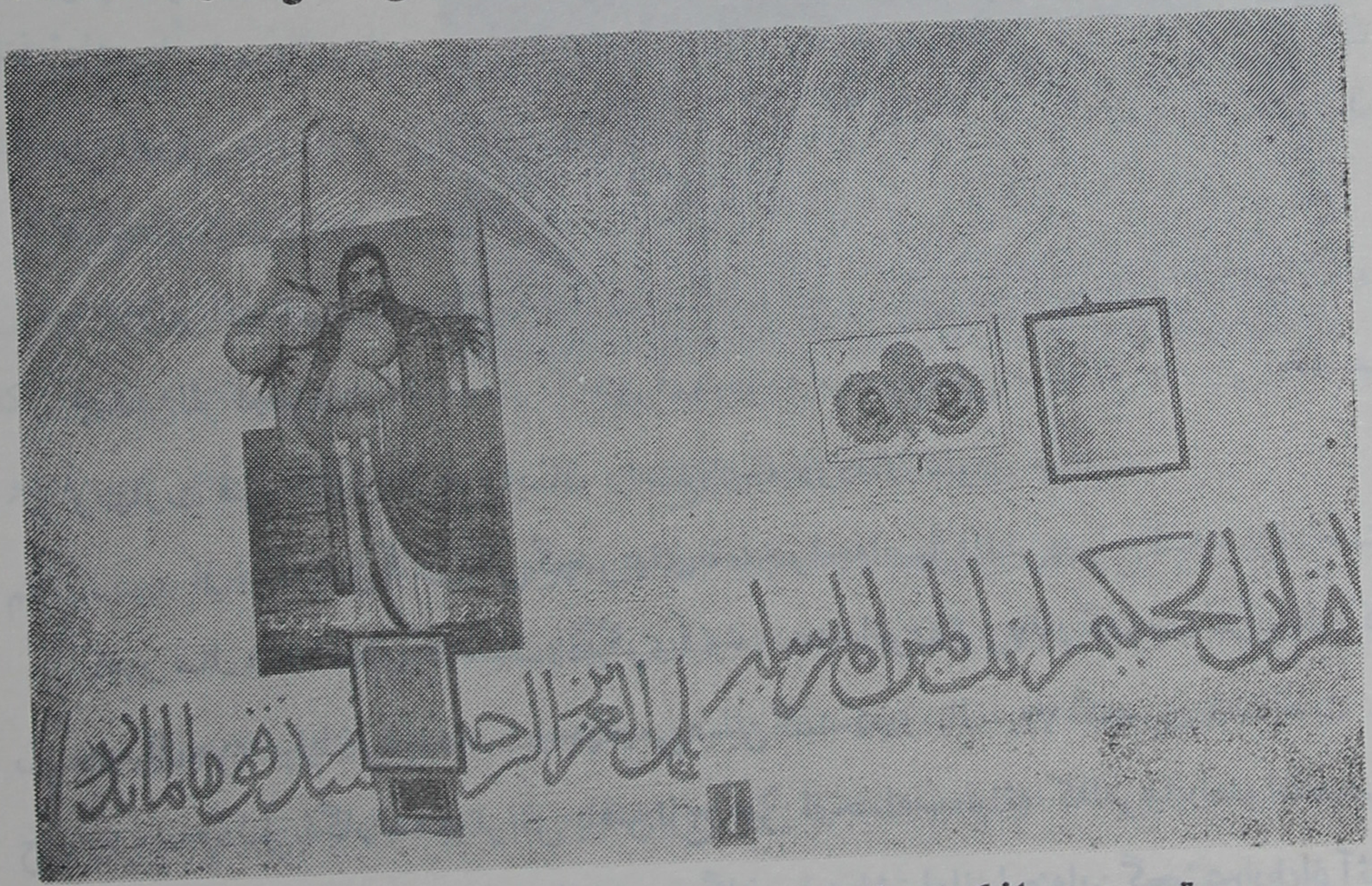
قرن هفتم خوانده‌اند همین نام استاد هنرمند است توأم بامقایسه چند تاریخ با یکدیگر است زیرا معقول نیست که وی ۱۲۰ سال بدین کارهنری اشتغال داشته باشد .

قبه و بارگاه

باری قاعده گنبد از خارج هشت ترکی و نمابندی آجری است که از گورستان پست و بلند در قسمت شرقی و جنوبی بقعه درمعرض سرایت رطوبت تحت الارضی قرار گرفته است که منجر به خرابی میشود .

واز داخل بصورت چهارضلعی متساوی به دهانه ۷ وارتفاع ۱۴ متر است که درهرضلعی شاه‌نشینی به دهانه ۲/۵۰ وعرض یك متر ازقطر پایه بیرون داده‌اند و از دوشاه‌نشین جنوبی وغربی آن دربی به خارج گشوده میشود .

ازاره بقعه به ارتفاع ۱٫۲۵ متر تعمیری سیمانکاری و بالای آن حدود دو متر سفیدکاری جدید است که روی تزیینات گچبری قدیمی راگل اندود ساخته‌اند .



تصویری از کتیبه کمربندی ونیم طاقهای فرازین آن

وبالای آن کتیبه ایست کمربندی به‌خط ثلثی برجسته‌از گچبری که‌سه شاه‌نشین به‌جز جنوبی رازینت بخشیده است وبواسطه بالابردن درگاه غربی که‌مدخل رسمی گنبد است متأسفانه‌حدودیکمترونیم آن‌ازبین رفته‌است‌وروی کلمات کتیبه رابرنگ زننده‌ای‌نقاشی کرده‌اند .

وروی این کتیبه راسوره‌مبارکه یسن تاآیه (احصیناه فی‌امام مبین صدق‌الله) گچبری نموده‌اند که‌روی جرز لب‌شاه نشین‌جنوبی بپایان‌میرسدوبغله‌های‌شاه‌نشین جنوبی‌ودوکناردرگاه‌ورودی‌باطرز خاصی‌گچبری گردیده است که‌دروسط آن کلمه توحیدودر دوجانب آن اسامی‌محمدوعلی‌به‌طرز بدیعی گچبری شده‌اند .

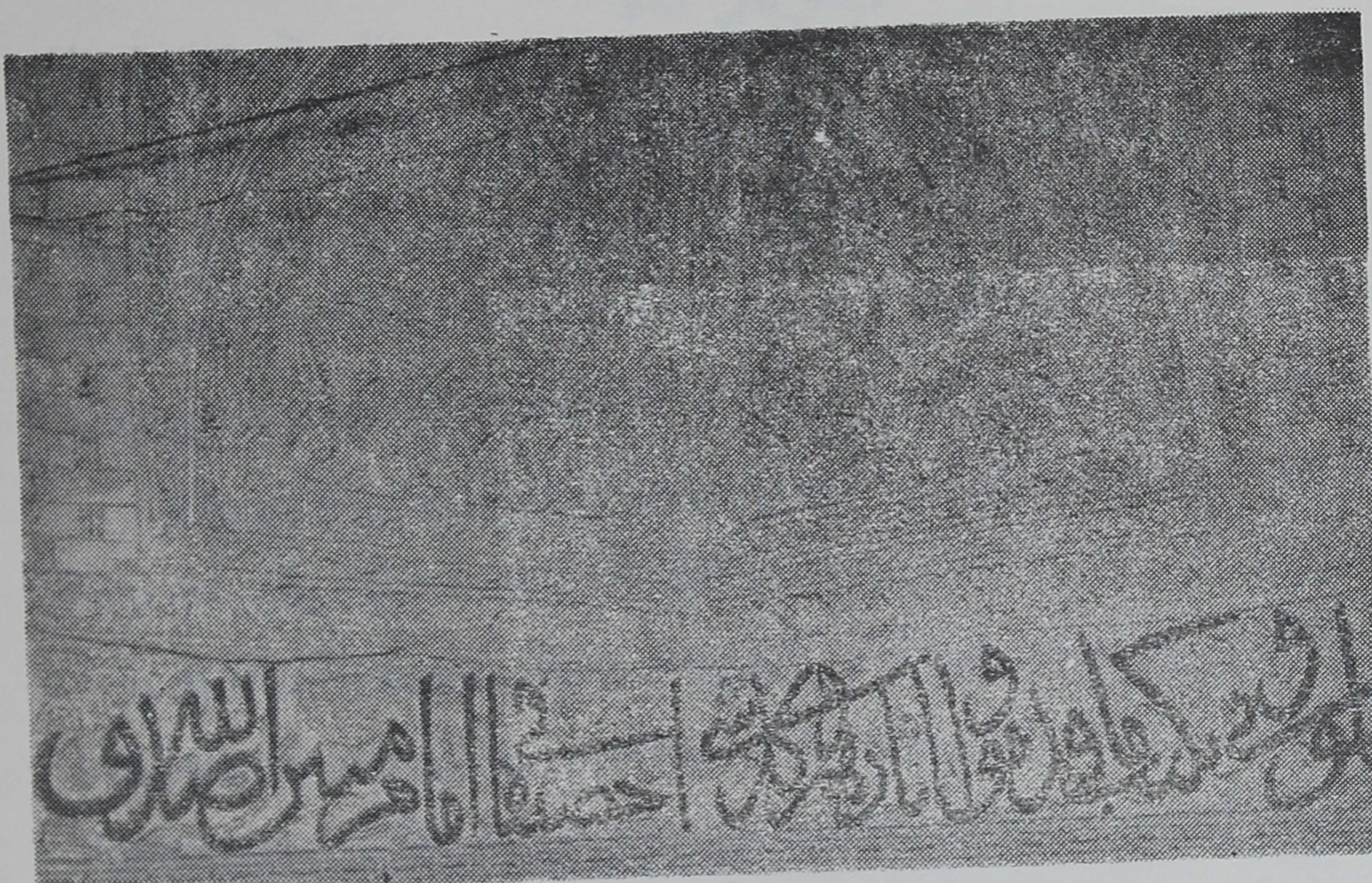
و در دوجانب‌این کتیبه حاشیه‌ایست رنجیری دارای نازك‌کاریهای‌فنی‌وروی آن به خط بنائی نام‌محمد بطور مکررگچبری شده‌است.

و بالای آن درچهار گوشه بقعه‌نیم‌طاقی بالاآورده صورت مربع رابه‌مثمن تبدیل ساخته اند وقوسی این نیم طاقها آراسته به گچبریهای ممتاز برجسته هر یك با نقشه خاص و هرکدام‌دارای‌دوحاشیه‌زیبا است که‌روی آنهااسامی‌محمدوعلی‌بخط بنائی کنده‌کاری شده است و درمحاذات آنها درسینه‌های شاه نشین‌هابانقشه‌ملات سازی و بعضی بانقشه‌بدیعی گچبری شده‌است .

و در ابتدای این قسمت کتیبه دیگری است‌بطور سینه‌بندی‌بخط ثلثی‌برجسته و مرغوبتری که ازجنبه تاریخی حائزاهمیت است وروی آن عبارات ذیل گچبری شده است که متن‌دقیق آن‌چنین است .

«لله الاعانة والاغاثة امرببناءهذه‌العمارةالرفیعةوالروضة المنیعةمرقدالمعصوم المظلوم احمد بن قاسم بن‌موسی بن جعفر بـن محمدبن‌علی‌بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیهم‌السلام . الصاحب الاعظم الاعدل الاعلم ملاذ طوایف الامم مستعبد ارباب السیف و اصحاب القلم صاحب دیوان الممالك والامم ملجأ العظماء العالم موئل صنادید بنی آدم عمیم المواهب والنعم عضد الخواقین المنصور بنصرةخیر

الناصرین قوام الحق و الدنیا والدین مغیث الخلایق اجمعین علی بن الصاحب الاعظم السعید عزالحق والدنیا والدین اسحق بن علی الصفی الماضی عظم الله تعالی جلال قدره بعمل ابن محمد علی ابوشجاع البناء».



تصویری دیگر از داخل بقعه

دراینجا تذکر چند دقیقه ضرورت یافت.

یکی آنکه در کتاب راهنمای قم صفحه ۱۲۹ تاریخ بنای این گنبد را به سال ۷۰۸ تعیین کرده است وچنین بنظر می‌رسد که مقصود مؤلفین کتاب مزبور تاریخ ۷۸۰ بوده است که موقع حروف چینی صفر آن جابه‌جاشده است.

دیگر آنکه جمله (ثمانین وستمائه) که فعلا نموداراست صحیح آن (ثمانین و سبعمائه) است که تاج عین آن بهر کیفیت گاه تعمیر و ساختن پنجره روی آن تراش داده‌شده است که این نظریه‌مورد اعتقاد نگارنده‌نیز می باشد

دیگر آنکه درنسب نامه امامزاده اشتباهی در کتیبه مزبورراه یافته نام‌موسی بدون جهت در سلسله انساب وی افزوده شده‌است‌مگر آنکه گفته شودموسی‌مزبور

شخصی دیگری به‌جز امام کاظم است که جداو و از فرزندان علی بن جعفر عریضی بوده است و از سلسله نسب وی نام موسی ساقط گردیده است که فرضیه نخست یعنی اعتقاد به اشتباه نویسنده اقرب به‌حقیقت می باشد.

و دیگر آنکه این کتیبه در بعضی از نشریات باچند اشتباه نقل گردیده است چنانکه بر جمله اول آن کلمه (من) را افزوده بدین گونه ضبط نموده اند که (من الله الاعانة والاغاثة) و یا به‌جای جمله (المعصوم) (السید الامام) و یا در پایان آن بجای بعمل (ابن محمد علی ابوشجاع البناء) چنین نقل کرده اند (بعمل محمد بن علی ابوشجاع البناء) ولی نگارنده این کتیبه را با کمال دقت قرائت کرده و آنچه که هست نقل کرده است .

و اما استعمال کلمه (ابو) در ابو شجاع که در حالت جری است وطبق موازین ادبی عربی بایستی ابی‌شجاع ضبط شده باشد بدانجهت است که این استاد هنرمند بنام ابوشجاع مشهور بوده است و نویسنده خطوط هم در کتیبه‌های گچبری شده در چند بقعه هم خوداو بوده است که تبعیت از شهرت را بر رعایت از موازین ادبی ترجیح بخشیده است .

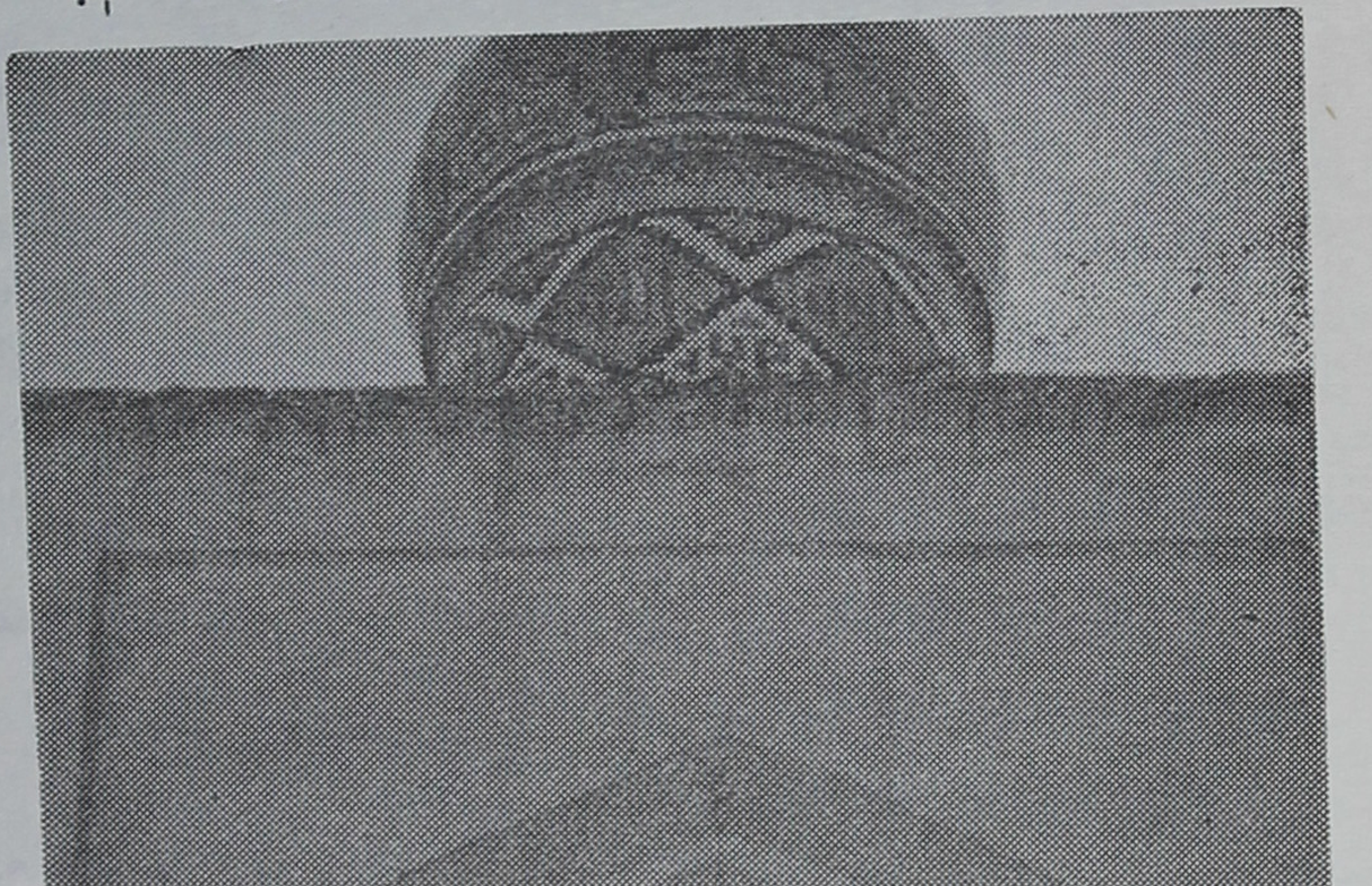
این هم ناگفته نماند که بانی این بنای تاریخی (عزالدین علی) وزیر استیفای ایران در دولت شیخ ابواسحق و آل مظفر بوده است.

باری برفراز کتیبه مزبور صورت ساختمان بشکل شانزده ضلعی در آمده در این قسمت شانزده طاقچه محرابی شکل متضمن چهار نورگیر و دوازده طاقچه دیده می‌شود که نورگیرهای مزبور میان تهی و جلو هریك مشبکی منقش باجدار مزبن به کنده کاری گچبری شده است که هریك با نقشه خاصی ساخته شده شبکه‌های آنها را باشیشه‌های سبز و قرمز پوشانده اند تا از سرمای زمستانی جلوگیری بعمل آورند.

وقسمت پائین هریك آراسته به‌نقوش جالب است و پایین شبکه جنوبی که در محاذات درب جنوبی بقعه وروی آن قرار دارد عبارات ذیل به‌خط ثلثی گچبری شده است .

«فی محرم سنة ثمانین وسبعمائه»

این تاریخ همان تاریخی است که بعضی ازمؤلفین پس ازسقوط تاج عین از فراز جمله سبعمائه وتجلی آن بصورت ستمائه تاریخ بنای بقعه را در سال ۶۸۰ ذکر کرده اند و نگارنده برای اثبات تراش تاج عین اظهارنظر کرده تاریخ بنای گنبد را بسال ۷۸۰ دانسته است که حقیقت نزد اهل تتبع آشکار است زیرا ابوشجاع علی در نیمه دوم قرن هشتم می زیسته است نه قرن هفتم چنانکه بعضی پنداشته است.



تصویری از ایوانچه مقرنس مدخل بقعه و تارك گنبد

اما دوازده طاقچه دیگر که در فواصل نورگیر ها قرار دارند از اسپر و بغله ها و پوشش آراسته به گچبریهای جالب با نقشه های مختلف و جرزهای شانزده گانه آنها نیز مزین به نقوش ملات سازی و در دو حاشیه هر یك زنجیره ایست متضمن ریزه کاریهای فنی.

و بـالای آنهـا هیئت ساختمان فلکه ای شده پا طاق پوشش عرقچینی بقعه بالا آمده است ودر ابتدای این فلکه کتیبه ایست پیشانی بندی که سومین کتیبـه دوری

و دارای دو حاشیه در زیروفراز هریك بعرض ۱۵/. سانتیمتراست و درمتن آن بخط برجسته کوفی در زمینه منقش به‌نقوش گل‌وبوته‌های زیبا و جذابی برجسته توأم‌با رنگ آمیزی سوره‌مبارکه دهر گچبری‌شده‌است.

و دراین کتیبه حسن‌خط با مهارت فنی و تخصص در گچبری زمینه تلفیق گردیده‌است چندانکه اهل فن‌را مجذوب و مسحور میسازد.

و در بدنه قوسی پوشش هم گچبریهای بسیار و ترنجهای باشماری بوده‌است که بواسطه نفوذ رطوبت از بام گنبد یك پوششی قدیمی بکلی ریخته‌اند چنانکه متن آجری‌ورومی‌پوش آن‌نمودارشده‌است.

وتنها در نقطه مرکزی پوشش عرقچینی که در زیرقبه جره‌ای قرارگرفته‌است فلکه‌ای گچبری‌شده‌است که‌درمتن آن گل‌و بوته‌های رنگارنگ بمثابه‌سبدی پراز گل‌و لاله نمودار است ودرحاشیه آن کتیبه‌ایست دوری بعرض ۲۵ر. که روی آن آیات ذیل گچ بری‌شده است.

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم شهدالله انه‌لااله الاهو و الملائکة و اولواالعلم قائماً بالسقط لااله‌الاهو العزیزالحکیم».

ایوانچه

و در مدخل بقعه ازغرب ایوانچه ایست جلو صحن که به سبك عصر در قطرپایه ساخته‌شده است این ایوان به دهانه ۲ر۵۰وعرض ۱ر۵۰وارتفاع ۵ر۵۰ متردارای ازاره‌ای‌سیمانی‌بابدنه‌ساده سفیدکاری وپوشش مقرنس‌گچی‌است که درحسن‌قطار وزیبائی ممتازاست و تمام حوضچه مقرنس‌آنهم آراسته به‌نقوش‌گچبری و کتیبه‌هائی به‌اسامی محمدوعلی‌بوده‌است که روی آنهاراگچ‌اندود ساخته‌اند.

صحن

و جلوایوانچه‌مزبور صحنی‌است بطول۱۹وعرض ۱۰متر مشتمل‌برسه حجره‌یامقبره‌نوبنیان‌وساده.

وکف‌این‌صحن‌حدودیکمترونیم‌ازسطح‌اراضی‌مجاورگوداست‌ودارای‌سردری‌است

ساده که در طرفین آن چند نما یا ایوانچه بدهانه ۳ و عرض ۱٫۵۰ متر ساخته شده است و برابر آن آب انباری متوسط و جنب آنهم غسالخانه‌ای بنیان گردیده است و این بقعه با گورستان مربوط به آن از چهار طرف بباغهای مشجری محاط است و در مجاورت گورستان در داخل باغ درخت چناری است باستانی و تاریخی که در عظمت جثه و فزونی سر و شاخه و ارتفاع قامهت در قم یگانه می باشد.

گنبد

و برفراز بقعه قبه ایست عرقچینی قدیمی که در مرکز آن گنبدی کوچکی جره‌ای بشکل شلجمی بارتفاع ۵ متر بالا آورده‌اند که عنق آن استوانه‌ای و بارتفاع دو متر و قسمت فرازین آن سه متر و سراپا آراسته به کاشیهای گره‌سازی است که در مواضع معینه آن با بکار بردن کاشیهای الوانی در بالا نام جلاله و در وسط اسم محمد و در پائین اسامی علی بطور متعاکس خوانده میشوند.

و در مجاورت درخت دروازه‌ای بود که اثر آن محو گردیده است و در یک جانب آن سقاخانه ای کاشیکاری که نیز خراب شده است و در جانب غربی آن مجرای قدیم رودخانه و در جهت جنوبی آن خندقی بزرگ و مملو از آب که از بقایای مجرای رودخانه میباشد.

فصل چهارم

در توصیف گنبد تاریخی سیدسر بخش در قم

و پیش گفتاری در امور مربوطه

پیشگفتار

درهویت مدفون ونام ونسب دوامامزاده مشهور به سیدسر بخش

پوشیده نماند که در داخل شهر قم دو بقعه مشهوره به بقعه سید سر بخش وجود داشت که مدفون دریکی از آنها همان محمدعزیزی بود که درتاریخ قدیم قم ماجرای قتل او نقل شده است ودیگری بنام اسمعیل ومربوط بقرن هفتم است که دوقرن ونیم پس از تالیف تاریخ مزبور بوده است درنتیجه نام ونسب وی درهیچیك از تالیفات ذکر نگردیده است واخیراً بعضی از مؤلفین سید سربخش اولیه را با سیدسربخش دومی که در این گنبد به خاك سپرده شده است مشتبه ساخته‌اند.

و این دوگنبد یکی درقسمت جنوبی تکیه درخت‌پیر و مقابل آن درخت بود که قبه‌اش در اثر احداث خیابان آذر درمسیر آن‌قرار گرفت و بکلی منهدم گردیدو دیگری درمحله موسومه بنام‌سیدسربخش‌یعنی‌همین‌نقطه واقع است .

مدفون درقبه‌مجاور تکیه‌درخت‌پیر محمدعزیزی است که‌نام ونسبش بعداً نگاشته میشود اما مدفون درگنبد مورد نظر از اعاظم‌نقباء وشرفاء وفضلای سادات درخطه

خراسان و بنام ابو المعالی اسمعیل بود که قسمتی از تاریخچه زندگی اورا از تواریخ عمومی و دنباله آن یعنی ماجرای قتل اورا پس از تتبع در کتب مختلفه از هر گوشه و کنار بدست آورده با استفاده از قرائن چند توأم با اجتهاد تاریخی بعداز تطبیق مطالب با یکدیگر برای نخستین بار تدوین کرده در سینه این صحایف در مرئی و منظر اهل تحقیق برای اظهار نظر قرار می‌دهد.

و قبل از آنکه تاریخچه حیات و ریاست معنوی و علت مهاجرت و ماجرای قتل ویرا نقل کند توضیح می‌دهد که برای تعیین نام و نسب هر متوفائی ناچار باید از لوح قبر و احیاناً از کتیبه داخلی بقعه‌اش استفاده کرد زیرا هر شخصیت با شاخصیتی که زندگی را بدرود گوید طبق سنت متداوله نام وی و پدر و تاریخ وفاتش را روی لوحی از سنگ حجاری کرده بر فراز قبرش نصب می کردند که این الواح برای اثبات نام و نسب متوفی از دیدگاه محاکم قضائی هم بمثابه سند رسمی تلقی میگردد چه که مدرك انحصاری و از قویترین مستندات برای اثبات نام و نشانی متوفی می‌باشند.

بنابراین نام مدفون در این گنبد اسمعیل و از احفاد امام صادق است زیرا این نام در روی لوح مزار و کتیبه کمربندی بقعه که باستانی و مربوط به‌شش قرن قبل میباشد ثبت گردیده است و اینگونه اسناد هم قابل تشکیك و تردید نیستند و هیچ نویسنده و مؤلفی هم حق ندارد که بدون داشتن اسناد معارضی به‌طرد آنها بپردازد.

و پس از اثبات نام و نسب مدفون در مقام شناسائی وی بر آمده چون در قرن هفتم دونفر بنام اسمعیل درخطه خراسان بفضل ورفعت منزلت شهرت داشته‌اند باید توضیح داد که ابو المعالی اسمعیل مورد نظر جدای از ابو المکارم اسمعیل یعنی سید ابوطالب اسمعیل بن محمد بن حسین بن ابی علی احمد ازوارقانی ابن محمد عزیزی است که بعنوان قاضی نسابه مشهور و در شهر مرو دارای محبوبیت تامه با مقبولیت عامه و متصدی مقام قضا بود و کتبی هم تألیف کرده است از جمله «شجون

الاحادیث وزهرة الحکایات که سیاح نامی یاقوت حموی رومی در سال ۶۱۴ در مرو باوی برخورد کرده او راستوده است امااین دقیقه حتی برنگارنده هم تاهمین اواخر مکتوم بود .

اما ابوالمعالی اسمعیل بن عبدالله بن حسین بن محمدبن حسین بن احمد بن محمدعزیزی ابن حسین بن محمد اطروش بن علی بن حسین بن علی بن محمددیباج ابن امام صادق است که پس از کسب علوم و اکتساب معارف اسلامی به دارالملك خراسان (نیشابور) منتقل گشت وچندان وجیه الملة گردید و بحدی رفعت منزلت وحشمت یافت که سلطان محمد خوارزمشاه اورا بمقام نقیب النقبائی کشور برگزید .

مقام نقابت نقباء از عناوین رفیعه روحانی وسیاسی بود که از آغاز خلافت عباسیان در بغداد از ناحیه آنان برای ثبت وضبط انساب سادات عباسی وعلوی برگزیده میشد ولی سادات علوی از تبعیت نقبای عباسی خودداری کردند ودر نتیجه برای آنان نقیب خاصی انتخاب میگردید ورفعت ومنزلت وحشمت ابواحمد حسین والد سیدین رضی ومرتضی در این مقام بجائی رسید که نامزد مقام خلافت گردید.

ویاسلطان محمدشریف نقیب سادات قم که پس ازشفاعت از مجد الدوله نزد مادرش سیده خاتون که از سال ۳۸۷ پس از فوت فخر الدوله شوهر خود نخست بنیابت فرزند خود برتخت نشست وبعداً ازتعویض تاج وتخت بفرزند امتناع ورزیده پس ازجنگی اورا دستگیر کرده بزندان افکند وسرانجام باوساطت وی تاج وتخت را بفرزندواگذاشت وخود کناره گرفت ازناحیه مجدالدوله بسمت نقیب النقبائی برگزیده شد که احفاد وی یکی پس از دیگری در این مقام جزءملوك ری شمرده میشدندتا آنکه امامزاده یحیی بفرمان خوارزمشاه بقتل رسید .

بالجمله در اکثر ولایات نقیبی باشخصیت وشاخصیت تامه بود که بانظر نقیب النقباء انتخاب میگردید ودر هرحال هم از وی تبعیت وجانب داری میکرد .

وابوالمعالی در سراسر خطه نفوذ سلطان محمد تا سال ۶۱۷ بدون معارض

نقیب النقباء بود که در کلیه مهام اموراز نظروفکروی تبعیت میکردندو هیچ مهمی بدون موافقت وی انجام پذیر نبود چنانکه درحمله سپاه مغول هم ارکان دولت بانظروی از تسلیم نیشابور خودداری بعمل آوردند .

بدین عصاره وخلاصه که سلطان محمد باصدور دستور برقتل ۴۵۰ تن از تجار ترکستان و سپس قتل ایلچی چنگیز خان از روی کمال غرور ، حس انتقامجوئی چنگیزخان را چندان تحریك کرد که پس از جمع آوری سپاهی از مغول بر ممالك ماوراء النهر یورش برده پس از تسخیر آنها از رود جیحون عبور کرد .

وسلطان محمد بجای جلوگیری ازعبوروی از آمویه درحالیکه چهارصدهزار تن سپاهی در اختیار داشت چون بخت بیدارش خفته وگیاه تیره بختیش رسته بود سپاه خویش را پراکنده ساخته هرلشگری را بصوبی گسیل داشت و ترکان خاتون حرم خویش راهم بامادر وفرزندان خود بهمراه ناصرالدین وزیربه قارون دژ روانه داشت و خود متوجه عراق گردید ودر سرراه خویش در نیشابور بساط عیش ونشاط بگسترانید گوئی بیقین میدانست که از ایام حیاتش جزروزی چند بیش نمانده است پس ارکان دولت را به تهیه پیرایه برای زنان خواننده ونوازنده بکار بگماشت ومهام ملکی را بکلی مهمل گذاشت .

در این خلال خبر رسید که سی هزار سوار بفرماندهی جته نویان وسویدای بهادر از رود جیحون گذشته درمسیر خویش هرشهر ودیاری را طعمه آتش قتل و غارت ساخته اند .

ازشنیدن این خبر وهم ورعبی بخاطرش راه یافته همینقدر توصیه کرد که درمهام امور از رأی ابوالمعالی تخلف نورزند وسپس از راه اسفراین متوجه شهرری گردید .

وچون بشهرری رسید خبر شنید که سپاه مغولی پس از قتل وغارت بلاد خراسان دردنبال وی میرانند در این وقت از کرده خویش پشیمان گشته می اندیشید که هرگاه در کلات با قوای مجهز میماندم هیچ نیروئی قادر برپیشروی ومقابله بامن را نداشتند

ویا اگر من با چهارصدهزار سوار سرراه‌را در کنار آب آمویه برروی دشمن می‌بستم امکان نداشت که چنگیز بتواند از آب بگذرد وبیك چنین سرنوشت شومی دوچار نمی‌گشتم .

سرانجام ازغایت خوف وهراس به‌جانب خزر بشتافت ودر پناه جنگل و آب قلعه آبسکون را مأمن خویش گردانید .

وسپاه مغول سلطان رکن‌الدین فرزند اورا از دژ فیروز کوه بزیر آورده باتمام متعلقان وهمراهان وسکنه حصار بهلاکت رسانیدند وقبل از آن خاتونان و فرزندان اوراهم درحصار قارون دژ دستگیر کرده نزد چنگیز به سمرقند فرستاده بودند که بقتل عموم فرمان داده بود .

وخبر گرفتاری خاتونان چون به خوارزمشاه رسید بلافاصله مدهوش افتاده در گذشت وچون کفنی یافت نشد اورا در لباس زندگی بخاك سپردند .

امادارالملك نیشابور که دارای جمعیتی بیش از هزار هزار تن (یك میلیون نفر) وبرج وباره‌ای متین و آهنین بود وسربازانی آزموده با اسلحه کامل داشت تسخیر آن برای مغول بدین سهولت میسور نبود .

بنابراین جته نویان و سوبـدای بهادر چون به نیشابور رسیدند خیمه‌ها برافراشتند وشهر را در محاصره گرفتند وچون مدت محاصره بطول انجامید رسولانی نزد سران ملت به داخل شهـر اعزام داشتند تـا ارکان حکومت را برتسلیم شهر اقناع سازند .

اما فخرالملك ومجیرالملك وضیاء الملك وقاضی القضات قاضی رکن‌الدین علی بن ابراهیم بانقیب النقباء ابوالمعالی اسمعیل بمشاورت پرداخته سرانجام جواب خود را باهدایای فراوان بهمراه رسولانی چرب زبان نزد فرماندهان مغول فرستادند .

ومفاد جواب چنین بود که نیشابور دارالملك خراسان، باجمعیت وارزاقی فراوان وباره‌ای متین ونیروئی مجهز است و درغیاب پادشاه تسلیم آن سزاوار نیست پس

بهتر آنستکه شما از دنبال سلطان بروید هرگاه بر او ظفر جوئید سراسر مملکت بدون منازع از آن شما خواهد بود و ما هم به لوازم نیکو بندگی قیام خواهیم کرد و گرنه راضی نشوید که سران ملت بجرم نمك ناشناسی و بیوفائی درباره مخدوم خویش در آتش انتقام بسوزند و برای همیشه در تاریخ ننگین و بدنام باشند .

و خانزادگان پس از شنیدن این پاسخ عقلائی دست از محاصره کشیده در دنبال پادشاه بسوی ری بشتافتند .

اما اشاعه اخبار سفاکی مغول و تاتار در هر دیار توأم با خبر فرار و اختفاء سلطان محمد بیش از هر کس سران ملت و ارکان دولت را در نیشابور به وحشت انداخته همگی با زن و فرزند از شهر خارج شدند و هریك مأمنی برگزیدند و از آنجمله ابوالمعالی که مسبب اصلی پایداری و عدم تسلیم شهر به آنان بود بسوی قم هجرت کرد زیرا امام فرموده بود (اذا عمت الفتن فی البلاد فعلیکم بقم وحوالیها) (در صورتیکه ممکن است مقصود امام همان زمان خاص صدور این خبر باشد نه هر زمان) .

بهر صورت ابوالمعالی در خارج حصار شهر خانه و باغچه‌ای برای سکونت خویش برگزید و با خاطری آشفته به عبادت و بندگی اشتغال ورزید .

اما جته نویان پس از قتل مردم ری از راه قم عازم همدان بود تا از گرمای زننده تابستان خود را نجات بخشد و در بین راه تنی چند از مفسدان که در سپاه مغول بنام راهنمائی راه یافته بودند قتل مردم قم به استناد آنکه رافضی مذهبند واجب و مستوجب اجر جزیل جلوه داده او را برای قتل عام مردم قم مصمم ساختند بویژه که گاه رسیدن به پشت حصار شهر با دروازه‌های بسته و مقاومت اهالی روبرو و برای تسخیر آن روزها تلاش کرده سرانجام هم با زدن نقب در زیر باره و انفجار باروت قسمتی از حصار متین قم را منهدم ساخته بشهر رخنه یافت و کرد آنچه که کرد یعنی به جز مردمیکه توانائی فرار داشتند و رفته بودند بقیه کشته شدند .

و در این بلیه همگانی و فتنه ضد انسانی که توأم با قتل عمومی و غارت نقاید و نفایس و

احراق احمال و اثقال و تخریب مدارس و مساجد بود قم به و یرانه ای جغدنشین تبدیل گردید و
دو تن از نقباء و شرفای سادات چنانکه از کتیبه ها و قرائن بدست آمده است نیز کشته شده اند
که در هیچ تاریخی جزئیات حادثه ضبط نگردیده است .

یکی سید جعفر نقیب موسوی که در غربی شهر دارای قبه و بارگاه و از بناهای قرن
هفتم است که حدود پنجاه سال پس از قتل او یعنی در سال ۶۶۷ ساخته شده است
و دیگری همین ابوالمعالی اسمعیل است که بقعه و قبه اش در سال ۷۷۴ بنیان گردیده
است و چون نامبرده را مسبب عدم تسلیم مردم نیشابور معرفی کرده بودند سر او را
از تن جدا ساخته نزد امیرزاده بردند و پس از آنکه تن وی را در خانه مسکونیش با
ترس و لرز بخاك سپردند و جته نویان از این منطقه دور شد سر او را بهر کیفیت از میانه
سرهای بریده ایکه روی هم انباشته بودند بدست آورده در نزدیکی بدنش دفن کردند .

سید سر بخش محمد عزیزی

اما سید محمد عزیزی و آن سر بخشی که در بقعه مقابل درخت پیر
و در جنوبی تکیه اش مدفون است در پایان پیشگفتار ماجرای قتل
چگونگی بقعه وی و علت انهدام آن را بطور فشرده بیان
میکنند ، تا نقطه ابهامی باقی نماند .

نام و نسب وی چنانکه در تاریخ قدیم قم خبر داده است (سید محمد بن عبدالله
عزیز ابن حسین بن علی بن محمد دیباج ابن امام جعفر الصادق) است .

مادر وی فاطمه خاتون خواهر شاهزاده احمد بن قاسم است که در قبه برادرهم
بخاك سپرده شده است و داستان هجرت آنان از مدینه به قم قبلا نگاشته شد .

سید محمد معروف به عزیزی سیدی دلاور و قوی الجثه و شجاع و نیرومند بود که
در اواخر قرن سوم برای زیارت اعتاب عالیات با کاروانی عازم بغداد گشت.

و در نزدیکی نهروان با گروهی از راهزنان روبرو شدند و کاروانیان بدو توسل
جسته استمداد طلبیدند و سید هم لباس فاخری برتن کرده کمر و شمشیر خود را حمایل
نموده عمامه سبزی برسر نهاده نزد قاطعان طریق آمده بدو آزبان بشفاعت بگشود و سخن

به درازا کشیده وچون راهزنان اورا چنانکه باید تحویل نگرفتند کارشان از مکالمه به مشاجره منجر و به استعمال حربه منتهی گردید مردم کاروان که در کناری ایستاده بودند دستی نگشودند و با نگرانی صحنه را مینگریستند وسرانجام سید در آن میان به قتل رسید وسراورا از تن جدا ساخته نزد مهتر خویش فرستادند و کلیه اموال کاروان را به چهارپایان نهاده باخود بردند ومردم را در صحرا گذاشتند .

مردم کاروان برهنه و گرسنه بدون نقدینه ومرکوب مانده از عزیمت به عراق منصرف وراه رفته را باز گشتند وغلامان سید تن مولای خودرا باکمك مردم خیر خواه به جانب قم نقل داده درخانه مسکونیش در نقطه یادشده قرب مسجدرضائیه که قسمتی از آن کنار خیابان باقی است بخاك سپردند و یکی از نزدیکان وی از دنبال راهزنان نزد امیر شان رفته بهر کیفیت سرسید را بازگرفت و از دنبال کاروان براه افتاده پس از چند روز بقم درآمدودر نتیجه سراورا هم در گوشه بقعه جدای از تن دفن کردند .

قبه سید سربخش مدفن محمد عزیزی

و پس از دفن وی بر فراز قبرش بقعه‌ای که ازخارج بشکل برجی و از داخل چهارضلعی متساوی به دهانه ۴ متر بود باقبه عرقچینی بنا نهادند ولی مقبره وی بهر جهت مورد توجه عمومی واقبال همگانی واقع نگردید وضریحی هم نداشت واخیراً هم قهوه خانه تکیه در مواقع سوگواری وانبار اثاث تعزیه‌داری در ده‌ماهه بقیه سال شده بود .

در این بقعه دو مرقد سنگی وجود داشت یکی به ارتفاع ۵۰% وعرض ۷۰% سانتیمتر وطول ۲ متر بالوحی سنگی دارای کتیبه‌ای در دوازده سطر بخط برجسته ثلثی حاکی از نام ونسب سید محمد عزیزی که اخیراً نگارنده گاه عبور از کوچه مزبور آنرا دیدار کرده به اشتباه خوددر اظهار نظر قبلی به تبعیت از دیگران پی برده است .

و مرقد دیگری در نزدیك مدخل بقعه زاویه شمال شرقی به همان ارتفاع باطول یك وعرض نیم متردارای لوحی سنگی که بخاطر نداردروی آن چیزی حجاری

شده بود یا نه.

متأسفانه در اثر امتداد خیابان آذر از میدان کهنه تا آخر شهر قسمتی از جلو تکیه مزبور تا گذر چهل اختران یعنی کمتر از نیمی از طول کوچه درخت پیر در مسیر خیابان آذر قرار گرفت چنانکه بقعه بکلی از بین رفت.

و نگارنده هنگام تدوین این مجموعه چون به محل مزبور رفته به بررسی پرداخت معلوم شد که در باقیمانده از محوطه تکیه و مسجد مسجد جدیدی بنا کرده اند که بقعه سید سر بخش درست در ده متری جدار مسجد قرار داشته و اکنون وسط خیابان افتاده است و روی جدول کنار خیابان در نقطه ایکه کوچه درخت پیر بشکل مورب به خیابان میرسد قطعه سنگی را پل ساخته بودند که چون دقت کردم دیدم کلمات ذیل روی آن هنوز قابل تشخیص است و معلوم شد این تخته سنگ قسمتی از لوح قبر سید سر بخش است که چون گنبد را روی آن خراب کرده بودند شکسته و به دو نیم یا به چندین قطعه شده است و قسمت بالای آنرا روی جدول خیابان برای عبور چهار پایان پل قرار داده اند و در اثر یخ ساری و پایمالی و اصطکاك با نعل دواب اکثر حروف آن ریخته است و نگارنده چند کلمه روی آنرا ضبط کرده به کسبه محل توصیه کرد تا آنرا حك کردند و بعداً هم آنرا روی پله مسجد مزبور نصب نمودند که اگر این لوحه نفیس تاریخی را در موزه ضبط کرده بودند زیاده مفید و مستند بود.

هذا ... الشهید .. محمد. عبد..... الامام ...

که نسل معاصر بالخصوص کسبه محل وجود این رابقعه بخاطر دارند و حقیقت روشنتر از آنستکه اهل تتبع دوچار اشتباه شوند.

با این حال در سال ۱۳۳۷ قمری که شادروان آقا شیخ محمد علی کچوئی بتألیف تاریخی در سه جلد برای قم پرداخته است در جلد دوم آن بنام انوار المشعشعین که ویژه امامزادگان است چون از کوچه درخت پیر عبور نکرده و این بقعه را دیدار ننموده بوده است به استناد اینکه در تاریخ قم فقط از قتل محمد عزیزی در نهروان بدست

راهزنان و نقل جسد وی بقم و دفن آن در نزدیکی مسجد رضائیه و سپس از آوردن سر وی و دفن آن در جوار تن خبر داده است و از امامزاده‌ای باسم اسماعیل که کشته شده باشد خبر نداده است پس باید گفت که لوح مزار و کتیبه کمربندی آن بنام اسمعیل اشتباه و صحیح آن محمد عزیزی است.

در حالیکه بقعه منهدم شده هم قرب مسجد رضائیه و نزدیك با صحن چهل اختران واقع است به اضافه دفن وی در نزدیکی مسجد دلیل بر آن نمی‌شود که گنبد موجود را از محمد عزیزی بدانیم بعلاوه که بقعه محمد عزیزی مشخص و معین بوده است و بالاتر از همه وجود لوح قدیمی و کتیبه باستانی گنبد مورد نظر است که اقوی دلیل بر دفن اسمعیل در این بقعه میباشد.

واما سکوت مؤلف تاریخ قم از ذکر سانحه قتل وی بدانجهت است که تاریخ مزبور در اواخر قرن چهارم تألیف گردیده است و حادثه کشتن وی در اوائل قرن هفتم رخ داده است و تبعیت نگارنده هم از ایشان ناشی از عدم تتبع بوده است.

بالجمله منشأ بروز این اشتباه یکی آنستکه مؤلف کتاب انوار المشعشعین بقعه واقعه در برابر تکیه درخت پیر را ندیده سید سربخشی به غیر محمد عزیزی هم چون نگارنده در گذشته سراغ نداشته است.

در ثانی بدانجهت بوده است که در کتب تاریخی هم تتبع نداشته است تا بر هویت اسمعیل مدفون در گنبد مورد نظر پی ببرد.

در نتیجه بر بی‌اعتباری لوح مزار و کتیبه باستانی بقعه حکم کرده یکچنین کتیبه ایرا که البته زیر نظر علمای اعلام از ناحیه وزیر دانشمندی چون میر غیاث الدین محمد بن علی صفی ساخته شده و نزد اهل فن بعنوان دلیل قاطع تلقی بقبول میگردد آنهم بدون هیچ مستندی طرد نموده به اجتهاد در برابر نص مصداق بخشیده است.

بالجمله سید سربخش در قم دو تن بوده‌اند و بقعه‌شان نیز متعدد بوده است چنانکه در خراسان هم ابو المعالی اسمعیل از ابو المکارم اسمعیل جدا و دو اسمعیل نام در قرن

هفتم بوده اند که بعضی از مؤلفین حتی خود نگارنده هم قبلا آنان را بیکدیگر مشتبه ساخته اند.

اما گنبد مورد سخن

پوشیده نیست که بقعه تاریخی سید سر بخش از بناهای اصیل تاریخی است که از نام بانی و تاریخ بنا و حتی از استاد گچبری آن نیز حکایت میکنند.

این بقعه گنجینه آثار هنری ابوشجاع علی بناء و حاکی از تاریخ بنای آن به سال ۷۷۴ هجری و نام بانی آن میر غیاث الدین محمد فرزند علی صفی شهریار عراق است.

و از ابوشجاع آثار ارزنده چندی در گنبدهای تاریخی این شهر بیادگار باقی است که یکی در بقعه خواجه اصیل الدین در سال ۷۶۱ و دیگری در بقعه خدیجه خاتون پنج فرسنگی بسال ۷۷۰ و سومی همین بقعه بسال ۷۷۴ و آخری در بقعه احمد بن قاسم بسال ۷۸۰ میباشند که پس از شش قرن مانند آینه رخشانند.

قاعده گنبد از خارج مضلع مسدس و آجری نمابندی و از داخل مربع متساوی-الاضلاع به دهانه ۵ و ارتفاع ۹ متر با چهار شاه‌نشین هریك بدهانه ۲/۵۰ و عرض ۸۰٪ سانتیمتر میباشد و ازاره آن نیمی سیمانی زرد رنگ و نیمی کاشیکاری خشتی فیروزه‌ای به ارتفاع یکمتر که هردو تعمیری و تجدیدی هستند.

و روی آن تمام جرز و اسپر و بغله‌ها مزین به کنده‌کاری و گچبری با نقشه ملات‌سازی است.

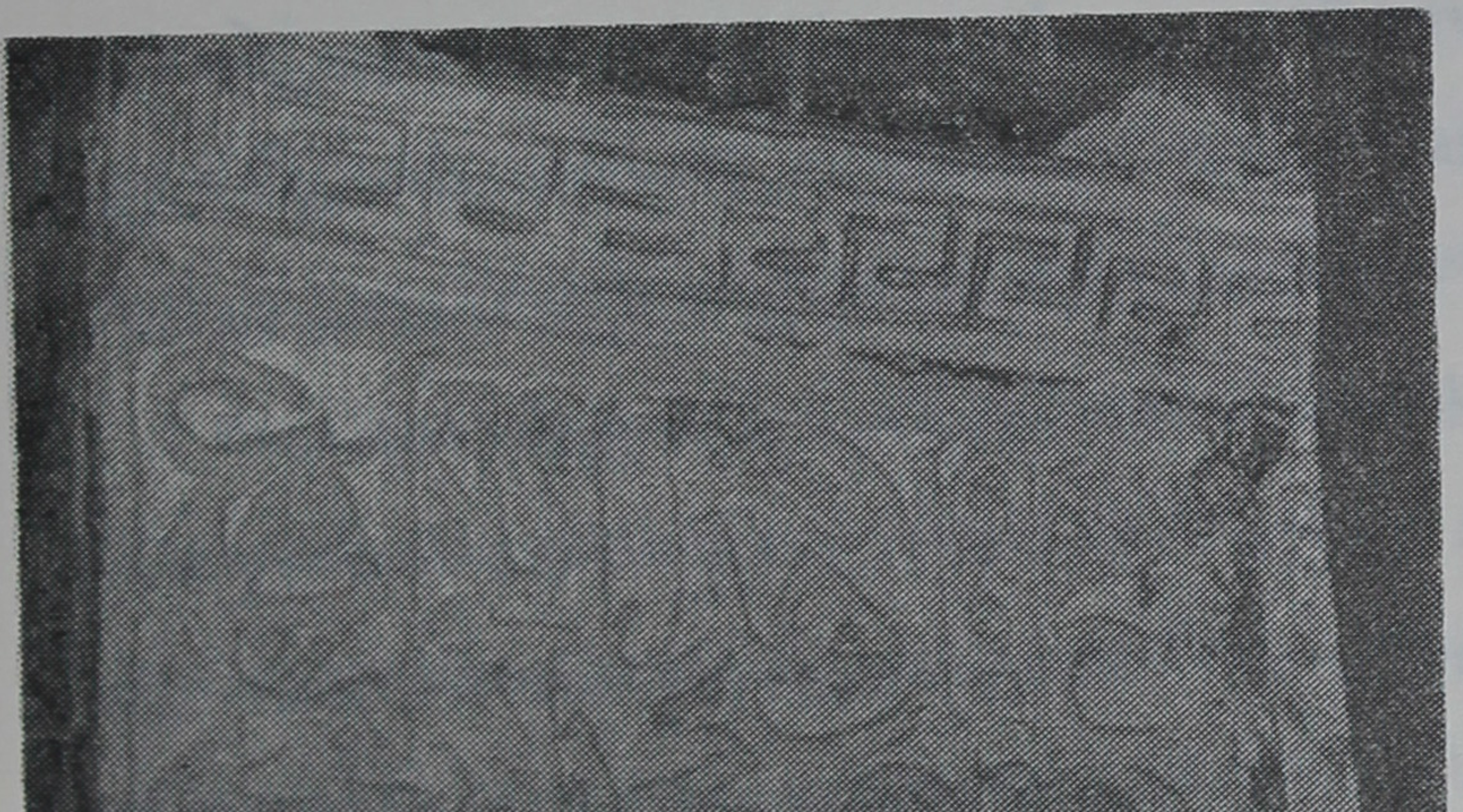
و در بدنه هر جرز در ارتفاع ۲۰ر۱ متری طاقچه‌ایست گیلوئی به دهانه ۶۸٪ و ارتفاع ۸٤٪ سانتیمتر آراسته به اسپر و بغله و پوشش گچبری با حاشیه‌ای زنجیری که درون آن بطور تکراری اسامی محمد و علی گچبری شده‌اند.

و در اسپر شاه‌نشین جنوبی محرابی گچ‌بری شده است که خود مجموعه هنری است بدین تفصیل که در اطراف آن گل و بوته‌های برجسته و در متن آن نقشه کامل محراب شکسته و در جبهه آن روی قوسی محراب کتیبه‌ایست بخط برجسته کوفی بعرض ۱۵٪

و طول ۱٫۲۵ متر که روی آن عبارات ذیل گچبری شده است (لااله الاالله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله) ودرچهارجهت محراب حاشیه‌ایست نیززنجیری بعرض ۳۰% که روی آن بخط بنائی درجانب شرقی اسامی جلاله ودرسه‌جانب دیگر پانزده بار نام محمد کنده‌کاری شده است .

و متصل به آن درسه جانب از بالا وطرفین محراب کتیبه ایست بخط ثلثی برجسته که‌روی آن آیه شریفه ذیل گچبری شده‌است .

اقم الصلوة لدلوك الشمس الی غسق اللیل و قرآن الفجر ان قرآن الفجر کان مشهودا بعمل علی بن محمدبن ابی شجاع .



تصویری از قسمت آخر کتیبه حاکی ازنام ابی شجاع بنا

و برفراز آن گل و بوته های متنوعـی است دارای برگهای درشت که دروسط هر برگ کتیبه‌ای از نام جلاله‌یا اسامی محمد و علی کنده کاری شده‌اندولی تادقت نشود تشخیص داده‌نمیشود .

و بالای محراب کتیبه‌ایست کمربندی بخط ثلثی ممتاز ودرشتی که بغله‌ها و اسپرشاه‌نشین‌ها را هم زینت بخشیده‌است و روی آن سوره مبارکه فتح ویازده آیه از اول سوره دهر خوانده می‌شود .

و برفراز آن در جبهه دوشاه‌نشین شرقی وغربی ترنجی فلکه‌ایست که درون

آنها چندنام علی بطور متعاکس گچبری شده‌اند .

ودر چهار زاویه بقعه نیم‌طاقی بالا آمده‌است به ارتفاع ۲٫۸۰ متر که صورت چهار ضلعی‌را به هشت ضلعی تبدیل کرداه‌ند و تمام‌بدنه قوسی‌شکل آنها آراسته به گچبریهای متنوع توأم با رنگ‌آمیزی است .

ودرابتدای قسمت‌هشت ضلعی کتیبه دیگری است‌به خط ثلثی ممتازو برجسته بعرض ۵۰٪ بادوحاشیه کنده کاری که درزمینه مزین به‌گل‌و بوته‌های برجسته‌عبارات ذیل گچبری شده‌است .

ذکرالقدیم‌اعلی‌وبالتقدیم اولی

امر ببناء هذه‌العمارة الرفیعة المنیعة مرقد الامام‌المعصوم المظلوم اسمعیل‌بن محمدبن الامام جعفرالصادق علیهم‌السلام الصاحب الاعظم . الاعدل الاعلم والی اقالیم الفضل والکرم مستند ارباب السیف و اصحاب القلم المنصور بنصرة خیر الناصربن غیاث‌الحق و الدنیا والدین‌امیرمحمدبن المولی المخدوم الاعظم الاعدل الاعلم‌جمال‌الحق‌والدنیاو الدین‌علی الصفی‌اعلی‌الله‌شأنهماو رفع‌فوق‌الفرقدین‌مکانتهما فی محرم‌الحرام سنته۷۷۴ .

واز کتیبه تاریخی و باستانی‌فوق‌بر سبیل‌اشاره‌یا کنایه‌مطالبی‌مستفاد می گردد که پس‌از توصیف بقعه نگاشته خواهدشد .

و برفراز کتیبه مزبور هیئت ساختمان ازهشت ضلعی بصورت شانزده ترکی منظم مبدل گردیده است‌ودر این‌قسمت شانزده طاقچه یانماچه ساخته شده که‌یکی درمیان نورگیرندوجلو آنها شبکه‌ای گچبری گردیده است‌وهنوز سه مشبك قدیمی برای‌نمونه باقیست .

وهشت نماچه توپر آراسته به‌اسپرو بغله‌ها وپوشش گچبری بانقشه‌ملات‌سازی است‌و جرزهای شانزده‌گانه فاصل‌میانه آنها نیزمزین به کنده کاری ودارای‌دوحاشیه زنجیری‌هریك‌بعرض ده‌سانتیمتر میباشد که‌متضمن‌نازك کاری‌و مشتمل براسامی‌تکراری

محمد و علی بخط بنائی است .

و بالای آنها صورت مضلع به‌شکل فلکه‌ای در آمده پاطاق پوشش عرقچینی آن بالا آمده است .

و در ابتدای این قسمت کتیبه‌ایست گلوبندی بعرض شصت سانتیمتر آراسته به گچبریهای دقیق فنی بادو حاشیه زنجیری بعرض ده‌سانتیمتر متضمن اسامی مزبور که‌در متن آن بخط کوفی برجسته سوره مبارکه دهر (هل اتی علی الانسان) در زمینه آراسته به‌گل و بوته‌های برجسته گچبری شده‌است .

و در بدنه قوسی پوشش چهار ترنج طراحی شده‌است که‌در متن گل و بوته‌دار آنها اسامی محمد و علی گچبری گردیده است و در حاشیه آنها بطور فلکه‌ای کتیبه‌ایست که‌بخط ثلثی روی آن عبارات ذیل خوانده میشود .

لااله الاالله محمد رسول الله علی ولی الله.

و قسمتی از تزیینات آن بطوری فروریخته که آجرهای آن نمودار گردیده‌است ولی در نقطه‌مرکزی پوشش فلکه‌ایست که‌متن آن گل و بوته‌های رنگارنگ و بمثابه‌سبدی پراز گل است و در حاشیه آن کتیبه‌ایست بعرض تقریبی بیست سانتیمتر که‌علاوه بردوری ازچشم بصورت نیمه محوی در آمده است و تاجائیکه نگارنده تشخیص میدهد روی آن عبارات ذیل گچبری شده‌است .

(بسم الله الرحمن الرحیم کل شیء هالك الا وجهه له الحکم والیه یرجعون قال رسول الله من زار احداً من ذریتی فکانما زارنی و من زارنی فقد زارالله عزوجل).

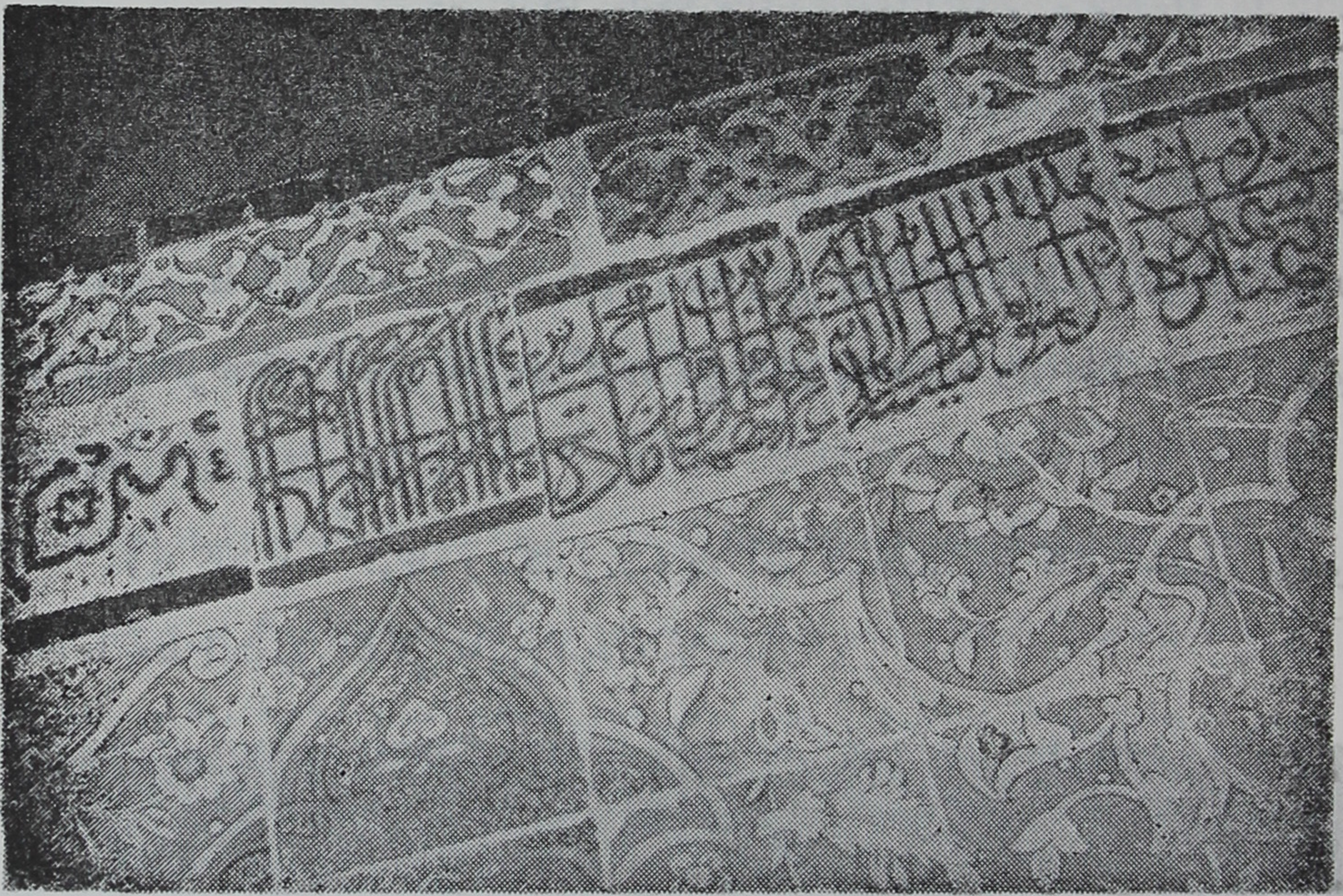
مرقدین

و در وسط بقعه مرقدی است فاقد ضریح چوبی به ارتفـاع یك متر و دو سانتیمتر و طول سه و عرض یك متر و نیم که مسامت قبله ساخته شده است و نسبت به بنای بقعه که شمالی جنوبی است سی و سه درجه انحراف دارد.

و تمام جدار آن آراسته به کاشیهای خشتی منقش هفت رنگ عصر قاجـار و شاید از صفوی و در سطح آن طرف بالای سر، لوح مزاری است که فعلا مرکب از پنج

پارچه کاشی است که یکی از آنها وارونه نصب شده است و بقیه آنها شکسته است و دارای کتیبه ایست به خط ثلثی که روی آن بخط مشکی عبارات ذیل نوشته شده است.

بس بسمه تیمناً بذکره هذا امشهد المنور المعطر المکرم السید اسمعیل بن محمد بن الهمام الامام جعفر الصادق بن الامام محمد الباقر .... ابو الحسنین علی ابن ابیطالب .



تصویری از کاشیکاری روی مرقد و لوحه آن

و در گوشه شمال شرقی بقعه مرقد کوچکی است نیز منحرف از بنای بقعه و بارتفاع نیم متر و طول یک متر و عرض شصت سانتیمتر که چهار بدنه اش آراسته بهمان نوع کاشیهای منقش هفت رنگ است ولی کاشیهای سطح آن تجدیدی تعمیری با زمینه طلائی دارای کتیبه ایست بخط مشکی نامرغوب که روی آن عبارات عامیانه ذیل نوشته شده است .

هذا المقام المبارک المحترم اللرأس شاهزاده اسمعیل بن محمد بن جعفر الصادق صلوات الله علیه و علیهم اجمعین فی التاریخ شهر محرم الحرام ۱۳۵۱ الکاتب و العمل سید ابو القاسم بن سید حسین .